پخش الکترونیک از کانال تلگرام
@yeki_az_yarane_farhang

کرونولوژی تاریخ ایران



بهترین مرجع فشرده و جامع تاریخ ایران
از ادوار پیش از تاریخ تا عصر حاضر
با انضمام تاریخ مشروطیت ایران
قابل استفاده
مفسران و نویسندگان و دانشجویان
و سودمند برای اهل تحقیق و دیگر طبقات
علاقمند به مطالعه

تألیف
دکتر بهاءالدین پازارگاد

کرنولوژی تاریخ ایران

بهترین مرجع فشرده و جامع تاریخ ایران از ادوار پیش
از تاریخ تا عصر حاضر بانضمام تاریخ مشروطیت ایران
قابل استفادهٔ مفسران و نویسندگان ودانشجویان وسودمند
برای اهل تحقیق و دیگر طبقات علاقمند به مطالعه

تألیف
دکتر بهاءالدّین پازارگاد

کتابفروشی اشراقی
تهران - خیابان شاه آباد تلفن ۳۹۹۰۸

چاپ اول

اسفند ماه ۱۳۴۵



حق چاپ محفوظ است

پنج هزار نسخه ازاین‌کتاب در چاپخانه بانك بازرگانی ایران در اسفند ماه ۱۳۴۵ بچاپ رسید

توضیحی

در مزایای این کتاب و موارد استفادهٔ از آن

۱ـ این اولین تاریخ ایران است که بصورت کرنولوژیك یعنی به‌ترتیب تاریخ وقوع حوادث نوشته شده وزمان وقوع هرواقعه را با منتهای سهولت به‌خواننده نشان میدهد.

۲ـ دراین کرنولوژی باوجود اختصار سعی شده است هیچ‌یك از وقایع حساس و مهم تاریخی که بفرهنگ وتمدن ایرانی وروابط خارجی‌آن مربوط میشود ازقلم نیفتد وآنچه که ارزش‌تاریخی‌دارد درآن گنجانیده‌شده تااستفاده کنندگان‌ازاین کتاب‌را ازمراجعهٔ به‌کتابهای تاریخی مختلف بی‌نیاز سازد.

۳ـ نسبت به تاریخ تمدن و فرهنگ وادبیات وهنروصنایع ومذهب در ادوار تاریخی ایران توجه مخصوص بعمل‌آمده ودرمقدمهٔ هردوره خارج از متن کرنولوژی بطور فشرده از سیرتمدن وفرهنگ سخن گفته شده تاکتاب جامعتر وبیشترسودمند باشد.

۴ـ جغرافیای هر دوره وهرسلسله نیز در مقدمهٔ آن دوره آمده است.

۵ـ سلسلهٔ حوادث تاریخی در این کرنولوژی سعی شده است که بیشتر با یکدیگر پیوستگی داشته باشد واسباب وعلل‌حوادث مختلف وتحولات نیز باختصار بیان شده است تا خواننده بتواند برای خودازآنها استنباط منطقی وقضاوت تاریخی‌نماید وازاین‌حیث‌مطالعهٔ کتاب بخودی‌خود بمنزل‌آزمایشی‌سوشمند (تست) است که خواننده ازمیزان تفکر واستنباط واستدلال خود بعمل میاورد.

۶ـ تاریخ مشروطیت ایران و هم تاریخ تحولات بیست سالهٔ اخیر بنحوی فشرده و درعین‌حال جامع و رسا ذکرشده وبا مقایسه باسایرحوادث مفصل‌تر بیان شده است.

۷ـ سیر روابط ایران‌باکشورهای خارجی درقرن اخیر بدقت ذکرشده وپیوستگی‌این روابط که بیشتراسباب وعلل حوادث داخلی ایران را تشکیل داده بخوبی مشهود است واز این‌حیث شاید بیش‌ازکتابهای‌بزرگ وپرحجم خواننده رابمسائل‌ایران‌وسیرحوادث وروابط خارجی ایران در قرن اخیر آشنا میسازد.

۸ـ این‌کتاب در عین حال‌که برای مواقع امتحانات داخلی و نهائی تاریخ قابل استفاده بلکه مورد احتیاج زیاد دانش‌آموزان دبستانها و هم تمام‌کلاسهای دبیرستان است برای دانشجویان‌که فراغت‌کمی جهت مطالعهٔ کتب مفصل و متعدد تاریخ دارند مرجعی باارزش است وهم سایرافراد تحصیل‌کرده وهوشمندواهل مطالعه‌که فراغت‌وحوصلهٔ‌خواندن کتابهای مفصل را ندارند مانند یك‌کتاب مرجع (رفرنس) درمورد تاریخ ایران وبخصوص تعیین زمان وقوع وقایع و تواریخ حوادث میتوانند حداکثر استفاده را ازآن بنمایند.

۹ـ چون درك اوضاع تاریخی ایران و سلسله‌های پس از غلبهٔ اعراب بسبب اینکه بیشتر اوقات در نقاط مختلف ایران بیش ازیك سلسله سلطنت یا حکومت میکرده‌اند برای غالب دانش‌آموزان ومطالعه‌کنندگان تاریخ ایران مشکل است درپایان‌کتاب جدولی‌ترتیب داده شده‌که تعداد سالها و سنوات وسلسله‌ها را طوری نشان میدهد و در نظرخواننده‌مجسم میکندکه دیگر جای ابهامی باقی نخواهد ماند.

۱۰ـ وسعت حوزهٔ حکومت سلطنت هرسلسله‌طبق نقشهٔ‌جداگانه نشان‌داده‌شده که کمك فراوانی به روشن شدن خوانند، به منطقهٔ حکومت ایران درهر دوره میباشد.

فهرست مندرجات

صفحه

جغرافیای ایران باستان ۹
کیش و آئین ایران باستان ۱۰

(الف) تاریخ باستانی (پیش از اسلام)

(۱) تاریخ سلطنت ایلام ۱۱
کرونولوژی تاریخ ایلام ۱۲
(۲) تاریخ سلطنت مدها ۱۳
(۳) سلطنت پارسها
یا امپراطوری بزرگ هخامنشی ۱۵
جغرافیا ۱۵
سازمان امپراطوری ۱۶
امور قضائی ۱۶
زبان ۱۷
مذهب رسمی ۱۷
مذهب شاهان-مذهب مردم-مذهب مغ‌ها ۱۸
کرونولوژی سلطنت هخامنشی ۱۹
سلطنت کوروش بزرگ ۲۰
سلطنت کمبوجیه ۲۴
سلطنت داریوش بزرگ ۲۵
سلطنت خشایارشا ۲۸
(۴) سلطنت اسکندر ۳۴
(۵) سلطنت سلوکیان ۳۶
دورهٔ هرج و مرج و شورشها و فترت ۲۶
ایران در زمان اسکندر و سلوکیان ۳۹

صفحه

(۶) سلطنت اشکانیان (پارتها)
جغرافیا-تمدن-مذهب و فرهنگ در دورهٔ پارتها ۴۰
کرونولوژی دورهٔ اشکانی ۴۲
(۷) سلطنت ساسانیان
جغرافیا-تمدن-مذهب و فرهنگ در دورهٔ ساسانیان ۵۰
مذاهب خارجی ۵۲
تمدن و فرهنگ ۵۳
سلطنت اردشیر اول ۵۵
سلطنت شاپور اول ۵۶
ظهور مزدك ۶۵
سلطنت خسرو ۶۶
قتل عام مزدکیان ۶۷
سلطنت دوم خسرو پرویز ۷۱
سلطنت یزدگرد سوم-جنگهای ذوقار و زنجیر ۷۴
جنگ‌های جسر-قادسیه-جلولا-نهاوند ۷۵

(ب) دورهٔ حکومت اعراب

(۸) خلافت ۳ نفر از جمله ۴ نفر خلفای بعد از حضرت رسول اکرم (ص) ۷۷
ایران در زیر حکومت اعراب ۷۷
کرونولوژی دورهٔ حکومت عرب ۷۹
(۹) حکومت خلفای اموی (بنی امیه) ۸۱

صفحه

قیام ابومسلم خراسانی ـ جنگ بزرگ زاب ۸۸
(۱۰) حکومت اولین هفت خلیفه از خلفای عباسی تا تجدید استقلال ایران ۸۸
شورش قرمطیان ۹۴

(ج) تاریخ پس از اعراب شامل ۷ عصر

(عصر اول) ـ دوره فئودالیسم و سلسله‌های کوتاه مدت ایرانی ۹۵

(۱۱) سلسلهٔ طاهریان ۹۵
(۱۲) سلسلهٔ صفاریان ۹۶
علویان ۹۷
(۱۳) سلسلهٔ سامانیان ۹۹
(۱۴) سلسلهٔ آل زیار ۱۰۰
(۱۵) سلسلهٔ دیلمیان (آل بویه) ۱۰۱
(۱۶) سلسلهٔ غزنویان ۱۰۳

(عصر دوم) ـ عصر ترکان سلجوقی

(۱۷) دورهٔ سلجوقیان ۱۰۶
سلطنت جلال الدین ملک شاه ۱۰۸
ظهور فرقهٔ اسمعیلیه و قیام حسن صباح ۱۰۹
دورهٔ جنگهای داخلی و فئودالیسم ۱۱۱
سلاجقهٔ کرمان ـ سلاجقهٔ غور ـ سلاجقهٔ خوارزم ـ قراختائیان ۱۱۲
ترکان غز ـ اتابکان فارس ـ اتابکان آذربایجان ۱۱۴
اتابکان لرستان ۱۱۵
سایر اتابکان و امرای سلجوقی ـ سلسلهٔ بور ـ سلسلهٔ زنگی ـ سلسلهٔ اورتوکیه ـ سلاجقهٔ ارمنستان ـ سلاجقهٔ روم ۱۱۵
تجدید قدرت خلفا و انقراض ایشان ۱۱۶

عصر سوم ـ سلطنت مغول و دورهٔ فئودالیسم

تمدن و فرهنگ و ادبیات در دوره مغول ۱۱۷

صفحه

مورخین و تذکره نویسان عصر مغول ۱۱۹
شعرا و نثر نویسان دورهٔ مغول ۱۱۹
کرونولوژی دورهٔ مغول ۱۲۰
سلطنت ایلخانیان (چنگیزیان) در ایران ۱۲۱
فهرست سلسله‌های کوچک مغول که در دورهٔ ملوک الطوایفی در ایران حکومت کرده‌اند:
(الف) ایلخانیان دست نشانده ۱۲۴
(ب) سلسلهٔ جلایر ۱۲۴
(ج) مظفریان یا آل مظفر ۱۲۵
(د) کردان هرات یا آل کرت ۱۲۵
(ه) سربداران ۱۲۶
(۱۹) سلسلهٔ تیموریان و فئودالیسم
(الف) سلسلهٔ تیموریان ۱۲۶
حکومت سلسلهٔ قراقوینلو ۱۳۰
حکومت سلسلهٔ آق‌قوینلو ۱۳۰
سلطنت مغول در هند ۱۳۱

(عصر چهارم) (سلسلهٔ ۲۰) سلسلهٔ صفوی

سیر تمدن و فرهنگ و مذهب و ادبیات و هنر در دورهٔ صفوی ۱۳۲
کرونولوژی دورهٔ صفوی ۱۳۵
سلطنت شاه عباس اول ۱۴۱
تجدید جنگهای با عثمانی ۱۴۲
شرکت هلندی در خلیج فارس ۱۴۳
شورش و استقلال هرات ۱۴۸
حکومت محمود افغان ۱۴۹
حکومت وحشت و ترور در اصفهان ۱۴۹
حکومت اشرف ۱۵۰

(عصر پنجم) (سلسله‌های ۲۱ و ۲۲) افشاریه و زندیه و فئودالیسم

(الف) سلسلهٔ افشاری ـ سلطنت نادرشاه ۱۵۳
(ب) دورهٔ هرج و مرج ۱۵۷

صفحه

(ج) سلسله زندیه ۱۵۸

(عصر ششم) (سلسلهٔ ۲۳) سلسلهٔ قاجار

نظری کلی باوضاع ایران در زمان قاجاریه ۱۶۲
کرونولوژی دورهٔ قاجار ۱۶۳
جنگ ایران وروس ۱۶۶
عقد پیمان گلستان ۱۶۸
عقد پیمان ایران وانگلیس ۱۶۹
آخرین جنگ بادولت عثمانی ۱۷۰
تجدید جنگ بین ایران‌وروس ۱۷۰
عقد پیمان‌ترکمن چای ۱۷۱
محاصرهٔ هرات ۱۷۳
قیام آقاخان محلاتی ۱۷۶
سلطنت ناصرالدین‌شاه ۱۷۷
امتیازرویتر- تأسیس بریگاد قزاق- بانك شاهنشاهی ۱۸۲
تحریم‌تنباکو ومقدمات انقلاب ایران ۱۸۳
ترور ناصرالدین‌شاه ۱۸۴
سلطنت‌مظفرالدین‌شاه ۱۸۵
امتیازنفت دارسی ۱۸۶

آغاز انقلاب مشروطیت ایران

اولین کمیتهٔ انقلابی ۱۸۹
صدارت عین‌الدوله ۱۹۰
مسئلهٔ بهای قندومقدمات شورش ۱۹۱
آغاز انقلاب ۱۹۳
تحصن در سفارت انگلیس ۱۹۴
صدور فرمان مشروطیت ۱۹۶
اولین مجلس مؤسسان ۱۹۷
گشایش اولین مجلس شورای ملی ۱۹۷
قوانین مهمی که ازمجلس‌اول گذشت ۱۹۹
امضای قانون‌اساسی ۲۰۰

صفحه

سلطنت محمدعلیشاه ۲۰۱
قرارداد ۱۹۰۷ انگلیس و ایران ۲۰۳
کودتای اول محمدعلیشاه ۲۰۴
دومین کودتای محمدعلیشاه ۲۰۶
به‌توپ بستن مجلس ۲۰۸
تأسیس شرکت‌نفت‌ایران وانگلیس ۲۱۰
خلع محمدعلیشاه ۲۱۲
سلطنت‌سلطان‌احمدشاه- تشکیل‌مجلس‌دوم ۲۱۲
مراجعت محمدعلی‌میرزاوسالارالدوله وجنگ با دولت ۲۱۴
شکست محمدعلی میرزا و فرار وی به روسیه ۲۱۷
التیماتوم دولت روسیه بایران - بستن مجلس دوم ۲۱۷
استعفا وخروج شوستر- دورهٔفترت وحکومت مطلقه- آغازجنگ جهانی‌اول - گشایش مجلس سوم ۲۱۵
تعطیل‌مجلس‌سوم ومهاجرت‌نمایندگان‌مجلس ۲۱۷
قوانین مهمی که ازتصویب مجلس سوم گذشت ۲۱۸
دورهٔ فترت وفئودالیسم ۲۱۸
قرارداد۱۹۱۹ایران‌وانگلیس ۲۲۱
شرح قروض خارجی ایران ۲۲۲
تصرف‌رشت وانزلی‌بدست بالشویکها وتشکیل جمهوری شوروی گیلان ۲۲۳
کودتای سوم اسفند ۲۲۳
عقدپیمان بادولت بالشویکی روسیه ۲۲۴
کابینهٔ سیدضیاءالدین- مجلس‌چهارم- استخدام میلسپو ۲۲۵
تأسیس ارتش تازه ۲۲۶
ریاست وزرای‌سردارسپه - مسافرت احمدشاه باروپا ۲۲۶
اعلام خلع احمدشاه - دومین مجلس مؤسسان

صفحه

و تعمیر موادی ازقانون اساسی و تعویض
سلطنت باعلیحضرت رضاشاه پهلوی ۲۲۷

(عصر هفتم)(سلسلهٔ ۲٤)سلسلهٔ پهلوی

سلطنت اعلیحضرت رضاشاه پهلوی ۲۲۸
کرونولوژی ۲۲۹
مجلس ششم تا سیزدهم ۲۲۹
تأسیس ادارهٔ ثبت و ادارهٔ آمار ۲۲۹
آغازساختمان راه آهن سرتاسری ایران ۲۳۰
الغای کاپیتولاسیون ۲۳۱
عقدقرارداد شیلات ۲۳۲
کرونولوژی سالهای ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ میلادی
۲۳۳
کرونولوژی سال ۱۹۳۳ ۲۳۴
کرونولوژی سالهای ۱۹۳۴ و ۱۹۳۵ ۲۳۵
تأسیس دانشگاه تهران ۲۳۵
کرونولوژی سالهای ۱۹۳۶-۱۹۳۸ ۲۳۶
کرونولوژی سالهای ۱۹۳۹-۱۹۴۰ ۲۳۷
کرونولوژی سال ۱۹۴۱ ۲۳۸
حمله و تجاوز قوای متفقین بایران و اشغال

صفحه

کشور-استعفای پادشاه و آغازسلطنت اعلیحضرت
محمدرضاشاه آریامهر ۲۳۸
کرونولوژی سال ۱۹۴۲ ۲۳۹
کرونولوژی سال ۱۹۴۳ ۲۴۰
کرونولوژی سال ۱۹۴۴ ۲۴۱
کرونولوژی سال ۱۹۴۵ ۲۴۲
کرونولوژی سال ۱۹۴۶ ۲۴۳
کرونولوژی سالهای ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ ۲۴۵
کرونولوژی سال ۱۹٤۹ ۲۴۷
کرونولوژی سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱ ۲۴۸
کرونولوژی سال ۱۹۵۲ ۲۵۰
کرونولوژی سال ۱۹۵۳ ۲۵۱
کرونولوژی سال ۱۹۵۴ ۲۵۳
کرونولوژی سال ۱۹۵۵ ۲۵۵
کرونولوژی سال ۱۹۵۶ ۲۵۶
کرونولوژی سال ۱۹۵۷ ۲۵۸
کرونولوژی سال ۱۹۵۸ ۲۶۰
کرونولوژی سال ۱۹۵۹ ۲۶۱
کرونولوژی سال ۱۹۶۰ ۲۶۸
کرونولوژی سال ۱۹۶۱ ۲۷۲
کرونولوژی سال ۱۹۶۲ ۲۹۳

جدول خلاصهٔ ادوار تاریخی ایران و تعداد سالهای سلطنت هر سلسله ۳۱۹

غلط نامه

صفحه	سطر	صحیح
۱۶	۱۲	(۳) شوش بعضی اوقات بابل پایتخت زمستانی
۱۶	۱۳	تابستانی بشمار میرفت
۶۹	وسط صنحه	مطلب زیر دو شکل جابجا شود
۹۵	۲	سلسله‌های کوتاه مدت ایرانی
۱۰۵	۹	زیرشکل بدینطریق اصلاح شود:

عصر دوم ـ عصر ترکان سلجوقی
سلسلهٔ (۱۷) سلسلهٔ سلجوقی

کرونولوژی تاریخ ایران

جغرافیای ایران باستان

ایران نام سرزمینی‌است که واقع است بین کوه‌های خاور دجله ورود سند، وازطرف دیگر بین خلیج فارس و اقیانوس هند در جنوب، ودریای خزر ورود سیحون در شمال ، و در دوران باستان شامل ایالات زیر بوده است : **مد** یا **مدیا** (پایتخت‌های آن **اکباتا**) (همدان) و **راگا** Rhagae (ری) ، ایلام (پایتخت آن شوش) . **پارسا** (فارس) پایتخت‌آن پرسپلیس (یااستخر که امروز به‌تخت جمشید معروف است) که‌در وقایع‌تاریخی ایران باستان و خاورمیانه نقش‌بسیارمهمی را در عهده داشته‌اند نسبت به ایالات خاوری مانند **سغد** یا سغدیانا ، باکتریا (بلخ) ، آریا (یا **هارائیوا** در خاور خراسان منطبق باافغانستان امروز) ، و **انگیانا** (یا ـ زرانگا در محل سیستان امروز) ـ و **اراکوشیا** (یا **هاراووا‌تیش** در جنوب سیستان و بخشی از بلوچستان‌امروز) ودرقسمت‌های مرکزی وشمالی ، پارتیا (یا پارتاوا منطبق برخراسان امروز) که در خاورمیانه رقیب سرسخت رومیان گردید .

سکنه وجمعیت وتمدن ایران باستان : درهزارهٔ چهارم ق.م. نوعی‌عالی‌ازفرهنگ و تمدن **چالکولیتیک** دراین سرزمین وجود داشته‌که ازبعضی جهات قابل مقایسه بافرهنگ بین‌النهرین (**مزوپوتامیا**) است وازآثار صنعتی خاص‌آن عصر ظروف سفالی رنگین است که نمونه‌های آن در حفریات **اناو** و **تپه‌حصار** **وری** درشمال و در **تپه‌گیان** (نهاوند) در باختر ایران ودر **شوش** ، و **تپه‌موسیان** و تخت جمشید درجنوب ایران بدست آمده و بوجود چنین تمدنی پی‌برده شده است .

پس‌ازآن عصرمفرغ در هزارهٔ سوم ق م در این سرزمین بظهور رسیده ومردمی‌تازه درآنجا میزیسته‌اندکه‌اجساد مردگان خود را درجوف یازیر سنگهای خیلی بزرگ موسوم به قبور **مگالیتیک** دفن میکرده‌اند ونمونه‌های‌آن درمناطق‌کوهستانی باختر ایران دیده شده است . باحتمال قوی اجداد **مادها** و **پارسها** در حدود همین ایام به ایران وارد شده‌اند. درهرحال درهزاره‌های چهارم وپنجم ق م نژادی در شوش بسر میبرده‌که شناخته نشده ولی مسلم است‌که مردم‌آن مس وظروف سفالی بکار میبردندکه برآنها اشکال تقریبی

حیوانات و اشیاء نقاشی شده است . در هزارهٔ سوم کوهستانیان سلسلهٔ جبال **زاگرس** (گوتیوم ولوللوبو) و ایلامیها در این سرزمین تسلط داشته‌اند . **کاسیت‌ها** که از ۱۵۵۰ تا ۱۱۸۰ بربابل حکومت داشته‌اند کاملا با ایلامی‌ها تمایز دارند .

آرین‌ها یعنی اجداد هند و اروپائی ایرانیان و هندیان باحتمال قوی در حدود سال ۱۸۰۰ ق م ازشمال خاوری بطرف فلات ایران سرازیرشده وجای اقوام و سکنهٔ قبل راگرفته سکنهٔ اصلی این سرزمین را تشکیل داده‌اند .

کیش و آئین ایران باستان : دین ایرانیان خیلی قدیم مشابه بوده است با آئین **ودیك** هندیان . پرستش **میترا** و **وارونا** و همچنین پرستش**اهورا** (یاآسورا) **ودواس** Devas (که بعدها ازطرف زرتشت بمرتبهٔ شیطانی تنزل‌یافت) وهمچنین وجودافسانه‌هائی در باب اولین آدمیزاد موسوم به **یمیا** (**یاما**) Yama وکشتن اژدها و اعتقاد به **ریتا** Rita (یا آشا یا اورتا) یعنی نظام ثابت و لایتغیر عالم وتهیه وتقدیم و آسمانی ساختن آب گیاه مقدس **سوما** (**یاهائوما**) عموماً درآئین‌آرین‌های هند و ایران مشترك بوده د باحتمال قوی از معتقدات پیش‌از جدائی ایندو گروه یعنی زمان پیش از مهاجرت بخشی‌از ایشان به هند بوده است .

آئین زرتشت درواقع نوعی اصلاح مذهبی (رفرم) بود در مذهب آرین که بعضی از عناصر آنرا در خود حفظ کرد اگرچه‌در مورد تعداد خدایان مظهر آثار طبیعت (پولی‌تیئسم ناتورالیستیك) بمبارزه پرداخته وآنرا مردود شناخت .

زرتشت احتمال دارد در حدود سال ۶۶۰ ق م در سرزمین مد قدم بعرصهٔ وجود گذاشته باشد و بعضی‌معتقدندکه ظهور وآغاز تعلیمات مذهبی وی از شمال باختری فلات ایران یعنی‌آذربایجان بوده ولی چنان بنظر میرسدکه در بلخ (باکتریا) فعالیت خود را آغازنموده‌است چنانکه طبق روایت داستانهای باستانی، شاه **ویشتاسب** (**هیستاس پس** پدر داریوش بزرگ) به‌آئین وی گروید. تعلیمات وی در**گاتها** ثبت شده و محفوظ مانده است . این کتاب کهن‌ترین سرودهای کتاب **اوستاست . اوستا** به پنج بخش تقسیم شده (۱) **یسنا** Yasna (سرودهای نماز و عبادت که شامل گاتها نیز میباشد) (۲) **ویسپرد** Vispered (کتاب‌دیگری درآداب نماز نماز وعبادت) (۳) **وندیداد** (کتاب‌تشریفات مذهبی وقوانین اخلاقی) (۴) **یشت** Yasht (سرودهای میتولوژیك در منقبت خدایان (۵) **خرده اوستا** (کتاب دعا برای کف نفس وعبادت فردی) . نطفهٔ اصول‌مهمهٔ تعلیمات آئین‌زرتشت یعنی‌اعتقاد بخدای یگانه (منوتئیسم) وهمچنین وجود اهرمن در برابر یزدان (**دوالیسم**) ورستگاری فردی وجهانی درگاتها دیده میشود . درجنگ ابدی بین نیك وبد درعالم هستی هرفرد آدمی باید بوسیلهٔ اطاعت از دستور خدای نیك (**اهورامزدا** یا اورمزد بمعنی پروردگار خرد) هم برستگاری خویشتن و هم برستگاری جهانی کمك

کند . در بخشهای بعدی اوستا خدای بدی یا شیطان اعظم را **انگرومینو** یا **اهریمن** (بمعنی روح شیطانی) میخوانند (مقایسه شود با اعتقاد بوجود شیطان در مذاهب اسلام و یهود ومسیح). شخص پارسا پس‌ازمرگ از **پل‌سینوات** گذشته باجر خود میرسد؛ درحالیکه شخص بدکار و شرور ازآن پل به دروغگاه (خانهٔ دروغها) سقوط میکند و تا ابد دچار رنج وعذاب میگردد (مقایسه شود با عقیدهٔ به **پل صراط** در مذهب اسلام). مذهب‌زرتشت در زمان ساسانیان مذهب رسمی شده و سازمانی پیدا کرده است . شاهان هخامنشی تعصب مذهبی نداشته‌اند چنانچه به مردم ایالات مختلف تابع امپراطوری‌آزادی مذهب دادند.

(الف) تاریخ باستانی (پیش از اسلام)

(۱) تاریخ سلطنت ایلام

(۲۱۴۵ سال : از ۲۸۵۰ تا ۷۰۵ ق‌م)

ایلام در هزاره‌های سوم و دوم و نیمهٔ اول هزارهٔ اول پیش از میلاد نام بخشی از فلات ایران بوده که برخوزستان ولرستان و پشتکوه امروز منطبق میشود وازطرف باختر تاحدود رود دجله توسعه داشته وبسیاری ازمورخین، آن سرزمین را منشاء کهن‌ترین‌فرهنگ و تمدن ایران میدانند و قدیمی‌ترین سکنهٔ این بخش ایران تاآنجاکه تاریخ مستند نشان میدهد و از الواح مکشوفه معلوم شده ایلامی‌ها (مقیم خوزستان امروز) و بیش از ایشان سومریها (مقیم بین‌النهرین) بوده‌اندکه مسلماً برخی از ارث تمدن و فرهنگ آنها به‌آرین هائی رسیده که بعدها بایران‌آمده سکنهٔ اصلی‌را تشکیل‌داده‌اند. سلطنت ایلام در۶۴۵ق.م. بدست‌آشوریها منقرض گشته است . شهرهای مهم ایلام عبارت بوده است از : **ماداکتو**(در کنار رودکرخه) ، شوش (یا انـزان یا انشان) ، **اهواز** ، **حایدالو** (باحتمال در محل خرم‌آباد امروز) . زبان‌آنها انزانی بوده‌که به تورانی التائی قرابت دارد وخط‌آنها خط میخی‌مستقلی‌بوده‌است. اعداد وارقام‌آنها برپایهٔ اعشاری‌بوده‌اسب برخلاف‌بابلیها که‌ارقامشان برپایه تقسیمات عـدد شصت قرارداشت. خط سامی نیز بعدها درایلام معمول شده است. منشاء تمدن و فـرهنگ ایلامی از سومریها گرفته شده . در مـذهب ایشان مانند سومریها ارواح بسیار وجود داشته . خدای بزرگ ایشان **شوشیناك** (منسوب به شوش) بوده وشش خدای کوچکتر زیر دست او قرار داشتند .

کرونولوژی تاریخ ایلام .

قبل از میلاد

۲۸۵۰-۲۴۵۰ سومریها و اکادیها مکـرر ایلامیها را شکست داده آن کشور را مطیع خود ساخته‌اند .

۲۴۵۰-۲۱۵۰ سلسله‌ئی بنام **اوان** Awan درایلام سلطنت کـرده‌اند. درزمان این سلسله نیز ایلامیها غالباً با سومریها و اکادیها در جنگ بوده‌اند .

۲۱۵۰ **کودور ـ ناهونته** پادشاه ایلام معابد اکاد را غارت کرد .

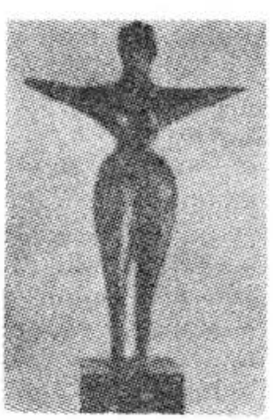
۱۹۲۰-۱۸۰۰ **کودور ـ مابوگ** پادشاه ایلام فرزند خود **واراد ـ سین** را بر تخت سلطنت **لارسا** نشانید . پس از **وارادسین** بـرادرش **ریم‌سین** جانشین وی گشت و بدست هامورابی خلع گردید .

۱۱۷۶ **شوتروك ـ ناهونته** پادشاه ایلام به بابل حمله کرده سنگ کتیبهٔ هامورابی و سایر آثار تاریخی را به غنیمت به شوش برد .

۱۱۳۰ **نبوکدرزر اول** (بخت‌النصر) پادشاه بابل ایلامیها را شکست داد .



مردریش‌دار.دوره‌ایلامی
(هزاره‌سوم‌ق‌ـم)



رب‌النوعی‌ازگل‌پخته‌ـاواسط هزاره‌سوم(ق‌ـم)

۱۱۰۰ تولد زرتشت دوم‌فیلسوف وپیمبرایرانی بنیان گذارآئین زرتشتی(بنابروایتی)

۷۲۱ - ۴۶۰ نیروهای متحد **مردوخ‌ـ بالادان** پادشاه بابل و**هومبانیگاش** پادشاه ایلام با **سارگون** پادشاه‌آشور جنگیده ایلامیها در۷۲۱ در « **در** » Der او را شکست دادند .

شوتروك ـ ناهونتهٔ دوم پادشاه ایلام در۷۰۹ به‌سارگون اجازه دادکه **مردوخ‌ـ بالادان** را ازسلطنت بابل خلع کند. **هاللوشو** (۶۹۹-۶۹۳) پسر**ـسناخریب** راکه دربابل سلطنت میکرد در ۶۹۱ باسارت گرفت .

اوممان ـ منانو (۶۹۳ـ ۶۸۹) جانشین **کودور ناهونته** در ۶۹۱ در **هالوله** با **سناخریب** جنگیده **اوممان هالداش اول** از ۶۸۹ تا ۶۸۱ بر ایلام سلطنت کرد .

اوممان ـ هالداش دوم (۶۸۱ـ۶۷۴) در خلال جنگ **اسارهاددون** در مصر به شهر **سیپار** (اکادی) تاخت و تاز نمود .

اورتاکو از ۶۷۴ تا ۶۶۴ درصلح و آرامش سلطنت کرد .

تیومان (۶۶۴ـ۶۵۵) از **آشوربانی پال** شکست‌خورده وسلطنت وی به تصرف آشور درآمد .

اومانیگاش (۶۵۵ ـ ۶۵۱) نیروی خودرا بکمك **شاماش ـ شومو کین** پادشاه بابل فرستادکه بر ضد برادرش « آشور بانیپال» بـه شورش برخاسته بود . اومانیگاش بدست پسر عمویش **تام ماریتو** کشته شد .

تام‌ماریتو (۶۵۱ـ۶۴۹) بدست **ایندابیگاش** ازسلطنت ایلام خلع‌شده به‌نینوا پناه برد.

اوممان ـ هالداش سوم (۶۴۸ـ۶۴۶) ازآشور بانیپال که شوش رافتح کرده بود شکست خورده بعد بدست **تام ماریتوری** دوم خلع گردید .

تام ماریتوری دوم در ۶۴۶ باسارت‌آشوریان درآمد . **اوممان ـ هالداش سوم** (۶۴۶ ـ ۶۴۰) بار دیگر بسلطنت رسید اما باسارت **آشور بانیپال** افتادکه این مرتبه تمام سرزمین ایلام و شوش را ویران و تاراج کرد و بدین طریق زمینه بـرای غلبهٔ **کورش بزرگ** در یك قرن بعد در این ناحیه فراهم گردید وکورش بار دیگر شوش را آبادکـرده یکی از پایتخت‌های خود قرار داد .

(۲) تاریخ سلطنت مدها

(۱۵۵ سال : از ۷۰۵ تا ۵۵۰ ق.م)

سرزمین مدها عبارت‌بوده‌است ازقسمت وسطای ایران یعنی‌جلگهٔ بین کوههای زاگرس شامل آذربایجان و همدان و ری و بخشی از لرستان وبخش خاوری آسیای صغیرامروز ؛ وقوم مد یا ماد نام یکی ازشعب‌آریان‌است‌که باحتمال قـوی بین‌سالهای۲۰۰۰ تا۱۰۰۰ق‌م ازشمال خاوری ایـران همراه باشعبهٔ دیگری بنام پارسها سرازیرشده مادها ابتدا دربخش جنوبی آذربایجان سکونت گرفته‌اند و پارسها به جنوب رفته در فارس اقامت گـزیده و نام خود را باین استان داده‌اند. بعدها قبایل مختلف مدها با یکدیگرمتحد شده سلطنتی تشکیل دادند و اراضی متصرفی خود را تـوسعه داده بـا دولت آشور همسایه گردیدند و غالبا با ایندولت درجنگ بودند تاعاقبت‌آنرا منقرض کـردند واولین امپراطوری‌آرین‌هارا درجهان



ساغر زرین. منقش به شکل جانوران خیالی
هزاره اول ب.م

قدیم تشکیل داده اولین قدرتی بودند که قدرت سامی و دولتهای سمیتیك را در هم شکستند . پایتخت ایشان اکباتان (همدان) بوده است .

قبل از میلاد

۸۳۵ - ۷۰۵ سرزمین مدها به بخش‌های کوچك تقسیم شده و درمعرض حملات پی‌در پی پادشاهان آشور از **شالمانازارسوم** (که اولین مرتبه در کتیبه‌های خود از مدها نام میبرد) گرفته تا **سارگون دوم** قرار داشت .

۷۰۵-۶۲۵ سرزمین ماد درزیر تسلط آشوریان بوده. نام دو پادشاه مدیکی **دیوکس** (دیااوکو ۷۰۸ - ۶۵۵) **پسرفرورتیش** (یا فراااورتس) Fravartish ودیگری **فرورتیش** پسر دیوکس درروایات هرودوت آمده است که باحتمال قوی از پادشان محلی و نیمه مستقل بوده‌اند.

۷۰۵-۶۵۵ سلطنت دیوکس : دیوکس مؤسس سلسلهٔ مدی خوانده میشود . وی ابتدا کدخدای دهی بنام **کارکاشی** بود وپس‌از حملات متعدد به مستعمره نشینهای آشوری تشکیل یك اتحادیهٔ ضدآشوری از مدها و سیمریها داده به سلطنت انتخاب شد . بقول هرودوت ۵۳ سال ولی درحقیقت ۲۱ سال (از ۶۷۵ تا ۶۵۵) سلطنت کرد .

۶۵۵-۶۳۳ سلطنت فرورتیش (فراااورتس) پسر دیوکس که در جنگ با آشوریان کشته شد .

۶۳۳-۵۸۵ سلطنت کیاکسار یا سیاکزار (هووخشتر) پسر فرورتیش که حوزهٔ سلطنت مد را بسط داده امپراطوری مد را بنیان گذاشت . در ۶۱۵ بر **سکاها** غالب آمده آنها را از ایران بیرون راند . در ۶۰۵ نینوا را بتصرف آورده ویران کرد و باکمك **نابوپولاسار** (۶۱۲) بخشی از آشور راکه در مشرق دجله واقعست تسخیر کرده دولت آشور را منقرض کرد و **اورارتو** (ارمنستان امروز) و خاور ایران را نیز فتح کرد - از ۵۹۲ تا ۵۸۶ با دولت لیدی جنگید و سرانجام صلح کرد . با **نبوکدرزر** پیمان بسته دختر خود را بعقد ازدواج نبوکدرزر درآورد . در ۵۸۵ درگذشت . دراین هنگام جهان قدیم خاورمیانه به چهارقدرت بزرگ تقسیم میشد **مد** ، **کلده** ، **لیدی**، و **مصر** ولی تنهامد را میتوان امپراطوری خواند .

۵۸۵-۵۵۰ سلطنت آستیاژ (ایخ توویگو) پسر کیاکسار . وی آخرین پادشاه مد است که دختر خود **ماندانا** را باکمبوجیه (پسر کوروش دوم) پادشاه انزان که

تابع امپراطوری مد بود به زنی داد و از اوکوروش سوم یا کوروش بزرگ متولد شد .
آستیاژ بسبب ضعف خود و افراط درتجمل درباری بدست کورش بزرگ خلع‌شد وسرزمین مد به امپراطـوری پارسها (هخامنشی) ملحق گردید .

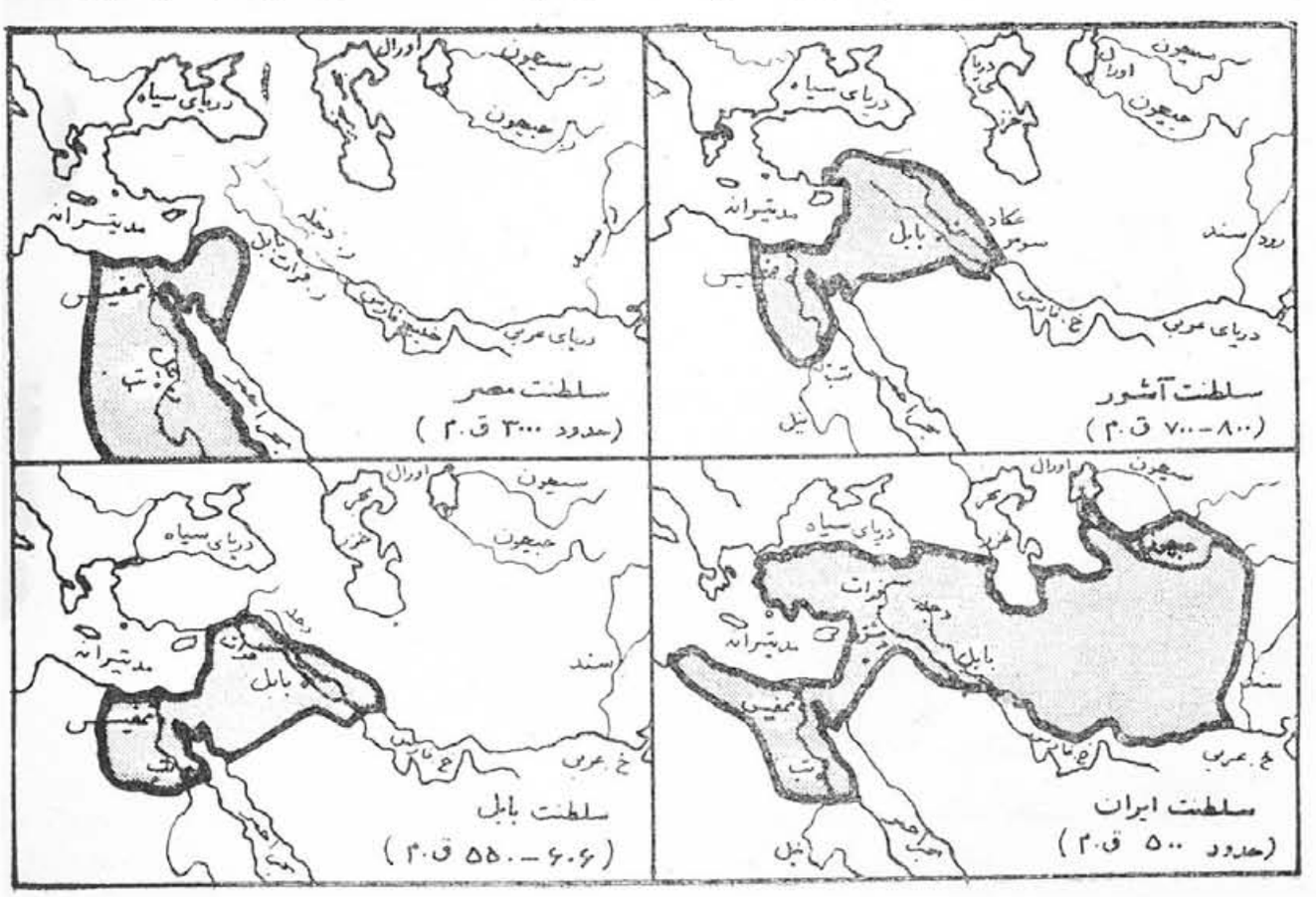
(۳) ـ سلطنت پارسها

یا امپراطوری بزرگ هخامنشی

(۲۲۰ سال : از ۵۵۰ ـ ۳۳۰ ق م)

جغرافیا: امپراطوری هخامنشی‌ازحیث وسعت خاك قلمرو، بزرگترین‌سلطنتی بود که تا آنزمان درجهان بوجودآمده بود ، وباستثنای نیمی بیشتر ازیونان شامل تمام ملل‌متمدن جهان باستان میگردید ۴۶ قوم و نژاد مختلف بازبانها و آئین و رسوم و قوانین مختلف در حوزهٔ این امپراطوری میزیسته‌اند . هرقوم درحفظ‌آئین و رسوم و قوانین داخلی خود آزاد بوده ودرواقع‌امپراطوری هخامنشی اولین وکهن‌ترین **فدراسیون بزرگ جهانی** در تاریخ است . حدود امپراطوری هخامنشی در حداکثر توسعه خود بشرح زیر بود :

ازشمال : درخاور دریای‌خزر برود سیحون(جاکسارتس) وسرزمین **اسکیت‌های** خاوری و **ماساگتاها** و **کراسمی** و **داها** ـ در سرزمین بین دریای خزر و دریای سیاه به سلسلهٔ کوههای قفقاز و سر زمین اسکیت های مرکزی و در شمال باختری به سرزمین



اسکیت‌های باختری در شمال تراس و مقدونی .

از خاور به چین و درهٔ سند .

ازجنوب بدریای عمان (دریای **اریتریوم**) وخلیج‌فارس (**سینوس پرسی کوس**) صحرای عربستان و بخش جنوبی حبشه (اتیوپی) و بخش جنوبی صحرای لیبی

از باختر : به دریای مدیترانه و شبه جزیره پلوپونزی (هلاس یونان) وایلیریا (تراس ومقدونی وبخشی ازیونان وجزایردریای اژه جزءامپراطوری هخامنشی‌بوده‌است) .

پایتخت : شاهان هخامنشی درواقع دارای چهارپایتخت بودند (۱) **پازارگاد** یا **پاسارگاد** در فارس که مقر شاهان پارس در دورهٔ مدی و زمان کورش‌کبیر بود و بعداً بصورت شهر مقدس پایتخت مذهبی و زیارتگاه ایرانیان در آمد و بمنزله کعبهٔ ایرانیان باستانی بود . مقبرهٔ کورش‌کبیر نیز درآنجاست . (۲) **استخر** (تخت‌جمشید یاپرسپلیس) که داریوش‌آنرا بنانهاد ومقر تاجگذاری و محل پذیرفتن سفرای کشورهای خارجه وساتراپها وپذیرائی‌ها وتشریفات رسمی‌بود (۳) شوش‌پایتخت تابستانی‌و(۴) اکباتان (همدان) پایتخت زمستانی بشمار میرفت .



الواح گلی بخط ایلامی که در تخت‌جمید بدست آمده

سازمان امپراطوری : داریوش اول سازمان‌تازه‌ئی در تمام امپراطوری بوجود آورد تابتواند تمام نقاط دوردست امپراطوری را زیرنظروفرمان داشته باشد ووحدت امپراطوری را حفظ‌کند. وی امپراطوری را به ایالاتی بنام ساتراپ تقسیم کرد و بهر ساتراپی سه نماینده میفرستاد : یکی استاندار یا ساتراپ (خشترپوان) ، دیگرفرمانده سپاه ایالت(**کارانس**)، سوم یکنفر سردبیرکه نظارت برکار ساتراپ و کارانس داشت. بعلاوه بازرسهای‌آشکار و پنهانی نیز مرتباً به‌ساتراپیها اعزام میداشت. ساتراپ مأمور وصول مالیاتها یاخراج نیزبوده است.

امور قضائی در هر ساتراپی با قضات محلی بود ودر هر ساتراپی قوانین قضائی ورسوم خود را معمول میداشتند . شخص شاه بر تمام قضات نیز حکومت داشت وبتقصیرات سیاسی‌و بزرگ شخصاً رسیدگی میکرد .

شاهان هخامنشی همیشه ده هزارسرباز مسلح‌آمادهٔ بخدمت بنام **سربازان جاویدان** داشتند و چهار هزار نفر نگهبان‌کاخ سلطنتی و پایتخت بودند . در هنگام لشکرکشی‌ها هر ساتراپ سپاهی میفرستادکه تحت فرمان شاه به‌جبههٔ جنگ میرفتند. ادارهٔ امورنیروی دریائی غالباً دردست فنیقی‌ها و یونانیهای‌آسیای صغیر وقبرس بودکه تخصص در دریانوردی داشتند و دراستخدام دولت ایران درآمده بودند .

زبان ایرانیان در دورهٔ هخامنشی زبان موسوم به**پارسی هخامنشی** بوده که ریشهٔ زبان امروزی ایرانیان است و خط آنها خط میخی بود که اصلاً اختراع سومریهاست و از آنجا به‌آشور و بابل وکلده و ایلام و اکاد و مد و پارس آمد . ولی پارسها درآن تصرفات و اصلاحاتی کردند . نمونهٔ این خطوط میخی در کتیبه‌های بیستون و تخت‌جمشید و پازارگاد که برسنگ حکاکی شده و هم در الواح گلی تخت جمشید هنوز باقی است .

مذهب رسمی و مشترك در دورهٔ هخامنشی وجود نداشت وشاهان هخامنشی اولین



نقش موسوم به‌فروهر ـ مظهر اهورا مزداکه در بسیاری از نقوش تخت جمشید بالای سر نقوش حجاریهای شاهان یا مقابر ایشان دیده میشود .



یکی‌از نقوش تخت جمشیدکه داریوش‌را با ۲ نفر ازاتباع نشان میدهد



نمونه‌هائی ازسکه‌های ساترا پهای‌هخامنشی

فرمانروایانی بوده‌اند که دولت آنها درجهان به‌اغماض مذهبی ومدارا نسبت بسایر مذاهب که از افتخارات ومباهاتهای مردم متمدن زمان معاصراست معتقد بودند وبدان عمل میکردند.

شاهان هخامنشی تعصب مذهبی نداشتند و نه تنها ملتهای تابعه را بدون‌استثناء کاملا در پیروی ازمذهب خودشان وپرستش خدایان خودآزاد گذاشته بودند بلکه هنگام مسافرت به ساتراپیها خود ایشان نیزملبس بلباسهای مذهبی محلی شده در معابد در عبادت با سایر مردم طبق رسوم‌محلی شرکت میکردند وبه خدایان ایشان احترام میگذاشتند . ولو این که اینکار از نظر سیاست باشد درسیر تمدن ، ترقی بزرگی از نظر اجتماعی محسوب میشود . اما بطور کلی در دورهٔ هخامنشی در بخش مرکزی ایران سه نوع آئین وجود داشت که همه بریك پایه و اساس بود ولی با تفاوتهائی مختصر هریك بگروهی تعلق داشته به‌شرح زیر:

(۱) مذهب شاهان که اهورامزدا را خدای بزرگ وآفرینندهٔ جهان‌شناخته وآتش وآفتاب را مظهر اهورامزدا می‌دانستند و مقدس میشمردند و این احترام به آتش و مهر (میترا) باحتمال قوی ازمذهب آریانهای قدیم پیش ازظهور اوستا باید درایران باقی مانده باشد. پرستش یا احترام بـه ناهید (آناهیتا) نیز احتمال‌دارد ازتمدن بابلی بایران‌آمده باشدکه در ایران آنرا رب‌النوع دریاها می‌دانستند و چون به یونان رفت آنرا ربةالنوع زیبائی (ونوس) شمردند .

(۲) مذهب مردم که پس‌از اهورامزدا چهار عنصر آب و خاك و بادوآتش(وآفتاب وماه و بطورکلی نور) را پرستش میکردند .

(۳) مذهب مغ‌ها یا رؤسای مذهبی وپاسبانان معابد. مغها طبق روایت هرودوت قبیلهٔئی از قبایل ششگانه مدی بوده‌اندکه در امور دینی و آداب مذهبی تخصص داشته‌اند و در رسوم مذهبی‌آنها بامذهب شاهان اختلافاتی‌دیده می‌شود ـ مغها دراین دوره نفوذ زیادی نداشتند وتنها در موقـع قربانیها و اجرای‌آئین مذهبی دعوت میشدند . رویهمرفته مذهب دورهٔ هخامنشی را بایـد مذهبی دانست کـه از عناصر زیر ترکیب یافته بود و مذهب رسمی هم شمردند نمیشد :

(۱) عقاید آریانهائی‌که بایران‌آمدند و بعد انشعاب‌کردند وگروهی از ایشان بهند رفتند و بـه پرستش مهر و احترام به آتش‌که قبل از ظهور زرتشت در ایران زمین معمول بود پابند بودند .

(۲) عقاید زردشتی‌که در دورهٔ مدها بظهور رسید و دردورهٔ هخامنشی درحال‌نمو و پرورش بود و تنها در دوره ساسانی رسمیت پیدا کرد .

(۳) عقاید دولتهای سامی بین‌النهرین مانند سومریها و اکادیها و بابلیها وایلامیها.

صنایع : صنعت حجاری در دورهٔ هخامنشی ترقی بسزاکرد وآثار بسیاری‌که باقی

مانده حاکی از پیشرفت عظیم این صنعت در این دوره است .

ضرب سکه نیز باحتمال قوی در زمان داریوش در ایران معمول شد و سکهٔ طلای داریوش به **دریك** موسوم‌است .



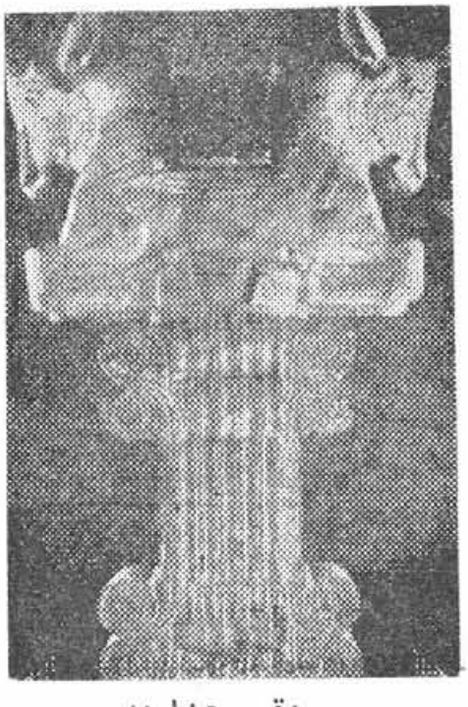
دست بند از آثار دوره هخامنشی

بعلاوه شاهان هخامنشی بـه ساختن شبکهٔ راههادرتمام‌حوزهٔ امپراطوری دست‌زدند. شهرها را بیکدیگر ارتباط دادند و داریوش یك دستگاه پست و چاپار دولتی برای حمل ونقل و مکاتبه و ارتباط بین اجزاء امپراطوری دائر کرد و او را باید مخترع و مبتکر دستگاه پستی دانست .

داریوش بازرگانی‌را نیز ترویج‌کرد و برای تسهیل راه‌های دریائی اولین‌کسی‌است که‌کانالی بین دریای مدیترانه ودریای سرخ حفر کرد وآن دودریا را بیکدیگر اتصال‌داد .



زیورطلائی ازآثار دوره هخامنشی



سرستون‌قصر هخامنشی

ازآثار دورهٔ هخامنشی‌علاوه بر کتیبه‌ها وبناهای سنگی ومقابردرتخت‌جمشیدو بیستون و نقش رستم و شوش ، ظروف و انواع اشیاء و ضروریات زندگی و زینت‌آلات امروز در اثر حفریات ازخاك بیرون‌آمده‌که عیناً و یاکپیه‌های آنها درتمام موزه‌های بزرگ ومعروف جهان در قسمت باستان شناسی مربوط به خاورمیانه یا ایران موجود است .

کرونولوژی سلطنت هخامنشی

قبل از میلاد

۵۵۰-۶۰۰ دورهٔ سلطنت پادشاهان هخامنشی‌درپارس و **انزان** (عیلام) بوده وشاهان این‌دوره بترتیب عبارت بوده‌اند از**تیس‌پس**(چااش‌پش) پسر**هخامنش**(که فقط مؤسس این‌دودمان‌بوده وسلطنت نداشته) ، **کمبوجیه** (کامبیز) پسر تیس‌پس،

کورش اول پسر کمبوجیه ، (هرسه نفر درپارس سلطنت داشتند)، **تیس‌پس** پسر کوروش اول(در پارس و انزان) ، **کوروش دوم** پسر **تیس‌پس** (درانزان) ، **کمبوجیه** پسر **کوروش دوم** (درانزان) ، و **کوروش سوم** پسر کمبوجیه که به **کوروش بزرگ** لقب یافت و امپراطوری هخامنشی را بنیان گذاشت . این پادشاهان که در دوایالت پارس و انزان (خوزستان‌امروز) حکومت داشتند خراج گذار پادشاهان مدی بودند .

سلسلهٔ نسب آنها چنین است :

هخامنش (مؤسس دودمان)

تیس‌پس اول (۷۳۰ ق‌م)

کمبوجیهٔ اول

کورش اول

تیس‌پس دوم

شاخه شاهان پارس	**شاخهٔ شاهان انزان**
اریا رامنس	کوروش دوم
ارسام	کمبوجیه دوم
ویشتاسب (بسلطنت نرسید)	**کوروش بزرگ** (سوم)
داریوش اول (داریوش بزرگ)	**کمبوجیه سوم**

این نسب نامه طبق نظر **نولدکه** است ولی بعضی دیگر از مورخین بوجود کمبوجیه اول و کوروش اول و تیس‌پس دوم معتقد نبوده آن سه را از این نسب نامه حذف کرده و معتقدند که تیس‌پس پسر هخامنش دو فرزند بنام **اریارامنس** و کوروش اول داشت و بدینطریق کوروش بزرگ کوروش دوم خواهد بود ـ اما داریوش در بیوگرافی خود در کتیبهٔ بیستون میگوید که پیش از من هشت نفر از خانوادهٔ من (یعنی هخامنشی‌ها) سلطنت کردند و من نهمین آن‌ها هستم .

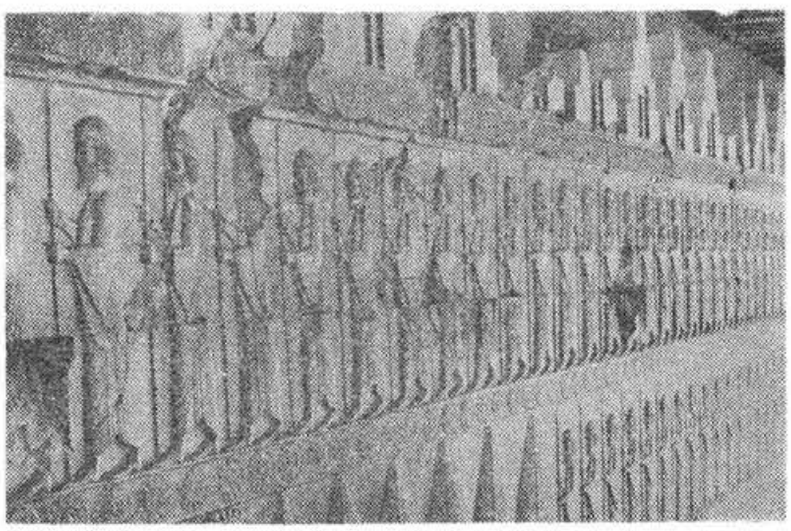
سلطنت کوروش بزرگ

(۵۵۰ ـ ۵۲۹)

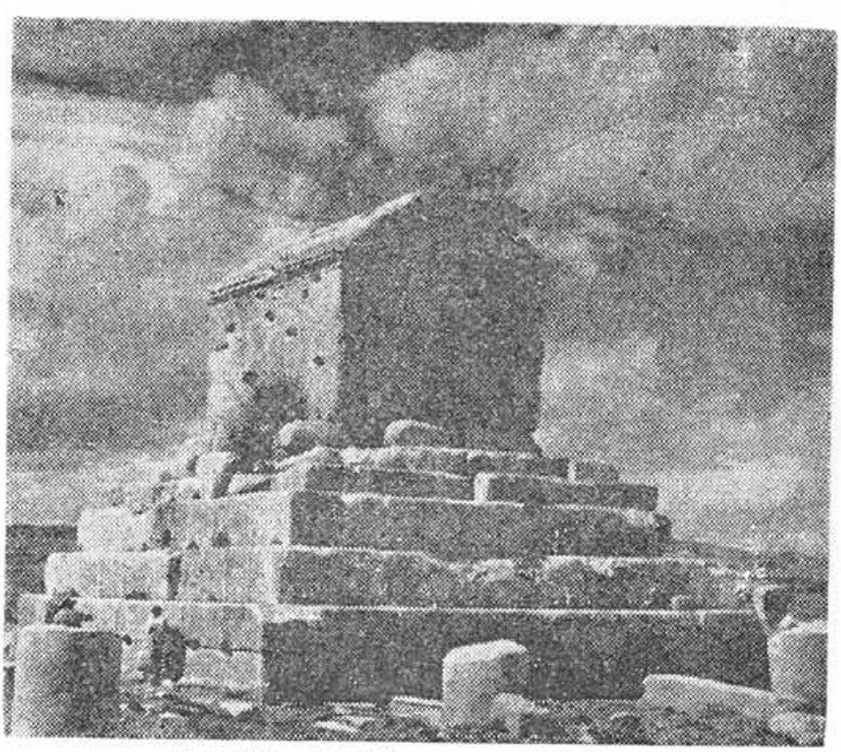
قبل از میلاد

۵۵۰ کوروش قبایل پارسی‌را جمع‌آوری ومتحد کرده بطرف سرزمین مدی‌لشکر کشید. ابتدا شکست خورده بپارس‌آمد . بعضی قبایل مدی نیز باو پیوستند.

آستیاژ با سپاه خود بجنوب حرکت کرد ودر نزدیکی پاسارگاد شکست‌خورد و اسیر شد و به‌کرمان تبعید گردید. کوروش اکباتان را تسخیر کرد وغنائم بسیار بدست وی افتاد .



تصویر برجسته سربازان جاوید که در راهروهای مجاور پلکان در تخت‌جمشید دیده میشود



مقبرهٔ کوروش در پازارگاد (فارس)

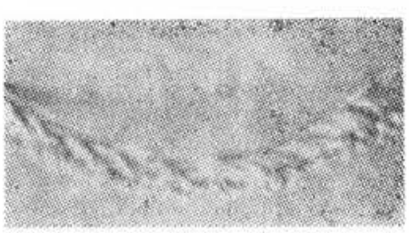
قبل از میلاد

۵۶۴-۵۴۹ **کرزوس** پادشاه دولت مقتدر و ثروتمند **لیدی** از بزرگ شدن دولت پارس و انضمام مد به‌آن بیم کرده با اسپارت و یونان و مصر و بابل عقداتحاد بست ودر ۵۴۹ سپاهی بطرف ایران فرستاده **پتریا** (بوغازگوئی امروز) پایتخت قدیم هیت‌هارا تصرف کرد وباکوروش جنگید ولی نتیجهٔ جنگ معلوم نشد. کرزوس به سارد پایتخت خود برگشت بتصور اینکه زمستان در پیش است وکوروش توانائی تعقیب او را نخواهد داشت ،



مجسمه بالدار در پاسارگاد (فارس) که بعضی آنرا مجسمه کوروش میدانند و بالهارا علامت پرواز وی به آسمان میشمارند. سمت راست طرح سالم نقش دیده میشود)





شاخه گل و برگ از طلا
از آثار هنری دورهٔ هخامنش



کرزوس بر آتش

کرزوس پس از شکست و دستگیر شدن ازطرف کوروش محکوم به اعدام بوسیله سوزانیدن گردید ولی کوروش پس از شنیدن داستان سولون از زبان وی او را بخشید. این تصویر که کرزوس را بالای توده هیزم در حال آتش گرفتن نشان میدهد برروی یکی از ظروف یونانی نقش شده که اکنون درموزه لوور مضبوط است.

سپاه‌های کمکی را مرخص نمود . اما کوروش بتعاقب او پرداخت و کرزوس لشکری فراهم کرده در **هرموس** نزدیك سارد بالشکر کوروش مصاف داده شکست خورد واسیر گردید. ولی کوروش او را بخشیده جزو مشاوران دربار خود قرار داد . کوروش در۵۴۶ سارد را فتح نمود وآنگاه خود را پادشاه پارس خواند .

قبل از میلاد

۵۴۵ کوروش تا پایان این‌سال تمام خاك آسیای صغیر باختری و شهرهای یونانی آسیای صغیر وجزایر یونانی شرق دریای اژه را تابع خود نمود و بر هرشهر یونانی حاکم جداگانه گماشت و باختر آسیای صغیر را بدوساتراپی تقسیم کرد که پایتخت یکی **سارد** و دیگری **داس کیلیون** بود .

۵۴۴-۵۳۸ کوروش بطرف باختر وشمال باختری لشکر کشید و تا رود سند ورودسیحون (سیر دریا) را مسخر کرد و شهری بنام کوروش درکنار رود اخیر بنا نهادکه در زمان اسکندر وجود داشته است .

۵۳۹ کوروش به بابل لشکر کشید . **نابونائید** پادشاه بابل درنزدیکی بابل‌شکست خورد وبا سپاه خود به شهربابل پناهنده شد (که قلعه‌ئی نفوذ ناپذیر مینمودو ارتفاع حصـار آن ۸۰ متر و قطرآن ۲۵ متر بود ، ۱۵۰ بـرج داشته و دروازه‌های آن ازبرنج ومفرغ بود و در درون شهرزراعت میشد واحتیاجی به واردکردن آذوقه نبود) کوروش شهر بابل را محاصره نمود .

۵۳۸ کوروش بروایتی‌آب دجله را برگردانید وسپاه او از مجرای رودخانه‌بشهر رخنه‌کردند وبه روایتی حمله‌کرده شهر بابل راگشودند. نابونائید تسلیم شد وکوروش در ۲۹ اکتبربا خانوادهٔ سلطنتی وارد بابل شد وبمردم مهربانی کرد و اعلامیه‌ئی (که ازگل پخته و بطول ۴۵ سانتیمتر است و اصل‌آن در حفریات بابل بدست‌آمده و بـه استوانهٔ کوروش معروف است) منتشر کرد و **اعلام صلـح جهانی** نمود و خـود را خادم خدای بابلیان **مردوك** شمرده به **۴۲۰۰۰** تن قوم بنی‌اسرائیل و **۷۰۰۰** بندهٔ یهودی‌کـه بخت‌النصر آنها را باسارت‌آورده بکارهای‌سخت گماشته بودآزادی داد واجازه داد بفلسطین بازگردند و بیت‌المقدس را از نو بسازند و درطریقهٔ عبادت خودآزاد باشند . ظروف‌نفیس طلا و نقره راکه بخت‌النصر از اورشلیم‌آورده بود به یهودیان مسترد داشت .

کوروش پس از فتح بابل سرزمین‌های تابع بابل و سواحل مدیترانه مانند فلسطین‌را نیز ضمیمهٔ امپراطوری خود ساخت و در هر یك ساتراپی گماشت و در واقع تمام‌کشورهای آسیای وسطی بتصرف وی درآمد باستثنای مصر .

قبل از میلاد

۵۳۷-۵۳۰ دراین سالها کوروش باحتمال قوی درسمت باختروشمال باختری امپراطوری بجنگ مشغول بوده ولی از جزئیات آن اطلاعاتی دردست نیست .

۵۲۹ درگذشت کوروش که درکیفیت و محل آن اختلاف عقیده است و به روایتی از سیحون گذشته در جنگ با ماساژتها (تیره‌ئی ازسکاهای ساکن اورال ودریای خزر) زخم برداشت و پس ازسه‌روز درگذشت. مقبرهٔ کوروش در بنائی سنگی در پازارگاد فارس در ۶۰ میلی شمال شیراز واقع است و روی سنگ قبر او نوشته‌ئی بوده که اسکندر آن را دیده و هرودوت آن را روایت کرده . این سنگ بعدها از میان رفته است . مضمون نوشته در اینحدود بوده «ای آنکه از اینجا میگذری به این چند وجب خاك که جسد مرا پوشیده است حسد مبر .»

سلطنت کمبوجیه

۵۲۹ - ۵۲۲ ق ـ م

کمبوجیه‌پسر کوروش بزرگ درزمان پدرش‌مدت‌هشت سال بالقب شاه بابل بر آن‌شهر حکومت کرد ، پس‌ازنشستن بتخت سلطنت برای اینکه رقیبی درسلطنت نداشته باشدمأمورین سری فرستاد و بردیا برادر کوچکتر خود راکه نزد مردم محبوبیت داشت و در زمان پدر و پس ازآن فرمانروای پارتیا و هیرکانیا و مدیا و ارمنستان بود محرمانه بقتل رسانیدند و مرگ او را پنهان داشت .

۵۲۵-۵۲۲ کمبوجیه از طریق خشکی بمصر لشکر کشید. **اماسیس** فرعون مصر دراین هنگام درگذشت و **پسامتیك** سوم جانشین او شکست خورده فرارکرد ومصر بتصرف کمبوجیه درآمد ومدت پنجسال درآنجا بماند وبا رعایت رسوم‌مصریان طبق روش کوروش سلطنت کرد .

۵۲۴ کمبوجیه قصد لشکرکشی به‌کارتاژ کرد و چون فنیقی‌ها از دادن کشتی به وی امتناع کردند از راه خشکی از طریق صحرای لیبی یك سپاه ۵۰۰۰۰ نفری بطرف امون وبمقصدکارتاژ(تونس امروز) فرستادکه باحتمال قوی بسبب بی‌آبی و گرسنگی در صحرا تلف شدند . سپس سپاهی بسرکردگی خود بطرف **ناپاتا** (مصر سفلی) و **حبشه** حرکت دادکه باز دچار عسرت‌آذوقه شد و با تلفات زیاد بمصر برگشت ولی این هر سه کشور در زمان داریوش ضمیمهٔ امپراطوری ایران گردید .

۵۲۲ (۱۱ مارس) یکنفر از مجوسان (ماگوش‌ها یا مغان : پیشوایان مذهبی) بنام **گئوماتا** (یا بقول یونانیان سمردیس غاصب) که شباهتی به بردیا پسر کوروش داشت دعوی

سلطنت کرده خود را بردیا خواند مردم به او گرویدند و در نیسایا به تخت نشست و هشت ماه سلطنت کرد ـ خبر سلطنت وی درهنگام مراجعت از مصردر **اگ‌بتنه** نزدیك کوه کارمل به کمبوجیه رسید و او طبق نوشتهٔ داریوش درکتیبهٔ بیستون ، خویشتن را بدست خود کشت.

سلطنت داریوش اول (بزرگ)

۵۲۱ ـ ۴۸۵ ق ـ م

داریوش پسر ویشتاسپ هخامنشی در مصر از سرداران کمبوجیه بود و پس از مرگ کمبوجیه بسرعت بمدی شتافت و با شش نفراز سران شش تیره از قبیله هخامنشی ومنسوبان خود همدست شد و در ۲۹ سپتامبر ۵۲۲ به قلعهٔ **سیکایاثوواتیش** در بخش **نیسایا**درمدی وارد شد و **گئوماتا** را بقتل رسانیده سلطنت خود را اعلام کرد .



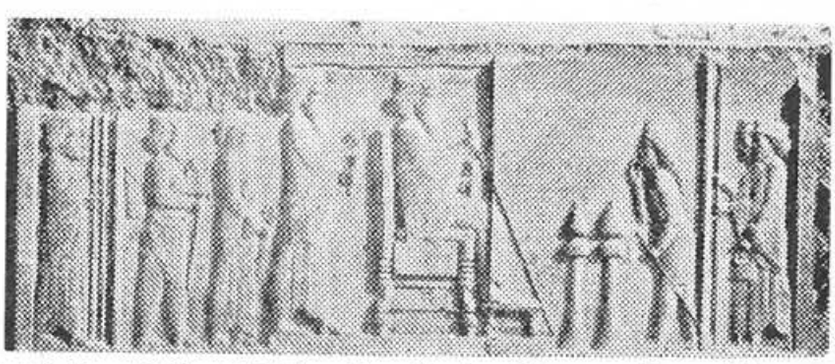
داریوش بزرگ



سکه داریوش

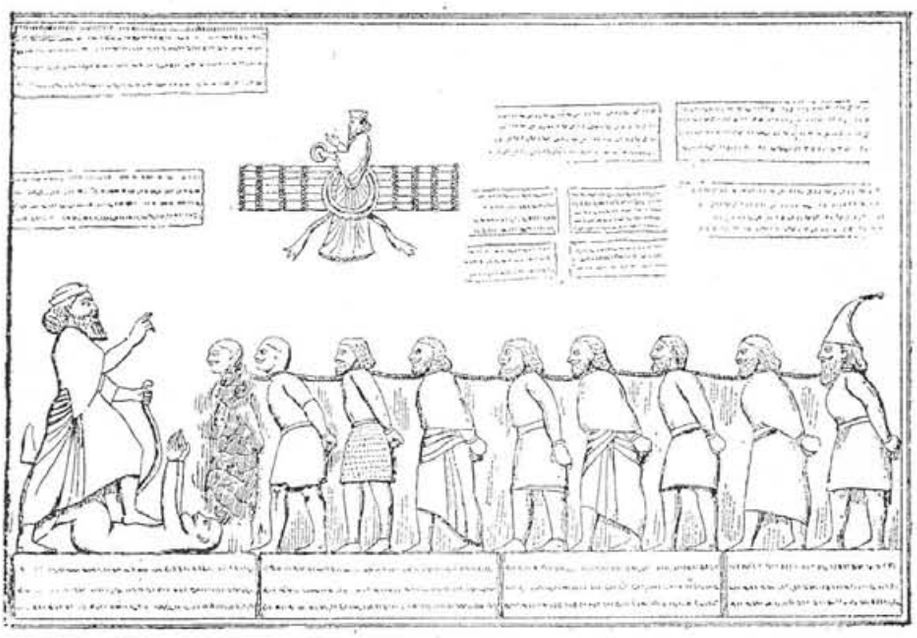
قبل از میلاد

۵۱۹-۵۲۲ داریوش بفرونشاندن شورشهائی که پی‌درپی ومکرردرنقاط مختلف‌امپراطوری بوقوع پیوست اشتغال داشته تا بالاخره موفق گشت سرزمین امپراطوری را تا ماوراء دره سند بسط دهد . وی‌آئین زرتشی را پذیرفت و در ادارهٔ امور امپراطوری تجدید سازمان نمود و وضع مالیات کرد ، امپراطوری را به بیست ساترایی (استان) تقسیم



داریوش بر تخت سلطنت هنگام پذیرفتن فرستادگان ساترایی‌ها (از نقوش تخت جمشید)

نمود . راه‌ها ساخت و سیستم پستی بوسیلهٔ چاپار دائـر نمود و ایستگاه‌های متعدد در تمام حوزهٔ امپراطوری برای توقف مأموران و چاپارهای پادشاه دائر نمود بطوری کـه ارتباط بین ساتراپها و پایتخت همیشه برقرار بود . وی چهار پایتخت داشت : شوش ، استخر ، اکباتان و بابل .کانالی بین رود نیل و دریای سرخ حفر نمود .کتیبهٔ وی درکوه بیستون که بر سنگ حجاری کـرده ازآثار و اسناد مهم تاریخی است . وی اولین پادشاه است در



نقش حجاری شده بوسیله داریوش درکوه بیستون (درکرمانشاه)داریوش را نشان میدهدکه شاهان ۹کشور راکه برعلیهٔ او بشورش برخاستند شکست‌داده بزنجیرکشید و در زیر پای اوگئوماتای غاصب سلطنت و بالای سراواهورامزدا و در پشت سرش دوسرباز جاویدان دیده میشود .کتیبه‌های حاوی شرح فتوحات و سلطنت و با خط میخی در اطراف نقوش بالا قرار داردکه اولین‌مرتبهٔ بوسیله رابنسون انگلیسی ترجمه شد .

ایران زمین‌که ضرب سکهٔ طلا و نقره نمود. سکه طلای وی موسوم به **دریك** درتمام‌حوزهٔ امپراطوری و جهان باستان متداول گردید و تقریباً معادل بوده است با وزن یك‌لیره طلای انگلیسی امروز . سکهٔ نقرهٔ وی موسوم به **سیگلو** (شگل بـزبان عبری) تقریباً معادل با یك شیلینگ انگلیسی بوده است . وی صاحب نبوغ درفن اداره و سازمان امور امپراطوری بود و مبتکر فن سازمان و اداره در تاریخ شمرده میشود .

قبل از میلاد

۵۱۵ سفر جنگی **اریارمن** والـی‌کاپادوکیه به اراضی شمال دریای سیاه و گـرفتن اسرا برای‌کسب اطلاعات در مورد قوم سکایا اسکیت‌های باختری اتفاق‌افتاد

۵۱۴ داریوش شخصاً به اروپا لشکرکشی‌کرد و از بوسفور بوسیله پلی‌که ازکشتیها

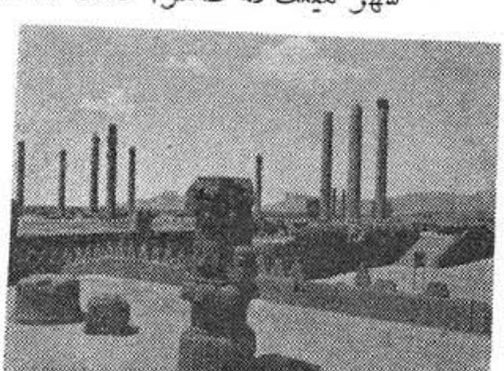
ساخته شده بود عبور کرده تراکیه (تراس) را متصرف شد و از دانوب گذشت و بـه تعقیب سکاها پرداخت که پی‌درپی در حال فرار و عقب‌نشینی بودند . وی تا تاتانائیس (دن‌امروز) و تا قلب کشور روسیه آنها را تعقیب نمود . سکاها علیق وآذوقه را هنگام عقب‌نشینی آتش‌زده چاه‌های آب را پرمیکردند و برای جنگ حاضر نمی‌شدند . داریوش ناچار بـه‌آسیای صغیر و سارد بازگشت و تراس و مقدونی را سردار او بنام **مگابیز** با هشتاد هـزار نفر سپاهی تسخیر کرد و ضمیمهٔ امپراطوری نمود . مسافت راه لشکرکشی داریـوش (از پارس تا رود دن در روسیه) در حـدود پنجهزار کیلومتر تخمین میشود . در همین اوان ساتـراپ مصر کشور برقه یا **سرنائیك** (لیبی امروز) را تا بن‌غازی امروز ضمیمهٔ امپراطوری داریوش نمود .

قبل از میلاد

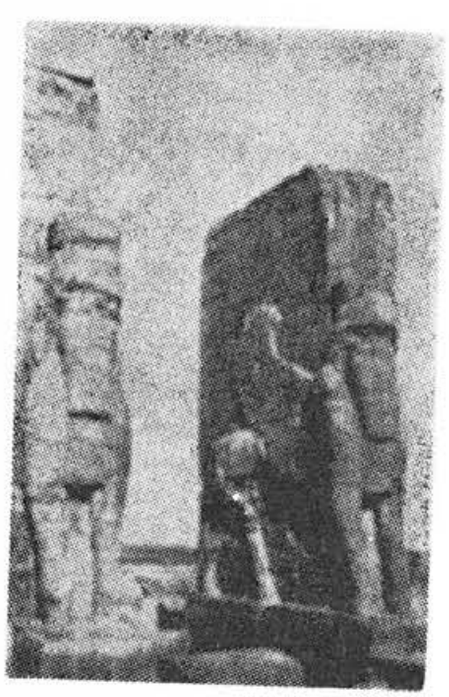
۵۱۲ داریوش سپس امپراطوری را بطرف خاور توسعه داد و از رود سند گـذشت و ایالات سند و پنجاب را در هند ضمیمهٔ آن نمود و **سیلاکس** یـا **اسکیلاس** دریاسالار یونانـی خود را بوسیلهٔ کشتی‌هائی که بدستور او ساخته شده بـود برای بازرسی سواحل عمان و مکران و عربستان فرستاد .

۵۱۰ اخراج **هیپ‌پیاس** جبارآتن ازطرف مردم آتن وپناه بردن وی به**ارتافرن** برادر داریوش و ساتراپ لیدی در این سال اتفاق افتاد

۴۹۴-۵۰۰ شورش یونانیان آسیای صغیر و ایونی برضد ایران بتحریك **اریستاگر** جبار شهر میلت که ظاهراً دست نشاندهٔ ایران بود و پدر زنش در دربار ایران در



منظرهٔ گوشه‌ئی از پرسپلیس (تخت جمشید)



درمدخل تخت جمشید دو گاو بزرك بالدار سنگی دیده میشود که سر آدمی دارد (حجاری دورهٔ هخامنشی)



مهر داریوش

توقیف بسرمی‌برد اتفاق افتاد. سپاه اعزامی آتن شهر سارد راآتش زدند ولی بزودی سپاه ایران‌رسیده شورش‌را فرونشانید وآتنی‌ها درنزدیکی میلت‌شکست خوردند و متواری شدند و شهرمیلت به تصرف سپاه ایران درآمد .

قبل از میلاد

۴۹۲ داریوش سپاهی بسرکردگی داماد خود **ماردونی‌جا** بیونان فرستادکه بار دیگر تراکیه و مقدونی را تصرف‌کرده باطاعت واداشت ولی بواسطهٔ طوفان دریا نصف‌کشتی‌های او از میان رفته از حمله به‌آتن صرفنظر کرد .

۴۹۰ داریوش سپاهی بسرکردگی **داتیس** سردارمدی از راه دریا وجزایرسیکلاد مستقیماً بطرف‌آتن فرستادکه پس از تصرف وآتش‌زدن شهر **اریتره** با ۶۰۰ کشتی در شبه جزیرهٔ آتیك لنگر انداخت . سپاه‌آتنی بسرکردگی **میلتیاد** با کمك نیروئی‌که از پلاته رسید در دشت **ماراتن** سی‌کیلومتری‌آتن موضع گرفتند . در این جنگ سپاه ایران شکست خورد و با دادن ۶۴۰۰ نفر تلفات بکشتی‌های خود برگشته بآسیا مراجعت‌کردند .

۴۸۵ درگذشت داریوش

۴۸۵-۴۶۵ **سلطنت خشایارشا** (گزرسس‌یا اهاسوروس) فرزندداریوش (و**آتس‌سا**دختر کوروش بزرگ) که در ۳۴ سالگی بسلطنت رسید .

۴۸۴ **خشایارشا** شورش مصر راکه برهبری **خابیشا** بوجودآمده بود فرونشانید . بعد شورش بابل را خاموش و مردم‌آنرا اسیرکرد و سپس تا مدت سه سال به تدارك سپاهی عظیم برای حملهٔ بیونان پرداخت‌که بعضی مورخین یونانی تعدادآنرا سه میلیون‌نوشته‌اند ولی اغلب‌آنرا اغراق دانسته ۸۰۰۰۰۰ پیاده و ۸۰۰۰۰ سوار درخشکی و ۱۲۰۰ کشتی جنگی و ۳۰۰۰ کشتی باربری در دریا را درست دانسته‌اند . این سپاه از میان ۴۶ ملت و نژاد مختلف تابع ایران با سلاحهای جور بجور و لباسهای متنوع تشکیل شده بود .

۴۸۰ خشایارشا خود در رأس این سپاه عظیم از بغاز داردانل (هلسپونت) ازپلی‌که ازکشتیها ساخته بود درمدت هفت روز گذشت . سپاه متحد از ۳۱ شهریونانی و اسپارت برهبری **تمیستوکل** بمقاومت برخاست ۷۰۰۰ نفر سپاه اسپارتی بسرکردگی **لئونیداس** در تنگهٔ ترموپیل راه را برایرانیان بست و ۲۷۱ کشتی یونانی بسرکردگی

اوری‌بیاد اسپارتی در دریا با نیروی دریائی ایران روبرو شد . سپاه یونانی ترموپیل شکست خورده برخی عقب‌نشینی کردند و هزار نفر با لئونیداس که ایستادگی نمودند بقتل رسیدند و سپاه ایران راه‌آتن را پیش گرفت و شهر راآتش زد . مردم‌آتن به جزیرهٔ **سالامین** فرار کردند . اما نیروی عظیم دریائی ایران در تنگهٔ سالامین به تنگ افتاده نتوانست جنبش کند و به جنگ پردازد و شکست خورد . خشایارشا به سارد بازگشت و مردونی‌جا را با دویست هزار سپاه در یونان گذاشت که بکار یونان پایان دهد .

قبل از میلاد

۴۷۹ باردیگر سپاه ایران‌آتن را تصرف و خراب کرد ولی در **پلاته** نزدیك تب مردونی‌جا تیرخورده بزمین افتاد و سپاه یونانی غلبه‌کرد . سپاه ایران‌برخی عقب‌نشینی کردند وبرخی متواری یاکشته شدند. **پوزانیوس** پادشاه اسپارت که فرماندهی سپاه یونانی را داشت نیز کشته شد ـ سپس نیروی دریائی‌یونان به‌کشتیهای ایران در دماغه **میکال** در جزیره **ساموس** حمله‌کرد وآن را معدوم نمود .



گلدان مفرغی هخامنشی



مجسمه‌سنگی یك‌سگ که‌در حفریات تخت‌جمشید بدست‌آمده‌درموزه‌ایران‌باستان(تهران) مضبوط است

۴۶۴-۴۶۵ خشایارشا و پسرش داریوش در اثر یك توطئه درون قصر بدست‌مهردادخواجه باشی و اردوان رئیس گارد مخصوص کشته شدند . پس ازقتل خشایارشا مدت هفت ماه اردوان از طرف ویشتاسپ پسر دیگر خشایارشا نیابت سلطنت‌داشت تا اینکه بدست اردشیر اول پسر دیگر خشایارشا بقتل رسید .

قبل از میلاد

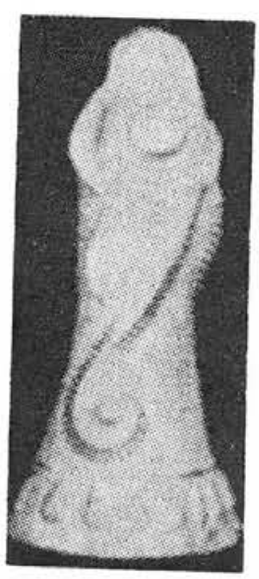
۴۶۴-۴۲۴ **سلطنت ارته‌خشتزه اول** (اردشیراول یا ارتاگزرسس‌اول که نزدیونانیان به **لونگی مانوس** یعنی دراز دست معروف بود) .

۴۶۲ ویشتاسپ برادر اردشیر باکمك مردم باختر دعوی سلطنت کـرد و پس از دو جنگ مغلوب وکشته شد .

۴۶۰-۴۵۴ **ایناروس** از اهل لیبی در مصر بکمك کشتی‌های یونانی بشورش برخاست . **بغابیش** ساتراپ شام (و قاتل اردوان) که سابقاً از طرف خشایارشا منصوب شده بود مأمور مصر شد و شورش را فرونشانید وکشتیهای یونانـی را نابود کرد .

۴۵۰ یونانیان به جزیره قبرس حمله نمودند .

۴۴۹ عقد پیمان موسوم به **کیمون** بین ایران و یونان (یا پیمان کاللیاس که نام‌سفیر یونان در دربار ایران بود) که طبق آن یونان از جزیره قبرس صرفنظر کرد و ایـران به شهرهای یونانـی‌آسیای صغیر استقلال داخلی داد وکشتیهای ایران مجاز بـه مسافرت به بنادر یونانی گردیدند. طبق روایتی که درتورات‌آمده داستان **استر و مردخا**



از آثار دوره هخامنشی





مجسمه‌هائی از طلا

که قبرآنها در همدان است مربوط به این پادشاه (اردشیر اول) میباشد (اگر چه بعضی‌آن را به خشایارشا منسوب کرده‌اند) طبق این روایت اردشیر **استر** دختری یهودی ازخویشان **مردخا** دربان سلطنتی را بزنی گرفت . **هامان** از درباریان شاه به استرحسد بردوحکمی

برای قتل عام یهودیان از شاه گرفت و مردخا بموقع خبر یافت و بوسیلهٔ ملکهٔ استر ناسخ آن حکم را گرفت و هامان را در عوض بحکم شاه بدارآویختند ـ یهودیان تمام جهان‌همه ساله روز معینی را بنام روز قتل هامان و نجات یهود جشن میگیرند . قبر استر و مردخا در همدان قرار دارد و تا اکنون زیارتگاه یهودیان جهان است .

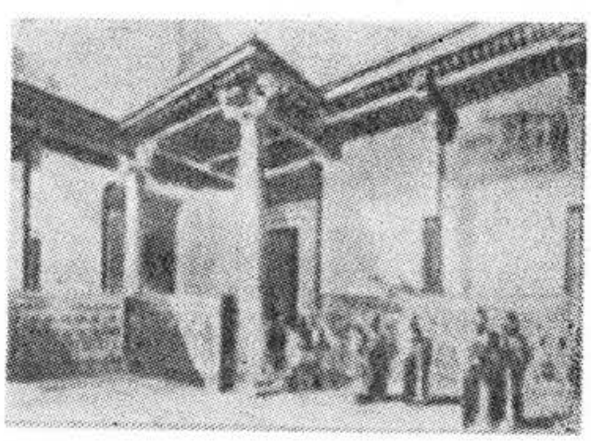
در زمان اردشیرامپراطوری هخامنشی روبضعف نهاد .

قبل از میلاد

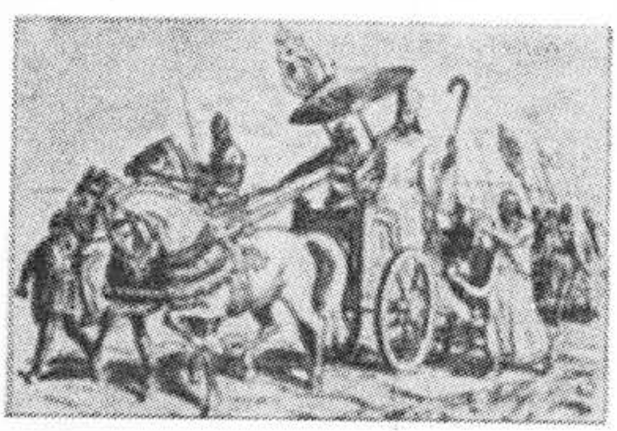
۴۲۴ اردشیر درگذشت .

۴۲۴ **خشایارشای دوم** پسر اردشیر ۴۵ روز سلطنت کرد و بدست برادرش ـ **سغدیانوس** که ازهمخوابهٔ بابلی پدرش **الوگونه** تولد شده بود باهمدستی، یکی از خواجگان و درباریان در خواب بقتل رسید .

۴۲۵ **سغدیانوس** ششماه و نیم سلطنت کرد و برادرش **اخوس** (فرزند دیگری از اردشیر از همخوابهٔ بابلی) که خود را **داریوش دوم** خواند.(ویونانیان او را **نوتوس** بمعنی حرامزاده خوانده‌اند) بهمدستی یکی از خواجگان و درباریان و با حیله و وعدهٔ تقسیم امپراطوری بر سغدیانوس غلبه‌کرده او را بقتل رسانید .



تابلو نقاشی : گوشه‌ئی‌ازمدخل‌یکی‌ازقصور تخت‌جمشید در هنگام‌آبادی‌که حرکت داریوش را درآن نشان میدهد



داریوش در ارابه جنگی در پیشاپیش سپاه بطرف میدان جنگ در حرکت است (تابلو نقاشی)

۴۰۴-۴۲۴ **سلطنت اخوس یا داریوش دوم** در این زمان تحریکات درباری ونفوذ زنان و خواجه سرایان در امورکشور رواج‌کامل داشت و سلطنت هخامنشی راه زوال گرفت و داریوش دوم با دادن پول به یونانیان شورشها و طغیانها را موقتاً فرومینشانیدکه از جمله فرونشاندن شورش یکی از برادران خود **ارسیت** بود . مصر نیز در ۴۱۵ شورش‌کرد و بصورت نیمه مستقل درآمد

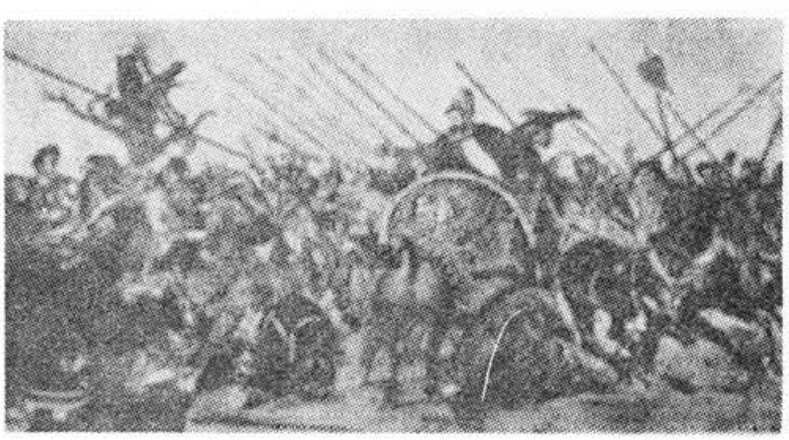
داریوش دوم در ۴۰۴ درگذشت .

قبل از میلاد

۴۰۴-۳۵۸ **سلطنت اردشیر دوم** (پسر داریوش دوم) که یونانیان او را **منه‌مون** (به معنی باحافظه) مینامند .

۴۰۱ کوروش برادر اردشیر و ساتراپ اناطولی سپاهی فراهم‌کرد و با ده هزار سرباز اسپارتی و یونانی بعنوان روزمزد ، برای جنگ با برادر به طرف ایران حرکت‌کرد . در **کوناکسا** (خان اسکندریه امروز) در اثنای جنگ کشته‌شد. ده هزار یونانی بسرکردگی **گزنفون** مورخ که باآنها بود چون فصل زمستان فرا رسید. در ساحل دجله راه شمال راگرفته پس از تحمل مشقات وصدمات بسیار خود را به طرابوزان ساحل دریای سیاه رسانیده و ازآنجا بیونان بازگشتند . گزنفون کتابی بنام **آناباسیس** و برگشت ده‌هزار نفر در تاریخچه این مسافرت در سال ۴۰۰ نگاشت‌که معروف است و امروزه بزبانهای مختلف ترجمه شده است .

۳۸۷ عقد پیمان **انتالسیداس** (سفیر اعزامی اسپارت بدربار ایران) بین یونان و ایران که طبق‌آن بار دیگر استقلال دول یونانی در امور داخلی تأئید شد و



جنگ‌داریوش‌واسکندردرایسوس.ـ پمپی.کاشی‌کاری



گلدان‌نقره‌زراندود ازدوره هخامنشی

باعث ازدیاد نفوذ ایران در یونان گردید و **تیسافرن** و **فرناباز** دوساتراپ سیاستمدار ایرانی درآسیای صغیر بوسیلهٔ دادن پول و پیروی از سیاست ایجاد جنگ بین اسپارت وآتن نقش مهمی دراین دوره داشته‌اند . دول‌یونانی‌مکرر سفرائی بدربار ایران فرستادند و دخالت ایران را در اختلافات بین خود خواستار میشدند .

قبل از میلاد

۳۶۶-۳۶۰ شورش درآسیای صغیر برهبری **داتامس** ساتراپ کاپادوکیه و توسعهٔ آن به سایر ساتراپی‌های باختری .

پریزاد خالهٔ داریوش که به ازدواج داریوش دوم درآمده بود در زمان وی بعنوان ملکه و در سلطنت اردشیر بعنوان ملکه مادر در تمام دسایس درباری دست داشت . وی **استاتیرا** ملکهٔ اردشیر دوم یعنی عروس خود را زهرداد و ببابل تبعید شد . درزمان اردشیر قتل‌ها و سوءقصدهای پی‌درپی و توطئه‌ها در درون قصر شاهی بین شاهزادگان و درباریان و خواجه‌سرایان و زنان بوقوع پیوست . ـ اردشیر دوم ۳۶۰ زن غیر عقدی داشت (بتعداد روزهای سال) و از ایشان ۱۱۵ پسرآورد و از استاتیرا ملکه رسمی سه پسر داشت : ۱ـ داریوش ، ۲ـ اریارات (یا اریاپس) ۳ـ اخوس . درکتیبه‌هائی که در شوش و همدان بدست آمده اول مرتبه ستایش میثر (میترا) و اناهیتا (ناهید) در ردیف اهورامزدا دیده میشود و معلوم است که اردشیر آنها را وارد مقدسات مذهبی نموده است .

اردشیر دوم در ۸۶ سالگی در ۳۶۱ درگذشت .



بعضی از سکه‌های شاهان هخامنشی

۳۵۹-۳۳۸ **سلطنت اردشیر سوم** (اخوس) یگانه پسری که از ملکهٔ استاتیرا مانده بود . وی تمام کسان و خویشان خود را بقتل رسانید تا مدعی نداشته باشد **ارتاباز** فرمانده سپاه وی درآسیای صغیر یاغی شد و سپاه شاه را شکست داد . بعدآتنی‌ها او را ترک کردند و او به فیلیپ پادشاه مقدونی پناهنده شد . اردشیر شورش‌هائی را که در بعضی از ساتراپی‌ها بوجودآمده بود فرونشاند و بطرف مصر شتافت وآنرا باردیگر تسخیر کرد . در ۳۳۸ بدست یکی ازخواجگان درباری بنام **باگواس** مسموم گردیده‌در گذشت.

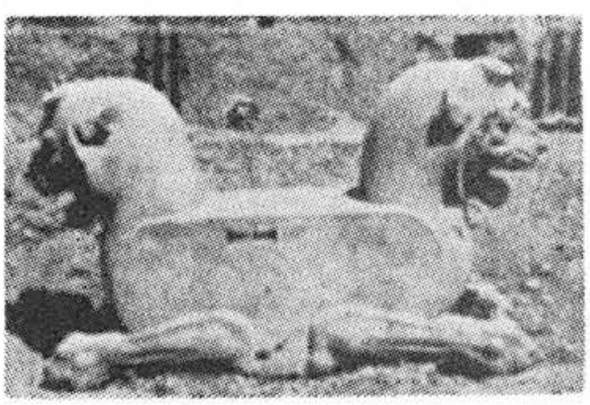
قبل از میلاد

۳۳۸-۳۳۶ **ارشك** (ارسس) پسر اردشیر بسلطنت رسید و باز بدست همان باگواس بقتل رسید. ودراین زمان ساتراپی‌های خاوری‌آسیای وسطی وهند یاغی‌شده‌بودند.

۳۳۶-۳۳۰ **سلطنت داریوش سوم** از نواده‌های داریوش دوم (که یونانیان او را کدومانس خوانده‌اند) و بدست همان باگواس خواجه بتخت‌نشست ولی‌چندی بعد باگواس را بقتل رسانید.

دراین زمان امپراطوری هخامنشی بحداکمل انحطاط وزوال رسید وبواسطهٔفتوحات و پیشروی اسکندر مقدونی داریوش سوم فرصت انجام اصلاحات نیافت.

۳۳۴ اسکندر از بغاز داردانل گذشت و راه‌آسیای صغیر پیش گرفت. درکنار رود گرانیك با سپاه ایران روبرو شد و مهرداد داماد شاه را بزمین افکند وسپاه ایران شکست خورده فرارکرد.





دو ستون از سر ستونهای تخت جمشید

۳۳۳ داریوش در **ایسوس** نزدیك خلیج اسکندرون منتظر ورود اسکندر شد. در این جنگ نیز شکست فاحشی بداریوش واردآمد. خود او فرارکرد ولی خانواده‌اش باسارت اسکندردرآمدند.

(۴)- سلطنت اسکندر

(۹ سال از : ۳۳۱ - ۳۲۳ ق‌م)

۳۳۱ اسکندر پس از جنگ ایسوس از طریق شامات بمصر رفت و سپس به طرف بین‌النهرین بازگشته از فرات و دجله گذشت واز ساحل این رود بسوی‌آشور راند. در **گوگامل** نزدیك نینوا و **آربل** با سپاه داریوش مصاف داد. داریوش پیش از

آنکه نتیجهٔ جنگ معلوم شود ترسید و فرارکرد و در نتیجه سپاه او هم فراری شد وشکست فاحشی برآنها واردآمد . اسکندر سپس به بابل و شوش وتخت جمشید و پاسارگاد رفت. تخت جمشید راآتش زد و غنائم و طلای بسیار از شوش و تخت‌جمشید بدست‌آورد . سپس بتعقیب داریوش پرداخت ـ ولی پیش از رسیدن اسکندر داریوش در نزدیکی دامغان بدست **بس‌سوس** ساتراپ باختر کشته شد و بس‌سوس فرارکرد .

قبل از میلاد

۳۲۷ اسکندربا دختری‌ایرانی بنام **روکسانا** (روشنك)دختر**اکسیارتس** Xiartes ازدواج نمود و چند ماه پس از مرگ او روشنك پسری بدنیاآورد که اسکندر چهارم‌لقب گرفت. سرداران‌اسکندرسلطنت‌مشترکی ازآن‌کودك و فیلیپ سوم پسر فیلیپ دوم تشکیل دادند و دونفر نایب‌السلطنه از طرف هردو برای حکومت براپمراطوری اسکندر انتخاب‌کردند و همچنین اسکندر با **استاتیرا** دختر داریوش ازدواج نموده و بفرمان وی ده‌هزار نفراز مردم مقدونی و یونانی از ایران و ملل تابعهٔ‌آن زن ایرانی گرفتند .

۳۲۷ اسکندر با ۱۲۰۰۰۰ سپاه ازطریق **نیکایا** (احتمالاکابل امروز) وتنگهٔ خیبر بهند لشکرکشید وپادشاه شهر تاکسیلا در پنجاب از او پذیرائی نمود و هدایائی بنزد او فرستاد .



از نقوش برجسته تخت‌جمشید: جنگ داریوش (بعنوان مظهر اهورامزدا) بااهریمن‌ـداریوش نیمی‌ازدشنه خود را در شکم حیوان عجیبکه مظهر اهریمن‌است فرو برده(مقایسه شود با نقش‌جنگ‌سن‌ژرژ بااژدها‌ـدراگون‌ـ در افسانه‌های مسیحی باختر زمین که مسلماً اصل فکر ازخاور زمین گرفته‌شده) نقشی‌مشابه‌ان نیزدر بابل‌یافت شده‌که جنگ‌ماردوك‌خداو ند بزرك بابل‌را با طامات(عفریت‌کائنات) نشان‌میدهد(با این‌تفاوت‌که‌در نقوش بابل‌هم‌ماردوك وهم‌طامات بال‌دارند)



اسکندر

قبل از میلاد

۳۲۶ اسکندر بطرف رود **هی‌داس‌پس** (جلم امروز) پیشروی کرد وپروس پادشاه آن سرزمین با ۳۰۰۰۰ سپاه و فیلهای بسیار با او جنگید و شکست خورد و اسیر گردید .

۳۲۵ اسکندر تا رود **هیفاسیس** پیشروی کرد و درآنجا سپاه خستهٔ وی وبخصوص یونانیان از پیشروی بیشتر امتناع کردند و اسکندر ناچار بمراجعت شد واز طریق **هیداسس** و سند خود را بسواحل اقیانوس هند رسانید و**نیرکوس** (نه‌ارخ) سردار خود را با بخشی از سپاهیان ازطریق دریا فرمان مراجعت داد و خود از راه بیابان گدروسیا و بلوچستان راه ایران را پیش گرفت .

۳۲۴ اسکندر به شوش رسید .

۳۲۳ اسکندر در بابل به بیماری تب باتلاقی در ۳۲ سالگی درگذشت .

(۵) سلطنت سلوکیان

(۷۶ سال : از ۳۲۴ تا ۲۴۹ ق.م)

۳۱۲-۳۲۴

دورهٔ هرج و مرج و شورشها و فترت

دراین ده سال بین سرداران اسکندر که حکومت برایالات امپراطوری را بین‌خویش تقسیم کرده بودند دائماً جنگ و برسر حکومت و سلطنت کشمکش بـود . در بیشتر ایالات شورش و طغیان بپاخاست . پس از تولد اسکندر چهارم از روکسانا زوجهٔ ایرانی‌اسکندر، اسماً سلطنت بخش‌خاوری امپراطوری که ایران وآسیای صغیر هم جزءآن بود با او بـود و **پردیکاس** از درباریان اسکندر بعنوان نیابت سلطنت حکومت میکرد . پردیکاس بعداً به دست سربازان خودکشته شد . سپس چندی انتیگون حاکم کیلیکیه قدرت یافت ولـی بعداً مغلوب **سلوکوس نیکاتر** ازسرداران اسکندر گردید و سلوکوس بربیشتر سرزمین آسیای غربی که ایران نیز جزءآن بود سلطنت کرد .

۳۱۲ تأسیس سلسلهٔ سلوکیان بدست سلوکوس نیکاتر که پایتخت وی ابتدا در بابل بود و بعد شهر سلوکیه را در نزدیکی تیسفون در ساحل دجله بنانمود وآنرا پایتخت قرار داد . بعدها سلاطین سلوکی پایتخت خود را بـه **انطاکیه** در شام انتقال دادند .

سلوکوس نیز زنی ایرانی گرفت بنام **اپاما** دختر **سپیتامن** و فرزند وی که‌جانشین

او شد و نوادگان او همه از همین نسل بوده‌اند و بنابراین خود را نیمی یونانی و نیمی ایرانی میدانستند .

قبل از میلاد

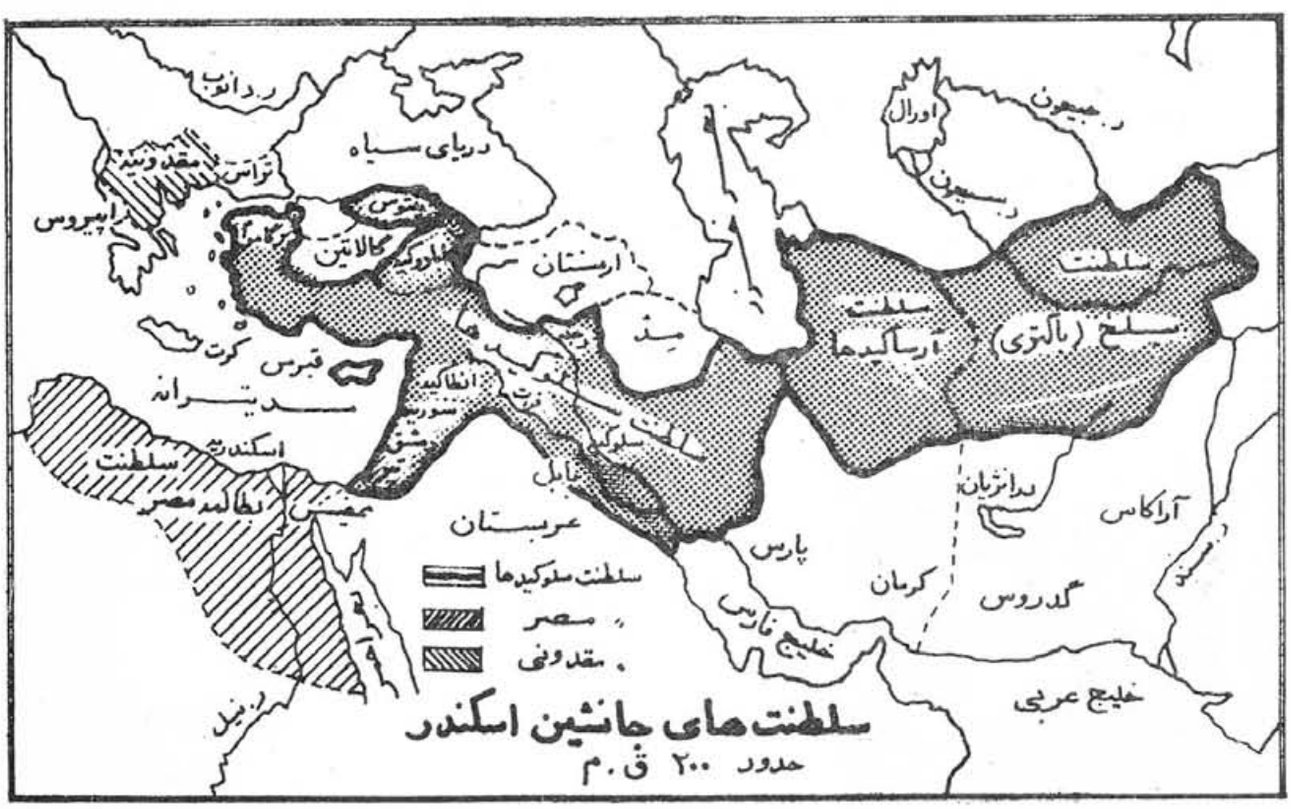
۳۱۰-۳۰۶ جنگهای بین سلوکوس و انتیگون و غلبهٔ سلوکوس بر انتیگون .

۳۰۵ سلوکوس در بابل خود را پادشاه خواند .

۳۰۴-۳۰۳ سلوکوس سرزمین **ساندراکوت‌توس** (چاندراگوپتای امروز) رادربرابر ۵۰۰ فیل به هند واگذاشت .

۳۰۱ بطلمیوس فرمانروای مصر **کوئل ـ سوریه** را از سلوکوس گرفت .

۲۹۶-۲۹۵ سلوکوس **سیلیکیا** را از دمتریوس گرفت .



۲۸۱ سلوکوس از عهدهٔ دفع میتریدات اول والی **پونتوس** برنیامد ولی **لیزی‌ماکوس** را شکست داد و باختر آسیای وسطی را در تحت حکومت خود در آورد . سلوکوس در این موقع که به سن پیری رسیده و بزرگترین سلطنت‌را پس از اسکندر تشکیل داده و فاتح لقب گرفته بود سلطنت را به پسرش **انتیوخوس** سپرد و عازم مقدونیه شد تا بسلطنت مقدونی قناعت کند اما در راه تنگهٔ داردانل بدست **بطلمیوس کرائونوس** کشته شد .

۲۸۰-۲۶۱ **سلطنت انتیوخوس اول** معروف به **سوتر** (یعنی **منجی**) وی با گالاسیانها

جنگید (۲۷۹-۲۷۵) و بالاخره بوسیلهٔ فیلهای خودآنها را شکست داد. در جنگهای **داماسن** (۲۸۰-۲۷۹) و **سوریهٔ اول** (۲۷۶-۲۷۲) برضد بطلمیوس شهرهای میلتوس و فنیقی و سیلیکیه باختری را از کف داد.

قبل از میلاد

۲۶۱-۲۴۶ **سلطنت انتیوخوس دوم- تئوس** (که‌مردم‌میلت به‌اولقب «خدا» داده‌اند) وی فرزند انتیوخوس اول بود و باکمك انتیگون دوم و **رودس** در جنگ دوم سوریه و مصر (۲۶۰-۲۵۵) غلبه‌کرد و با عقد پیمان صلح شهرهای ایونی (شامل میلتوس) وکوئل ـ سوریه و سیلیکیه باختری بار دیگر به وی واگذار شد (۲۵۵).

۲۵۰-۲۳۰ **دیودتوس اول** یونانی والی بلخ (باکتریا) یاغی شده خود را شاه بلخ اعلام‌کرد و در ۲۴۹ ق.م **ارشاك اول** (اشك اول) مؤسس سلسلهٔ اشکانی یا پارتها رئیس قبیلهٔ صحرانشین **اپارنی** یا پارنی در ایالت پارتیا (خراسان) پرچم استقلال برافراشت و جنگهای مکرر با سلوکیها نمود و برآنها غلبه یافت و دست سلوکیها را از سرزمین ایران‌کوتاه نمود.

پادشاهان سلوکی ازآن پس به سلطنت در سوریه و شام قناعت‌کردند وگاهی تا بین النهرین را نیز در تصرف داشتند و تا سال ۶۴ ق‌م درآن نواحی سلطنت‌کردند. پایتخت ایشان انطاکیه بود و اسامی پادشاهان‌آنها بشرح زیر است:



انتیوخوس چهارم

سلوکوس دوم‌کالی نیکوس (۲۴۶-۲۲۶)

سلوکوس سوم سوتر پسراو (۲۲۶-۲۲۳)

انتیوخوس‌سوم‌کبیر برادرسلوکوس سوم (۲۲۳-۱۸۷)

سلوکوس چهارم **فیلوپاتر** (۱۸۷-۱۷۵)

انتیوخوس‌چهارم اپی‌فانس (۱۷۵-۱۶۳)

انتیوخوس پنجم اوپاتر فرزند انتیوخوس چهارم (۱۶۳-۱۶۲)

که بواسطهٔ صغر سن **لیزیاس** نیابت سلطنت او را داشت.

دمتریوس اول سوتر پسر سلوکوس چهارم (۱۶۲-۱۵۰)

الکساندر بالاس که مدعی بود پسر انتیوخوس چهارم است (۱۵۰-۱۴۵)

دمتریوس دوم نیکاتر پسر دمتریوس اول (۱۴۵-۱۳۹)

انتیوخوس ششم دیونی‌سوس پسر الکساندر بالاس مدعی سلطنت شده انطاکیه را از ۱۴۵ تا ۱۴۲ درتصرف داشت .

انتیوخوس هفتم سبده (۱۳۹-۱۲۷) درهمدان در۱۲۷ بدست فرهاددوم‌اشکانی کشته شد .

انتیوخوس هشتم گریپوس پسردمتریوس دوم که باکلئوپاترا تا هنگام مرگ‌وی در ۱۲۰ ق‌م با یکدیگر سلطنت میکردند (۱۲۵-۹۶) .

انتیوخوس نهم سیزی‌کنوس برادر خواندهٔ انتیوخوس هشتم وپسر کلئوپاتراازانتیوخوس هفتم برادرش انتیوخوس هشتم را بزور بگوشه‌گیری واداشت وپس ازچند جنگ در۱۱۱ ق‌م کشور را بین خود تقسیم کردند وهردوسلطنت میکردند تا سال ۹۶ که انتیوخوس هشتم بدست هراکلئون کشته شد .

سلوکوس ششم پسر انتیوخوس هشتم، انتیوخوس نهم را شکست داد وبقتل‌رسانید (۹۵ق.م.) سپس‌فرزندان ونواده‌ها و برادران بجان یکدیگر افتادند ویکی از پی دیگری هرکدام مدت‌کمی بنامهای انتیوخوس دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم و دمتریوس سوم و فیلیپ اول و دوم سلطنت‌کردند و یکدیگررا ازمیان بردند تا در سال ۶۷ق.م. که **امسا** شاهزادهٔ عرب ، انتیوخوس سیزدهم‌آخرین شاه سلوکی را بقتل رسانیده و در سال ۶۴ ق‌م پمپی قیصر روم سوریه راکه سرزمین سلطنت سلوکیان بود یکی از ایالات رومی و ضمیمهٔ امپراطوری روم نمود .

ایران در زمان اسکندر و سلوکیان

اسکندر ازحیث سازمان و ادارهٔ امورکشور چیزتازه‌ئی بایران نیاورد وهمان‌سازمان و تقسیمات ساتراپی حکومتی واداری هخامنشی را پذیرفت و همان روش حکومت رادنبال کرد و نیز همان سیاست‌کوروش و داریوش را در دادن استقلال در امور داخلی وآزادی مذهب وآئین و رسوم و قوانین محلی به ساتراپها تعقیب نمود و نیز همان هدف اجتماعی جهانی‌کوروش و داریوش را تعقیب نمودکه در نظر داشتند بنام اعلام صلح جهانی ازکلیهٔ کشورها و ملل زنده‌آنروز یك امپراطوری بزرگ و متحد تشکیل دهند . پس بهمین‌منظور بودکه خودش دو زن ایرانی گرفت وآنها را زوجهٔ رسمی خود و فرزند یکی ازآنها را وارث تاج وتخت خود معرفی‌کرد و بعضی از سردارانش نیزبدوگرویدند چنانچه‌سلوکوس مؤسس سلسلهٔ سلوکی نیز زن ایرانی گرفت و فرزند وارث و نوادگانش همه از نسل‌آن

زوجهٔ ایرانی بودند . و نیز اسکندر فرمان داد تا ده‌هزار نفر از مردم مقدونی و یونانی از ایـرانیان و ملل تابعهٔ امپراطوری ایـران زن بگیرند . وی‌آرزو داشت کـه یونانیان و ایرانیان را طوری مخلوط وممزوج نماید که تمدن آنها بصورت واحد درآید لذا عدهٔزیادی از مردم مقدونی و یونانی را تشویق بمهاجرت بایـران کرد و در حـدود هفتاد شهر و دژ مستعمره نشین در نقاط مختلف ایران برای ایشان بنا کرد که بعدها از میان رفت ولی نام آنها در تواریخ یونانی مضبوط است ازآن جمله شهری بنام اسکندریه درکرمان (کارمانیا) در شمال شرقی بندرعباس و شهر دیگری بنام اسکندریه در شمال درکنار هری‌رود وشهری در سیستان بنام **پروفتاسیا** بنا کرده بنای شهر **هکاتم‌پیلوس** (شهر صددروازه در جنوب باختری دامغان) را نیز بـاو نسبت میدهند . وی بعضی از ایـرانیان را بکارهای اداری و حکومتی گماشت و دو ساتراپ وی درآذربایجان و بابل ایرانی بوده‌اند .

خود او لباس شاهان ایران را پوشیده و تمام رسوم درباری ایران را در دربار خود معمول داشت . سی‌هزار طفل ایرانی را به بخش‌های مختلف ارتش تقسیم کـرد تا تعلیمات نظامی گیرند بمنظور اینکه ایرانیان و یونانیان‌را با هم جوش‌دهد و ضمناً ازشر تحریکات و توطئهٔ و دسیسه که در ارتش مقدونی و یونانی رواج داشت‌آسوده شود . ایرانیان را تشویق میکرد که زبان یونانی‌بیاموزند. بدینطریق البته تمدن یونانی تا درجه‌ئی بایران سرایت و نفوذ یافت اما چون عمر او و سلطنتش دوام نیافت این نفوذ تمدن و فرهنگ یونانی عمق پیدا نکرد وسطحی باقی‌ماند وهمچنین هدف وحدت جهانی اسکندر بسبب کوتاه بودن عمر سلطنتش از میان رفت . گروه‌های یونانی که مقیم ایران گردیدند ، بتدریج جذب جمعیت شده مستحیل گردیدند . اما شاهان سلوکی بیشتر سعی داشتند که کشور را بطرف تمرکـز سوق دهند و چون ملل تابعه وبالاخص ساتراپهای خاوری ازقبیل بلخ (باکتریا)وخراسان وگـرگان (پارت و هیرکانیا) با شیوهٔ باستانی اقوام‌آریائی عادت کرده‌آنـرا نگاه داشته بودنـد ، در اولین فرصت بر ضد سلوکیها قیام کردند . پارتها سلطنت اشکانـی را تشکیل دادند و سرزمین ایران را از تحت تسلط سلوکیها بیرون‌آوردند و مدت پنج قرن سلطنت کردند .

(٦) سلطنت اشکانیان(پارتها)

(۴۷۵ سال: از۲۴۹ق.م تا ۲۲۶ب.م)

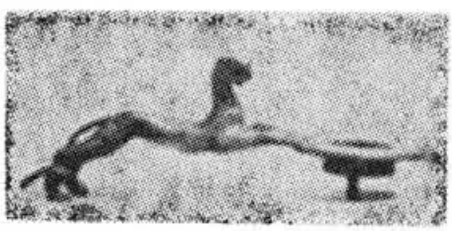
جغرافیا ـ تمدن ـ مذهب ـ و فرهنگ در دوره پارتها

حدود امپراطوری اشکانی درحداکثر وسعت خود از شمال به سغد وکـوراسمی بین

دریاچه اورال و دریای خزر و سرزمین‌های کاسپی (خزرها) و کول‌چی ما بین دریای خزر و دریای سیاه ، از خاور به دولت هند و ایرانی و کشورسکستان (بخشی از بلخ یا باکتریا و افغانستان امروز که سکاها از شمال سرازیر شده درآن سکونت گزیده بودند) از جنوب بدریای عمان و خلیج فارس و عربستان و از باختر به کشورهای کاپادوکیه (آسیای صغیر) که جزء متصرفات روم شده بود وانطاکیه (سوریه وشام) که سرزمین حکومت بقایای سلوکیان بود و بعد بدست رومیان افتاد . در زمان خسرو پرویز تقریباً تمام آسیای صغیر و همچنین مصر در مدت کمی بدست ایرانیان افتاد ووسعت امپراطوری ساسانی بحدود دورهٔ هخامنشی رسید . پایتخت اشکانیان ابتدا در **هکاتم پیلوس** (شهر صد دروازه) در جنوب باختری دامغان بود و بعد ری و سپس شهر تیسفون را در ساحل دجله و نزدیك شهر سلوکیه (که نزدیك به بغداد امروز است) پایتخت قراردادند. سلطنت اشکانی تمرکز کامل نداشته‌وصورت



حجاری اشکانی



بخوردان مفرغی



سرملکه‌موزاازمرمر (بر روی تاج‌وی نام‌سازنده‌آن آنتیوخوس باخط یونانی حکاکی‌ودرحدودقرن اول ق م ساخته شده

فدراسیونی از سلطنت‌های کوچك را داشت و در هر ایالت یا ولایت پادشاهی دست نشاندهٔ پادشاه اشکانی‌سلطنت میکردکه بدولت مرکزی باج و خراج وسرباز میداد . شاهان اشکانی دو مجلس مشورتی تشکیل دادند و در امور مملکتی با این دومجلس مشورت میکردند . یکی از ایندو مجلس از اعضاء خاندان سلطنتی و مجلس دیگراز اشراف و رؤسای روحانی

تشکیل یافته بود و دو مجلس را با هم **مغستان** مینامیدند این مجلس پس از درگذشت شاه جانشین او را انتخاب میکرد .

در زمان اشکانیان نیز مذهب رسمی وجود نداشته و بنابه سنت دورهٔ هخامنشی مذهب آزاد بود چنانچه یونانیان مقیم ایران مذهب یونانی داشتند . خود پادشاهان اولیهٔ اشکانی مذهب ایران باستان پیش از زرتشت را داشته میترا وآناهیتا را ستایش میکردند، وهم‌بنابه سنت‌آرین‌های خیلی قدیم اجداد را میپرستیدند . ولی در اواسط دورهٔ اشکانی مذهب‌زرتشت رواج گرفت و بعضی از شاهان اشکانی بدان گرویدند . مشاغل پزشکی و تدریس و تعلیم و منجمی و سالنامه‌نویسی با مغان بود . مغان نگاهبان‌آتشگاه‌ها نیز بودند . ازلحاظ‌سیاست، حکومت اشکانیان نظر باینکه با سلوکی‌ها در جنگ بودند برای جلب یونانیان‌مقیم ایران خود را **هلنوفیل** یعنی دوست یونان خوانده و در روی غالب سکه‌های خود این‌کلمه‌را نقش کرده‌اند . زبان دورهٔ اشکانی همان زبان پهلوی بود ، که از زبان دورهٔ هخامنشی ریشه گرفته و خط‌آنها نیز خط پهلوی بودکه از راست بچپ نوشته میشد ، در دورهٔ اشکانی در تربیت جوانان بیشتر از هرچیز به تیراندازی و سواری اهمیت داده میشد و سربازان‌دورهٔ اشکانی در تیراندازی شهرت داشته‌اند . به شکار نیز علاقهٔ بسیار داشتند . تاکتیك جنگی سواران پارتی‌آن بودکه از جلودشمن فرارکرده او را بصحراهای بی‌آب و علف یا نقاط دشوار میکشانیدند . سپس برگشته دشمن را از پا در میآوردند و این شیوهٔ‌آنها به **جنگ وگریز** معروف است و رومیها از این روش جنگی واهمه داشتند . صنایع وفنون در دورهٔ اشکانی پیشرفتی نداشته وآثاری از حجاری باستثنای یکی از دو فقره ازآنها هنوز بدست نیامده کتیبه‌ئی هم از آنها دیده نشده . رقص در میهمانی‌ها در دورهٔ اشکانی معمول بوده است .



سوار اشکانی از سفال سخت

در زمان اشکانی ایران واسطهٔ بازرگانی بین خاور (چین و هند) و باختر (اروپا) بود .

کرونولوژی دورهٔ اشکانی

(توضیح: در تواریخ سلطنت بعضی‌ازشاهان اشکانی درکتب مختلف‌اختلافاتی‌در حدود یك‌تا۵ سال‌دیده‌میشود).

قبل از میلاد

۲۴۹-۲۴۷ **سلطنت اشك اول یا ارشاك اول** که بکمك قبیلهٔ خود (آپارنی) برضد سلوکیها قیام و جنگهای متعدد کرد و ابتدا پارت و هیرکانیا (خراسان و گرگان) را مستقل‌ساخت وسلسلهٔ اشکانی را بنیان گذاشت سپس با دولت بلخ (باکتریا) در خاور جنگید و در جنگ کشته شد .

۲۴۷-۲۱۲ **سلطنت اشك دوم** (تیرداد اول) برادر اشك اول . وی هیرکانیا (گرگان) را ضمیمه پارت کرد بعد با پادشاه بلخ متحد شد وبرضد سلوکوس دوم‌جنگید وسلطنت پارت را پابرجا کرد. پارتها جلوس اورا در سال ۲۴۷ مبداء تاریخ قرار دادند .

۲۱۲-۱۹۶ **سلطنت اشك سوم (اردوان اول)** پسر اشك دوم پس از جنگ ومقاومت در برابر انتیوخوس بزرگ که در سال ۲۰۹ بایران حمله کرد با او پیمان صلح بست و رسماً پادشاه ایران شناخته شد .

۱۹۶-۱۸۱ **سلطنت اشك چهارم** (پریاپاتیوس) پسر اردوان اول .

۱۸۱-۱۷۱ **سلطنت اشك پنجم** (فرهاد اول) پسر اشك چهارم . وی شهر **شاراکس** را در ری بنا کرد .

۱۷۱-۱۳۸ **سلطنت مهرداد اول** (میتریداد) برادر فرهاد اول . وی با سلوکیها جنگیده ابتدا بابل و مد را فتح و ضمیمهٔ دولت خود نمود و سپس عیلام و پارس را از طرف باختر و بخشی از بلخ را از طرف خاور ضمیمه کرده سلطنت خود را بدل بامپراطوری اشکانی نمود و خود را شاهنشاه خواند . پایتخت را به تیسفون و سلوکیه انتقال داد .

۱۳۸-۱۲۸ **سلطنت فرهاد دوم** (فراآتس) پسر مهرداد اول . وی انتیوخوس هفتم را در مد در سال ۱۲۹ شکست داد و از این تاریخ ببعد دست سلوکیان بکلی از سرزمین‌های خاور فرات قطع شد . وی درجنگ با سکاهای (اسکیت‌های) یونانی موسوم به **توچاری** که از مرکز آسیا از طرف قبیله **یوئه‌چی** بطرف ایران رانده شده بودند کشته شد .

۱۲۹-۱۲۴ **سلطنت اردوان دوم** (ازتابانوس دوم) پسر اشك چهارم و عموی فرهاد دوم وی در جنگ باقبیلهٔ **یوئه‌چی** زخم برداشت ودر گذشت .

۱۲۴-۸۸ **سلطنت مهرداد دوم ـ کبیر** (میتریداد بزرگ) پسر اردوان دوم . وی سکاها و **نیزارتاواسدس** پادشاه ارمنستان را شکست داد و در سال ۹۲ با دولت رم ارتباط یافت و پیمان بست . در زمان وی امپراطوری اشکانی‌بحد اکثر وسعت خود رسیده از طرف خاور به هیمالیا و شمال هند و از طرف

باختر به بین‌النهرین گسترده شد .

قبل از میلاد

۷۷-۸۸ دورهٔ فترت و ضعف دولت اشکانی .

۶۹-۷۷ **سلطنت ساناتروک** پسر مهرداد اول که در زمان وی **تیگران** پادشاه ارمنستان به‌آذربایجان و جلگهٔ فرات تاخت و قلمرو اشکانیان کوچك شد .

۶۰-۶۹ **سلطنت فرهاد سوم** پسر ساناتروک ـ وی نظم را بار دیگر برقرار کرد اما نتوانست از پیشروی رومیان برهبری **لوکوس** و **پمپی** درباختر ایران جلوگیری کند و بدست دو پسرش مسموم شد .

۵۶-۶۰ **سلطنت مهرداد سوم** پسر فرهاد سوم که بواسطهٔ سفاکی خلع شد و به **گابی نیوس والی** روم در شام پناهنده گشت .

۳۷-۵۷ **سلطنت ارد اول** برادر مهرداد سوم. وی ارمنستان را تسخیر کرد. **سورنا** سردار وی کراسوس سردار بزرگ رومی راکه با سپاه بسیار بقصد تسخیر ایران حرکت کرده بود در اولین جنگ بین روم و ایرانیان در جلگه‌های بین‌النهرین در ۵۳ ق‌م شکست داد و هم پسرش را بقتل رسانید و در حران (کاره) بین‌النهرین شکست فاحشی بررومیان واردآمد . بیست هزار نفر مقتول و بیست هزار نفر اسیر شده بمرو اعزام شدند و بین‌النهرین بار دیگر بتصرف ایران درآمد و تیسفون پایتخت شد . این اولین شکست بزرگی‌بود که امپراطوری بزرگ روم در پیشرفت بطرف خاور نصیبش شد و جلو پیشروی روم راگرفت و سیر تاریخ را عوض کرد .

بعضی از سکه‌های اشکانی



فرهاد چهارم — وارداتس دوم — فرهاد و ملکه موزا

قبل از میلاد

۳۲-۳۷ **سلطنت فرهاد چهارم** (فراآتس) پسر ارد اول که با قتل پدر و برادران وکسان خود سلطنت را آغازکرد . انتوان قیصر روم با صد هزار سپاه برای تلافی شکست کراسوس بطرف ایران حرکت کرد و شکست فاحشی خورد و نیمی از سپاه او تلف شدند . دو سال بعد بار دیگر بایران لشکر کشید و باز هم شکست خورد . اگر چه ارمنستان بسبب دعوت پادشاه آن از رومیها به تصرف رومیها درآمد ولی تا یك قرن بعد رومیها فکر تجاوز به ایران رااز سرخود بیرون کردند و صلح متمادی با ایران برقرار ساختند .

۳۰-۳۳ **سلطنت تیرداد** یکی از اشراف ایران که بسبب شورش مردم برضد فرهاد به سلطنت رسید و فرهاد به‌آسیای صغیر گریخت وسه سال بعدبا سپاهی‌بر گشته بار دیگر سلطنت کرد ـ تیرداد به سوریه فرارکرد .



مهرداد دوم

بعضی از سکه‌های اشکانی





ارد





گودرز دوم

۱-۳۰ **سلطنت فرهاد چهارم** بار دوم . وی بارومیها با صلح بسر برد . رومیها پسر او راکه تیرداد به گروئی نزد رومیها برده بود پس‌دادند و پرچم‌های

رومی راکه ایرانیان ازکراسوس گرفته بودند خواستند . فرهاد دو سال بعد پرچمها را پس‌فرستادکه برای‌آن جشنهای بزرگی در روم برپا گردید .

اما تیرداد راکه فرهاد خواسته بود رومیها تسلیم نکردند . فرهاد بعدها پسران‌خود را شاید برای‌آنکه از شررقابت‌آنها با سلطنتش‌آسوده باشد بدربار قیصر روم فرستادوسالها مقیم روم بودند .

بعد از میلاد

۲۲۶-۱ در این دو قرن و ربع قرن دولت اشکانی رو بضعف و زوال نهاد و غالباً بین فرزندان و نواده‌های اشکانی برسر تخت و تاج‌کشمکش بود و غالباً هرج و مرج و ملوك‌الطوایفی رواج داشت تا در سال ۲۲۶ ب‌م‌که این سلسله بدست اردشیر ساسانی منقرض شد . فهرست پادشاهان اشکانی از ۱ تا ۲۲۶ میلادی بشرح زیر است .

۲-۱ **فرهاد پنجم** (**فراآتاکس** یعنی فرهادکوچك) پسر فرهاد چهارم ازکنیز ایتالیائی‌که قیصر روم هدیه فرستاده بود بنام **تئاموزااورانیا** پدرش را به تحریك مادرش‌کشته بتخت نشست و برسکه‌ها تصویر خود و مادرش‌رارسم‌کرد و منفور مردم‌واقع شد. درآغاز سال سوم سلطنت به دست اشراف خلع و کشته شد .

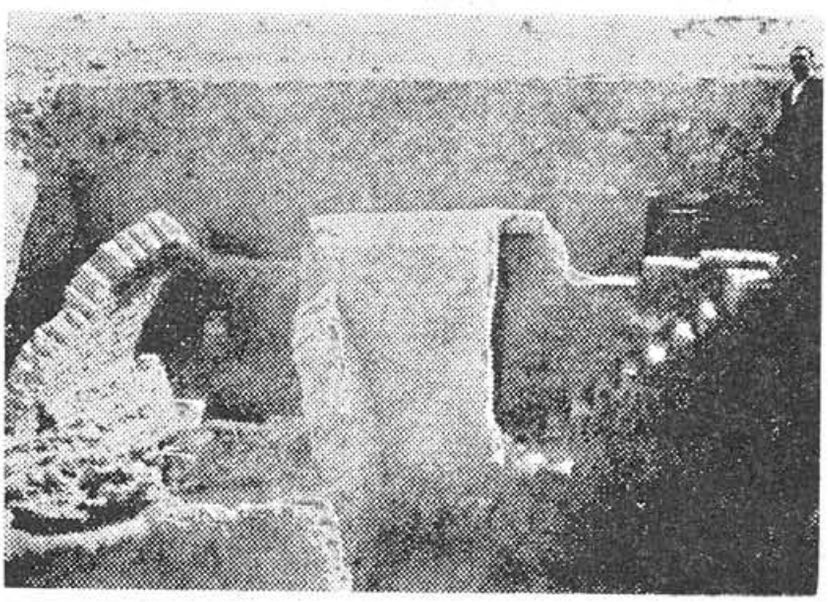
۶-۳ **ارد دوم** از خانوادهٔ اشکانی در شکارگاه او راکشتند و مجلس مغها از امپراطور روم خواست‌که **ونون** (وانان اول) پسر فرهاد چهارم راکه دررم میزیست برای سلطنت بایران روانه دارد و روانه داشت .

۱۶-۷ **ونون اول** عده‌ئی همراهان رومی با خودآورده و بآنها منصب داده بود و برسوم رومیان عادت داشت لذا نتوانست سلطنت‌کند . اردوان سوم پسر ارد دوم‌که از مادر اشکانی و پادشاه‌آذربایجان بود سلطنت را از اوگرفت .ونون به ارمنستان فرارکرده در ۱۶ ب‌م پادشاه ارمنستان شد ولی ازآنجا هم در اثر تعقیب اردوان بسوریه فرارکرده به روم پناهنده شد .

۵۱-۱۶ **سلطنت اردوان سوم** پسر ارد دوم ـ سلطنت **واردان** پسر اردوان سوم ـ سلطنت **گودرز** برادر واردان ـ سلطنت **وانان دوم** پسر ارد دوم ـ در تمام اینمدت توطئه و جنگ خانگی بین شاهزادگان ومدعیان سلطنت وهرج‌ومرج برقرار بوده است .

۷۷-۵۱ **سلطنت بلاش اول** (وولوگسوس اول) پسر وانان دوم . وی حملهٔ قبیله **دها** را ازشمال به هیرکانیا (گرگان) دفع نمود. چند مرتبه برسرارمنستان با سپاه روم برهبری **کربول** نمایندهٔ **نرون** و **بتیوس** سردار دیگر رومی

جنگید و غلبه کرد و بعد با آنها پیمان صلح پنجاه ساله منعقد ساخت . دولت روم سلطنت تیرداد فرزند بلاش را در ارمنستان پذیرفت بشرط آنکه تاج خود را از دست نرون بگیرد و تیرداد با سه‌هزار سوار پارتی باشکوه و دبدبهٔ بسیار بخرج دولت روم به روم سفر کرده پس از تاجگذاری در سال ۶۳ در روم بارمنستان برگشت و بدینطریق یك سلسلهٔ اشکانی در ارمنستان تأسیس شد . سفر وی به روم ۹ ماه طول کشید ـ بلاش اول زرتشتی بوده و دستور جمع‌آوری و تدوین **اوستا** را داد که در زمان اردشیر ساسانی باتمام رسید .

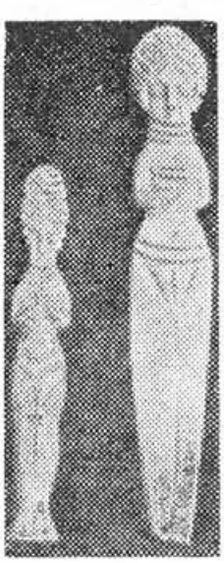


شوش ـ مقبره عمومی اشکانی

بعد از میلاد

۷۷-۱۰۷ دورهٔ فترت و ملوك الطوایفی و هرج و مرج و جنگ خانگی بین شاهزادگان مدعیان سلطنت و در اینمدت **پاکرس دوم** و **اردوان چهارم** اسماً سلطنتی داشته‌اند ولی تاریخ و شرح وقایع سلطنت آنها درست معلوم نیست .

۱۰۷-۱۳۳ **سلطنت خسرو** (باحتمال قوی پسر پاکر دوم بوده) تراژان امپراطور مقتدر روم شخصاً بایران لشکر کشید ولی موفق نشد و عقب نشینی کرد و جانشین وی **هادرین** در سال ۱۲۲ در سرحد ایران و روم با شاه ایران ملاقاتی کرد و پیمان صلحی منعقدساخت وروم ازارمنستان وبین النهرین دست بشست .



صورتهای اشکانی که بر استخوان حکاکی شده ازآثار دورهٔ اشکانی

بعد از میلاد

۱۹۱-۱۳۳ **سلطنت بلاش دوم و بلاش سوم** پسر او که جزئیات وقایع آن معلوم نیست. آنچه معلوم است در این زمان نیز جنگ با رومیان دوام داشته در ۱۴۸ و ۱۴۹ رومیان تا شهرهای سلوکیه و تیسفون پایتخت اشکانی پیش‌آمده وآندو شهر را غارت و خراب کرده و قسمتی را سوزانیده‌اند و درسال ۱۶۱ بلاش سوم رومیان را در بین‌النهرین شکست داد وآنها را تا شام و سوریه تعقیب کرد و سپس در برابر کاسیوس سردار رومی عقب‌نشینی کرد و بار دیگر سلوکیه بدست رومیها غارت شد.

۲۰۷-۱۹۱ **سلطنت بلاش چهارم** پسر بلاش سوم ـ با رومیها جنگید ـ **سوروس** یا **سپتیم سور** امپراطور روم شخصاً مدتی شهر **هاترا (الحضره)** را برای تصرف ذخائر و ثروت معروف آن که در معبد رب‌النوع آفتاب بود محاصره نمود و نتیجه نگرفته عقب‌نشینی کرد.



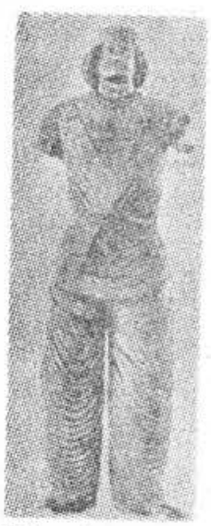
مجسمه کوچك مفرغی



شوش ـ مقبره یك نفر اشکانی

۲۱۶-۲۰۷ **سلطنت بلاش پنجم** پسر بلاش چهارم. وی با برادرش اردوان پنجم برسر سلطنت کشمکش داشت و بالاخره صلح کردند و امپراطوری ایران را بین‌خود تقسیم نمودند. بلاش در قسمت خاوری سلطنت نمود و پایتخت خود را بابل قرار داد و اردوان در بخشهای باختری ایران سلطنت کرد. **کاراکالا**

امپراطور روم پسر سوروس از جنگ داخلی ایران و تقسیم کشور استفاده کرده درسال ۲۱۵ محرمانه با اردوان برادر بلاش رابطه برقرارکرد و بقصد خدعه ونیرنگ تقاضای ازدواج با دختر اونمود. اردوان ابتدا با پاسخ ملایم ردکرد .کاراکالا باردیگر سفیرفرستاده اصرار نمود . اردوان پیغام داد امپراطور خود بیاید و عروسش را ببرد .کاراکالا باسپاهی حرکت کرده در نزدیکی اردوی اردوان خیمه زد . اردوان مجلس عروسی فراهم کرده بود . کاراکالا اردوان را دعوت به خیمهٔ خود نمود و درآنجا با سپاهیان خود برسرآنها ریخته همراهان اردوان راکشتند ولی اردوان موفق بفرار شد (۲۱۶) و سپاهی جمع آوری کرد و بجنگ پرداخت .کاراکالا هنگام عقب نشینی در حران بقتل رسید (۲۱۷) ، وجانشین وی **ماکرینوس** با سپاه اردوان جنگیده شکست خورد و رومیها تقاضای صلح کردند و معادل ۳۵۰ میلیون ریال (معادل ۱۷۵۰۰۰۰ لیره انگلیس) غرامت پرداختند.کاراکالا استخوان شاهان اشکانی را درآربل نیز بیرون آورده بدور انداخت .



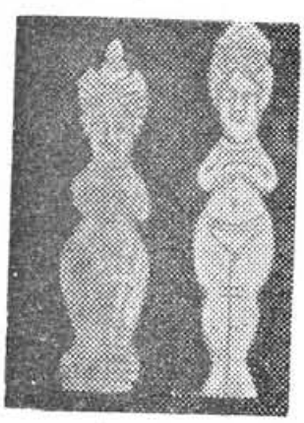
مجسمه مفرغی اشکانی
موزهٔ ایران باستان

بعد از میلاد

۲۲۶-۲۱۷ **سلطنت اردوان پنجم** برادر بلاش پنجم که بر برادر خود غلبه یافته خود را پادشاه تمام ایران خواند و در زمان وی اردشیر بابکان ساسانی پادشاه پارس که تابع دولت اشکانی بود قیام کرده با او جنگید و اردوان در سال ۲۲۶ درجنگ با اردشیر در رامهرمز کشته شد و سلسلهٔ اشکانی منقرض گردید .



صورتهای اشکانی که بر استخوان نقش شده است



صورتهای اشکانی که بر استخوان حکاکی شده

(۴)ـ سلطنت ساسانیان

(۴۱۰ سال از : ۲۲۶ تا ۶۳۶ ب‌م)

جغرافیا ـ تمدن ـ مذهب ـ و فرهنگ در دورهٔ ساسانیان

جغرافیا: حدود امپراطوری ساسانی در حداکثر توسعهٔ خود دراوایل دورهٔ ساسانی و هم در زمان سلطنت انوشیروان بشرح زیر بوده است :

از طرف شمال کوههای قفقازتا ساحل دریای سیاه (شامل گرجستان **و ارّان و نیمی از ارمنستان**) و در خاور دریای خزر صحرای قدیم‌آمویه و رودآمویه (جیحون) تاکنار دریاچهٔ اورال ـ و در شمال باختری محدود بـه سغد و پامیر بوده ـ از طرف خاور ـ کوههای سلیمان و هندوکش و دره سند و پنجاب تا دروازهٔ دربند (دهلی) و ازطرف دیگر تا نزدیکی بمبئی و سرزمین سکستان که شامل سیستان و افغانستان امروز میشد و سرزمین بلخ (باکتریا) جزء آن بوده ـ از طرف جنوب محدود بـه حدود طبیعی دریای عمان و خلیج فارس و در جنوب باختری تا بخشی از صحرای عربستان امتداد داشت ـ در قسمت باختر بسبب جنگ دائمی با رومیان مرز در تغییر بود . ولی غالباً رود فرات و نصیبین و بخش باختری ارمنستان مرزباختری دولت ساسانی بوده است ـ کشوریمن‌درجنوب‌عربستان چندی خراج گذار دولت ساسانی بوده است .

مذهب : در دورهٔ ساسانـی مذهب زرتشت مذهب رسمی ایران قرارگـرفته شاهان ساسانی ایـن مذهب را ترویج و احترام میکردند وکلیهٔ امور اجتماعی و روابط مـردم با یکدیگر تابع دستورهای مـذهبی و اجازهٔ مغان بود بخصوص در مواقع ولادت و فـوت و ازدواج، شرکت و اجازهٔ مغان ضرورت داشت . لذا برای دستگاه مذهبی ، سازمان وسلسلهٔ مراتبی بنام **مغان** یا مغها و سپس **هیربذان** (متولیان‌آتشکده‌ها) و دیگر بازرسان مذهبی بنام مغان **اندرزبذ** و ناظـران بنام **دستور** و بالاتر ازآنها مؤبذان کـه بر مغان ریاست داشتند و در رأس تمام دستگاه ، **مؤبذان مؤبذ** رئیس‌کل دستگاه روحانی (که دردربار نیز مقام مهمی داشت) و **هیربذان هیربذ** بمنزلهٔ قاضی القضات قرارداشتند که‌مقرحکومت آنها در ری بود ـ آتش را مقدس شمرده و در خانه و ده و بخش و شهرها همیشه‌آنرا روشن نگاه میداشتند . آتشکده‌ها و معابد بسیار ساخته بودند (در دورهٔ هخامنشی ساختن معابـد را خلاف مذهب شمرده اهورامزدا را در همه‌جا حاضر و قابل پرستش میدانستند) که‌مهمتر از همه یکـی در فارس و دیگـری درآذربایجان و سومی در خراسان بود . ـ در مـذهب

زرتشتی در دورهٔ ساسانی اصلاحاتی بعمل آمده و تغییراتی در آن داده‌اند که از آن جمله است :

اول آئین زروانیان که هرمز و اهریمن هر دو را مخلوق **زروان اکرن** یعنی **زمان بی‌پایان** دانسته و بدینطریق دوالیسم یادوگانگی خلقت را به وحدت خلقت یا یگانگی تبدیل کرده‌اند .

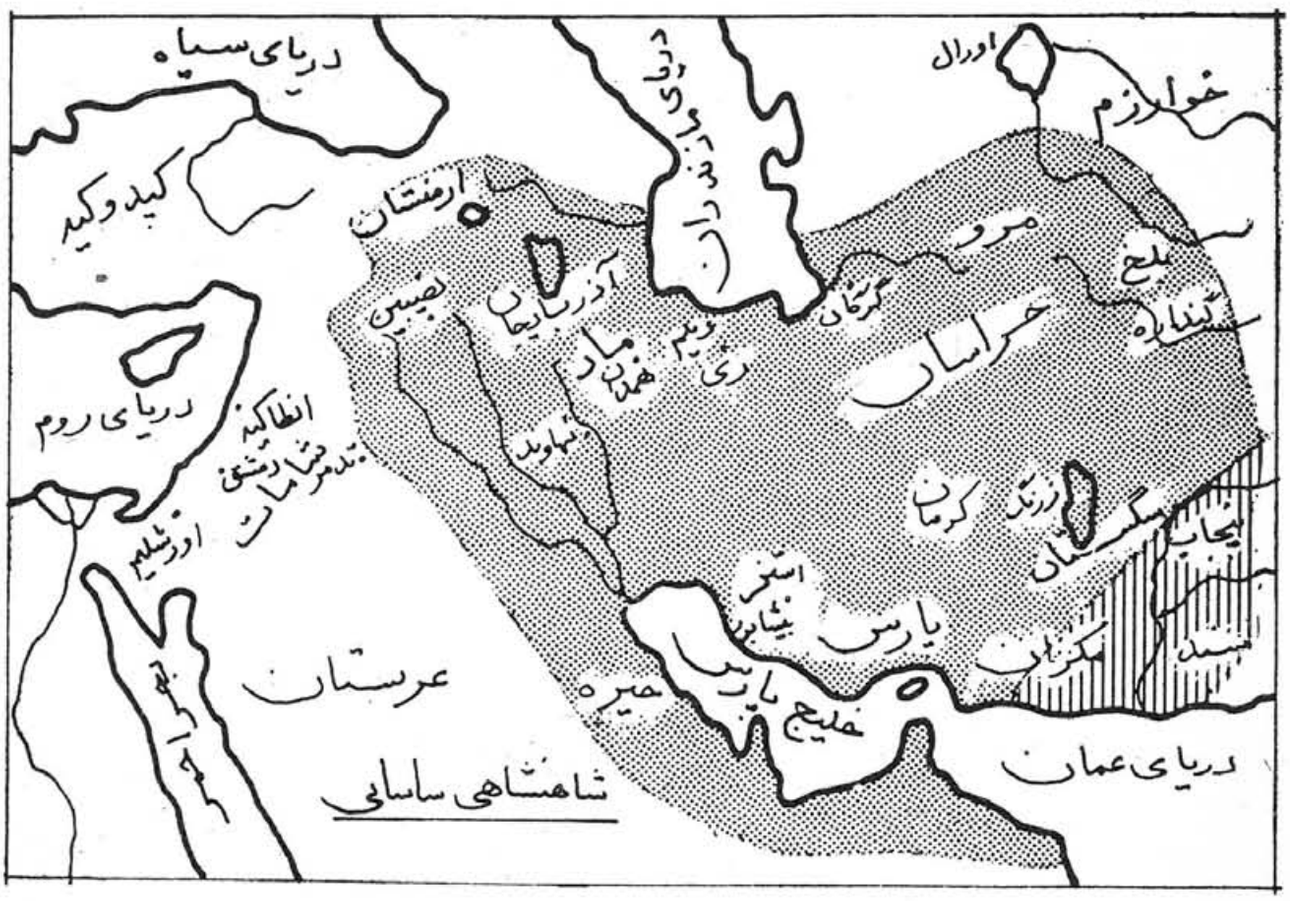
دوم فرقه **کیومرثیان** که اهریمن را مخلوق شك اهورامزدا دانسته‌اند .

سوم مذهب مانی (مانیکیانیسم) که از طرف خاور به ترکستان و چین و تبت و از طرف باختر به شام و مصر و شمال افریقا و اسپانیا و فرانسه و ایتالیا سرایت کرد و پیروان بسیار بدست آورد و اساس آن برعرفان (گنوستی کیسم) و میستی کیسم (حالت اسرار آمیز و علم اسرار) نهاده شده هم درعناصر باد و آتش وخاك وهم درانسان وسایر موجودات معتقد به جمع ضدین یعنی جمع خوبی و بدی یا روشنائی و تاریکی است (مقایسه شود با فلسفهٔ هگل در قرون جدید) . مانی نقاش معروفی هم بوده و مطالب کتابهای خود بخصوص ارژنگ را با نقاشی و تصاویر مجسم کرده است و لذا آئین او را تابع دوالیسم یادوگانگی میدانند ـ برای پیروان خود نیز سلسلهٔ مراتب قائل شده . بالاترین درجهٔ پیروی از این مذهب مانند روحانیان مسیحی تارك دنیاشدن است که آنها را **برگزیدگان** نامیده وپائین‌تر از همه درجهٔ **شنوندگان** است و بین این دو نیز درجاتی قرار داده و در حقیقت نوعی سلسله‌مراتب تصوف را پایه گذاری کرده‌است. وهم معتقد به بهشت ودوزخ است ـ بهشت را آسمان اصطلاح میکند ودوزخ محل بدکاران است . مذهب مانی را مذهب ترکیبی دانند که ترکیبی است از عناصر **صائبین** و مذهب مسیح و مذهب زرتشتی و عرفان ـ ولی مسیحیان دشمن این مذهب بوده برضد آن مبارزه‌ها کردند .

چهارم مذهب **مزدك** که نوعی مذهب اشتراکی وآئین پرولتاریائی بوده منشاء تناقض و جنگ وکینه را تاریکی دانسته و منشاء تاریکی و بدی را عشق به زن و مال شمرده و معتقد است برای مبارزه با این بدیها باید زن و مال بین مردم مشترك باشد و تملك شخصی مال و زن از میان برود ـ پیروان این مذهب نیز به چند فرقه تقسیم شدند که از آنجمله‌اند **خرم‌دینان** که با خلفای عباسی جنگها کردند و تا قرن نهم میلادی در ایران میزیسته‌اند.

پنجم میترائیسم یا مذهب **مهرپرستی** (پرستش میترا) که از خدایان باستانی آرین‌ها بوده اوستا او را در میان اهورامزدا و اهریمن قرار داد بنام خدای روشنائی و او را یکی از مأموران اهورامزدا در دفع بدی و هم رب‌النوع آفتاب و حاصلخیزی زمین دانستند وارد شیر دوم هخامنشی او را رب‌النوع حامی خانوادهٔ سلطنت دانست .این مذهب بعداً به یونان و رم سرایت کرد و امپراطوران رم ازآن حمایت کرده میترا را حامی دولت رم دانستند و ازآنجا به‌آلمان و فرانسه و انگلستان باستان رفت و بسرعت شیوع یافت .در

قرن ۳ ب م روحانیون مسیحی بجنگ این مذهب برخاستند و در اواخر قرن ۴ بـراین مذهب غلبه کرده در واقع مذهب سامی براین مذهب آریائی فائق آمده آنرا از میان بـرد . از جملهٔ علل مهم شکست این مذهب در برابر مسیحیت آن بود که میترائیسم آموختن اسرار مذهب را بزنان ممنوع کرده بود و مسیحیت بزنان اهمیت داد ، وآنها را وسیلهٔ تبلیغ و نشر مذهب قرار میداد .



ایران در دوره ساسانی

مذاهب خارجی : در زمان ساسانیان بعضی مذاهب خارجی مانند مذهب مسیحی به باختر ایران و مذهب بودائی به خاور ایران وارد شد و مذهب یهود هم کـه طبق سنت باستانی از زمان کوروش باآن مدارا شده بود در این زمان نیز وجود داشته . غالب شاهان ساسانی نسبت به نشر مذهب مسیح لاقیدی نشان دادند و لذا پیروانی در ایران پیدا کرد که ازآنجمله سکنهٔ ارمنستان بودند و حتی بعضی از شاهان اخیر ساسانی از نظر سیاست مقابلهٔ با دولت روم شرقی (بیزانتین) انشعابی از مذهب مسیحی موسوم بـه **نستوری** را در میان ارمنیان تشویق میکردند تا همین انشعاب مذهبی باعث اختلاف بین ارمنستان و دولت روم شرقی باشد و بدینطریق ارمنستان را بعنوان یك کشور دست نشانده و حایل (Baffer) بین دو قدرت بکار میبردند ـ آثار وجود مذهب بودائی در نواحی باختری ایران عهد ساسانی اخیراً در افغانستان ودر بلخ کشف شده **نوبهار** در بلخ نام یك **دیر بودائی** است که چینیها

برای مسافران و زوار چینی که بهند مسافرت میکرده‌اند در راه آنها ساخته رئیس دیر را **برمکه** مینامیدند و **برامکه** (برمکیان) نیز که در دربار هارون‌الرشید مقامات بزرگ داشتند ازآنجا برخاسته‌اند **نوبهار** نیز دراصل **نووهارا** بوده بمعنی **بتخانه‌نو** واعراب آنرا بیت‌الاصنام ثبت کرده‌اند .

تمدن و فرهنگ ـ دستگاه خلقت را ایرانیان باستانی میدان جنگ خوبی بابدی یا محل نبرد بین روشنائی با تاریکی میدانستند و انسان را مبارز این میدان میشمردند . خانه‌سازی و احیای زمین و بذرفشاندن و ساختن قنوات و درختکاری و پرورش دام را از کارهای نیك میشمردند که اهورامزدا آنرا میخواهد . **پندار نیك و گفتار نیك و کردار نیك** شعار ایشان بود ، وآنرا وسیلهٔ رستگاری میدانستند . اهریمن را مظهر بدی دانسته و او را دشمن میداشتند . دولت ساسانی چون خود را وارث سلطنت هخامنشی و شاهان آن خود را از اعقاب و نوادگان شاهان هخامنشی میدانستند همان تمدن و تشکیلات اداری و فرهنگ دورهٔ هخامنشی را پذیرفته و احیا کردند وآنرا پخته‌تر کرده اصلاحاتی درآن بعمل آوردند و برآن چیزی افزودند . کیفرهائی که در زمان ساسانی معمول بوده نشان میدهد که مردم ایران طالب امنیت وآرامش بوده‌اند . **مجازاتها** بر سه پایه قرار داشته : **اول توبه** که مانع کیفر عرفی نمیشد . **دوم تزکیه** که بوسیلهٔ آداب مذهبی ، ارواح خبیثه را از وجود شخص گناهکار دور میکردند. **سوم کیفرهای عرفی** که سه مرحله داشت: جریمهٔ نقدی ، شلاق زدن که قابل خریداری بود ودیگر اعدام و دربرابر هرعمل خلاف یاجرمی، جریمه وکیفری مقرر بوده . تعلیم علم وادبیات، خاص طبقهٔ روحانیون بود وفرزندان اشراف و بازرگانان وکسبه نیز نزد آنها درس میخواندند .

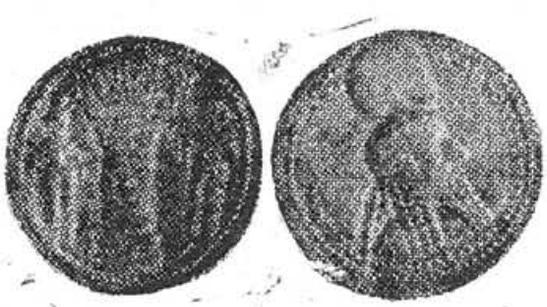
این تعلیمات عبارت بوده است از خواندن و نوشتن و محاسبه . بعلاوه جوانان می‌بایست بازی شمشیر وگوی و چوگان و اسب سواری و تیراندازی را خوب بدانند ـ زبان دورهٔ ساسانی زبان پهلوی بوده که قبلا بدان اشاره شد و همچنین خط متداول این زمان به خط پهلوی موسوم است که بواسطه هزوارشهایش خیلی مشکلتر از خط میخی بود وبیش از یکهزار علامت داشت درحالیکه خط میخی تنها ۴۱ علامت داشته است . خط پهلوی ازخط آرامی اقتباس شده بود و درست معلوم نیست چرا شاهان ساسانی این خط مشکل راانتخاب کرده‌اند . سال شمسی را ۳۶۵ روز دانسته آنرا به ۱۲ ماه سی روزه بهمین اسامی معمول امروز تقسیم کرده و ۵ روز اضافی را در پایان سال **اندرگاه** مینامیدند و نسبت به ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۸ ثانیهٔ اضافی هرسال در هرصدو بیست سال یکمرتبه بترتیب یکی‌از ماهها را تکرار میکردند یعنی از ۱۲۰ سال در سال صدو بیستم یعنی سال **کبیسه** دو فروردین و جمعاً ۱۳ ماه داشتند که آنرا جشن گرفته وسال **وهیزك** (کبیسه) مینامیدند ودرسال دویست و چهلم دو اردیبهشت داشتند الی‌آخر ..... بنابراین روز نوروز یعنی اول فروردین روز

ثابتی نبوده و همه ساله تغییر کرده یك روز بعقب میرفته است .

تقسیمات کشوری ساسانی تا قبل از انوشیروان (که کشور را به چهار بخش بزرگ تقسیم کرد) مشابه همان ساتراپی‌های دورهٔ هخامنشی بود . با این فرق که دردورهٔ هخامنشی ساتراپها اختیارات بیشتری داشته نیمه مستقل بودند ولی در دورهٔ ساسانی روش حکومت بیشتر بطرف تمرکز سیر کرده بود و قدرت بیشتر در دولت مرکزی متمرکز بود ـ مردم امپراطوری به چهار طبقه تقسیم شده بودند : **روحانیان** (آثوان)، **جنگجویان** (ارتش تاران) دبیران (کارمندان دولت)، وکشاورزان وکسبه (**واس‌تری‌یوشان**)، و(هتخشان)- پزشکان و شعرا و منجمین جزء طبقه سوم و قضات جزء طبقه اول بودند و هر طبقه دارای سازمان و رئیس وبازرس‌وحسابدار و ناظر بود ـ در سرحدات کشورسازمان مرزبانی ومرز بانان وجود داشتند ـ ادارات دولتی را دیوان میگفتند و دیوانهای زیر در زمان ساسانی وجود داشته :

دیوان امور جنگ ـ دیوان اوزان ـ دیوان مالیاتها ، دیوان چاپارخانه ، دیوان ضرب سکه ، دیوان مراسلات ، دیوان کیفری ، دیوان امتیازات دولتی . قسمت اعظم سپاه ساسانی را مانند دورهٔ اشکانی سواران تشکیل میدادند ـ روش جنگی ساسانی بااشکانی‌فرق داشت . اشکانیان روش جنگ وگریز و جنگ از دور را معمول داشتند اماسپاهیان‌ساسانی را به جنگ تن بتن مشق و عادت داده بودند و هم در فن محاصره مهارت یافته بودند .

صنعت‌معماری‌وحجاری نیزدرزمان‌ساسانیان معمول بود . ازآثار مهم معماری وحجاری دورهٔ ساسانی‌آنچه باقی مانده یکی طاق بستان است در نزدیکی کرمانشاه ودیگری در تنگ شاپور ۳۰ کیلومتری‌کازرون در فارس و دیگر در غار شاپوردر بالای‌همان محل درکمرکوه که مجسمهٔ‌بزرگی‌ازشاپور بزرگ در دهانهٔ‌آن از سنگ همان‌کوه تراشیده و پرداخته شده ودیگر درنقش رستم‌نزدیك تخت‌جمشید در فارس ، و دیگر در قصرشیرین ، و دیگر طاق‌کسری در نزدیکی دجله که کاخ انوشیروان بود و در ۵۵۰ ب‌م بناشد و دیگر طاق ایوان درکنارکرخه در نزدیکی شوش و پل‌های دزفول و شوشتر و نقش رجب نزدیك تخت جمشید و نیز در فیروزآباد فارس وسروستان فارس.



نمونه‌ئی از سکه‌های ساسانی

هنرهای نقاشی و موسیقی و ادبیات نیز در دورهٔ ساسانی ترقی‌کرده است .

صنایع فلزی و نقره‌کاری نیز در این زمان ترقی‌کرده‌آثاری ازاینگونه درموزه‌های امروز موجود است ـ پارچه‌بافی و قالی‌باقی و تهیهٔ پارچه‌های‌کتانی وابریشمی نیزمعمول

بوده و پیشرفت کرده است .

جشن‌های مهم دورهٔ ساسانی یکی جشن **نوروز** بود و دیگر **مهرگان** در روز ۱۶ مهر هر سال و دیگر جشن تیرگان در روز ۱۳ تیر ماه و دیگر جشن **سده** در ۱۰ بهمن ماه .

بعد از میلاد

۲۲۶ ـ ۲۴۰ سلطنت اردشیر اول

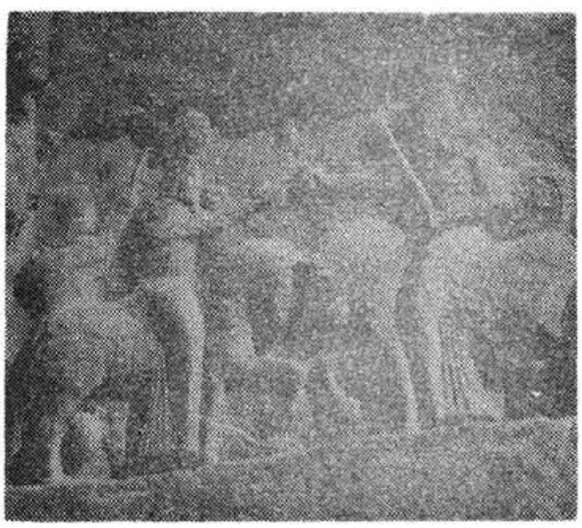
یا اردشیر بابکان (ارتاگزرسس یا ارته‌خشتره) پسر بابك پسر ساسان ازجملهٔ مؤبدان و نگاهبانان آتشکدهٔ استخر بود که برای اناهیتا ساخته شده بود ـ ساسان با دختر پادشاه **بازرنگی** در **نیسایه** فارس (بیضای امروز) ازدواج کرد و پسرش بابك بحکومت شهر **خیر** در کنار دریاچه بختگان (نیریز) از بلوك فارس منصوب شد . بابك برای پسرش اردشیر حکومت شهر **دارابگرد** رادرفارس بدست آورد. اردشیر حکام بخشهای دیگر استان فارس را تابع خود نمود و در ۲۱۲ خود را پادشاه پارس خواند و در ۲۲۳ علم طغیان دربرابر **اردوان پنجم** اشکانی برافراشت وآغاز جهانگیری نمود . ابتدا شاهان کرمان و بعد یزد و اصفهان را شکست داد واین مناطق را تصرف کرد وسپس بجنگ با شاهان خوزستان وعمان پرداخت وآنها را نیز مطیع ساخت . اردوان پنجم با سپاهی بمقابلهٔ او شتافت و در ۲۲۴ در دشت هرمزدگان خوزستان جنگید واردوان بقتل رسید. اردشیر تیسفون پایتخت اشکانی رامتصرف گشت و سلسلهٔ ساسانی را در ۲۲۶ آغاز نهاد و سپس به مرو و بلخ و خیوه لشکر کشید و کوشان و توران و مکران را مطیع ساخت . هندوستان را فتح کرد و خراجی بر پنجاب وضع نمود . سپس به طرف باختر بازگشت و ارمنستان و گرجستان را فتح کرد و ضمیمهٔ ایران نمود .

بعد از میلاد

۲۲۹-۲۳۲ اردشیر در پاسخ نامهٔ **الکساندر سور** قیصر روم چهار صد نفر سوار رشید و خوش اندام مسلح را نزد قیصر روم فرستاده پیغام داد که روم باید سوریه و تمام خاك آسیا را تخلیه کرده و باروپا اکتفا کند. قیصر سفرای ایران راتوقیف کرده سه سپاه فراهم کرد یکی را بطرف ارمنستان و دومی را بطرف شوش فرستاد و خود با سپاه سوم بطرف بین‌النهرین حرکت کرد . اردشیر سپاه دوم را درهم شکست و سپاههای اول و سوم هم عقب‌نشینی کردند .

۲۳۷ اردشیر نصیبین وحران را تصرف کرد وخسرو پادشاه اشکانی ارمنستان را کشته آنجا را نیز به ایران ملحق کرد .

اردشیر سیاست کشورداری دورهٔ اشکانی راکاملا تغییر داد و بردو اساس زیـر برقرار کرد (۱) برخلاف آزادیهای داخلی و نیمه استقلال ایالات ، کشور را بطرف تمرکز برد و و برخلاف دورهٔ هخامنشی نظم و قانون واحد را در تمام کشور معمول داشت (۲) برخلاف ادوار اشکانی و هخامنشی مذهب را با سیاست توأم نمود و دین را بدولت واردکـرد بدین طریق کـه در ایجاد سازمان مذهبی تازه و تجدید و احیای مذهب زرتشی مجاهـده نموده امتیازات پیشوایان مذهبی را اعاده داد و دستور جمع‌آوری و تـدوین متن **زند اوستا** را



از نقوش حجاری ساسانی در نقش رستم نزدیک تخت جمشید و نظیران در تنگ شاپور نزدیک کازرون-فارس که اردشیر و پسرش شاپور را نشان‌میدهد



سکهٔ شاپور اول

صادرکردکه بدست **ارداویراف** انجام شد ـ مذهب زرتشتی را مذهب رسمی معرفی‌کـرد و مغها را درتعقیب مرتدها و گشودن وصیت‌نامه‌ها وتقسیم‌ترکه دخالت داد ـ مردم‌رابطبقات تقسیم نمود وکارمندان دولتی را درجه‌بندی‌کرد ـ از تجمل جلوگیری‌کرد وحدمعینی‌برای هرطبقه مقرر داشت ـ سپاه جاودان داریوش اول را باردیگراحیاکرد ، درکیفرها تخفیف داد و بریدن دست را منع‌کرد و سعی داشت از فساد اخلاق جلوگیری‌کند .

بعد از میلاد

۲۴۰ ـ ۲۷۱ سلطنت شاپور اول

پسر اردشیر اول ـ شاپور به شورش ارمنستان و **هاترا** (الحضره) در ۲۴۰ پایان‌داد و حران را پس از محاصره تصرف‌کرد .

۲۴۱-۲۴۴ جنگ اول با روم : شاپور از اغتشاشات داخلی روم استفاده‌کرده نصیبین را تصرف نمود وبطرف سواحل مدیترانه پیش رفته سوریه وانطاکیه راتصرف کرد ولی امپراطور **گوردیان** با سپاه بسیار بخاورآمده شاپور در **رسائینا**

در شام شکست خورده عقب نشینی کرد و رومیان از دجله گذشته تیسفون را محاصره کردند ـ در این اثنا رومیان بر **گوردیان** شوریده او را کشتند . جانشین وی فیلیپ با شاپور صلح کرد و ارمنستان و بین النهرین در دست ایران ماند .

بعد از میلاد

۲۶۰-۲۵۸ **جنگ دوم با روم :** شاپور بار دیگر به سوریه تاخته نصیبین و ادسه و انطاکیه را تصرف کرد . **والرین** امپراطور روم با او جنگیده انطاکیه‌را پس گرفت و او را تا ادسه دنبال کرد . در اینجا شاپور با طرح نقشهٔ جنگی سپاه روم را محاصره کرده والرین را اسیر کرد که تا هنگام فوتش در ۲۶۶ در اسارت شاپور بسر برد ـ سپس بطرف آسیای صغیر حمله کرده **سزاریا(قیصریه)** **مازاکا** را در کاپادوکیه تصرف نمود .

۲۶۳-۲۶۰ **جنگ پالمیر (تدمر) ادناتوس** (عدنات) پادشاه عرب این شهر که سر راه بین‌النهرین و دمشق واقع شده (و هادریان امپراطور آنرا بنا کرده‌بود) هدایائی برای شاپور فرستاد . شاپور از لحن نامهٔ او خوشش نیامد و دستوردادحاملین‌هدایا را برودخانه انداختند و گفت باید خودش بیاید بخاك بیفتد . ادناتوس منتظر فرصت شده هنگام مراجعت شاپور از آسیای صغیر بایران که غنائم بسیار همراه داشت سپاهی از اعراب بادیه‌نشین فراهم کرده در بیابانهای بی‌آب و علف برشاپور تاخت و تلفات بسیار براووارد کرد و مقدار زیادی غنائم بدست‌آورد و حتی بعضی از زنهای شاپور را اسیر کرد و سپاه شاپور را دنبال کرده تیسفون را محاصره و بین‌النهرین و سایر ایالات باختری را تصرف نمود . **گالیه‌نوس** امپراطور روم فرزند والرین ادناتوس عرب نامبرده را شریك نیابت سلطنت خاوری خود شناخته از سنای روم لقب **اوگوست** که خاص امپراطوران رم بود برای او گرفت ـ چندی بعد ادناتوس کشته شد و زن او **زنوبیا** که زنی صاحب‌جمال‌ولایق بود جانشین او شد و مصر را ضمیمه کشور خود نمود .

۲۷۱-۲۶۴ سالهای اواخر سلطنت شاپور صرف کارهای عام‌المنفعه شد که ازآن جمله است ساختن سد شوشتر و بنای شهرهای تازه مانند نیشابور . **ظهورمانی** مؤسس مذهب مانی (مانیکیانیسم ۲۱۵ـ۲۷۳) در زمان شاپور اول اتفاق افتاد . مذهب وی را ابتدا شاپورپذیرفت و در۲۴۲ مذهب خود اعلام کرد ولی‌چندی بعد شاپور تغییر عقیده داد و بمذهب زرتشتی برگشت و مانی را بخارج کشور تبعید کرد ـ مذهب مانی به اروپا رفت و تا چند قرن بعد درباختر بخصوص در ایتالیا رواج داشت .

۲۷۲-۲۷۱ **سلطنت هرمز اول** پسر شاپور اول ـ وی مانی را خواسته در قصر خود

در **دستگرد** پناه داد ـ در ۲۷۲ هرمز در گذشت .

بعد از میلاد

۲۷۵-۲۷۲ **سلطنت بهرام اول** (ورهران) برادر کوچکتر هرمز اول . بدستور اومانی را زنده پوست کندند و جسدش را در جندی شاپور برای تماشای مردم بدار آویختند ـ زنوبیا زوجهٔ بیوهٔ ادناتوس بسبب فشار روم به بهرام متوسل شد و بهرام نیروی مختصری فرستاد که بی‌نتیجه بود . **اورلئان** امپراطورروم پالمیر را متصرف شد وآنـدولت را منقرض کرد و ملکهٔ **زنوبیا** را بـه زنجیر کرده برای نمایش پیروزی خود برم‌فرستاد. اورلئان سپس با سپاه خود عازم‌ایران گردید و توجهی بهدایای ارسالی بهرام نکرد ولـی در بیزانس در ۲۷۵ کشته شد و سپاه وی پراکنده گردید .

۲۸۲-۲۷۵ **سلطنت بهرام دوم** (ورهـران) پسر بهـرام اول در جبههٔ خاور جنگیده ساکاهای مقیم سیستان و افغانستان و سایر ایالات شرقی را مطیع کـرده قصد جهانگیری بطرف خاور داشت ولی حملهٔ **کاروس** امپراطور روم بایران‌مانع شده بباختر شتافت .کاروس بین‌النهرین و تیسفون را در ۲۸۳ تصرف نمود و پیشنهاد صلح بهرام را نپذیرفت . اما ناگهان بطریق اسرار آمیزی که هنوز مجهول است درگذشت‌بدینطریق که رعدوبرقی پدیدآمد که پس‌ازآن‌امپراطور را مرده یافتند و معلوم نشدکه برق‌زدگی یافته یا بسبب دیگر مـرده است . سپاه روم این حادثه را نشانی از خشم پروردگار دانسته بشورش برخاستندو عقب‌نشینی کردند و بدینطریق بهرام از جنگ با روم خلاصی یافت .

۲۸۲ **بهرام سوم** (یا سکان شاه که بمناسبت سلطنت وی برسیستان در حیات‌پدرش بدین نام معروف شده بود) پسر بهرام دوم چهار ماه سلطنت کرد .

۳۰۱-۲۸۲ **سلطنت نرسی** (نارسس) بعضی او را پسرشاپور اول و بعضی پسربهرام‌سوم و بعضی برادر بهرام سوم دانسته‌اند . هرمز برادرش راکه مدعی سلطنت بود ازمیان برداشت. درسال ۲۸۶ تیرداد فرزند خسرواشکانی باکمک**دیوکلسین** امپراطور روم و سپاه رومی ، ارمنستان را تصرف‌کرد وخود راشاه ارمنستان خواند . نرسی چندی بعد بارمنستان شتافت و تیرداد را ازآنجا بیرون راند . تیرداد فرارکرد و به دیوکلسین پناهنده شد .

۲۹۷-۲۹۶ **جنگ با روم :** دیوکلسین سپاهی رومی بسرکردگی**گالریوس** بجنگ‌با ایران فرستاد . نرسی به بین النهرین شتافت و در نزدیکی حـران (کاره) شکست فاحشی بسپاه رومی‌واردآوردکه فرصت عقب‌نشینی نیافتند وگالریوس و تیرداد خود را برود فرات انداختند و بسختی جان دربردند (۲۹۶). سال

بعد دیوکلسین باردیگر گالریوس رابا سپاهی بطرف ایران فرستاد وبه اردوی ایرانشبیخون زد ، نرسی زخم برداشت و سپاهش شکست خورد و پیمان صلحی بین ایران و روم در۲۹۷ تحت شرایط زیر منعقد گشت ؛ ۱ـ دجله بجای فرات سرحد ایران و روم شناخته شد ۲ـ پنج ایالت باختری دجله بروم واگذار شد ۳ـ اراضی مد تا دژ **زنتا** بارمنستان واگذارشد ۴ـ ایبری (گرجستان) تحت‌الحمایهٔ روم قرار گرفت. نرسی در سال ۳۰۱ بنفع پسرش از سلطنت استعفا کرد .

بعد از میلاد

۳۰۱-۳۰۹ **سلطنت هرمز دوم :** (هرمیسداس) پسر نرسی ـ وی درآبادی و ساختمان بناها کوشش کرد و دادگاه عدالتی تأسیس کرده فقرا را تشویق میکرد که از ظلم ثروتمندان شکایت کنند . در زمان وی اعراب بحرین را گرفتند و به مرزهای ایران تجاوز کردند . هرمز باآنها جنگید ودرجنگ با اعراب کشته شد.وی تنها شاه ساسانی است که برروی سکه‌های اوتصویرشاه‌وملکه باهم‌دیده میشود .

۳۱۰ **سلطنت آذر نرسی** - پسر هرمز دوم چون سفاك بود او راکشتند.

۳۱۰-۳۷۹ **سلطنت شاپور دوم** معروف به ذوالاکتاف : پس از قتل‌آذر نرسی اشراف هرمز برادر او راکه از زندان فرارکرده بود و به بیزانس رفته بود بسبب آنکه عادات و اخلاق یونانی داشت مردود شناخته ، شاپور برادر دیگرآذر نرسی و پسر هرمز دوم را پیش از تولد بشاهی برداشتند (زیرا موبد خبر داده بودکه پسر است) و تاج را بالای خوابگاه ملکه‌آویختند ـ و برای او نایب‌السلطنه‌تعیین کردند ـ شاپوردر ۱۷ سالگی‌زمام امور را بدست گرفت .

۳۲۷-۳۳۷ **جنگهای اولیهٔ شاپور :** اعراب تا نزدیکی تیسفون تاخته پایتخت را در معرض تهدید قرار داده بودند . شاپور پس از داریوش اولین پادشاه ایرانی بودکه کشتیهائی ساخت و به خلیج فارس انداخت و بعربستان حمله‌کرد و اعراب را سرکوبی سخت داد و انتقام شدیدی از ایشان گرفت بطوریکه تا پایان دورهٔ ساسانی دست از تجاوز بایران برداشتند (گویند بدین سبب اعراب او را ذوالاکتاف یعنی صاحب شانه‌ها نامیده‌اندکه طناب ازشانه‌اسیران عرب میگذرانید وآنها را به اسارت میبرد وبعضی‌دیگرمعتقدندکه وی‌دارای شانه‌های پهن بوده است) .

۳۳۷-۳۵۰ **جنگ اول با روم :** در این زمان رومدین مسیح را پذیرفت. کنستانتین امپراطور مقتدر روم جداً آن را ترویج میکرد وحمایت مسیحیان مقیم ایران

را برعهده گرفت و دشمنی مذهبی هم بین دوقدرت موجود زمان بردشمنی ملی و سیاسی(بر سرزمین‌های باختری‌آسیا) نیز افزوده شد .



سکهٔ شاپور دوم

تیرداد پادشاه سابق ارمنستان ودست‌نشانده روم نیزمذهب مسیحی را پذیرفت و در ارمنستان ترویج کرد در حالیکه‌مردم ارمنستان از ایـن عمل راضی نبودند ـ در سال ۳۳۷ شاپـور جنگ‌با روم راآغاز کرد. **نصیبین** (نیسی‌بیس) دژ محکم‌رومی را سه بار در ۳۳۸ و ۳۴۶ و ۳۵۰ محاصره‌کرد و موفق بـه گشودن‌آن نشد اما در جلگه ، رومیها را در هـم شکست . از ۳۳۹ ببعد تعقیب مسیحیان‌آغاز شد . در۳۴۱ با ارمنستان‌پیمان بسته **ارشك** را بسلطنت ارمنستان برقرارکـرد . در ۳۴۸ با سپاه بسیار در بین‌النهـرین بـرومیان حمله‌کـرد و در **سنجار** (سینگارا) درکـردستان در نزدیکی **دیاربکر** به سپاه رومی بسرکـردگی **کنستانسیوس** امپراطور جانشین‌کنستانتین شکست فاحشی وارد ساخت .

بعد از میلاد

۳۵۰-۳۵۷ جنگ در خاور : شاپور بسبب هجوم هونها در۳۵۰ بطرف خاور ایران روآورد وتا سال۳۵۷ با هونهای وحشی وهم با قبایل **اوسنی** (یا اوسیونها) وگیلانیها جنگیده‌آنها را مطیع ساخت ولشکری ازهونها بسرکردگی‌پادشاه آنها **گروم‌بات** بعداً در خدمت داریوش در جنگهای رومی شرکت‌کردند .

۳۵۱ شاه ارمنستان از اطاعت ایران خارج شده بروم پیوست .

۳۵۹-۳۶۳ جنگ در خاور : شاپور بار دیگر به باختر بازگشت و با سپاهی به بین النهرین و سوریه تاخت و دژ محکم **آمدا** را پس از مقاومت شدیدآن‌شهردر ۳۵۹ تصرف‌کرد . در ۳۶۰ **سنجار** و **بزابد** را در بین‌النهرین علیا تسخیر کرد .

کنستانسیوس‌برای تجدید تصرف **بزابد** مجاهـده بسیار نمود ولـی شکست خـورد و سال بعد درگذشت . **ژولین** جانشین وی با سپاه و ساز و برگ بسیار برای تلافی بطـرف ایران حـرکت‌کرد و ۱۱۰۰ فروندکشتی وی از فـرات از راه‌کانال شاهی بـدجله رفت و شاپور را در شمال تیسفون شکست داد ولی سپاه ایران از پشت‌سر راه را برآنها بسته بود و در محاصره افتاد و بدستور ژولین‌کشتیهای رومی را در دجله سوزاندند و سپاه رومی‌به طرف‌کـردستان عقب‌نشینی‌کـرده و چون خـود را در محاصره دیدند بـوسیله شنا از دجلـه گذشتند . روز سوم سپاه ایران از جبهه مقابل و از پشت بسپاه رومی حمله‌کرد و در این

اثنا ژولین با تیر یکنفر ایرانی درنزدیکی **سامارا** کشته شد. (۳۶۳) درنتیجه‌بین **ژووین** جانشین ژولین امپراطور روم و ایران پیمان صلح سی‌ساله بشرایط زیر انعقاد یافت : ۱-- پنج ایالتی که نرسی به روم واگذاشته بود به ایران برگشت ۲- دژهای نصیبین وسنجارو سایر پایگاههای رومی در باختر بین‌النهرین بایران واگذار شد ۳- ارمنستان خارج از منطقه‌نفوذ روم شناخته شد (۳۶۳) سپس‌شاپورارمنستان را فتح‌کرد و به **ایبری**(گرجستان) حمله‌نمود.

بعد از میلاد

۳۷۱-۳۷۶ **جنگ سوم با روم : ژووین** جانشین ژولین بزودی درگذشت و **والن سین** جانشین وی امپراطوری روم را بدوبخش شرقی و غربی تقسیم‌کرد و بخش خاوری را به برادرش والنس سپرد . (و او قسطنطنیه را پایتخت قرار داد) وی طبعاً با پیمان بین ژووین و شاپور موافقتی نداشت وجنگ بین روم و ایران باردیگر برسر ارمنستان وگرجستان درگرفت و بدون نتیجه قطعی تا ۳۷۶ دوام یافت . در ۳۷۶ پیمان صلح مبهمی مبنی براینکه هیچیك ازدو کشور در امور ارمنستان وگرجستان دخالت نکنند انعقاد یافت . در هنگام مرگ شاپور در ۳۷۹ قدرت دولت ساسانی باوج خود رسیده بود .

۳۷۹-۳۸۳ **سلطنت اردشیر دوم** (معروف به نیکوکردار ـ کرپ‌کرتار) برادر پیر شاپورکه مردی ضعیف بود . مالیات‌ها را بخشید و در سال چهارم سلطنت خلع شد .

۳۸۳-۳۸۸ **سلطنت شاپور سوم** پسر شاپور دوم : وی در۳۸۴ با روم برسرارمنستان پیمان صلح بست وارمنستان بدوبخش خاوری وباختری بنام ارمنستان بزرگ وکوچك تقسیم شد . بخش خاوری بتصرف ایران و بخش باختری بتصرف روم درآمد ولی در هردو بخش شاهزادگان اشکانی ازطرف ایران و روم به حکومت منصوب میشدند.

۳۸۸-۳۹۹ **سلطنت بهرام چهارم** (ورهران) پسر شاپور بزرگ ـ وی چون درزمان پدر والی‌کرمان بود به **کرمانشاه** معروف شد .

در زمان وی خسرو والی ارمنستان ایران یاغی شد و برومیان گرائید . بهرام‌سپاهی بارمنستان فرستاده او را دستگیرکردند و بایران‌آوردند و زندانی‌کردند . بهرام برادر خود شاپور را بجای او فرستادکه چندی بعد در یك شورش در سپاه بقتل رسید وپسرش در ارمنستان جانشین او شد .

۳۹۹-۴۲۰ **سلطنت یزدگرد اول** پسر شاپور سوم‌که باآرامش و صلح سلطنت‌کرد وبا رومیان روابط نیکو داشت و دولت روم شرقی به او تکیه داشت و او هم‌ازآن

دولت حمایت میکرد . چون نسبت بمغان و موبدان ستمگر سخت گرفت اورا یزدگردبدکار یا شریر لقب دادند .

ارکادیوس امپراطورروم شرقی فرزند خردسال خود **تئودوسیوس** رابه‌یزدگرد سپرد تا قیم او باشد و او را تربیت کند تا بزرگ شود وبا حمایت یزدگرد ازآسیب‌مدعیان امپراطوری پس از مرگ او مصون باشد ـ یزدگرد بمجلس سنای روم پیغام فرستادکه هر کس با پسر امپراطور بدشمنی برخیزد دشمن شاهنشاه ایران شناخته میشود . تئودوسیوس بعدها جانشین پدر شد . در سال ۴۱۰ ب.م شهر رم بدست گتها و قبایل دیگرکه در اثر فشار هونها بایتالیا سرازیر شده بودند بسرکردگی **الاریك** ساقط شد و امپراطوری روم غربی راه زوال و انقراض گرفت .

تئودوسیوس در ۴۰۹ از یزدگرد درخواست کردکه با مسیحیان ایران بمدارا رفتار شود. یزدگردفرمانی مبنی‌برآزادی‌عیسویان درمذهب وتجدیدبنای‌کلیساهایشان صادرکرد . اهمیت‌این‌فرمان‌برای کلیسای روم غربی زیاد بود . فرمانهای مذهبی شورای نیکائیا واعلام عقاید رسمی مسیحی از طرف شورای سلوکیه نیز در این زمان صادر شد ـ اما بعدها یزدگرد نسبت به مسیحیان تغییر عقیده داد و دستور تعقیب ایشان را دادکه چهارسال طول کشید .



سکهٔ بهرام پنجم



سکهٔ یزدگرد دوم

بعد از میلاد

۴۲۰-۴۴۰ **سلطنت بهرام پنجم** پسر یزدگرد اول (معروف به بهرام گور) وی‌درنزد نعمان پادشاه **حیره** (شهری در ۶کیلومتری کوفه امروز) در قصر خورنق تربیت یافت و در زمان پدر مدتی در میان اعراب بسربرد .آنگاه بکمك اعراب‌برخسرو پسر عمویش غلبه یافت و بطریق صلح‌آمیز بسلطنت رسید و تعقیب مسیحیان را بدستور مغان

ادامه داد . مسیحیان بروم پناهنده شدند و بهرام تسلیم آنها را خواستارشد . رومیان امتناع کردند و برسر این مسئله در ۴۲۰ به روم اعلان جنگ داد . این جنگ تا ۴۲۲ به طول انجامید ولی نتیجه قطعی نداشت و منجر به عقد پیمان صلحی صدساله گردید با شرایط زیر: ۱ـ به مسیحیان اجازه‌داده شد که بامپراطوری‌روم پناهنده شوند ۲ـ تعقیب مسیحیان‌موقوف شد ـ اعلامیه استقلال کلیسای شرقی از طرف شورای **داد ـ ایشو** در ۴۲۴ صادر شد .

در۴۲۵ هونهای سفید معروف به هیاطله یا **افتالیت‌ها** که باحتمال قوی ازنژادترك بوده‌اند از سمت شمال شرقی بایران حمله‌کردند و بلخ را متصرف شدند و هند و ایران‌در معرض تهدید شدیدآنها قرارگرفت . بهرام شکست فاحشی بایشان وارد ساخت و از رود جیحون هم گذشت وآنها را تعقیب نمود و پادشاه‌آنها راکشت غنائم بسیار بدست‌آورد و پیمان صلح منعقد شد و بعد بطرف هند متوجه گردیده دولت هند ، سند و مکران را به او واگذاشت . در زمان وی باحتمال قوی روابطی بین ایران و هند برقرار بوده است .

در۴۲۸ ارمنستان ایران به یك ساتراپی ایرانی بدل شد ووالی‌آن ازطرف‌شاه‌ایران اعزام گردید .

بعد از میلاد

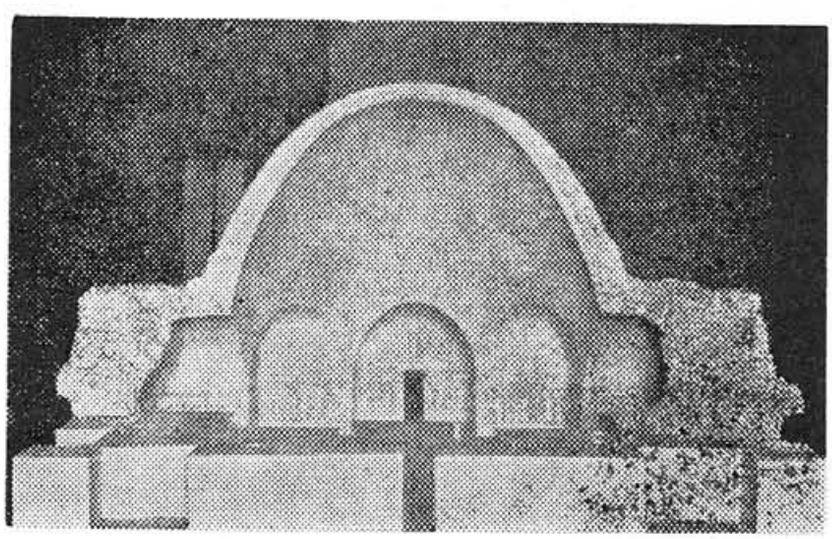
۴۴۰-۴۵۷ سلطنت یزدگرد دوم پسر بهرام گور ـ در ۴۴۰ به روم اعلان جنگ‌داد و بعد در همان سال پیمان صلح با ایشان منعقدکردکه طبق‌آن تئودسیوس‌دوم امپراطور روم شرقی تعهدکردکه دیگر دولت روم پایگاه و دژهائی درنزدیکی مرزایران بنانکند و نیز مبلغی سالیانه بایران بپردازد بمنظور اینکه دولت ایران پادگانی در دربند قفقاز در ساحل دریای خزر برای جلوگیری از تجاوز سکنه شمال بایران و روم نگاه دارد . یزدگرد از ۴۴۳ تا ۴۵۱ با هیاطله جنگید وسرانجام برایشان فایق‌آمد. یزدگرد در سالهای ۴۵۵ و ۴۵۶ حزب مسیحیان و ارمنیان طرفدارآنها را شکست داد و سردار قشون ارامنه در جنك کشته شد و رئیس روحانی مسیحی ارمنستان و ده نفر کشیش بزرگ (اوکها) را اسیرکرد وآتشگاه‌ها را در ارمنستان روشن نمود و مذهب زرتشتی را بار دیگر درآنجا مستقر ساخت . سپس حوزهٔ تعقیب مسیحیان را تا بین‌النهرین بسط داد . در ۴۵۷ بار دیگر هیاطله خراسان را در معرض تاخت و تاز قرار دادند . یزدگرد باآنها جنگید وآنها را بار دیگر تا ماوراءالنهر عقب راند ولی درآنجا شکستی بروی واردآمد .

۴۵۷-۴۵۹ سلطنت هرمز سوم (هورمیس‌داس) پسر کوچکتر یزدگرد دوم از غیبت برادر بزرگترش فیروزکه درسیستان بود استفاده‌کرد و به تخت نشست. فیروز بنزد خان هیاطله رفت و به‌کمك او بایران‌برگشت وبرتخت نشست وبرادررا دستگیرکرد .

قبل از میلاد

۴۸۳-۴۵۹ **سلطنت فیروز اول** (پروزس) پسر ارشد یزدگرد دوم ـ درزمان‌وی‌قحطی سختی در ایران پدیدآمد . فیروز باکمال خردمندی بوسیلهٔ واردکردن‌آذوقه از خارج و تقسیم عادلانهٔ مواد غذائی وکمك بفقرا ازتلفات قحطی جلوگیری کرد . هیاطله باردیگر تجاوزکردند و فیروز باآنها جنگیده و شکست خورد و پیمان صلحی با ایشان منعقدکرد (۴۶۴ـ۴۸۰) فیروزدر۴۸۱ با **کوشانها** که سکنه سواحل دریای خزر بوده‌اند جنگیدو شکست او منجر بـه شورش ایبری (گرجستان) و ارمنستان بـرهبری **واهان** (یا ساهاك) ارمنی گردید (۴۸۱-۴۸۳) ـ باردیگر فیروز به هیاطله بجنگ برخاست و در جنگ باآنها کشته شد .

۴۸۵-۴۸۳ **سلطنت بلاش** (ولگس) برادر دیگر فیروز با هیاطله جنگید وبعد مذاکره صلح نمود و استر داد اسرا را خواستار شد . خوشنواز در برابرمطالبهٔمبلغی نمودکه فیروز پذیرفت و تادوسال تأدیه نمود بعد متوجه ارمنستان شدودراین اثناگـرفتار جنگ داخلی در برابر برادر دیگرش **زارن** گردیدکـه مدعی سلطنت شده بود . واهان رهبر ارمنستان باسپاهی بکمك بلاش‌آمد و بلاش‌بر برادر فایق‌آمد وبازاءآن تقاضای واهان را پذیرفت وفرمان‌آزادی مسیحیان و اغماض مذهبی نسبت به ایشان را صادرکرد .



نیشابور ــ نمونه تالار قصرساسانی

مذهب نستوری‌که شامل اعتقاد به طبیعت دوگانهٔ مسیح بود وانشعابی درمذهب‌مسیحی بشمار میرفت در این زمان از طرف **بار ــ سوما** درکلیسای مسیحی ایـران باکمك پادشاه ایران و قدرت سلطنت بوجودآمد . در ۴۸۹ **زنون**کالج **ادسا** را منحل‌کرد و بجای آن کالجی در نصیبین دائر نمود . مذهب عیسوی از این پس‌در ارمنستان و ایبری رسمیت یافت

و این دو کشور در باطن دوست و طرفدار ایران گردیدند .

بعد از میلاد

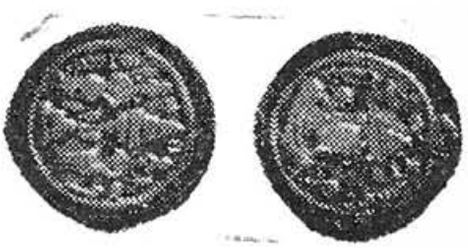
۴۹۸-۴۸۵ **سلطنت اول قباد اول** پسر دیگر فیروز و بـرادر بلاش (بعضی او را پسر بلاش دانسته‌اند) در زمان سلطنت بلاش درصدد گرفتن تخت‌وتاج برآمد ولی از عهده برنیامد سپس فرار کرد و نزد **خوشنواز** خان هیاطله رفت وپس از سه سال سپاهی تدارك کرد و قصد عزیمت بایران نمود . در این اثنا بـلاش درگذشت و قباد بسلطنت برگزیده‌شد. قباد با **خزرها** (ازقبایل تورانی‌التائی نژاد زرد) که حکومتی در شمال قفقاز بین رود ولگا و دن تشکیل داده‌بودند (پایتخت ایشان ابتدا تمرخان شورا و بعد اتل یا حاجی‌طرخان امروز بود) و بـه دره رود **کورا** (کوروش سابـق) تجاوز میکـردند جنگید وآنها را شکست داد .

ظهور مزدك : وی یکی از روحانیان بزرگ زرتشتی نیشابور بود (بعضی او را از اهل استخر یا تخت‌جمشید در پارس دانسته‌اند) که مذهب وآئینی تازه‌آورد که شامل نوعی مرام کمونیستی و هم متضمن ریاضت وضبط نفس وخودگیری بود ومال و زن را مصدرشرور جهان میدانست و معتقد به‌اشتراکی کردن آندو بود. قباد برای کاستن نفوذ وقدرت‌روحانیان واشراف بمذهب مزدك گروید ـ اشراف و روحانیان مردم را برضد او شورانیدند. بواسطهٔ شدت عمل مزدکیان در ارمنستان و ایران اغتشاش بوقوع پیوست و قباد را از سلطنت خلع کردند و **جاماسب** برادر او را پادشاه خواندند وقباد را جاماسب در قلعهٔ فـراموشی در خوزستان زندانی کرد .

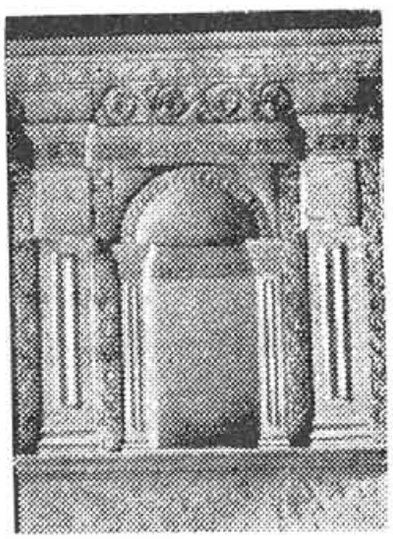
۵۰۱-۴۹۸ **سلطنت جاماسب** برادر قباد ـ قباد بکمك زنش اززندان فرارکردوبه‌خان هیاطله پناهنده شدکه زن او ایرانی ودخترفیروز بود و قباد دخترخان‌مزبور راکه از همان مادر ایرانی بود بزنی گرفت (و فرزندی از او بوجودآمدکه شاید خسروباشدکه بعضی اورا فرزند قباد اززنی دهقانی ازنیشابوردانسته‌اند) و بکمك خان هیاطله با سپاه عازم ایران شد . جاماسب بنفع او استعفا داد و قباد بار دوم صاحب تخت‌وتاج گردید .

۵۳۱-۵۰۱ **سلطنت دوم قباد اول** این مرتبه قباداز کمك به‌مزدکیان خودداری کرد. از روم مطالبهٔ اقساط عقب افتاده تعهدنقدی روم را برای حفظ پادگان‌دربند و دفاع ازآن در برابر قبایل چادرنشین شمالی نمود و روم امتناع کـرد . قباد با رومیان جنگید و ارمنستان روم و **تئودوپولیس** و ارز روم و شهر **آمد** را در شمال بین‌النهـرین تصرف کرد و دیاربکر را محاصـره نمود و با دادن تلفات بسیارآنـرا متصرف شد و سپاه رومـی را شکست داد (۵۰۲) ولی بسبب تجدید تجاوز هیاطله بایـران با **اناستازیوس**

پیمان هفت ساله بست و به خاور بازگشت و مدت ده سال با هیاطله جنگید (۵۰۳-۵۱۳) وآنها را شکست داد . در ۵۲۳ مزدکیان درصدد بودند قباد را وادارکنند بنفع یکی از پسرانش موسوم به **کیوس** (یا **فتاسوارسا**) که قول داده بود مذهب مزدك را رسمیت دهد استعفا دهد . قباد بدستیاری پسر دیگرش خسرو (بعداً انوشیروان) مزدکیان را به باغی دعوت کرد وآنها را قتل عام نمود و تنها مزدك چون حاضر نبود توانست ازاین‌معرکه‌جان بدر برد .



سکهٔ خسرو (انوشیروان)



نیشابور-قصرساسانی‌سردری‌که‌با حجاری‌وگچ‌بری‌رنگین مزین‌شده

جنگ دوم با روم ـ چون قباد دستور سابق‌آزادی مذهب راکه بهرام‌گور داده بود در ایبری (گرجستان) وارمنستان لغوکرده بود، عیسویان را تعقیب میکرد. **گرگین** پادشاه ایبری بروم متوسل شد و به لازیکا در ساحل دریای سیاه رفت و از طرف دیگر اناستازیوس امپراطور روم برخلاف پیمان دژها و پایگاه هائی در نزدیکی مرز ایران از جمله پایگاه **دارا** (داراس) راکه یکروز راه تا نصیبین بود بناکرد . قباد بجنگ با آنها پرداخت . در ۵۲۶ و ۵۲۸ آنها را شکست داد ولی بعداً رومیها باکمك هونها وبرهبری بلیساریوس سردار رومی در **دارا** غالب‌آمد و پس از نبرد غیر قاطعی نزدیك **کالی‌نیکوم** بسبب رسیدن خبر درگذشت قباد جنگ پایان یافت و سپاه ایران بطرف دجله برگشت و مرزها بهمان حال موجود (استاتس‌کوئو) باقی ماند ولی جنگهای پی‌درپی هردوکشور را ضعیف‌کرد

بعد از میلاد

۵۳۱-۵۷۹ سلطنت خسرو (انوشیروان) معروف به عادل پسر قبادکه از مشهورترین شاهان ساسانی است . پس از درگذشت قباد **کیوس** (کاازس یا فناسوارسا) پسر ارشد قباد خود را پادشاه اعلام‌کرد و از طرف دیگر سایر پسران قباد

مانند **زامس** که از یك چشم کور بود نیز دعوی سلطنت داشت و طرفدارانش بسبب نقص چشم پسرش را که قباد نام داشت نامزد سلطنت کردند و پدر را نایب‌السلطنه او نمودند . خسرو (انوشیروان) بکمك **مه‌بد** وزیر اعظم قباد که وصیت‌نامه‌ئی از قباد بنام انوشیروان نشان داد بر برادران غلبه کرد و بسلطنت رسید وتمام برادران خود و فرزندان ذکور آنها را بکشت . باستثنای قباد پسر زامس که فرار کرد .

کشتن مزدك وقتل عام دوم مزدکیان ـ انوشیروان سپس مزدك را که مذهبش در ایران و ارمنستان بسرعت رواج مییافت باصدهزارتن از طرفدارانش دستگیر کرد وهمه‌را بقتل رسانید .

خسرو در ۵۳۳ با روم پیمان صلح ابدی بشرائط زیر منعقد کرد : ۱ـ ۱۱۰۰۰ رطل طلا از طرف دولت روم بایران برای هزینه دفاع قفقاز از تجاوز قبایل شمالی بایران و روم پرداخت شود ۲ـ **دارا** بعنوان یك دژ در تصرف روم باشد نه بعنوان پایگاه مرکزی روم در بین‌النهرین ۳ـ طرفین پایگاه‌هائی را از یکدیگر که در لازیکا تصرف کرده‌اند به یکدیگر پس دهند و متصرفات آنها درلازیکا بحال سابق بر گردد ۴ـ بین ایران وروم‌دوستی و اتحاد ابدی برقرارباشد .

بعد از میلاد

۵۶۲-۵۴۰ **جنگ با روم:** پس از هفت سال که ازتاریخ عقد پیمان گذشت انوشیروان‌از شنیدن خبر فتوحات **ژوستنیان** در افریقا و ایتالی (۵۳۳-۵۳۹) بوحشت افتاد و بتحریك **اوستروگوتها** و **ارمنی‌ها** بتجدید جنگ باروم پرداخت و به سوریه حمله کرد و انطاکیه را متصرف شد و غنائمی بدست آورد و در **ادسا** پیمان صلح دیگری با روم بست و قرار شد دولت روم پنجهزاررطل‌طلا بعنوان غرامت جنگ بایران بدهد . با این حال در مراجعت بایران از شهرهای رومی که درسرراه اوواقع شده بود خراج گرفت. این عمل‌ژوستنیان را بخشم‌آورده پیمان صلح را لغو کرد .

۵۵۷-۵۴۰ **جنگ‌های لازیکا :** پادشاه لازیکا (کولچیس قدیم که از ۵۲۷ ببعد تحت‌الحمایهٔ روم شده بود) بسبب انحصار تجارت از طرف حاکم رومی شهر **پترا** (باطوم امروز) به انوشیروان روآورد تا بکمك او از روم جدا شود . انوشیروان سپاهی فرستاد و پترا را تصرف و لازیکا را جزء ایالات ایران نمود ـ در ۵۵۰ رومیان باردیگر آنرا متصرف شدند و در ۵۵۵ ایرانیان را ازآن‌کشور راندند ، و پیمان متارکه‌ئی در ۵۵۷ بین ایران و روم منعقد شد بشرح زیر : ۱ـ واگذاری لازیکا به روم ۲ـ پرداخت سالی ۳۰۰۰۰ سکهٔ طلا از طرف دولت روم بدولت ایران تا مدت پنجاه سال ۳ـ آزادی

مسیحیان در مذهب خویش بدون حق تبلیغ ۴ ـ انحصار معاملات و بازرگانی بین ایران و روم به راه‌ها وبازارهای معین ۵ـ ابقای شهر **دارا** بعنوان یك پایگاه مسلح رومی ۶ـایجاد روابط سیاسی بین طرفین و رجوع اختلافات بحکمیت ۷ـ رعایت شرایط ومواد این پیمان دوستی در هر پیمانی که یکی از طرفین با متحدین دیگرخود منعقد میکند ۸ـ انحصاردفاع از معبر دریای خزر به ایران . ۹ـ مدت پیمان پنجاه سال خواهد بود .

بعد از میلاد

۵۷۰-۵۵۴ **انقیاد هیاطلـه :** دراین سال انوشیروان باکمك ترکها هیاطله (افتالیت‌ها) را مطیع کرد و سرزمین آنها را بین ایران و ترکهای، ماوراء سیحون تقسیم نمود و رود جیحون را مرز قرار داد و با ترکهای مزبور پیمانی منعقدکرد و دختر **مکان‌خان** خاقان ترك را بزنی گرفت که از او هرمز ولیعهد ایران متولد شد . انوشیروان با خزرها نیز جنگیده شکست فاحشی بآنها داد .

ولادت حضرت رسول اکـرم ـ در عربستان در این سال (۵۷۰) بـه وقوع پیوست .

۵۷۲ **اعلام جنگ ژوستین** بایران . ژوستین بتصور اینکه انوشیروان بـه سن هفتاد رسیده و شخصاً فرماندهی را بعهده نمیگیرد عازم جنگ با ایران شد. انوشیروان بسرعت از دجله گذشت و با ششهزار سوار سبك‌بار و تندرو بشام و سوریه حمله برد و اطراف انطاکیه راآتش زد و شهر **آپام‌آ** را خراب کرد و سوریه را غارت وویران نمود . وی در ۵۷۳ شهر دارا را هم که مهمترین پایگاه جنگی روم در خاور بـود تصرف نمود . این واقعه لطمهٔ بزرگی به حیثیت رومیان واردآورد وژوستین ناچار به استعفاشد. و **تیبریوس** جانشین وی با پرداخت ۴۵۰۰۰ سکهٔ طلا بعنوان غرامت متارکـه‌ئی یکساله را از انوشیروان خرید و شروع بجمع‌آوری قوائی تازه نفس ازسواحل رن و دانوب نمود ولی پس‌از انقضای مدت متارکه جرئت نکرد جنگ راآغازکند وبا پرداخت سالی ۳۰۰۰۰ سکهٔ طلا بایران پیمان متارکه را تاسه سال تجدید نمود .

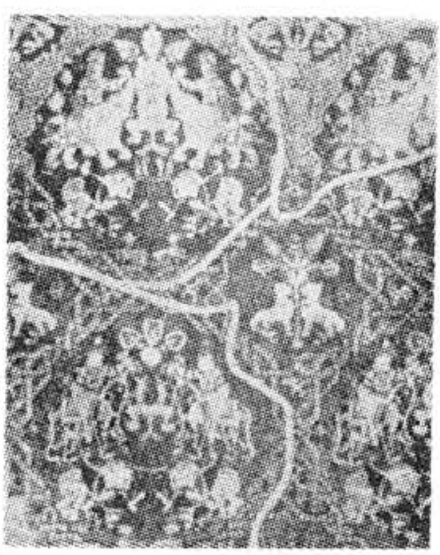
۵۷۶ **جنگ با اعـراب: ابرهه** پادشاه‌حبشه، یمن راکه تحت حمایت ایران و یکی از ایالات ایران محسوب میشد تصرف کرد. یکی ازشاهزادگان‌خاندان **حمیر** کـه درآنجا سلطنت داشت بدربار ایـران پناهنده شد وکمك طلبید . انوشیروان، **وهریز** را بسرکردگی سپاهی باکشتی‌ها ازراه خلیج فارس بـه عدن فرستاد وآنجا را تصرف کرد و حبشی‌ها را از یمن بیرون راند وسلطنت خانواده حمیر را اعاده داد و یمن جزء متصرفات ایران شد. سربازان‌ایرانی درآنجا ماندند و با اهالی مخلوط شدند .

بعد از میلاد

۵۷۸-۵۷۶ **جنگ با ترکها : دیزابول** خاقان‌ترکهای ماوراء سیحون با رومیها متحد شده بنای تاخت و تاز بمرزهای ایران گذاشت ولی با رسیدن سپاه ایران به ترکستان عقب‌نشینی کرده هزیمت یافت . انوشیروان با ارمنستان روم جنگید وآنرا مطیع ساخت و ارمنستان ایران را نیز باطاعت‌آورد . بعضی از مورخین از جنگی با هندوستان نیز در این سالها یادکرده‌اند . در زمان انوشیروان در دستگاه حکومت تجدید سازمان بعمل‌آمده ایران به‌چهار ساتراپ تقسیم شد: ساتراپ خاوری شامل خراسان وکرمان و بلخ.ساتراپ باختری شامل عراق عرب و بین‌النهرین ـ ساتراپ شمالی شامل ارمنستان و آذربایجان و ساتراپ جنوبی شامل فارس و خوزستان بود.



پارچه متعلق بدوره ساسانی



گیلاس کریستال
از آثاردورهٔساسانی

مالیات برمحصول که متغیر بود ملغی و مالیات براراضی بطور ثابت‌بجای‌آن گذاشته شد و تثبیت شد و نظارت در جمع‌آوری‌آن بعهدهٔ روحانیان گذاشته شد .آبیاری و حمل و نقل و ارتباطات ترقی‌کرد. در ارتش تجدید سازمان‌بعمل‌آمد. دولت، خارجیان مقیم‌کشور را حفاظت میکرد .کشاورزی تشویق شد . در قوانین تجدید نظر بعمل‌آمد. اغماض‌مذهبی نسبت بـه مسیحیان معمول‌گشت . **نستوریان** کـه در نظر عیسویها فرقهٔ ضاله و انشعابی محسوب شده مورد تعقیب قرار گرفته و سابقا به ایران پناه‌آورده بودند مورد حمایت واقع شدند و انـوشیروان از لحاظ سیاسی در برابـر مسیحیت رومیان ازآنها حمایت میکـرد و کلیساهای‌آنها که‌کلیسای ایرانی نامیده میشد در شهرهای هرات و مرو و سمرقند دائرشد. این مذهب بعدها ازآنجا بـه چین و هند سرایت‌کرد . تحصیل علم و دانشجوئـی در زمان انوشیروان تشویـق شد و در**گندی‌شاپور** ، دانشگاه تأسیس‌گردید . داستانهـای هندی و

کلیله و دمنه و کتب ارسطو به زبان پهلوی ترجمه شد . بازی شطرنج از هندوستان بایران آمد و گویند بازی تخته نرد دراین زمان در برابرشطرنج در ایران اختراع شد.اصلاحات انوشیروان را در تواریخ ایرانی به بزرگمهر وزیر وی نسبت میدهندکه ابتدا معلم هرمز پسر انوشیروان بود و او را مظهر خرد و تدبیر میشمارند ولی وجود او در تواریخ غربی بثبوت نرسیده است .

بعد از میلاد

۵۸۹-۵۷۹ **سلطنت هرمز چهارم** (هورمیس‌داس) پسر انوشیروان‌که جبار بود ومردم از او راضی نبودند ، در مدت دهسال سلطنت وی جنگ با روم بدون نتیجهٔ قطعی ادامه داشت ــ در ۵۸۱ ایرانیان در **کنستانسیا** شکست خوردند و در ۵۸۸ رومیان در **ارزانن** نزدیك **مارتیروپلیس** شکست‌خوردند ودر ۵۸۹ مارتیروپلیس بـه دست ایرانیان افتاد ولی رومیان نـزدیك نصیبین پیروزی یافتند .

۵۸۹ اعراب از جنوب و خزرها از شمال باختری وترکها از شمال خاوری‌بایران حمله‌کردند و خطر واقعی ایران را تهدیدکرد .

بهرام چوبینه (ورهران) سردار بزرگ ایرانی مأمور جنگ با ترکها شد .



بطری نقرهٔ مطلا



سکهٔ خسرو دوم

در جنگ اول خان بزرگ‌کشته شد و در جنگ دوم پسر خان اسیرگردید و غنائم بیشماربدست بهرام افتاد و شکست فاحشی به ترکان واردآمد وازآن پس خراج گذارایران شدند .

هرمز از فتح بهرام نگران شد و او را مأمور جنگ با رومی‌ها در لازیکا نمود . بهرام در حوالی ارس شکست خورد ــ هرمز به او توهین‌کرد و برایش دوك و جامه زنان

فرستاد . بهرام شورش کرد و بطرف تیسفون شتافت و مردم با نزدیك شدن بهرام برهرمز شوریدند . هرمز فرارکرد و بدست یکی ازخویشان خود (بیستام والی خراسان) در۵۸۹ کشته شد .

(بیستام چهار سال از ۵۹۲-۵۹۶ در مدی سلطنت کرد) .

بعد از میلاد

۵۹۰-۵۸۹ **سلطنت اول خسرو دوم** (خسروپرویز) پسرهرمز چهارم آخرین پادشاه مشهور ساسانی که در زمان وی امپراطوری ساسانی بـه اوج وسعت و عظمت خـود رسید و سقوط ناگهانی امپراطوری هم در اواخر سلطنت او بوقـوع پیوست .

۵۹۱-۵۹۰ **سلطنت بهرام چوبینه** بنام بهرام ششم ـ وی با حضار خسروپرویز اعتنا نکرد . خسرو با سپاهی بجنگ او رفت و شکست خورد و بروم فرارکرد و به **موریس** امپراطور روم پناهنده شد و پس از چندی با سپاه رومـی عازم ایران شد و در ۵۹۱ از دجله گذشت و با سپاه بهرام جنگید . بهرام‌شکست خورد و بکردستان عقب‌نشینی کرد و درآنجا نیز در جنگ شکست خـورد و فـرارکرد و به خاقان ترکستان پناهنده شد و درآن‌جا به دست ترکان کشته شد .

۶۲۸-۵۹۲ **سلطنت دوم خسروپرویز** ـ تا سال ۶۰۳ روابط روم و ایران صمیمانـه بود . در ۶۰۳ **موریس** بدست **فوکاس** کشته شد و پسر او به خسرو پـرویز پناه‌آورد و **فوکاس** خود را امپراطور خـواند . خسرو پرویز بحمایت پسر موریس بروم لشکرکشید و از ۶۰۳ تا ۶۲۷ با رومیان در جنگ بود .

۶۱۰-۶۰۳ جنگ خسروپرویز یا فوکاس قاتل موریس ـ شهرهای دارا و امیدا، حران، ادسا ، هیروپـولیس ، برهوتا (در حلب) و در شمال آسیای صغیر کاپادوکیه و فریژیا و گالاسیا و بی‌تی‌نیا بدست ایران افتاد .

۶۱۰ ستونی از سپاهیان ایران در **دوکار** از اعراب شکست‌خوردکه اعراب بدان جنگ اهمیت زیاد داده‌انـد ، و در تقویم قبایل عـرب آن را روزی مشهور خوانده‌اند .

هراکلیوس (هرقل) سردار رومـی از افریقا با تعدادی کشتی بـه قسطنطنیه آمد و با کمك مردم قدرت را در دست گرفت .

بعد از میلاد

۶۱۲ ب.م بعثت حضرت رسول اکرم

۶۱۰-۶۲۰ **جنگهای هراکلیوس با خسروپرویز** ـ در ۶۱۱ انطاکیه و آپامیا بدست ایرانیان افتاد . در ۶۱۲ سپاه ایران به‌کاپادوکیه حمله برد ـ در ۶۱۴ ایرانیان دمشق را تصرف کردند . در ۶۱۵ سپاه ایران شهر بیت‌المقدس (اورشلیم) را از دست رومیان گرفت و صلیب‌مقدس عیسی را بایران فرستاد که تأثیری عظیم در عالم‌مسیحیت کرد . سپس خسرو ؛ **شهربراز** سردار ایرانی را مأمور فتح مصر نمود . وی پلوسیوم و اسکندریه را تسخیر کرد . در ۶۱۶ مصر پس از ۹قرن باردیگر بدست ایرانیان افتاد .در شمال‌آسیای صغیر سپاه ایران بسرکردگی **شاهین** در ۶۱۷ پیشروی‌کرد . **کالسدون** را گرفت و سپاه ایران به دوکیلومتری قسطنطنیه رسید. در ۶۲۰ **انسیرا** و **رودس** نیز بدست ایرانیان افتاد و بدینطریق وسعت امپراطوری ساسانی در زمان خسروپرویز بوسعت زمان داریوش بزرگ رسید و امپراطوری روم بوضع وخیمی گرفتارآمد . در واقع بجزقسطنطنیه و یونان و ایتالی چیزی برای دولت روم باقی نماند . تراس نیز بتصرف **اوارها** درآمده قسطنطنیه از طرفی تحت تهدید اوارها و از طرفی در معرض تهدید ایرانیان قرارگرفت‌ـ هراکلیوس عزم فرار به‌کارتاژکرد ولی سکنهٔ قسطنطنیه مانع فرار وی شدند . وی تصمیم گرفت که‌آخرین تیر ترکش یعنی نیروی دریائی خود را بکار برد و از طریق دریا جنگ را به خاك دشمن بکشاند . (پایتخت ایران در این زمان شهر **دستگرد** نزدیك تیسفون بود) .

۶۲۲ **در این سال هجرت حضرت رسول اکرم از مکه بمدینه که مبدأ تاریخ اسلامی قرارگرفته است بوقوع پیوست .**

۶۲۲-۶۲۷ **جنگهای هراکلیوس** ـ هراکلیوس باتعدادی‌کشتی ازهلسپونت(داردانل) گذشت و در **ایسوس** یعنی همان محلیکه در ۹ قرن و نیم پیش اسکندردارا را شکست داده بود پیاده شد و بجنگ با ایرانیان پرداخت . سپاه ایران بسرکردگی شهربراز شکست‌خورد (۶۲۲) .

در۶۲۳ رومیان قوائی به لازیکا فرستادند. به ارمنستان حمله‌کردند و خسروپرویز عقب‌نشینی کرد و هراکلیوس زمستان را درآلبانی بسربرد . در ۶۲۴ رومیان بار دوم به ارمنستان حمله‌کردند و شهربراز شکست‌خورد ـ سپس رومیان به ارزانن حمله‌کردند و آرمیدا و مارتیراپولیس را بدست‌آوردند . بعد در سیلیکیا جنگیدند و در ساروس جنگی بین ایران و روم بدون نتیجهٔ قطعی بوقوع پیوست .

در ۶۲۵ شهربراز عقب‌نشینی کرد .

بعد از میلاد

۶۲۶ **محاصرهٔ قسطنطنیه :** خسروپرویز باآوآرها متحد شده سپاه ایران‌رابدو بخش تقسیم کرد که بخش اول با هراکلیوس درآسیای صغیر بجنگ بپردازد و بخش دیگر با همکاری‌آوآرها از ناحیهٔ شمال قسطنطنیه را محاصره و تصرف کنند ـ بخش اول بسرکردگی شاهین از **تئودور** ـ برادر امپراطورشکست خورد . بخش دوم بسبب جلوگیری فرماندهی دریائی روم از الحاق‌آوآرها به سپاه ایرانی در حملهٔ به قسطنطنیه‌کاری از پیش نبرد وآوآرها نیز بتنهائی موفق بتصرف قسطنطنیه نشدند .

۶۲۷ **حمله به‌آشور و بین‌النهرین ـ** هراکلیوس‌آشور و بین‌النهرین را مورد تاخت و تاز قرار داد . در دستگرد بیست فرسخی تیسفون نزدیك نینوای قدیم که مقرخسرو بودجنگی‌درگرفت ایرانیان عقب‌نشینی کردند ودرسنگرهای محکم خود جای گرفتند ولی دستگرد بغارت رفت . ناگهان ترسی بی‌سبب بر خسرو مستولی شد و فرارکرد . بااین حال سپاه ایران‌آنقدر مقاومت کردند تا هراکلیوس‌که بطرف تیسفون در حرکت بود از محاصره صرف نظر کرد و به **کانزاکا** عقب‌نشینی نمود .

۶۲۸ **خلع و قتل خسروپرویز ـ** خسرو بواسطهٔ فرار از میدان جنگ منفور شد و بفرماندهان نیز بدبین گردیده‌آنها را بزندان انداخت و برخی را به قتل رسانید ـ **گردان‌اسپا** فرمانده پادگان تیسفون عده‌ئی از سپاهیان مقیم تیسفون را بقتل رسانید و پیشقدم شورش اشراف و مردم شد . خسرو را به زندانی تاریك انداخت و ابتدا جلو چشمش چند نفر از فرزندانش از جمله **مرداس‌شاه** راکه برای جانشینی خودگزیده بود سربرید . و سپس خود او را بقتل رسانید .

۶۲۸-۶۲۹ **سلطنت قباد دوم** معروف به **شیرویه** بسر خسروپرویز ـ وی‌با هراکلیوس براساس شرایط زیر پیمان صلح منعقدکرد : مبادلهٔ اسرای طرفین وسرزمین‌هائی‌که از یکدیگر گرفته بودند و پس‌دادن صلیب مقدس بروم‌ـقباد برادران خود راکشت و خود در ۶۲۹ به بیماری طاعون درگذشت . استرداد صلیب مقدس باعث انعقاد جشنهای بسیار در روم گردید .

۶۲۹ **سلطنت اردشیر سوم** پسر قباد دوم‌که پسری هفت ساله بود وشهربراز او را خلع‌کرد و بسلطنت رسید .

سلطنت شهربراز : وی در زمان قباد دوم یاغی شد وآسیای صغیر رابه‌رومیان پس

نداد و درآنجا حکومت میکرد . پس از مرگ قباد با **هرقل** امپراطور روم متحد شد و تخت و تاج را تصرف کرد و در عوض ولایات آسیای صغیر و شامات و مصررا برومیان‌مسترد داشت ولی پس از ۴۵ روز سلطنت ، خسرو سوم نوهٔ هرمز چهارم ارخراسان براو خروج کرد و سربازان خودش براو شوریده اورا کشتند .

بعد از میلاد

۶۲۹-۶۳۴ **دوران هرج ومرج:** در این پنج سال هرج و مرج وکشمکش برسر تاج و تخت بین شاهزادگان و مدعیان سلطنت حکمفرما بود . در حدود ۱۲ نفر در این سه سال سلطنت کردند و بعضی از ایشان بزودی بقتل‌رسیدند . بعضی‌از این سلاطین چندروزه بشرح زیرند :

هرمز چهارم (۶۲۹) **جوانشیر** پسر خسروپرویز (۶۲۹) **پوران‌دخت** دختر خسروپرویز که ۱۷ ماه سلطنت کرد وبا روم صلح قطعی منعقد کرد که طبق آن نصیبین برای ایران باقی مانده پوران‌دخت خود از سلطنت استعفا کرد (۶۳۰) **گشتاسب برده** برادر خسرو سوم یا نوهٔ هرمز چهارم (۶۳۱) ، **آزرمیدخت** دختر خسروپرویز که در زمان وی **هرمز پنجم** نوهٔ خسروپرویز در نصیبین خود را شاه خواند (۶۳۱) وبعد از چندی بدست سربازان خود بقتل رسید . دیگر **خسرو چهارم** نوه یزدان شاه پسر انوشیروان (۶۳۱) ، دیگر **فیروز دوم** برادر خسرو چهارم (۶۳۱) ، **وخسرو پنجم** نوه‌انوشیروان ملقب به **فرخزاد** (۶۳۱).

۶۳۴-۶۴۲ **سلطنت یزدگرد سوم** پسر شهریار و نوهٔ خسروپرویز وآخرین پادشاه ساسانی که مقارن نشستن وی بتخت سلطنت، پیشروی اعراب وفتوحات‌خلفای اسلامی بطرف خاورآغاز گردید و سلسلهٔ ساسانی در زمان وی منقرض گشت (پایتخت وی تیسفون معروف به مدائن بود) .

۶۱۰ **جنگ ذوقار:** خسروپرویز هنگام لشکرکشی به‌روم شنید نعمان ملك حیره دختر زیبائی دارد . درخواست ازدواج با او راکرد . نعمان موافقت نکردو در برابر سپاه اعزامی خسرو فرارکرد و بعدشخصاً برای پوزش نزدخسرو آمد . خسروپرویز او راکشت و ۴۰۰۰۰ سپاه بطرف قبیلهٔ شیبانی‌فرستادکه اموال نعمان راکه بدست رئیس قبیله سپرده شده بود پس بگیرد سپاه ایران اولین مرتبه از اعراب شیبانی در جنگ ذوقار شکست خورد .

۶۳۳ **جنگ زنجیر:** سپاه‌اعراب بسرکردگی خالدبن ولید سرزمین عراق‌رامورد تاخت و تاز قرار دادند با مرزبانان ایران جنگیدند . در نزدیکی کویت امروز **هرمز** مرزبان با خالد جنگ تن‌بتن (دو نفری) نمود وکشته شد و اعراب شهرهای **هیره** و **اوبولا** را تصرف کردند و خالد ساحل فرات را

گـرفت و بنای پیشروی را گذاشت ولـی در این اثنا از طرف خلیفه بـرای مأمـوریت در جبهه دیگری احضار شد . چون در ایـن جنگها پای بعضی از سربازان ایرانی را افسران آنها بزنجیر میبسته‌اند که فرار نکنند اعراب آنرا جنگ زنجیر نامیده‌اند.

بعد از میلاد

۶۳۴

جنگ جسر (پل)

یزدگرد **رستم فرخزاد** والی خراسان را طلبیده فرماندهی کل را برای جنگ با اعـراب باو داد و او سپاهی بسرکردگی **بهمن دراز ابرو** بحدود بابل فـرستاد . سپاه اعراب بسرکردگی **ابوعبید** پلی از قایق بروی فرات بستند و گذشتند و بجنگ پرداختند. ابوعبید در زیر پای یك فیل جنگی کشته شد و اعراب ۴۰۰۰ نفر تلفات دادنـد و شکست خوردند و پیشروی آنها موقتاً متوقف گردید . بسبب بستن پل ، این جنگ به جنگ جسر معروف شد ـ **بهمن** بسبب دریافت خبر اغتشاش در تیسفون از تعقیب اعراب صرفنظر کرد و به تیسفون شتافت :

۶۳۶ **جنگ قادسیه :** عمر خلیفهٔ اسلامی سی هزار سپاه بسرکردگی سعد وقاص بطرف ایران فرستاد ودر قادسیه نزدیکی کربلای امـروز با ۱۲۰۰۰۰ سپاه ایران بسرکردگی رستم فرخزاد روبرو شدند . این جنگ سخت چهار روز طول کشید و رستم فرخزاد کشته شد وشکست فاحشی به سپاه ایران واردآمد. سپاه عرب بـه بین‌النهرین حمله نمود و تیسفون (مـداین) پایتخت را یغما کردند . غنائم بی‌حساب بدست اعراب افتاد .

۶۳۷ **جنگ جلولا :** سعدوقاص ۱۲۰۰۰۰ نفر سپاه بطرف حلوان محل جمع‌آوری سپاه یزدگرد فرستاد . در **جلولا** با سپاه ایران بسرکردگی **مهران** جنگید و اعراب فاتح شدنـد و غنائم بسیار بدست آنها افتاد ، از جمله یکصد هزار اسب از منطقه مدی گرفتند .

۶۳۹ اعراب بـه شوش و فارس حملاتی کردند و در رامهرمز ایـرانیان را شکست دادند .

۶۴۰ شوشتر بدست اعراب افتاد و خوزستان را فتح کردند .

۶۴۲ **جنگ نهاوند** که آخرین جنگ اعراب بایزدگرد بود: سی‌هزار سپاه عرب بسرکردگی **نعمان** با ۱۵۰ هزار نفر سپاه ایران بسرکردگی **فیروزان** در نهاوند ۱۲ فـرسنگی جنوب همدان روبرو شدند . نزدیك بود اعراب بسبب

تمام شدن آذوقه شکست بخورند و تظاهر بفرار و عقب‌نشینی کردند . فیروزان اشتباه کرد و بتعقیب آنها پرداخت پس در صحرا برگشته سپاه ایران‌رامنهدم کردند . تلفات سپاه ایران را در این جنگ یکصد هزار نفر نوشته‌اند .

سپس اعراب غالب ایالات ایران را فتح کردند و ضمیمهٔ حوزهٔ خلافت نمودند .

بعد از میلاد

۶۵۱ یزدگرد که به بلخ فرار کرده بود و بار دیگر از امپراطور چین و ترکان شمال تقاضای کمک کرده بود به **ماهوی** مرزبان مرو بدگمان شد و فرار کرد و درنزدیکی مرو به‌آسیابانی پناه برد که‌شب‌بطمع‌جامه‌فاخروجواهرات او را بکشت .

۶۵۱-۷۳۲ **سلطنت اعقاب یزدگرد** در ناحیه‌کوچکی در حدود طخارستان در خاور بلخ و شمال سیستان : اولین‌آنها **فیروز سوم** پسر یزدگرد بودکه خود را شاه ایران خواند و امپراطور چین او را بدین سمت شناخت . در ۶۸۴فیروز بواسطهٔ تعقیب اعراب به چین فرارکرد . او با اجازهٔ امپراطور چین در **چان‌کان**آتشکده بناکرد . پس از او **نی‌نیش** یا **نرسی** پسرش خود را شاه خواند . وی نیز بدربار چین رفت . در ۷۲۲ **پوشان‌هونامی** خودرا شاه ایران دانست . در ۷۲۸ خسرو نامی از خانوادهٔ یزدگرد خود را شاه دانسته است .

روایات بالا درکتب تواریخ چینی‌آمده است و طبق‌آن روایات در ۷۳۲ **کیلی** نستوری از طرف شاه ایران به سفارت بدربار چین فرستاده شد.ولی اسم شاه ایران درآن روایت ذکر نشده .

(ب) دوره حکومت اعراب

۱۸۴ سال : (از ۶۳۶ تا ۸۲۰ ب.م)

(۸) خلافت سه نفر از جملهٔ چهار نفر خلفای بعد از حضرت رسول اکرم (ص)

[۲۵ سال : از ۶۳۶ ب.م (تاریخ غلبه عرب برایران) تا ۶۶۱ ب.م]

ایران در زیر حکومت اعراب :

دورهٔ حکومت عرب را در ایران که جمعاً ۱۸۴ سال بطول انجامید ، نمیتوان یك دورهٔ روشن و مشخص از حکومت یا سلطنت نامید و غالب اوقات آن به قتل وخونریزی و هرج و مرج و ملوك‌الطوایفی و انشعاب و تجزیه و ترکیب و توطئه و طغیان و شورش گذشت و رویهمرفته در اینمدت که ۲۲ خلیفه برامپراطوری اسلام حکومت کردند (۳ نفر خلفای بلافصل ، ۱۲ نفر خلفای اموی و ۷ نفر اولین خلفای عباسی) ایران وضع ثابتی نداشت . بعضی ایالات آن مانند طبرستان وگرگان و بلخ و مرو غالباً درحال استقلال بسر می‌بردند و بعضی ایالات آن مکرر شورش کردند و از تحت اطاعت حکومت عربی خارج شدند و نه تنها خلفا راگرفتار دردسرهای بزرگ می‌نمودند بلکه غالباً اوضاع جاری ایران و سایر نقاط امپراطوری ، اعراب را مجبور میکرد که ازکارشناسان و افراد لایق ایرانی در ادارهٔ امورکشوری کمك بخواهند ـ ادارهٔ حکومت در زمان خلفای اموی نوعی اداره حکومت نیمه بدوی عربی بودکه بعضی از ظواهر سازمانی دورهٔ ساسانی را اخذکرده بود. ولی حکومت عباسی کاملا یك حکومت شبه ایرانی وکپیه‌ئی از سازمان حکومت ساسانی بود زیرا این حکومت بدست ایرانیان بوجودآمد و دستگاه مرکزی و لشکری وکشوری و حتی دربار خلیفه ، بدست ایرانیان افتاد و با همان روشهای دورهٔ ساسانی اداره میشد . حکومت دورهٔ اموی که عبارت از حکومت خام و خشن بدوی عرب و مبنی براصول صحرا نشینی بود با جبر و زور و تهدید وکشتار و ظلم و غارت و اسارت و شکنجه برایرانیان

تحمیل شد . اما حکومت عباسی چون در دست ایرانیانی بوده که غالباً از وزرا و نـدما و مشاوران خلفا بوده‌اند و مؤسس آن نیز ابومسلم خراسانی بود ، معتدل‌تر بـود و با دورهٔ اموی فرق بسیار داشت . عباسیان از اعراب نفرت داشتند و آنها را دشمن میداشتند و تکیهٔ آنها همیشه به سپاه خراسان بود که آنها را در برابر سپاه اعراب برای حفظ تعادل نگاه میداشتند . درجهٔ بدبینی و نفرت آنها از اعراب از اینجا معلوم میشود که در دستوری کـه **امام ابراهیم** برادر ارشد و رئیس قبیله عباسی که خود از طایفهٔ قریش بود در نامه‌ئـی محرمانه به ابومسلم خراسانی میدهد و متن نامه در کتاب تاریخ مضبوط است مینویسد ... «توجه داشته‌باش که در خراسان حتی یکنفر را که زبان عربی میداند (یعنی حتی یك نفر عرب را) زنده نگذاری و باید عربی زبانانرا تمام بقتل برسانی ...»



در زمان خلافت منصور برادر ابوالعباس که مؤسس واقعهٔ سلسله عباسی شمرده میشود لباس درباریان خلیفه لباس درباریان شاهان ساسانی بود ، و مطالعه علوم پزشکی و نجوم و هیئت معمول گشت و علوم و فلسفهٔ یونان بدستوروی بعربی ترجمه شد و پایه‌تمدن‌اسلامی گذاشته شد و تمام مقررات و قواعد و اصولی که برای دربار واداره امور لشکری‌وکشوری

در سلطنت ساسانی معمول بود بدست وزرای ایرانی وارد دربار عباسی شد ـ از ۷۵۲ تا ۸۰۴ بخصوص برامکه از اولاد برمك که نام رئیس روحانی آتشکده در بلخ بوده است ادارهٔ کلیه امور امپراطوری اسلامی را در دست داشتند و به سبب توجه آنها به علوم و فنون و ادبیات ، خلافت عباسی قوام گرفته و در نتیجه تمدن اسلامی پایه گذاری شد .

کرونولوژی دورهٔ حکومت عرب

بعد از میلاد

۶۴۴-۶۳۴ **خلافت عمر** پسر خطاب دومین خلیفهٔ حضرت پیغمبر که به خود لقب امیر-المومنین داد و دختر او خدیجه یکی از زوجات حضرت محمد بود . وی جانشین ابوبکر خلیفه اول گردید . (۶۳۲-۶۳۴) .

۶۳۵ سپاه بیزانتین (روم شرقی) بسرکردگی **بانس** در **مرج الصفار** نزدیك دمشق از سپاه اعراب بسرکردگی خالدبن ولید شکست خورد .

۶۳۶ شکست قاطع بیزانتین در جنگ **یرموخ** در جنوب دریاچهٔ **تیبریاس** و تصرف دمشق و **امسا** بدست اعراب .

۶۳۸ تسخیر سوریهٔ شمالی و حلب و انطاکیه و تسلیم بیت‌المقدس به اعراب .

۶۴۰ تصرف شهر قیصریه (سزاریا) و سواحل دریا و رسیدن مرز خلافت اسلامی به کوههای امانوس .

۶۴۱-۶۳۹ تسخیر بین‌النهرین بدست اعراب ، فتح ایران والحاق آن بامپراطوری اسلامی که شرح آن در پایان تاریخ ساسانی گذشت .

۶۴۰-۶۳۹ **فتح مصر** ـ حملهٔ سپاه عرب بمصر بسرکردگی **عمروعاص** ـ تصرف پلوسیوم ـ شکست بیزانتین درهلیوپولیس (۶۴۰). مرگ امپراطورهراکلیوس (۶۴۱) ـ تصرف بابل (۶۴۲) ـ تسلیم مصر بوسیله کوروش کشیش بزرگ اسکندریه (۶۴۲) بشرائط زیر : جان و مال سکنه دربرابر پرداخت خراج مذهبی (جزیه) در امان خواهد بود و مذهب نیز آزاد خواهد بود .

۶۴۴ **قتل عمر** ـ ظهور شورش درتمام ایالات ایران برضد عرب که بواسطه فقدان سرکرده به نتیجه نرسید و **ابن‌عامر** حاکم بصره باردیگر ایالات ایران را تسخیر نمود .

۶۵۶-۶۴۴ **خلافت عثمان :** وی از خانوادهٔ امیه بود و تمام خویشان خود را بکار گماشت . قرآن در زمان او به دست **زیدابن طالب** جمع‌آوری و تدوین شد .

بعد از میلاد

۶۴۲-۶۴۳ تصرف **برقه** و **پنتاپولیس** بدست اعراب .

۶۴۵ شورش اسکندریه با ورود ناوگان بیزانتین وتجدید تصرف آنشهر بواسطهٔ حمله اعراب .

۶۴۹ ساختن کشتی‌ها و تهیه نیروی دریائی عربی بدست عبداله‌بن‌سعد حاکم مصر و تصرف قبرس (۶۴۹) وارادوس (۶۵۰) .

۶۵۲ **سپاه عرب بسرکردگی ابن عامر** حاکم بصره بـرود جیحون رسید . ایالات خاوری ایرانرا مطیع کرد و هم سپاهی بطرف هندوکش‌فرستاد. کابل‌و سیستان وکرمان را باطاعت‌آورد ولی درآذربایجان از خزرها شکست‌خورد و مازندران (طبرستان) تا مدتها مستقل باقی ماند .

۶۵۵ پیشروی سپاه عرب بطرف‌قسطنطنیه‌و نابودی کشتی‌های بیزانتین‌درذات‌السواری در ساحل لیسی .

۶۵۶ **قتل عثمان** به سبب عدم رضایت سپاه عراق و مصر از تبعیضات وی‌وسپردن مشاغل به اقوام و خویشان از طرف عثمان و تقویت بنی‌امیه .

۶۵۶-۶۶۱ **خلافت حضرت علی بن‌ابیطالب** (امیرالمومنین) پسرعم و داماد حضرت محمد .

۶۵۶ **ظهور اولین جنگ داخلی در امپراطوری اسلام : طلحه و زبیر** از پیروان سابق پیغمبر وبتحریک‌آنها عایشه دختر ابوبکر که اززوجات‌خاص حضرت رسول بود در عراق شورش‌کرده عایشه برای تشویق افراد به‌جنگ برضد علی بعنوان خونخواهی قتل عثمان در هـودجی بالای شتر وارد میدان جنگ شد و لذا این جنگ جنگ جمل نامیده شد . طلحه و زبیردراین‌جنگ بقتل رسیدند و عایشه دستگیر گردید ولی بااو با ملاطفت رفتار شد ـ حضرت علی **کوفه** را پایتخت ومقرخلافت خود قراردادند .

۶۵۷ **شورش معاویه** ـ معاویه از زمان عمر حاکم شام و سوریه بود . وی نیز بنام خونخواهی عثمان حضرت علی را بخلافت نشناخته شورش نمود. حضرت علی با سپاهی بطرف صفین‌حرکت‌کردند. نتیجه جنگ صفین‌کـه مدتی بطول انجامید قطعـی نبود و معلوم نشد و قرار متارکه و واگذاری اختلافات بـه حکمیت گذاشته شدکه مورد قبول حضرت علی واقع نشد ودر این اثنادوازده هزار نفر از سپاهیان علی شورش‌کرده کلیه مدعیان خلافت را مردود دانستند و معتقد شدند بانتخاب خلیفه از طرف همهٔ مسلمین از هرنژاد وکشور وطبقه

و هم اینکه خود خلیفه نیز بنظرایشان‌ممکن بود از هر نژاد یا کشور انتخاب شود .

این گروه را **خوارج** خواندند .

خوارج عقیدهٔ خود را تا اقصی نقاط امپراطوری انتشار دادند ـ حضرت علی ناچار پیش ازادامه جنگ با معاویه باآنها جنگید و ۱۸۰۰ نفرازآنها را بقتل رسانید ـ گروهی ازآنها در ایران تا اقصی نقاط کرمان نیز دست به طغیان زدند .

بعد از میلاد

۶۵۸ حکومت مصر برضد حضرت علی طغیان کرد ومصررا ازحوزهٔ خلافت آنحضرت خارج نمود و بوسیلهٔ عمر وتحت اطاعت معاویه درآمد .

در همین سال یکی از رؤسای عرب مردم جنوب ایرانرا بشورش برضد خلافت بر انگیخت بطوریکه حکومت عربی را از فارس بیرون کردند و **زیاد ابن ابیه** نابرادری معاویه از طرف حضرت علی بحکومت فارس اعزام شد و امنیت را برقرار ساخت .

۶۶۰ حضرت علی (ع) با معاویه صلح فرمود .

۶۶۱ حضرت علی بدست **ابن‌ملجم** که یکی ازخوارج بود بشهادت رسید وحضرت امام حسن فرزند ارشد وی بخلافت منصوب شد ولی خلافتش دوام نیافته‌استعفا فرمود .

(۹) حکومت خلفای اموی (بنی امیه)

۸۸ سال : از (۶۶۱ تا ۷۴۹ ب.م)

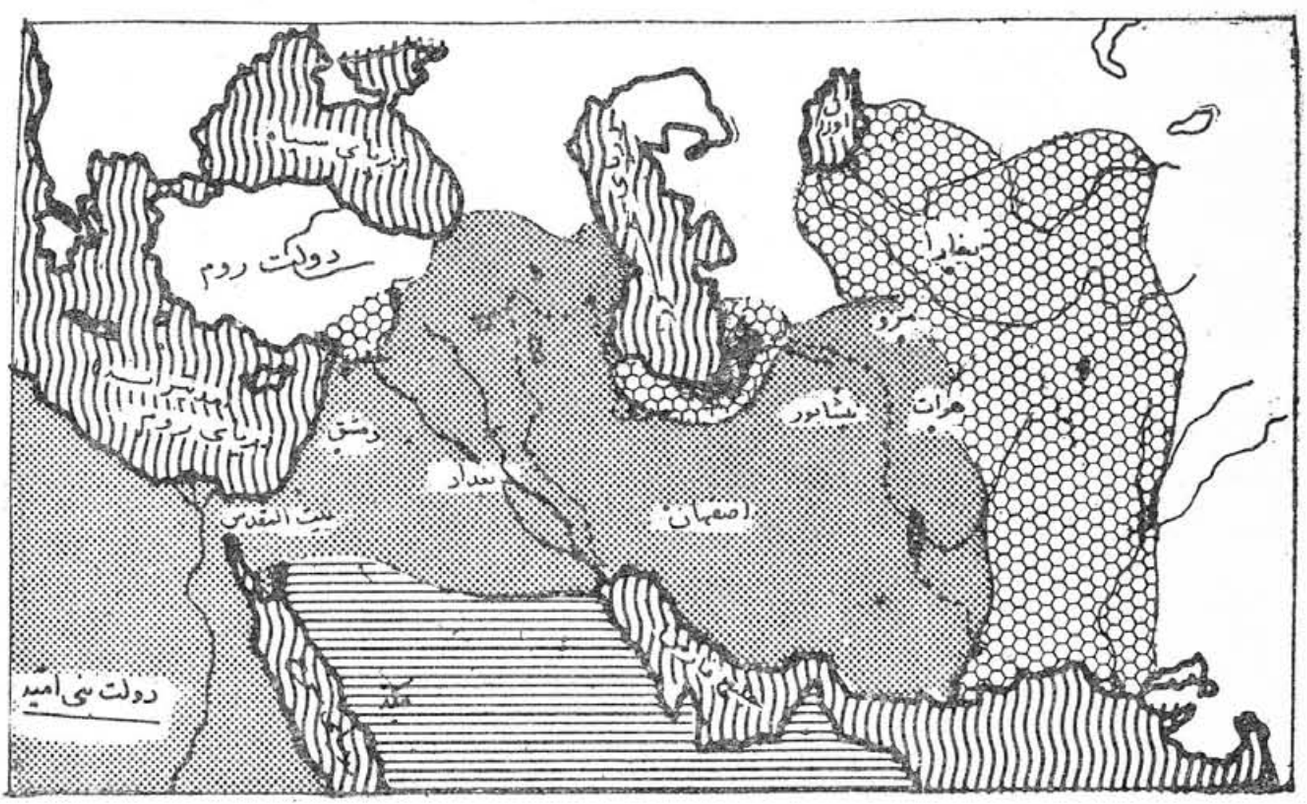
۶۶۱-۶۸۰ **خلافت معاویه پسر ابی‌سفیان** مؤسس سلسلهٔ اموی : وی دربار خود را در دمشق مانند شاهان ساسانی‌آراسته و دستگاه سلطنت برقرار ساخت .

معاویه در ۶۶۰ درزمان خلافت حضرت علی (ع) خود را دربیت‌المقدس خلیفه‌اعلام کرد . در ۶۶۱ پس از شهادت حضرت علی ، فرزند ارشدش حضرت امام حسن بخلافت منصوب شد. معاویه با سپاهی برای جنگ با امام حسن بطرف عراق حرکت کرد. حضرت امام حسن که صلح‌جو بود پیش از رسیدن معاویه ازخلافت استعفا فرمود ومعاویه مقرخلافت خود را ازاورشلیم بدمشق انتقال داد .

۶۶۹ معاویه سپاهی بعزم قسطنطنیه فرستاد که **کالسدون** را تصرف وقسطنطنیه‌رامحاصره کردند .

بعد از میلاد

۶۷۰ افریقیه (نام اراضی شمالی افریقا از حدود خاوری الجزایر تا مرز مصر) مورد حملهٔ سپاه معاویه قرار گرفت و بدست **عقبة‌بن نافی** فتح شد . معاویه درآغاز خلافت به **زیادابن ابیه** حاکم فارس که از طرف حضرت علی اعزام شده بود تأمین داد . وی با یك میلیون سکهٔ طلا بعنوان پیشکش علاوه بر مالیات تمام ایران بدربار معاویه بدمشق آمد و بعداً از طرف معاویه بحکومت بصره و کوفه منصوب شد و بعنوان نایب‌السلطنهٔ معاویه ادارهٔ امورتمام سرزمین خاور امپراطوری اسلامی یعنی ایران باو سپرده شد و او پسرانش را بسمت حکام ایالات ایران منصوب کرد .



۶۶۲ قدرت عرب در شرق مستقر شد و هرات که بشورش برخاسته بود سرکوب گردید .

۶۶۴ سند و قسمت سفلای درهٔ سند بتصرف **مهلب** سردار اعزامی **زیاد** درآمد و به افغانستان شرقی نیز حمله نمود وکابل را متصرف شد .

۶۷۴ سپاه عرب از جیحون گذشته بخارا را تسخیر نمود .

۶۷۶ سپاه مسلمین سمرقند را گرفتند و به حدود سیحون رسیدند .

قبایل عرب برای سکونت به خراسان کوچ داده شدند وخراسان و بلخ وسرزمینهای اطراف آنرا به‌چهار ایالت تقسیم کردند که مراکز آنها عبارت بوداز نیشابورو مرو وهرات

و بلخ .

بعد از میلاد

۶۷۳-۶۷۸ **محاصرهٔ قسطنطنیه** بوسیلهٔ نیروی دریائی مسلمین و عدم موفقیت وشکست فاحش سپاه معاویه که در ۶۷۸ ناچاربه انعقاد صلح بادولت روم گردید ـ معاویه در ۶۸۰ درگذشت .

۶۸۰-۶۸۲ **خلافت یزید اول** پسر معاویه (که برخلاف سنت جاری خلافت، از طرف پدرش معاویه در سال ۶۷۶ بسمت جانشین خلیفه معرفی گردیدوباعث‌سروصدا و مخالفت در مکه و مدینه شد .)

۶۸۰ **جنگ داخلی دوم در امپراطوری اسلامی و فاجعهٔ کربلا :** پس‌از درگذشت معاویه ، سکنهٔ کوفه در عراق حضرت امام حسین (ع) فرزند دوم حضرت علی راکه درمکه بود دعوت کردند که بکوفه آمده مقام خلافت را بپذیرد. آنحضرت با خانواده وکسان از مکه عازم کوفه گردید . **عبیدالله** حاکم کوفه از طرف یزید مأمور مقابلهٔ با امام حسین گردید و مسلم پسرعم حسین راکه بنمایندگی حسین نزد او آمده بود بکشت وعمرسعد را با سپاهی بجلو امام حسین فرستادکه خیمه‌های اورا در **کربلا** محاصره کردند و مانع نوشیدن آنها ازآب فرات شدند ـ مردم کوفه حمایتی نکردند و عده‌ئی هم که باو گرویده بودند فرارکردند وآنحضرت را تنها گذاشتند . آنحضرت با تمام کسان و فرزندانش که تعدادآنها را ۷۲ نفر نوشته‌اند در روزعاشورا (دهم محرم) بمرتبهٔ شهادت رسیدند و زنان خانواده با دو پسر کوچك و دو دختر و خواهرآنحضرت باسارت بشام فرستاده شدند ـ کربلا محل بقاع متبرکه و مقابر شهدای مزبور ازآن پس زیارتگاه فرقهٔ شیعه و بخصوص ایرانیان گردید و تاکنون در ماه محرم و بخصوص درروزعاشورا بیاد این واقعه مراسم‌عزای عمومی برپا میشود .

۶۸۲ **شورش عبدالله‌بن زبیر** در مکه و مدینه ودعوی خلافت : سپاه یزید بروی غالب‌آمد و مدینه را غارت کرد و مکه را محاصره وکعبه راآتش زد . در این اثنا یزید درگذشت و سپاه او پراکنده شد .

معاویهٔ دوم پسر یزید و جانشین وی چند ماه پس از مرگ پدر درگذشت و **ابن‌زبیر** در عربستان و عراق و مصر و هم از طرف قبیلهٔ قیس درسوریه بعنوان خلیفه‌پذیرفته شد ولی قبیلهٔ امیه و پیروان ایشان قبیلهٔ کلب ، **مروان‌بن حکم** پسر عموی معاویهٔ اول را بخلافت برداشتند .

۶۸۴ قبیلهٔ قیس در **مرج الراحة** در شمال دمشق شکست فاحشی خورده قتل عام شدند و ازآن‌پس اعراب بدو گروه دشمن یکدیگر بنام اعراب شمالی‌وجنوبی تجزیه شدند و همین تجزیه اسباب سقوط سلطنت امیه را فراهم‌کرد .

بعد از میلاد

۶۸۴-۷۵۰ **خلافت مروانیان.**

۶۸۴-۶۸۵ **خلافت مروان اول** که در سوریه اعلام خلافت نمود و مصر را از تصرف ابن‌زبیر بیرون آورد .

۶۸۵ **قتل عام قاتلان حضرت امام حسین (ع) :** گروهی از خوارج ازطرف **محمد حنفی** بسرکردگی **مختار** که اطلاعات محلی داشت کوفه را تصرف کردند و تمام کسانی راکه در قتل امام حسین وکسانش دست داشتند دستگیرو اعدام کردند. مروان در ۶۸۵ درگذشت .

۶۸۵-۷۰۵ **خلافت عبدالملك پسر مروان** مؤسس ادارهٔ امپراطوری عرب که دیوان محاسبات امپراطوری بدستور وی ازفارسی بعربی برگشته و ضرابخانه‌تأسیس نمود . تاخت و تاز **مردیت**های امانوس بتحریك دولت بیزانتین سالهای‌اول خلافت عبدالملك را مشغول ساخت ـ و رقیب وی ابن‌زبیر سرگرم جنگ با شیعیان و خوارج بودکه درکوفه و بصره و عربستان وایران بشورش‌برخاسته بودند .

فرقهٔ شیعه در این زمان قوت گرفته‌آئین ایشان رواج یافت . فرقهٔ شیعه‌معتقد بودند که خلافت و امامت (حکومت دینی و سیاسی یا اخروی ودنیوی) به‌آل محمد یعنی‌فرزندان علی و فاطمه تعلق دارد برخلاف خوارج که معتقد بودند هریك از افراد جامعهٔ مسلمین میتوانند بسمت خلیفه انتخاب شوند وکار را جزء عمده و از اصول مذهب میدانستند و هر دوفرقه هم با سلسلهٔ اموی وهم عباسی دشمن بودند ولی بعداًایرانیان شیعه برای‌برانداختن سلسلهٔ اموی از عباسیان که به‌آل علی نزدیکتر بودند حمایت‌کردند .

ایرانیان ادارهٔ امور دربار و امور لشکری وکشوری‌آنها را نیز بعهده گرفته‌بصورت مرتب و منظمی درآوردند و در معنی دربار و حکومت را مدتها در دست داشتند .

۶۹۰ مصعب برادر ابن زبیر و حاکم عراق در سواحل دجله از عبدالملك شکست‌خورد .

۶۹۱ مدینه بـه تصرف **حجاج** سرداراعزامی عبدالملك درآمدکـه بعداً او را به حکومت عراق منصوب‌کرد و به قساوت و خونریزی و ظلم و شهوت‌شهرت دارد .

۶۹۲ مکه محاصره شد وبتصرف سپاه عبدالملك درآمدـ ابن‌زبیر بقتل‌رسیدوعبدالملك فرمانروای بلا معارض امپراطوری اسلامی گردید .

۶۹۳-۶۹۸ گروهی از خوارج موسوم به **ازارقه** (ازرقیان) در عراق و ایران بـدست **محلب** سردار عبدالملك منهزم گردیدند .

بعد از میلاد

۶۹۹ سپاهی بسرکردگی **ابن‌اشعث** برای تلافی شکست نیروی مسلمین در ماوراء سیستان از طرف **روت‌بیل** پادشاه هند فرستاده شد. ابن‌اشعث بسبب بدرفتاری حجاج با کمك مردم و سپاهیان در ایران بشورش برخاسته خود را خلیفه خواند و حجاج را شکست داد و از بصره به شام براند. حجاج باسپاهی دیگر برگشته او را شکست داد و وی به‌کابل فرارکرد . پادشاه کابل او را گرفته تسلیم نماینده حجاج کرد وکابل نیز بار دیگر بتصرف اعراب درآمد .

۶۸۳ در افریقا **عقبة‌بن نافی** که در این هنگام از اولیاءالله شمرده میشدتا **طنجه** پیش رفت ولی درمراجعت درگذشت .

۶۹۸ کارتاژ بتصرف مسلمین درآمد . پس از شکست اعراب برهبری **حسن بن‌نعمان** از بربرها در نزدیکی مونس پیمان صلحی بین وی و **اوراسیوس** در سال ۷۰۳ منعقد گردید و ازآن پس بربرها با اعراب متحد گردیدند .

۷۱۵-۷۰۵ **خلافت ولید اول** پسر عبدالملك : وی مسجد بزرگی در دمشق بناکرد . **قتیبه** سردار وی ماوراءالنهر را تسخیرکرد (۷۰۵-۷۱۵) در ۷۰۹ بخارا و در ۷۱۲ فرغانه را بتصرف آورد . گویند قتیبه به خاك چین حمله نمود و در ۷۱۳ تا **کاشمر** رسید . در ۷۰۸-۷۱۵ سند و بخشی از پنجاب بدست **محمدبن قاسم** فتح شد .

۷۱۱-۷۱۰ سپاه اسلامی به **سیلیکیه** و در ۷۱۴ به گالاسیا حمله نمود و سپاهی عظیم برای حمله بزرگ به قسطنطنیه از دریا و خشکی فراهم گردید .

۷۱۱-۷۰۸ بربرهای باختری باطاعت مسلمانان درآمدند و اوضاع شمال افریقا بدست **موسی‌ابن نصیر** آرام گردید .

۷۱۵-۷۱۱ **فتح اسپانیا:** اسپانیا مورد حملهٔ نیروئی مرکب ازاعراب وبربرها بسرکردگی **طارق** (که سابقاً در زمرهٔ بردگان بوده و در ۷۱۱ از طرف موسی آزاد شده بود) قرارگرفت . به‌گت‌ها برهبری پادشاه خود **رودریك** در **وادی‌بکا** نزدیك **ریوبرپاته** در ژوئیه ۷۱۱ شکست فاحشی واردآمد .

شهرهای **اکیجا** ، **کوردووا** ، و پایتخت یعنی **تولدو** بدست مسلمین افتاد وطارق فرمانروای نصف اسپانیا گردید (جبل‌الطارق بنام وی نامیده شده) . در ۷۱۲ موسی شخصاً شروع به پیشروی در خاك اسپانیا گذاشته شهرهای مدینا ، سیدونیا ، کارمونا ، وسویل رادر ۷۱۲ و مریدا و ساراگوسا را در ۷۱۳ تصرف کرد. وتنها درکوههای **آستوریاس** مقاومت در برابر اعراب ادامه یافت .

ولید اول در ۷۱۵ درگذشت و برادرش جانشین وی شد .

۷۱۷-۷۱۵ **خلافت سلیمان** برادر ولید .

بعد از میلاد

۷۱۶ **یزیدبن مهلب** از طرف سلیمان بجای قتیبه که یاغی شده و بعداً بقتل رسید بسمت حاکم خراسان اعزام شد. وی پس از تسلط برخراسان باسپاهی بزرگ قصد تسخیر (گرگان) و طبرستان (مازندران) راکرد که تاآنزمان مستقل مانده بودند. ابتدا گرگان را تسخیر کرده آن ایالت را تاراج و عدهٔ زیادی را اسیر کرده کشتار کردسپس در حملهٔ به مازندران در درهٔ ئی محصور شده تلفات بسیار داد و شخص خودش حیاتش را با سیصد هزار دینار خریده از مهلکه جان بدر برد و به گرگان گریخت که شورش کرده بودند. قلعهٔ ماران راکه مقر مرزبان گرگان بود پس از هفت ماه محاصره تصرف نمودو تمام سکنه را اسیر و مردان آن قلعه را بقتل رسانید و چون سوگند خورده بود که آسیائی را از خون مردم آنجا بکار اندازد و ازآردآن نان پخته بخورد، هزاران تن از مردم بیگناه و مسافران بین شهرها راگرفته مانند گوسفند سربریده و چون خونها لخته میشد و گردانیدن سنگ آسیاب میسر نبود در پایان برای اجرای سوگند خود ناچار شدآب گرم و شیرگرم با خون مردم مخلوط کند تا سنگ آسیاب را بحرکت آورد.

۷۱۷-۷۱۸ شهر قسطنطنیه بوسیلهٔ **مسلمه** برادر خلیفه محاصره شد ولی به نتیجه نرسید. **هور** جانشین موسی ازکوههای **پیرنه** گذشته به سرزمین‌های جنوب فرانسه حمله نمود.

۷۱۷-۷۲۰ **خلافت عمر بن عبدالعزیز** عموی سلیمان (عمردوم) وی درامورمالی امپراطوری تجدیدسازمان داده و در مورد پرداخت مالیات بین اعراب وسایرملت‌های نژادهای تابعه مساوات برقرارکرد وحکام جابر را عزل نمود و نسبت به زرتشتیان ایران که هنوز بمذهب اسلام نگرویده بودند دستور داد بهتر رفتار شود.

در زمان وی **ناربون** در جنوب فرانسه بتصرف **سامح** جانشین **هور** درآمد.

۷۲۰-۷۲۴ **خلافت یزید دوم** پسر سوم عبدالملك.

۷۲۱ سامح بدست امیر **اودو** در تولوز شکست خورده کشته شد. **یزیدبن مهلب** در عراق به شورش برخاست و در **عقره** در ساحل فرات از **مسلمه** شکست خورد.

طغیان و شورش و جنگ داخلی بین **یمنی‌ها** (قبیلهٔ کلب) و **مودار یت‌ها** (قبیلهٔ قیس) که به اعراب جنوبی و شمالی معروف شده بودند در سراسر امپراطوری بخصوص در خراسان و ماوراءالنهر بالاگرفت و در این دو ایالت تبلیغات بنفع **عباسی‌ها** (نواده‌های عباس عموی حضرت پیغمبر) و برضد بنی‌امیه آغاز گردید.

بعد از میلاد

۷۴۳-۷۲۴ خلافت هشام برادر یزید .

در ۷۲۷ - ۷۳۳ خزرها از اعراب شکست خوردند و گرجستان به دست مسلمین افتاد .

۷۳۲ **عبدالرحمن** حاکم اسپانیا از طرف خلیفه بجنوب فرانسه حمله نمود و در **پواتیه** (تور) از **شارل مارتل** شکست خورد .

۷۳۸ خوارج در عراق شورش کردند .

سغدیها و اعراب مقیم خراسان در خراسان بکمك ترکمن‌های ماوراءالنهر طغیان کرده ولی از **اسدالکسری** حاکم خراسان از طرف خلیفه شکست خوردند .

۷۴۰ **شورش شیعه درعراق** برهبری **زید** نوهٔ حضرت‌امام حسین (ع) وشکست شیعیان و قتل وی بسبب اینکه بار دیگر سکنهٔ عراق او را تنها گذاشتند. ولی قتل زید زمینهٔ افکار عمومی را بیش از پیش برای سقوط بنی امیه حاضر کرد .

۷۴۲-۷۴۱ طغیان خوارج وبربرها درشمال افریقا بوسیلهٔ **حنظله** نایب‌خلیفه درافریقای شمالی فرونشانده شد .

۷۴۴-۷۴۳ **خلافت ولید دوم:** وی غرق درفسق و فجور و شهوات شد و در یك شورش به رهبری عمویش یزید سوم کشته شد . **یزید سوم** نیز پس از چند ماه در گذشت .

ابراهیم عباسی جانشین **محمد** عباسی دعوی عباسیان را برای خلافت تعقیب نموده برطرفداران سلطنت عباسی افزوده شد.

۷۵۶-۷۴۴ **خلافت مروان دوم** آخرین خلیفهٔ اموی نوهٔ مروان اول، در زمان وی در **حمص** و فلسطین درسوریه شورش بوقوع پیوست - ودر ۷۴۵ دربین‌النهرین خوارج طغیان کردند و در ۷۴۵ و۷۴۶ عربستان بشورش برخاست.شورشیان مکه و مدینه را تصرف کردند .

۷۴۷-۷۴۵ حکومت عبدالله در ایران

شیعیان عراق و ایران برهبری عبدالله نوهٔ جعفر برادر حضرت علی ابن ابیطالب شورش کردند ولی اهل کوفه او را تنها گذاشتند وی بمدینه فرارکرده گروهی از خوارج و گروهی از طرفداران عباسیان به وی پیوستند واو به استخر پارس رفته‌آنجا را مرکزخود قرار داد و فرمانداران او در اصفهان و قم و ری حکومت میکردند ولی در ۷۴۷ از سپاه شام شکست خورد و به مرو رفته به عبدالرحمن‌بن مسلم معروف به **ابومسلم خراسانی** که ایرانی بود و مرو و هرات را در تصرف داشت پناهنده شد ، ابومسلم بحمایت عباسیان

برضد بنی‌امیه قیام کرد . عبدالله بدست حاکم هرات کشته شد .

بعد از میلاد

۷۴۷ **قیام ابومسلم خراسانی :** وی پرچم سیاه علامت عباسیان را بحمایت ایشان در خراسان برافراشت و نصر را که از طرف مروان حاکم خراسان بود در نیشابور شکست داده خراسان را قبضه نمود. **قحطبه** سردار ابومسلم گرگان را تصرف کرد و سپاه اموی را در ری شکست داد و تا نهاوند و بعد تا کوفه و کربلا پیش راند و این نقاط را بتصرف آورد و **ابوالعباس** را از خاندان عباسی که پس از دستگیری برادر بزرگش ابراهیم و کشتن پنهانی وی از طرف مروان در کوفه پنهان شده بود از خفاگاه بیرون آورده او را خلیفه اعلام کرد .

۷۵۰ **جنگ بزرگ زاب :** مروان خلیفه که در حران مقیم بود شخصاً با ۱۲۰ هزار سپاهی جنگی از فرات واز پل زاب گذشته بمقابلهٔ سپاه ابومسلم شتافت ولی شکست خورد و فرار کرد و سپاه ابومسلم که در این هنگام سپاه عباسی خوانده میشد او را تا **بوسیر** در مصر تعقیب کرد و در آنجا کشته شد و سلسله اموی بدست ابومسلم منقرض گردید . ابوالعباس تمام اعضاء خانواده عباسی را بقتل رسانید تا بی‌مدعی سلطنت کند وتنها چند نفراز معرکه جان بدر بردند که از آنجمله بود **عبدالرحمن** نوهٔ هشام که در سال ۷۵۵ سلطنت اموی را در **کوردووا** در اسپانیا (اندلس) تأسیس نمود . و به امویان اندلس معروف گشتند .

(۱۰) حکومت اولین هفت خلیفه از خلفای عباسی تا تجدید استقلال ایران

۷۲ سال : از ۷۴۹ تا ۸۲۰ ب.م

خلافت عباسی هیچگاه در اسپانیا و مراکش راه نیافت . تنها در مدت کمی در شمال افریقا تا الجزیره برقرار شد .

۷۵۰-۷۵۴ **خلافت ابوالعباس** معروف بسفاح بمعنی خونریز اولین خلیفهٔ عباسی: وی بدست ایرانیان بخلافت رسید ـ خانوادهٔ امیه در سوریه و شام و بین‌النهرین بشورش برخاستند و ابوالعباس بر آنها دست یافته همه را کشت بجز چند نفر

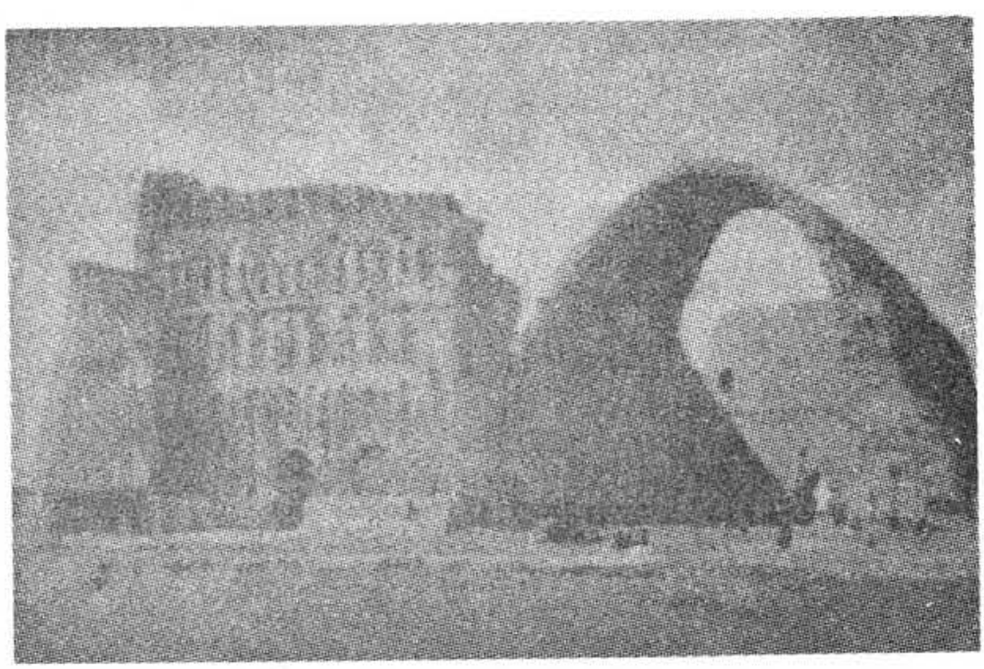
که فرار نمودند . مردی خونریز و جابر بود ـ در زمان وی سپاه بیزانتین به ایالات شمالی اسلامی بنای دست‌اندازی گذاشت .

بعد از میلاد

۷۵۴-۷۷۵ **خلافت منصور (ابوجعفر)** مؤسس واقعی‌سلسلهٔ عباسی وبرادرابوالعباس.

۷۵۲ **برامکه** (برمکیان) بعنوان صدارت‌ووزارت بقدرت رسیدند وتا۸۰۳برامور امپراطوری تسلط داشتند .

۷۵۴ عبداله عموی منصور حاکم سوریه سربشورش برداشت. منصورابومسلم‌رامأمور دستگیری اوکرد . سپاه عبداله از ابومسلم شکست‌خورده ابومسلم اورا دستگیر ودر بصره زندانی کرد .



ویرانه‌های طاق‌کسری (ایوان مدائن)

۷۵۴ **قتل ابومسلم** . منصور بجای حق‌شناسی ، ابومسلم را از ترس قدرت‌ونفوذ او بقتل رسانید ولی خود منفور و بدنام شد .

۷۵۵ پیروان ابومسلم در خراسان بخونخواهی او قیام‌کردند .

۷۵۶ شورش سرتاسر ایران را فراگرفت ـ رهبر شورش **سندبادمجوس** ازمغان و از پیروان مذهب زرتشت بود . وی ری و قم را فتح‌کرد . تا نیشابور را در تصرف داشت ولی بالاخره شکست‌خورده ۶۰۰۰۰ نفر از پیروان او بدست اعراب‌کشته شدند و شورش موقتاً فرونشست ولی‌درخراسان وطبرستان طغیان و شورش بزودی تجدید شد .

بعد از میلاد

۷۵۸ حملات سپاه بیزانتین دفع شد و کشتار زیاد ازسپاه رومی بعمل آمد. کاپادوکیه باردیگر بتصرف سپاه عباسی درآمد. شهرهای **مالیسیا** (ملی‌تن) **موپسوئستیا**، و سایر شهرها تجدید بنا شده در برابر حملات بیزانتین به صورت دژها درآمد .

۷۵۹ شورش طبرستان (مازندران) فرونشانده شد وباردیگر ضمیمه‌امپراطوری‌خلفا گردید .

۷۶۲ شیعیان عراق و مدینه برهبری فرقهٔ حسنیان (محمد و ابراهیم ازاولادحضرت امام حسن) شورش کردند ـ محمد بمرتبهٔ شهادت رسید و ابراهیم بصره‌راتصرف کرده به‌کوفه شتافت ولی شکست‌خورده وی نیز در جنگ به مرتبهٔ شهادت رسید .

شهر بغداد در این سال از طرف منصور در چند میلی مداین بناشد وآنرا مقرسه دسته از سپاهیان خود یعنی خراسانیان و اعراب شمالی، جنوبی درسه‌نقطهٔ مختلف‌درساحل دجله قرارداد ـ در ۸۱۷ مأمون پایتخت را بدین شهر انتقال داد .

خزرها در این سال بگرجستان حمله نمودند و حملات‌آنها دفع شد .

۷۶۷ **استادسیس** ایرانی در خراسان و سیستان بادعای نبوت قیام نموده این دو ایالت را تصرف کرد ولی بعداً با وجودکشتارو تلفات بسیاری که به‌سپاه‌خلیفه واردآمد استادسیس شکست‌خورده **خیزران** دختر اورا **مهدی** خلیفه‌جانشین منصور بزنی گرفت ودو فرزند **هادی و هارون** ازاین مادر ایرانی بوجود آمدندکه هردو بمنصب خلافت رسیدند .

۷۷۵-۷۸۵ **خلافت مهدی** پسر منصور ـ وی راهها را در حوزهٔ خلافت تعمیرکرد ، و در بهبودی ارتباط شهرهاکوشش نمود ـ پایگاههای نظامی و دژهای محکم در نقاط مهم ساخته شهرها و آموزشگاه‌هائی بناکرد و هنر را تشویق نمود .

پیروان مانی را مورد تعقیب قرارداد .

۷۷۴-۷۷۸ **ظهور پیمبر نقابدار :** در خراسان شخصی بنام مقنع متولد قارض بین مشهد و هرات که همیشه نقاب میپوشید و به پیمبر نقابدار معروف شد خودرا پیمبر اعلام‌کرده بشورش برخاست و چهار سال‌آسیای مرکزی را در تصرف داشت ولی عاقبت در محاصره افتاد و خود را در خم تیزاب انداخته هلاك کرد .

ظهور زنادقه : فرقهٔ دیگری که مرام اشتراکی و **نیهیلیستی** (منکر همه چیز)

بعد از میلاد

داشتند نیز در خـراسان و باختر ایران و عراق ظهور کردند که به **زندیق‌ها** معـروف شدند .

۷۸۳-۷۸۵ سپاه بیزانتین بار دیگر آغاز حمله به‌کشور اسلامی گذاشت ولـی حملهٔ آنها دفع شد و مسلمین تا نزدیکی قسطنطنیه پیشروی کردند . **ایرن** امپراطـریس ناچار بصلح شد .

۷۸۵ **خلافت هادی** پسر مهدی ـ وی تنها یکسال حکومت کرد .

۷۸۵-۸۰۹ **خلافت هارون الرشید :** دورهٔ خلافت وی و پسرش مأمون که از زوجـهٔ ایرانی بوجودآمد به عصرطلائی اسلام معروف است وی با **شارلمان** سفرائی مبادلـه کرد و طبق خـواهش وی اجازهٔ زیارت بیت‌المقدس بمسیحیان داد و هیئت سفرائی نیز به چین فرستاد وکتاب معروف هـزار و یك‌شب از مأخذ ایرانی و هندی و عربی در زمـان وی جمع‌آوری و تدوین گردید .

۷۸۷ کابل و سنهار ضمیمهٔ حوزه خلافت گردید .

۷۹۲ یحیی از اولاد حضرت امام حسن کـه در دیلم (طالش) در گیلان حکـومت مقتدری تشکیل داده بود با تدبیرفضل برمکی با خلیفه صلح کرد وتأمین گرفته ببغدادآمد ولی بعد از چندی هارون نقض عهدکـرده ببهانه‌ئی او را زندانی ساخت .

۷۹۹ خزرها ارمنستان را مورد تاخت وتاز قرار دادند .

۸۰۳ هارون ، **جعفر برمکی** وزیر و شوهر خواهر خود عباسه و پدر او یحیی برمکی و فضل برادرش و سایر کسان برمکیان همه را بقتل رسانید ونسل آنها را برانداخت .

خوارج شورش کردند .

۷۹۱-۸۰۹ **جنگ با دولت بیزانتین :** در این مدت هارون با دولت روم شرقی در جنگ بود . امپراطور **نیسه‌فوروس** در ۷۹۸ در **هراکلیا** (دوری‌لائیوم) ازخلیفه شکست‌خورده پیمان صلحی منعقد شد ولی امپراطور پیمان را شکست و مسلمین بـآسیای صغیر برهبری شخص خلیفه حمله‌کـردند و در ۸۰۶ شهر **تیانا** را متصرف شده بطرف **آنسیرا** پیشروی نمودند . در ۸۰۵ جزیرهٔقبرس و در۸۰۷ رودس بوسیلهٔ کشتی‌های مسلمین تصرف و غارت شد . **ایکونیوم، وافه‌سوس** در لیدی بتصرف مسلمین درآمد و **سیدروپولیس، اندرسوس و نیکائیا** تسلیم شدند .

امپراطور باردیگر در ۸۰۸ بسرزمین مسلمین حمله کرد ولی شورش در سمرقند و خاور هارون را ناگزیر کرد که بطرف خاور حرکت کند و در مشهد درگذشت و او رادر همانجا دفن کردند . در زمان خلافت وی مکتب حقوقی **حنفی** پیشرفت کرده بصورت مرتبی درآمد .

بعد از میلاد

۸۰۹-۸۱۳ **خلافت امین** پسر هارون از زبیده زوجهٔ عربی او ـ وی برایران حکومت نداشت و پس از مرگ هارون مأمون فرزند دیگر او از زوجهٔ ایرانی در ایران بعنوان خلیفه شناخته شده **مرو** را پایتخت خود قرارداده بود و خود را خلیفهٔ شرق اعلام کرد .

۸۱۳ **محاصرهٔ بغداد :** طاهر سردار ایرانی (مؤسس سلسلهٔ طاهریان) فرزند حسین از طرف مأمون مأمور جنگ با امین شد و بغداد را تصرف کرد. امین تسلیم شد و در ارگ سلطنتی بدست سربازان خراسانی کشته شد .

۸۱۳-۸۳۳ **خلافت مأمون** معروف به **مأمون کبیر** که دورهٔ خلافت او مشعشع‌ترین دورهٔ تاریخ خلافت محسوب میشود و تأثیر فرهنگ و تمدن ایران‌درحکومت و دستگاه اداری و سازمان خلافت وی بسیار قوی بود . علوم و هنر و ادبیات در زمان او ترقی بسیارکرد . دو رصدخانه یکی نزدیك دمشق و دیگری نزدیك بغداد ساخته شدو دارالعلمی که از لحاظ کتب غنی بود نزدیك رصدخانهٔ بغداد بنانمود .آثار ادبی و علمی و فلسفی از زبانهای یونانی و سریانی و ایرانی و سانسکریت بعربی ترجمه شد و بدینطریق میراث تمدن یونانی باقی مانده بعدها باروپا رفت و اروپای جدید ابتداآنها را ازکتب عربی بزبانهای اروپائی ترجمه نمود و از اینطریق بودکه باختر با تمدن یونانی‌آشناشد. به علم جغرافی اهمیت داده شد . سه جغرافیدان بزرگ **استخری** (مقیم استخر فارس) و **ابن‌حوقل** و **مقدسی** به وجودآمدندکه جغرافیای جامعی ازکشورهای تابع امپراطوری اسلامی نگاشته‌اند .

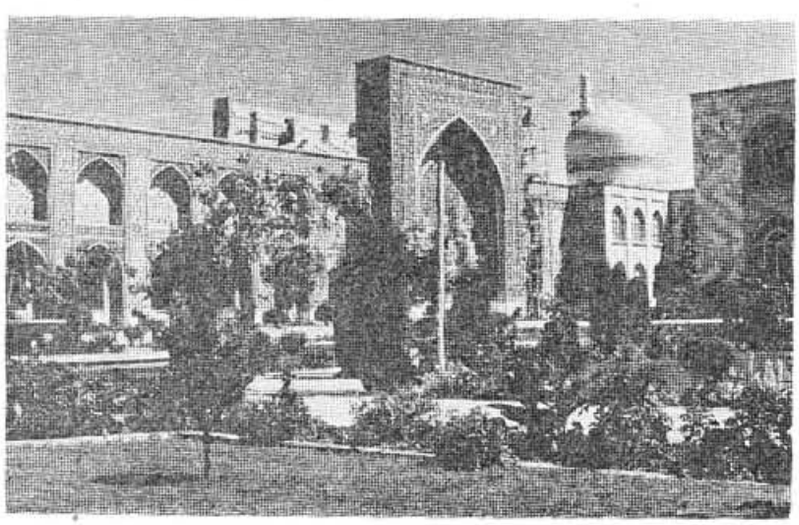
در عقاید مذهبی تجدید نظر بعمل‌آمد و آزادی بیشتری ملحوظ شد عقاید و تعالیم فرقهٔ **معتزله** مورد توجه و اهمیت قرارگرفت و قوت یافت . این فرقه مانند **قدریون** که در اواخر عصر اموی میزیستند معتقد شدند به **اختیار** (در برابر جبر) وهم اینکه عدالت و عقل باید رفتار خداوند را نسبت بایشان نظارت کند . بعدها فرقهٔ ارتودوکسی دیگری بنام **اشعری** بوجودآمدکه عقاید هر دو فرقهٔ بالا را مردود شناختند .

۸۱۳ مأمون سمت نایب‌السلطنه شرق را در برابر خدمات طاهر بهوی داده طاهر در خراسان مستقر شد واو بعداً سلسله نیمه مستقل طاهریان را درخراسان و مرو تشکیل داد .

بعد از میلاد

۸۱۷ **انتقال پایتخت :** بسبب بروز شورش فرقهٔ شیعه در عربستان و عراق و بین‌النهرین بعنوان حمایت ازآل‌علی و همچنین شورش بنی‌امیه برضد خلیفه، مأمون برای جلوگیری از بحران ، حضرت امام علی‌الرضا نوادهٔ حضرت علی‌ابن‌ابیطالب راکه رئیس خاندان علی درآن زمان بود بسمت ولایت‌عهد و جانشین خلیفه تعیین‌کرده ، خود به بغداد رفت و پایتخت خود را از مرو به بغداد انتقال داد .

وی یکی از دختران خود را به حضرت رضا و دختر دیگرش را بزنی به پسرآن حضرت داد و ریاست حج را بیکی از برادران‌آنحضرت واگذاشت ولی در ۸۱۸ حضرت رضا رحلت فرمود و در مشهد مدفون گردید . شیعیان معتقدندکه فرستاده مأمون بوسیله انگورآن حضرت را زهر دادهٔ است . ولی خاورشناسان باختری رحلت‌آنحضرت راطبیعی میدانند .



بقعهٔ مطهرحضرت رضا درمشهد

۸۲۵ **فتح کرت :** جزیرهٔ کرت بوسیله اعرابی که‌ازطرف امویان ازاسپانیااخراج شده بودند از طریق مصر فتح شد .

۸۲۷ **سیسیل** را **اغلابیت‌های** شمال افریقا تصرف کردند .

۸۳۱ **پالرمو** بتصرف اعراب درآمد و تنها **سیراکیوز** و **تائورمین** دردست‌دولت بیزانتین باقی ماند .

۸۱۶-۸۳۳ **قیام بابك خرمی** ـ وی ازپیشوایان روحانی مجوس ومؤسس‌فرقهٔ‌خرمیان درآذربایجان بود که معتقد به نوعی‌آئین اشتراکی (کمونیستی) بودند. وی ایالات جنوبی‌آذربایجان‌رامورد تهدیدقراردادودرحدود بیست‌سال‌آذربایجان را در تصرف داشت و شش مرتبه نیروهائی‌که از طرف مأمون برای مقابلهٔ با

وی فرستاده‌شد شکست‌خوردند و ۲۵۰ هزار نفرسپاه خلیفه بقتل‌رسیده‌هزاران اسیر بدست بابك افتاد .

بعد از میلاد

۸۳۳-۸۲۹ دولت بیزانتین بعنوان حمایت از بابك آغاز حمله بسرزمین اسلامی نمود و مأمون شخصاً عازم جنگ شده حمله بیزانتین را دفع کرد . پس از درگذشت مأمون برادرش معتصم جانشین وی شد و از این زمان زوال و دورهٔ سقوط عباسیان‌آغاز شد و استقلال ایران واقعیت یافت . اگرچه در سلطنت مأمون نیز طاهریان در خراسان و مرو عملا مستقل بودند (۸۲۰-۸۷۲) .

معتصم در ۸۳۶ پایتخت را از بغداد به سامره انتقال داد. بابك خرمی در ۸۳۸ از **افشین** سردار ایرانی اعزامی از طرف معتصم پس‌از دو سال پیکار سخت و خونین در نزدیکی اردبیل شکست‌خورد و بارمنستان رفت و از طرف یکی ازامرای ارمنستان دستگیر و تسلیم خلیفه گردید و بوضع فجیعی وی و برادرش بقتل رسیدند .

خلفای بعد از مأمون ضعیف و ناتوان و غالب‌آنها تنها اسماً خلیفه بوده دست‌نشاندهٔ امرا وسرداران ترك یا سلاطین ایرانی بودند ودرکشورآنها غالباًهرج‌ومرج‌وملوك‌الطوایفی برقرار بود . فهرست نامها و مدت سلطنت‌آنها بشرح زیر است :

معتصم (۸۴۲-۸۳۳) ـ وثیق پسرمعتصم (۸۴۲-۸۴۷) متوکل برادروثیق (۸۴۷-۸۶۱) ـ **منتصر** پسر متوکل‌که ششماه خلافت داشت (۸۶۱) و بدست افسران ترکمنی خود عزل شد ، ـ مستعین (۸۶۲-۸۶۶) نوهٔ دیگر معتصم را بجای اوگذاشتند وی از دست ترکان بغداد گریخته استعفا داد و بعد بدست جانشین خود **معتز** (۸۶۶-۸۶۹) کشته شد ـ **معتز** نیز بدست سپاهیان خود بقتل رسید و **مقتفی** پسر وثیق (۸۶۹-۸۷۰) جای‌او راگرفت و تحت فشار ترکان استعفا داد ـ معتمد (۸۷۰-۸۹۲) پسردیگر متوکل‌که‌شورش غلامان معروف به فتنهٔ زنج در زمان وی در کلده ظهور کرد (۸۶۹-۸۸۳) و ۱۵ سال ناحیهٔ بین‌النهرین را بتاراج داد و این فتنه بدست **موفق** برادرخلیفه فرونشست-**معتضد** برادر زادهٔ معتمد (۸۹۲-۹۰۲) **مقتفی** (۹۰۲-۹۰۸) .

۹۰۶-۸۹۱ **شورش قرمطیان :** این شورشیان‌کمونیستی برهبری **حمدان** معروف به **قرمط** عربستان و سوریه و عراق را تاراج‌کرده مکه را تصرف نموده و **حجرالاسود** را از جاکنده بیغما بردند .

مقتدر (۹۰۸-۹۳۲) .

(ج) تاریخ پس از اعراب

(اول) دورهٔ فئودالیسم و سلسله‌های کوتاه ایرانی

که غالباً معاصر یکدیگر بوده وهر یك درقسمتی از ایران حکومت داشتند .

(۲۱۷ سال : از ۸۲۰-۱۰۳۷ ب.م یعنی تا ظهور سلاجقه)

(۱۱) سلسلهٔ طاهریان

(۵۲ سال : ۸۲۰ تا ۸۷۲)

(حوزهٔ حکومت : خراسان ـ مرو)

ظاهر سردار ایرانی بسبب خدمتی که در جنگ با امین و تصرف بغداد ، به مأمون کرده بود از طرف مأمون بحکومت مرو و خراسان منصوب شد . وی در خراسان و مرو علم استقلال برافراشته از اطاعت خلیفه خارج شد و نیشابور را پایتخت خود قرار داد وبا اولاد و اعقابش مدت ۵۲ سال سلطنت کردند . و چندی جنوب خراسان تا سواحل دریای عمان را جزء حوزهٔ حکمرانی خود نمودند ـ فرمان‌روایان این سلسله بترتیب‌عبارتند از: **طاهر ـ طلحه** پسر طاهر ـ **عبدالله** بـرادر **طلحه ـ طاهر** پسر **عبدالله ـ محمد** پسر طاهر که در زمان وی در ۸۸۱ حکومت طاهریان به دست یعقوب لیث صفاری منقرض گردید .

بعد از میلاد

۸۳۲-۸۷۷ حکومت نیمه مستقل بنی‌دلف همزمان با طاهریان در همدان مستقـر

بود . حکام این سلسله عبارت بودند از **ابودلف عبدالعزیز ـ احمد ـ و عمر** .



بعد از میلاد

۸۶۱-۸۷۰ مدت ده سال شورش و هرج و مرج در تمام ایالات ایران حکمفرما بودبجز در حوزهٔ حکومت طاهریان و در همین زمان بغداد در تحت نفوذ و تسلط ترکها بوده خلفا یکی ازپی دیگری بدست افسران ترك عزل و نصب وکشته میشدند .

(۱۲) سلسله‌های صفاریان وعلویان

۲۲ سال : ۸۷۰ ـ ۸۹۲

(حوزهٔ حکومت : سیستان ـ افغانستان ـ فارس ـ کرمان) .

سرسلسلهٔ صفاری یعقوب لیث است که شغل اولیهٔ او درسیستان رویگری بوده ولذا صفار

خوانده شد و بعد در خدمت حاکم سیستان درآمده بمنصب فرماندهی سپاه وی نائل گردید و خراسان را از طاهریان گرفت. سپس حوزهٔ حکومت خود را بسط داده افغانستان‌وهرات و فارس وکرمان را نیز ضمیمه نمود . پایتخت وی **زرنج** در سیستان بود . بعدها **عمرو-لیث** در اواخر حکومت خود پایتخت را به نیشابور منتقل کرد .

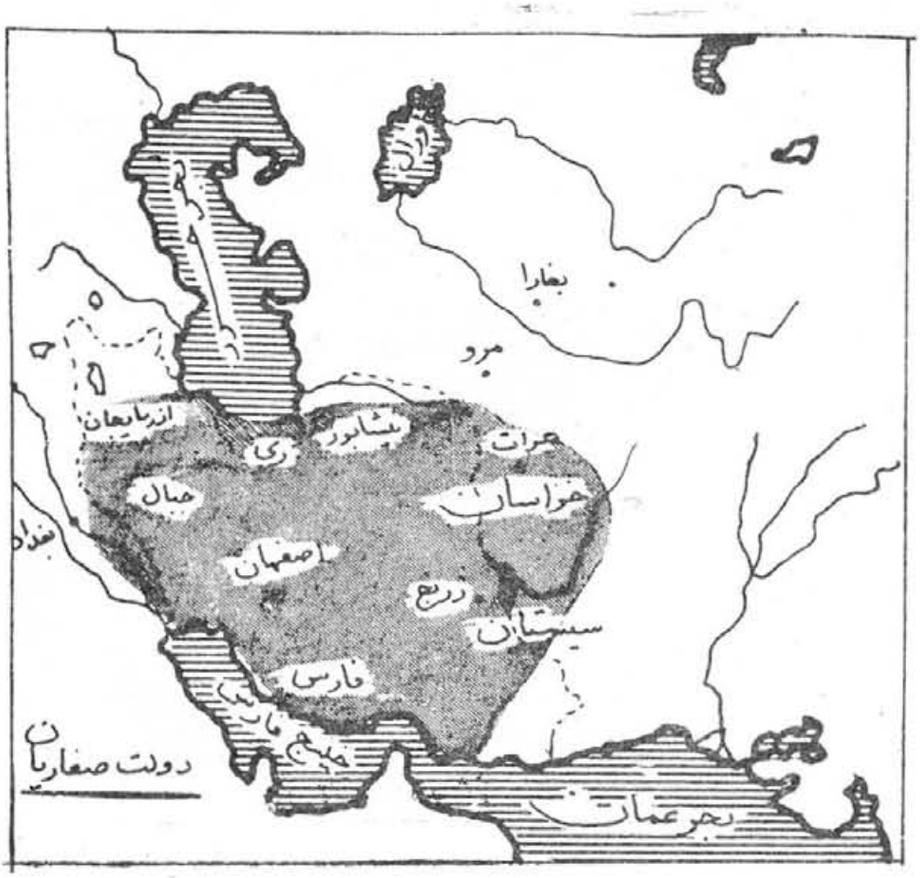
بعد از میلاد

۸۷۰ پایتخت خلافت بار دیگر به بغداد منتقل شد .

علویان

۹۲۳-۸۷۲ علویان‌ازنوادگان حضرت امام‌حسین‌بربخشی‌ازطبرستان وگرگان تسلط‌یافته مستقلا حکومت کردند ـ حکام‌آنها بترتیب عبارت بودند از : **حسن‌بن‌زید-برادرش محمدبن زید** و **حسن‌بن علی** که از نصر سامانی شکست‌خورد و حکومت این سلسله نیز پایان یافت .

۸۹۲-۸۷۰ تمام خاور ایران (سیستان و خراسان) بدست یعقوب لیث صفاری افتاد وسپس فارس وکرمان را ضمیمه نمود .



۸۷۵ یعقوب هرات وکرمان و شیراز را فتح کرد .

بعد از میلاد

۸۷۹ **موفق** برادر معتمد خلیفه رسماً امارت بلخ و سیستان و سند را به یعقوب واگذاشت.

۸۸۲ یعقوب ساری و آمل را تصرف کرد .

۸۸۴ یعقوب بطرف بغداد لشکرکشی کرد و با خلیفه جنگید و شکست‌خورد .

۸۸۷ یعقوب درگندی‌شاپور درگذشت .

۸۹۲-۸۸۷ **سلطنت عمرولیث** برادر یعقوب : وی با خلیفه‌آشتی کرد وخلیفه حکومت او را در خراسان وگرگان و مازندران و فارس و ری برسمیت شناخت ولی عمر او اکتفا نکرد. وی درصدد توسعهٔ قلمرو خودبطرف‌خاور وشمال‌برآمدو با امرای محلی بجنگ برخاست‌که از جمله **امیر اسمعیل سامانی** بودکه خلیفه در خفا او را تشویق میکرد . عمرو در بلخ از اسمعیل شکست‌خورد و گرفتار شد و ببغداد نزد خلیفه فرستادهٔ شد و در زندان درگذشت و سلسلهٔ صفاری منقرض گردید . نوادهٔ او طاهر چندی در فارس‌وسیستان‌حکومت‌کرد ولی سرانجام حکومت وی بدست غزنویان افتاد .

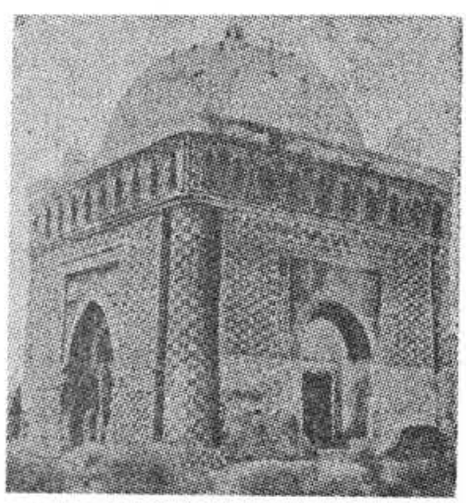


(۱۳) سلسلهٔ سامانیان

(۳۰ سال : از ۸۷۴ تا ۹۰۳)

(حوزهٔ حکومت: بلخ ـ سمرقند ـ فرغانه ـ هرات ـ بخارا ـ خراسان ـ سیستان)

مؤسس سلسله اسمعیل است که برادرش نصرو پدرش احمد پیش ازوی درماوراءالنهر از طرف خلفا حکومت داشتند و جد ایشان **سامان** خود را از نژاد بهرام چوبین سردار



آرامگاه اسمعیل سامانی



تصویر خیالی رودکی

هرمز ساسانی میدانست ـ اسمعیل با عمرولیث صفاری جنگیده او را دستگیر کرد وصفاریان را برانداخت و حوزهٔ سلطنت خود را بسط داده سمرقند و بلخ و فرغانه و هرات و بخارا و خراسان و سیستان جزءقلمرووی قرار گرفت و بحدود هند و بغداد و کویر و خلیج‌فارس رسید ـ پس از وی پسرش **احمد** سه سال سلطنت کرد و بدست غلامان خودکشته شد (۹۱۳) سپس مدتی هرج ومرج درقلمروسامانیان رواج داشت وکشور ایران تقسیم گردید : بخشی تحت حکومت **آل‌زیار** و بخش دیگری تحت حکومت **آل‌بویه** درآمد و اعقاب سامانیان تا سال ۹۹۹ تنها درماوراءالنهر حکومت‌داشتند و بدست ترکهای سلجوقی منقرض شدند .



تصویر خیالی حکیم ابونصر فارابی

سامانیان **بخارا** را پایتخت قرار دادند . بزبان و ادبیات فارسی علاقه داشته‌وعلوم را ترویج کردند و بخارا بمرکز فرهنگ اسلامی مبدل شد ـ **رودکی** نخستین‌شاعر بزرگ

ایرانی در نزد سامانیان بود . ابونصر فارابی (۸۷۰–۹۵۰ ب.م) فیلسوف معاصرسامانی مقیم حلب بوده کـه فلسفهٔ یونانی را با فلسفهٔ اسلامی وفق داد و ابوعلی‌سینا درکتابخانـهٔ سامانی بمطالعه میپرداخت و تحت تأثیر افکار فارابی قرارگرفت .

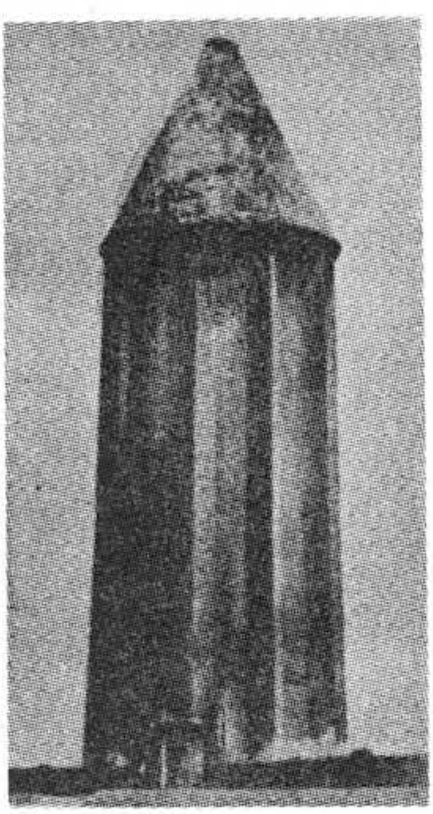
سلاطین ضعیف سامانـی پس از احمد عبارتند از : **نصر دوم** پسر احمد ـ **نوح ـ عبدالملك منصور ـ نوح دوم ـ منصوردوم ـ عبدالملك دوم** که بدست ایلك‌خان ترك دستگیرشد (۹۹۹) .

(۱۴) سلسلهٔ آل‌زیار

(۱۱۵ سال : از۹۲۸ تا ۱۰۴۳)

(حوزهٔ حکومت : مازندران ـ اصفهان ـ همدان تا حلوان)

همزمان با سلطنت نصرسامانی،سلطنت آل‌زیار درطبرستان وگرگان بدست **مرداویج پسر زیار** تأسیس شدکه سرداری بود در خدمت **اسفار** پسر **شیرویهٔ** گیلانی و تابـع شاه سامانی بود و ابتدا او علم‌استقلال برافراشت‌وری و قزوین و قم و ابهر و زنجان را ضمیمه قلمرو خودکرد ولی بدست سپاهیانش کشته شده مرداویچ در ۹۲۸ جای او راگـرفت و اصفهان و همدان را نیز جـزء قلمرو خود نمود ـ اخلاف وی کـه مروج علم و ادب وفرهنگ بودند بترتیب‌عبارتند از : **وشمگیر** برادر مرداویچ ـ **بیستون** پسر وشمگیر معاصر رکن‌الدوله‌دیلمی ـ **قابوس** برادر بیستون (۹۷۶–۱۰۱۲) که مردی ادیب ودانشمند بود وآثاری از خود باقی گذاشت . مقبرهٔ وی‌در شهر گنبدکاوس است که در ۹۹۷ بناشده .



آرآمگاه قابوس وشمگیردرگنبدکاوس

البیرونی صاحب‌آثار الباقیه درحمایت او میزیسته .

منوچهر پسرقابوس مطیع سلطان محمود غزنوی گشت .

انوشیروان پسر منوچهر : در زمان وی گرگان و طبرستان بتصرف ترکان سلجوقی



درآمد . کتاب معروف **قابوس‌نامه** اثر امیر کیکاوس نوادهٔ قابوس است که درآن پند و اندرز به گیلانشاه پسرش داده .

(۱۵) سلسلهٔ دیلمیان (آل بویه)

(۱۲۳ سال : از ۹۳۲ تا ۱۰۵۵)

(حوزهٔ حکومت : ری ـ گیلان ـ همدان ـ فارس ـ کرمان ـ خوزستان)

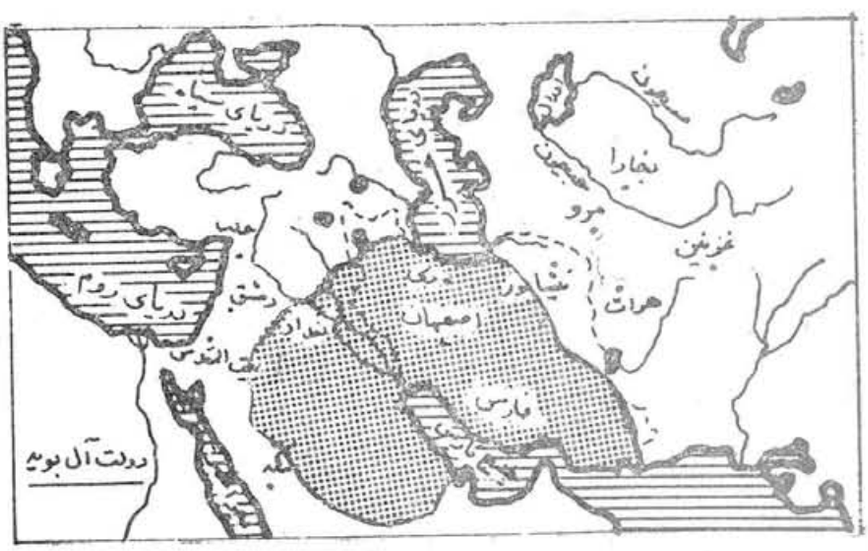
مؤسس این سلسله سه برادر بودند بنام **علی** و **حسن** و **احمد** از اهل **دیلم** در ساحل دریای خزر فرزند **بویهٔ دیلمی** ماهی‌گیر (و نیز دیلمان نام بخشی کوهستانی از گیلان بوده است) و خود را از نسل بهرام گور دانسته و مذهب شیعه داشتند .

این سه برادر ابتدا در سپاه گیلان و سپس در خدمت مرداویج زیاری درآمده وعلی از طرف مرداویج بحکومت یکی از ولایات غربی همدان منصوب شد و او باکمك دوبرادر حوزهٔ حکومت خود را بـه فارس و اصفهان و خوزستان بسط داده حسن در ۹۴۳ اصفهان را تصرف کرد و احمد کرمان را تسخیر کرد و عزم بغداد نمود و سپاه خلیفه‌را شکست داده سلطنتی تشکیل دادند . پس از قتل مرداویج سرزمین ایشان نیز جزء قلمرو دیلمیان شدو حکومت برایالات ایران را بین خویش تقسیم کردند .

بعد از میلاد

۹۴۵ **احمد** در ۹۴۵ بغداد را فتح کـرد و **مستکفی** خلیفهٔ عباسی باطاعت وی درآمد وبه سه برادر سه لقب داد: **علی عمادالدوله** که حکومت ری وشمال

را دردست داشت ـ **حسن رکن‌الدوله** که حکومت فارس‌را درعهده داشت ـ **احمد معزالدوله** که عراق و خوزستان را در تصرف داشت . بعلاوه خلیفه دست نشاندهٔ احمد شده او را امیرالامرا نامید و این سه برادر با اتحاد و هم آهنگی با یکدیگر سلطنت کردند ـ پس از چندی چون خلیفهٔ عباسی قصد مخالفت باآنها نمود احمد او را دستگیر کرده زندانی ساخت و دیگری را از خاندان عباسی اسماً بخلافت گزیده او را مطیع (المطیع‌لله) لقب داد . از این پس تا ظهور سلاجقه ، بغداد در تصرف ایرانیان بود و خلفادست نشاندهٔ امرای‌آل‌بویه بودند ومکرر بدست ایشان ازخلافت عزل وزندانی شده‌دیگری رابجای ایشان میگذاشتند وبدینطریق دیلمیان درواقع بر تمام کشورهای‌اسلامی نیز حکومت میکردند .



این سه برادر مذهب شیعه و عزاداری حضرت امام حسین را درایران رواج دادند ـ و شیراز راکه مقر رکن‌الدوله بود پایتخت کل کشور قرار دادند .

بعد از میلاد

۹۵۸ **احمد معزالدوله** بصره را فتح کرد .

۹۵۹ احمد معزالدوله موصل را تصرف کرد .

۹۶۰ **علی عمادالدوله** درگذشت و چون فرزند نداشت برحسب وصیت وی **فنا ـ خسرو** معروف به **عضدالدوله** پسر رکن‌الدوله جانشین وی گردید و در قلمرو عمادالدوله حکومت کرد .

۹۷۸ معزالدوله در گذشت و **بختیار عزالدوله** پسرش در قلمرو وی جانشین پدر شد .

۹۸۸ **حسن رکن‌الدوله** درگذشت و پدرش عضدالدوله بسلطنت رسید و حوزهٔ

سلطنت راتا دریای عمان وتا شام و مصر بسط داد وتنها خراسان وماوراءالنهر که دردست سامانیان بود از حوزهٔ سلطنت آنها بیرون قرارداشت و خطبه در بغداد بنام او خوانده شد ـ بندامیر در **فارس** ازآثار اوست . در بغداد نیز بیمارستان بزرگی با سازمان مرتب بنانمود .

بعد از میلاد

۹۹۴ **درگذشت عضدالدوله :** پس ازوی بین فرزندان و نوادگان آنها اختلاف افتاده غالباً بـه‌کشمکش با یکدیگر اشتغال داشتند تا زمانیکه بعضی بـدست غزنویان و بعضی بدست سلاجقه منقرض گردیدند .

۱۰۵۵ **علاءالدوله** آخرین امیر دیلمی معاصر **ابوعلی‌سینا** در اصفهان درگذشت .

۱۰۶۹ انقراض آخرین امیر آل‌بویه موسوم به **الملك‌الرحیم** بدست طغرل‌سلجوقی.

صاحب‌ابن عباد از ادبای بزرگ ایران از جملهٔ وزرای آل‌بـویه بود ـ **محمد زکریای رازی** پزشك و شیمی‌دان معروف نیز معاصر ایشان بوده است .

(۱۶) غزنویان

(۲۲۴ سال : از ۹۶۲ـ۱۱۸۶)

(حوزهٔ سلطنت : خراسان ـ سیستان ـ افغانستان ـ کرمان ـ هندوستان ـ اصفهان ـ ایالات ساحل جنوبی دریای خزر ـ کردستان ـ همدان) .

مؤسس این سلسله **سبکتکین** است که ابتدا غلام و بعداً داماد و سردار **الپ‌تکین** شد ـ الپ‌تکین نیز ابتدا غلام بود و بعداً از سرداران سامانی در خراسان شد و سبکتکین را بحکومت **غزنه** واقع درکوههای سلیمان منصوب کرد .

۹۸۸ **سبکتکین** لشکرکشی کرده ابتدا برای کمك به نوح‌بن منصور سامانـی در برابر فرمانده سپاه خراسان که یاغی شده بودعازم‌خراسان گردید. وی‌ترکان را شکست‌داد وپسرش محمود ازطرف شاه سامانی به حکومت نیشابورپایتخت خراسان منصوب شد وخراسان عملاً در تحت حکومت سبکتکین درآمد .

۹۹۴ سبکتکین بـه هند لشکرکشی کـرد و **راجپوتها** را شکست داد و پنجاب را متصرف شد .

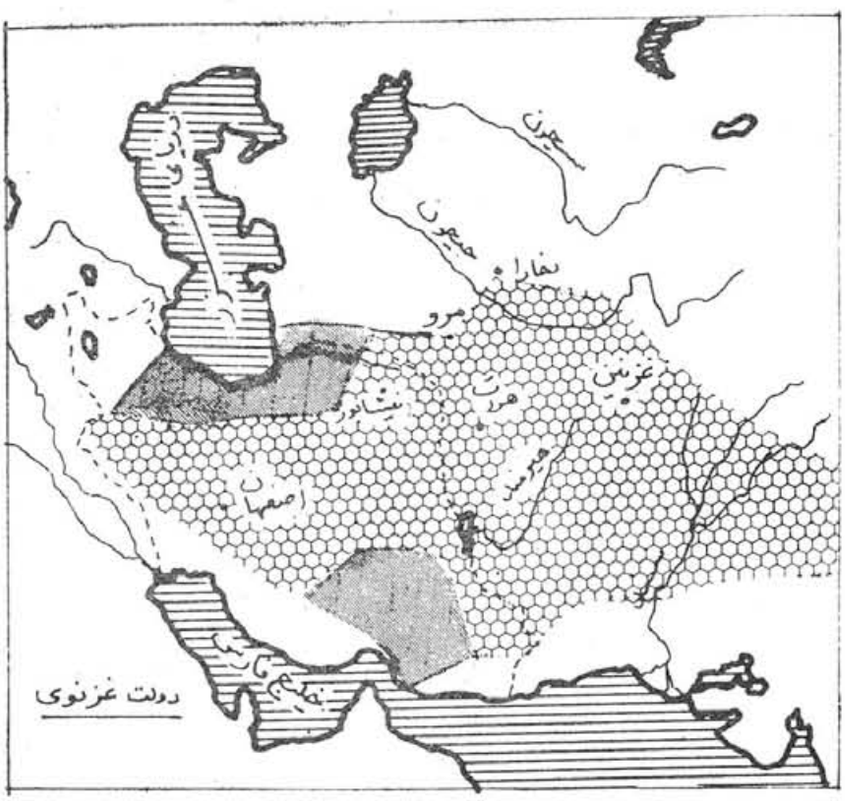
۱۰۰۰ـ

۱۰۴۳ **سلطنت سلطان محمود :**

بعد از میلاد

۱۰۰۰ سبکتکین در گذشت و پسرش **اسمعیل** جانشین وی از برادر بزرگترش **محمود** شکست‌خورد ومحمود بسلطنت‌رسید. محمودپایتخت خود را **غزنه** یا **غزنین** در افغانستان قرار داد بهمین سبب سلسلهٔ ایشان بغزنوی مشهور شد. سلطان محمود در تاریخ یکی از بزرگترین و معروف‌ترین سلاطین آسیای مرکزی محسوب میشود.

۱۰۱۵ محمود سیستان و قهستان را از دست‌آخرین پادشاه صفاری بدرآوردوضمیمهٔ قلمرو خود نمود .



۱۰۲۳ محمود بلاد غور را تصرف کرد .

۱۰۲۹ محمود ترکان را شکست داده ماوراء النهر و خوارزم را ضمیمهٔ قلمرو خود نمود .

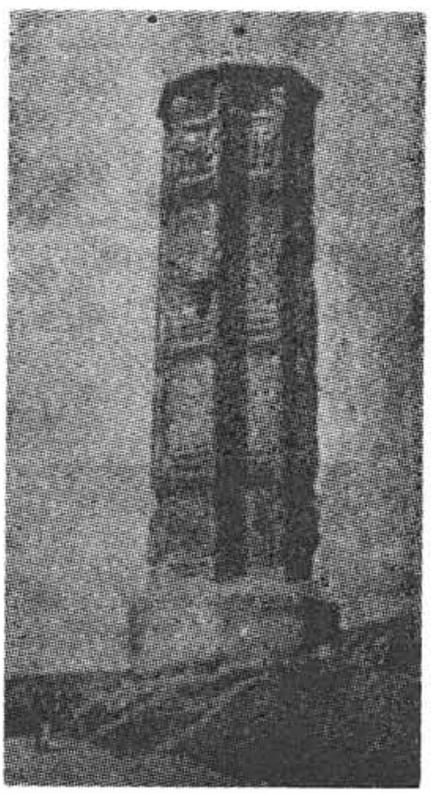
۱۰۳۸ محمود به هند لشکر کشید و **سومنات** را تصرف کرد و بتهای بتکدهٔ سومنات را شکست و ازآن پس به **محمود بت‌شکن** معروف شد .

۱۰۴۲ محمود **مجدالدولهٔ دیلمی** را شکست داد و ری را بتصرف آورد .

منوچهر فلك‌المعالی پادشاه زیاری تسلیم شد و گرگان و مازندران نیز ضمیمهٔ قلمرو محمود گردید .

بعد از میلاد

۱۰۴۳ محمود درگذشت و پسرش **سلطان محمد** بسلطنت رسید ولی مسعود از ری به غزنین شتافت و برادر را زندانی کرد و خود را پادشاه خواند .



ویرانهٔ برج محمود



تصویر خیالی
سلطان محمود غزنوی

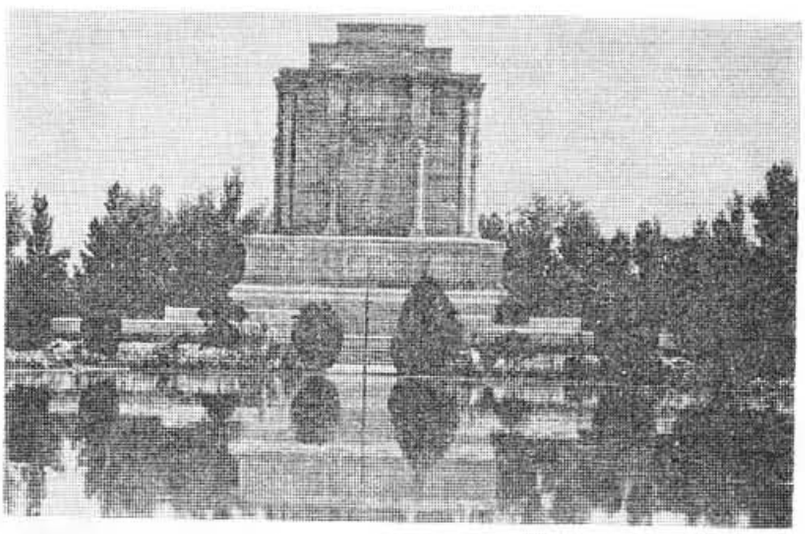
۱۰۴۳-۱۰۵۴ **سلطنت سلطان مسعود**ـ وی برای فرونشاندن شورش بـه گرگان و کـرمان لشکرکشی کرد ـ و بعد به هندوستان حملـه نمود و شهر **بنارس** را فتح کرد و تقریباً مدت ده سال سلطنت خود را به جنگ و کشمکش با ترکان سلجوقی که از شمال ، خراسان را مورد تاخت و تاز قـرار داده بودند مشغول بود و عاقبت شکست خورد و بهند گـریخت و در راه بدست سپاهیان خود کشته شد .



تصویر خیالی فردوسی
طوسی

سپس **سلطان محمد** برادرش بسلطنت رسید وپس ازآن بین کسان و فرزندان و نوادگان مسعود اختلاف افتاد و همیشه درکشمکش بودند تا سال ۱۱۸۶ که بدست سلاجقه منقرض گردیدند و سرزمین آنها بـدست سلاجقه افتاد . تنها اعقاب ایشان تا چندی در افغانستان وشمال هند حکومت داشتندوغالباً

دست نشاندهٔ شاهان سلجوقی بودند . امرای اخیر غزنوی ، لاهور را در هند پایتخت خود قرار داده بودند . سلاطین غزنوی مشوق شعرا و دانشمندان بودند و عده‌ئی از بزرگترین شعرا و نویسندگان بزرگ ایران معاصر آنها بوده‌اند که از آنجمله‌اند :



آرامگاه فردوسی در نزدیکی مشهد

فردوسی طوسی صاحب شاهنامه ـ **ابوریحان بیرونی** ریاضی‌دان ـ **عنصری**ـ **فرخی** (معاصر سلطان محمود) ـ **منوچهری دامغانی** ـ **مسعود سعد سلمان**(معاصر مسعود) **سنائی غزنوی** ـ **ابوالمعالی شیرازی** مترجم **کلیله و دمنه** از عربی بفارسی (معاصر بهرام شاه آخرین شاه غزنوی) ـ

(۱۷) دوره سلجوقیان

(۱۸۳ سال : از ۱۰۳۷ـ ۱۲۲۰ بم)

(حوزهٔ حکومت : از سواحل مدیترانه تا ترکستان وکاشغر در مرزچین و سواحل عمان و خلیج فارس و منطقه عربستان و سوریه و شام شامل تمام آسیای صغیر تا دریای مرمره) .

در دوره حکومت سامانی قبیله‌ئی از ترکمنهای معروف به ترکان غز بریاست سلجوق نام از سیبری به حدود دریای خزر فرود آمده درحدود خراسان بغارت و کشتار میپرداختند. سلطان محمود آنها را گوشمالی داد و گروهی از ایشان را مهاجرت داد که درنقاط مختلف ایران سکونت گزیدند و بتدریج زبان و تمدن ایران را آموخته ، بت پرستی را ترک گفتند و بمذهب اسلام درآمدند .

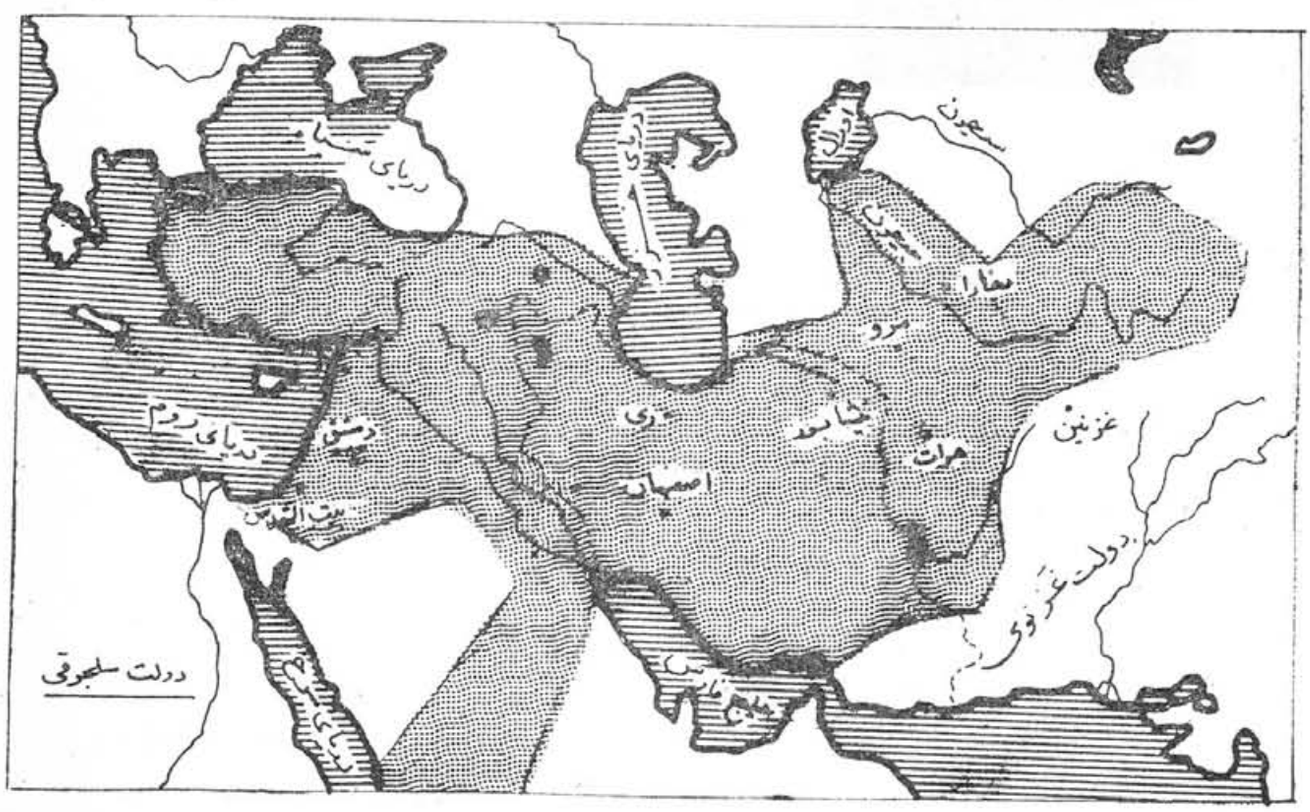
بعد از میلاد

۱۰۳۷-۱۰۶۳ **سلطنت طغرل**

۱۰۳۷ **طغرل** و برادرش **چغری** از نوادگان سلجوق ، سلطان مسعود غزنوی را شکست دادند و خوارزم و خراسان و گرگان و طبرستان را فتح کردند و مسعود بهند فرار کرد (۱۰۵۳) .

۱۰۵۵ طغرل بطرف بغداد پیش رفت وآخرین امیر دیلمیان راکه بر بغداد حکومت داشت شکست داد . خلیفه **القائم بامرالله** تبعیت او را پذیرفته دختر برادر طغرل را بزنی گرفت و طغرل را بعنوان سلطان شرق و غرب اعلام کرد .

سپس سپاه طغرل به کشور بیزانتین حمله کرد وکاپادوکیه و فریژیا را تسخیر نمود . **شهرری** پایتخت طغرل بود و برادرش در خراسان حکومت میکرد .



عمیدالملک کندری از ادبای عصر ، وزیر طغرل بوده و دستگاه او را اداره میکرد .

۱۰۶۳-۱۰۷۳ **سلطنت الب ارسلان** برادر زادهٔ طغرل (پسر چغری) .

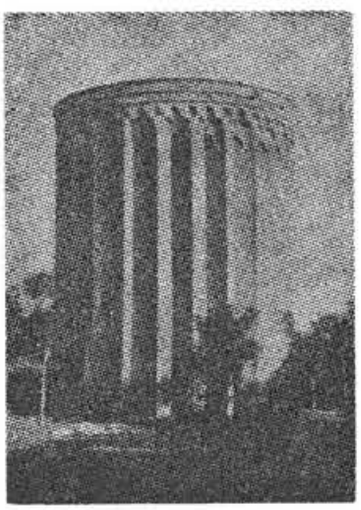
۱۰۶۳ الب ارسلان گرجستان و ارمنستان را فتح کرد و قلمرو خود را در باختر تا حلب رسانید ..

بعد از میلاد

۱۰۷۱-

۱۰۷۳ **جنگ ملازگرد** (مانزی‌کرت) Manzikert

دیوژن رومانوس امپراطور روم شرقی با دویست هزار سوار **رومی** و **روسی** و **گرجی** بمرزهای ایران حمله نمود و گروهی سربازان مزدور فرانسوی و نورمانها نیز تحت فرماندهی **اورسل بالیول** در سپاه وی بوده‌اند. الب‌ارسلان با پانزده هزارسوار بمقابله اوشتافت، رومانوس در جنگ **ملازگرد** (مانزی‌کرت) شکست فاحشی خورد و بدست یك سردار ایرانی اسیر شد ولی الب‌ارسلان او را آزادکرد و بدین طریق قدرت و حکومت بیزانتین درآسیای صغیر درهم‌شکست .



برج طغرل نزدیك شهرری

۱۰۷۳-

۱۰۹۲ **سلطنت جلال الدین ملك شاه** پسر الب ارسلان : وی **خواجه نظام‌الملك** وزیر پدر را بوزارت منصوب‌کرد و پیشرفتهای وی در ادارهٔ امور کشور مدیون این سیاستمدار معروف است . ملکشاه **اصفهان** را پایتخت خود قرار داد .

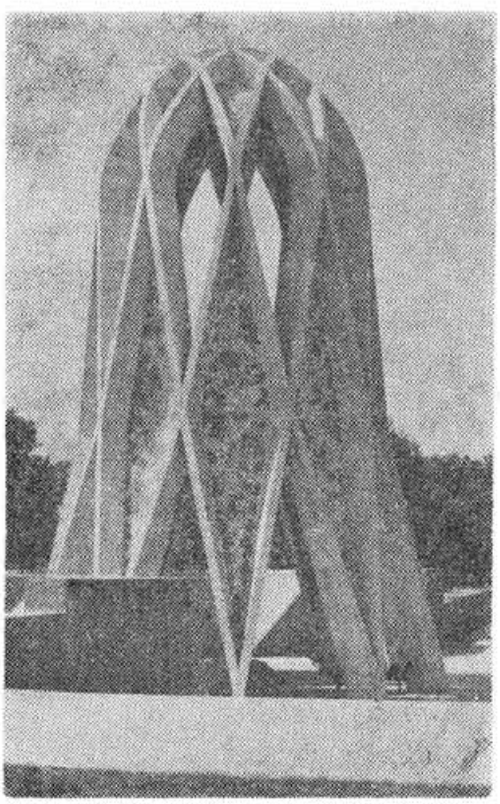
خواجه نظام‌الملك طبق ضبط تواریخ لایق‌ترین سیاستمدار و مدیری بوده است در ادارهٔ امورکشورکه بعداز اسلام درآسیا بظهور رسیده و در عین‌حال حامی علم ومشوق دانش و فضیلت بود . در بغداد و چند شهر مهم دیگر از جمله نیشابوردانشگاههائی تأسیس کردکه‌آنها را **مدرسه نظامیه** میخوانندند ـ کتاب **سیاست‌نامه** ازآثار مهم اوست . وی در پایان از طرف ملکشاه بتحریك مخالفین و ترکان خاتون زوجه ملکشاه عزل شد و در راه سفر به بغداد در نزدیکی کرمانشاه بدست یکی از فدائیان اسمعیلی‌کشته شد . **حکیم عمر خیام نیشابوری** ریاضی‌دان و شاعر معروف ایرانی در این زمان مأمور **اصلاح تقویم نجومی** شد و **تاریخ جلالی** را بنام جلال‌الدین ملکشاه تألیف‌کرد .

امیر معزی نیشابوری امیرالشعرای دربار ملکشاه بود .

۱۰۸۴ انطاکیه بدست سلاجقه افتاد و حدودکشور در باختر بدریای مدیترانه شامل تمام‌آسیای صغیر و سوریه و شام و از طرف خاور به‌کاشغر رسید .

بعد از میلاد

۱۰۹۰ **ظهور فرقهٔ اسمعیلیه و قیام حسن صباح :** حضرت امام جعفر صادق امام ششم شیعه دو پسرداشت بنام اسمعیل و موسی‌کاظم . اولی در حیات پدر درگذشت و امام صادق فرزند دوم خود را جانشین خودکرد . ولی گروهی امامت فرزند دوم را نپذیرفته معتقد شدندکه امامت به اسمعیل امام هفتم ختم میشود . رهبر این گروه‌در ۸۸۲ میلادی یکنفرکحال ایرانی مقیم اهواز بود بنام **عبدالله میمون القداح** که جمعیت سری تشکیل داد . عقیدهٔ آنها ترکیبی از عقاید فلسفی و مذهبی ایرانیان باستانی وسامیها و افلاطونی جدید و حکمت فیثاغورث بود و عدد هفت در مذهب ایشان اهمیت مرموز و



آرامگاه عمر خیام در نیشابور



تصویر خیالی عمر خیام

عظیم داشت مانند هفت روز هفته ، هفت پیغمبر ، و هفت امام جانشین هر یك از ایشان ، هفت روز خلقت جهان ، افلاك هفتگانه ، طبقات هفتگانهٔ زمین ، هفت دریای زمین ، هفت آیهٔ فاتحةالکتاب قرآن و امثال آن ـ **ابومحمد عبدالله** نوهٔ عبدالله میمون در ۹۰۹ تا ۱۱۷۱ شمال افریقا و بعد مصر را متصرف شد و سلسلهٔ فاطمی را در مصر بنانهاد . **حسن صباح** معاصرملکشاه سلجوقی‌متولد قم ودشمن نظام‌الملك بود ومعروف است‌که درکودکی وی و خیام و نظام‌الملك در نیشابور در یك مکتب درس میخوانده‌اند . حسن صباح سفری به مصر نزد فاطمیان رفته بمذهب اسمعیلی گروید و بایران برگشته بنای تبلیغ گذاشت و پیروان بسیاری پیداکرد و نظامات و سلسلهٔ مراتبی در فرقهٔ خود ایجاد نمودکه خود در

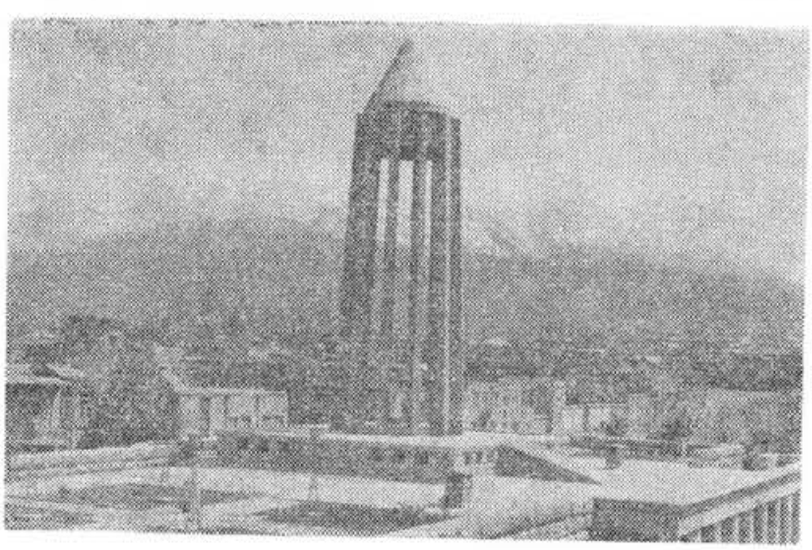
رأس آن قرار داشت و سلسلهٔ مراتب مزبور عبارت بودند از **شیخ‌الجبل** (رئیس محلی فرقه در هرمنطقه) و **مبلغین** و **رفقا** و بعد **فدائیان** که بامر وی مأمور کشتن رجال و زمامداران و دشمنان میشدند .

حسن ، قلعهٔ **الموت** را در سلسله جبال‌البرز ما بین قزوین ورشت نزدیك **رودبار** مستحکم کرد و خود درآنجا جای گرفت و با دولت سلجوقی بمبارزه برخاست وسایر قلاع وی در نقاط مختلف ایران نیز برقرار شد وپیروان اوتا سالها بعد بر کوههای شمالی ایران و برقلاع اسمعیلی نزدیك‌اصفهان و قهستان و طبس و تون (فردوس) و یزد و قاین و زوزن و غور و خوست تسلط داشتند و دامنهٔ نفوذ و قدرت‌آنها تا سوریه و شام وآسیای صغیر و تا خاور اروپا توسعه یافته دولتهاومردم ازآنها وحشت داشتند و باصلیبیون تماس حاصل نمودند. اسمعیلیان را اروپائیان **اسه‌سن** Assassins که تحریف **حشاشین** است و بعدها در لغت‌های اروپائی بمعنی قاتل بکار رفته مینامند زیرا افراد این فرقه معروف به استعمال حشیش نیز بوده‌اند .



تصویر خیالی ابوعلی سینا

دشمنان اسمعیلیان در ایران‌آنها را ملاحده مینامیدندکه جمع ملحد است . خواجه نظام‌الملك پس از دومرتبه اعزام سپاه وکوشش در برانداختن این فرقه و شکست ، خود نیز بطوریکه گفته شد بدست یکی از پیروان حسن بقتل رسید .



آرامگاه ابوعلی سینا در همدان

دوره جنگهای داخلی و فئودالیسم:

بعد از میلاد

۱۰۹۲-۱۳۲۰

سلطنت چهار فرزند ملکشاه: محمود ـ برکیارق ـ سلطان سنجر و محمد ـ و نیز ترکان خاتون زوجه ملکشاه: پس از ملکشاه جنگهای داخلی بر سر حکومت ایران و خراسان بین فرزندان ملکشاه و زوجهٔ او ترکان‌خاتون بروز کرد. ابتدا ترکان خاتون که در بغداد بود با فشار به **مقتدی** خلیفه حکم سلطنت پسر چهار ساله‌اش محمود را از خلیفه گرفته خود زمام امور را دردست گرفت و بطرف اصفهان برای برانداختن **رکن‌الدین برکیارق** فرزند ارشد ملکشاه از زن دیگر یعنی **زبیده** حرکت کرد.

پسران نظام‌الملک برکیارق ۱۲ ساله را به ری بردند و به تخت نشاندند. ترکان خاتون سپس بتحریک برادر زبیده و سایر شاهزادگان سلجوقی پرداخت و عاقبت کشته‌شد و در این هنگام سایر برادران ملک شاه درآسیای صغیر و شام سلطنت میکردند.

سلطان سنجر فرزند دیگر ملکشاه مدت چهل سال (از ۱۱۳۳-۱۱۷۴) درخراسان و ایالات خاوری امپراطوری سلجوقی سلطنت کرد و غزنین را فتح نمود ولی عاقبت با زوجه‌اش در جنگ با قبیلهٔ دیگری از ترکان غز که از شمال خراسان هجوم کردند اسیر شد. این قوم شهرها را ویران کرده و دانشمندان را بقتل رسانیده بکرمان تاختند و ایالات شرقی را ویران نمودند.

در۱۱۱۴ محمد فرزند دیگر ملکشاه بکمک مؤیدالملک ازفرزندان نظام‌الملک‌طغیان کرد و ملک‌شاه دوم کودک پنجسالهٔ برکیارق را که ولیعهد او بود کور کرد و چند سال در ایالات مرکزی امپراطوری سلطنت کرد، و مدام مشغول جنگ با اسمعیلیان بود. پسرش محمود با سلطان سنجر عموی خود جنگید و در ساوه شکست‌خورد و دستگیر شد. سنجر دخترش را باو داد و به حکومت عراق منصوبش کرد.

سنجر نیز مروج ادب و دانش بود. شعرای معروف معاصر وی **امیر معزی، انوری ابیوردی و ادیب صابر** است.

اتابکان و سلاجقه محلی: رسم سلاطین سلجوقی آن بود که پسران خود را به یك مربی میسپردند تاآنها را سرپرستی کند و این مربیان در ایالات مختلف از طرف شاهزادگانی که در سنین کودکی بودند بنام اتابك حکومت میکردند بمعنی لله. ـ پس از ملك شاه بعضی از این اتابکان استقلال یافته خود و اخلاف آنها مدتی در بعضی از ایالات ایران سلطنت کردند ودربعضی ایالات همان شاهزادگان سلجوقی وسرداران سلطنت‌مستقلی

تشکیل دادند که اسماً وظاهراً تا سال ۱۱۵۷ خود را تابع مرکز امپراطوری دانسته تمرکز ظاهری را حفظ کردند.

فهرست آنها و مدت سلطنت و حوزهٔ سلطنت هریك بشرح زیراست:

(الف) سلاجقهٔ کرمان: ۱۴۶ سال (۱۰۴۱-۱۱۸۷ ب.م)

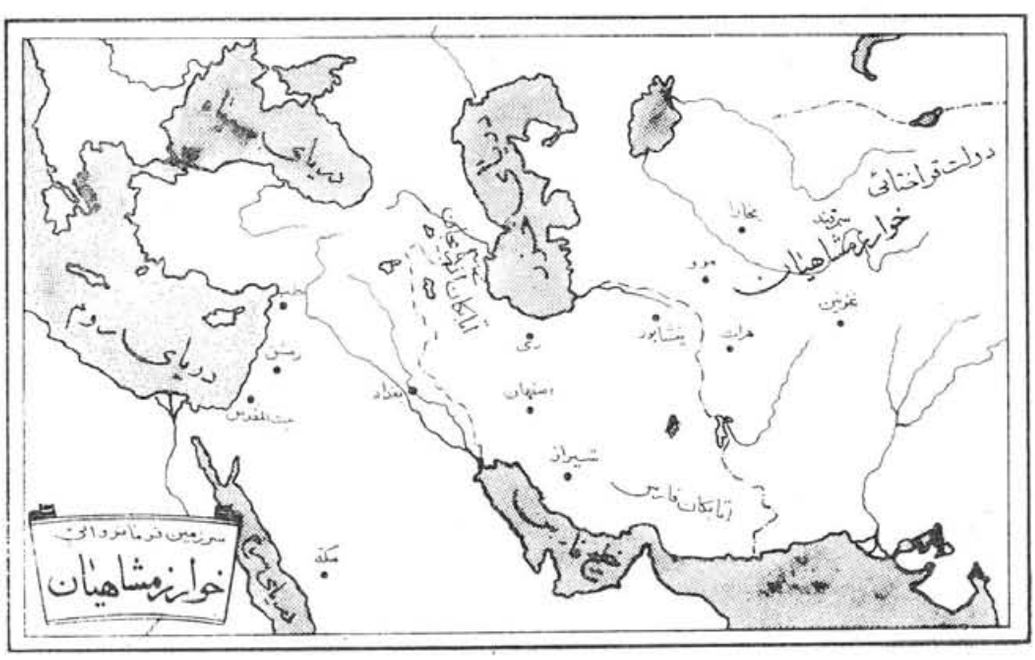
در کرمان بانی سلسله **ملك قاوردبود.** جانشینان او **سلطان شاه - توران شاه - ایران شاه - وارسلان شاه بودند.**

(ب) سلاجقهٔ غور یا غوریان: ۶۷ سال (۱۱۴۸-۱۲۱۵ ب.م)

در افغانستان (از هرات تا غزنه) امرای این سلسله **سیف‌الدین- علاءالدین- وجهانسوز بودند.**

(ج) سلاجقهٔ خوارزم یا خوارزمشاهیان: ۷۸ سال (۱۱۳۸-۱۲۱۶ ب.م)

در خیوه و بخارا و خوارزم. بانی سلسله **قطب‌الدین محمد** حاکم خوارزم از طرف سلطان سنجر بود که بلقب خوارزمشاه ملقب گشت.

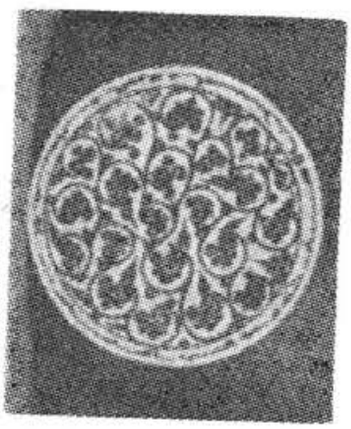


جانشینان وی: **اتسز - ایل - ارسلان - تکش - سلطان محمد** که غوریان را در مشرق و قراختائیان را در شمال شکست داده حوزهٔ سلطنت خود را تا هرات و غزنین و بخارا و سمرقند بسط داد. این سلسله بدست چنگیز مغول منقرض شد وسلطان محمد به جزیرهٔ **آبسکون** در دریای خزر فرارکرد.

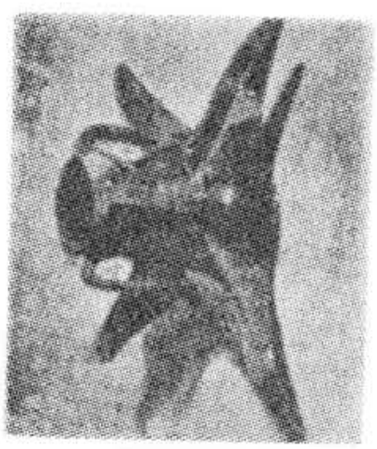
(د) قراختائیان یاخانیان ۹۵: سال (۱۱۲۳-۱۲۱۸ ب.م)

در بخشی از خوارزم تا حدود سیبری وآسیای مرکزی سلطنت کردند.

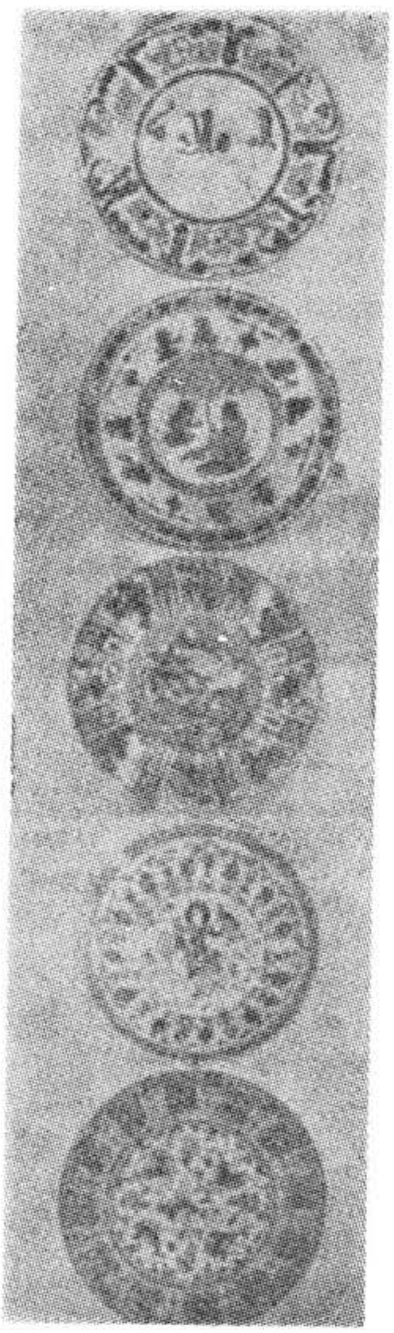
بانی سلسله: امیر **یلوی‌تاشی** از بستگان امپراطور ختا بود. وی لقب **گورخان**



سفال مینائی (قرن سوم هجری)



چراغ چهار شاخهٔ سفالین
(قرن چهارم هجری) نیشابور



ظرفهای سفالین دوره اسلامی از بالا به پائین :

۱ــ بشقاب‌گبری ـ سفال‌لعابدار (قرن۴ـه)

۲ــ کاسه سفالین (قرن۶ـه)

۳ــ بشقاب چینی دوره صفوی

۴ــ کاسه سفالین (قرن۶ـه)

۵ــ بشقاب چینی دورهٔ صفوی

(فرمانروای جهان)را برای‌خود اختیارکرد . چندی مرو ونیشابور را نیزدرتصرف‌داشتند و سنجر را شکست دادند تلفات سنجر در جنگ در درهٔ ضرغام (ماوراء سیحون) با ایشان یکصد هزار نفر بود .

(ه) ترکان غز : ۵۱ سال (۱۱۵۳-۱۲۰۴ ب.م)

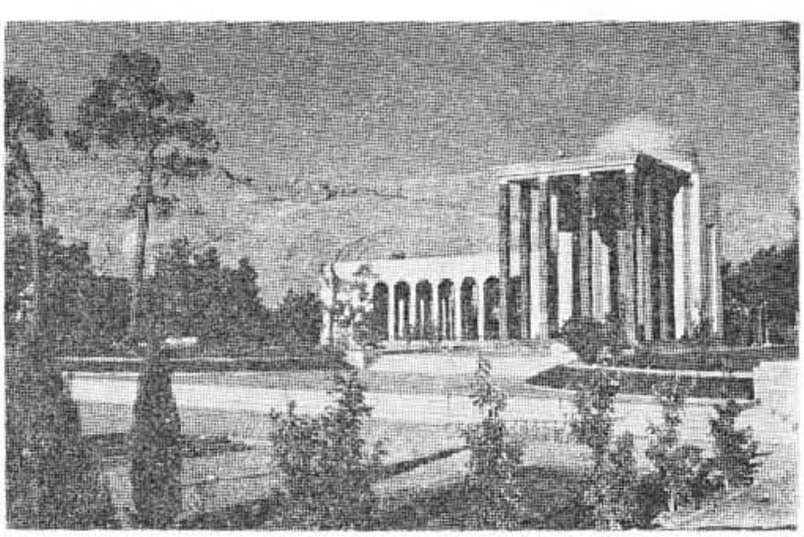
در ترکستان ـ بلخ ـ مرو ـ خراسان ـ سمرقند ـ کرمان . ـ سنجر چهل هزار خانوادهٔ ترکان چادرنشین غز راکه قراختائیان از مسکن خود رانده و از رود سیحون گذشته بودند در اطراف درهٔ بلخ اجازهٔ اقامت داد ولی چندی بعد برسر پرداخت خراج‌با حاکم بلخ به ستیزه برخاسته سنجر با یکصد هزار سپاه بقصد سرکوبی‌آنها حرکت‌کرد و شکست‌خورد و اسیر شد سپس غزها تاکرمان تاخته قتل و غارت و ویرانی بسیارکردند تا در پایان بدست **اتابك سعد بن زنگی** اتابك فارس مغلوب شده از میان رفتند .



تصویر خیالی سعدی

(و) اتابکان فارس یا سلغریان: ۱۴۰سال (۱۱۴۸-۱۲۸۷ ب.م)

درفارس بانی سلسلهٔ **سلغر** یکی ازامرای سلجوقی‌بوده. جانشینان وی : **زنگی ، سعد ، ابوبکر پسر سعد**که **شیخ سعدی** شاعر بزرگ شیراز معاصر او بوده ـ وسعدپسر ابوبکر بوده‌اند این سلسله بدست هلاکوی مغول منقرض گردید .



آرامگاه سعدی در شیراز

(ز) اتابکان آذربایجان : ۸۹ سال (۱۱۳۶-۱۲۲۵)

درآذربایجان . بانی سلسله : **ایلدگز**

جانشینان وی : **محمد جهان پهلوان** پسر ایلدگز که برآذربایجان و عراق نیز

۱۴ سال حکومت کرد ـ **قزل ارسلان** برادر محمد . این سلسله بدست خوارزمشاهیان منقرض گردید .

اتابکان آذربایجان مروج و مشوق ادبیات فارسی بوده **نظامی و خاقانی** معاصر قزل ارسلان بوده‌اند .

(ح) اتابکان لرستان یا هزار اسبی : ۱۹۱ سال (۱۱۴۸-۱۳۳۹)

در لرستان : سرسلسلهٔ آنها ابوطاهر محمد، واز اتابکان معروف این سلسله **یوسف شاه** است که به **اباقاخان** پسر هلاکو در جنگهای وی کمک کرد و اباقا چند ولایت مرزی لرستان را نیز ضمیمهٔ حوزه امارت او نمود . پسر او به هزار اسب شهرت داشت .

سایر اتابکان و امرای سلجوقی در نقاط دیگر آسیا

۱۱۰۰ ـ ۱۳۰۰ ب.م

(۱) سلسلهٔ بور در دمشق: ۵۲ سال (۱۱۰۳-۱۱۵۴)

بانی سلسه **توغ توگین .**

(۲) سلسلهٔ زنگی در بین‌النهرین و سوریه: ۱۲۴ سال (۱۱۲۷-۱۲۵۰) .

بانی سلسله: **امام الدین زنگی:** که پسرش نورالدین مشهور به‌مخالفت با صلیبیون است و سلسلهٔ بور را در ۱۱۵۴ منقرض کردند .

(۳) سلسلهٔ اورتوکید: در دیاربکر که ازطرف **اورتوك** پسر **اکرب** در۱۱۰۱ تأسیس یافت و پسرانش **سوکمان و ایل‌غزی** در جنگهای برضد شاهزادگان اروپائی سوریه شهرت یافتند ـ این سلسله تا ۱۳۱۲ دوام یافت .

(۴) سلاجقهٔ ارمنستان: ۱۰۸ سال (۱۱۰۰-۱۲۰۷) .

بانی سلسله: **سوکمان قطبی** اولین شاه سلجوقی ارمنستان.

(۵) سلاجقه روم: که در **ایکونیوم و قونیه** در آسیای صغیر و بیشتر سرزمین اناطولی حکومت داشتند و شاهزاده نشین موسوم به **دانشمندی** را درکاپادوکیه نیز تصرف کردند و در ۱۲۴۳ از سپاه چنگیز مغول شکست‌خورده کشور ایشان بدست عثمان مؤسس سلسلهٔ آل‌عثمان افتاد .

بعد از میلاد

۱۰۹۵ **صلیبیون** بسرزمین سلطان سلجوقی روم حمله‌کرده انطاکیه را تصرف وقتل

عام وحشت‌آوری نمودند .

بعد از میلاد

۱۰۹۹ **صلیبیون** به بیت‌المقدس حمله کرده آنرا تصرف و سلطنت لاتینی اورشلیم را بنا نهادند .

۱۱۰۹ شهر های قیصریه، طرابلس ، تیر،وسیدون بدست صلیبیون افتاد و جنگهای دائمی بین صلیبیون و مسلمین (فاطمیان در مصر و سلاجقه بور و زنگی و اورتوکید درآسیای صغیر و در پایان با صلاح‌الدین سلطان مصر) برقرار بود .



کاشی دیواری مینائی باکتیبه برجسته، شهرالله المبارك (قرن‌هفتم هجری)



بخورسوز مفرغی (قرن‌ششم‌هجری)

تجدید قدرت خلفا و انقراض ایشان: در اوایل قرن ۱۲ بواسطهٔ اختلاف‌بین امرا و سلاطین‌کوچك سلجوقی‌که در ایالات مختلف امپراطوری مستقلا حکومت میکردند وبسبب توسل‌هریك بخلیفه‌برای‌تصویب حقانیت‌حکومت‌خوداتفاق‌افتاد، باردیگرخلفانفوذ و قدرتی در امور سیاسی وکشوری درعراق وبین‌النهرین وفارس بدست‌آورده وقدرت‌روحانی را نیزکه از زمان خلیفهٔ وثیق (۸۴۷) ازکف رفته بود بازیافتند ولی در سال ۱۲۵۸ پس از فتح بغداد به دست هلاکوی مغول و قتل مستعصم خلیفه ، دستگاه خلفا کاملاً بر چیده شد .

(سوم)- سلطنت مغول ودورهٔ فئودالیسم

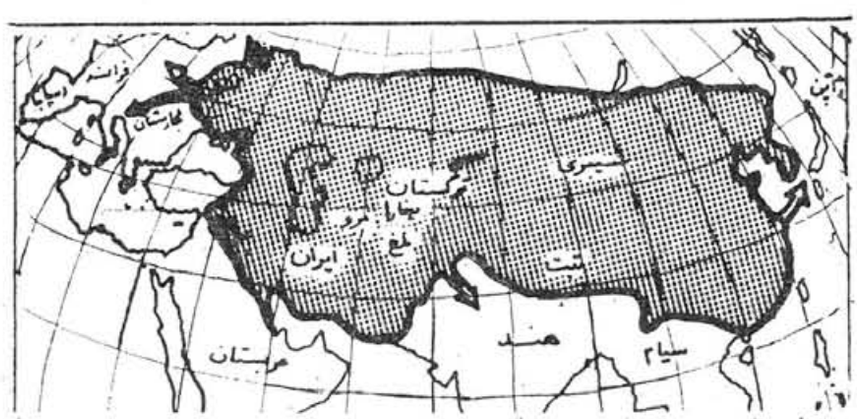
۲۷۸ سال : (۱۲۲۱ - ۱۴۹۹ ب.م)

بانی سلطنت مغول **تموچین** است که مقیم جنوب سیبری بوده از طریق راهزنی و تاراج وخونریزی، و حمله به شهرهای مرزی چین بریاست قبایل وحشی مغول رسید وخود را **چنگیزخان** بمعنی خان فاتح لقب داد و بنای کشورگشائی گذاشت و سپاه وی تا حدود باختر اروپا و لهستان پیشرفت و ازطرفی امپراطوری اسلامی شامل ایران را در معرض تاراج و قتل و غارت قرار داد و ایران را ویران نمود و شهرها وآبادیها و مزارع را بیابان و بی‌سکنه کرد . حملهٔ او بزرگترین فاجعهٔ سرزمین ایران محسوب میشود . پس‌از وی امپراطوری مغول بین اخلاف او تقسیم شد و بنام **ایلخانیان** و اسامی دیگر در نقاط مختلف ایران بصورت فئودالیسم یا ملوك‌الطوایفی حکومت کردند .

تمدن و فرهنگ و ادبیات در دوره مغول

حملات پی‌درپی مغول و تاتار که در سه قرن ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ میلادی بوقوع پیوسته در واقع بزرگترین مصیبت و بلائی است که در طی پنجهزار سال تاریخ برسرزمین ایران واردآمد و حتی حملهٔ عرب و اسکندر هم از لحاظ خسارت مادی ومعنوی وویرانی وکشتار بدان پایه نمیرسد زیرا این اقوام خونخوار و وحشی و بت‌پرست و بدوی و چادرنشین بهیچ چیز ابقا نکرده‌اند و بهرجا دست یافته‌اند شهرها را ویران کرده و مزارع راآتش‌زده‌اند و محصول را از میان برده‌اند و انسانها را اعم از پیر و جوان و زن و مرد و حتی کودکان نوزاد قتل‌عام کرده سرزمین‌های آباد را مبدل به بیابان‌های بی‌سکنه کرده‌اند و اندکی رحم و مروت و احساسات بشری هم نداشته‌اند . دشمن تمدن بوده‌اند و بخصوص دو فقره حملات این گروه که یکی بوسیلهٔ چنگیز در اوایل قرن ۱۳ انجام شده و معمولاآن را **حملهٔ مغول** مینامند و دومی در اواخر قرن ۱۴ از طرف تیمورلنگ بوقوع پیوسته و به **حملهٔ تاتار** شهرت دارد بزرگترین لطمه رابرپیکرجامعهٔ ایرانی ازهرجهت واردساخت. با این حال همان جهل و نادانی و بدویت این کشورگشایان ومهاجمین سبب نجات‌ادبیات و تمدن و فرهنگ نوین ایران گردیدکه بعد از اسلام بوجودآمد ، و بتدریج راه پختگی

و تکامل گرفته بود و همان سببی که باعث حفظ بقایای تمدن باستانی ایران پیش از اسلام گردید در این دوره نیز باعث نگاهداری تمدن و زبان و ادبیات در حال پرورش ایران بعداز اسلام گردید بدینمعنی که احتیاج مبرم و اجتناب‌ناپذیر فاتحین مغول به اشخاص بصیر و دانشمند وآزموده و متمدن برای ادارهٔ امور ایالات وکشورهای امپراطوری ، آنها را مجبور کرد که معدودی افراد دانشمند وآزمودهٔ ایرانی را بقتل نرسانند وآنهارا بعنوان وزیر و دبیر خویشتن و حکام ایالات وولایات یا معاونین ودبیران حکام نگاهدارندوهمین افراد نه‌تنها عامل اصلی تمشیت و ادارهٔ امور دولت وحکومت مغول گردیدند بلکه درترقی علوم و فنون و ادبیات و معماری کوشیده و بعضی از ایشان مانند **رشیدالدین فضل‌الله** وزیر **غازان‌خان** اصلاحات کلی درامورقضائی ومحاکمات ومالیهٔ کشوروتأسیس چاپارخانه‌های دولتی و راهداری و ایجاد امنیت و توحید اوزان و مقادیر و تعیین عیار زروسیم در سکه‌ها نمود و مدارس وکتابخانه‌ها و مساجد و ابنیه و حمامها ساخته شد . معهذا غالب این وزرا ودانشمندان بزرگ درپایان بواسطهٔ تحریکات درباری وتحریکات زنان ازطرف شاهان مغولی بقتل رسیدند . فن معماری نیز در این زمان ترقی کرد وآثاری چند از این دوره باقی ماند از قبیل گنبد **سلطان محمد خدابنده** در سلطانیه ـ و **مسجد گوهرشاد** در مشهد



نقشه‌امپراتوری مغول

ادبیات نیز دراین زمان روبه ترقی‌نهاد. غالب سلاطین‌مغول مذهب اسلام‌را پذیرفته و ترویج کردند . و شعرا و ادبا و نویسندگان و مورخین معروف در این عصر میزیسته‌اند که‌آثاری گرانبها از ایشان باقی مانده است اما باکمال تأسف سرنوشت بعضی از ایشان نیز کمتر از وزرای ایرانی خدمت‌گذار مغول نبود و با خنجر و شمشیر مغولان به قتل رسیده‌اند.

مورخین و تذکره نویسان عصر مغول :

خواجه نصیرالدین طوسی وزیر هلاکو ـ صاحب اخلاق ناصری ـ **عطاملك جوینی** ـ منشی هلاکو صاحب تاریخ جهانگشا ـ **محمد عوفی** مؤلف **لباب‌الالباب** (تذکرهٔ ۳۰۰ شاعر ایرانی پیش از سعدی) .

رشیدالدین فضل‌الله وزیرغازان‌خان صاحب جامع‌التواریخ. وی وهم پسرشانزده ساله‌اش بدست ابوسعید جانشین غازان‌خان کشته شدند و اموالشان نیز تاراج شد .

حمدالله مستوفی قزوینی صاحب نزهةالقلوب‌وتاریخ گزیده. وی نیز بدست‌مغولان بقتل‌رسید.

شعرا و نثرنویسان دورهٔ مغول:

شیخ فریدالدین عطار که صاحب تألیفات بسیار است .

جلال‌الدین رومی (مولوی) صاحب کتاب‌معروف مثنوی که ازشاهکارهای‌ادبیات و فلسفه است و دیگر دیوان شمس تبریزی اوکه شاهکار عرفان است . مثنوی وی بوسیلهٔ نیکولسون در ۸ مجلد با تفسیر بزبان انگلیسی ترجمه شده است . وی اصلا از اهل بلخ بوده ولی بعداً مقیم قونیه (در ترکیه امروز) شده وآرامگاه او نیز در قونیه است .



تصویرخیالی‌جلال‌الدین رومی (مولوی)

سعدی شیرازی ـ وی در زمان حملهٔ چنگیز در آغاز شباب‌بوده و ۲۳ سال داشته است . معروفترین‌آثار اوگلستان و بوستان است و از بزرگترین شعرای خاور محسوب میشود غالب‌آثار او بزبانهای دیگر ترجمه شده است .

ابن‌یمین ، خواجوی‌کرمانی، عبید زاکانی شاعر لطیفه‌گوی و صاحب موش وگربه‌که بزبانهای خارجی ترجمه شده ، **سلمان ساوجی وحافظ شیرازی** غزل سرای‌بزرگ و عارف مشهورکه ایرانیان با دیوان او فال میگیرند و **شاه نعمت‌الله ولی** مؤسس فرقهٔ صوفیه نعمت‌اللهی عموماً معاصر تیموریان بوده‌اند .

ملاحظه میشودکه غالب شعرای دورهٔ مغول و تاتار بطرف تصوف و عرفان گرویده و متوسل و مستظهر بعوامل سری و غیبی یا متافیزیکی گردیده‌اند و غالب اشعار ایشان مبلغ و مروج گوشه‌گیری و عزلت و انزوا و قناعت و فقر وبی‌نیازی و بیزاری از دنیا بود . معلوم است‌که سبب این نکته هم زمانی‌آنها با عصر ظلم و جور وآدم‌کشی وقساوت

و بی‌رحمی‌های مغولان بوده است . و در واقع تصوف و تشکیل مجامع سری و مرموزدینی و روحانی و عرفانی بمنظور اقناع و تسلی درونی در برابرظلم و فشار رواج بسیارداشت و سلك‌ها و فرقه‌های متنوع صوفیه در این عصر پایه‌گذاری شد وبعدها در دورهٔ صفوی‌قوت گرفت .

کرونولوژی دورهٔ مغول

بعد از میلاد

۱۰۲۶ تموچین (۱۱۶۲–۱۲۲۷) رئیس ایل معول، خود راچنگیزخان فرمانروای کل وخان بزرگ مغول اعلام کـرد و شمال چین را بتصرف آورد و سپس آذربایجان و گرجستان‌ونواحی شمال ایران را درمعرض تاخت وتاز وتاراج قرارداد.

۱۲۱۹ **چنگیز** بهماوراءالنهر حمله‌کرد وبخارا راگرفت.

۱۲۲۰ چنگیز سمرقندراتسخیر نمود، خراسان راتاراج کرد، مرو ونیشابور راویران ساخت وسپس هرات رابتصرف آورد.

۱۲۲۳ **جنگ‌رود کالکا** درجنوب روسیه: سپاه مغول‌نیروی قوی‌روسها وکـومان‌ها راشکست داد، وپس از پیروزی بطرف آسیا برگشتند.

-۱۲۳۷

۱۲۴۰ سپاه مغول بسرکردگی **باتو** و بفرمان **سوبوتائی** تمام سرزمین جنوبی و مرکـزی روسیه را فتح‌کردند و به لهستان و مجارستان (هونگـری) حمله نمودند .

۱۲۴۱ مغولها در جنگ لیگ‌نیتز **(والشتات)** در **سیلیزی** ، لهستانیهـا و ژرمنها را شکست دادند و سپاه دیگری از ایشان مجارستانیهـا را شکست داد . اما بسبب رسیدن خبر مرگ‌خان بزرگ مغول درچین ، **باتو** از باختر اروپا مراجعت‌کرد و در راه مراجعت ، بلغارستان ، **والاشیا** ، و **مولداوی** را مطیع ساخت و بـالاخره در سرزمین جنوبی ولگا اقامت‌گزید و یك دولت مغولی (تاتاری) در آنجا بنام‌گروه زرین تأسیس‌کرد و **سارائی** را پایتخت خود قرارداد. سران این‌گروه نیز مانند سایر خانهای مغول تا هنگام مرگ کوبلای‌خان (۱۲۹۴) خود را تابع قدرت مرکـزی خان بزرگ میشمردندکـه مقر وی ابتدا در **قره‌قوروم** مغولستان بود وبعد به **خان بالغ** (**پی‌پینگ** امروزی چین) انتقال یافت .

بعد از میلاد

۱۲۴۵-
۱۲۵۳ تاراج وکشتار و تخریب مغولان در بین‌النهرین وآذربایجان و ارمنستان و گرجستان ادامه داشت .

۱۲۵۶-
۱۳۴۹ **سلطنت ایلخانیان (چنگیزیان) در ایران**

چنگیز در ۱۲۲۷ در ترکستان درگذشت . وی در حیات خود حوزهٔ امپراطوری را بین چهار فرزند خویش تقسیم‌کرد و **اوکتای** پسر سوم خود را به سمت **قاآن** یعنی خان‌اعظم یا رئیس برسایرین گماشت : **قوریلتا** یا شورای امرا و اعیان مغول نیز در ۱۲۲۹ تشکیل شد و اوکتای را بسمت قاآن شناخت و اوکتای این موفقیت راجشن گرفت و بافتخار این پیروزی چهل‌دختر باکره و زیبای مغولی را باتعداد زیادی اسب قربانی کردند تا در جهان دیگر بخدمت چنگیزخان درآیند و او را تنها نگذاشته باشند . سپس اوکتای سه اردو یکی به روسیه و یکی به چین شمالی و یکی بسرکردگی **جرماغون** برای دفع **جلال‌الدین ملکشاه** بایران فرستاد تا تاراج وکشتار را از سر گیرند . جلال‌الدین‌که از هند بایران برگشته بود و هنوز با سپاه مغول می‌جنگید شکست‌خورد و فرارکرد و بوسیلهٔ یکی ازکردان درکردستان بطمع لباس و پولش در ۱۲۳۱ کشته شد .

جرماغون‌آذربایجان و ارمنستان وگرجستان را تاراج و ویران‌کرد .

۱۲۴۱ اوکتای درگذشت و شورای تازهٔ قوریلتا **گیوك** پسر اوکتای را جانشین او کردکه سلطنتش چندان طولی نکشید و درآن مدت هم در واقع مادرش **توراکیناخاتون** سلطنت میکرد .

تولی یکی از پسران چنگیز برمغولستان حکومت میکرد .

۱۲۵۱ منکو پسر تولی پس ازگیوك بسمت قاآن انتخاب شد .

۱۲۵۲ **منکوقاآن** دو اردو از قره‌قوروم مقر خود بسرکردگی دو برادرش اعزام داشت یکی بسرکردگی اوقوبیلای به چین و دومی بسرکردگی **هولاکو** با یکصد و بیست هزارنفر با تجهیزات و ادوات محاصره ومتخصصین‌چرخ‌انداز و نفت‌انداز چینی برای تسخیر قلاع و قلع و قمع اسمعیلیان و برانداختن خلافت بطرف ایران فرستادکه سه‌سال و نیم درراه بودند تا بحوزهٔ‌مأموریت خود رسیدند . این شعبه از پسران تولی یعنی هلاکو واخلاف وی‌که متجاوز از یك قرن در ایران حکومت‌کردند به **ایلخانیان** معروفند .

۱۲۵۶ هلاکو قلعهٔ الموت مرکز اسمعیلیان را تسخیرکرده **رکن‌الدین‌خورشاه** آخرین رئیس فرقه تسلیم شد و هولاکو اسمعیلیان را قتل عام‌کرد. **خواجه**

نصیرالدین طوسی دانشمند معروف ایرانی که در قلعهٔ الموت بود ازآن پس بخدمت هولاکو درآمد ـ هولاکو **عطاملك جوینی** وبرادرش خواجه **شمس‌الدین** را نیز بسمت دبیری در خدمت خودآورد واین رجال درواقع مربی هولاکو و حکمرانان مغول گردیدند وآنها را در ادارهٔ امورکشور رهبری کردند .

هولاکو**مراغه** راپایتخت قرارداد ودرآنجا خواجه نصیرالدین رصدخانه‌وکتابخانه‌ئی تأسیس نمود .

بعد از میلاد

۱۲۵۸ هولاکو بغداد را دوماه محاصره کرد . **مستعصم**آخرین خلیفه عباسی تسلیم شد و بدست هولاکو بقتل رسید .

سپاه هولاکو مدت یك هفته بغداد را تاراج کردند و یك میلیون از سکنه را قتل عام نمودندکه عدهٔ زیادی از علما و دانشمندان درزمرهٔ آنها بودند و در این واقعه، بزرگترین لطمه به تمدن اسلامی واردآمد . هولاکو زن مسیحی داشت‌که **دوقوزخاتون** خوانده‌میشد لذا ازعیسویان حمایت میکرد :

مملوك‌های مصر معروف به **بایبار** در**آین‌جالوت** شکست فاحشی بمغولان داده فتوحات‌آنها جلوپیشروی مغول راگرفت و مصر را از تجاوزآنها نجات داد و این‌کشور آخرین پناهگاه و حافظ فرهنگ و تمدن اسلامی گردید . **بایبارها** احمد ابوالقاسم از احفاد خاندان عباسی را بمصر دعوت‌کرده اورا بنام **المستنصرلله** خلیفه خوانده وبدین طریق خلافت را احیاکردند .

هولاکو در ۱۲۶۵ در جزیرهٔ طالا در دریاچهٔ رضائیه‌که اموال و ذخائر بسیار اسمعیلیه و خلافت را جمع‌کرده بود درگذشت و همانجا دفن شد .

-۱۲۶۵

۱۲۸۱ **سلطنت اباقاخان** پسر ارشد هولاکو :

وی با مریم معروف به **دسپنا** دختر **پالئولوگوس** امپراطور روم شرقی ازدواج کرد و با پاپ وکشورهای مسیحی روابطی برقرار ساخت .

اباقا خوارزم و ماوراءالنهر را تاراج و ویران‌کرد .

۱۲۷۱ **مارکوپولو** (۱۲۵۶-۱۳۲۳) سیاح و جغرافیدان معروف ونیزی بایران سفرکرد .

-۱۲۸۱

۱۲۸۴ سلطنت **نگودار اوغلو** برادر اباقاکه ابتدا مسیحی شده نام **نیکولاس** بر او نهاده شد ؛ و بار دیگر مسلمان شده خود را احمد خواند .

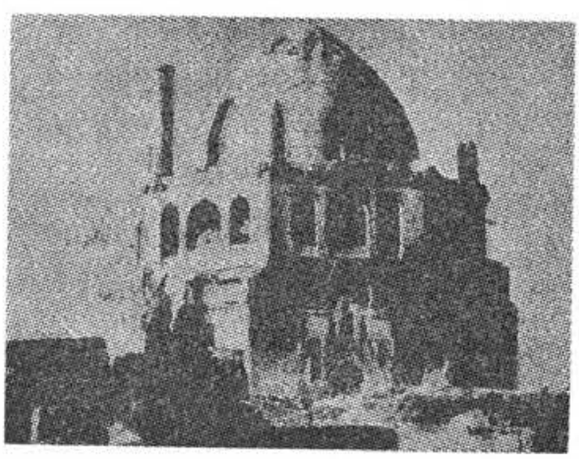
بعد از میلاد

۱۲۸۴-۱۲۹۱ سلطنت **ارغون** پسر بزرگ اباقاخان

۱۲۹۱-۱۲۹۵ سلطنت **گیخاتو** برادر ارغون

۱۲۹۴ **مارکوپولو** که به چین رفته بود بایران برگشت تا باروپا برگردد . سفر وی وبازرگانان ونیزی که همراه اوبوده‌اند ۲۵ سال طول کشیده، در۱۲۹۵ به میهن خود بازگشتند.

۱۲۹۵-۱۳۰۴ سلطنت **غازان‌خان** معروف بـه ایلخان بزرگ پسر ارغون . وی بمـذهب اسلام درآمـده خود را محمود نام گذاشت و براهنمائی وکمك وزیر ایـرانی خود **خواجه رشیدالدین فضل‌الله** اصلاحات بسیاری در ادارهٔ امورکشور و تجدید نظر در قوانین عرفی و قضائی و مالیات بعمل‌آورده مدارس‌ومساجد وکتابخانه‌ها و حمامها و ابنیه و عماراتی بنانمود ، تبریز را پایتخت خـود قرار داد ، به سوریه لشکرکشید و شکست خورد با اروپا روابط را محفوظ داشت .



آرامگاه سلطان محمد خدابنده (الجایتو) در سلطانیه

۱۳۰۴-۱۳۱۶ سلطنت **سلطان محمد خدابنده** برادر غازان‌خان که نام اصلی او الجایتو بود و مسلمان شده خـود را محمد نامید ـ وی نیز با سلاطین اروپا مـکاتبه داشت . گیلان که از هجوم مغول تاآنزمان محفوظ مانده بود با تلفات‌بسیار مغولان فتح شد . شهر سلطانیه را او بنانمود و پایتخت قرارداد ، ودرهمانجا نیز مدفون است .

بعد از میلاد

۱۳۱۶-
۱۳۳۵ سلطنت **ابوسعید** پسر خدابنده که ۱۲ ساله بسلطنت رسید و فرزندی نداشت پس از او غالب امرا و حکام ولایات و ایالات خود را مستقل نموده تا پانزده سال یکنفر را بنام ایلخان مینامیدند که دست نشانده و آلت دست آنها بودوپس ازاین دوره سلسله‌های کوچك مغولی بصورت ملوك الطوائف در نقاط مختلف ایران حکومت داشتند .

۱۳۳۵-
۱۳۴۴ **دورهٔ ایلخانان دست نشانده .**

اسامی این ایلخانان بشرح زیر است ـ ارپا ـ موسی ـ محمد ـ طغاتیمور ـ جهان تیمور ـ ساتی‌بك (شاهزاده خانم) ـ سلیمان نوشیروان (آخرین ایلخان)

۱۳۴۴-
۱۳۴۹ **سلطنت نوشیروان** آخرین ایلخان در ایران .

فهرست سلسله‌های کوچك مغول که در دورهٔ ملوك الطوایفی در ایران حکومت کرده‌اند :

۱۳۳۵-۱۳۴۹

(الف) ایلخانیان دست نشانده

۱۵ سال .

۱۳۳۶-۱۴۱۱

(ب) سلسلهٔ جلایر

۷۵ سال .

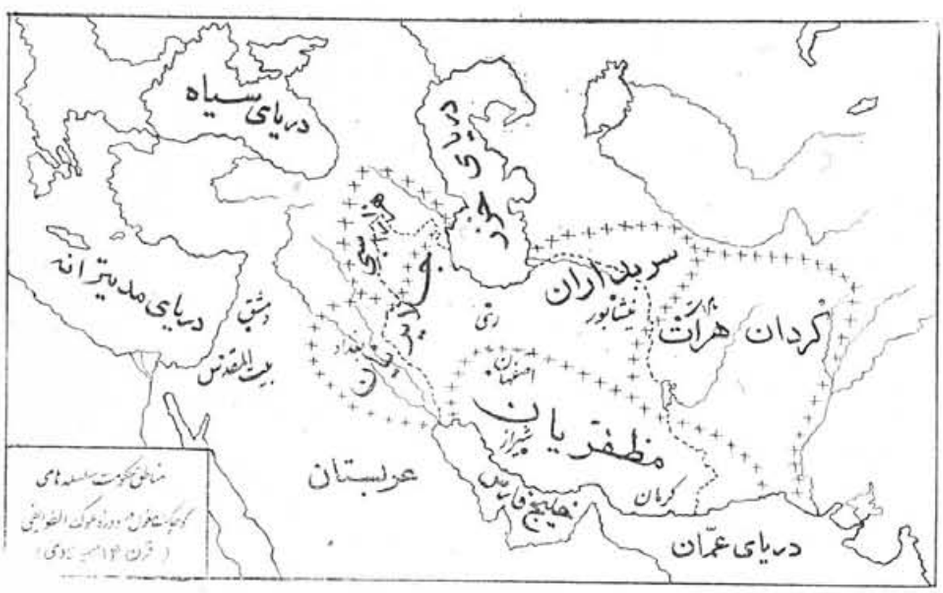
درآذربایجان و موصل و دیار بکرو عراق ـ پایتخت ایشان بغداد بود ـ بانی سلسله **شیخ حسین ایلکانی** یا جلایری از سرداران مغول بوده . جانشینان وی : **سلطان اویس** پسر او ـ **سلطان حسین** پسر اویس (پایتخت او تبریز) ـ **سلطان احمد** برادر حسین که از تیمور شکست خورده به مصر گریخت ـ **سلمان ساوجی** معاصر همین سلسله بوده است.

بعد از میلاد

۱۳۹۳-۱۳۱۳

(ج) مظفریان یا آل مظفر

۸۰ سال در فارس و کرمان و اصفهان و چندی نیز در بغداد و تبریز سلطنت کردند. بانی این سلسله **مبارزالدین محمد** از سرداران مغول و نوادهٔ امیرمظفرسردارخراسانی کـه پس از مرگ ابوسعید در یزد علم استقلال برافراشته کرمان و فارس را گـرفته **شیخ ابواسحق** فرمانروای دانشمند فارس را بقتل رسانید واصفهان ولرستان را ضمیمهٔ حکومت



حود نمود و شیراز را پایتخت قرار داد . جانشینان وی : **شاه شجاع** کـه با برادرش شاه محمود مقیم اصفهان وسایر برادرزادگان درکرمان و شوشتر در جنگ بود . **شاه‌منصور** کـه با امیر تیمور جنگید و شکست خورده کشته شد و تمام افراد خاندان وی، نیز بـدست تیمور به قتل رسیدند . **حافظ** شاعر معروف و غزل سرای شیراز معاصراین شاهان بوده است .

۱۳۸۹-۱۲۴۵

(د) کردآن هرات یا آل کرت

(ازنژاد غورها) درهرات وسیستان (۱۴۴ سال) بانی‌این سلسله **ملك شمس‌الدین محمد** کـه درزمان هلاکوحکومت هرات داشت. جانشینان وی: **پسرش رکن الدین -**

فخر الدین معاصر غازان خان ـ آخرین ایشان پیر علی بدست تیمور زندانی شده به قتل رسید .



تصویر خیالی حافظ شیرازی



آرامگاه حافظ درشیراز

بعد از میلاد

۱۳۸۱-۱۳۳۷

(ه) سربداران

(فرقه‌ئی از دراویش ایرانی (۴۵ سال در سبزوار و دامغان و سمنان) بانی سلسله: **عبدالرزاق.** جانشینان وی صاحب‌اهمیت چندانی نبوده و درکشمکش با یکدیگر عمر گذرانیده‌اند .

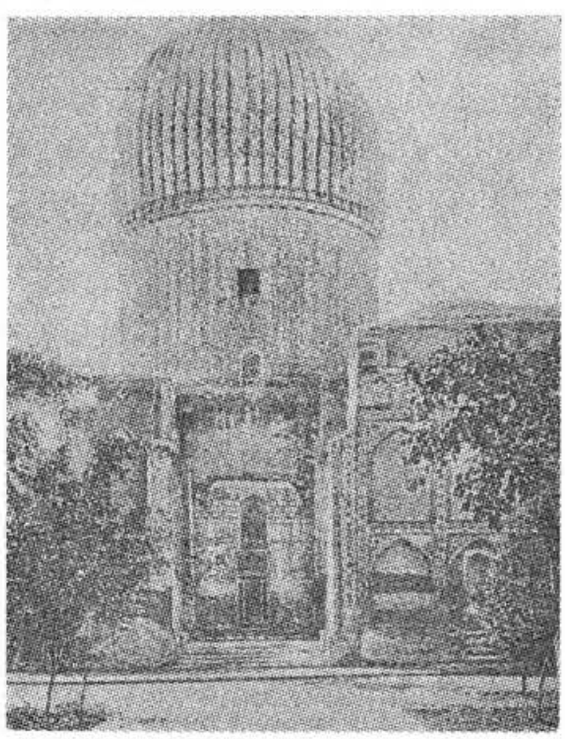
(۱۹) سلسله تیموریان وفئودالیسم

(الف) سلسلهٔ تیموریان

۱۳۰ سال (از ۱۳۶۹ هنگام فتح خوارزم تا ۱۴۹۹) .

۱۳۶۹-۱۴۰۵ **سلطنت تیمور** معروف به تیمور لنگ : اجداد وی با اجداد چنگیزخویشی

داشته و از یك نژاد بوده‌اند . وی ابتدا در خدمت امرای محلی قرار گرفته برتبهٔ وزیری **چغتای خان سویور قاتمیش** رسید و قدرت را از دست ارباب خود گرفته آغاز کشور گشائی نمود ـ مردی بود بسیار سفاك و بیرحم و خونریز و عاشق قتل و ویرانی . بهرشهری که رسید قتل عام کرد وازکله‌های مردم مناره‌ها ساخت و شهرها و مزارع را ویران نمود و پس از خونریزی چنگیز بزرگترین بلائی بود که برسرزمین ایران نازل گردید ـ اما جانشینان و اعقاب وی برعکس به جمع‌آوری ادبا و فضلا و دانشمندان و اهل فن وهنر و صنعت پرداخته آنها را تشویق نموده و بمرمت وآبادی شهرها و جبران خسارتها پرداختند که البته بمراحل سابق بازنگشت ولی دنبالهٔ پیشرفت دانش و هنر و ادبیات گرفته شده منقطع نگردید .



گور امیر (مقبرهٔ تیمور) در شهر سمرقند

بعد از میلاد

۱۳۸۰ـ
۱۳۸۷ تیمور ، خراسان وگرگان و مازندران و سیستان و افغانستان و فارس و آذربایجان وکردستان را فتح کرده حکام و امرا و سلسله‌های کوچك محلی‌را برانداخت و به تخریب و تاراج شهرهای ایران پرداخت و همه‌جا ازسرهای کشتگان مناره‌ها ساخت .

۱۳۹۱ تیمور شکست قاطعی به **تقتامیش** (توقتمیش) خان مغولی **گولدن هورد** روسیه وارد ساخت .

بعد از میلاد

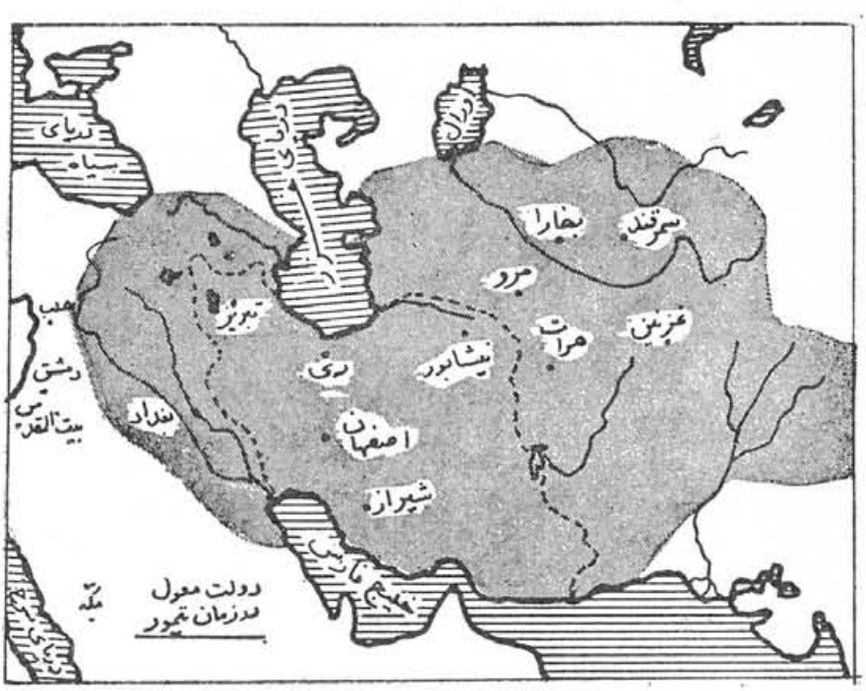
۱۳۹۳ تیمور شهر بغداد و بخشی از بین النهرین را تصرف کرده کشتار بسیار در آن شهر نمود و آن شهر را غارت کرد .

۱۳۹۷ تیمور به هندوستان حمله نمود و پس از شکست افغانها از رود سند گذشته بنای کشتار و غارت و رفتار وحشیانه در آن سرزمین گذاشت و نزدیك دهلی یکصد هزار اسیر را از دم شمشیر گذرانید .

۱۴۰۲ تیمور متوجه آسیای صغیر شده در جنگ انگورا (آنکارای امروز) با یزید سلطان عثمانی را شکست داده اسیر کرد و سرزمین آناطولی را تسخیر کرده تا **نیکائیا** و **بروسا** پیشروی کرد . امپراطوری عثمانی نزدیك به انحلال و در خطر انقراض افتاد .

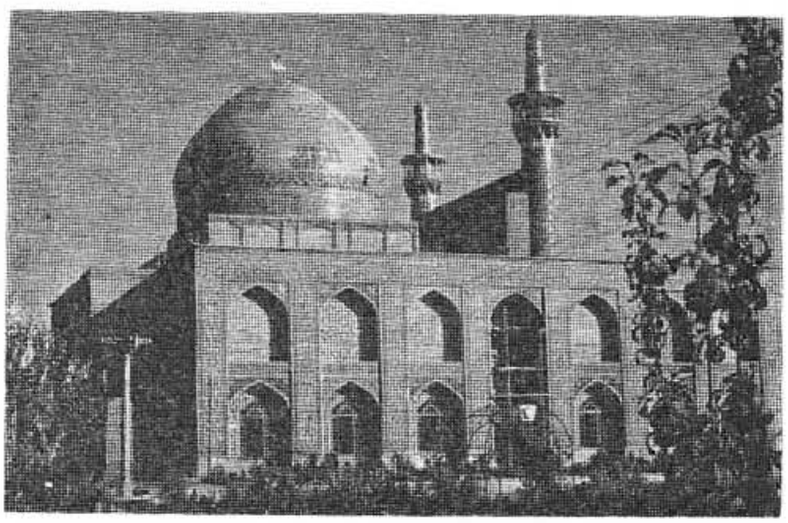
۱۴۰۴ تیمور در سمرقند دویست هزار سپاه مجهز تدارك دیده عازم تسخیر چین و برانداختن نسل چنگیز گردید ولی در ماوراءالنهر در ۷۱ سالگی درگذشت و در سمرقند دفن شد (۱۴۰۵)

امپراطوری تیمور پس از او تجزیه شده و اعقاب وی تا سال ۱۵۰۰ تنها بر ماوراءالنهر و خاور ایران حکومت داشتند و بار دیگر ملوك الطوایفی در سرزمین ایران بر قرار گردید .



۱۴۰۵-۱۴۴۷ **سلطنت شاهرخ** پسر چهارم تیمور که دربار باشکوهی ترتیب داده دانشمندان

و شعرا و هنرمندان را در دربار خود جمع نمود ـ هرات را پایتخت خـود قرارداد. زن او مسجد گوهرشاد معروف را در مشهد بنا نمود .



مسجد گوهرشاد در مشهد

بعد از میلاد

۱۳۹۰-۱۴۲۰ شاهرخ چندمرتبه با **قره‌یوسف** رئیس سلسلهٔ ترکمنهای **قره‌قوینلو** امرای مستقل آذربایجان و شیروان و سایر مناطق شمال باختری ایـران جنگیده و عاقبت او را شکست داد و قره‌یوسف ناگـزیر شد سلطنت تیموری را شناخته خراج گذار شاهرخ گردد .

۱۴۲۰-۱۴۴۹ **سلطنت الغ بیگ** ـ پسرشاهرخ: وی شخصاً ستاره‌شناس بوده و به علم نجوم علاقه داشت و در سمرقند رصد خانهٔ بزرگی ساخت و تقویمـی از سال شمسی تهیه کرد که تا اوایل قرن چهارده هجری قمری (۱۳۰۳) در ایران معمول بود . وی بدست پسرش **عبداللطیف** اسیر شده وکشته شد .

۱۴۵۲-۱۴۶۹ **سلطنت ابوسعید** آخرین پادشاه سلسلهٔ تیموری که ابتدا سمرقند را تصـرف کرد و عبداللطیف را شکست داده سلطنت را قبضه کرد . عبداللطیف کشته‌شد. در زمان وی **اوزون حسن** رئیس ترکمانان آق‌قوینلو درآذربایجان قـدرت یافته ابوسعید را اسیر کرده بدست **یادگار میرزا** پسر شاهرخ و **گوهرشاد** زن شاهرخ داد و ایشان سر او را بانتقام بریدند .

بعد از ابوسعید ایالات امپراطوری تیموری دست بطغیان زده اعقاب تیمور نیز برسر سلطنت در جنگ وکشمکش با یکدیگر بسر بردند و تنها **سلطان احمد** پسر ارشدابوسعید

در بخـارا ۲۷ سال سلطنت کرد و **سلطان حسین بایقرا** کـه دانش دوست و مشوق سخنوران بود تا چندن ابتدا در استرآباد (گرگان) و بعد در هـرات امارت داشت و پس از وی سلطنت تیموری منقرض گشت. **جامی** شاعر معروف و **میرخوند** و **بهزاد نقاش** در خدمت او بوده‌اند .

بعد از میلاد

-۱۳۷۸

۱۴۶۹ **حکومت سلسلهٔ قراقوینلو** (یعنی صاحب گوسفندان سیاه) ازنژاد ترکمن در ارمنستان وآذربایجان و شیروان ـ ۹۰ سال حکومت کردند .

-۱۳۹۰

۱۴۲۰ قره‌یوسف رئیس ایل قراقوینلو بطوریکه دربالا گفته‌شد با شاهرخ جنگیده و شکست خورد وخراج گذارشاهرخ گردید. شاهرخ خواهر قره‌یوسف موسوم به گوهرشاد را بزنی گرفت .

-۱۴۲۰

۱۴۳۸ **حکومت قره‌اسکندر** پسر قره‌یوسف در شمال باختری ایران .

-۱۴۳۸

۱۴۶۷ **حکومت جهانشاه** پسر قره‌اسکندر در مناطق مزبور .

۱۴۵۸ تصرف هرات بـه دست جهان شاه ـ وی در ۱۴۶۷ بـه دست اوزون حسن کشته شد .

-۱۳۷۸

۱۵۰۲ **حکومت سلسلهٔ آق‌قوینلو** (یعنی صاحب گوسفندان سفید) از نژادترکمن در بین النهرین و دیار بکر و باختر ایران وکـردستان تا ارمنستان ۱۲۴ سال .

بانی‌این‌سلسله **قره‌عثمان بیك ایلوك** (درگذشت ۱۴۳۵) جد اوزون‌حسن بوده است .

-۱۴۵۲

۱۴۶۹ **سلطنت اوزون حسن .**

۱۴۶۱ **اوزون حسن** از ترکهای عثمانی شکست خورد ولی گـرجستان به دست او افتاد .

۱۴۶۷ اوزون حسن جهانشاه قره‌قوینلو را شکست داد و قلمروحکومت اورا تصرف کرد .

۱۹۶۴ شکست او اسارت ابوسعید آخرین پادشاه تیموری بدست اوزون حسن وبسط

قدرت و توسعهٔ قلمرو حکومت حسن در ایران . دولت و نیز در ایتالی با اوزون حسن برضد ترکهای عثمانی پیمان بست .

بعد از میلاد

۱۴۷۳ اوزون حسن بسبب نرسیدن توپخانه ارسالی و نیز در **جنگ ترچان** ازسلطان محمد دوم شکست خورد.

۱۴۷۸ اوزون حسن درگذشت ـ خلیل فرزندش پس‌ازششماه سلطنت کشته شدویعقوب برادر حسن جانشین او شد .

۱۴۷۸-

۱۴۹۰ **سلطنت یعقوب** کـه حکومت خود را قدرت داد . شیخ حیدر فـرزند شیخ جنید پدر شاه‌اسمعیل‌صفوی بدست یعقوب کشته شد .

۱۴۹۲-

۱۴۹۷ **سلطنت رستم‌شاه:** پس‌از یعقوب مدت دوسال زدوخوردهای‌شدید بین اعقاب ایشان و در درون قبیله جریان داشت تا بالاخره رستم‌شاه بسلطنت رسید وپس از مرگ وی بسبب ظهور سلسلهٔ صفوی و پیشرفت ایشان برهبری شاه اسمعیل هرج و مرج درکشورآق‌قوینلو رواج داشت و این سلسله بالاخره بدست شاه اسمعیل صفوی منقرض گشت .

۱۵۰۸ سلطنت **اوزبك :** قبیله‌ئی از مغولان بنام **شیبانی** از نسل **شیبان** پسر پنجم جوجی‌فرزند چنگیز که سرزمین بین‌کوههای اورال ورودهای ایلك وایرقیز از طرف باتو در ۱۲۴۰ بعنوان تیول بآنها واگذار شده بود، سلسله‌شیبانی را در خوارزم و ترکستان و سمرقند و بخارا و سایر مناطق ماوراءالنهر بنام سلطنت اوزبك (نام‌خان بزرگ قبیلهٔ تاتارزرد) تأسیس نمود و تاهنگام‌تصرف این مناطق بدست روسهای تزاری یعنی در حدود چهار قـرن سلطنت داشتند و اعقاب‌آنها (خاندان امیر بخارا وخان خیوه) تابامروزدراین نقاط سکونت دارند .

۱۵۰۵ **سلطنت مغول در هند ـ** بابر پسر عمر شیخ میرزا پسرابوسعیدکه ازنسل پنجم تیمور بود و بجای پدر در ۱۲ سالگی بامارت فرغانه نشست پس‌ازچند کشمکش با عموها وسایرمدعیان امارت شکست‌خورده امارت فرغانه وسمرقند را ازکف داد وبا سپاهی عازم هند شده در۱۵۰۴کابل و در۱۵۲۴ لاهور را فتح‌کرده در **پائی‌پات** شکست قاطعی به ابراهیم شاه‌لودی داده دهلی‌واگرارا تصـرف و سلطنت مغول را در هند تشکیل داد (۱۵۲۶-۱۷۶۱) اعقـاب او **اکبر شاه** و **جهانگیر** و **شاه جهان** و **اورنگ زیب** تا حدود سه قرن

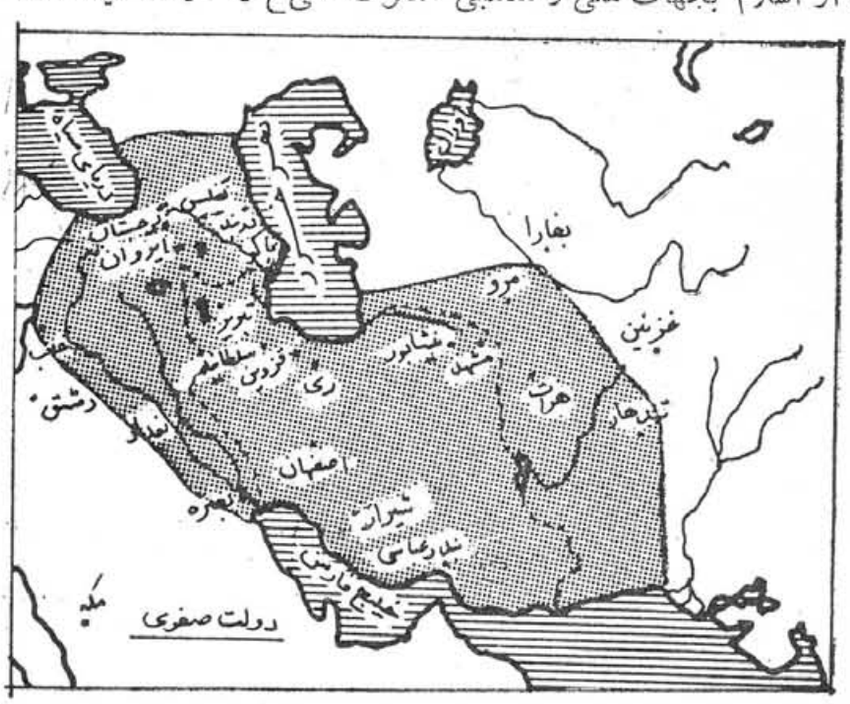
در هند سلطنت داشتند و پس‌از اورنگ زیب اختلافات داخلی و کشمکش بین مدعیان سلطنت باعث تجزیهٔ ایالات هند شده و هجوم اروپائیان بدان‌سرزمین آغاز گردیده بالاخره‌هندبصورت مستعمرهٔ انگلیس‌درآمد و سلسله‌مغول درهند منقرض گردید .

(چهارم) (۲۰) سلسلهٔ صفوی

۲۳۸ سال (۱۴۹۹ـ ۱۷۳۶)

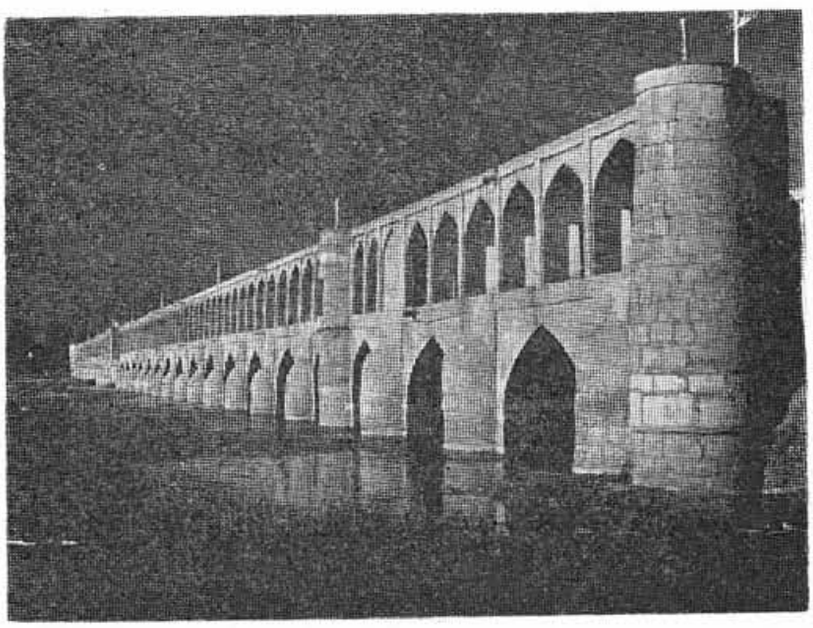
سیر تمدن و فرهنگ و مذهب و ادبیات و هنر در دورهٔ صفوی :

انتساب این سلسله به شیخ صفی‌الدین اردبیلی (۱۲۵۲ـ۱۳۳۴) و جه تسمیهٔ آن به سلسلهٔ صفوی است بعضی از مورخین نسبت شیخ‌صفی را به امام موسی کاظم(ع) برادر کوچك اسمعیل (امام اسمعیلیان) رسانیده وشاهان‌صفوی نیز خودرا ازاولاد علی‌میدانسته‌اند وچون ایرانیان بعد از اسلام بجهات ملی و مذهبی حضرت علی‌ع را دوست میداشتند نسبت باولاد



و احفادآنحضرت نیز ارادت میورزیدند . شیخ صفی‌الدین و بعد پسرش صدرالدین‌مریدان بسیاری درگیلان پیدا کردند . ایشان از عرفا بوده مؤسس فرقه‌ئی از تصوف درمیان قبایل ترك گردیدند و مذهب شیعه را ترویج و تقویت کرده و نفوذ پیروان ایشان در شمال‌باختری ایران و خاور و جنوب‌آناطولی بسط یافت . شیخ جنید پسر خواجه علی پسر صدرالـدین

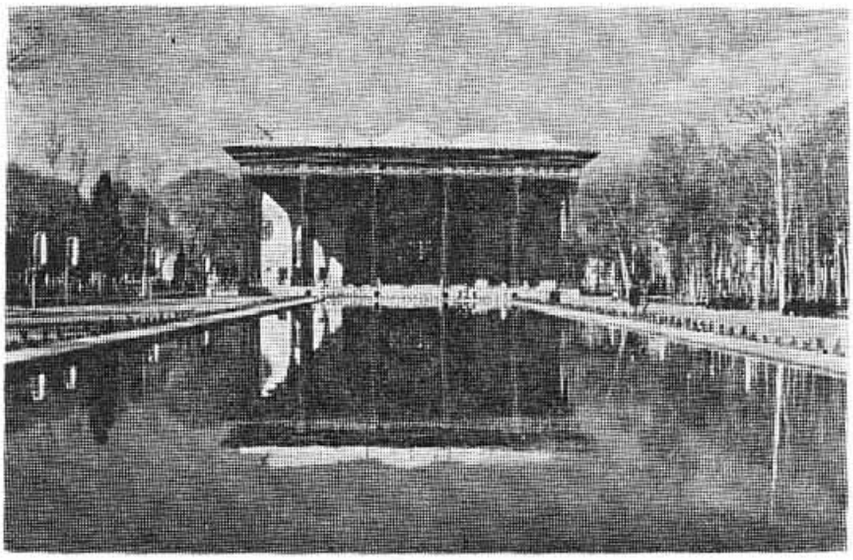
خواهر اوزون حسن را بزنی گرفت و برای افزودن قدرت سیاسی بقدرت روحانی حمایت اوزون حسن را بدینوسیله بدست‌آورد ، و پسرش شیخ‌حیدر دختر اوزون حسن‌را موسوم‌به **مارتا** که از زن یونانی داشت بزوجیت‌آورد و پیروان خود را بصورت افراد مسلح متشکل موسوم‌به **قزلباش** (یعنی‌صاحب عمامهٔ سرخ)درآورد. وی ازمارتاسه‌پسر یافت: **سلطانعلی، ابراهیم میرزا ، و شاه اسمعیل .**



سی‌وسه‌پل اصفهان ازآثار دورهٔ صفوی

این فرزند سوم مؤسس سلسلهٔ صفوی گردید . حیدر از یعقوب‌آق‌قوینلو شکست‌خورد وکشته شد . اسمعیل که پنهان بود پس‌از مرگ رستم‌شاه آشکارشده پروان خود راگردآورده آغازکشورگشائی نمود و اولین مرتبه بعداز اسلام موفق گردید وحدت ملی و تمرکز راتا درجه‌ئی در ایران برقرارکند و ملوك الطوایفی را براندازد و حکومتی متمرکز تشکیل دهدکه تادوقرن ونیم در خانواده خودش ودوقرن دیگر نیز پس‌از انقراض‌آن سلسله‌پایدار ماند . میدانیم که پس‌از اسلام باستثنای دوره‌های زودگذر سلجوقی و تیموری که‌آنهم‌وحدت ملی و مذهبی ایجاد نشده بلکه وحدتی سیاسی برای مدت‌کوتاه در امپراطوری برقرار گردید ، در بقیهٔ ادوار ، ایران صورت ملوك‌الطوایفی یا فئودالیسم داشته سلسله‌هائی که ظهورکردند هریك در بخشی از سرزمین ایران حکومت میکردند . بنابراین هدف مؤسس سلسلهٔ صفوی وجانشینان وی بیشترسه چیز بود: ((**اول**) پایان دادن به فئودالیسم **(دوم)** ایجاد وحدت ملی **(سوم)** ایجاد وحدت مذهب . چون درآنزمان مذهب بزرگترین حربه و وسیلهٔ پیشرفت سیاسی بود و در ایران اختلاف مذهب وجود داشته و بخصوص وجود دو فرقهٔ سنی و شیعه مانع ایجاد وحدت ملی میشد بعلاوه چون شاهان صفوی خود را از نسل امام موسی‌کاظم میدانستند هم خود را بیشتر مصروف رواج مذهب تشیع نموده‌آنرا مذهب

رسمی ایران اعلام کرده و بدینوسیله نه‌آنکه تنها توانستند وحدت ملی و تمرکز حکومت را برقرار سازند بلکه در برابر قدرتی عظیم در باختر ایران که بسرعت در حال نمو و گسترش بود یعنی دربرابر کشور گشائی ترکان عثمانی، بوسیلهٔ ایجاد تعصب مذهبی شیعه‌در مردم ایران ایستادگی کرده و استقلال ایرانرا حفظ کردند و چه بسا که اگر این سلسله ظهورنکرده بود ایران هم بخشی ازامپراطوری عثمانی قرار گرفته سرنوشت‌وتاریخ‌دیگری پیدا میکرد . شاهان صفوی در حقیقت تا درجه‌ئی مذهب و سیاست را توأم کرده و ریاست دنیوی و اخروی یا روحانی و سیاسی را در خود جمع‌آورده بودند .



چهل ستون اصفهان از آثار دورهٔ صفوی

ادبیات ـ بسبب‌آنکه شاهان صفوی قسمت اعظم توجه خود را به مسئلهٔ مذهب و دیگر به‌آبادی شهرها و راهها و پیشرفت صنایع مبذول میداشتند توجهی چندان بادبیات و بخصوص شعرونظم نداشتند. بنابراین ادبیات‌دردورهٔ ایشان روبانحطاط گذاشته شعرای‌درجهٔ اول مانند ادوار پیشین بوجود نیامد و بعضی از شعرای معاصر ایشان‌که متاع وکالای خود را در ایران بی‌رواج دیدند راه هند پیش گرفته بدربار سلاطین هند روآوردند و ازآنجا سبك شعر معروف به هندی بوجودآمدکه شیوه و سبکی است خاص و دارای مفاهیم اسرار-آمیز . سبك شعر در زمان صفوی نیزراه تنزل پیموده ازحلاوت و انسجام و دلفریبی‌ادوار پیش عاری است و غالب اشعار این زمان اشعار دینی و مرثیه است . دیگرآنکه شاهان صفوی باآنکه اجدادشان از پیشوایان صوفیه و اهل عرفان بوده‌اند صوفیان راتشویق‌نکرده بلکه علماء و روحانیون را تشویق نمودند لذا در زمان ایشان فقها وعلمای روحانی بزرگ بظهور رسیدند و البته علماء و روحانیون تعلیمات صوفیان را مباین دین دانسته‌آنها را دشمن میداشتند و یکی از جهات انحطاط ادبیات هم همین بوده‌که بیشترشعرای نامی‌ایران ماقبل صفوی مسائل اجتماعی و فلسفی و اخلاقی را در لباس اشعاری صوفیانه ودارای روح تصوف میآوردند و چون با تصوف مخالفت بعمل‌آمد دامنهٔ اشعار و میدان‌آن محدود وتنگ

گردید و مجالی برای گسترش آن نبود . در هرحال معروفترین شعرائی راکه دراینده‌وره میتوان نام برد عبارتند از : **وحشی بافقی ، عرفی شیرازی** ، و **هاتف اصفهانی** . حکما و فلاسفه و علماء شیعهٔ معروف این عصر عبارتند از **شیخ بهائی** شیخ‌الاسلام اصفهان که صاحب تألیفات متعدد است ، **ملاصدرالدین شیرازی** و **میرداماد** . نثرنویسی در دورهٔ صفوی از سادگی بیرون رفته بصورتی بسیار مشکل و مغلق درآمد و نمونهٔ اکمل آن بقلم میرزا مهدی‌خان در زمان نادرشاه دیده میشود که درهٔ نادری را نگاشته است . درهمین عصر چند فرهنگ فارسی نیکو در هند در دربار شاهان مغولی هند نوشته شده و چاپ شده که هنوز ازمراجع زبان فارسی است: یکی **برهان قاطع** دیگری **فرهنگ جهانگیری** (بنام شاه جهانگیر) و دیگر **فرهنگ رشیدی** .

صنعت و معماری در دوره صفوی راه ترقی و تکامل پیموده و چون شاهان‌صفوی مشوق آن بوده‌اند شاهکارهائی درآن دوره بوجودآمده شاهان صفوی ابنیه بسیار در ایران ساخته مخصوصاً دراصفهان که درزمان ایشان زیباترین شهرخاوری بوده ولقب «نصف‌جهان» را داشته است از ابنیهٔ معروف اصفهان ازآثار صفوی که تاکنون باقی مانده و مورد توجه سیاحان خارجی است مسجد شاه اصفهان ، علی‌قاپو یا عالی قاپو ، چهل ستون ، مدرسه‌شاه سلطان حسین ، پل الهوردی‌خان است صنایع کاشی‌کاری ـ شیشه سازی ـ قالی‌بافی ـ قلم‌زنی فلزکاری ـ جواهرکاری ـ تذهیب ـ قلاب دوزی ـ ساختن جلدکتب ـ منبت‌کاری ـ نقاشی و مینیاتور نیز در ایندوره ترقی بسزاکرده و این صنایع تا بامروزدوام یافته اصفهان‌هنوز مرکز تهیهٔ بهترین انواع این هنرهای ظریفه و دستی است . استاد نقاشی و مینیاتور در آن عصر بهزاد هراتی معاصر شاه اسمعیل بوده است شاهکارهای او مورد توجه و اهمیت است .

کرونولوژی دورهٔ صفوی

بعد از میلاد

۱۵۰۰-

۱۵۲۴ **سلطنت شاه اسمعیل صفوی** مؤسس‌سلسلهٔ صفوی پسرشیخ حیدر. وی‌ابتدا اردبیل را پایتخت خود قرار داد و عده‌ئی از ترکان مقیم گیلان راکه به او معتقد بودند دور خود جمع کرده‌آغازکشورگشائی نهاد .

۱۵۰۱ جنگ **شرور** : در این جنگ اسمعیل به سپاه الوند بیک‌آق‌قوینلو شکست فاحشی وارد ساخته تبریز را تصرف کرد و سلطنت خود را درآنجا اعلام

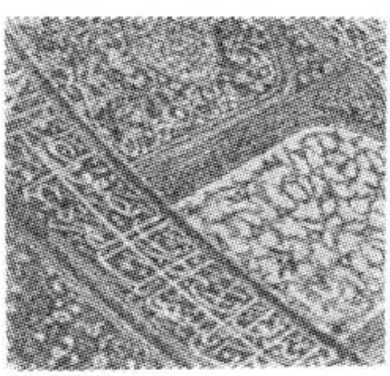
نموده مذهب شیعه را مذهب رسمی اعلام کرد و پایتخت خود را به تبریز انتقال داد.

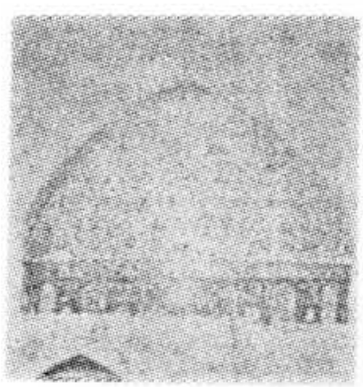
بعد از میلاد

۱۵۰۷-۱۶۲۲ پرتقالی‌ها بتدریج بجزیرهٔ هرمز در خلیج فارس راه یافته در آنجا سکونت گزیدند.

۱۵۱۰ اسمعیل به اوزبک‌ها حمله نموده و آنها را از خراسان به طرف ماوراءالنهر راند.

۱۵۱۴ جنگ چالدران: سلطان سلیم اول سلطان عثمانی که درمذهب سنی تعصب‌شدید داشت و ۴۰۰۰۰۰ نفر از رعایای خود را در آناطولی پیش از حمله بایران بجرم شیعه بودن قتل عام کرد به بهانهٔ اینکه مذهب شاه اسمعیل شیعه است و هم‌آنکه شاه اسمعیل به‌برادرش‌احمد (که بدست سلیم کشته‌شد) کمك نموده‌است بایران حمله‌کرد و در چالدران در باختر فرات شاه اسمعیل بسبب تفوق توپخانه و تجهیزات سپاه عثمانی شکست‌خورد. سلطان سلیم تبریزرا تصرف کرد ولی بسبب مخالفت سپاه جان‌نثاری ناچار به‌تخلیه وعقب‌نشینی گردید. وازآنزمان جنگهای طولانی‌که بیشتر بسبب‌اختلاف مذهب شیعه وسنی بودبین ایران و عثمانی‌آغاز گردید.





مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان ازآثار دورهٔ صفوی

۱۵۲۴-۱۵۷۶ **سلطنت شاه طهماسب اول** پسر شاه اسمعیل: وی در دوسالگی بسلطنت رسید و درتمام دورهٔ سلطنت گرفتارجنگ از طرفی با اوزبك‌های‌ماوراءالنهر درشمال باختری وخاوربود وازطرف دیگربا ترکهای عثمانی‌که بین‌النهرین و چند مرتبه هم تبریز و سلطانیه و اصفهان را متصرف شدند.

بعد از میلاد

۱۵۵۵ شاه طهماسب با ترکهای عثمانی صلح کرد و با یزید پسر سلطان سلیم راکه با چهار فرزندش از ظلم پدر فرارکرده به شاه طهماسب پناهنده شده بود در برابر دریافت چهارصد هزار سکهٔ طلا از سلطان عثمانی تسلیم به دولت‌عثمانی کردکه بقتل رسیدند و صلح با عثمانی هم طولی نکشیده بزودی جنگ‌ها تجدید شد (۱۵۶۱) . همایون پسر بابر امپراطور دهلی نیز بدربار ایران پناهنده شد و از او پذیرائی بعمل آمد و برای سلطنت هند به او کمك شد .

۱۵۶۱-۱۵۶۳ **انتونی جنکین سن** نمایندهٔ شرکت مسکوی انگلیسی از راه روسیه‌بایران آمده و روابط بازرگانی با دولت ایران برقرارکردکه تا سال ۱۵۸۱ بطول انجامید .

۱۵۷۶-۱۵۷۷ **سلطنت شاه اسمعیل دوم** پسرچهارم شاه طهماسب : شاه طهماسب بدست مادر یکی از رؤسای قبایل موسوم به حیدر مسموم شده درگذشت . پس از اندکی زدوخورد وکشمکش بین اعقاب و سرداران و مدعیان سلطنت، بالاخره اسمعیل دوم که ۲۵ سال در زندان پدر بود بسلطنت رسید وکلیهٔ شاهزادگان وکسان و اقوام حتی کودکان شیرخوارهٔ آنها را بقتل رسانید و تنها برادرش محمد خدابنده که کور بود و حکومت خراسان داشت و بعد حکومت فارس یافت چون بنفع اسمعیل از سلطنت استعفا کرده بود از مرگ نجات یافت . عباس پسرمحمد خدابنده که شش ساله بود اسماً حاکم خراسان شده مقیم‌هرات بود . شاه اسمعیل پس از یکسال سلطنت دوکس را سری به شیراز و هرات فرستاد تا محمد خدابنده وعباس را هم بقتل‌رسانند ولی پیش‌ازآنکه‌مأموران بمحل مأموریت خود رسند شاه اسمعیل بسبب شرب مدام الکل و افیون در گذشت وآندو نجات یافتند .

۱۵۷۸-۱۵۸۷ **سلطنت محمد خدابنده** پسر ارشد ونابینای شاه طهماسب که به شیرازفرار کرده بود : وی پادشاهی ضعیف و مهربان و درویش مسلك بود . پایتخت‌او قزوین بود . در زمان وی حملات ترکان عثمانی به ایران تجدید شده شدت یافت. اوزبکان نیز ازشمال‌بنای تجاوزگذاشتند و حمزه‌میرزا پسرمحمد دردفع ایشان میکوشید .

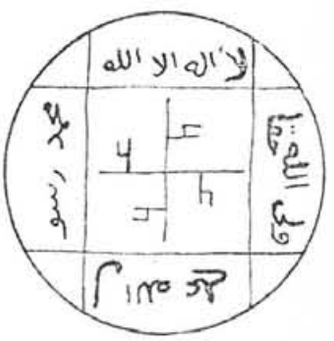
نقش روی بعضی از سکه‌های اوائل دوره صفوی (شرح درصفحه ۱۴۰)



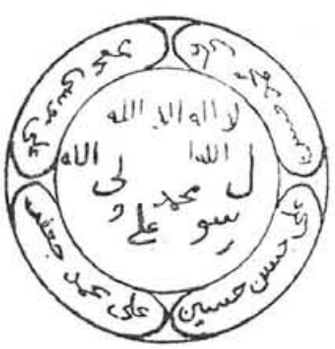
1



2



3



4



5.



6



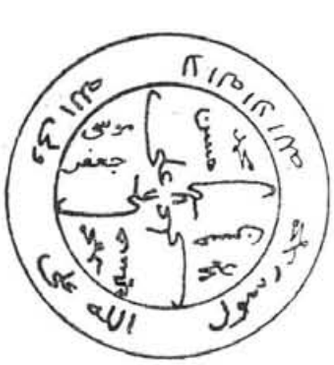
7



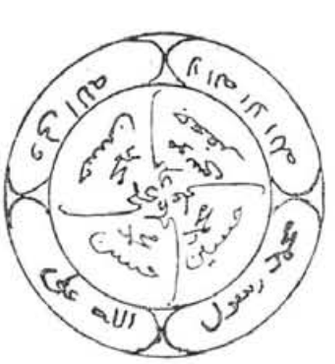
8



9



10



11



12



15



14



13



18



17

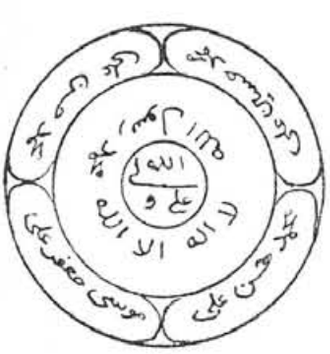

16



21



20



19



24



23



22

شرح شکل صفحهٔ ۱۳۸

نقش روی بعضی از سکه های اوایل دوره صفوی :

در روی ایـن سکه‌ها بطوریکه مشاهـده میشود علاوه بـر «لااله‌الاالله ــ محمد رسول‌الله ــ علی ولی‌الله» اسامی ۱۲ امام دیده میشود و اسامـی اول دوازده امام غالباً بمنظور قرینه سازی در خطاطی زوج زوج یا سه به سه بدون رعایت ترتیب تاریخ زندگی ایشان‌آورده شده و معمولا چهار اسم با حروف (ع) شروع میشود (علی) و چهار اسم با حـروف (میم) ــ (محمد) و سه اسم با حروف (ح) ــ (دو نام حسن و یـك نام حسین) و یك اسم بعدی جعفر با حروف (ج)آغاز میگردد .

دیگر آنکه در غالب سکه‌ها نام (علی) محور و مدار سایر اسامـی است و باشکال مختلف در مرکز دایره چهار مرتبه تکـرار شده (شماره‌های ۳ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲) در بعضی از سکه‌ها مانند سکهٔ شماره ٦ لقب یا صفت هـر امام ذکر شده از قبیل مرتضی ــ مجتبی ــ شهید ــ زین‌العابدین ــ باقر ـ صادق ــ کاظم ـ تقی

شرح شکل صفحهٔ ۱۳۹

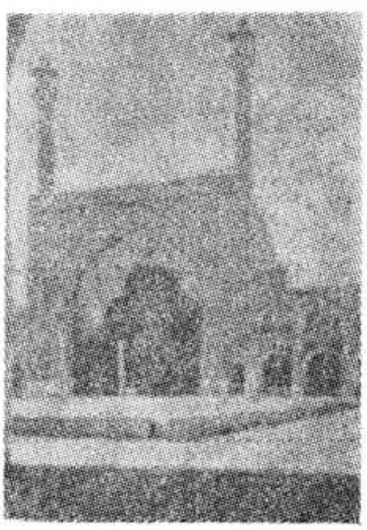
نقش روی بعضی از سکه‌های دوره صفوی :

در سکهٔ شماره ۱۸ محل ضرب سکه‌که قزوین است در مرکز دائرهٔ ثبت شده‌بر روی سکه‌های مهاجمان افغانی در پایان دورهٔ صفوی علاوه بر «لااله‌الاالله ــ محمد رسول‌الله» تنها نام خلفای اربعه : ابابکر ـ عمر ـ عثمان ـ علی ذکر شده وسکهٔ شمارهٔ ۲۴ نمونه‌ئی از آن است .

بعد از میلاد

۱۵۸۷ محمد خدابنده از سلطنت استعفا داد .

۱۵۷۸-
۱۶۲۹ **سلطنت شاه عباس اول** معروف بشاه عباس کبیر که از بزرگترین شاهان سلسلهٔ صفوی محسوب میشود: وی صاحب ارادهٔ قوی و مآل بین بوده نظری وسیع داشت (وی سه پسر داشت یکی را کشت و دو دیگر را نابینا کرد) درسالهای اول سلطنت تابع اراده و نظر رؤسای **قزلباش** بود ولی بعداً قبیلهٔ تازه‌ئی بنام **شاهسون** (دوستان شاه یا



مسجد جامع اصفهان



تصویر خیالی شاه عباس

شاه دوستان) بوجود آورده نیروی پیاده وتوپخانه را نیز بسبك سپاه ترکهای عثمانی درآورده تقویت کرد و بدینطریق جلو نفوذ و تحمیلات قزلباش را گرفته این سپاه تازه را در برابر قزلباش به کمك دوبرادر یکی **انتونی شرلی** و دیگری **رابرت شرلی** تأسیس کرد که در ۱۵۹۸ با ۲۶ نفر معاونین خود بایران آمدند و رابرت شرلی در بیشتر مدت سلطنت شاه عباس در خدمت دولت ایران بود . تاآنزمان توپ و تفنگ در سپاه ایران نبود وسواران با شمشیر میجنگیدند در حالیکه سپاه عثمانی مجهز به توپ و تفنگ بود . درمیان همراهان شرلی یك نفر ریخته گر توپ بود و برادرش درفن اسلحه‌سازی مهارت داشت باکمك ایشان پانصد توپ برنجی و شصت هزار تفنگ ساخته شد و سپاه تازه‌ئی با سازمان و ساز و برگ جدید بوجود آورد تا در برابر سپاه عثمانی ایستادگی کند . شاه عباس پایتخت خود را به **اصفهان** منتقل کرد .

۱۵۹۰ شاه عباس چون در دوجبهه ناگزیر بـه جنگ بود برای رفع شر اوزبکهـا پیمان صلحی با ترکهای عثمانی منعقد کرد وطبق آن تبریز وشیروان و گرجستان و لرستان را بدولت عثمانی واگذاشت سپس بجنگ با اوزبکها پرداخت کـه

بسر کردگی عبداله دوم هرات و مشهد و سایر شهرهای خراسان را بتصرف آورده بودند .

بعد از میلاد

۱۵۹۷ اوزبکها شکست قاطع و فاحشی از ایرانیان خورده حملات آنها بخراسان تا سالها بعد موقوف گردید .

تجدید جنگهای با عثمانی

۱۶۰۲-

۱۶۲۷ شاه عباس جنگ با عثمانی راکه از زمان سلطنت سلطان محمد سوم متوقف مانده بود تجدید کرده در ۱۶۰۳ تبریز را محاصره کرده پس از ۱۸ سال که در تصرف ترکها بود بار دیگر آنرا بایران ملحق کرد و به سپاه ترکها در نزدیکی دریاچهٔ ارومیه شکست فاحشی واردآمد . و بعد ایروان و شیروان و قارص را تصرف کرد. سلطان احمد جانشین سلطان‌محمد سپاه بزرگی‌متجاوز از یکصد هزار بایران فرستاد و شاه عباس با سپاه ۶۲ هزار نفری خود بسر کردگی رابرت شرلی بمقابلهٔ با سپاه عثمانی برخاست. سپاه عثمانی با بیست هزار تلفات شکست‌خورد و ازآن پس‌آذربایجان وکردستان و بغداد وموصل و دیار بکروکربلا و نجف بدست سپاه ایران افتاد .

۱۶۱۱ شاه عباس رابرت شرلی را بسرکردگی هیئتی بسفارت بدربارهای اروپائی و بخصوص برای جلب کمك امپراطور و پادشاه اسپانی در برابر دولت عثمانی فرستاد .

۱۶۱۲ پیمان صلحی بین ایران و عثمانی منعقد شد بدین شرایط که مرزها مطابق زمان سلطان سلیم شناخته شود و عثمانی از تمام ادعاهای خود در مورد فتوحات سلطان مراد و سلطان محمد صرفنظر کند و شاه عباس در برابرسالی ۲۰۰ عدل ابریشم بسلطان عثمانی بدهد ولی شاه‌عباس ابریشم را نفرستاد و نیروئی به گرجستان اعزام داشت .

۱۶۱۶ دولت عثمانی سپاه بزرگ دیگری در ۱۶۱۶ بایران فرستادکه ایروان و چند شهر دیگر را محاصره کردند . در این جنگها نیز ترکها شکست‌خورده تلفات و خسارات بسیار بآنها واردآمد .

۱۶۱۶ **کمپانی انگلیسی هند شرقی** ازراه سورات‌آغازبازرگانی با ایران نمود وبخصوص بخرید ابریشم و فروش ماهوت انگلیسی علاقه داشت . این فعالیت باعث خشم پرتقالی‌ها گردیده بجنگ با انگلیسها در خلیج‌فارس ودریای‌عمان

برخاستند.

بعد از میلاد

۱۶۱۸ ترکان عثمانی حملهٔ به تبریز را تکرار کردند ولی بازهم شکست‌خورده‌تلفات بسیار دادنـد و در همین سال پیمان دیگری بین طرفین بشرایـط پیمان قبل منعقد شد و قرار شد شاه عباس بجای ۲۰۰ عدل یکصد عدل ابریشم در هـر سال بدولت عثمانی بدهد .

۱۶۲۰ پرتقالیها بانگلیسها حمله کرده در **جنگ جاشك** شکست‌خوردند .

۱۶۲۲ سپاه ایران بسرکردگی امام قلی‌خان حاکم فارس و فرزند الله‌وردی‌خان از فرمانـدهان سپاه شاه عباس با همکاری بازرگانان انگلیسی جزیرهٔ هرمـز و قلعهٔ معروف آنرا که مدت یك قرن در تصرف پرتقالیها بود از تصـرف ایشان بیرون‌آوردند و بازرگانان انگلیسی موفق باخذ امتیازاتی از ایـران درآن جزیره شدند . پرتقالیها چند مرتبهٔ دیگـر در سالهای ۱۶۲۴ و ۱۶۲۵ و ۱۶۳۰ برای تجدید تصرف جزیرهٔ هرمز نیروی دریائی فرستادند و یك کشتی انگلیسی راآتش زده سرنشینان آنرا قتل عام کـردند ولی در ۱۶۳۰ شکست فاحشی خوردند و در ۱۶۵۱ آخرین نقطهٔ متصرفی خود یعنی مسقط را هم از کف داده امام عمان آنرا بتصرف آورد ـ تصرف جزیرهٔ هرمز ازطرف انگلیسها قدرت و نفوذ انگلیس را در هند و خاور به حداعلی رسانیده ازلحاظ‌سیاسی پیروزی بسیار بزرگی برای آن دولت محسوب شد وهم اینکه در ایران نفوذو اهمیت یافتند .

شاه‌عباس گروهی ازارامنه راکـه درجلفای آذربایجان درکناررود ارس اقامت‌داشتند باصفهان کوچ داده محله‌ئی رابایشان اختصاص دادکه به جلفای اصفهان معروف شدوکلیسای زیبائـی درآنجا باجازهٔ وی ساخته شد . شاه‌عباس با ارامنه با مهربانی رفتار می‌کـرد و جلفای اصفهان مرکز سیاحان مسیحی و باختری شده بود .

۱۶۲۳ **شرکت هلندی در خلیج** ـ شرکت هلندی بـرقابت شرکت هند شرقـی نماینده‌ای بنام **هوبرت ویس‌نیخ** باصفهان فرستاده فرمانـی از شاه عباس گرفته در بندرعباس که‌آنزمان آنرا **کمبرون** مینامیدندکارخانـه‌ای بنانمود و بـدین طریق بخلیج فارس راه یافته مراکز بازرگانی پرتقالیها را بتصـرف آورده جای ایشانرا گرفتند و تامدت نیم‌قرن روابط بازرگانی‌آنها با ایران رونق داشته و در درجهٔ اول قرار داشت و برانگلیسها تقدم داشتند .

۱۶۲۵ سپاه ترك باتوپخانه مدت ششماه بغداد را محاصره کرد. شاه عباس بـدانجا

شتافت و جنگهای سخت بوقوع پیوست . در سپاه ترك شورشی برخاسته عقب نشینی کردند و بسبب گرسنگی تلفات بسیار دادند .

بعد از میلاد

۱۶۲۹-۱۶۴۲ **سلطنت شاه صفی** نوهٔشاه عباس اول (پسر صفی میرزا فرزند شاه عباس): نام وی سام میرزا بود و در هفده سالگی برطبق وصیت شاه عباس یکسر از حرمسرا بیرون آمده بسلطنت رسید . وی جوانی بی‌تجربه و بی‌کفایت بود لذاسلطنت وی‌آغازتنزل و انحطاط دولت صفوی‌است. اوضاع حکومت وی شباهتی تام با اوضاع حکومت پنجاه سال پیش از این تاریخ در دربار امپراطوری عثمانی داشت و حکومت واقعی با زنان حرم بودکه شاه صفی تحت تأثیر ایشان قرار داشت ـ ونیز مانند معاصر خود سلطان مراد چهارم سلطان عثمانی شهرت خود را در قتل دسته جمعی کسان و اقوام و شاهزادگان و امرا و مشاورین و وزرای پدر دانسته همه‌را بقتل رسانیدکه از جمله امام قلی‌خان فاتح جزیرهٔ هرمز و تمام فرزندان و کسان او بود و حتی چند شاهزاده خانم را نیز بقتل رسانید ـ پایتخت وی اصفهان بود .



مسجد شاه اصفهان

۱۶۳۰ ترکان عثمانی درصدد تجدید تصرف نقاطی برآمدندکه شاه عباس ازآنها گرفته بود وبسرکردگی‌مراد چهارم‌آغازلشکرکشی نموده وهمدان راتصرف کردند .

۱۶۳۵ ترکان عثمانی ایروان و تبریز را تصرف نموده ، قتل و غارت و ویرانی کردند .

اوزبکان نیز بخراسان تاخته قندهار نیز بدست هندیان افتاد وشاه‌صفی درصدد مقابله

برنیامد بجز آنکه پس از تخلیهٔ ایروان از طرف ترکها آنرا مجدداً متصرف شد .

بعد از میلاد

۱۶۳۸ ترکان عثمانی بغداد را محاصره و تصرف کرده پادگان ایرانی را قتل عام کردند و دولت عثمانی صلحی را بشاه‌صفی تحمیل نمود و بغداد پس از ۱۵ سال بار دیگر به تصرف آنها باقی ماند و بازاء آن ایروان را به ایران واگذاشتند

۱۶۴۲-
۱۶۶۷ **سلطنت شاه عباس دوم** پسرشاه صفی که در سن ده سالگی بسلطنت رسید. پایتخت وی اصفهان بود .

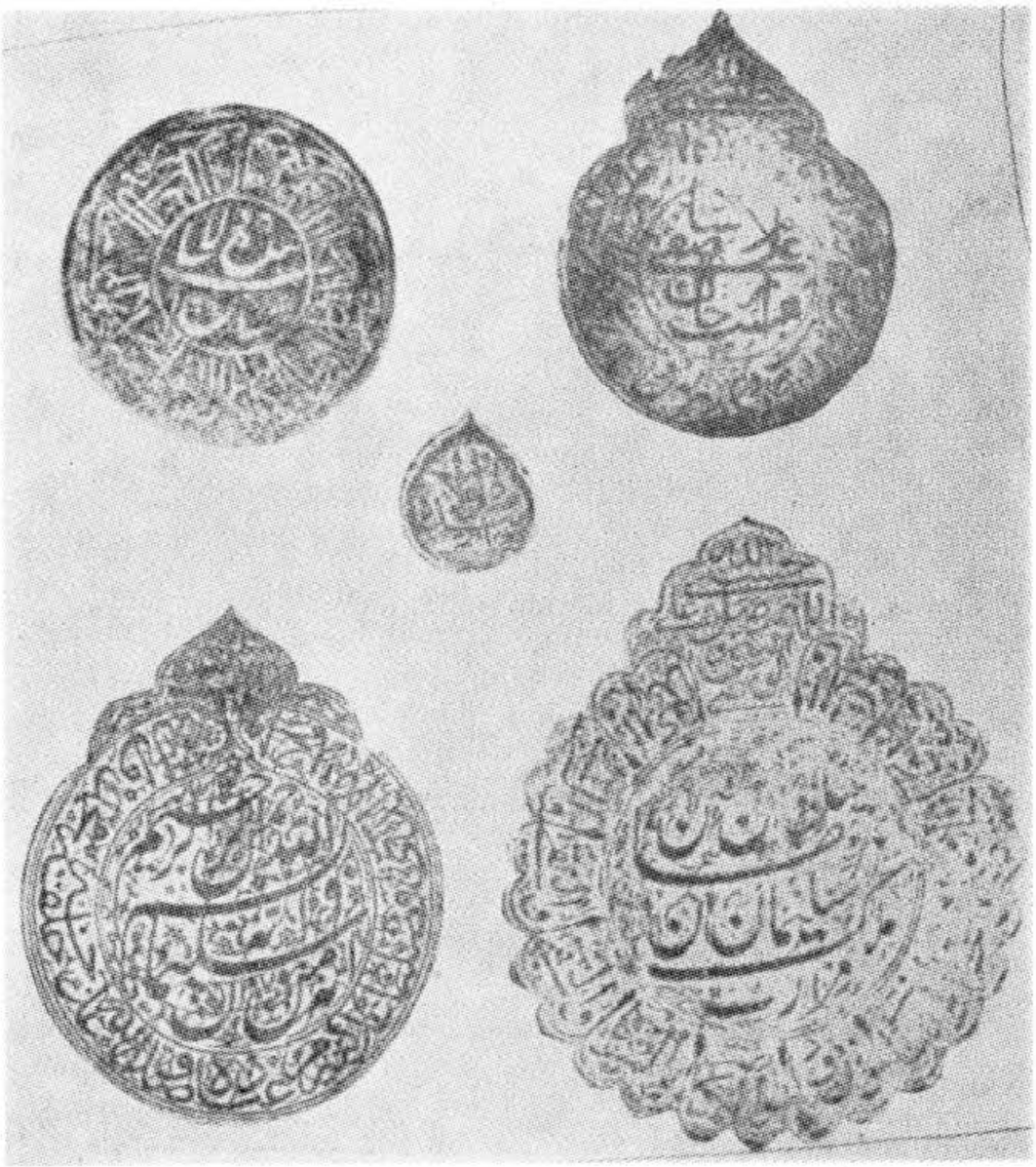
۱۶۶۴ اولین میسیون روسی شامل دو مأمور سیاسی و هشتصد نفر همراهان که بعد معلوم شد همه‌ازبازرگانان‌هستند وبرای کسب‌معافیت گمرکی آمده‌اند درزمان امپراطور **الکسیس** پدر پطرکبیر باصفهان وارد شدند . شاه عباس پس از مدتی‌پذیرائی کشف کرد که‌اینهاهمه‌بازرگان‌هستندوبرای‌اینکه گمرکی کالاهائی راکه همراه داشتندنپردازند همراه هیئت سیاسی آمده‌اند وخشمگین شده آنها را تحقیر کرد و امپراطور روسیه بازاء آن دستور داد قزاقان روسی بمرزهای قفقاز و ماندران تجاوز نمایند و تجاوز روسها بخاك ایران‌ازاین‌زمان آغاز گردید .

کلبرت وزیر خارجهٔ فرانسه در صدد برآمدکه پای دولت فرانسه را بخلیج فارس بگشاید . پس هیئتی بسفارت بدربارشاه‌عباس دوم فرستاد تا حقوق بازرگانی مانندآنچه‌که بسایر ملل اعطاء شده بود و شامل معافیت ابریشم صادر شدهٔ از ایران از حقوق گمرکی بودبدست‌آورند واین چهارمین دولت اروپائی بودکه بخلیج فارس راه یافت وبه‌بازرگانان آن دولت اجازهٔ بازرگانی در ایران داده شد .

۱۶۶۷-
۱۶۹۴ **سلطنت شاه سلیمان** پسر شاه عباس دوم که جوانی بی‌کفایت وخونخوارو ضعیف‌العقل و هرزه وعیاش بود وبیشتروقت‌خودرا درحرمسرا بسربرده‌درزیر نفوذ زنان و خواجگان قرار داشت .

در زمان وی ازبکان بخراسان تاخت و تاز نموده و هلندیها جزیره قشم‌را در خلیج فارس تصرف کردند و شاه سلیمان اقدامی در برابرآنها نکرد . و نتوانست از تنزل دولت صفوی جلوگیری کند .

۱۶۹۴-
۱۷۲۲ **سلطنت شاه سلطان حسین** پسرشاه سلیمان : وی نیز مردی بی‌کفایت و



مهرهای شاهان صفوی بترتیب اشکال بالا :

شاه صفی — شاه عباس اول

شاه عباس اول

شاه سلطان حسین — شاه سلیمان

در وسط هر دو مهر شاه عباس اول نوشته شده : «بندهٔ شاه ولایت عباس»

در وسط مهر شاه صفی نوشته شده : «هست از جان غلام شاه صفی»

در وسط مهرشاه سلیمان نوشته شده : «انه‌من‌سلیمان و انه بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» و بدوران نـوشته شده : «الحمدلله الذی فضلنا علی‌کثیرمن عباده وصل علـی خیرخلقه محمد و آله

در وسط مهرشاه سلطان حسین نوشته شده: «وارث ملك سلیمان جهان سلطان‌حسین» و دراطراف‌آن صفات چهارده‌معصوم‌آمده است بشرح زیر:

«النبی و الوصی و البتول و المجتبی و الشهید و السجاد و الباقـر و الصادق و الکاظم و الرضا و التقی و النقی و الزکی و المهدی»

اوهام‌پرست و ضعیف‌الاراده بود و بسبب افراط در طرفداری از شیعه‌بهانه‌ای به همسایگان سنی خود یعنی قبایل افغانی درخاور وترکان عثمانی در باختر برای تجاوز و ایجاد اغتشاش در خاك ایران داد .

گرگین‌خان شاهزادهٔ گرجستانی با بیست‌هزار نفر سرباز گرجی و ایرانی مأمور حکومت برقندهار و جلوگیری از طغیان احتمالی قبیلهٔ سنی مذهب و وحشی **غلجائی** یا **غیلزائی** گردید که از نژادهای مختلط تشکیل یافته و بصورت ایلی زندگی کرده بادربار دهلی تماس گرفته به توطئه و تحریك اشتغال داشته وکارآنها راهزنی و غارت بود .

گرگین در قندهار مستقرشده **میرویس** رئیس قبیله را تحت‌الحفظ باصفهان‌فرستاد. میرویس که اوضاع آشفتهٔ پایتخت را ازنزدیك دید بدربار ایران راه یافته درشاه‌سلطان‌حسین نفوذ یافت ومحبوب شاه گردید .

بعد از میلاد

۱۷۰۸ پطر کبیر امپراطور روسیه هیئتی بعنوان سفارت بریاست **اسرائیل اوری** ارمنی بدربار اصفهان فرستاد- هفتصد نفرازبازرگانان روسی برای فرار از پرداخت حقوق گمرکی این بار نیز همراه سفیر شدند و شاه سلطان حسین جرئت تحقیرآنها را نکرده از آنها پذیرائی نمود .

میرویس با سفیر پطر کبیر محرمانه توطئه چیده با اجازهٔ شاه سلطان حسین بعنوان زیارت حج عزم مکه‌کرد و درآنجا احکامی از علما مبنی بروجوب جنگ برضد مردم شیعه بدست آورده باصفهان برگشت و بدون اطلاع گرگین فرمان ریاست ایلی یعنی شغل سابق خود را از شاه گرفته در ۱۷۰۸ بقندهار برگشت .

۱۷۰۹ گرگین خشمگین شده شخصاً در صدد انتقام از میرویس برآمد و برای پیدا کردن بهانه تقاضای زناشوئی با دختر میرویس راکرد . میرویس دخترزیبای دیگری را بنام دختر خود نزد او فرستاد و او را برای‌آشتی و ملاقات به باغی در بیرون قندهار دعوت‌کرد و درآنجا او و اتباعش راکشته لباس او را پوشید و وارد قلعهٔ محل پادگان ایرانی‌شده باکمك افراد خود تمام‌ایرانیان مقیم قلعهٔ را قتل عام‌کرد .

۱۷۱۱ دولت ایران دو سپاه بقندهار فرستاد اولی بفرماندهی خسروخان حاکم گرجستان و برادرزادهٔ گرگین که شکست‌خورده خسروخان کشته شد و دومی بسرکردگی محمد رستم نیزشکست‌خورد و بدینطریق قندهار وبخشی ازافغان مستقل گردید .

۱۷۱۵ پطر کبیر هیئت دیگری بریاست **آرتمی‌وولینس‌کی** به عنوان سفارت به اصفهان فرستاد تا اوضاع را مطالعه‌کرده زمینهٔ هجوم و تجاوزآینده‌رابایران

فراهم سازد .

بعد از میلاد

۱۷۱۵-

۱۷۱۷ میرعبداله پسر میرویس پس از پدر در افغانستان جانشین اوشده با ایران صلح کرد وچون حق حاکمیت ایران را نسبت بقندهار بـرسمیت شناخت محمود برادر کوچکترش احساسات عامه را برضد او برانگیخته او را بقتل رسانید و جانشین او شد .

۱۷۱۷-

۱۷۲۵ **حکومت میرمحمود برقندهار**

۱۷۱۹ **شورش و استقلال هرات :** پیشـرفت میرویس محرك سایـر ولایات سنی مذهب خاوری شده **اسداله‌خان** رئیس قبیلهٔ ابدالی در هـرات علم استقلال برافراشته باشرکت اوزبکها بغارت و چپاول خراسان پـرداخت . سی‌هزار سپاه ایران بسرکردگی صفی قلی‌خان در راه شکستی بـه اوزبکها داده عازم هرات شد و اسداله با ۱۵ هزار نفر به مقابله پرداخت ـ بوسیلهٔ اشتباهی که در توپخانهٔ ایران بظهور پیوست توپخانهٔ ایران سپاهیان ایرانی رازیرآتش گرفت و در نتیجه اختلال وآشفتگی در سپاه ایران رخ داده شکست‌خوردند وبدینطریق دولت مستقل دیگری درافغانستان بوجودآمد .

۱۷۲۰ محمود اولین لشکرکشی خود را بایران‌آغازکرد ولی این لشکـرکشی جنبه تاخت و تازو تاراج و چپاول داشت وکرمان را بتصرف‌آورد ولی‌لطفعلی‌خان سردار ایرانی او را شکست داد و تا قندهار او را تعقیب‌کرد وسپاهی مجهز برای مقابلهٔ باافغان فراهم نمود .

۱۷۲۱ شاه سلطان حسین بمجرد یك خواب‌آشفته ، تحریك‌درباریان، فتحعلیخان‌وزیر خود راکورکرده لطفعلی‌خان برادر زن او را هم معزول ساخت و بدینطریق خود را دربرابر افغانها خلع‌سلاح وبیدفاع نمود. افغانها بنای تجاوزگذاشته خراسان را غارت‌کردند .

۱۷۲۲ محمود دومین‌لشکرکشی خود را انجام داده ازطریق‌کرمان ویزد راه‌اصفهان پایتخت را پیش‌گرفت .

سپاه ایران بسبب فساد دربار و خرابی روحیهٔ سربازان در **گلناباد** ۲۲ کیلـومتری اصفهان مقاومت‌کمی نشان داده شکست‌خورد و نمایندگان شاه حاضر شدند سی‌هزار لیره به او بدهندکه به افغان برگردد. محمود تشجیع شده بابیست‌هزارسپاه بطرف اصفهان‌پیشروی نمود . تعداد سپاه مدافع اصفهان چهل‌هزار نفر بود و توپخانه مرتبی داشت معهذامحمود

آنها راشکست داده فرح‌آباد شش‌کیلومتری اصفهان وجلفای اصفهان را پس‌ازکمی مقاومت ارامنه تصرف‌کرد و معادل یکصدوچهل هزار لیره و پنجاهٔ دوشیزه از ارامنه باج گـرفت و اصفهان‌را هفت‌ماه محاصره‌نمود. وی‌درابتدا شکستی‌خورد ولی‌دهات وقصبات‌اطراف‌اصفهان را خراب و غارت نموده بار دیگر به پلهای زاینده رود حمله نمود و پس‌ازچند عقب‌نشینی و جنگ وگریز راه ورودآذوقه را بست و شهراصفهان در قحطی افتاد . شاه تسلیم شد و از سلطنت استعفا نمود . محمود بلامانع اصفهان را تصرف‌کرد .

طهماسب میرزا پسر سوم شاه‌که قبلا بسمت ولیعهد معرفی شده بـود با ششصد نفر از اصفهان فرارکرده بقزوین و مازندران رفت تاسپاهی فراهم‌کند ومقاومت‌نماید ولی‌موفقیتی حاصل نکرد .

بعد از میلاد

۱۷۲۲-

۱۷۲۵ **حکومت محمود** افغان‌که خود را شاه خواند .

۱۷۳۲ **پطر کبیر** از اغتشاش داخلهٔ ایران استفاده نموده در برابر کمك به طهماسب میرزا **دربند** را تصرف‌کرد .

۱۷۲۳ پطر کبیر رشت و باکو را تصرف‌کـرد و طهماسب میرزا در برابر قـول کمك مؤثر پطـر ، با الحاق شیروان و داغستان وگیلان و مازنـدران و استرآباد (گرگان) بروسیه موافقت نمود .

دولت عثمانی نیز از موقع استفاده‌کرده تفلیس را تصرف‌کرد .

۱۷۲۴-

۱۷۲۵ پیمانی بین روسیه و عثمانی برای تقسیم ایران بین‌آنـدوکشور منعقدگشت و طبق ایـن پیمان تبریز و همدان وکرمانشاه در سهم ترکان عثمانی قـرار گرفت .

حکومت وحشت و ترور در اصفهان : محمود دیـوانه شده صدور حکـم قتل عام در اصفهان داد و سیصد نفر از امرا و اشراف ایرانی را به مجلس میهمانی دعوت‌کرده به قتل رسانید و دویست‌کودك آنانرا نیز از شهر بیرون برده و بکشت و ۳۰۰۰ قـراولان سلطان حسین را نیزکشته پانزده روز افغانها در اصفهان بـه قتل و غارت اشتغال داشتند و یکی از سرداران او شیراز را تصرف‌کـرده همین عمل قتل و غارت را انجام داد ـ محمود ۳۱ نفر از شاهـزادگان صفوی را نیز به قتل رسانید و فقط سلطان حسین را بـه قتل نرسانید .

بیشترسپاهیان افغانی‌محمود را ترك‌گفته بابارهای غارتی‌خود به افغانستان برگشتند و در شهرهای دیگر ایران افغانها بدست ایرانیان به قتل رسیدند و بتدریج طهماسب میرزا

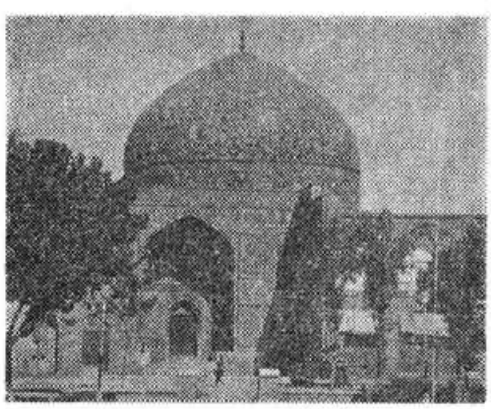
قوت میگرفت . امرای افغانی برای مقابله با خطر طهماسب میرزا محمود را خلع کرده پسر عم او **اشرف** پسر میرعبدالله را بسلطنت برداشتند و محمود بروایتی بدست اشرف با نتقام خون پدرش که بدست محمود کشته شده بود بقتل رسید .

بعد از میلاد

۱۷۲۵-

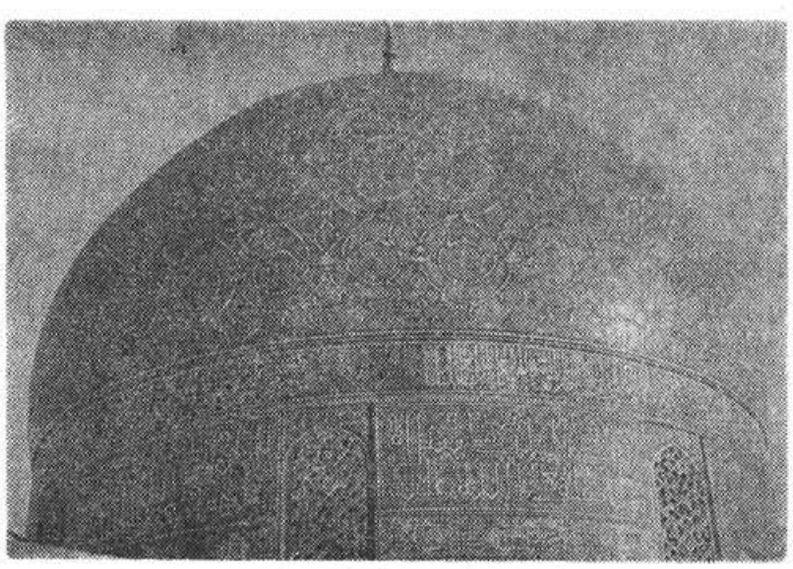
۱۷۳۰ **حکومت اشرف** پسر عم محمود: وی ابتدا تظاهر به آرامش طلبی و جبران خونریزی و دیوانگی محمود را مینمود و حتی تاج را ظاهراً بسر سلطان حسین گذاشت معهذا نتوانست ایرانیان راجلب کند وقندهارهم کمک مؤثری بوی نمیکرد .

۱۷۲۶ شصت هزار سپاه عثمانی با هفتاد توپ بسرکردگی احمد پاشاسردار عثمانی ایالات باختری ایران را تصرف کرده راه اصفهان پیش گرفتند ولی از اشرف که بیست هزار سپاه داشت شکست خورده دوازده هزار نفر تلفات داده از آنجا عقب نشینی کردند .



مسجد شاه اصفهان

۱۷۲۷ پیمان صلحی بین اشرف و دولت عثمانی منعقد گردید که طبق آن اشرف مقام خلافت سلطان را شناخته واراضی متصرفی عثمانی را در ایران به آنها واگذاشت و سلطان عثمانی او را پادشاه



گنبد مسجد شاه اصفهان

ایران شناخت .

بعد از میلاد

۱۷۲۶-۱۷۲۸ طهماسب میرزا به‌کمك **نادرقلی** رئیس مقتدر ایل افشار خراسان ابتدامشهد و هرات را فتح‌کرده بود در دامغان سپاه اشرف را شکست داد و سپس نادرقلی بفرماندهی سپاه منصوب شده طهماسب میرزا را در دامغان گذاشته راه اصفهان پیش گرفت . درمورچه‌خورت نزدیك اصفهان شکست فاحشی باشرف واردساخت. تلفات اشرف،چهارهزارنفربود. اشرف وکسان‌واتباعش‌باخانواده بشیراز فرار کردند و پیش از حرکت بشیراز شاه سلطان حسین را به قتل رسانیدند .

۱۷۳۰ نادرقلی اشرف را تعقیب‌کرده در زرقان چهل‌کیلومتری شمال شیرازآخرین مقاومت‌آنها را درهم شکست و اشرف فرارکرد تا از راه سیستان خود را به افغانستان رساند اما بلوچهای متحد سابق افغانهاآنها را غارت‌کرده‌یکی از افراد بلوچ اشرف را با دوهزارنفرهمراهانش‌که دربیابان لوت‌سرگردان بود به قتل رسانید و سراورا با قطعهٔ الماس بزرگی‌که نزد او یافته بودبرسم هدیه نزد طهماسب میرزا فرستادکه در این هنگام خود را **شاه طهماسب** میخواند ـ بدینطریق‌آخرین افراد افغانی از خاك ایران فرارکرده و یا به قتل رسیدند و دست‌آنها از ایران‌کوتاه شد .

۱۷۳۰-۱۷۳۲ **سلطنت شاه طهماسب دوم** پسر شاه سلطان حسین‌که در این مدت در واقع دست‌نشاندهٔ نادرقلی بود و قدرت واقعی دردست نادر بودکه با خواهر شاه طهماسب ازدواج‌کرده بود .

نادر پس از شکست افغانها بطرف باختر پیشروی نموده همدان و کرمانشاه وتبریز را از تصرف ترکها بیرون‌آورده برای یکسره‌کردن‌کار قبایل ابدالی افغانی و شاه‌طهماسب که در غیاب نادر از ترکان عثمانی شکست خورده و اراضی متصرفی نادر را بار دیگر از دست داده بود بخاور برگشت و در مجلس ضیافتی عدم لیاقت شاه طهماسب را برای امرا عنوان‌کرده او را از سلطنت خلع و پسر هشت ماههٔ او را بنام **عباس سوم** بسلطنت گزید و خود بعنوان نایب‌السلطنه زمام امور را در دست‌گرفت (۱۷۳۲) . پیمان شاه طهماسب را با دولت عثمانی نیز ملغی اعلام‌کردند . و طهماسب میرزا را نیز به خراسان تبعید نمود .

بعد از میلاد

۱۷۳۲- **سلطنت شاه عباس سوم** (کودك هشت ماههٔطهماسب) آخرین پادشاه‌اسمی
۱۷۳۵ صفوی که نادر بنام او حکومت میکرد .

۱۷۳۲ **پیمان رشت .** ــ این پیمان بین روسیه و ایران بسبب ملاحظهٔ فتوحات‌نادر شاه منعقد شده و طبق‌آن روسیه از دعاوی خود نسبت به مازندران و گیلان و استرآباد صرفنظر کرد . البته این نقاط هنوز بنحو مؤثـر بتصرف روس در نیامده‌بود.

۱۷۳۳ **جنگ کرکوك** ــ نادر سپاه خود را بدوقسمت‌کرده بخشی ازآن بمحاصره بغداد که احمد پاشا درآنجا والی بود پرداخت وبخشی دیگر بمقابلهٔ صدهزار سپاه عثمانی بسرکردگی **توپال‌عثمان** شتافت . نادر دو مرتبه ،ورد اصابت تیر قرار گـرفته مجروح شد و پرچمدار بتصور اینکه نادرکشته شده فـرار کرد . شیوع این خبر باعث اغتشاش در سپاه شده شکست سختی بـرایرانیان وارد آمـد و نیروی محاصره‌کنندهٔ بغداد نیز بشنیدن ایـن خبر رو بهزیمت گذاشت . نادر در همدان بجمع‌آوری قوای تازه مشغول شد و سه ماه بعدبار دیگر به مقابلهٔ سپاه عثمانی شتافته سپاه عثمانی را شکست داده توپال‌عثمان‌در جنگ‌کشته شد و سپاه عثمانی منهزم‌گشته نادر سپس بغداد را محاصره‌کـرد ولی شنیدن خبرشورش در فارس بدست محمد تقی‌خان بلوچ و تجاوز روسها در ماوراء قفقاز سبب شدکه با احمد پاشا پیمان صلحی منعقدکرده بسرعت به دفـع محمد تقی بلوچ پرداخت و اوراگرفته زندانی‌کرد . طبق ایـن پیمان قرار شد مرزها مطابق زمان قبل از فتنهٔ افغان شناخته شود .

۱۷۳۵ **جنگ بغاوند :** سلطان عثمانی پیمان بین نادر و والی بغداد را نپذیـرفته هشتادهزار سپاه بسرکردگی **عبدالله پاشاکپرولو** بمحاصرهٔ تفلیس و گنجهٔ و ایروان فرستاد ــ سپاه عثمانی در بغاوند از سپاه ایران‌کـه تعدادش خیلی کمتر بود شکست فاحشی خـورد . سردار ایشان‌کشته شد و با تلفات سنگین فرارکردند و تفلیس و گنجه و ایروان بدست نادر افتاد .

۱۷۳۵ دولت روسیه پیمان جدیدی با نادر منعقد نموده و در برابر ترکها با ایـران متحد شد و طبق این پیمان باکو و دربند و اراضی دیگر راکه درزمان پطر کبیر بتصرف روسیه درآمده بود بایران پس داد .

(پنجم) (سلسله‌های ۲۱ و ۲۲) افشاریه و زندیه و فئودالیسم

۶۱ سال ـ (۱۷۳۶ ـ ۱۷۹۴ ب م)

(الف) سلسلهٔ افشاری

(۱۲ سال)

بعد از میلاد

۱۷۳۶-۱۷۴۷

سلطنت نادرشاه : نادرشاه پسر پوستین‌دوزی از طایفهٔ افشار در خراسان بود که تا سال ۱۷۳۶ حکومت را بنام نایب‌السلطنهٔ شاه عباس سوم در دست داشت و مذهب سنی داشت .

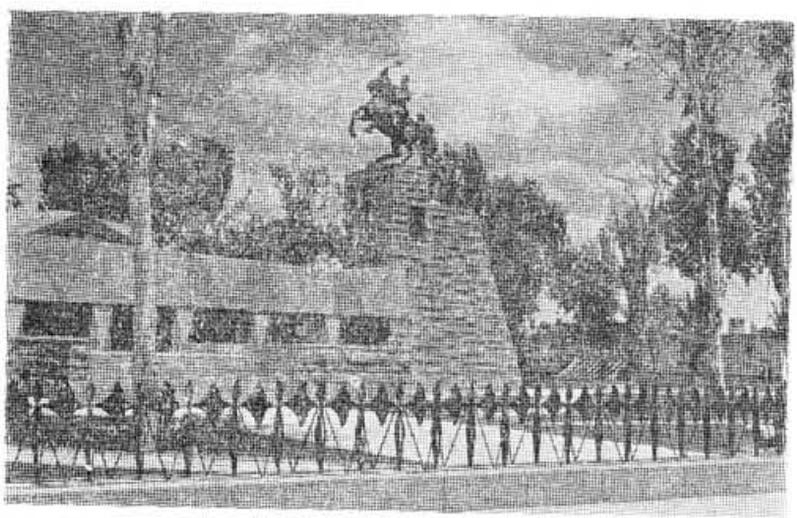


تصویر نادرشاه افشار

۱۷۳۶ پس از رسیدن خبر مرگ شاه عباس سوم نادر در جشن نوروزی در حدود یکصدهزار نفرازمردان کشوری و لشکری و امرا و اعیان وروحانیون را از تمام ولایات ایران بدشت مغان دعوت نموده تقاضا کرد تا شخصی را از خاندان صفوی بسلطنت گزینند . حاضرین اورا انتخاب کردند که تا یك ماه نپذیرفت و پس ازآن بدین‌شرط پذیرفت که ایرانیان مذهب شیعه را ترك گفته خود را فرقهٔ پنجم از فرقه‌های چهارگانهٔ سنی (حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی) بنام فرقهٔ جعفری (بنام امام جعفر صادق ع) بشناسند و ازلعن خلفای سه گانه صرفنظر کنند تا بدینوسیله اختلاف سنی وشیعه برطرف شود وتعصبات مذهبی از میان برود و جنگ‌های بین ایران و عثمانی نیز موقوف گردد.

حاضرین قبول کردند و نادر هم سلطنت را پذیرفت ولی این طرح بسبب مخالفت

سلطان عثمانی و هم عدم تمایل قلبی روحانیان ایران پیشرفت نکرد . یکی از علما هم که در آن مجلس مخالفت کرده بود به قتل رسید. نادرمشهد را پایتخت خود قرارداد (آرامگاه او نیزدرآن شهر است) .



آرامگاه نادر شاه افشار در مشهد

بعد از میلاد

۱۷۳۸ نادر و سرداران وی بلوچستان و رضاقلی میرزاپسرش بلخ را فتح کرده ضمیمهٔ ایران نمودند، نادر قندهار را مدت یکسال محاصره کرده بالاخره آنرا فتح نمود .

۱۷۳۸ **لشکرکشی بهندوستان :** نادر سپس راه هند را پیش گرفته کابل، پیشاور و لاهور را فتح کرد .

۱۷۳۹ **جنگ کرنال** ـ محمد شاه امپراطور مغولی هند سپاهی بزرگ بافیلهای جنگی فراهم کرد و به مقابلهٔ نادر شتافت ـ جنگی سخت دردشت کرنال در ساحل رود جیمنا در ۱۲۰ کیلومتری دهلی بوقوع پیوست ـ محمدشاه شکست خورد و تلفات بسیار داده سپاه او منهزم گردید و عدهٔ زیادی اسیر شدند . محمد شاه در ۱۹ فوریه با شاهزادگان وامرای خود باردوی نادرآمده تسلیم شد و تاج خودرا بنادرتسلیم کرد ـ نادرسپس عازم دهلی شده ۵۸ روزدرآنجا اقامت گزید .

شورش دهلی : پس از چند روز اقامت وی شورشی در دهلی برخاست . شهرت دادند نادر فوت شده و هندیان عده‌ای از سربازان ایرانی راکشتند . نادر فرمان قتل عام داد و بالاخره بوساطت محمد شاه فرمان را لغوکرد ولی عده‌ای که بین ده تا ۱۱۰ هزار نوشته شده به قتل رسیدند ـ نادر سپس تخت و تاج هند را به محمد شاه برگردانیده با

هدایا و غنائمی که بین ۳۰ تا ۸۷ میلیون لیره و بنظر بعضی دیگر از مورخین در حدود هشتاد بیلیون‌ریال امروز(۱۳۴۵ شمسی ـ ۱۹۶۶میلادی) تخمین زده شده بایران‌بر گشت. این غنائم شامل تعداد زیادی فیلهای جنگی و تخت‌طاوس طلا و الماسهای درشت دریای‌نور وکوه نور بودکه دوقلم اولی تخت‌طاوس و دریای نور اکنون جزء اشیاء خزانهٔ سلطنتی در بانکملی نگاهداری میشود وسومی در دست ملکهٔ انگلستان است . ازآن پس‌اراضی شمال و باختر رود سند جزء امپراطوری ایران گردیده و رود سند سرحد ایران شناخته‌شد .



دریای نوردرشت‌ترین الماس جهان است‌که در جزء جواهرات شلطنتی اکنون‌در بانك ملی‌نگاهداری میشود

۱۷۴۰ **نادر بخارا و خوارزم** (خیوه) را به امپراطوری ایران پیوست و وسعت قلمرو سلطنت وی باوج خود رسید و از همین هنگام دورهٔ تنزل امپراطوری نادرآغاز شد زیرا نادر که سربازی جنگجو وکشورگشائی بزرگ بود درفن اداره و سازمان کشور مهارتی نداشت . بعلاوه عدم موفقیت وی در الغای مذهب شیعه وایجاد ناراحتی و عدم رضایت در مردم در اثر فشار وی دراین زمینه او راخشمگین



ساخته در سال‌های آخر او را به طرف بیدادگری و استبداد و خونخواری کشانید .

بعد از میلاد

۱۷۴۱ **جنگ با لزگی‌ها :** هنگام لشکرکشی نادر به هند قبایل وحشی لزگی در داغستان بشیروان و نواحی اطراف آن تاخت و تازکرده و غارت نمودند و ابراهیم‌خان تنها برادر نادر را به قتل رسانیدند . نادر در این سال برای تنبیه آنها بداغستان لشکر کشید ودرراه مازندران تیری ازجنگل بطرف او رهاشده بازوی او را مجروح کرد. نادر ازلزگیها که مورد حمایت و کمک دولت روسیه بودند شکست خورده عقب‌نشینی کرد و به مشهد برگشته رضا قلی میرزا پسرش را بتصور آنکه محرك تیراندازی بطرف او بوده کور کرد و بعد پشیمان شد . این واقعه و شکست از لزگیها مزید برعلت بدخلقی نادر شده خونریزی و قساوت را در سالهای آخر سلطنت پیش گرفت .

۱۷۴۳-۱۷۴۴ در شیروان و فارس و استرآباد شورش وطغیان آغاز گردید و نادر باخونریزی و تخریب این شورشها را فرونشانید .

۱۷۴۳-۱۷۴۷ **تجدید جنگ با دولت عثمانی**

سلطان عثمانی بسبب فتوای علما وروحانیون ترکیه که فرقهٔ شیعه را رافضی ومخالف با مذهب اسلام و ایرانیان را واجب‌القتل دانسته بودند از قبول پیشنهاد نادر در شناختن فرقهٔ جعفری امتناع کرد و نادرآخرین بار به عثمانی لشکر کشید . از طرف سلطان‌عثمانی یکصدهزار سواروچهل هزارپیاده بسرکردگی **یکن محمد پاشا** بمقابلهٔ نادر شتافت و پس از یك جنگ چهار روزه ترکها شکست‌خورده با بی‌نظمی فرارکرده فرمانده خود را نیز به قتل رسانیدند و ذخائرآنها بدست نادر افتاده تلفات و اسرای بسیار دادند . دولت عثمانی حاضر بصلح شده پیمان صلحی به شرایط زیرمنعقد گردید :

(۱) نادر در تقاضای خود دائر به شناسائی مذهب شیعه از طرف دولت عثمانی بعنوان فرقهٔ پنجم صرفنظر کرد .

(۲) دولت عثمانی سرزمین دو دولت را مطابق پیمان سلطان مراد چهارم برسمیت شناخت .

دولت روسیه در این هنگام راه بازرگانی بریتانیا را بایران و خاور ایران از راه دریای خزرکه از چند سال پیش **آلتون** انگلیسی آنرا آغازکرده بود بست . این دومین کوشش انگلیس بود برای تجارت با ایران که با شکست روبرو شد .

ضمناً آلتون در ۱۷۴۳ از طرف نادر ملقب به **جمال بك** شده و بـریاست کل کشتی سازی در دریای خزر منصوب گردیده بـه مساحی سواحل وکشتی سازی و تهیهٔ پایگاه در سواحل خاوری دریای خـزر پرداخت تا نادر بتواند در جنگ بالزگـی‌ها از دریا بسپاه خودآذوقهٔ برساند و بـدیهی است که این نیز باعث نگرانی روسها گـردید . نادر در صدد تهیهٔ نیروی دریائی بزرگی در دریای خزر بود ودر خلیج‌فارس نیز بیست کشتی بفرماندهی هندیان و پرتقالیها بآب انداخت و در صدد تقویت نیروی دریائی جنوب بود ولی پس از قتل او این نقشه‌ها تعقیب نشد و از میان رفت .

بعد از میلاد

۱۷۴۷ نادر در سال آخـر سلطنت خـونخوار شده منارها از سرهـای بریده مـردم میساخت و مـردم دهات و شهرها را بطـرف کوهها و غارها میراند و ایـن رفتار وی باعث شورش در تمام نقاط کشور از جمله سیستان و قوچان گردید. نادر در هنگام حرکت به قوچان شب هنگام بدست اتباع خود از ایل افشار (محمد صالح‌خان و محمد قلی‌خان) که بچادر وی داخل شده او را غافلگیر کرده بودندکشته شد با اینحال پیش ازآنکه جان دهـد در خلال کشمکش و پیکارآندو را به قتل رسانیده بود .

(ب) دورهٔ هرج و مرج

۴ سال ـ (۱۷۴۷ ـ ۱۷۵۱)

۱۷۵۰ دراین چهارسال برسرمسئلهٔ جانشین سلطنت بین سرداران اختلاف وکشمکش و درکشور هرج و مرج حکمفرما بـود .

احمدخان درانی ابدالی فرمانده سپاهیان افغانی وازبك درارتش نادربانیروی ده هزار نفری قسمت زیادی از غنائم نادر راکـه از دهلی‌آورده بود و الماس معروف بـه کوه نور نیز درآن بود (و اکنون در تاج ملکهٔ انگلستان قرار داد) تصرف‌کرده بطرف افغانستان فرارکرد و در قندهار ادعای سلطنت‌کرده مشهد و هرات را متصـرف شد و بعد سند وکشمیر و بخشی از پنجاب را نیز ضمیمهٔ متصرفات خـود نموده دولت‌آیندهٔ افغان را تشکیل‌داد.

محمد حسن‌خان قاجار درگرگان و مازندران ، **آزادخان افغان** از سرداران

نادر در آذربایجان ، **هدایت‌الله‌خان** در گیلان ، و **هراکلیوس** در گرجستان علم طغیان و استقلال برافراشتند .

بعد از میلاد

۱۷۴۷-۱۷۴۸ **سلطنت عادل شاه** (علیقلی‌خان) برادرزاده نادرشاه که در توطئهٔ قتل نادر دست داشت : وی فرزند و فرزند زادگان نادر را باستثنای شاهرخ پسر رضا قلی میرزا که ۴ ساله بود بکشت و خزاین نادر را در کلات تصرف کرده بنای بخشش گذاشت و برباد داد . وی بدست ابراهیم‌خان برادرش دستگیر و نابینا گردید. **ابراهیم شاه** بزودی بدست سپاهیان خود کشته شد **وشاهرخ** پسر رضاقلی میرزا که نسبش از طرف مادر بشاه سلطان حسین صفوی میرسید جانشین او شد .

۱۷۴۸-۱۷۵۱ **سلطنت شاهرخ** نوهٔ نادر : یکی از شیعیان متعصب بنام میرزا سید محمد قیام کرده و شاهرخ را دستگیر کرده و نابینا ساخت و خود را سلیمان شاه خواند .

شاهرخ بار دیگر به‌کمك یوسف علی یکی از سرداران ، تخت وتاج راتصاحب کرد و سلیمان شاه کشته شد .

دوسردار دیگرموسوم‌به **جعفرو میرعالم**، یوسف علی راکشته وشاهرخ‌را زندانی کردند ـ میرعالم سپس بدست احمد ابدالی بار سوم شاهرخ را بپادشاهی خراسان گماشت که تا سال ۱۷۹۶ تنها در خراسان سلطنت داشت و پس از او نادر میرزا پسرش امارت خراسان را داشت تا زمان سلطنت فتحعلیشاه قاجارکه ازمیان برداشته شد وحکومت‌افشاریه در خراسان هم پایان یافت .

دراینمدت در سایر نقاط ایران تا زمان ظهور کریم‌خان زند بین رؤسای ایلات‌وقبایل و سرداران کشمکش و هرج و مرج برقرار بود .

(ج) سلسلهٔ زندیه

۱۷۵۰-۱۷۷۹ **حکومت کریم‌خان زند :** کریم‌خان رئیس ایل زند از سرداران سپاه نادر

بود . ایل وی سابقاً در اطراف ملایر سکونت داشته نادر بیشتر آنها را بـه خراسان کوچ داده بود . کریم‌خان پس‌از قتل نادر قبیلهٔ خود را به‌محل‌سابق برگردانیده در جلفای اصفهان اقامت گزید و بسبب حسن سلوك نسبت‌بمردم محبوبیت و نفوذ و قدرت پیدا کرده رقیب خود علی‌مـردان‌خان بختیاری را شکست داد و قدرت را در اصفهان و جنوب بدست‌آورد . سپس ایل نیرومند قاجار راکه در شمال ایران بسر کردگی محمد حسن‌خان قاجار علم‌استقلال



برافراشته بودند و هم‌آزادخان افغان را درآذربایجان شکست داده گرگان‌و مازندران و گیلان وآذربایجان را نیز ضمیمهٔ حکومت خود نمود وآقا محمد خان پسر محمد حسن‌خان راکـه در سن ۵ سالگی از طـرف عادلشاه افشار مقطوع‌النسل‌شده بود همراه خود بشیرازآورده مورد محبت‌قرارداد وخواهر او را هم بزنی گرفت .

کریم‌خان **شیراز** را پایتخت خود قرار داد. وی مردی نیکوکار و سخی و عادل بود و عنوان سلطنت را نپذیرفته خـود را **وکیل‌الرعایا** خواند لذا به‌کریم‌خان وکیل معروف است. در زمان وی امنیت وآرامشی بـرقـرار شد وکشور تـوانست فرسودگیهاوخرابیهای دوران جنگها وخونریزیها راتادرجه‌ای جبران‌کند و به‌آبادی بپردازد . کریم‌خان ابنیهٔ متعدد درشیراز ساخته‌که بنام خود او معروف است مانند بازار وکیل ، مسجد وکیل ، و ارگ‌کریم‌خانی .



تصویر کریم‌خان زند

بعد از میلاد

۱۷۶۳ تأسیس یك کارخانه و نمایندگی بازرگانی انگلیس در بوشهر .

۱۷۷۰ تأسیس یك کارخانه و نمایندگی بازرگانی انگلیس در بصره .

-۱۷۷۵

۱۷۷۶ **تصرف بصره :** کریم‌خان ازتجاوزات اعراب ساحل خلیج‌فارس جلوگیری کرد و چون والی بغداد از زوار ایرانی باج گرفته و به‌آنها ستم میکـرد و امام مسقط رابرضد ایران تحریك مینمود تابه بازرگانان ایرانی تعدی کنند. کریم‌خان یك سپاه پنجاه‌هزار نفری بسرکردگی برادرش صادق‌خان بطرف بصره فرستادکه پس از۱۳ ماه محاصره‌آنـرا فتح نمود و شهر بصـره بعنوان پایگاه تا هنگام درگذشت کریم‌خان در تصرف ایران بود .

۱۷۷۹ **درگذشت کریم‌خان**

-۱۷۷۹

۱۷۸۲ دورهٔ هرج و مرج بسبب نفاق وکشمکش بین برادران کریم‌خان برسر تاج و تخت تجدید شد . آقا محمدخان قاجارکه در شیراز تحت نظر قرار داشت به مجرد درگذشت کریم‌خان به مازندران فرارکـرده از هرج و مرج بعد از کریم‌خان استفاده نموده وبجمع‌آوری قوا پرداخت .

-۱۷۸۲

۱۷۸۵ **سلطنت علیمرادخان :** وی از خانوادهٔ زند و از سرداران کریم‌خان بود و پایتخت خود را به اصفهان انتقال داد . وی صادق‌خان و تمام فرزندانش را بـه استثنای جعفر خان کـه قبلاً با او محرمانه هم دست شده بـود بکشت .

-۱۷۸۵

۱۷۸۹ **سلطنت جعفرخان:** درزمان وی اغتشاش و بیدادگری رواج‌یافته و هرج و مرج ادامه داشت . وی در مدت سلطنت خود مدام با جنگ باآقا محمدخان قاجار اشتغال داشت و چند مرتبه اصفهان را تصرف‌کرده و باز ازآنجابشیراز فرارکرد و عاقبت در شیرازمسموم شد و درگذشت .

-۱۷۸۹

۱۷۹۴ **سلطنت لطفعلی‌خان پسر جعفرخان :** وی کـه‌آخـرین پادشاه سلسلهٔ زندیه است مـردی دلاور و با استعداد ولی متکبر بود و با وجود جنگهـای شجاعانـه و قهرمانی‌ها نتوانست رقبای خـود بخصوص‌آغا محمدخان قاجار را از میان بردارد و از وی شکست‌خورده به فجیع‌ترین وضعی بـه قتل رسید

و سلطنت پس از وی به سلسلهٔ قاجاریه منتقل گشت .

ششم (سلسلهٔ ۲۳) سلسلهٔ قاجار

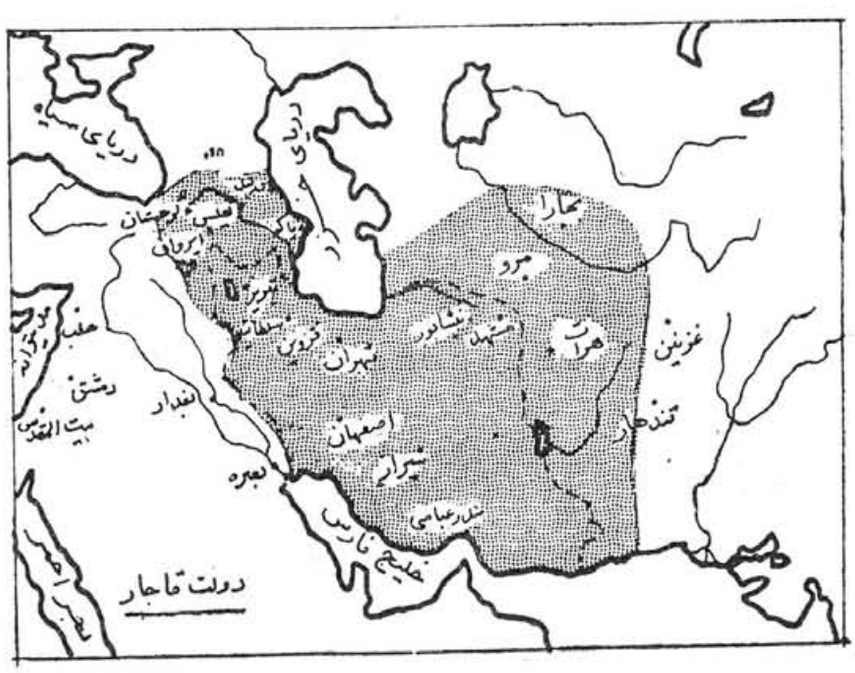
۱۳۲ سال ـ (۱۷۹۴ ـ ۱۹۲۵ ب.م)

اصل ایل قاجار از ترکهائی است که همراه سپاه هلاکو بایران آمده و پس از سقوط ایلخانیان به شام کوچ کردند تا هنگامیکه امیر تیمور بار دیگر آنها را به ایران کوچ داده در آذربایجان و ایروان و گنجه سکونت داد و به مذهب شیعه درآمده خود را ایرانی خواندند . شاه عباس کبیر آنها را به مرو و گرجستان و برخی به استرآباد و کنار رود گرگان کوچ داد که در آنجا به دو قبیلهٔ متخاصم معروف به قاجار **یوخاری‌باش** وقاجار **آشاقه‌باش** تفکیك شدند و سلسلهٔ قاجار که بسلطنت رسید از قبیله دوم‌هستند .

فتحعلی‌خان از آمراء اشاقه‌باش در خدمت شاه طهماسب دوم ترقی کرده سپهسالارشد ولی نادر او را از سرراه خود برداشت و محمد حسن‌خان پسرش تا زمان قتل نادرمتواری بود . وی پس از قتل نادر قوائی در مازندران و استرآباد فراهم کرد ولی بدست یکی‌از امراء قاجار کشته شد و دو فرزندش آقا محمدخان و حسینقلی‌خان بدست عادلشاه افشار افتاده وآقا محمدخان راکه ۵ ساله بود مقطوع‌النسل (خواجه) نمود ـ کریم‌خان زند با خواهر آقا محمدخان ازدواج کرده آقا محمدخان را با خود بشیراز برد و با او مهربانی بسیار کرد وحتی در بعضی اموربا او مشورت میکرد. آقا محمدخان بمجرد مرگ کریم‌خان از شیراز به مازندران گریخته و راه رابر قافله‌ای که خزانه و مالیات شمال را بشیراز حمل میکرد بسته پولها را تصرف کرد و با بعضی از قبایل قاجار همدست شده دعوی‌سلطنت نمود ، ولی برادرانش به مخالفت با او برخاستند . وی در بارفروش اسیر یکی‌ازبرادران خود رضا قلیخان گردید و بوساطت دو برادر دیگر جعفرقلیخان و مصطفی قلیخان‌آزاد شده بار دیگر قیام کرد . مدت چهار سال بین او و برادرانش جنگ بود تا بالاخره فائق آمده قدرت را در دست گرفت و بجنگ با لطفعلیخان زند برخاست. درکرمان اوراشکست داده و دستگیر کرد و مردم شهر کرمان را بجرم اینکه لطفعلیخان را راه داده‌اند قتل عام نمود و زنان اهالی را بسپاهیان بخشید وکودکان را به اسارت برد و خونریزی را بحد اعلی رسانید و بعدها دو برادری راکه بوی کمك کرده و او را از مرگ و اسارت نجات داده و بسلطنت رسانیده بودند یعنی جعفرقلیخان و مصطفی‌قلیخان اولی را با غدر و فریب و وعدهٔ حکومت اصفهان ، بتهران کشانیده بکشت و دومی راکور کرد .

نظری کلی باوضاع ایران در زمان قاجاریه

دورهٔ قاجاریه همزمان بود با جنبشهای بزرگ اصلاحات مذهبی و سیاسی و صنعتی و عصر بیداری در اروپا که آنرا در قسمت مذهب **رفرماسیون** ودر سایر قسمتها **رنسانش** اصطلاح میکنند و جمعیت کشورهای اروپائی روبه فزونی گذاشته در سایر نقاط جهان بدنبال اراضی تازه برای سکونت و استثمار در جستجو بودند و هم درکشورهای عقب افتاده در جستجوی بازار برای فروش امتعهٔ اضافی خود بودند و استعمار یا **کولونیالیسم** اروپائی رایج گردیده تمام شبه قارهٔ هندوستان بتدریج بتصرف انگلیس درآمده و افغانستان راتحت نفوذ آورده و دست نشانده کرده ایران از طرف خاور و جنوب با بزرگترین قدرت دریائی و استعماری عصر یعنی انگلیس همسایه شده و ایران از طرف شمال با بزرگترین قدرت و نیروی جدید بری یعنی روسیه همسایه گردید که سیبری و روسیهٔ اروپا را تا سواحل بالتیك در تصرف آورده و قصد داشت از طرف جنوب از راه ایران بدریای گرم یعنی اقیانوس هند دست یابد .



دولت عثمانی هم که تا پیش از این زمان قدرتی بزرگ درآسیای وسطی بود بسبب جنگهای دائمی با ایران و هم در سایر جبهه‌ها روبضعف وانحطاط نهاده قدرت‌های اروپائی بسرعت از لحاظ نظامی و اقتصادی و صنعت و تجارت و علوم و فنون روبترقی بودند و به رقابت یکدیگر در استعمار و کشورگشائی وبسط نفوذ وقدرت درآسیا وافریقا برخاسته بفعالیت شدید پرداخته بودند .

البته اگر در اوایل دورهٔ قاجاریه در ایران پیشوایانی دانا وخردمند وآگاه‌بامور جهانی بوجود میآمدند ، میتوانستند ازکشمکش و رقابت شدید و خونین بین دول اروپائی استفاده کرده وسائل ترقی ایران را فراهم کنند و دراین کشور برطبق اقتضا واحتیاج زمان اصلاحاتی انجام دهند وهمگام‌قافلهٔ ترقی به‌پیش روند. اما باکمال تأسف این اتفاق‌نیفتاد و ایران دچار جنگهای خانگی و داخلی گشته از طرفی میدان کشمکش خانها و رؤسای قبایل و ایلات و فئودالها و شاهزادگان و مدعیان سلطنت و متنفذین و خوانین و امـرا و اعیان واقع شد و از سوی دیگر میدان کشمکش وآنتریك و تحریکات قدرتهای خارجی وبخصوص دو نیروی بزرگ شمالی و جنوبی یعنی روس و انگلیس قرارگرفت‌کـه پای‌آنها بکشور باز شده و از طریق تحریکات داخلی ، شاه و دولتهای مرکزی را روز بروز ضعیف‌تـر کرده و غالباً دست نشاندهٔ خود نمودند . سیاست شاهان قاجار نیز این بودکه مردم را در جهل و تاریکی نگاهدارند و مانع نفوذ و سرایت سیل تمدن باختری بایران شوند و در پیروی از این سیاست چند نفری هم از قبیل میرزا تقی‌خان امیرکبیرکه در این عصر بظهور رسیدند و قصد اصلاحات و رفرم داشتند بدست شاهان قاجار بقتل رسیدند . بنابراین ، این کشور در مدت دوقرن بهترین فرصتها را برای ترقی ازکف داده خسرانهای بسیار و بیشمار مادی و معنوی و اخلاقی بـه ایران واردآمدکـه به برخی ازآن درکرونولوژی ایـن فصل اشاره خواهدشد.

کرونولوژی دورهٔ قاجار

بعد از میلاد

۱۷۸۶-۱۷۷۹ **سلطنت آغامحمدخان :** وی مردی خونریز ، بیدادگر، طماع،قسی‌القلب، پول‌پرست و جاه‌طلب بود . تهران را پایتخت خود قرارداد ـ استخوان‌های کریم‌خان زند را از قبر او در شیراز بیرون‌آورده در زیر پله‌های قصر خود در تهران دفن کرد تا همه روزهٔ از روی‌آن عبورکنند وشهوت کینه‌جوئی‌خود را فرونشاند (این‌استخوانها در ۱۳۰۵ هجری شمسی بـدستور اعلیحضرت رضا شاه‌کبیر بار دیگر به مقبرهٔ اصلـی او برگردانیده شد)آغا محمدخان بشورش گـرجستان پایان داده تفلیس را غارت و قتل عام نمود . خراسان را نیز تصرف‌کرده خزائن نادرشاه را به چنگ‌آورد وبرای بدست‌آوردن

آخرین جواهرات نادرشاه ، شاهرخ نوهٔ نادرشاه را شکنجه‌های سخت داده از جمله سرش را خمیر گرفته سرب گداخته بر آن ریختند تا محل یاقوت مشهور اورنگ زیب را بروز داد ولی پس‌از آن جان داد .



تصویر فتحعلیشاه قاجار



تصویر آغا محمد خان قاجار

آغا محمدخان در ۱۷۹۶ تاجگزاری کرد و پس از تصرف قلعهٔ شیشه در شصت میلی رودارس شبی درآن قلعهٔ دستور داد صبح روز بعد دونفر از پیشخدمتهای اوراکه بایکدیگر مشاجره کرده وصدای گفتگوی آنها به گوش وی رسیده بود بقتل‌رسانند . ایندو نفر پیش‌از آنکه صبح فرا رسد آغا محمدخان راکشتند .

بعد از میلاد

۱۷۹۷-
۱۸۳۵ **سلطنت فتحعلیشاه :** وی برادرزاده آغا محمدخان (نام اصلی او باباخان پسر حسینقلی‌خان) و والی فارس و مقیم شیراز بود که پس‌ازقتل آغامحمدخان بسرعت بتهران آمده به تخت نشست . وی نیز پول دوست بود و شکوه وجلال را میپرستید و نیز عیاش بود و نام ۱۵۸ زوجهٔ او در ناسخ‌التواریخ آمده . تعداد فرزندان و نوادگان او در حیات خودش به ۲۰۰۰ نفر رسید .

در زمان وی قدرتهای اروپائی بسرعت در ایران نفوذ یافتند و از طرف دیگر قدرت روسیه بالاگرفته بطرف آسیای مرکزی پیشروی نمود. ناپلئون نیز که دراروپا باوج قدرت رسیده بود در صدد آن بودکه از راه ایران به هند حمله نماید و آن کشور را تسخیر کند .

۱۷۸۹ افغانها از چند سال پیش بخاك هند تجاوز میکردند و انگلیس‌ها ازطرفی در کشمکش با فئودالهای محلی هند و از طرفی گرفتار کشمکش با فرانسویان

بودند . در این هنگام برای اینکه از شرحملات افغانها به هندآسوده شوند بنای تحریك در دربار ایران گذاشته فتحعلیشاه را برضد افغانها برانگیختند تا بدین وسیله قوای زمانشاه افغانی‌جانشین احمدخان یا احمدشاه رادرسرحد ایران مشغول نگاه دارند. پس لردولسلی فرمانفرمای انگلیسی بنگال یکنفر ایرانی تبعهٔ هند موسوم بـه **مهدی علی‌خان** راکه نمایندهٔ کمپانـی هند شرقی در بوشهر بود محرمانه مأمور این تحریکات کرد و وی بدربارفتحعلی شاه رفته او را تشویق کردکه ولایات سابق ایران را از زمانشاه پس بگیرد و این خود باعث یك سلسله کشمکشهای طولانی بین ایران و افغـان گردید و بدینطریق دولت انگلیس آسوده خاطر به تقویت موقعیت خود و بسط اراضی وکشورهای متصرفی خود در هند و فرو نشاندن شورش‌های داخلـی هند پرداخت .

بعد از میلاد

۱۸۰۰ **الحاق گرجستان بروسیه :** هراکلیوس والی گرجستان از طرف ایران در زمان آغا محمدخان از دولت روسیه تقاضا کرد که گرجستان را تحت حمایت خود قرار دهد .کاتـرین ملکهٔ روسیه سپاهی فرستادکه بسبب فوت کاتـرین مراجعت کردند سپس گرگین‌خان (ژرژ دوازدهم) پسر هراکلیوس و جانشین وی تقاضای خود را در زمان الکساندر اول امپراطور روس تجدیـد نموده و الکساندر سپاهی‌فرستاده گرجستان را تصرف کرد واین واقعه مقدمهٔ جنگهای بین ایران و روس گردید .

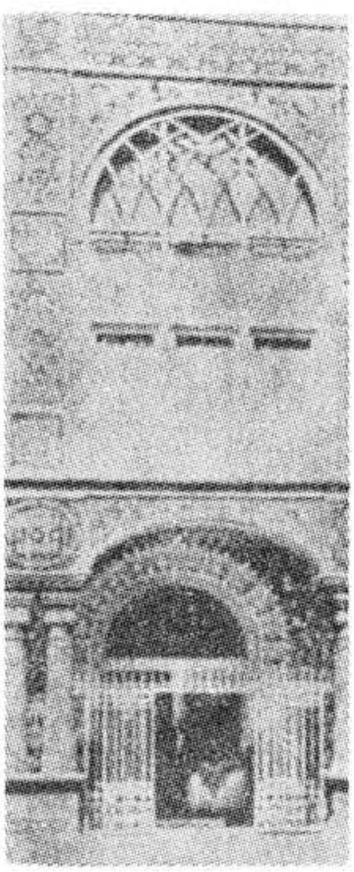
ورود اولین میسیون سرجان ملکم بنمایندگی کمپانی هند شرقی بایران : وی موفق شد با فتحعلیشاه عقد پیمان سیاسی و بازرگانی نماید . از جمله شرایـط عجیب این پیمان این بودکه شاه ایران حق ندارد با افغانها صلح کند مگـر اینکه افغانها از دعاوی خود نسبت بهند صرفنظر کنند . در برابر انگلیسها هم متعهد شدندکه درصورت حملهٔافغان یا فرانسه بایران اسلحه و پول در اختیار ایران بگذارند .

۱۸۰۱-
۱۸۱۲ **فتنهٔ وهابی :** عبدالوهاب نام از طلاب اصفهان و بعداً مقیم بصره مذهبی‌به نام وهابی‌آوردکه طبق‌آن بنای گنبد و مرقد ضریح بـرقبور ائمه و انبیاء و بوسیدن و تزئین و تذهیب قبور وآراستن حرم ائمه با اشیاء قیمتی را بدعت در دین و شرك وکفر دانست و بهمدستی عبدالعزیز از مشایخ عرب، **درعیه** را مقر خود نموده در ۱۸۰۱ با سپاهی بـه کربلا رفته پنجهزار از سکنه را کشته و ضریح را شکسته و جواهرات و اشیاء زرین و قیمتی را بغارت بردو

سپس قصد تسخیر مسقط نمود . امام مسقط از دولت ایران کمك طلبید و سپاه ایران بسرکردگی حسینقلی میرزا بدرعیه مرکز وهابی‌ها شتافت وآنها را شکست داد ولی از میان نرفتند تا مدتی بعدکه بدست محمدعلی پاشا فرمانروای مصر برانداخته شدند .

بعد از میلاد

۱۸۰۴ **جنگ ایران و روس :** ژنرال **سی‌سیانوف** روسی بدون اعلان جنگ به امید قول حاکم خائن ایروان که وعده داده بود شهر را بدون جنگ تسلیم او کند بطرف ایروان لشکر کشید وابتدا سپاه را غافلگیر کرده شهررامحاصره نمود . فتحعلیشاه شخصاً دراین صحنه ظاهرشد وسی‌سیانوف مجبور بعقب‌نشینی گردید .



کاخ گلستان از بناهای دورهٔ قاجار

سپس سی‌سیانوف عزم تسخیر رشت را نمود ولی نتوانست توپخانه را از مرداب عبور دهد و توفیق نیافته به بادکوبه برگشت . حسینقلیخان حاکم ایرانی بادکوبه او را برای مذاکرهٔ پای دیوار شهر کشانیده بکشت و سرودستهای او را برای فتحعلیشاه فرستاد (چون سی‌سیانوف منصب بازرس‌را داشته که بزبان‌روسی اینش‌پختر خوانده میشد درایران بنام اشپختر معروف شده و آوردن سر اشپختر بمنزلهٔ انجام‌کاری بسیاربزرگ‌سالها ضرب‌المثل گشت) جانشین سی‌سیانوف مجبور به عقب‌نشینی شد . از این تاریخ تا حدود هشت‌سال کشمکش و جنگهای‌بی‌نتیجه بین ایران‌وروس در قفقاز جریان داشت بدون‌آنکه بنتیجهٔ قطعی‌برسد، اگرچه ایروان باردیگر بدست سپاه ایران افتاد و عباس میرزا بعضی از اراضی را پس گرفت . سپاه روس دارای توپخانهٔ مجهز و منظم بطرز جدید بود و سپاه ایران فاقدآن بود و فتحعلیشاه بسبب پول‌پرستی حاضر نبود در خزانه راگشوده مخارج سپاه را تأمین‌کند وآنرا تقویت نماید . بنابراین سپاهیان ایران در سختی میگذرانیدند . و از طرف دیگر تحریکات درباری وداخلی وبینظمی و فقدان‌انضباط مانع موفقیت و پیروزی قطعی سپاه ایران گردید .

بعد از میلاد

۱۸۰۶ **ورود میسیون ژوبر فرانسوی :** ایـن میسیون بریاست ژوبـر از طرف ناپلئون بایران آمده ناپلئون پیشنهاد کرد در تجدید تصرف گرجستان و نقاط از دست رفتهٔ شمال بایـران کمك کند و در عـوض ایران اجازه دهدکـه سپاه فرانسه برای تسخیر هندوستان از خاك ایران بگذرد . فتحعلیشاه چون‌شنیده بودکه در انقلاب فرانسه سرپادشاه را بریده‌اند ابتدا از عقد پیمان با ایشان اکراه داشت چنانچه اولین پرسش وی دراولین برخورد بارئیس میسیون این بودکه :

« چرا شما شاه خود راکشتید ؟» به علاوه فتحعلی شاه هنوز منتظر کمك انگلیسی‌ها بود .

۱۸۰۷ **ماه مه ـ عقد پیمان فینکن اشتین :** چـون وعـده و قول انگلیسها بـه فتحعلیشاه بوسیلهٔ سرجان ملکم برای کمك مالی و تقویت انگلیسها در برابر روسیه زیاد بتأخیر افتاد و فتحعلیشاه مأیوس شد قرار دادی با نمایندهٔ فرانسه بنام **فینکن اشتین** منعقدکـرد و **میرزا رضا** را بعنوان نمایندهٔ سیاسی بـه دربارفرانسه فرستاد. طبق این پیمان شاه قول دادکه دراعزام سپاه‌فرانسوی بهندکمك کند و یك بندر هم برای عبور سپاه فرانسه بهندوستان بفـرانسویان واگذار نماید .

۱۸۰۷ **ورود میسیون گاردان فرانسوی :** چند ماه بعد ژنرال گاردان با هفتاد افسر فرانسوی برای تجدید سازمان سپاه ایران و تهیهٔ آن بـرای کمك بسپاه فرانسوی بمنظور حملهٔ بـه هند وارد تهران شد و بـه تعلیم سپاهیان ایـران پرداختند ولی طولی نکشیدکه ناپلئون و الکسانـدر اول پادشاه روسیه طبق پیمان **تیل‌سیت** صلح کرده و درآن ذکری ازبرگشت گرجستان بایران نشده و این باعث یأس فتحعلیشاه گردید . ضمناً از علاقهٔ فرانسویان هم نسبت بـه اجـرای نقشهٔ خود در ایـران‌کاسته شد . از طرف دیگر انگلیسهـا از نفوذ فرانسویان درایران بوحشت افتاده میسیونهای دیگری فرستاده دردربار ودر فتحعلیشاه نفوذ یافتند .

۱۸۰۸ **ورود میسیون سرهارفورد جونز انگلیسی :** ابتدا فرمانفـرمای هند بار دیگر ملکم را روانهٔ ایران‌کرد . دولت ایران باوبی‌اعتنائی کرده‌اجازهٔ ورود به تهران نداد و بـه او دستور دادند پیشنهادهای خود را تقدیم والـی فارس نماید . ملکم به هند برگشت و سپس سرجونز هارفورد بـریاست هیئتی

از لندن با هدایائی برای شاه از جمله الماسی گرانبها از طرف جرج سوم به تهران اعزام شد و از فتحعلی‌شاه تقاضای اخراج گاردان را نمود و قول داد که به ازاء آن سالی ۱۲۰ هزار لیره به ایران بپردازد وعده‌ئی ازافسران انگلیسی را برای تربیت سپاه ایران استخدام کند .

بعد از میلاد

۱۸۰۹ **مارس ـ** پیمانی بشرایط بالا بین شاه ایران و دولت انگلیس منعقد گشت و هم اینکه دولت ایران متعهد شد که اجازهٔ عبور هیچ لشکر خارجی را از خاك خود برای حملهٔ بهند ندهد . این پیمان بوسیلهٔ **جیمزموریه** منشی میسیون بلندن فرستاده شد . وی باکمك یك ایرانی که اسم او کشف نشده کتاب معروف حاجی‌بابا را تألیف کرده است .

۱۸۱۰ **سومین مأموریت سرجان ملکم بایران:** چون **لردمین‌تو** فرمانفرمای هند از اعزام میسیون مستقیم ازلندن به ایران ناراضی بود وهم برای جبران تحقیری که از طرف ایران به ملکم شده بود او را برای اجرای مواد پیمان جونز مأمور ایران نمود . ملکم در این سفر موفق به برقراری کامل نفوذ انگلیس در ایران گردید .

۱۸۱۲ **جنگ اسلاندوز :** در این هنگام چون انگلیس با روسیه برضد فرانسه و برای‌دفع ناپلئون متحد شده بود فرمانفرمای هند به افسران انگلیسی دستور داد از خدمت دولت ایران کناره گیرند و از طرف دیگر سپاه روس بنای پیشروی را گذاشته در اسلاندوز با سپاه ایران روبرو شده و دد اثر یك شبیخون سپاه عباس‌میرزا شکست‌خورد وفتحعلیشاه با وساطت انگلیس‌درصدد صلح با روس برآمد .

۱۸۱۳ **۱۴ اکتبر ـ عقد پیمان گلستان :** با وساطت **سرگوراوزلی** سفیر انگلیس پیمان شوم صلحی بین دولت روس و عباس میرزا از طرف ایران بر اساس شرایط زیر منعقد گردید و با این پیمان بخشی ازکشور ایران جزء روسیه شد.

(۱) دولت ایران ، شهرهای قراباغ ، گنجه (الیزابت‌ویل) شیروان ، دربند، باکو، شکی ، و بخشی از طالش را بروسیه واگذاشته و از دعاوی خود نسبت به تمام داغستان ، گرجستان ، مین‌گرلیا ، ایمریشیا ، و ابخاسیا صرفنظر نمود .

(۲) ایران متعهد شد که در دریای خزر نیروی دریائی نداشته باشد . ضمناً روسیه به عباس میرزا قول داد که برای رسیدن وی بسلطنت کمك کند .

بعد از میلاد

۱۸۱۴ **۲۵ نوامبر ـ عقد پیمان بین ایران و انگلیس :** بشرایط زیر :

۱) ایران متعهد شد کـه کلیهٔ پیمانهای خود را با دول اروپائی دشمن انگلیس لغـو نماید .

۲) سپاه‌های اروپائی دشمن انگلیس را بایران راه ندهد .

۳) دولت ایران حکمرانان خوارزم و تاتار و بخارا و سمرقند را وادار کند که در مقابل هر ارتش بیگانه کـه بخواهد برای حملهٔ بـه هند از خاك آنهـا عبور کند مقاومت نمایند .

۴) درصورت تجاوز قدرتی بیگانه به ایران قرارداد دوجانبهٔ جداگانه بین ایران و انگلیس منعقد گردد .

۵) خطوط مرزی بین ایـران و روسیه و با شرکت نمایندهٔ انگلیس و ایـران معین شود .

۶) انگلیس مبلغی راکه سالیانه بایران پرداخت میکرد تا ۱۵۰۰۰۰ لیره بالا بـرد و این مبلغ تا هنگامی پرداخت شود که ایران در یك جنگ تهاجمی شرکت نکند .

۷) این مبلغ در تحت نظارت سفیر انگلیس بمصرف برسد .

۸) انگلیس در پیمان صلح بین خود با هردولت اروپائی که باایران درجنگ است ایران را شرکت دهد .

۹) در صورت بروز جنگ بین ایران و افغانستان انگلیس دخالت نکند .

۱۰) اگرافغانستان بهند حمله کرد وبا انگلیس درجنگ شد دولت ایران موظف است فوری بخاك افغانستان حمله کند .

۱۸۱۴-

۱۸۱۵ **شورش‌های داخلی :** بسبب شکست‌های فتحعلیشاه از روسها و واگذاری بخشی ازکشور بروسها شورشهائی در چند نقطهٔ مملکت از جمله خراسان به وقوع پیوست و امیر بخارا و خان‌خیوه بنای تاخت و تاز بخراسان گـذاشتند ولی این شورشها فرونشانیده شد .

۱۸۱۷ **سفارت ژنرال یرمولوف :** ایـن شخص کـه فرمانده کل قـوای روسیه در قفقازبود ازطرف تزار به ایران آمده ازجانب روسیه تقاضاهای زیر راازفتحعلیشاه نمود :

۱) ایران در جنگ روسیه با عثمانی با روسیه برضد عثمانی متحد شود .

۲) برای جلوگیری ازمزاحمت مردم خوارزم به بازرگانان روسی یا اینکه ایران

خودآن اراضی را تصرف کند و یا بسپاه روسی اجازه دهد از خاك استرآباد و خراسان عبور کرده به خوارزم و خیوه حمله کند .

۳) ایران اجازه‌دهد که روسیه نمایندگی دررشت برقرار کند .

۴) ایران افسران روسی را برای تعلیم ارتش ایران استخدام کند .

۵) ایران نماینده‌ئی برای تعیین حدود طالش معرفی نماید .

فتحعلی‌شاه با تقاضاهای یرمولوف موافقت نکرد و این خود بهانه بدست روسها دادکه پیمان گلستان را شکسته و بعدها تقاضای واگذاری اراضی گوکجه ایروان را نمودند .

بعد از میلاد

۱۸۲۱-۱۸۲۳ **آخرین جنگ با دولت عثمانی : عباس میرزا** بتحریك **مازاروویچ** سفیر روس و هم برای اعادهٔ حیثیت خودکه در اثر شکست از روسها متزلزل شده بود از گرفتاریهای دولت عثمانی در اروپا و ضعف روزافزون آن دولت استفاده کرده رفتار حاکم ترکی ارزته‌الروم را بفرستادهٔ خود و یکی دو نفر از رؤسای قبایل تابع ایران بهانه قرار داده بخاك ترکیه لشکرکشید وسپاه عثمانی را شکست داده . قلعهٔ **توپراق** را تصرف کرد وتا شهر **بایزید** پیش رفته‌آن شهر و **ملازکرد** و **تبلیس** و **اخلاط و ارجیش** را تصرف کرد .



تصویر عباس میرزا

دولت عثمانی هفتاد هزارسپاه به مقابلهٔ او فرستاد و به پاشای بغداد دستورداد در مرزهای ایران به قتل وغارت مشغول شود . در این اثنا بسبب بروز بیماری وباکه تلفات بسیار بطرفین واردآورد دست از جنگ کشیدند و پیمان ارز روم بین دو دولت منعقد شدکه طبق این پیمان ، دولت ایران شهرهائی راکه از عثمانی گرفته بود پس‌داد و دولت عثمانی‌متعهدشد بازواروحجاج وبازرگانان ایرانی سلوك نیکو بنماید .

۱۸۲۵-۱۸۲۸ **تجدید جنگ بین ایران و روس :** روسها بار دیگر باراضی متصرف ایران تجاوزکرده اراضی گوکجه را تصرف کردند و هم‌آنکه به‌اتباع‌مسلمان قفقاز بدرفتاری میکردند و این باعث تحریك احساسات مردم و علماء شده فتحعلیشاه را تشویق به تجدید جنگ باروس نمودند . عباس میرزا سپاهی

جمع‌آورده باراضی متصرفی روسیه تاخته پیشروی نمود و تعداد زیادی از روسها را اسیر گرفته غنائم بدست‌آورد و **لنکران** و **سالیان** و **طالش** و **گنجه** و **شکی** و **شیروان** و بعضی از نقاط دیگر را از دست روسها بگرفت ولی روسیه بزودی سپاهی بسرکردگی **مدداف** بنواحی گنجه فرستاد. عباس میرزا در جنگ گنجه در ۱۸۲۶ شکست خورد و گنجه بدست روسها افتاد و عباس میرزا تا ساحل رود ارس عقب‌نشینی کرد وتا چند سال بعدروسها برقوای خود درآنحدود افزوده و بواسطهٔ ایجاد تحریکات بین فئودالها وحکام محلی و خیانت بعضی از ایشان تا سال ۱۸۲۷ شهرها را بار دیگر بتصرف‌آورده ایروان راگرفته و بطرف تبریز پیشروی کردند. **میرفتاح** نام پسرحاج میرزا یوسف مجتهد، مردم عوام تبریز را تشویق به تبعیت از روسها نمود و ایشان پاسبانان ایرانی تبریز را مغلوب کردند. چون این خبر به ژنرال **پاسکویچ** بایروان رسید با پنجهزار سرباز عازم تبریز شد و میرفتاح با جمعی از مردم شهر تاشش‌کیلومتری باستقبال پاسکویچ رفتند و بدینطریق شهر تبریز بتصرف روسها درآمد. سپس روسها قصد حرکت بتهران داشتند. عباس میرزا در دهخوارقان از پیشرفت روسها متوحش شده سفیر انگلیس در تهران واسطه عقد پیمان صلح دیگری بین ایران و روس شد و چون روسهاسر گرم جنگ با عثمانی بودند عقد پیمان صلحی را استقبال کردند.

بعد از میلاد

۱۸۲۸ **۲۲ فوریه ـ عقد پیمان ترکمن چای:** با عقد این پیمان ایران بحد اعلای ضعف و شکست رسیده عملاً استقلال ایران متزلزل گردید و تا سالها بعد نتایج شوم‌آن، بدبختیها و مصیبتهای بسیاربیارآورد.

شرایط عمدهٔ پیمان بشرح زیر بود:

۱) ایران سرزمینهای ایروان و نخجوان را بروسیه واگذاشت.

۲) ایران متعهد شد ده‌کرور تومان (معادل سه‌میلیون لیره‌یا سی‌میلیون روبل نقره) بعنوان خسارت جنگ بروسیه بپردازد.

۳) بدولت‌روسیه اجازه‌داده شدکه درهرنقطه ازایران‌که بخواهد نمایندگی‌بازرگانی وکنسولی برقرار نماید.

۴) از صادرات و واردات ایران فقط پنج در صد به عنوان حقوق گمرکی دریافت شود.

۵) دولت روسیه حق تجارت‌آزاد و حق حفاظت اتباع را در خاك ایران داشته باشد.

۶) افسران روسی از پرداخت حقوق گمرکی برای کالاهای خود معاف باشند .

۷) افسران روسی حق حفاظت و حمایت اعضاء ایرانی خود رادر داخلهٔ ایران داشته باشند .

۸) کلیهٔ دعاوی بین اتباع روس در ایران در قونسولگری‌های روسیه حل وفصل شودو دعاوی و اختلاف بین اتباع روس و ایرانی با حضور کنسول روس انجام گردد (حق‌قضاوت قونسولی یاکاپیتولاسیون)

۹) دولت روسیه عباس میرزا را رسماً بسمت ولایتعهد ایران شناخت .

از جملهٔ نتایج این پیمان شوم و تحقیرآمیز آن شدکه پس‌از چندی سایر کشورهای بیگانه هم‌تحت عنوان حق‌تساوی دول **کاملة الوداد** ازکاپیتولاسیون یا حق‌قضاوت قونسولی استفاده کردند و بدینطریق راه دخالت بیگانگان در امور ایران و انجام انواع انتریکها در دولت و میان مردم باز شده استقلال سیاسی و اقتصادی و قضائی ایران عملا از میان رفته ایران راه ضعف و اضمحلال پیمود .

بعد از میلاد

۱۸۳۳ **محاصرهٔ هرات :** عباس میرزاکه برای دفع شورش واغتشاش یزدوخراسان بخاورآمده بود محمد میرزا پسرخود را مأمور تصرف هرات نمود. درهنگام محاصره خبرمرگ عباس‌میرزاکه در تهران بود رسید ومحمدمیرزا باکامران فرزند محمودشاه‌افغان که‌حاکم‌هرات‌بودپیمان‌صلحی‌منعقدکرده‌بتهران‌برگشت وبسمت ولایتعهد اعلام شد ولی قصد داشت دراولین‌فرصت باردیگر بهرات حمله کند .

۱۸۳۵-۱۸۴۸ **سلطنت محمد شاه :** پسر عباس میرزا . هنگام درگذشت فتحعلیشاه محمد میرزا ولیعهد درتبریز بود مدعیان سلطنت و امرای محلی درنقاط‌مختلف ایران سربشورش برداشتند از جمله ظل‌السلطان در تهران اعلام سلطنت کرد و حسینقلی میرزا فرمانفرما و شعاع‌السلطنه در شیراز شورش کردند در خراسان و لرستان و خوزستان نیز طغیان شد .



تصویر محمد شاه قاجار

سرجان کامپل سفیر انگلیس که درآنموقع در تبریز بود وهمچنین نمایندگان روس از محمد میرزا حمایت کردند و سپاهی بفرماندهی **سرهنری لیندسی بتون** انگلیسی

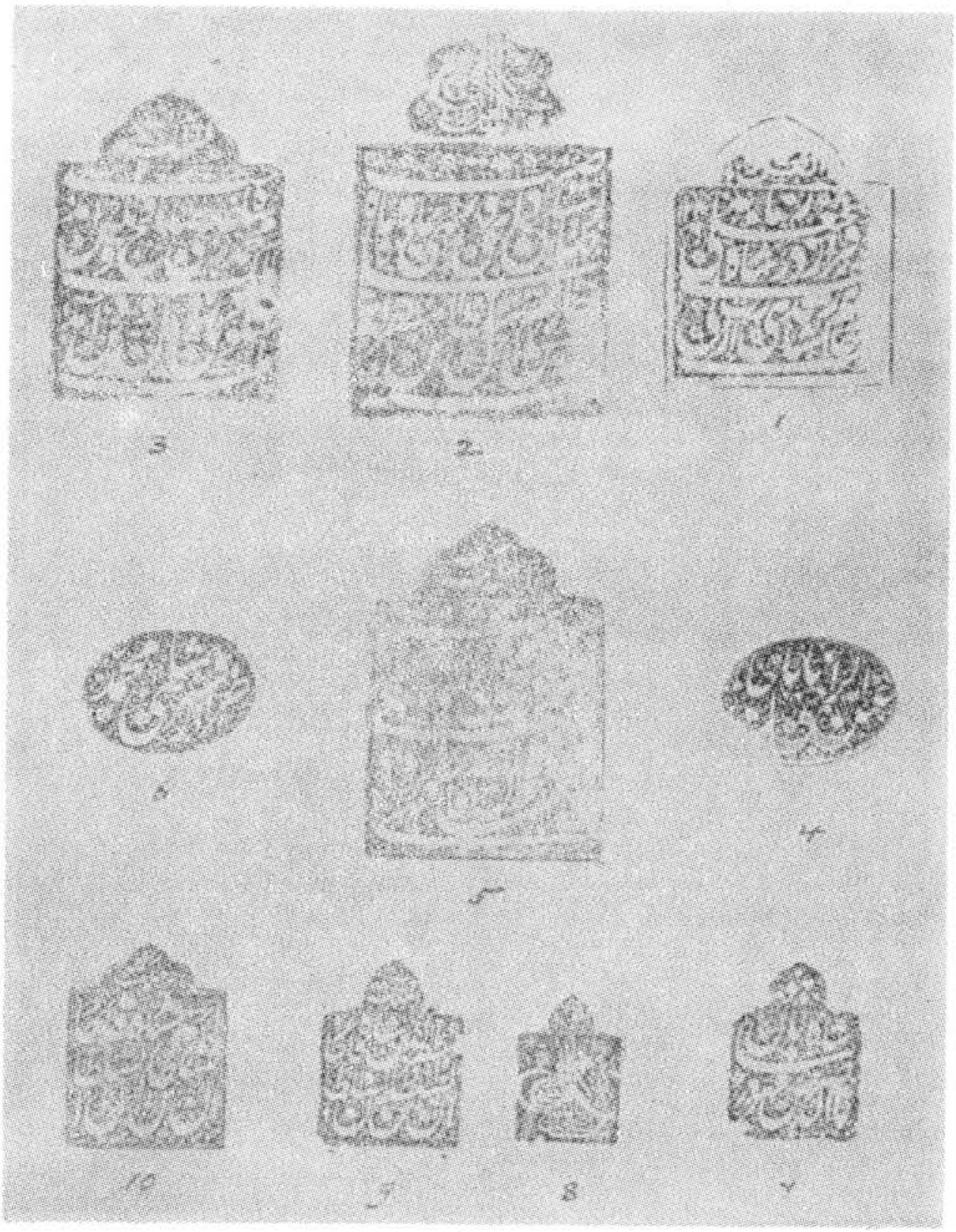
محمد میرزا را به تهران آورده بسلطنت رسانیدند . ظل‌السلطان تسلیم شد و همان سپاه با فرمانفرما جنگیده او را شکست داد و شورشهای ایالات نیز فرونشانیده شد و اولین مرتبه در تاریخ ایران سفرای روس و انگلیس درکار سلطنت دخالت‌کامل کردند . اما محمد شاه با انگلیسها میانهٔ خوبی نداشت و بیشتر متمایل بروسها بود . محمدشاه مردی بی‌کفایت و خرافاتی بود و وزیر لایق خود قائم‌مقام راکشته حاج میرزا آقاسی راکه بیش از خود او بی‌کفایت بود بصدارت خود منصوب کرده معتقد بودکه این شخص کرامات دارد ـ درزمان او ایران بیش از پیش راه انحطاط و تنزل پیمود .

بعد از میلاد

۱۸۳۶ افسران ایرانی، میسیون نظامی انگلیسی‌را بسرکردگی **سرجان م. نیل** که قصد داشت در سپاه ایران تجدید سازمان دهد بوضعی توهین‌آمیز ازاردوگاه سلطنتی محمد شاه بیرون کردند و میسیون مزبور ناگزیر به ترك ایران گردید . در این سال نیز ایران برای از میان بردن دزدان دریائی ترکمن که بلامانع سواحل مازندران را غارت میکردند ازروسیه تقاضای کمك‌دریائی نمود تزار در اینمورد کمك داد ولی این تقاضا را بهانهٔ ایجاد پایگاه دریائی در جنوب شرقی دریای خزر قرارداده‌درسال ۱۸۴۰ جزیرهٔ آشوراده‌راتصرف نمود .

۱۸۳۷-۱۸۳۸ **محاصرهٔ هرات :** محمد شاه برای عرض وجود و جبران ترك محاصرهٔ هرات از طرف اوکه در زمان فتحعلیشاه اتفاق افتاد سپاهی جمع‌آورده شخصاً عازم محاصرهٔ هرات شد و درماه نوامبر به‌آنجا رسید. یار محمدخان حاکم افغانی، این شهر را خوب سنگربندی‌کرده بود . انگلیسها در این هنگام نسبت بافغان تغییر سیاست داده برخلاف سابق مایل نبودند دولت ایران افغانستان را تصرف‌کند و همسایهٔ هند شود زیرا این واقعه متضمن نزدیك‌شدن روسها بمرزهای هند نیز بود . ایران هم‌هنوز افغانستان را جزء ایران میدانست و استقلال آنرا نشناخته بود. **الدردپوتین‌جر** انگلیسی اعزامی از هند با لباس مبدل از حلقهٔ محاصرهٔ گذشته وارد شهر هرات شد و فرماندهی سپاه مدافع را دردست گرفته توپخانه را بکار انداخت و قویاً از شهردفاع نمود لذامحاصره بیش از یکسال بطول انجامید . **سرجان نیل** نمایندهٔ انگلیس باردوی محمد شاه‌آمده وبا مذاکرهٔ با یار محمدخان اقدام بوساطت نمود . در این اثنا روسهاکه مایل بودند هرات‌به دست ایرانیان افتدکنت سیمونیچ را بسفارت بایران فرستادند و وی ژنرال پروسکی را برای ادارهٔ سپاه محمد شاه فرستاد لذا محمد شاه از صلح با افغان صرفنظر کرده محاصره را ادامه داد و به نمایندهٔ انگلیس بی‌اعتنائی‌کرده وی اردو را ترك گفت و به لندن گزارش

(بقیه در صفحه ۱۷۶)



(شرح در صفحهٔ ۱۷۵)

توضیحات اشکال صفحهٔ ۱۷۴

مهرهای شاهان قاجار

۱- فتحعلی‌شاه ۲و۹- مظفرالدین‌شاه ۳- محمدشاه ۴- باباخان (فتحعلی شاه پیش از سلطنت) ۵و۱۰- سلطان احمدشاه ۶- محمدمیرزا (پیش‌ازسلطنت) ۷و۸- ناصرالدین شاه .

سجع مهرهای فتحعلی‌شاه (شمارهٔ ۱) «العزة‌لله‌قراردرکف شاه‌زمان‌فتحعلی‌گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی-۱۲۱۷»

(شمارهٔ ۴) «عبده‌الراجی باباخان»

سجع مهرهای محمدشاه (شماره ٦) : «طراز افسر شاهی محمد»

(شمارهٔ ۳) : «الملك‌لله -

محمد شاه غازی صاحب تاج و نگین آمد

شکوه ملك و ملت رونق آئین و دین آمد

-۱۲۵۰»

سجع مهرهای ناصرالدین شاه (شمارهٔ ۷) : «هو - شاه شاهان ناصرالدین مهر در

- ۱۲۷۴ »

(شمارهٔ ۸) بخط طغرا : «السلطان ناصرالدین شاه قاجار»

سجع مهرهای مظفرالدین شاه (شمارهٔ ۲) : «الملك‌لله تعالی-

رسید صیت جهان داوری به ماهی و ماه

ز نقش خاتم سلطان مظفر الدین شاه

- سنهٔ ۱۳۱۴»

(شمارهٔ ۹) : «الملك‌لله-السلطان ابن السلطان مظفرالدین شاه قاجار ۱۳۱۴»

سجع مهرهای سلطان احمد شاه (شمارهٔ ۵) : «الملك‌لله-

خواست یزدان تا شودآباد ملك‌ازعدل وداد

خاتم شاهـــی بسلطان احمد قـــاجار داد

- ۱۳۳۲ »

(شمارهٔ ۱۰) : «الملك‌لله - السلطان بن السلطان احمد شاه قاجار ۱۳۳۲»

داد . انگلیس‌ها در برابر، کشتیهای جنگی به جزیرهٔ خارك فرستاده آنجارا تصرف کردند و به محمد شاه هم اطلاع دادند . ژنرال پروسکی در یکی از حملات بـه هرات کشته شد و افسر روسی زیردست اوهم مجروح شده تلفاتی بسپاه ایران وارد آمد . محمد شاه مأیـوس شده محاصره را بدون عقد پیمان ترك گفت . محمد شاه **حسین‌خان نظام‌الدوله** را بـه انگلستان فـرستاده تقاضای احضار **سرجان م. نیل** را داشت ولـی وی مورد بی‌اعتنائـی **لرد پالمرستون** واقـع شده بود ودر بازگشت از طرف شاه به فلك بسته شده وچـوب خورد .

بعد از میلاد

۱۸۴۰-۱۸۴۱ **قیام آقاخان محلاتی :** آقاخان محلاتی از ملاکین و رئیس فـرقهٔ اسمعیلیه طغیان کرده حاکم یزد را شکست داده درکرمان و سیرجان جنگیده و بم را متصرف شد ولـی در پایان بهندوستان گـریخت در ۱۸۴۴-۱۸۴۵ بـرادرش ابوالحسن معروف بسردار ببلوچستان حمله کرد و حملهٔ اودفع شد ـ آقاخان و اخلافش مقیم هند گشتند و ریاست فرقهٔ اسمعیلیه را داشتند .

تصرف جزیرهٔ آشوراده : روسها جزیرهٔ آشوراده را بعنوان پایگاه دریائی‌برای جلـوگیری از دزدی دریائی ترکمن‌ها تصرف کرده و بـه اعتراض دولت ایران هـم وقعی نگذاشتند.

۱۸۴۷ **تأئید پیمان ارز روم :** اختلافات مرزی‌که بین ایران و تـرکیه از چند سال پیش باعث کشمکش‌های مرزی میشد بدخالت و حکمیت سفرای انگلیس‌و روس رفع شده ایران پیمان ارز روم راکه در ۱۸۲۳ بین ایران و عثمانـی منعقد شده بود تأئید نمود ولی تعیین مرزهای قطعی تا سال ۱۹۱۴ بطول



تصویر میرزا تقی‌خان امیرکبیر



تصویر ناصرالدین‌شاه

انجامید .

پیمانهای بازرگانی : در زمان محمدشاه با کشورهای بلژیك واسپانیا وانگلیس منعقد گردید .

بعد از میلاد

۱۸۴۸-۱۸۹۶ **سلطنت ناصرالدینشاه :** پسر محمدشاه وی در هفدهٔ سالگی بسلطنت‌رسید و تا سال ۱۸۵۲ زمام امورکشور دردست وزیر اعظم وی **میرزا تقی‌خان امیرکبیر** بودکه بواسطهٔ کفایت و لیاقت و نبوغی کـه داشت اصلاحاتی وسیع در امور مالیه و ارتش کشورآغاز نمود و خدمات اوآیندهٔ درخشانی رابرای کشور وعده میداد ولی بتحریك اطـرافیان شاه و ملکهٔ مادر معزول شده با آنکه شوهر خواهر شاه بـود بدستور او در حمام عمارت فین کاشان بقتل رسید .

ناصرالدینشاه سه سفر در سالهای ۱۸۷۳ و ۱۸۷۸ و ۱۸۸۹ بازوپاکرده وباوجود مشاهدهٔ ترقیات باختری ، از دموکراسی و حکومت ملی وسرایت‌آن بایران ترسیده‌مرزها را بسته مانع مسافرت ایرانیان بخارجه و اعزام محصل باروپا گردید و معتقد بودکه‌برای تحکیم حکومت و تثبیت قدرت خود باید چشم و گوشها بسته‌باشد ومردم رادرجهل ونادانی نگاه دارد. وی پادشاهی بسیارمستبد وضمناً عیاش وشهوت‌پرست بود واستبدادرادرزمان خود بحداعلا رسانید. بالطبع حکام واتباع وی نیزتعدی وتجاوز بحقوق مردم وظلم را بحداعلا رسانیدند .

۱۸۴۹ **شورش سالار :** جوانی از قاجار بنام حسن‌خان سالار پسر آصف‌الدوله در اواخر سلطنت محمد شاه در خراسان یاغی شده پس از مرگ محمدشاه‌اعلام استقلال کرد . امیرکبیر شاهزادهٔ حسام‌السلطنه را مأمور مقابلهٔ با اوکـرد . سالار شکست‌خورده بابرادر وفرزند اسیرشد وپس‌از شکنجه همهٔ‌آنها را به قتل رسانیدند .

۱۸۴۹-۱۸۵۴ **فتح درهٔ سیر دریا :** روسها درهٔ سیر دریا را درآسیای مرکزی فتح نموده ازشمال آغازتجاوزوپیشروی بطرف‌جنوب یعنی‌بطرف‌مرزهای شمال‌شرقی‌ایران نمودند .

۱۸۵۰ **اعدام سید علی محمد باب :** در سال ۱۸۴۴ درزمان سلطنت محمدشاه، جوانی شیرازی ۲۴ ساله موسوم بسید علی محمد (متولد ۱۸۲۰) کـه چندی در عتبات نزد مجتهدین به تحصیل مسائل مذهبی پرداخته بود ابتدا نام‌خود

را باب گذاشته وسیله و واسطهٔ بین مردم و امام موعود معرفی کرد و چندی بعد مدعی شد که رسالت حضرت محمد (ص) پایان یافته و وی از طرف خداوند مأمور رهبری خلایق است و همان امام موعود میباشد . هنگام ورود بشیراز از راه بوشهر حسین‌خان نظام‌الدوله حاکم فارس (همان کسیکه بسبب شکست سفارت خود بانگلستان از محمدشاه بفلك بسته شده چوب خورده بود) او را دستگیر ساخت و سپس باصفهان و بعد به‌آذربایجان فرستاده شد و در قلعهٔ چهریق زندانی گردید . وی بسرعت پیروان بسیاری در نقاط مختلف ایران پیدا کرده ودر بعضی نقاط دست بشورش و طغیان زدند و ابتدا دربارفروش مازندران و بعد در زنجان پیروان او شورش کرده مکرر سپاه اعزامی میرزا تقی‌خان را شکست دادند ولی بالاخره شکست خوردند . میرزا تقی‌خان در صدد دفع ریشهٔ اصلی برآمده بارضایت ناصر الدینشاه دستور داد سید علیمحمد را از قلعهٔ چهریق به تبریز آورده در سال ۱۸۵۰ او را بدارآویخته و تیرباران کردند . بیشتر پیروانش از ایران بترکیه پناه برده وبعدها سوریه را مقر خود قرار دادند و فرقهٔ بابی را درآنجا تأسیس کردند . پس از او بنا بروصیتش یکی از پیروان او بنام میرزا یحیی صبح ازل جوان ۱۹ ساله جانشین او گردید و تا سال ۱۸۱۸ بدین سمت باقی بود ولی با برادرش میرزا حسینقلی معروف به بهاءاله اختلاف پیدا کرده پیروان باب بدو فرقهٔ ازلی و بهائی تقسیم گشتند . دولت عثمانی میرزا یحیی را به قبرس و بهاءاله را به عکا تبعید نمود . پس از اعدام باب عده‌ای از پیروان وی در نیریز فارس شورش کردند ولی بعداً از قوای دولتی شکست خورده بقتل رسیدند . دو سال بعد از اعدام باب در زمان صدارت میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری ۴ نفر از بابیها در تهران سوءقصد بشاه نمودند و ران شاه ازگلولهٔ آنها زخم برداشت. دو نفرآنها را بوضع فجیعی شکنجه داده شمع‌آجین کردند وبعد شقه‌های بدن‌آنها را بدروازه‌های تهران‌آویخته و عدهٔ دیگری را هم از جمله قرةالعین شاعرهٔ معروف بقتل رسانیدند . پس از بهاءاله که در عکا زندانی بود و در ۱۸۹۲ درگذشت پسرش عباس افندی جانشین او شد و پس از او پسرش شوقی افندی جانشین او گردید .

بعد از میلاد

۱۸۵۱ **حملهٔ ترکمنها به‌آشورادە:** ترکمن‌ها پادگان روس جزیره راغافلگیر کرده جمعی راکشتند و بقیه را باسارت بردند . روسها آنرا نتیجهٔ تحریك برادر شاه دانستند که حاکم مازندران بود و عزل او را ازامیرکبیر خواستند و امیر کبیر به منظور مدارا و ندادن بهانه به دست روسها او را عزل کرد .

۱۸۵۳-
۱۸۵۵ **پرنس دالگورکی** با پیشنهادهای محرمانه از روسیه‌آمده شاه را تشویق

بجنگ برضد عثمانی و تصرف ارز روم و بغداد و الحاق آن بخاك ایران نمود ولی مؤثر نیفتاد .

بعد از میلاد

۱۸۵۵ **تیرگی روابط ایران و انگلیس :** سفارت انگلیس میرزا هاشم نامی را کـه سابقاً مستخدم دولت بود بسمت منشی سفارت استخدام نمود . صدراعظم اعتراض کـرد و زوجهٔ میرزا هاشم را توقیف نمود و برسر این واقعهٔ کـوچك روابط تیره شده سفیر انگلیس **موری** ایران را ترك گفت :

اتحاد انگلیس و افغان : دوست محمدخان حاکم کابل که خود را درمعرض تهدید دولت ایران میپنداشت با انگلیس عقد پیمان اتحاد نمود و جنگهای ۱۲ ساله بین افغان و انگلیس بدینطریق پایان پذیرفت .

۱۸۵۶ **اشغال هرات از طرف ایران :** در بهار این سال اعتمادالدوله صدراعظم، سپاهی بسرکردگـی سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه بهرات فرستاده باراهنمائی بوهلر مهندس فرانسوی آن شهر را تصرف کرد .



تصویر سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه

۱۸۵۷ **اعلان جنگ انگلیس بایران :** دولت انگلیس از تصرف هرات بدست ایرانیان خشمگین شده در ژانویهٔ این‌سال پیمان‌دیگری با دوست محمدخان بسته متعهد شد که ماهی یکصد هـزار روپیه کمك خرج باو بدهد بشرط آنکه بمصرف تجهیز و تهیه سپاه برضد ایـران رسد و مقداری هم اسلحه باو داد و از طرف دیگر بایـران اعلان جنگ داده ابتدا جزیرهٔ خارگ راتصرف نمود بعد قصدریشهر (نزدیك بوشهر) نموده تنگستانیها ازآن دفاع کرده ۴ افسرانگلیسی راکشتند. سپس به بمباران بوشهر پرداخته آن بندر را تصرف کرده سپاه آنها بسرکردگی **جیمز اوترم** تا برازجان پیش رفت و در مـاه مارس محمره (خـرمشهر امروز) را نیز متصرف شدند .

۱۸۵۷ **عقد پیمان پاریس :** دولت ایران بوسیلهٔ **فرخ‌خان امین الملك** کاشانی (بعدها ـ **امین‌الدوله**) سفیر خود در پاریس با سفیر انگلیس در فـرانسه وارد مذاکرهٔ صلح شده پیمانی به شرایط زیر بین انگلیس و ایـران منعقد گردید :

۱) ایران هرات و تمام خاك افغان را تخلیه کند .

۲) انگلیس محمره و بوشهر را تخلیه نماید .

۳) ایران ازکلیهٔ دعاوی خود نسبت به هرات و سرزمین افغانستان صرفنظر کرده‌از حکام و رؤسای شهرهای افغانستان مطالبهٔ ضرب سکه و باج و خواندن خطبه‌بنام شاه‌ایران ننماید .

۴) ایران از دخالت در امور افغانستان احترازکند و هرات و افغانستان‌رامستقل شناخته اخلال درآن ایالات نکند .

۵) در صورت وقوع اختلاف بین ایران و افغان ایران متعهد است که رفع‌اختلافات را به حکمیت دولت انگلیس واگذارد . دولت انگلیس با عجلهٔ تمام و با علاقه این‌پیمان‌را منعقدکرده تقاضای پرداخت خسارت جنگی ننمود زیرا هند درآستانهٔ شورش بزرگ قرار داشت و انگلیس به جمع‌آوری قوای خود درهند احتیاج داشت و اگردولت ایران دستگاه اطلاعات وکسب خبر و بصیرت سیاسی داشت و لااقل میدانست درخانهٔ همسایه چه میگذرد و اندکی صبر میکرد شورش هند مشکل تصرف بوشهر و محمره را بخودی خودحل‌میکرد و چنین پیمانی تحقیرآمیز باوتحمیل نمیشد .

البته پس از شورش هند و درك حقیقت ، شاه میرزاآقاخان اعتمادالدوله نوری را از صدارت عزل کرد . (مقایسه شود با شرایط پیمان ۲۵ نوامبر۱۸۱۴ که درآن پیمان دولت انگلیس بسبب بیم از تجاوز افغان به هند دولت ایران را تشویق به حملهٔ به افغان میکرد و خود از دخالت در جنگ بین ایران و افغان احتراز میجست .)

بعد از میلاد

-۱۸۵۷

۱۸۶۱ جنگ مرو با ترکمنان : ترکمنان دائماً خاك خراسان را در مواقع مناسب مورد تاخت و تاز و یغما وکشتار قرار داده و بکاروانهای عازم مشهد حمله‌کرده‌آنها را غارت نموده و اسیر میگرفتند . سلطان مراد میرزا فرمان فرمای خراسان هشتاد نفر از سران ترکمن را بنام مذاکره به مشهد دعوت کرده‌آنها را زندانی‌کرد و سپس مرو را تصرف نمود . سه سال بعد حمزه میرزا جانشین وی بار دیگر بمرو لشکرکشیده از ترکمنان شکست فاحشی خورد و توپهای اوبدست ایشان افتاد .

دولت روسیه‌که از طرف شمال بسرزمین مرو نزدیك شده بود ازموقع استفاده‌کرده بنای پیشروی نموده‌آغاز جنگ با ترکمنان و سرکوبی ایشان نمود .

-۱۸۶۳

۱۸۷۰ کمیسیون حکمیت مرزی سیستان : پس از پیمان پاریس در افغانستان

بر سر امارت افغانستان ، بین مدعیان قدرت کشمکش بود . از طرف دیگر گاهی حکمران هرات و زمانی والی قندهار به سیستان تجاوز میکردندوآن را جزء سرزمین خود قلمداد مینمودند . ناصرالدین‌شاه از ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۳ مکرر از دولت انگلیس تقاضاکرد از تجاوز افغانها به سیستان که جزءمسلم ایران است و سکنهٔآن از قدیم ایرانی بوده و هستند جلوگیری کند ووساطت یا حکمیت نماید .

دولت انگلیس برخلاف پیمان پاریس چون دراین هنگام شیرعلیخان برای‌استقرار قدرت خود درکابل بجنگ با سایر مدعیان قدرت مشغول بود و دولت انگلیس هنوز با او کنار نیامده و او را بـرسمیت نشناخته بود بایران پاسخ دادکه سلطنت شاه را بـرسیستان برسمیت نمی‌شناسد و بالاخره وزارت خارجهٔ انگلیس در ۱۸۶۳ صریحاً نوشت کـه «دولت علیاحضرت در مشاجرهٔ بین ایران و افغان برسر سیستان بهیچوجه نمیتوانند دخالت کند و باید حل اختلاف بخود دوطرف منازعه واگذار شودتا بزور شمشیر تملك خودرا برسیستان ثابت نمایند» ـ اما چندی بعدکـه شیرعلی برتخت امارت‌کابل استقرار یافت و انگلیس با اوکنارآمـد دولت انگلیس رویهٔ خود را تغییر داده باستناد مادهٔ ۶ پیمان پاریس پیشنهـاد حکمیت بدودولت نموده **سرفردریك گولدسمیت** راکه قبلاً در ۱۸۷۰ مرزبین‌بلوچستان ایران (مکران) و بلـوچستان انگلیس را نیز تعیین‌کرده بود روانه داشته باتفاق **ژنرال پولوك** که از طرف **لردمویو** فرمانفرمای هند اعزام شده بود با حضورنمایندگان‌ایران و افغان سیستان را بدو جزء تقسیم‌کرده بخش خاوری رود هیرمند را بافغان واگـذاشت و بخش باختری‌آنرا جزء خاك ایران قرارداد .

بعد از میلاد

۱۸۶۴ **گشایش اولین خط تلگرافی در ایران :** یك شرکت انگلیسی که‌امتیاز ایجاد خطوط تلگرافی را در ایران برای ارتباط با هند ازشاه بدست‌آورده بود خط تلگرافی بین بغداد ـ تهران ـ بوشهر را باتمام رسانیده در ایـن سال گشایش یافت .

۱۸۷۰ **گشایش خط تلگرافی اروپا و ایران :** خط تلگرافی اودسه‌ـ تفلیس‌ـ تهران گشایش یافت .

۱۸۷۰-۱۸۷۱ **کمیسیون سرحدی مکران و بلوچستان : سرفردریك‌گولدسمیت** انگلیسی اولین رئیس تلگراف در ایران‌کمیسیون مشترکی از نمایندهٔ ایران وکلات و انگلیس تشکیل داده خط مرزی مکران و بلوچستان را تعیین نمود

و برطبق آن نیمی از بلوچستان را ضمیمهٔ خاك هند نموده بلوچستان انگلیس نامید و نیم باختری را بلوچستان ایران نامیدند .

بعد از میلاد

۱۸۷۲ خط مرزی بین ایران و افغان به حکمیت انگلیس مشخص شده تعریف شد .

۱۸۷۲ **امتیاز رویتر :** امتیازاتی عظیم در این سال از طرف شاه و بوسیلهٔ میرزا حسن‌خان صدراعظم به **بارون دورویتر** تبعهٔ انگلیس داده شد که شامل انواع فعالیت‌های اقتصادی و هم ایجاد راه‌آهن و استخراج معادن و تأسیس بانکملی بوده همه چیز را در بر میگرفت . و در برابر آن حقوق گمرکی را که عملاً تنها منبع عایدی ایران بود به گرو میبرد .

در این هنگام شاه عازم سفراول خود به اروپا بود و در روسیه احساس رنجش و انزجار از طرف دولت روسیه نسبت باین امتیاز نمود وهم‌آنکه احساسات مردم ایران بر ضد دادن چنین امتیازات و اختیارات وسیع بیك بیگانه برانگیخته شد وعملی‌هم‌شناخته‌نشد وشاه ناگزیر شد بمجرد مراجعت بتهران آنرا لغونماید .

۱۸۷۸ **تأسیس بریگادقزاق:** بنابه پیشنهاد تزار وموافقت ناصرالدین شاه بریگاد قزاق درتهران‌تحت ادارهٔ افسران روسی تأسیس شدکه تا زمان انقلاب‌روسیه آلت اجرای مقاصد و بسط نفوذ روسیه درایران وتهدید دولت ایران گردید. تزارنیزدرهنگام تأسیس بریگادقزاق یکهزارقبضه تفنگ‌وچند توپ‌بشاه‌ایران هدیه‌کرد .

۱۸۸۴ **فتح مرو بدست روس‌ها :** روسها تصرف و فتح مرو را تکمیل کرده و ترکمنستان راکاملا مطیع و منقاد نموده از خاور دریای خزر نیز با ایران هم مرز شدند بدین طریق تمام‌آسیای مرکزی بتصرف ایشان درآمد و نفوذ سریع و بی‌مقاومت روسیه در شمال‌آغاز گردید .

۱۸۸۸ **گشایش کشتیرانی در رودکارون :** شرکت انگلیسی برادران لینچ‌امتیاز کشتیرانی در قسمت سفلای رودکارون را ازشاه بدست‌آورده وکشتیرانی دراین رودگشایش یافت .

۱۸۸۹ **امتیازات بانك شاهنشاهی ایران واستخراج معادن :** ناصرالدینشاه برای جبران لغو امتیاز سابق **بارون دورویتر** امتیاز تأسیس بانکی را به نام بانك شاهنشاهی ایران با حق چاپ و نشر اسکناس و همچنین استخراج کلیهٔ معادن ایران را باستثنای معادن طلا و نقره به او واگذاشت و دولت

انگلیس توجه خود را به تأسیس و ادارهٔ این بانك که باعث افزایش نفوذ و قدرت او در ایران می‌شد تمرکز داد و این بانك تأسیس شده و به‌کار پرداخت .

اما در مسئلهٔ استخراج معادن یك شرکت انگلیسی مشغول آزمایشهای مقدماتی شده و ضرر کرده آنرا ترك گفت ودیگر صورت عمل نگرفت .

بعد از میلاد

۱۸۹۰-

۱۸۹۲ **امتیاز انحصار کشت و فروش و صدور تنباکو و لغو آن :**

تحریم تنباکو و مقدمات انقلاب ایران : ناصرالدینشاه در سفر سوم خود به اروپا امتیاز انحصار خرید و فروش و صدور تنباکو و توتون را در برابر مبلغ قلیلی(سالی ۱۵ هزار لیره بانضمام یك چهارم منافع پس ازکسر مخارج وکسر۵٪) بیك‌شرکت‌انگلیسی واگذاشت . این شرکت بزودی تشکیل شد و در شهرهای ایران شروع بفعالیت کرد و مأمورین‌آن بنای ستم و مزاحمت را به مردم گذاشتندکه باعث تنفر مردم از بیگانگان گردید .

اولین مرتبه طلسم رعب و وحشت از دولت را یکنفر واعظ **مجتهد شیرازی بنام حاج سید علی‌اکبر** فال‌اسیری‌شکسته درشیراز شمشیردر زیرعبا پنهان کرده وبه‌منبررفت‌و شمشیر را بیرون‌کشیده مردم را بجهاد دعوت نمود و هیجانی در مردم دربرابر حکومت استبدادی ایجادکرد . دولت تلگرافی دستور تبعید او را داد مأمورین دولت او را از مرز جنوبی ایران خارج‌کردند . وی به بصره رفته با **سید جلال‌الدین** و **حاج‌میرزاحسن مجتهد شیرازی** مرجع تقلید در سامره مذاکره‌کرد وازآنان نامه‌هائی مبنی برنکوهش عمل دولت گرفت . در شیراز نیز در اثر تبعید او زدوخوردی بین مردم و قوای دولتی‌در گرفت‌که منجر بقتل عده‌ای از مردم گردید . قدم دوم فتوائی بودکه از طرف‌آیت‌اله **میرزا ابراهیم مجتهد** معروف به **میرزای شیرازی** مجتهد درجهٔ اول فارس‌مقیم شیراز صادر شده استعمال تنباکو را تحریم‌کرده در حکم محاربهٔ با امام زمان دانست . علمای سایر شهرها از جمله‌آیت‌اله **میرزا محمد حسن‌آشتیانی** در تهران وحاج میرزا حسن مجتهد شیرازی مقیم سامره نیز این فتوا را تأئیدکردند و بلافاصله جنبشی درسراسرایران بظهور رسید . مردم قلیانها را در میدان‌های عمومی شهرها شکسته و طغیانی‌آغاز گردید . حتی زنان‌کاخ دربار و اندرون سلطنتی نیز ازکشیدن قلیان امتناع‌کردند . ناصرالدینشاه بوحشت افتاده در صدد تبعیدآشتیانی از تهران برآمد . مردم تهران بازار را تعطیل‌کرده بارگ حکومتی و خانهٔ‌کامران میرزا نایب‌السلطنه هجوم‌آوردند و بین ایشان و قوای‌دولتی جنگی درگرفت و عده‌ای از مردم‌کشته شدند

مردم اجساد کشتگان را در شهر گردش دادند و دامنهٔ شورش بالا گرفت . در نتیجه شاه تسلیم شده لغو امتیاز انحصار تنباکو را اعلام کرده و شاه نزد دولت انگلیس متعهد شد که نیم‌میلیون لیرهٔ انگلیسی بعنوان غرامت و خسارت بشرکت انگلیسی بپردازد .این‌مبلغ را از بانك شاهنشاهی (انگلیسی) قرض گرفته پرداخت و این اولین وام ملی بردکه بر مردم ایران تحمیل شد . اما در این جریان چشم و گوش مردم قدری بازشد و اولین‌مرتبه دانستند که میتوان با ارادهٔ دولت و حکومت مقابله کرد و سراز اطاعت مطلق پیچید و بدین طریق اولین ضربت از طرف مردم به پیکر استبداد واردآمد و نخستین پایهٔ مبارزات‌مردم و ظهور انقلاب گذاشته شد .

بعد از میلاد

۱۸۹۲ **وام از انگلیس :** دولت انگلیس در برابر واگذاری عایدات گمرکهای خلیج‌فارس بعنوان تضمین‌پرداخت‌وام، پرداخت‌مبلغی‌وام‌را به‌ناصرالدینشاه‌تصویب نمود .

۱۸۹۶ **دومین کمیسیون مرزی بلوچستان :** سرزمینی بطول ۶۰۰ کیلومتر در بلوچستان هنوز مورد اختلاف بین ایران و انگلیس بوده خط مرزی‌درآنجا مشخص‌نبود. کمیسیونی بریاست **کلنل هولدیچ** انگلیسی وعضویت **سرپرسی سایکس** (بعدها رئیس قشون جنوب) بخشی ازآنرا بایران واگذاشته و و بخشی را جزو بلوچستان انگلیس قلمدادکرده و خط مرزی را مشخص نمود .

۱۸۹۶ **افتتاح کنسولگری آلمان در بوشهر :** بدست واسموس‌آلمانی شرکت آلمانی **ونك‌هوس** در لنگه و در بوشهر گشایش یافت وآلمانهاآغاز نفوذ در بنادر خلیج فارس نمودندکه با شدت عمل و مقابلهٔ انگلیس‌ها مواجه شدند .

۱۸۹۶ **اول مه ـ ترور ناصرالدینشاه :** این‌روز مطابق بود باروز اول‌سال‌پنجاه و یکم سلطنت ناصرالدینشاه و تدارك مفصلی برای انعقاد جشن پنجاهمین‌سال سلطنت او دیده شد و سکه‌هائی بعنوان ناصرالدینشاه ذوالقرنین (قرن را در ایران‌آن زمان ۲۵سال‌میدانستند) ضرب‌کرده برای‌زیارت بحضرت‌عبدالعظیم رفت تا پس از مراجعت مراسم جشن راگشایش نماید ـ در مراجعت میرزا رضای‌کرمانی‌که سالها تحمل انواع ظلم و ستم را نموده و حکام و مصادرامور دولت دادخواهی نکرده بودند و با سید جمال‌الدین اسدآباد همدانی‌معروف بافغانی هم درخارج ایران ملاقاتی‌کرده بود بعنوان دادن عریضه بشاه‌نزدیك

شده با طپانچه‌که در زیر عبا داشت شاه را بقتل رسانید بعدها او را بـدار آویختند. دولت ایران از دولت عثمانی دستگیری و تسلیم سید جمال‌الدین و سه نفر مرد انقلابی از همکاران اواز جمله میرزا آقاخان کـرمانی و شیخ‌احمد روحی را خـواست دولت عثمانی از تسلیم سید جمال الـدین امتناع کرد ولی سه‌نفر دیگر را تسلیم نمود وآنها بـه وسیله محمدعلی میرزا ولیعهد در زندان تبریز به قتل رسیدند .



میرزا رضاکرمانی

این واقعه پس از شورش تنباکو دومین ضربت‌شدیدی‌بود که به حکومت استبدادی واردآمد وزمینه راکاملا برای انقلاب مشروطیت مهیا ساخت .

بعد از میلاد

۱۸۹۶-۱۹۰۷ **سلطنت مظفرالدینشاه :** پسر ناصرالدینشاه که فرمانفـرمای آذربایجان و مقیم تبریز بود و پس از چهل روز باتفاق سفرای روس و انگلیس بـه تهران آمده به تخت نشست . وی در سن پیری بسلطنت رسیده و هم علیل المزاج و ضعیف و بیحال بود و جمعی درباریان و اطرافیان مفتخوار و سودجو او را احاطه‌کرده وبراو تسلط یافتند . اتفاقاً وقتیکه در خزانه را بازکردندمعلوم شد شهرت‌آنکه میلیونها پول ذخیره در خزانه است حقیقت نداشته و ناصرـ الدین‌شاه تا دینارآخر را خرج‌کرده و خزانه خالی است پس تمام‌کـوشش میرزاعلی اصغرخان اتابك صدراعظم و سایراطرافیان شاه درتهیهٔ منابع‌عایدی و پول برای رفع احتیاجات شاه و هم احتیاجات و مطامع خودشان متمرکز شد و اولین چیزی‌که بنظرشان رسید قرضه از روسیه بودکه باعث ازدیادنفوذ و فشارروس و بربادی‌کشور گردید شاه را نیز تشویق بمسافرت اروپا نمودند تا خود وسیله‌ای برای لفت و لیس ایشان باشد . بدین طریق علاوه برآنکه خزانـهٔ‌کشور خالی شد ، چون شاه مـدام در صدد استقـراض از بیگانگان برای مصارف شخصی و مسافرت‌های باروپا بودکشور رو بورشکستگی مالی رفت .

۱۸۹۸ **استخدام نوز بلژیکی :** تا قبل از این تاریخ دولت عایـدی گمرکات را باشخاص محلی یا حکام اجاره میداد . اخذگمرکی و میزان‌آن بسته بمیزان قدرت و زور و اختیار و انصاف ایـن اشخاص بود . در این سال مسیو نـوز

بلژیکی بسمت رئیس گمرك کرمانشاه و تبریز تعیین شد و چون عایدی دولت را بالا برد بعداً ترقی کرده در سال ۱۹۰۳ بسمت وزیر کل گمرکات تعیین‌شد وی متکی بروسها وتحت حمایت آنها بود.

در زمان وی رقابت بین انگلیس و روس در ایران شدت یافت.

بعد از میلاد

۱۹۰۰ **ژانویه ـ تأسیس بانك روس :** دولت روسیه برقابت بانك شاهنشاهی (انگلیسی) بانکی ابتدا بنام بانك استقراضی و بعد بنام بانك **اسکومت دوپرس** ایران (بانك تنزیلی) تأسیس نمود. این بانك عملاً شعبه‌ای از وزارت دارائی روسیه بود و در واقع یك آژانس سیاسی بود که هدف آن بوسیلهٔ دادن وامهای متعدد بصاحبان مستغلات وهم بشاه، بسط نفوذ مالی و تحکیم قدرت سیاسی روسیه در ایران بود.

۱۹۰۰-۱۹۰۲ **اولین قرضه از روسیه :** شاه بوسیلهٔ اتابك مبلغ ۳۲۵ میلیون روبل (معادل سه میلیون و نیم لیرهٔ انگلیسی) از روسیه توسط بانك مزبور قرض نمود و در برابر عایدی تمام گمرکات ایران را باستثنای سواحل خلیج‌فارس وثیقه داد و ضمناً دولت ایران را ملزم کرد که قرضهٔ سابق انگلیس رابپردازد و تا مدت ده سال از سایر کشورها قرض ننماید.

مبلغ ده میلیون روبل (منات) از مبلغ بالا در ۱۹۰۲ در برابر واگذاری امتیاز راه‌آهن جلفا ـ تبریز ـ تهران بروسها به منظورتأمین هزینهٔ سفردوم‌شاه بهاروپاپرداخت شد.

۱۹۰۰ **ورود کشتیهای روسی به بندرعباس :** هدف آنها تهیهٔ طرح نقشه برای ساختمان راه‌آهن سرتاسری ایران تا خلیج‌فارس بود. انگلیسها علناً بااقدام روسها مخالفت کردند و در ۱۹۰۳ **لرد کرزن** فرمانفرمای هندوستان برای تحکیم و تثبیت قدرت انگلیس در خلیج‌فارس شخصاً باکشتیهای جنگی سفری که صورت مانوور و نمایش قدرت جنگی را داشت بدور تمام سواحل خلیج نمود. وی مؤلف تاریخ مبسوطی است در چند جلد راجع بایران.

۱۹۰۱ **امتیاز نفت دارسی : و. ن. دارسی** تبعهٔ زلاند جدید با پرداخت بیست هزار لیره نقد، امتیازی شصت ساله از شاه برای استخراج نفت در قسمت بیشتر از اراضی ایران بدست‌آورد ومتعهد شد که معادل این مبلغ هم بصورت سهام‌تأدیه کند. بعلاوه ۱۶٪ درآمد سالیانه پس ازکسر مخارج متعلق بایران باشد. دارسی چند سال صرف وقت کرده ومبالغی خرج کرد ولی بنتیجه نرسید

تا در سال ۱۹۰۸ که معدن نفت مسجد سلیمان کشف شد .

بعد از میلاد

۱۹۰۲ **۱۳ دسامبر ـ تعرفهٔ گمرکی جدید :** در هنگام تقاضای ایران از روسیه برای دومین وام، دولت روسیه بایران فشار آورد که در تعرفهٔ گمرکی تجدید نظر نماید. در این تعرفه که بوسیلهٔ مسیو نوز بلژیکی و یکنفر روسی محرمانه و بنفع اجناس روسی و بزیان اجناس انگلیسی تنظیم شد گمرکی اجناس روس را پائین آورده و گمرکی اجناس انگلیسی را بالا بردند مثلا گمرکی نفت روسیه از صدی پنج بصدی ۱/۵ و شکر به صدی ۲ ۱/۴ تقلیل یافت ولی گمرکی چای هند از ۵٪ به ۱۰۰٪ ازدیاد یافت .

این تعرفه تا یکسال بعد که موانع اجرای آن بدست مسیو نوز برطرف گشت در خفا ماند .



مظفرالدین شاه

۱۹۰۳ **مسیو نوز بلژیکی** رسماً بسمت وزیر کل گمرکات ایران استخدام و منصوب گشت و عده‌ای بلژیکی را آورده هر یك را بریاست یکی از ادارات گمرکی بنادر و شهرهای شمال و جنوب منصوب کرد .

۱۹۰۳ **فوریه ـ پیمان بازرگانی با انگلیس:** دولت انگلیس که از تعرفهٔ گمرکی جدید بنفع روس‌ها ناراضی بود بادولت ایران وارد مذاکره شده پیمان بازرگانی با ایران منعقد ساخت تا بدینوسیله جلو ضرر بیشتر و تجاوز بیشتر روسها را به تجارت انگلیس در ایران بگیرد .

۱۹۰۳-۱۹۰۵ **دومین کمیسیون حکمیت مرزی سیستان :** چون رود هیرمند در سال ۱۸۹۱ مسیر خود را تغییر داده باعث تجدید اختلاف بین ایران و افغان شده بود دومین کمیسیون حکمیت بریاست **کلنل ماك‌ماهون** تعیین شده در تعیین خط مرزی قسمت شمال هیرمند تجدید نظر نمود .

آغاز انقلاب مشروطیت ایران

۱۹۰۵ دسامبر ـ آهنگ مخالفت با شاهان قاجاراز سال ۱۸۹۰ یعنی‌ازهنگام‌شورش برضد اعطای امتیاز تنباکو بشرکت انگلیسی‌آغاز گردید و بیشتر در طبقات بازرگانان و پیشوایان روحانی تمرکز می‌یافت . البته‌کوششهای **سید جمال الدین اسد آبادی همدانی** (معروف بافغانی) که ازدانشمندان عصر بود وهمچنین مساعی‌چندنفرازنویسندگان متجددآن عصر که سبکی ساده و پسندیده را در برابر مغلق‌نویسی قدیم پایه‌گذاری کرده بودند و غالباً در خارج ایران میزیستند از قبیل **پرنس ملکم‌خان ناظم‌الدوله و مؤید الاسلام** مدیر جریدهٔ حبل‌المتین درکلکته و **حاج عبدالرحیم طالب‌اف**تبریزی مقیم قفقاز و **حاج زین‌العابدین مراغه‌ئی** نویسندهٔ کتاب سیاحتنامهٔ ابراهیم بگ و نویسندگان انقلابی مانند **میرزاآقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی** ، در ظهور انقلاب بسیار مؤثر گشت.



سید جمال‌الدین اسدآبادی همدانی معروف بافغانی



میرزا آقاخان‌کرمانی

سید جمال‌الدین (متولد ۱۸۳۸ در اسدآباد همدان) درکشورهای اسلامی نفوذ و

احترام بسیارداشت وبا تحریرات وسخنرانیهای خود تخم انقلاب را بخصوص درکشورهای هند و مصر و ایران و ترکیه بکاشت و به بیداری مردم کمك کرد . در زمان وی استعمار وکشورگشائی کشورهای اروپائی با شدت وحدت تمام رو به پیشرفت بود وکشورهای‌متعدد آسیائی و افریقائی مانند هند و الجزیره و برمه و هند و چین و افریقا بصورت مستعمره یا تحت‌الحمایه درآمده و یا مانند ایران و افغان و ترکیه در زیر نفوذ و فشار دولت‌های متقدر اروپائی قرار گرفته بود و سید جمال الدین پیشوای نشر عقیدهٔ اتحاد اسلامی (پان‌اسلامیك) گردیده معتقد بودکه در برابر نفوذ و استعمار روزافزون کشورهای اروپائی باید کشورهای اسلامی عموماً متحد شوند و دولت واحد اسلامی تشکیل دهند . اگرچه طرح و نقشهٔ اوکه برای اجرای‌آن مجاهدهٔ بسیار نمودکاملا غیر عملی بود ولی باعث بیداری کشورهای مسلمان و ظهور انقلابات‌آینده در برابر استبداد گردید . وی چندی در دربار ناصرالدین‌شاه بوده و باو نزدیك بود ولی بمجردیکه شاه بافکار او پی‌برد او را تبعیدکرد ووی به ترکیه رفته ازآنجا با پیشقدمان جنبش انقلابی ایران تماس داشت. میرزاملکم‌خان که ابتدا وزیر مختار ایران در لندن بود بعداً که با افکار تازهٔ باختری آشنائی یافت بوسیلهٔ صدراعظم معزول شد. سپس روزنامهٔ قانون را بزبان فارسی در لندن نشرداده‌فجایع حکومت استبدادی ایران را تشریح کرد وکتاب‌کلیات ملکم را نگاشت‌که معرف اوضاع‌آن زمان در ایران و اروپا است و همچنین سیاحتنامهٔ ابراهیم بگ اوضاع داخلی ایران را تشریح‌کرد . و نشریات طالب‌اف مانند مسائل‌الحیات و مسالك‌المحسنین و سیاست طالبی وکتاب احمد ، ایرانیان را با افکار تازه و مشروطیت و حکومت‌آشنا ساخت و حتی‌آنکه در مسالك‌المحسنین مجلس شورایملی رادرمحل فعلی‌آن‌که درآنزمان باغ شخصی سپهسالار بوده است بصورت یك رؤیای شیرین پیش‌بینی میکند . میرزا ملکم‌خان بعلاوه اولین انجمن سیاسی سری را بنام فراموشخانه (فراماسون) در ایران تأسیس‌کرد و بوسیلهٔ‌آن بعضی از روحانیون و رجال را با افکار باختری و ترقیات اروپاآشنا ساخت .

اولین کمیتهٔ انقلابی

ایـن‌کمیته در ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۲ هجری قمری بطور سری در باغ میکده در خیابان‌گمرك از نه‌نفر منتخب از میان ۵۴ نفر تشکیل شد و بقرآن و پرچم سه‌رنگ‌که روی‌آن‌کلمات عدالت‌وآزادی نگاشته شده بود سوگند یادکردندکه اسرار انجمن را فاش

نسازند و این نه‌نفر عبارت بودند از ـ سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی ، ملك‌المتکلمین ، سید محمدرضا مساوات ، شیخ‌ابوالحسن ، میرزا محسن برادرصدرالعلما ، میرزاسلیمان‌خان میکده ، سید احمد خرقانی ، حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی ، و میرزا محمد علیخان ، این کمیته بلافاصله مساعدت دو نفرازمجتهدین درجهٔ اول تهران **سیدعبدالله بهبهانی** و **سیدمحمدطباطبائی** را جلب نموده‌آغاز همکاری باایشان راگذاشتند.



سید محمد طباطبائی



سید عبدالله بهبهانی

ازآن پس تشکیل انجمن‌های سیاسی و نشر شبنامه در حمایهٔ به اتابك و دولت وحکام و اعتراض نسبت بقرضه از روس و سایر اوضاع جاری معمول گشت و نسخ شبنامه بوسیله چند نفر از درباریان روی میز شاه گذاشته میشد. در مهرماه ۱۲۸۰ آقابالاخان رئیس پلیس عده‌ای از اعضاء انجمن مخفی ناشر شبنامه راکشف‌کرده بچوب بست و یا تبعید نمود.ولی بالاخره عدم رضایت روز افزون مردم از قرضهٔ از روسها و تعدیات مسیو نوز بلژیکی و مأمورین گمرك و بیدادگری حکام و شکست مالی کشور ، شاه را ناگزیر کرد که‌درشهریور ۱۲۸۲ اتابك را معزول‌ساخت وداماد خودعین‌الدوله راکه ازرجال کهنه‌پرست فاسد ومستبد بود بتصور اینکه با اعمال قدرت و شدت عمل‌آرامش را برقرار خواهدکرد به جای او نشانید و او از سیاست خارجی و اوضاع جهان نیز بی‌خبر بود و از این مسائل سر در نمیآورد .

صدارت عین‌الدوله :

صدارت عین‌الدوله نه تنهاآرامش نیاورد و اوضاع را بنفع شاه و دولت استبدادی بهبودی نبخشید بلکه به منزلهٔ کبریتی بودکه بمواد قابل انفجار نزدیك شود وآتش انقلاب را شعله‌ور ساخت ، درآن زمان اوضاع کشور بسیارآشفته و فئودالیسم در شهرها و ولایات و ایالات و عشایر بحد اعلا رسیده حکام ستمگر مردم را تحت فشار جور قرار داده و از

طرف دیگر بر میزان نفوذ و دخالت و تحریکات انگلیس و روس هم افزوده شده بود .



عین‌الدوله

وجود علاءالدوله نمونهٔ اعلای حاکم استبدادی بر رأس حکومت تهران که بسبب سابقهٔ شدت عمل و ستمگری و خشونت در حکومت سابق خود در استرآباد بدین سمت منصوب شده بود مزید برعلت شده تندرویهای وی آتش انقلاب را روشن ساخت . در اواخر سال ۱۲۸۳ شمسی اتحادی بین سید محمد طباطبائی و سید عبدالله بهبهانی برای برانداختن عین‌الدوله از مقام صدارت بعمل آمد و عکسی از مسیو نوز بلژیکی با عبا و عمامه که در یکی از بال ماسکه‌های محرمانهٔ اروپائیان مقیم تهران گرفته بود بدست علما افتاده بر سر منابر به مردم نشان دادند و این سرآغازاعتراض مردم بود . البته چون مسیونوزتمایل بروسها داشت انگلیسها با شکست او موافق و از این تظاهرات مسرور بودند .

بانك روس قطعهٔ زمین قبرستان قدیمی و مدرسهٔ خرابه و متروکه‌ای را دروسط شهر برای ساختمان بانك بعنوان موقوفه و تبدیل با حسن بمبلغ ۷۵۰ تومان از حاج شیخ فضل‌الله نوری از روحانیون طرفدار استبداد و حامی عین‌الدوله خریده بود و ساختمان آن به نیمه رسیده بود که روز **۴ آذر ۱۲۸۴** براثر صحبت و اعتراض یکی از وعاظ ، مردم بطرف ساختمان هجوم برده آنرا ویران کردند و شاه ناچار شد دستور دهد مبلغ بیست هزار تومان خسارت مورد ادعای بانك را از صندوق دولت پرداخت نمایند . بدین طریق بار دیگر پیروزی در برابر دولت استبدادی نصیب روحانیون وآزادی خواهان آنموقع گردید .

مسئلهٔ بهای قند و مقدمات شورش

در اثر جنگ روس و ژاپن و تقلیل صادرات قند و نفت از روسیه بایران بهای قند بالا رفته عین‌الدوله عامی و بی‌اطلاع از سیاست و حقایق اوضاع بتصوراینکه دستیاران رقیب وی میرزا علی‌اصغرخان اتابك باعث ترقی مصنوعی قند شده‌اند تا ایجاد عدم رضایت در مردم نمایند به علاءالدوله حاکم تهران که قبلا در حکومت استرآباد زهرچشمی از مردم گرفته و باصطلاح آنزمان لیاقتی بخرج داده بود دستور دادکه بهای قند را با فشار به بازرگانان پائین آورد . علاءالدوله روز **۲۱ آذر ۱۲۸۴** به بازار رفته دونفر ازبازرگانان معمر و معروف به نیکوکاری را بچوب بسته و همین عمل آتش انقلاب را برافروخت .

اجتماع در مسجد شاه

مردم دکانها را تعطیل کرده در مسجد شاه جمع شدند وآغاز بلوا نهادند . سید بهبهانی و سید طباطبائی را نیز به مسجدآوردند . عین‌الدوله طبق روش معمول زمان‌دونفر از مجتهدین طرفدار خود شیخ فضل‌الله نوری و امام جمعه داماد شاه را با عده‌ای‌ازپیروان ایشان با سلاح به مسجد فرستاده و سید جمال‌الدین واعظ را از منبر پائین کشیدند و زدو خوردی در گرفت که بقتل و جرح عده‌ای منجر گردید .

تحصن در حضرت عبدالعظیم

روز ۲۲آذر سیدین بهبهانی و طباطبائی پایتخت را ترك گفته بشهر ری حرکت کردند و در حرم حضرت عبدالعظیم متحصن گردیدند و جمعیت زیادی در حدود ده هزار نفر از مردم تهران بایشان پیوستند و بازارها بسته شده‌کار شورش بالا گرفت. این تحصن مدت یکماه بطول انجامید . در این احوال سفیر عثمانی با شاه ملاقات‌کرد و توضیح داد که متحصنین‌آنطورکه عین‌الدوله گفته از اشرار و اوباش نیستند . شاه مجبور شد فرمانده قوای خود امیرخان سردار را برای دلجوئی از علماء به شهر ری فرستد و روز ۲۲ دیماه آنها را باکالسکهٔ سلطنتی بشهر عودت داده بحضور شاه رسیدند و عین‌الدوله براثر دستور شاه ناگزیر شد اعلام کندکه خواستهای متحصنین‌که مادهٔ عمده‌آن تأسیس عدالت‌خانه بود پذیرفته شده و شاه نیز دستخطی در اینمورد صادر نمود و مردم جشن گرفته چراغانی کردند . علاءالدوله نیز عزل شد و بدین طریق‌آزادیخواهان گام دیگری بطرف پیروزی برداشتند .

در بهمن ماه صحبت بتدریج ازعدالتخانه تجاوزکرده بحث از لزوم تأسیس **مجلس شورایملی** به میان‌آمد و جلسات‌آزادیخواهان و طلاب و علمای مشروطه و نشر شبنامه ادامه یافت . عین‌الدوله سیدجمال واعظ اصفهانی و دو نفر از رجال مخالف خود راکه با مردم ابراز همدردی میکردند تبعیدکرد و این اعمال بر خشم و اعتراض مردم‌آنزمان افزود .

سال ۱۲۸۵ عین‌الدوله در مورد تأسیس عدالتخانه‌کار را به طفره میگذرانیدومردم برای تأسیس عدالتخانه بسیدین فشار میآوردند . طباطبائی نامه‌ای به عین‌الدوله نگاشته‌او را از تأخیر در تأسیس عدالتخانه برحذرکرده و ضمناً صحبت مجلس و مشروطه را بمیان آورد و از وقایع جالب‌آنکه سید در نامه خود نوشته بود **«چنانچه شما اقدام نکنید یك تنه اقدام خواهم‌کرد یا انجام مقصود یا مردن . پروا ندارم زیرا اول از جان‌گذشتم بعد اقدام نمودم .....»**

عین‌الدوله کلمهٔ یك تنه را یك شنبه خوانده بتصور اینکه یکشنبهٔ آینده بلوا میشود چند فوج سرباز را بشهر فراخوانده مأمور حفظ ارگ و مراکز دولتی نمود و این عمل نیز بمردم بیش از پیش جرئت داد و دانستند که صدراعظم از مردم واهمه دارد .

بلوا در شیراز و مشهد

در همین اوقات در دو شهر شیراز و مشهد نیز بلوا شد . در شیراز مردم از ظلم شاهزادهٔ شعاع‌السلطنه و تصرف املاك ایشان بدست عمال او و در مشهد از انحصارگوشت شکایت داشتند و این دو واقعه نیز بهانهٔ بیشتری به مشروطه‌خواهان تهران داد که عین‌الدوله را مورد شماتت و حمله قرار دهند . ضمناً چون عین‌الدوله درصدد بود از بیماری وضعف شاه استفاده کرده او را وادار کند که محمدعلی‌میرزا را از ولایتعهدی عزل و شعاع‌السلطنه را به جای وی منصوب نماید محمدعلی میرزا والی آذربایجان برضد عین‌الدوله بکمك ملیون برخاست . عین‌الدوله که وضعیت خود را وخیم یافت جواهر و اشیاء قیمتی خود را ازخانه بیرون فرستاده پنهان کرد و پایتخت را در محاصره سربازان مسلح گذاشته در صدد تبعید چند نفر از پیشروان ملیون برآمده در اجرای این تصمیم شب **۲۵ خرداد ۱۲۸۵** رشدیه، مجدالاسلام کرمانی و میرزا آقای اصفهانی را دستگیر کرده تحت‌الحفظ بکلات نادری تبعید کرد و بیشتر برخشم عمومی افزود .

روز ۱۵ تیرماه ۱۲۸۵ طباطبائی به منبررفت وصریحاً برضد استبداد وعین‌الدوله و در مزایای مجلس و مشروطه سخنسرائی کرد و تقاضای آزادیخواهان راآشکار ساخت . عین‌الدوله برآشفت و ناصرالملك را وادار کرد نامهٔ مفصلی به طباطبائی بنویسد مبنی بر اینکه مشروطه و مجلس برای کشور ایران خیلی زود است و باید ابتدا بتأسیس دبستان پرداخت (شاید این دلیل او چندان هم بیحساب نبوده) این نامه هم تأثیری در علما ننمود .

آغاز انقلاب

صبح **۴ شنبه ۱۹ تیر ماه** احمدخان یاور بدستور عین‌الدوله با عده‌ای سرباز، حاج شیخ‌محمد واعظ راکه چندی بود همه روزه روی منبر بدی اعمال عین‌الدوله رابازگومیکرد دستگیر کرد. درراه طلاب مدرسه حاج ابوالحسن معماراز جریان آگاه شده راه برسربازان بستند و با حمایت جمعی از مردم بازارچه و سید احمد فرزند بهبهانی که بدانها ملحق شد شیخ محمد را از دست سربازان نجات دادند . احمدخان بسربازان فرمان شلیك هوائی داد ولی تیری به ادیب‌الذاکرین اصابت کرده مجروح شد و سید عبدالحمید یکی از طلاب هدف تیر احمدخان واقع شده درگذشت . دسته‌ای قزاق به کمك سربازان رسیده جسد سید

را از دست مردم گـرفتند ، صدرالعلما با دستهٔ دیگری از طلاب و سادات رسیده مـردم را تشجیع کـردند تا قـزاقان را دنبال کنند و جسد سید را ازآنها پس گرفته به مسجد جامـع آوردند . بازارها بسته شد مـردم جسد سید را بدوش گرفته در بیرون مسجد گردانیدند و سینه‌زنی کـردند سیدین نیز به مسجدآمدند . سایر علمای تهران حتی شیخ فضل‌اله نـوری (باستثنای امام جمعه) نیز بدانها پیوسته روز را درمسجد بشب‌آوردند. نصرالسلطنه‌فرمانده قـوای تهران مسجد را محاصره کرد و روز دوم مانع خروج مردم و تظاهـر در خیابانها گردیده مردم را به گلوله بست و در این جریان جمعی در حدود یکصد نفر بقتل رسیدند. عین‌الدوله کسبه را تهدید کردکه اگر دکانها را نگشایند اموالشان تاراج خواهـد شد ولی مردم وقعی به تهدید او ننهادند .

خروج علماء از شهر

روز سوم انقلاب : روز **۲۳ تیر ماه** سربازان مانع ورود اشخاص به مسجد شدند و علما که در مسجد محصور شده بودند تقاضاکردند بایشان راه داده شود از شهر بیرون‌روند و بعتبات مهاجـرت نمایند . عین‌الدوله پذیرفته دستخطی از شاه برای ایشان فرستادکـه آزاد هستند بهر کجاکه میخواهند بروند و بدینطریق بخانه‌های خویش بازگشته برای‌سفر روز بعد خود راآماده نمودند .

مهاجرت بقم

روز ۲۴ تیر ماه علما عازم قم گردیدند و در حدود یکهزار نفر ازآزادیخواهان‌و بازرگانان بایشان پیوسته و چـون‌آهسته و منزل بـه منزل میرفتند روز ۳۰ تیرماه بـه قم رسیدند .

در تهران‌که بازارها تعطیل شده بود چند روزی با حضور قزاق و سرباز درخیابان آرامشی برقرار بود ولی در واقع‌آرامش پیش از طوفان بود . سیدین هنگام حـرکت به طرف قم نامه‌ای بسفارت انگلیس‌نوشته تقاضای همراهی با ملیون دررفع ظلم وتعدی‌نمودند وگویاهدفشان این بودکه چون عین‌الدوله سد بزرگی بین مردم وشاه واقع‌شده نمیگذاشت پیغام علماء و حقایق اوضاع بگوش شاه رسد ، سفیر انگلیس میانجی مردم و شاه شود واین عمل وساطت سفیر یك مرتبه هم سابقه داشت وآن وساطت سفیر عثمانی بود .

۱۹۰۶ ـ ژوئیه ـ تحصن درسفارت انگلیس

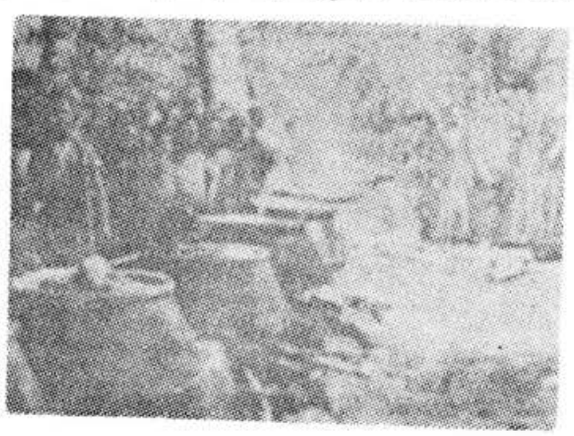
تحصن یا بست‌نشستن در اماکن مقدس یا در خانهٔ علما وروحانیون یا درخانهٔرجال بزرگ در ایران‌آن زمان بسیار رایج و معمول بود و غالباً کسانیکه بیم‌آزار وجورازطرف دولتیان را داشتند متوسل بایـن عمل میشدند ولی بست‌نشستن در سفارت خارجی راکسی

نمی‌شناخت و تنها یکدفعه در زمان محمد شاه و صدارت حاج میرزا آغاسی در سال ۱۲۲۳ هجری‌خورشیدی اتفاق افتاده بود وچند نفرشاکی‌ازبیدادگری حاج میرزاآغاسی‌چندروزی در سفارتهای انگلیس و روس متحصن شده بودند .

در غوغای مشروطه سه روز پس از حرکت علما بطرف قم دو نفر که درکتاب آبی (گزارش رسمی‌دولت انگلیس) اسم‌آنها ذکر نشده بدفترسفارت درقلهك رفته با**مستر گرنت** ملاقات و استفسار کردندکه اگر جمعی از مشروطه‌خواهان بسفارت پناهنده شوندآیاسفارت آنها را پناه خواهد داد یا نه ؟گرانت پاسخ میدهدکه البته بزور نمیتوان‌آنهـا را بیرون کرد .

عصر ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۶

پنجاه نفر از طلاب به باغ سفارت در شهر وارد شده تحصن اختیارکردند وازطرف سفارت منعی بعمل نیامـد لذا روز بعد عدهٔ دیگری به‌آنها پیوستند و تا ده روز بعد عـدهٔ متحصنین‌که از تمام طبقات و اصناف تشکیل میشد به ۱۳ تا ۲۰ هـزار نفر رسید . اصناف



دسته‌ای از مشروطه خواهان‌که در سفارت‌انگلیس‌تحصن اختیار کردند

مختلف چادرها در باغ افـراشتند در زیر چادرها میزیستند و همانجا برای خود بـه طبخ غذا پرداختند . هزینهٔ غذای این جمعیت از طرف چندنفر ازبازرگانان پرداخت میشدکه مورد تعدی عین‌الدوله واقع شده بودند .

دولت درچند روز اول وقعی باین عمل مردم نگذاشت ولـی پس از چند روز سفارت را در محاصرهٔ سربازان قرارداد و از ورود اشخاص تازه بسفارت جلوگیری‌کرد . دو روز بعد شاه مطلع شدکه سربازان و افسران‌آنها پی‌درپی بانقلابیون ملحق میشوند لذا نگران شده در صـدد صلح با متحصنین برآمده و ازآن‌ها خواست‌که تقاضاهای خـود را اعلام کنند .

تقاضاهای متحصنین که امیدی به موفقیت خود نـداشتند ابتدا خیلی مختصر و عبارت بود از برگشت علما از قـم بتهران و مجازات قاتلین دو نفر سید در واقعهٔ اخیر و گشایش عدالتخانه که عین‌الدوله همه را ردکرده و پاسخ منفی داده بود . ولی پس ازآنکه متحصنین خود را قوی‌تر و دولت را ضعیف یافتند برتقاضاهای خود افزوده و انجام مواد زیر را از دولت خواستار شدند .

(۱) بازگشت علما بتهران
(۲) عزل عین‌الدوله
(۳) افتتاح مجلس شورایملی
(۴) قصاص قاتلین دو نفر سید
(۵) برگشت تبعید شدگان به تهران

شاه ناگزیر شد همه این درخواستها را بپذیرد .

شورش ولایات

البته عامل مهم دیگری کـه در این هنگام به‌کمك متحصنین‌آمد اجتماعات مـردم در ولایات و شهرستانها و تحصن ایشان در تلگرافخانـه‌ها و مخابرهٔ تلگرافهای پی‌درپی بـه شاه و تقاضای گشایش مجلس واعطای مشروطیت بود و محمد علی‌میرزا ولیعهد درفعالیتهای شهرستانها نقش مهمی را در عهده داشت زیـرا برای دشمنی با عین‌الدوله‌که اجازه نمی‌داد اخبار تهران و حرکت علما بـه قم و تحصن مـردم در سفارت بشهرستانها برسد چـون از اوضاع تهران‌آگاهی داشت علما و اصناف تبریز را تشجیع کردکه اخبار پایتخت رابتمام ولایات تلگراف‌کنند وبه حمایت ملیون تهران قیام نمایند بدینطریق قیام وشورش ازتهران به تمام‌کشور سرایت‌کرد .

نتیجه اینکه عین‌الدوله در تاریخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۰۶ از صدارت معزول ومیرزانصراله خان مشیرالدوله بجای او منصوب شد و شاه عضدالملك رئیس ایل قاجار وحاجی نظام‌الدوله را برای برگردانیدن علما بقم فرستاد .

بعد از میلاد

۱۹۰۶ **۵ اوت ـ صدور فرمان مشروطیت** سرانجام درتاریخ ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ (۵ اوت ۱۹۰۶ = ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ هجری قمری) که مصادف با روز تولد مظفرالدین شاه بود شادفرمانی خطاب بصدراعظم صادر نمودکـه بنام **فرمان مشروطیت** نامیده میشود و درآن دستور انتخابات وگشایش مجلس و شرکت مردم را درکار حکومت‌صادرکرد . ولی چون درآن فرمان

اسمی ازملت برده نشده بود متحصنین آنرا نپذیرفتند وناچارفرمان دیگری که مکمل فرمان اول بود بتاریخ ۱۶مرداد (هفده جمادی‌الثانی) صادر نمود .

بدینطریق تحصن پایان یافته مردم ایران جشن برپا ساختند و شهرها را چراغان نمودند و علما بتهران بازگشتند .

گشایش مجلس موقتی (اولین مجلس مؤسسان)

چون انتخاب نمایندگان شهرستانها واعزام آنها به تهران با وجود حکام استبدادی در ولایات بطول میانجامید و انقلابیون تهران میخواستند بسرعت هرچه تمامتر ازمجاهدت خود ثمر بر گیرند پیش از ترك تحصن ، مجلس موقتی (که آنرا در اینجا اولین مجلس مؤسسان نام گذاشتیم) فراهم کردند تا نظام نامهٔ انتخابات عمومی را تهیه کند و انتخابات را بعمل آورد و مقدمات گشایش اولین مجلس شورای‌ملی را فراهم سازد

اولین جلسهٔ این مجلس در عمارت مدرسهٔ نظام سابق که جزء عمارت دربار بود برپا گردید و مجلس مزبور از عده‌ای در حدود دوهزار نفر از علما و وجوه انقلابیون و آزادیخواهان و بازرگانان و اصناف و همچنین اعیان و وزرا و درباریان تشکیل یافته و عضدالملك از طرف شاه از مدعوین پذیرائی کرد. مشیرالدوله صدراعظم با ایراد خطابه‌ای از طرف شاه این مجلس را افتتاح نمود و ملك‌المتکلمین خطابه‌ای از طرف مردم مبنی‌بر سپاسگزاری در پاسخ ایراد کرده چند عکس گرفته شد و اولین جلسه پایان یافت .

جلسات این مجلس هفته‌ای دو روز منعقد گردید و نظام نامهٔ انتخابات را تهیه نمود و در تاریخ **۱۷ شهریور ۱۲۸۵** (۱۹ رجب) این نظامنامه بامضای شاه رسید . بموجب این نظامنامه مردم به شش طبقه تقسیم شدند : شاهزادگان ، روحانیان ، اعیان ، بازرگان ، و کشاورزان ، پیشه‌وران و هر طبقه نمایندگان خود را جداگانه باید برگزینند.

گشایش اولین مجلس شورایملی

بعد از میلاد

۱۹۰۶ **۷ اکتبر**ـ بلافاصله انتخابات تهران آغاز گردید طبق اولین نظامنامهٔ انتخابات شصت نفر نماینده باید در تهران انتخاب میشد و۹۶ نفر ازشهرستانها جمعاً ۱۵۶ نفر بمدت دوسال با تعهد مصونیت نمایندگان . نمایندگان تهران بزودی انتخاب

شدند ولی چون انتخاب و اعزام نمایندگان شهرستانها با وجود حکام مستبد و ادامهٔ حکومت استبدادی در ولایات بطول انجامید اولین جلسهٔ مجلس شورایملی تنها با حضور نمایندگان تهران در روز **۱۴ مهر ماه ۱۲۸۵** (۱۸ شعبان ۱۳۲۴ = ۷ اکتبر ۱۹۰۶) درکاخ گلستان با حضور مظفرالدین شاه که بیمار بود و با صندلی چرخدار او را به مجلس آورده بودند و برتختش نشاندند تشکیل یافت. وزرای کابینه وسفرا وکنسولها وعده‌ای از اعیان وعلما نیز دعوت شده و حضورداشتند وشاه آغاز سخن نموده تنها بذکر جملهٔ زیرا کتفا نمود :

«سالها آرزوی چنین روزی را میکردم و خدا را شکر که به‌آرزوی دیرین خود رسیدم»

پس‌ازقرائت خطابهٔ افتتاحیه ازطرف نظام‌الملك، شاه جلسه را ترك گفت. نمایندگان برای آغاز مذاکره به مدرسهٔ نظام رفتند و جلسه را درآنجا تشکیل دادند . بلافاصله مردم جشن گرفتند و به مناسبت گشایش مجلس پایتخت را چراغانی کردند .

مجلس اول را نمی‌توان تنها یك مجلس شورای‌ملی عادی دانست. این مجلس‌درواقع یك مجلس انقلابی بود که هم نقش مجلس **مؤسسان** را عهده‌دار بود که باید قانون اساسی را تهیه‌کند و بنیان مشروطیت را بگذارد و هم‌کار **مجلس مقننه** را انجام دهد . برای تشکیل وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان دستگاه دولت و تنظیم بودجهٔ کشور و طرح نقشهٔ اصلاحات و تغییر رژیم استبدادی و حکومت مطلقه به حکومت ملی وهمچنین بسبب‌مخالفت با ضعف و یا بی‌تجربگی و بی‌اطلاعی دولتها این مجلس تا درجه‌ای هم نقش کنوانسیون سال ۱۲۰۷ و دیرکتوار (هیئت مدیره) سال ۱۲۱۰ را در انقلاب فرانسه درعهده داشت. بعلاوه مشروطیتی که بدون خونریزی زیاد و بدین سهولت بدست‌آمده بود چیزی نبود که بدون مبارزه‌های بزرگ و خونریزیهای آینده پایدار بماند و مسلماً متنفذینی که درکشور ریشه داشتند و در سایهٔ حکومت استبدادی از همه چیز بهره میگرفتند و با وجودمشروطیت منافع و مقام اجتماعی‌آنها در خطر قطعی بودآسوده نمی‌نشستند و لذا بیشتر اهتمام این مجلس باید صرف مبارزه با عناصر استبدادی و ارتجاعی و هم مصروف شناساندن وقبولاندن خود به این گروه میشد . چنانچه تا مدتی خود دولت هم این مجلس را به بازی نمیگرفت وآنرا مانند یك عدالتخانه تلقی میکرد ولی طولی نکشید که با فداکاری و جرئت‌وجسارت و درستی و پاکی و شوری که درسر بیشتر نمایندگان این دوره بود دولت مستبد را سرجای خود نشانیده و قدرت خود را به دولتیان و درباریان که منتظر چنین فرصتی بودند نشان داد .

روز بعد از افتتاح ، جلسهٔ دوم تشکیل شد . **صنیع‌الدوله** به سمت رئیس مجلس و وثوق‌الدوله بسمت نایب رئیس انتخاب گردیدند . وکلای شهرستانها هم بتدریج به تهران رسیده درجلسات‌شرکت کردند. این مجلس را میتوان بزرگترین‌ومهمترین‌مجلس‌مشروطیت ایران دانست .

از میان بردن ملوك‌الطوایفی یا فئودالیسم شدید ولایات نیز از جملهٔ اقدامات مهم این مجلس بود . در هر یك از ولایات و هم در پایتخت یك یا چند نفر در حقیقت باقدرت مطلقه و نفوذکلی امارت و حکومت داشتند و این مجلس با مجاهدهٔ بسیار توانست‌آنها را براندازدکه ازآن جمله است عزل‌کامران میرزا (عمو وپدرزن محمد علیشاه) از وزارت جنگ و دیگر برانداختن اشخاص‌زیر از محل قدرت و نفوذ خود :

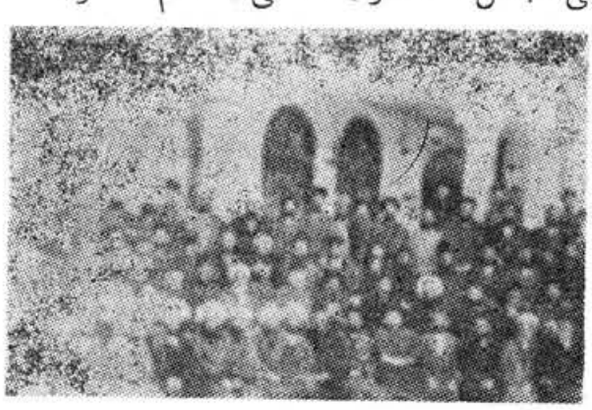


صنیع‌الدوله ـ اولین رئیس‌مجلس‌شورایملی

حاج‌آقا محسن از عراق ، سردار منصور وحاجی‌خمامی از رشت ، سپهدار از تنکابن ، ظل‌السلطان از اصفهان ، حاجی میرزا حسن مجتهد و حاجی میرزاکریم امام جمعه از تبریز، آصف‌الدوله از خراسان ، حشمت‌الملك از قاین ، سردار امجد عمیدالسلطنه ازگرگان رود ، ظهیرالملك ازکرمانشاه، متولی باشی از قم ، مشیرالملك از یزد، فیروز میرزا از کرمان . و همچنین عزل لیاخوف روسی‌از ریاست ایل شاهسون . دیگر از کارهای این مجلس انجام اصلاحات مالی و تهیهٔ بودجه و الغای تیول بودکه مقدار هنگفتی از بودجهٔ دولت باین مصرف میرسید .

قوانین مهمی‌که از مجلس اول‌گذشته بشرح زیر است :

نظام نامهٔ داخلی مجلس ، قانون اساسی ، متمم قانون اساسی ، قانون وظایف و



نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی

مستمریات ، قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی ، قانون بلدی (شهرداری) ، قانون‌ممیزی، قانون تشکیل ایالات و ولایات و حکام و وزارت داخله ، قانون مطبوعات ، قانـون تعیین مقـرری دربار سلطنتی ، شروع بشور در قانون عدلیه (دادگستری) همچنین ایـن مجلس موفق گشت که محاکمات را که درآنزمان در محضر هرملا وروحانی انجام میگرفت‌متمرکز و منحصر بدیوانخانهٔ عدلیه نماید .

دیگر ازکارهای مهم این مجلس رد قرارداد روس و انگلیس راجع بایـران بود و نیز رد قرضه از روس و انگلیس بمبلغ ۴۰۰۰۰۰ لیرهٔ انگلیسی کـه مظفرالدینشاه اصرار داشت برای مخارج سفر سوم خود باروپا بگیرد .

مطبوعات نیز در زمان این مجلس‌آزاد شده و در دورهٔ این مجلس در حـدود ۱۵۰ روزنامه و هفته‌نامه و مجله در ایران انتشار می‌یافت .

پایان این مجلس ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ = **۶ اکتبر ۱۹۰۸** برابر با **۱۳ مهر ماه ۱۲۸۷** بود .

بعد از میلاد

۱۹۰۶ **۳۰ دسامبر ـ امضای قانون اساسی :** مجلس اول قانون اساسی راکه برای مشروطیت اهمیت اساسی داشت‌تهیه کرده در اوایل دسامبر برای امضای شاه فرستاد و چون مظفرالـدینشاه در بستر بیماری بود و هرساعت احتمال درگذشت اومیرفت مجلس‌دردهم‌دسامبر ازاو پاسخ فوری خواست ودرخواست کردکه محمدعلی میرزا ولیعهد را از تبریز احضار نماید تا وی نیز قانون اساسی را امضاءکند .

روز **۲۶ آذر ماه** (۱۷ دسامبر ۱۹۰۶) محمد علـی میرزا بـه پایتخت وارد شد و صبح ۹ دیماه (۳۰ دسامبر) قانون اساسی بعلاوه تعهد نامه‌ای را امضاء نمود مبنی بـراینکه مجلس تا دو سال منحل نخواهد شد .

روز **۱۱ دیماه ۱۲۸۵** (اول ژانـویه ۱۹۰۷) مظفرالدینشاه در حالیکـه در بستر مرگ بـود و یکنفر روحانی بالای سرش‌آیات قرآن میخواند قانون اساسی و نظام نامـهٔ انتخابات را امضاءکرده بتوسط مشیر الدوله صدراعظم به مجلس فرستاد .

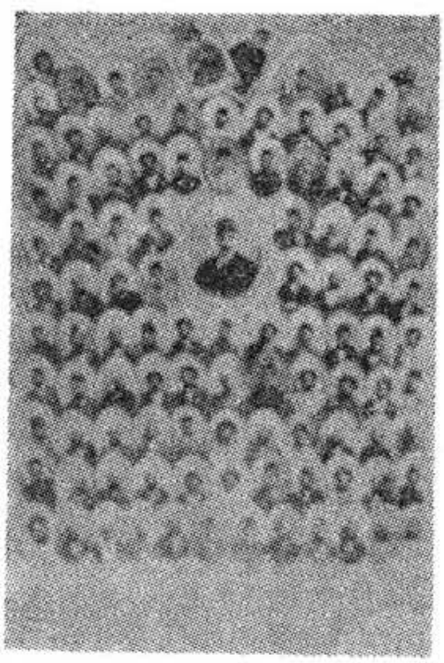
۱۹۰۷ ـ ۸ ژانویه ـ (مطابق با ۱۸ دیماه ۱۲۸۶ = ۲۴ ذیقعده ۱۳۲۴)

درگذشت مظفرالدینشاه

بعد از میلاد

۱۹۰۷ ـ ۱۹۰۹ سلطنت محمد علیشاه فرزند مظفرالدینشاه :

محمد علیشاه بلافاصله جانشین پدر شده در ۱۵ ژانویه **سلطان احمدمیرزا** پسر دوم خود را بسمت ولیعهد اعلام کرد . خود نیز در روز ۲۹ دیماه (۱۸ ژانویه = ۴ ذیحجه) تاجگذاری نمود .



عکس دیگری از نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی (در وسط عکس صنیع الدوله رئیس مجلس دیده میشود)

محمد علیشاه در باطن با مشروطیت قویاً مخالف ودشمن بود و درصدد یافتن فرصت مناسب برای برانداختن مشروطه از طریق کودتا وبستن مجلس بود . نفرت وی از مشروطه در روز تاج‌گذاری او آشکار گشت که نمایندگان مجلس را در مراسم تاجگذاری دعوت نکرد و تنها صنیع‌الدوله رئیس مجلس جزء اعیان دعوت شدنه بعنوان رئیس مجلس شورایملی .

وزرای کابینه نیز برای جوابگوئی بمجلس حاضر نمیشدند و طولی نکشید که مجلس به سوء نیت محمدعلیشاه پی‌برد و کشمکش بین شاه ومجلس آشکار گردید ولی مجلس با مدارا وقت میگذرانید. بالاخره مجلس بدولت فشار آورد که وزیران کابینه را رسماً به مجلس معرفی کند. صدراعظم ناچارشد هشت نفر از وزرای خود را به مجلس بفرستد و صورت آنها و سمت هریك را نیز کتباً روز ۱۳ بهمن ماه ۱۲۸۵ به مجلس فرستاد .

شورش تبریز : مشروطه‌خواهان تبریز چون از رفتارمحمد علیشاه با مجلس آگاه گشتند روز ۲۶ بهمن در محل انجمن ایالتی تبریز جمع شده قیام کردند و تلگرافاتی به سیدین به تهران مخابره نمودند. مجلس نمایندگانی نزد صدراعظم فرستاد وتقاضاهای زیر را مطرح کرد :

منع اخذ هرنوع وام از روس و انگلیس ، تحدید حقوق مستمری شاه ، تأسیس بانك ملی ، حذف استفاده‌های نا مشروع ، عزل نوز بلژیکی و سایر بلژیکیان مأمور گمرکها .

مجلس پاسخی از دولت نشنید و لذا در تهران نیز اجتماع وتظاهرات وبستن بازار آغاز شد ولی در تبریز شدت یافت .

محمد علیشاه بالاخره مجبور شد بلژیکیها را عزل کند ولی با مجلس بر سر کلمهٔ **مشروطه** تا چندی کشمکش کرد و تقاضا داشت که نام مشروطه را به **مشروعه** تغییر دهند. مجلس قبول نکرد . این شورش ۶ روز بطول انجامید .

بعد از میلاد

۱۹۰۷ ـ ماه مه ـ صدارت امین‌السلطان :

مشیرالدوله روز ۲۶ اسفند ۱۲۸۵ (۱۷ مارس ۱۹۰۷) از صدارت استعفا داد وتا چندی کابینه بدون رئیس‌الوزراء بود. محمد علیشاه چون امین‌السلطان اتابك را مردی دسیسه‌کار وآزموده و هم طرفدار استبداد وبرای اجرای مقاصد خود مفید می‌دانست برای تصدی این مقام از اروپا احضار کرد . وی روز ۳۰ فروردین (۶ ربیع‌الاول) وارد بندرپهلوی (انزلی سابق) شد . مجاهدان رشت راه را بروی بسته با وجود حمایت قزاقان از او مانع پیاده شدنش به خاك ایران گشتند . اتابك ناگزیر شد به کشتی برگردد و مجبور شد سوگند وفاداری به مشروطیت یادکند . و بالاخره پس از موافقت مجلس از تهران اجازهٔ ورود به او داده شد . وی روز ششم اردیبهشت ماه (۲۶ آوریل) وارد تهران شد و بوسیلهٔ دوستان خود در بعضی از نمایندگان نفوذ کرده زمینهٔ تصدی خود را فراهم‌آورد . روز ۱۳ اردیبهشت ۱۲۸۶ (۳ مه ۱۹۰۷) با هفت نفر وزیران خود به مجلس آمد . خزانهٔ کشوردراین هنگام خالی ومجلس هم با قرضهٔ خارجی جداً مخالفت میکرد .



امین‌السلطان اتابك



محمدعلی‌شاه‌قاجار

بعضی ولایات نیز هنوزدچار اغتشاش بود که ازآن جمله بود غائلهٔ سالارالدوله برادر شاه در لرستان که دعوی سلطنت داشت . دولت عثمانی نیزاز مرزشمال باختری بنای تجاوز بخاك ایران گذاشت . روسها نیز برتحریکات خود افزوده به محمد علیشاه وعدهٔ مساعدت مالی و اعزام سرباز برضد مشروطه‌طلبان دادند .

بعد از میلاد

۱۹۰۷ – ۳۱ اوت – قرارداد ۱۹۰۷ بین انگلیس وروس راجع بایران

دولتین روس و انگلیس که هردو از سیاست آلمان در خاورمیانه نگران شده بودند با یکدیگر سازش کرده در این روز در **سن‌پترزبورگ** پایتخت روسیهٔ تزاری (لنین‌گراد امروز) قرار دادی درمورد منافع دولتین درایران بین خویشتن منعقدکرده امضاء نمودندکه طبق آن ایران رابدو منطقهٔ نفوذ روس و انگلیس تقسیم کرده روسیه منافع ونفوذ انگلیس را در منطقهٔ جنوبی و جنوب خاوری ایران و در خلیج فارس برسمیت شناخت وانگلیس تمام ایالات شمالی یعنی در حدود نصف کشور را بعنوان منطقهٔ نفوذ روس شناخته و تنها یك منطقهٔ باریك بین این دو منطقه بنام کمربند مرکزی برای اخذ امتیازات از ایران بنفع هردو دولت در نظر گرفتند .

ترور اتابك

امین‌السلطان ۴ ماه بر سرکار بود و روز نهم شهریور ۱۲۸۶ (۳۱ اوت ۱۹۰۷) یعنی درست در همان روزیکه قرار داد روس و انگلیس راجع به تقسیم ایران بدو منطقهٔ نفوذ در پترزبورگ بامضاء رسید هنگام خروج از مجلس بضرب گلولهٔ عباس‌آقا صراف آذربایجانی به قتل رسید وقاتل خودکشی کرد. این ترور ناگهانی شاه و دولت و رجال استبدادی رابی‌اندازه مرعوب ساخت .



عباس‌آقا قاتل امین السلطان اتابك

شاه در اوایل آبان ۱۲۸۶ (اواخر اکتبر ۱۹۰۷) **ناصرالملك** راکه مورد موافقت مجلس بودبسمت ریاست‌وزراء منصوب کرد و برای تسکین افکار عمومی و اغفال مجلس در اواخر آبان (نوامبر) شخصاً در مجلس حضور یافته برای‌مرتبهٔ چهارم سوگند وفاداری به مشروطیت یاد نمود .

اما این ظاهرسازیها چون از روی حقیقت نبود نتیجه

نداده دامنهٔ اغتشاش بالا گرفته اوضاع کشور بیش از پیش مشنج گردید .

بعد از میلاد

۱۹۰۷ ـ۱۴ دسامبر ـ استعفای ناصرالملك :

ناصرالملك پس از یکماه و نیم ریاست‌وزرا در روز ۲۳ آذر (۱۴ دسامبر) استعفا داد و روز بعد محمد علیشاه او و وزرایش را به زندان انداخته قصد قتل او را داشت که با وساطت و دخالت سفارت انگلیس نجات یافته و روز ۲۵ آذر عازم اروپا شد . مردم هم چند روز بازار را تعطیل کرده تظاهراتی بطرفداری وی نمودند .

نقش مطبوعات :

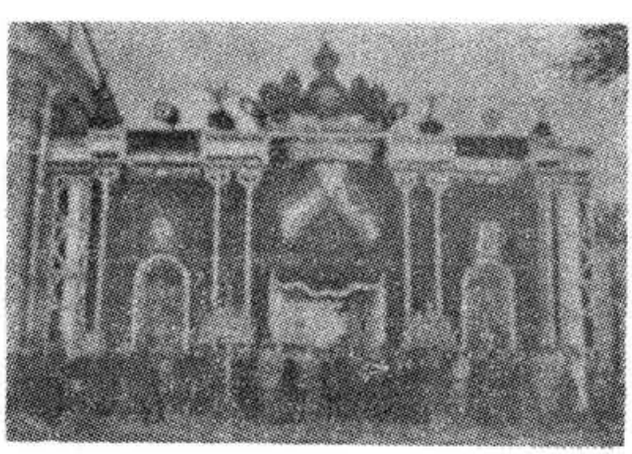
دراین هنگام مطبوعات تازه نقش بسیارمهمی برعهده داشتند وکاری را انجام‌میدادند که تاآنزمان در تاریخ ایران سابقه نداشت . این مطبوعات که مهمترین آنها عبارت‌بودند از روزنامهٔ **صور اسرافیل ، مساوات ، روح‌القدس ، مجلس ، ندای وطن ، کشکول ، و زبان ملت** صریحاً عملیات دربار و شاه را مورد انتقاد قرار داده مردم را به مبارزه برضد استبداد تشویق میکردند و در بعضی از شهرستانها نیز روزنامه‌هائی منتشر میشد . محمد علیشاه از مندرجات جرائد بخصوص صوراسرافیل و مدیر آن میرزا جهانگیرخان شیرازی و هم از بیانات بعضی از نمایندگان در مجلس و بعضی از وعاظ به خصوص سیدجمال واعظ برمنابر بسیارآشفته و خشمگین گردیده درصدد انتقامجوئی بود . در این هنگام ترکها درآذربایجان به پیشروی خود ادامه داده ترکمنها از شمال خاوری بخاك خراسان بنای تجاوز گذاشتند . فارس وکرمان نیز دچار اغتشاش شده و شاه که در پایتخت در محاصرهٔ درباریان مستبد از قبیل سعدالدوله و لیاخوف و شاپشال روسی و امیر بهادر جنگ بود برتحریکات خود برضد مجلس افزوده تصمیم‌به واردآوردن ضربهٔ آخرین یعنی اجرای کودتا و بستن مجلس گرفت .

۱۹۰۷ ـ۱۵ دسامبر ـ کودتای اول محمدعلیشاه :

روز ۲۴ آذر (۱۵ دسامبر) شاه عده‌ای از اوباش و اشرار را با پول اجیر کرده به میدان توپخانه (میدان سپه امروز) فرستادکه درآنجا چادرهائی برپاکرده برهبری حاج شیخ‌فضل‌الله نوری و ملامحمدآملی پیشنماز مسجد مروی و چند نفر دیگر شورش ساختگی برضد مشروطه برپاکرده فریاد برآوردندکه «ما دین نبی‌خواهیم ، مشروطه نمی‌خواهیم» و درکوچه وبازار

سلب امنیت از عابرین نمود، و به لخت کردن مردم پرداختند ومحلهٔ یهودیان را غارت کردند. شاه هم گروهی قزاق برای حفظ این جمعیت در اطراف توپخانه و ارگ مستقر کرده و خود شاه به باغشاه که در آنزمان بیرون شهر تهران واقع شده بود نقل مکان کرد . به قزاقان و گاردهای نظامی نیزدستور حمله به انجمنها و مجلس‌را داده ولی مردم آگاه شده مسلح گشتند ودرحدود دو هزار نفر به مراقبت مجلس و انجمنها پرداختند . شاه ترسیده درصدد ترمیم وآشتی با مجلس برآمد و سفرای فرانسه و اطریش و وزیر مختار ترکیه نیز با شاه مذاکراتی کردند . در شهرستانها نیز بخصوص تبریز براثر وصول اخبار پایتخت طغیان شدت یافت . شاه مجبور شد در روز اول دیماه اشرار توپخانه را متفرق کند و تسلیم تقاضاهای مجلس شود که عبارت بود از تبعید سعدالدوله و عزل امیربهادر وواگذاری ریاست بریگاد قزاق وسربازان به وزیر جنگ وآزادی ناصرالملك. ضمناً شاه فرمانی را مهر کرده باتجدید سوگند به مجلس فرستاد اما تمام این بازیها ظاهرسازی بود وشاه در تدارك قوهٔ کافی برای اجرای حملهٔ دوم بود . روز هشتم اسفند بمبی بهکالسکهٔ شاه انداخته شد ولی شاه درآن کالسکه نبود و این عمل بهانه‌ای برای بستن مجلس بدست شاه داد .

روز ۱۲ فروردین ۱۲۸۷ (اول آوریل ۱۹۰۸) احتشام السلطنه از ریاست مجلس استعفا کرد و ممتازالدوله جانشین وی شد .



سردر عمارت مجلس شورای ملی هنگامی که در اوایل سلطنت سلسلهٔ پهلوی بمناسبت جشن مشروطیت تزئین شده بود

بعد از میلاد

۱۹۰۸ ـ ۲۳ ژوئن ـ (۲ تیر ۱۲۸۷) دومین کودتای محمدعلیشاه:

در خرداد ماه ۱۲۸۷ کشمکش بین شاه ومجلس شدت یافت . مجلس بر کناری درباریان را از شاه میخواست و شاه تبعید وعاظ و روزنامه‌نگاران مخالف را از مجلس خواستار بود .

صبح ۱۳ خرداد (۳ ژوئن)

شاه با شتاب تمام و با طرزی آمیخته با نیرنگ در لباس قزاق بطوریکه‌شناخته‌نشود در میان قزاقان از شهر بیرون شده بار دیگردر باغشاه منزل گرفت .

روز ۱۴ خرداد

در حدود هزار نفر ازمردم که بعضی ازایشان مسلح بودند بنام مجاهدین دراطراف بهارستان گردآمده بحراست مجلس پرداختند ولی شب بااندرز نمایندگان مجلس که سعی داشتند محیط تفاهمی با شاه فراهم سازند پراکنده شدند .

در همین روز شاه بوسیلهٔ عضدالملك از اعیان و رجال مشروطه‌خواه که تقاضای عزل شاپشال را داشتند با دادن تأمین دعوت کرد که ۱۲ نفرازمیان خود برگزیده برای‌مذاکره به باغشاه بفرستند .

روز ۱۵ خرداد

۱۲ نفر نمایندهٔ مردم به باغشاه رفتند و شاه چند نفر از ایشان را بوسیلهٔ قزاقان زندانی و تبعید کرد . یکی از ایشان فرارکرده خبر واقعه را به مجلس رسانیده و سیدین کتباً تقاضای آزادی فوری زندانیان را نمودند .



زندانیان باغشاه در زنجیر

روز ۱۶ خرداد

قوای شاه تلگرافخانه را متصرف شده رابطهٔ مجلس را با شهرستانها قطع نمودند. شاه حاکم تهران را نیز عوض کرده شروع بدستگیری بعضی از آزادیخواهان نمود و بوسیلهٔ لیاخوف و قزاقهای تحت فرماندهی وی بخلع سلاح مردم پرداخت .

روز ۲۱ خرداد

شاه یکدستهٔ ۲۵ نفری قزاق به مجلس فرستاده التیماتوم داد که چنانچه مردم که تعداد آنها بده هزار نفر میرسید از مسجد سپهسالار پراکنده نشوند بقوهٔ توپ و سرنیزه آنها را متفرق خواهد کرد . مجلسیان باکوشش بسیار موفق شدند مردم را بخانه‌های خود بفرستند .

روز ۲۲ خرداد

شاه تقاضای تبعید هشت تن از ارباب جرائد و وعاظ را نمود .

روز ۲۷ خرداد

بازار تعطیل شد و مردم بار دیگر در مسجد سپهسالار اجتماع کردند . در شهرهای تبریز و اصفهان و کرمان نیز شورش تجدید شد .

روز اول تیر ماه

شاه برای اغفال مجلسیان و وارد ساختن ضربت قاطع چند نفر را از طرف خود بعنوان میانجی به مجلس فرستاده قرار گذاشتند روز بعد به مجلس آمده کمیتهٔ مختلطی از نمایندگان شاه و مجلس برای رفع اختلافات تشکیل دهند .



امین‌الدوله



سید جمال‌الدین واعظ

به توپ بستن مجلس

صبح زودروز **۳ تیر ۱۲۸۷** (۲۳ ژوئن ۱۹۰۸) عدهٔ زیادی قزاق وسرباز بسرکردگی کلنل لیاخوف که از طرف ستاد ارتش روس در قفقاز مأموریت بـرهمزدن اساس مشروطیت ایران را داشت با شش نفر افسر روسی دیگر مجلس و مسجد سپهسالارو خیابانهای اطراف آنرا محاصره کردند و بنمایندگان و اشخاصی که قصد ورود داشتند اجازهٔ ورود دادند ولی مانع خروج آنها گردیدند .

لیاخوف قزاقان و توپها را در نقاط معین مستقر کرده فرمان شلیك بطرف مسجد و مجلس داد . در حـدود پنجاه نفر از سربازان اسلحه خود را به مردم داده و بـه ملیون پیوستند و عده‌ای ازسواران قزاق روبفرار گذاشتند . افسران روسی بطرف آنها شلیك کرده عده‌ای راکشتند و مانع فرار بقیه شدند . افراد مسلح ملیون از یکصد نفر تجاوز نمی کرد و هـر کدام تعدادکمی فشنگ داشتند . بـا اینحال چهار واحد توپخانه قـزاق را ازکار انداختند .

دراین هنگام عده‌ای کمك به قزاقان رسید . افراد مسلح مردم تا هشت‌ساعت‌پایداری نموده و پس ازآن جمعی از ایشان مقتول و بقیه اسیر و چند نفرهم موفق بفرار گردیدند. بنای بهارستان و مجلس نیز ویران گردید .

عده‌ای از نمایندگان مجلس وآزادیخواهان و وعاظ و ارباب جراید از جمله میرزا جهانگیرخـان شیرازی و مـلك‌المتکلمین دیـوار مسجد را از عقب سوراخ کـرده بـه پارك **امین‌الدوله** پناهنده شدند و سپس درآنجا از طرف قـزاقان دستگیر و در باغشاه زندانی گشته و سپس بـه قتل رسیدند . سید جمال واعظ فـرارکرد اما در نزدیکی بـروجرد یا



ستارخان



باقرخان

همدان گرفتار شده به قتل رسید . قزاقان تمام اسناد و دفاتر و اوراق مجلس را از میان بردند .

عده‌ای هم در حدود ۴۰ نفر که تقی‌زاده و معاضدالسلطنه‌هم ازجملهٔایشان بودخود را بسفارت انگلیس رسانیده پناهنده شدند ولی ازآن پس سفارت انگلیس در محاصرهٔ قزاقان درآمده مانع ورود مردم بدانجا گردیدند .

روز ۳ تیر ماه

لیاخوف حکومت نظامی را در تهران بامضای خود بعنوان فرمانده بریگاد قزاق اعلام کرد و گزارشهای محرمانهٔ راجع به موفقیت خود را بستاد ارتش روس در قفقاز فرستاده فرمانی نیز بامضای محمد علیشاه مبنی بر اعلام حکومت نظامی در پایتخت انتشار یافت .

شورش ولایات :

در این هنگام شورش و طغیان به بیشتر ایالات و ولایات سرایت کرده در تبریز بازارها تعطیل و جنگ درکوچه و خیابان‌بین مشروطه‌خواهان به پیشوائی برادرش‌ستارخان وباقرخان برضد طرفداران شاه درگرفت و شاه‌عین الدوله رابا سمت والی‌آذربایجان‌با عده‌ای قزاق و سرباز بفرماندهی محمد ولیخان سپهدار به‌آذربایجان فرستاده تبریز را محاصره کردند ولی‌کاری از پیش نبرده از ملیون شکست خوردند.

در رشت و استرآباد و اصفهان و فارس نیز جمعی از مردم قیام‌کردند .

روز ۱۵ دیماه ۱۲۸۷

(۵ ژانویه ۱۹۰۹) دو نفر از خوانین بختیاری (ضرغام‌الدوله و صمصام‌السلطنه) با



یفرم‌خان



میرزا جهانگیرخان شیرازی
مدیر صوراسرافیل

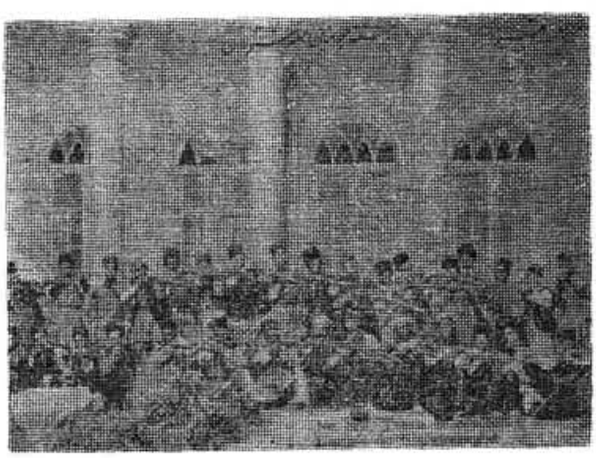
یکهزار سوار اصفهان را تصرف کرده سربازان شاه را متواری ساختند .

در رشت بتاریخ **۱۹ بهمن** (۸ فوریه) مردم بخانهٔ حکمران ریخته او راکشته و سربازان شاه به‌کنسولگری روس پناهنده شدند . سپهدار نیز فرماندهی قوای شاه را در تبریز ترك گفته برشت‌آمد و به ملیون پیوست و حکومتی موقتی در گیلان تشکیل داد .

در همدان و شیراز نیز در تاریخ **۵ فروردین ۱۲۸۸** و در بندرعباس و بوشهر در **هفتم فروردین** قیام‌آغاز گشت .

در لار (فارس) سید عبدالحسین لاری بطرفداری مشروطه قیام نمود .

مشهد در **۱۷** و کرمانشاه در **۱۸ فروردین** بقیام پیوست . دولت روسیه در این هنگام سپاهی به باکو و مرزجلفا و نیزیکعده پنجاه نفری‌قزاق بعنوان حفاظت کنسولگریها برشت و استرآباد ومشهد فرستاد. ناوهای جنگی روس نیزدر بندرانزلی(پهلوی) وبندرگز لنگر انداختند.



دسته‌ای از مجاهدین تبریز

بعد از میلاد

۱۹۰۹ ـ(۱۲۸۸ هجری) ـ تأسیس شرکت نفت ایران وانگلیس :

این شرکت در این سال در انگلستان بمنظور استخراج نفت برطبق امتیاز دارسی و احداث لولهٔ حامل نفت از مناطق جنوب باختری ایران به جزیرهٔ آبادان در دهانهٔ شط‌العرب تأسیس گردید . اولین رئیس هیئت مدیرهٔ آن **لرد استرات کونا** و با سرمایهٔ ۲ میلیون لیره شروع بکار کرد .

در ۱۹۱۴ دولت انگلیس هم بسبب احتیاجات جنگی و سوخت کشتی‌ها در زمان جنگ اول دومیلیون لیره سرمایه گذاشته و نصف سهام را خریده درآن شریك گردید و با قدرت ازآن پشتیبانی کرده مدت ۴۲ سال یعنی تاسال ۱۳۳۰ که صنعت نفت ایران ملی‌شده

و از شرکت خلع ید شد دوام یافت .

بعد از میلاد

۱۹۰۹ ـ ۲۶ مارس (۱۲۸۸) ـ ورود قوای روس بایران:

در ماههای اردیبهشت و خرداد ۱۲۸۸ شهر تبریز بسبب محاصرهٔ عین‌الدوله و قوای رحیم‌خان و صمدخان که از طرف روسها تقویت شده بودند دچار قحطی شده روسها بتقاضای محمد علیشاه بعنوان باز کردن راه و رسانیدن آذوقه، چهار اسکادران سوار و سه گردان پیاده ودوواحد توپخانه بفرماندهی **ژنرال زنارسکی** به تبریز فرستادند که روزدهم اردیبهشت به‌تبریز رسیدند و بنای تعدی بمردم را گذاشته محیطی از رعب و هراس بوجود آوردند .

۱۹۰۹ ـ ژوئن ـ حرکت قوای ملی از شهرستانها و تصرف پایتخت:

در اینموقع روابط تلگرافی بین شورشیان شهرستانها برقرار شده پیشوایان شورش شهرهای رشت و اصفهان و تبریز قرار گذاشتند با عده‌ای مسلح برای خلع شاه و برقراری مشروطیت بسمت پایتخت حرکت کنند .

سپاه اصفهان بفرماندهی صمصام‌السلطنهٔ بختیاری به حاج علیقلی‌خان سردار اسعد بختیاری که تازه از اروپا برگشته بود پیوسته عازم پایتخت شدند . و روز ۲ خرداد بقم رسیدند .

سپاه رشت بسرکردگی سپهدار عازم تهران شد و روز **۱۵ اردیبهشت** قزوین را متصرف گردید . شاه نیروئی بجلو هردو نیرو فرستاد که شکست خورده عقب‌نشینی کردند و درهمین هنگام روسها قوائی مرکب از دوتا سه هزارنفر دربندر انزلی (پهلوی) پیاده کرده شروع بپیشروی بطرف رشت و قزوین نمودند .

روز ۱۸ تیر ماه

قوای ملی شمال و جنوب در ده بادامك نزدیك کرج تهران بیکدیگر پیوسته‌دربرابر نیروی دولتی که تحت فرمان افسران روسی قرار داشت بجنگ پرداختند در حالیکه سپاه روس هم به هشتاد میلی غرب پایتخت رسیده بود .

۱۹۰۹ ـ ۱۲ ژوئیه ـ شب ۲۲ تیرماه

سپهدار شبانه با سه هزار نفر بی‌سرو صدا وارد پایتخت شد و روز **۲۲ تیر** قوای سپهدار و سردار اسعد در حدود سه هزار نفر در میان غریو شادی‌مردم وارد پایتخت شدند و عده‌ای از مردم پایتخت نیز مسلح گردیده بدانها

پیوستند .

روز ۲۳ تیر

در مرکز شهر بین بـریگاد قزاق بسرکردگی لیاخوف با قـوای ملیون جنگ در گرفت .

بعد از میلاد

۱۹۰۹ ـ ۱۶ ژوئیه (۲۸ تیرماه) خلع محمدعلیشاه واعلام سلطنت احمد شاه:

صبح روز ۲۸ تیر شاه با پانصد سرباز باتفاق سران حکومت استبدادی بسفارت روس در زرگنده پناهنده شد و بـدینطریق جنگ پایان یافت و لیاخوف بـه سپهدار اطاعت کرده در خدمت سپهدار درآمد .

شامگاه همانروز جلسهٔ شورایعالی ازمجتهدان و سران مشروطه دربهارستان تشکیل شد و خلع محمد علیشاه را از سلطنت و جانشینی فرزند ۱۲ ساله او **احمدمیرزا** را اعلام کرده عضدالملك را بسمت نایب‌السلطنه برگزیدند .

۱۹۰۹ ـ سلطنت‌سلطان احمد شاه
۱۹۲۵

پسرمحمد علیشاه : بلافاصله مجلس شورایملی تشکیل گردیدند وهیئت وزرای تازه را بریاست سپهدارکه وزارت جنگ را نیز در عهده داشت تعیین کـردند و سردار اسعد بسمت وزیر داخله منصوب گردید . نظمیهٔ تهران (شهربانـی) نیز به **یفرم ارمنی** سرکردهٔ گروهی از مجاهدین سپرده شد .

شیخ فضل‌اله نوری ازطرف ملیون دستگیر و محاکمه شده روز۹ مرداد (ژوئیه) در میدان توپخانه بدارآویخته شد .

۱۶ شهریور

محمد علی میرزا تحت حفاظت روس‌ها به روسیه حرکت کـرده در **اودسا** اقامت گزید .

(۱۲۸۹ و ۱۲۹۰) تشکیل مجلس دوم :

-۱۹۱۰

۱۹۱۱ دولت انقلابی پس از تسلط بـراوضاع بانتخابات مجلس دوم پرداخت کـه در

فروردین ۱۲۸۹ (۲ ذیقعده ۱۳۲۷ هجری قمری) با حق تجدید نظر در نظامنامهٔ انتخابات گشایش یافت و نظامنامهٔ تازه‌ای برای انتخابات که ترجمه‌یی از آئین‌نامهٔ انتخابات فرانسه و بلژیك بود وضع کرد که تا سال‌های اخیر مبنای انتخابات پارلمانی ایران بوده است . قوانین مهم دیگری که مجلس دوم وضع کرد عبارتند از **قانون حفظ‌الصحه و آبله‌کوبی، قانون ثبت اسناد، و قانون حکومت نظامی .**



سلطان احمد شاه

مجلس دوم در دورهٔ عمر کوتاه خود با بحرانهای سخت مواجه بوده و در برابر انواع مشکلات داخلی و درزیر فشارها و التیماتوم‌های خارجی بفعالیت خود ادامه می‌داد . دو دولت روس و انگلیس در اینمدت درصدد اجرای قرارداد ۱۹۰۷ بین خودشان بودند که متضمن تقسیم ایران بدو منطقهٔ نفوذ بود ، و دولت ایران هم بدان اعتراض کرده بود لذا این دو دولت همسایهٔ شمالی و جنوبی ایران شده بودند مانع استخدام مستشاران یا گرفتن قرضه از کشورهای دیگر میگشتند .

بعد از میلاد

۱۹۱۱ ـ استخدام و ورود مورگان شوستر :

مجلس دوم مورگان شوستر امریکائی را برای اصلاح امور مالیهٔ ایران استخدام کرد . وی به ایران آمده مجلس برای تشکیل ژاندارمری خزانه و اصلاح امور مالی اختیارکامل باو داد . شوستر مشغول انجام وظایف محوله گردید ولی روسها ناراضی شده از استخدام **ماژوراستوکس** انگلیسی از طرف شوستر جلوگیری کرده و ابتدا نسبت به اقدامات اصلاحی شوستر بنای کارشکنی و خنثی کردن عملیات او را گذاشتند .

۱۸ ژوئیه ـ تأسیس ژاندارمری :

این نیروی تازه برای حفظ امنیت بخصوص در راهها تحت نظر افسران سوئدی که از طرف مجلس استخدام شدند تأسیس گردید . ریاست این هیئت با **ژنرال یالمارسن** سوئدی بود . مجلس دونفر فرانسوی را نیز برای اصلاح دووزارتخانهٔ داخله و عدلیه استخدام کرد .

تشکیل دو فرقهٔ سیاسی :

اولین بار در تاریخ مشروطیت ایران دو فرقهٔ سیاسی بنام اعتدالی و دموکـرات در مجلس ایـران و در خارج مجلس به وجودآمده بود در مجلس اکثریت و اقلیت ظهور کرد .

ژوئیه ـ مراجعت محمد علی میرزا و سالارالدوله و جنگ با دولت:

بعد از میلاد

۱۹۱۱ در سال ۱۲۹۰ شمسی هجری روسها به محمد علی میرزا کمك کرده وی ازراه ترکمن با عده‌ای قوا از ترکمنها بسرکردگی ارشدالدوله وبه اتفاق برادرش شجاع‌السلطنه برای بدست‌آوردن تاج و تخت به‌کمك روسیه تـزاری در ۲۶ تیر ماه ۱۲۹۰ (ژوئیه ۱۹۱۱) باسترآباد (گرگان) وارد شده بطرف‌پایتخت پیشروی نمود . برادرش سالارالدوله نیز در همین زمان ازطرف باختر ایران باکمك عشایر کلهر عازم پایتخت گردید .

۱۹۱۱ ـ۵ سپتامبر ـ شکست محمد علی میرزا و فراروی به روسیه :

سپاه ملیون که برخی از ایشان را مجاهدین داوطلب تشکیل داده بود بجلـو آنها شتافته هـردو نیرو را شکست دادنـد . قـوای محمد علی میرزا در ۱۴ شهریور متلاشی شده سردار سپاه وی ارشدالدوله به قتل رسید و محمد علـی میرزا باردیگر بروسیه فرارکرد . سالارالدوله نیز فرارکرده بدولت عثمانی پناهنده‌شد.

۵ و ۲۹ نوامبر ـ التیماتوم دولت روسیه بایران :

دولت روسیه در تاریخ ۱۴ آبان و ۸ آذر دوبار بـدولت ایران التیماتوم داده عـزل شوستر را خواستار شد و ایران را تهدید به واردکردن نیروی روس نمود و مجلس آنرا رد کرد . لذا قوای روس شروع بپیشروی در خاك ایران وحملهٔ بنواحی شمالی وتعدی‌وتجاوز بمردم شمال گذاشتند .

در این هنگام رقابت وکشمکش سیاسی بین انگلیس و روس در ایران بحداعلا رسیده و منجر به تیرگی روابط بین‌آن دو دولت گردید .

۱۹۱۱ ـ۲۴ دسامبر ـ کودتای ناصرالملك و بستن مجلس‌دوم:

ناصرالملك که پس از درگذشت عضدالملك بسمت نایب‌السلطنه تعیین شده بود

در روز ۳ دیماه (۲۴ دسامبر = ۳ محرم ۱۳۳۰ هق) بطور ناگهانی مجلس را بسته وهیئت دولت سران دوحزب دمکرات واعتدال را بقم تبعید کرده جرائد را نیز توقیف کردند .

استعفا و خروج شوستر :

بلافاصله شوستر از خدمت دولت ایران استعفا کرده از ایران خارج شد .

بعد از میلاد

۱۹۱۲- ۱۹۱۴ (۱۲۹۱-۱۲۹۲) دورهٔ فترت و حکومت مطلقه :

پس از تعطیل مجلس دوم دورهٔ فترت سه ساله پیش‌آمد و ناصرالملك حکومت مطلقه داشت . روسها انواع تعدیات را بمردم ایران نمودند . وقایع مهم این سه سال عبارت است از قتل عام تبریز و بدارآویختن آزادیخواهان از جمله ثقةالاسلام بدست روسها در تبریز ، به توپ بستن گنبد مطهر حضرت رضا درمشهد ازطرف روسها ـ تبعیدآزادیخواهان پایتخت ـ تحصیل امتیازات و تعهدات از دولت ایران از طرف روس و انگلیس که در نتیجه مردم ایران را دچار یأس و نومیدی گردانید و از هنگام تعطیل مجلس تاآغاز جنگ اول جهانی،ایران کاملا در تحت نفوذ و فشار شدید دولت روسیهٔ تزاری قرار داشت .

۱۲۹۳ در این سال احمد شاه بحد بلوغ رسیده شخصاً زمام امور را در دست گرفته در ۳۰ تیر ماه تاجگذاری کرد و ناصرالملك به اروپا رفت .

۱۹۱۴ ـ اول اوت ـ آغاز جنگ جهانی اول

اعلان جنگ آلمان برضد روسیه وآغاز جنگ جهانی اول

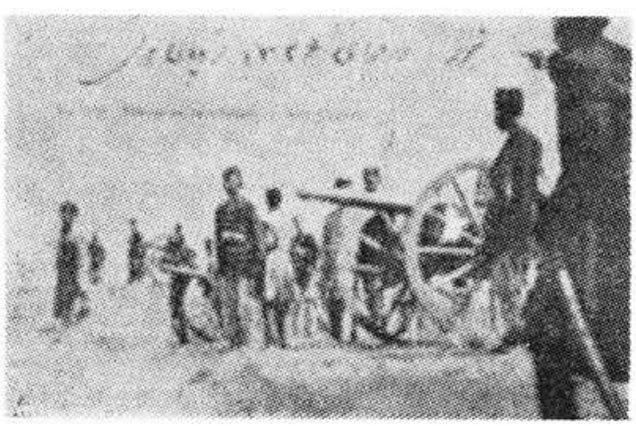
۱۹۱۵ ـ ژانویه ـ (۱۲۹۳-۱۲۹۴) گشایش مجلس سوم

انتخابات این مجلس که بسبب فشار افکار عمومی و اصراررؤسای ایل بختیاری بناصرالملك در زمان وی آغاز شده بود بعد از حرکت وی پایان یافت . و روز ۱۳ آذر ۱۲۹۳ (۴ ژانویه ۱۹۱۵) مجلس سوم گشایش یافت که مصادف با جنگ جهانی اول گردید .

بعد از میلاد

۱۹۱۴ ـ اول نوامبر ـ اعلام بیطرفی ایران

مجلس قبل از گشایش رسمی نسبت بجنگ اروپا اعلام بیطرفی کرد ولی چون دولت نیروی نظامی کافی برای حفظ بیطرفی نداشت همسایگان بدان وقعی نگذاشتند و ایران قادر به حفظ بیطرفی خود نگردید . قوای ایران در این هنگام منحصر بود به (۱) بریگاد قزاق که تحت ادارهٔ افسران روسی بود (۲) ژاندارمری (از ۱۹۱۱ ببعد) که در تحت ادارهٔ افسران سوئدی بود که تمایلات ضد روسی و انگلیسی داشتند و با تمایلات ملی ایران مطابقت داشت. در اینموقع شهرهای عمدهٔ شمال ایران هنوز در تصرف قوای روس و سواحل خلیج فارس در اختیار انگلیسها قرار داشت و پس از آغاز جنگ جهانی دولتین روس و انگلیس کشور ایران بخصوص مناطق باختری ایران را میدان جنگ و محل تاخت و تاز قوای خود برضد دولت عثمانی متحد آلمان قرار دادند و بالطبع خسارات و ویرانی بسیار در این نواحی وارد کردند .



منظره‌ای از توپخانهٔ قوای دولتی در تبریز

۱۹۱۵ ـ ۷ ژانویه ـ تصرف تبریز بدست ترکها

سپاه دولت عثمانی که در جبههٔ قفقاز مشغول جنگ با روسها بود از گرفتاری روسها در جبههٔ لهستان استفاده کرده با کمک کردها شروع به تجاوز بخاک ایران گذاشت . ارومیه (رضائیه) و شهر تبریز را چون بیدفاع دید تصرف کرده بنای پیشرفت بطرف شمال روبه جلفای مرز ایران گذاشت .

۳۰ ژانویه ـ تصرف تبریز بدست روسها

یك فوج سپاه روسی به‌کمك رسیده ترکها را شکست داده تبریز را متصرف شدند و

تا چندی در ارومیه و سایر نقاط باختری آذربایجان با جنگ باسپاه عثمانی مشغول بودندو درماه آوریل رضائیهٔ را هم تصرف کردند .

انگلیس‌ها در این هنگام دست روسها را در تمام مناطق شمالی ایران بازگذاشتند تا طبق قرارداد ۱۹۰۷ آنچه که میخواهند بکنند و ضمناً انگلیسها منطقهٔ بیطرف را هم به منطقهٔ نفوذ خود ملحق ساختند .

ژانویه ـ مراجعت واسموس آلمانی بایران

واسموس کنسول سابق آلمان در بوشهر که از مأمورین بسیار زبردست وفعال آلمانی بود بایران مراجعت کرده بسبب نفوذی که در مدت تصدی کنسولگری در بوشهردرخوانین تنگستان و قبایل جنوب در اطراف بوشهر یافته بـود شروع بفعالیت نموده جمعیتهای ضد انگلیسی تشکیل دادکه‌تا چند سال باعث دردسرومزاحمت شدید انگلیسها درجنوب گردیدند و بعداً کنسولگری شیراز بدست افسران ژاندارمری تصرف شد وانگلیسها باسارت‌درآمدند و تا مدت یکسال فارس تحت حکومت ژاندارمری فارس بوده صورت نیمه استقلال داشت ـ انگلیسها بوشهر را تصرف کرده و قبایل تنگستانی با سپاه انگلیسها جنگیده تلفاتی به آنها وارد ساختند و تا مدتی مانع پیشرفت آنها از طریق بوشهر گردیدند .

نیدرمایر و زوگمایر دو مأمورآلمانی دیگر نیز در سایر شهرهای ایران بـرای گشودن راهی بین‌ترکیه و افغانستان بمنظورپیشروی مشترك آلمان وترکیه بطرف‌هندوستان کوشش نمودند ـ چنانچه یکی از هیئتهای اعزامی آلمان هم بافغانستان رسید ولی‌حبیب‌اله خان امیر افغان‌که با انگلیسها قبلاً عقد پیمان‌کرده بود از عقد پیمان باآلمانها سرباززد. اما در ایران نفوذ معنوی‌آلمان در زمان جنگ جهانـی اول تفوق داشت و بخصوص بسبب تجاوزات انگلیس و روس بایران ، ایرانیان تمایل به‌آلمانها داشتند .

بعد از میلاد

۱۹۱۵ نوامبر ـ ورود قوای روس به پایتخت : روسها تجاوز خـود را بخاك ایران ادامه‌داده۱۲هزار نفرقوای ایشان واردقزوین شده و دوهزار نفراز ایشان بپایتخت‌آمدند .



مستوفی‌الممالك

۱۹۱۵ ۱۴ نوامبر ـ تعطیل‌مجلس سوم‌ومهاجرت نمایندگان : بسبب ورود قـوای روس بپایتخت و تهدید استقلال ایران، مجلس سوم در روز ۲۳ آبان ۱۲۹۴ تعطیل گردید وعده‌ای ازنمایندگان مجلس‌وآزادیخواهان پایتخت بطرف‌باختر ایران

مهاجرت نموده تا پایان جنگ درآنجا بسر بردند . شاه و هیئت دولت به ریاست **مستوفی‌الممالك** نیز عازم حرکت بودند و قصد انتقال پایتخت را باصفهان داشتند و چون سفرای انگلیس و روس آگاه گشتند از بیم آنکه این عمل ممکن است باعث شورش عمومی شده بزیان آنها تمام شود و نیز چون تصرف تمام نواحی شمال وپایتخت بدست روسها بضررانگلیسها بودازپیشروی سپاه روس بتهران جلوگیری کردند وبدینطریق مهاجرت شاه و هیئت دولت هم موقوف گردید .

قوانین مهمی که از تصویب مجلس سوم گذشت بشرح زیر است :

قانون تشکیلات مالیه، قانون پست، قانون منع خروج طلا ونقره، قانون مستغلات، قانون دخانیات ، قانون سرباز گیری .

بعد از میلاد

۱۹۱۶ **شکست انگلیس از ترکیه :** قوای انگلیسها در بین‌النهرین از ترکها شکست‌خورده و ترکها دومرتبه بخاك ایران حمله نمودند ولی سپاه روس از پیشروی آنها جلوگیری نمود .

۱۹۱۶ **مارس ـ ورود سرپرسی سایکس :** این ژنرال انگلیسی به بندر عباس وارد شده بمنظور جلوگیری از نفوذآلمان و پیشرفت ترکها بجنوب ایران آغاز تأسیس قشون جنوب ایران را نمود ـ از بندر عباس در ماه مه بکرمان و در ماه اوت به یزد و اصفهان رفت که در تصرف روسها بود . در نوامبر به شیراز رفته سپاهی به تعداد هشت‌هزار نفر از داوطلبان ایرانی با ۱۹۰ افسر ایرانی در تحت ادارهٔ ۴۷ افسر انگلیسی و ۲۵۶ افسر جزء انگلیسی و هندی تشکیل داده موقعیت دولت انگلیس را در جنوب ایران در برابر ژاندارمری ایران و عشایر مسلح جنوب که تمایلات‌ضدانگلیسی‌داشتند تحکیم نمود .

۱۹۱۶-۱۹۲۱ **(۱۲۹۵-۱۲۹۹) دورهٔ فترت و فئودالیسم :** در دورهٔ چهارسالهٔ جنگ جهانی اول یعنی از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ میلادی و نیز تا دو سال پس از جنگ یعنی تاآغاز سال ۱۹۲۱ میلادی کشور ایران درواقع بصورت ملوك‌الطوایفی درآمده بود و حکومت مرکزی بسیار ضعیف و مرعوب روس و انگلیس ، کابینه‌ها بی‌دوام و مدام دست‌خوش تحریکات خارجی و داخلی بود . **جنوب ایران** تحت نفوذ انگلیسها قرار داشت و در واقع پلیس جنوب برفارس و

کرمان حکومت داشت . **باختر ایران** مکرر بین قوای عثمانی و روسهادست بدست گشته و مأمورین سری و علنی آلمانی نیز بتحریك ایلات و عشایر بر ضد قوای انگلیس و روس مشغول بودند . در **خوزستان شیخ خزعل** ودر بسیاری از نقاط دیگر ایران خوانین و متنفذین محلی قدرت یافته ودر تحت حمایت انگلیس یا روس یا بتقویت آلمانها با ارادهٔ مطلق حکومت میکردندو چندان اعتنائی بحکومت مرکزی نداشتند . قوای نظامی دولت مرکزی تنها عبارت بود از هشت هزار قزاق در تهران وهشت هزار ژاندارم که بیشتر آنها در راهها و جاده‌ها و شهرستانها (غیرازجنوب) پراکنده بودند.درآذربایجان **خیابانی** و در خراسان **کلنل محمد تقی‌خان** افسر ژاندارم و در گیلان **میرزاکوچك‌خان جنگلی** قیام کرده اعلام استقلال نمودند و بدین طریق کشور در حال تجزیه و انحلال بود .



میرزاکوچك‌خان جنگلی



کلنل محمد تقی‌خان پسیان

رژیم تزاری روسیه در سال آخر جنگ جهانی به کمونیستی تغییر یافته وکمونیستها قوائی در انزلی (بندر پهلوی) پیاده کردند و بخشی ازگیلان را بتصرف آوردند . دولت مرکزی ایران نیز عده‌ای قزاق راکه در پایتخت داشت به مقابلهٔ با ایشان فرستاد.

قوای نظامی انگلیسها بریاست **ژنرال دنسترویل** برای جلوگیری ازتجاوزکمونیستها بایران و هند،از عراق و از طریق کرمانشاه و همدان پیشروی کرده به آذربایجان و باکو رسیدند و از طرف دیگر نیز از طریق خراسان به ایالات روسیه در شمال خاوری ایران نفوذ یافتند و در صدد بودند چندکشور مستقل از ترکمنستان و قزاقستان و غیره مشابه قفقاز و ارمنستان که در انقلاب روسیه اعلام استقلال کرده بودند تشکیل دهند و بدینطریق سدی بین دولت بلشویکی روسیه و ایران و هند ایجادکنند . بدین ترتیب دورهٔ فترت و

هرج و مرج و فئودالیسم تا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی درایران بطول انجامید .

بعد از میلاد

۱۹۱۷ **مارس ـ شکست ترکها ازانگلیس :** سپاه عثمانی در بغداد ازانگلیسها شکست‌خورده و قوای ترکها از خاك ایران عقب‌نشینی کردند .

۱۹۱۷ ـ نوامبر ـ عقب نشینی قوای روس :

قوای روس بسبب ظهور انقلاب بالشویکی در روسیه از ایران بطرف روسیه عقب‌نشینی کردند .

۱۹۱۸ **ژانویه ـ ورود ژنرال دنسترویل انگلیسی :** این ژنرال با یك نیروی کوچك انگلیسی بمنظور تحریك و تقویت گرجستانیها و ارمنیهای گرجستان و ارمنستان در برابر ترکها و تشکیل یك جبهه از ایشان در قفقاز برای جلوگیری از پیشروی احتمالی آلمانهااز اوکراین، از بغداد حرکت کرده از راه ایران به بندر انزلی (پهلوی) رسید ولی قوای بالشویکهای باکو به مقابلهٔ وی شتافتند و او ناچار بعقب‌نشینی به همدان گردید . وی بعداً بتدریج برقوای‌خود افزود ویك نیروی کمکی انگلیسی بریاست **سرویلفردمالسون** بوی پیوسته این مرتبه بمنظور جلوگیری از حملهٔ احتمالی بالشویکها و پیشروی آنها بطرف‌هند ازطریق‌خراسان وافغانستان راه‌شمال خاوری ایران‌را پیش گرفتند .

۱۹۱۸ **نوامبر ـ تصرف باکو بدست دنسترویل :** حکومت بالشویك باکو از بین رفته و حکومت دیکتاتوری بنام (خزر مرکزی) که جانشین آن شده بود از دنسترویل که در این موقع مقیم انزلی بود در برابر سپاه زیاد ترکها که بباکو نزدیك میشدند کمك طلبید ـ دنسترویل با ناوگانی شامل سه کشتی که قبلاً در دریای خزر برای حمل نیروی خود فراهم کرده بود بباکورفته آنجا را مرکز ستاد خود نمود و ازآن شهر در برابر ترکها دفاع نمود و مانع افتادن شهر به دست ترکها شد ولی بعداً ناگزیر به‌تخلیه وعقب‌نشینی به‌انزلی گردید .

۱۹۱۹ **۲۱ مه ـ** ناوگان بالشویکها در الکساندر ووسك از ناوگان انگلیسی بفرماندهی **د . ت. نوریس** شکست خورد و انگلیسها سپس کشتی‌های خود را بروسهای سفید واگذاشتند تا در جنگ با بالشویك‌ها ازآن‌ها استفاده نمایند .

بعد از میلاد

۱۹۱۹ اوت ـ اعزام هیئت نمایندگی ایران به‌کنفرانس صلح پاریس :

دولت ایران هیئتی را بکنفرانس صلح پاریس که برای تعیین مرزکشورهای اروپائی بعد از جنگ و ترتیب صلح باآلمان و متحدین او و مسئلهٔ غرامات با حضورویلسون رئیس جمهورامریکا تشکیل شده بود فرستاد وتقاضاهای‌دولت ایران را بشرح زیر تقدیم‌کنفرانس صلح کرد :

۱) ابطال پیمان ۱۹۰۷ بین روس و انگلیس راجع بایران .

۲) لغوکاپیتولاسیون وگاردهای‌کنسولی در ایران .

۳) پس‌گرفتن اراضی ماوراء خزر و مرو و خیوه و قفقاز و دربند و ایروان‌وباکوو کردستان تا رود فرات از روسیه و عثمانی و واگذاری‌آن بایران .

این هیئت بسبب تحریك و نفوذ دولت انگلیس درکنفرانس صلح برسمیت شناخته‌نشد وتقاضاهای ایران مورد توجه واقع نگردید .

۱۹۱۹ ـ۹ اوت ـ پیمان بین ایران و انگلیس معروف به‌قرارداد۱۹۱۹ :

انگلیسها دولت ایران را تحت فشار گذاشته پس از چند بار مذاکره با نظر لردکرزن قراردادی بوسیلهٔ سرپرسی‌کاکس وزیر مختار انگلیس در تهران با وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء در نهم اوت منعقد کردندکه تمام ایران را از هرحیث در منطقهٔ نفوذ انگلیس قرار میداد ودرو قع طبق‌آن ایران به نفوذ و تفوق انگلیس در ایران‌صحه میگذاشت.



وثوق‌الدوله

مواد اصلی این قرار داد عبارت بود از :

۱) دولت انگلیس تعهدات خود را در مورد شناختن استقلال ایران تأئید و تکرار میکند .

۲) دولت انگلیس‌باخرج‌دولت ایران مستشاران‌وافسران انگلیسی بایران میفرستد و سپاه متحدالشکلی برای تأمین نظم داخله و سرحدات تشکیل میدهد و برای تمام ادارات ایران مستشارانگلیسی بخرج ایران استخدام میکند .

۳) انگلستان مقداری ذخائرومهمات واسلحه‌برای‌قشون متحدالشکل بایران خواهد فروخت .

۴) انگلستان برای اجرای مواد ۲و۳ بالا قرضه‌ای بمبلغ دو میلیون لیره بنرخ‌بهرهٔ

صدی هفت در برابر وثیقهٔ عواید گمرکات و سایر عایدات دولت بمدت ۲۰ سال به ایران خواهدداد.

۵) انگلستان در ساختمان راه‌آهن و راههای شوسه با ایران همکاری خواهدکرد. (نحوهٔ همکاری بنظر کمیسیون متخصص انگلیسی واگذار شده بود).

۶) کمیسیون مختلطی از متخصصین انگلیسی ومأمورین ایران درتعرفهٔ گمرکی تجدید نظر نماید (این تعرفهٔ جدیدکه بنفع بازرگانی انگلیس بود با نظر **سیدنی آرمیتاژ اسمیت** انگلیسی مستشار مالی که بعنوان مقدمهٔ اجرای قرار داد از طرف دولت ایران استخدام شد در سال ۱۹۲۰ تهیه گردید و برای اجرای آن منتظر گشایش مجلس و تصویب آن بودند. وثوق‌الدوله تصویب نهائی و اجرای این قرارداد را موکول به تشکیل مجلس چهارم نمود و چون این قرارداد با مخالفت ونفرت شدید مردم ایران روبروشد ابتدادولت بعد ازکودتای سوم اسفند وبعدکه مجلس چهارم تشکیل‌شد مجلس درفوریه ۱۹۲۱ آنرا رد کرد.

وضع مالی دولت ایران و وضع خزانه دراین زمان فوق‌العاده وخیم وقروض‌خارجی ایران غیراز دومیلیون لیره‌که طبق قرارداد ۱۹۱۹ دولت انگلیس تعهد پرداخت‌آنرانموده بود بشرح زیر بوده است.

شرح قروض خارجی ایران		نرخ بهره	مبلغ اصلی	پس افتاده
۱-قرضه‌ازروس‌سال ۱۹۰۰و۱۹۰۲	(روبل)	۰/۰۵	۳۲۵۰۰۰۰۰	۳۱۲۲۳۱۷۰
۲-قرضه‌ازروس‌سال ۱۹۱۱	(لیره)	۰/۰۷	۶۰۰۰۰۰۰	۳۱۵۲۴۵۰۱
۳-قرضه‌ازحکومت‌هندوستان	(لیره)	۰/۰۵	۳۱۴۲۸۱	۱۸۰۴۲۱
۴-قرضه‌ازبانك‌شاهی ۱۹۱۱	(لیره)	۰/۰۵	۱۲۵۰۰۰۰	۱۲۲۳۰۶۱
۵-قرضه‌ازانگلیس ۱۹۱۲-۱۹۱۴	(لیره)	۰/۰۷	۴۹۰۰۰۰	۴۹۰۰۰۰
۶-قرضه‌ازروس	(روبل)		۱۸۹۱۵۰۰	۱۵۷۶۲۵۰
۷-قرضه‌ازانگلیس ۱۹۱۵-۱۹۱۷	(لیره)		۸۱۷۰۰۰	۸۱۷۰۰۰
۸-قرضه‌ازانگلیس	(ریال)		۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰
۹-قرضه‌ازانگلیس ۱۹۱۸	(ریال)		۹۲۵۰۰۰۰۰	۹۲۵۰۰۰۰۰

قروض بانگلیسها بعدها تماماً پرداخت شد ولی قروض بروسیه را دولت‌شوروی‌روسیه طبق قرارداد ۱۹۲۱ تماماً بایران بخشید.

بعد از میلاد

۱۹۲۰ **۱۰ ژانویه ـ ایران به عنوان یکی از اعضای اصلی انجمن ملل متفق شناخته شد .**

۱۹۲۰ **۱۸مه ـ تصرف رشت‌وانزلی بدست بالشویکها وتشکیل جمهوری شوروی گیلان :** پس از انقلاب بالشویکی که امپراطوری روسیه تزاری تجزیه شد یك دولت جمهوری مستقل تاتاری در آذربایجان شوروی (روسیه) تشکیل شدکه باکو را پایتخت قرارداد و درمه ۱۹۱۸ استقلال خود رااعلام کرد . در اواسط سال ۱۹۲۰ بالشویکها قوت یافته باکو را تصرف کرده این دولت رابرانداختند. درآوریل ۱۹۲۰ یازده فروندکشتی نیروی دریائی قوای ضد انقلابی روسیه بریاست دنیکین پس‌از سقوط باکو فرارکرده بانزلی که قوای انگلیس درآنجا بود پناهنده شدند ـ در ماه مه ناوگان بالشویك به تعقیب آنها پرداخته به انزلی رسیدند و انزلی (بندرپهلوی) را بمباران کردند . نیروی انگلیسی پس‌از خراب کردن پل منجیل تا قزوین عقب‌نشینی کرد و بالشویکها انزلی و رشت و بیشتر نقاط گیلان را بدون مانع تصرف کرده و جمهوری شوروی گیلان را بریاست میرزاکوچك‌خان جنگلی تشکیل دادندکه تا اکتبر ۱۹۲۱ دوام یافت .

۲۴ اوت ـ تجدید تصرف رشت از طرف ایران :

دولت ایران بریگادقزاق‌ایرانی پادگان تهران رابفرماندهی کلنل **استوروسلسکی** روسی که با حکومت بالشویکی روسیه مخالف بود بجنگ با قوای بالشویکی گیلان فرستاد که ابتدا بالشویکها را شکست داده رشت را ازآنها پس گرفتند ولی بعداً شکست‌خورده عقب‌نشینی کردند و بواسطهٔ نرسیدن حقوق ، بریگاد قزاق در شرف انحلال بود. انگلیسها در تجدید سازمان‌آن و احیای روحیهٔ بریگاداقدام کرده حقوق وهزینهٔقزاقخانهٔراتا چندی به حساب وام‌آینده بایران پرداختند .

۱۹۲۱ **۱۸ ژانویه** تخلیهٔ شمال ایران از نیروی انگلیس‌آغاز گردید .

۱۹۲۱ **۲۲ فوریه ـ کودتای‌سوم اسفند :** انگلیسها حقوق وهزینهٔ قزاقخانهٔ را که بحساب وام دولت ایران میپرداختند قطع کردند . ۳۰۰۰ نفر قزاق پس از شکست انزلی به قزوین عقب‌نشینی کرده بودند . رضاخان میرپنج (بعداً سردار سپه و سپس اعلیحضرت رضاشاه) متولد ۱۸۷۸ در مازندران و افسر بریگادقزاق، فرمانده روسی و افسران روسی را از بریگاد قزاق بیرون کرده فرماندهی رادردست گرفت. **سید ضیاءالدین طباطبائی** مدیر

روزنامهٔ رعد سفری بقزوین کرده با فرمانده قزاق ملاقات کرد و به تهران بازگشت .

صبح یکشنبه ۳ اسفند (۱۱ جمال‌الاخری ۱۳۳۹) عده‌ای ازقزاقهای مقیم‌قزوین واردتهران شده مراکز حساس مانند تلگرافخانه و تلفونخانه را تصرف کردند. ژاندارمری هم مقاومتی نکرده پلیس تهران مقاومت جزئی نشان داد وتسلیم شدوشهر بتصرف نیروی‌قزاق درآمد .

بلافاصله در حدود هشتاد نفر از رجال و اعیان‌توقیف وزندانی گردیده‌ادارات‌دولتی تعطیل شد.

روز شنبه ۶ اسفند ـ فرمان احمد شاه مبنی برانتصاب **سید ضیاءالدین طباطبائی** بسمت ریاست وزراء صادر شد . حکومت نظامی اعلام گردید و یك هفته بعد سید ضیاءالدین کابینهٔ خود را معرفی کرد ـ ۲۶ روز بعد رضاخان سردار سپه در سلام عید بسمت وزیر جنگ معرفی گردید .



سیدضیاءالدین‌طباطبائی



موتمن‌الملك‌پیرنیا
رئیس‌مجلس‌شورایملی

۲۶ فوریه‌ـاعلام‌ابطال‌قرارداد۱۹۱۹: اولین اقدام‌دولت‌تازه‌اعلام ابطال پیمان ۱۹۱۹ وثوق‌الدوله با انگلیس بود .

عقد پیمان با دولت بالشویکی روسیه :

در همین هنگام پیمانی بین دولت بالشویکی روسیه و ایران منعقد شده و دولت روسیه برای در هم شکستن نفوذ و تفوق انگلیس در ایران با شرایط ومواد زیر موافقت کرد :

۱) ایران از نیروی روسیه تخلیه شود :

۲) آنچه که روسیهٔ تزاری ومتفقین غربی آن دولت درایران برای ایجاد نفوذ وتسلط انجام داده‌اند لغو و مردود شناخته شد .

۳) کلیهٔ قروض ایران بروسیه تزاری بایران بخشیده شد .

۴) بانك استقراضی روس به ملت ایران واگذار شد .

۵) کلیهٔ امتیازاتی که روسیه تزاری از ایران گرفته باستثنای شیلات سواحل دریای خزر لغو گردید .

۶) راه‌آهن جلفا ـ تبریز ، بارانداز وکشتیهای دریاچهٔ ارومیه (رضائیه) جزیرهٔ آشوراده ، بندر غازیان که در برابر انزلی در طرف دیگر مرداب واقع شده بایران پس داده شد .

۷) کلیهٔ اموال و متعلقات روسیهٔ تزاری درایران باستثنای باغ سفارت‌درتهران‌بدولت ایران واگذار شد .

۸) در عوض دولت ایران متعهد شدکه کشور خود را پایگاه حمله بکشورهای **بیگانه** بدولت روسیه قرارندهد.

بعد از میلاد

۱۹۲۱-۱۹۲۲ **(۱۳۰۰ هـ‌ش) کابینهٔ سید ضیاءالدین** تنها سه ماه دوام یافت . روز ۴ خرداد ۱۳۰۰ بفرمان‌احمد شاه ساقط گردید وریاست وزراء به **قوام‌السلطنه** واگذار شد . و سید ضیاءالدین همان روز از راه قزوین به بغداد فرستاده شد و ازآنجا باروپا رفت . وزارت جنگ دراین‌کابینه نیز بعهدهٔ سردار سپه واگذارشد

۱۹۲۱-۱۹۲۳ **(۱۳۰۰ـ۱۳۰۲) مجلس چهارم :** ایـن مجلس در تاریـخ اول تیر ماه ۱۳۰۰ گشایش یافت و چون وارث هشت سال دورهٔ فترت و هرج و مـرج و ملوك‌الطوایفی و اغتشاشات داخلی و تحریکات خارجی بود بیشتر عمرخودرا درتشنج وکشمکش گذرانید. ریاست این مجلس با **مؤتمن‌الملك‌پیرنیا** بود و مدرس نقش رهبر اقلیت را بر عهده داشت .

۱۹۲۲ **۷ دسامبر ـ استخدام میلسپو :** اولین‌هیئت اصلاحات‌مالی‌امریکائی‌بریاست دکتر میلیسپو متخصص امـور مالـی از طرف ایران بـرای اصلاحات مالیه استخدام شده با نه نفر مستشاران امریکائی روز ۱۹ آذر ماه ۱۳۰۰ ریاست کل مالیه را با اختیارات تام در عهده گرفت و بودجه‌ای بـرای کشور تنظیم نمود .

بعد از میلاد

۱۹۲۲ **۱۴ دسامبر** ـ عقد پیمان صلح و دوستی بین ایران و ترکیهٔ جدید که رهبر آن **مصطفی کمال پاشا** بود که بعداً **آتاتورك** نامیده شد، بوقوع پیوست.

۱۹۲۲-۱۹۲۵ **تأسیس ارتش تازه:** سردارسپه وزیرجنگ قوان قزاق وژاندارم وبریگاد سربازان مرکزی را مبدل بسپاهی متحدالشکل کرد. این ارتش غائلهٔ گیلان و خراسان و غائلهٔ سمیتقو را درآذربایجان پایان داد و یاغیان و قبایل و اشراررا سرکوبی نمود.

۱۹۲۳ **ژوئن (۱۳۰۲ـ۲۳خرداد) پایان مجلس چهارم:** دورهٔ مجلس‌چهارم درروز۲۳خرداد۱۳۰۲ پایان‌یافت از جمله مصوبات این‌مجلس‌اعزام شصت‌نفر دانشجو باروپا بود.

۱۹۲۳-۱۹۲۵ **(۱۳۰۲ـ۱۳۰۴) مجلس پنجم:** انتخابات این‌مجلس دراردیبهشت۱۳۰۲ پایان یافت وچندی بعد گشایش یافته بکارمشغول شد.

۱۹۲۳ **۲۸ اکتبر (آبان ۱۳۰۲) ریاست وزرای سردار سپه:** سردار سپه به سمت ریاست وزراء برقرار شده‌کابینهٔ خود را معرفی کرد.

۲ نوامبر ـ مسافرت احمد شاه‌باروپا:

احمد شاه عازم اروپا گردید و دیگر بایران مراجعت نکرد تا در سال ۱۹۳۰ که‌در اروپا درگذشت.

۱۹۲۴ ـمارس (اسفند ۱۳۰۲ و فروردین ۱۳۰۳) جنبش جمهوری.

جنبش جمهوری در پایتخت و شهرستانها پیش‌آمد. عده‌ای در مدرسهٔ نظام تهران چادر برافراشته تقاضای تغییر رژیم سلطنت را به جمهوری کردند و سیل تلگرافات از شهرستانها نیز به تأئید این جنبش وتقاضای انتخاب‌سردار سپه بریاست جمهوری به تهران رسید ولی این جنبش با مخالفت شدید اقلیت مجلس پنجم برهبری مدرس و روحانیون خارج‌مجلس‌مواجه‌شده‌پیشرفتی‌نکرد وبزودی فرونشست.

۱۹۲۴ **اکتبر ـ جنگ خوزستان:** شیخ خزعل از نیم قرن پیش با پشتیبانی و حمایت انگلیسها فرمانروای محمره (خرمشهر) برتمام خوزستان تسلط‌مطلق

داشت و در واقع اطاعتی از حکومت مرکزی نداشت بلکه تبعیت او اسمی بود و همچنین خوانین بختیاری در حوزهٔ سکونت خود بصورت ملوك‌الطوایفی استقلال داشتند . ارتش تازهٔ مرکزی آنها را شکست داد. شیخ خزعل‌دستگیر شده به تهران انتقال داده شد و نظم در سراسر خاك ایران برقرار گردید .

بعد از میلاد

۱۹۲۵ **۱۴ فوریه (۲۵ بهمن ۱۳۰۳) واگذاری فرماندهی کل قوا و اختیارات تام بسردار سپه :** مجلس پنجم طبق قانونی مخصوص سمت فرماندهی کل قوا را که تا آنزمان اختصاص بشاه داشت با اختیارات تام بسردار سپه رئیس‌الوزراء واگذاشت .

۳۱ اکتبر ـ اعلام خلع احمد شاه از سلطنت و تأسیس حکومت موقتی ـ پایان مجلس پنجم:

مجلس پنجم در نهم آبانماه ۱۳۰۴ احمد شاه را ازسلطنت خلع کرده وحکومت موقتی را بسردار سپه واگذاشت . و تعیین پادشاه آینده را بنظر مجلس مؤسسان محول نمود و بلافاصله انتخابات مجلس مؤسسان آغاز گشته دورهٔ مجلس پنجم پایان یافت .

۱۲ آذر ۱۳۰۴ـ تأسیس اولین دورهٔ پیشاهنگی ایران

(مؤسسهٔ تربیتی جوانان)

۱۹۲۵ **۱۳ دسامبر ـ دومین مجلس مؤسسان و انتخاب پادشاه :** روز ۱۵ آذر ۱۳۰۴ مجلس مؤسسان گشایش یافت و روز ۲۱ آذر (۱۳ دسامبر) طی چهارمین جلسهٔ خود مواد ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۴۰ قانون اساسی راجع به تعیین پادشاه و ولیعهد ایران را تغییرداده سلطنت ایران را به **اعلیحضرت رضا شاه پهلوی** (سردار سپه سابق و رئیس حکومت موقتی) و اعقاب‌ذکور ایشان واگذاشت وبدینطریق سلسلهٔ قاجاریه منقرض گردید. (مراسم تاجگذاری روز چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ ـ ۱۵ آوریل ۱۹۲۶ بعمل آمد) .

هفتم ـ (سلسلهٔ ۲۴) سلسلهٔ پهلوی

۱۹۲۵ـ۱۹۴۱ میلادی (۱۳۰۴ـ ۱۳۲۰ هجری شمسی)

سلطنت اعلیحضرت رضا شاه پهلوی : آغاز این دوره آغاز تحول بزرگی در تاریخ ایران و در اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایران است زیرا با آنکه در بعضی از مسائل اجتماعی و ادارهٔ امور اجتماع و سازمانهای اداری و وضع قوانین ، تقلیدی ظاهری ازملل باختری بعمل آمده بود ولی تجددواقعی بظهور نپیوسته و تغییری مؤثر در دستگاه اجتماع و در زیرسطح ظاهری مؤسسات دولتی داده نشده و هنوز ایران وجامعهٔ ایرانی برطبق احتیاجات عصر و جهان امروز اصلاحات عمیق و ریشه‌دار بعمل نیاورده ، تحولی اساسی بوجود نیامده بود و اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایران بهیچوجه با ترقیات ملل غرب و تحولاتی که در جهان بظهور پیوسته بودهم آهنگی نداشت . در زیر سطح ظاهری تمام ادارات ووزارت‌خانه‌ها و دستگاههای دولتی همان اصول و معمولات کهنه ودوره‌های قدیم رایج و معمول بود .

ملوك‌الطوایفی در بعضی از بخش‌های اجتماع تنها جزئی تغییر شکل و نام داده و به مناسبت زمان تغییر مکان داده و در بسیاری از طبقات اجتماعی نیز بهمان شکل قدیم باقی مانده بود . نتیجه آنکه تا قبل از این دوره ایران بمنتها درجهٔ ضعف سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی رسیده هرج و مرج در تمام شئون اجتماعی و اداری و دولتی و ملی حکمفرما بود . ترقیات صنعتی جهان باختر هنوز بایران راه نیافته و حتی ایران فاقدراه آهن و راههای شوسه مناسب اتومبیلرانی و حمل و نقل بود . بنابراین می‌توان در تقسیم ادوار اخیر ایران دورهٔ ماقبل مشروطه را **دورهٔ تاریکی** و غفلت و بیخبری از جهان دانست ودوره‌ای راکه از ظهورمشروطه شروع میشود تا پایان سلطنت قاجار **دورهٔ بیداری** یا لااقل نیمه بیداری دانست که حرکتی و جنبشی که مؤثر در اوضاع اجتماعی و اداری باشد درآن دیده نمیشود و در این دورهٔ سوم است که تکانی بالنسبه شدید به پیکر اجتماع نیمه خفته و نیمه بیدار واردآمده راه را می‌بیند و بپیروی از روش عصر و زمان در جادهٔ

تکامل و ترقی صنعتی و مکانیکی و راه تجدد و تحول گام میگذارد و سیر این تحول را به ترتیب وقوع تاریخی قدم بقدم درکرونولوژی زیر ملاحظه خواهید کرد .

کرونولوژی

بعد از میلاد

۱۹۲۶-

۱۹۴۳ **(۱۳۰۵ ـ۱۳۲۲ هجری شمسی) مجلس ششم تا سیزدهم:** ایـن هشت دورهٔ مجلس به‌آرامش و بدون تشنج گذشته و قـوانین بسیاری در این هشت دوره که معاصر دوران سلطنت اعلیحضرت فقید مؤسس سلسلهٔ پهلوی است گذشت که مهمترین آنها بـه ترتیب تاریخ در زیر خواهدآمد و اجـرای همین قوانین بود کـه اولین تحول شدید و مؤثر را در اوضاع ایـران پدید آورد .

۱۹۲۶ **۲۲ آوریل (۲ر۲ر۱۳۰۵) عقد پیمان دوستی و امنیت متقابل بین ایران با ترکیه و افغانستان :** تا این زمان روابـط سیاسی و رسمی بین ایران و دو همسایهٔ باختری و خاوری برقرار نبود و در این هنگام پیمانی بنام پیمان دوستی و امنیت متقابل بین ایران ودوهمسایهٔ مزبور منعقد گردید. با این‌حال بسبب مشخص نبودن خطوط مرزی ووجود اختلاف مرزی تاسالها بعد تصادمات مرزی ادامه داشت .

۱۹۲۷ **فوریه ـ گشایش راه هوائی داخله :** راه هوائی‌مرتب‌بین باکو-تهران-اصفهان-شیراز-بوشهر از طرف شرکت‌آلمانی یونکرس گشایش یافت که تاسال ۱۹۳۲ ادامه داشت .

۱۹۲۷ **(اسفند ماه ۱۳۰۵) تعطیل وزارت عدلیه :** وزارت عـدلیه و محاکـم سابق عموماً تعطیل و منحل گردیده سپس دادگستری جدید تحت نظر داور وزیر دادگستری تأسیس یافت و قوانین تازه وضع شده و اصلاحاتی درقوانین قضائی بعمل‌آمد .

تأسیس ادارهٔ ثبت و ادارهٔ آمار

از جملهٔ اصلاحات، تأسیس‌ادارهٔ ثبت اسناد و املاك و وضع قوانین‌آن وتأسیس ادارهٔ

سجل و احوال (آمار) و وضع قوانین مربوط به‌آن و اجرای‌آن بود .

تا این تاریخ شناسنامه و سند رسمی ولادت و مرگ و ازدواج در ایران معمول نبود و همچنین املاك سند رسمی دولتی نداشتند .



اعلیحضرت فقید رضا شاه‌کبیر

بعد از میلاد

۱۹۲۷ **۲۲ نوامبر ـ تجدید دعاوی دولت ایران نسبت به جزایر بحرین :** شیخ‌نشین جزایر بحرین در خلیج فارس بسبب ضعف دولت ایران و به‌تشویق دولت انگلیس خود را از چندی قبل‌تحت حمایت انگلیس قرارداده‌واکتشاف نفت درآن جزائر اهمیت و ارزشی تازه بدان داده بود .

دولت ایران سابقاً در این مورد بدولت انگلیس اعتراض‌کرده بود در این هنگام دعاوی خود را تجدید و شکایت خود را به انجمن ملل متفق تسلیم نمود .

بعد از میلاد

۱۹۲۷ **(۱۳۰۶) ـ آغازساختمان راه‌آهن سرتاسری ایران :** برای‌ساختمان این اولین راه‌آهن ایران مالیاتی بتصویب مجلس برقند وشکرمصرف داخله مقرر گردید و بدون لزوم اخذ وام ازبیگانگان یا شرکت دادن خارجیان،

ساختمان این راه‌آهن سرتاسری که خلیج فارس را از بندر شاهپوروخرمشهر به تهران وبه بندر شاه در ساحل شرقی دریای خزراتصال میدادآغاز گردیده در ۴ شهریور ۱۳۱۷ (۲۵–اوت ۱۹۳۸) پایان یافت .

۱۹۲۷ **۱۰ مه (۱۳۰۶) الغای کاپیتولاسیون :** کاپیتولاسیون‌یا حق‌قضاوت کنسولی بیگانگان در ایران که مباین با استقلال کشور بود از طرف دولت لغو و به تمام کشورهائی که در ایران سفارتخانه یا نمایندگی داشتند اعلام شد . دولت انگلیس وکشورهای دیگر لغوکاپیتولاسیون را پذیرفتند .



سر در میدان مشق که در اوایل سلطنت اعلیحضرت رضا شاه ساخته شده و میدان مشق مبدل به باغ ملی گردید و (بعداً ساختمانهای شهربانی ووزارت خارجه بجای آن بناشدواکنون محل‌ورود بخیابان‌بین‌شهربانی و وزارت خارجه است

وضع تعرفهٔ جدیدگمرکی :

تعرفهٔ جدید گمرکی مناسب منافع اقتصادی ایران‌بدون مشورت و شرکت‌بیگانگان وضع و به‌کشورهای طرف معاملهٔ ایران اعلام شده و پذیرفته گردید .

بعد از میلاد

۱۹۲۸ **(۱۳۰۷) قرارداد هواپیمائی سواحل جنوب :** پیمانی با هواپیمائی شاهنشاهی انگلیس منعقد شده دولت ایران پرواز مرتب هواپیماهای آن دولت را در سراسر سواحل خلیج بطرف کراچی و هند اجازه داد .

۱۹۲۸ **(خرداد ۱۳۰۷) وضع قانون اعزام محصل بخارجه :** مجلس شورای ملی با پیشنهاد دولت تصویب نمود که از این تاریخ سالی یکصد نفر دانشجوی ایرانی پس از گذراندن کنکور برای تحصیل در رشته‌های مختلف بخرج دولت به کشورهای اروپائی اعزام شوند .

عقد قرارداد شیلات :

قرار داد شیلات با دولت روسیهٔ شوروی که پس از انقلاب روسیه صورت مبهمی داشت تجدید گردید .

۱۹۲۸ **سپتامبر (شهریور ۱۳۰۷) تأسیس و گشایش بانکملی ایران :** قانون تأسیس بانکملی ایران با انحصار حق نشر اسکناس از مجلس گذشته واولین بانکملی در ایران تأسیس گردیدهٔ گشایش یافت .

۱۹۲۹ **(دیماه ۱۳۰۷) وضع قانون اتحاد شکل لباس :** تا پیش ازاین تاریخ مردم به انواع و اشکال البسهٔ قدیمی ملبس میشدند که مناسب زمان نبود و طبق این قانون که از مجلس گذشت کت و شلوار و کلاه پهلوی که یك لبه داشت لباس متحدالشکل اعلام شد ولی چند سال بعد کلاه پهلوی منسوخ وشاپو جای آنرا گرفت .

۱۹۲۹ **۱۱ اوت (تیر ماه ۱۳۰۸) شناسائی دولت عراق :** این دولت ازتجزیهٔ دولت عثمانی بدست انگلیس‌ها و متفقین پس از جنگ بوجودآمده و در تحت حمایت انگلیس قرار داشت. دولت انگلیس استقلالی صوری بدان بخشیده بود بنابراین دولت ایران روابطی تا این تاریخ با این دولت تازه نداشت . در این تاریخ اولین مرتبه دولت ایران، عراق‌را برسمیت شناخته روابط بین دو دولت آغاز گردید .

۱۹۳۰ **۲۸ مارس (فروردین ۱۳۰۹) طلا مبنای پول ایران :** از این تاریخ

طلا بجای نقره بعنوان مبنای پول ایران قرار داده شد .

ژوئن تا ژوئیه (خرداد و تیر ۱۳۰۹) طغیان کردها :

طغیان کردهای مقیم مرز ایران و ترکیه باعث تیرگی روابط ایران و ترکیه گردید و موجب تجدید نظر در مرز کردستان شده طغیان پایان یافت .

۱۹۳۱ **ژانویه (بهمن ۱۳۰۹) بیگانگان از مالکیت اراضی کشاورزی ممنوع گردیدند .**

فوریه ـ (اسفند ۱۳۰۹) تحویل خطوط تلگرافی :

کلیهٔ خطوط تلگرافی شرکت هند واروپا درداخلهٔایران بدولت ایران تحویل گردید و دست این شرکت که از عمال مؤثر نفوذ انگلیس در ایران بود از امور داخلی ایران کوتاه شد .

لغو امتیاز چاپ اسکناس :

امتیاز چاپ اسکناس که انحصار آن سابقاً به بانك شاهنشاهی (انگلیس) واگذار شده بود ازطرف دولت لغو گردید ودر انحصار بانکملی قرار گرفت .

گشایش تلگراف بی‌سیم :

اولین تلگراف بی‌سیم بزرگ در پایتخت در خیابان شمیران نصب شده گشایش‌یافت .

آغاز نظارت بر بازرگانی :

اگرچه دولت آزادی بازرگانی را مانند سابق مجازدانست ولی نظارت بر بازرگانی با خارجه راآغاز نمود .

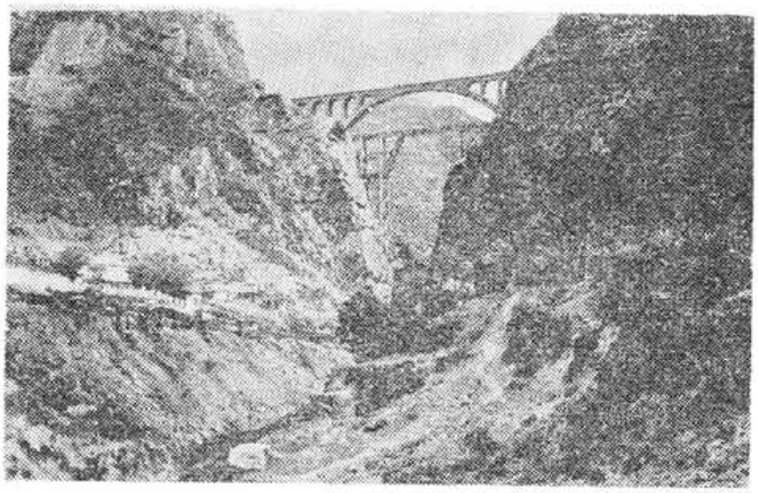
۱۹۳۲ـ (۱۳۱۰ـ۱۳۱۱)

۲۳ ژانویه (بهمن ۱۳۱۰) تجدید نظر در تعیین خط مرزی ایران و ترکیه در حوزهٔ آرارات بوقوع پیوست که بوسیلهٔ آن یکی از موارد اختلاف وکشمکش دائمی بین ایران و ترکیه از میان برداشته شد .

گشایش دوکارخانه قندکهریزك و نخ‌ریسی شاهی انجام پذیرفت .

۲۶آوریل (اردیبهشت ۱۳۱۱) ورود ملك فیصل پادشاه عراق به تهران به دعوت دولت ایران و ایجاد روابط دوستانه با عراق .

اکتبر ـ (مهر ۱۳۱۱) تأسیس ناوگان خلیج فارس : دولت ایران چند کشتی جنگی از ایتالیا خریده ناوگان ایران را در خلیج‌فارس تأسیس نمود .



پل ورسك ـ راه‌آهن شمال

۲۶ نوامبر (آذر ماه ۱۳۱۱) الغاء امتیاز نفت جنوب دارسی : این‌امتیاز راکه دارسی در ۱۹۰۱ بدست‌آورده بود در۱۹۰۹ به شرکت نفت ایران وانگلیس‌واگذاشت و دولت انگلیس در ۱۴ اوت ۱۹۱۴ بمناسبت احتیاجات جنگی خود معادل سرمایهٔ اصلی آن به شرکت پرداخته ۵۰٪ درآن سهیم و پشتیبان‌آن گردید . در این تاریخ دولت ایران‌آنرا لغونمود ومذاکرات بین ایران وشرکت نفت برای حل اختلاف به نتیجه‌نرسید.

شرکت به انجمن ملل متفق شکایت‌کرد و انجمن ملل متفق توصیه‌کردکه بامذاکرهٔ مستقیم رفع اختلاف نمایند . نتیجهٔ مذاکرات منجر بعقد پیمان تازه‌ای بین دولت ایران و شرکت در تاریخ ۲۹ مه ۱۹۳۳ گردید . مواد اصلی پیمان بشرح زیر است :

۱) قرار داد اصلی از سال ۱۹۶۱ تا سال ۱۹۹۳ تمدید یافت .

۲) اراضی مورد استفادهٔ شرکت نفت از۵۰۰۰۰۰ میل مربع به ۲۵۰۰۰۰میل‌مربع تقلیل یافت (و در ۱۹۳۸ به یکصد هزار میل مربع تقلیل یافت) .

۳) شرکت متعهد شدکه تا مدت ۱۵ سال اول سالی ۲۲۵۰۰۰ لیره و در ۱۵ سال دوم سالی ۳۰۰۰۰۰ لیرهٔ انگلیسی بعنوان مالیات بایران بپردازد .

۴) حداقل استخراج معادل سالی ۷۵۰۰۰۰ لیره مقرر گردید .

بعد از میلان

۱۹۳۳ (۱۳۱۱ـ۱۳۱۲) تأسیس کارخانجات سیمان وگودرون .

گشایش راه اسفالتهٔ تهران ـ چالوس .

تأسیس دانشسرایعالی و دانشسراهای مقدماتی بمنظور تربیت معلم برای دبیرستانها و دبستانها انجام گرفت .

۱۹۳۴ـ (۱۳۱۲-۱۳۱۳)

۱۹۳۴ **آوریل (اردیبهشت) عقد قرار داد تکمیل راه‌آهن سرتاسری** با شرکتهای سوئدی و دانمارکی انجام یافت .

مه ۱۹۳۴ ـ (اردیبهشت ۱۳۱۳) واگذاری امتیاز نفت بحرین : دولت ایران امتیازاستخراج نفت در جزایر بحرین را به شرکت امریکائی استاندارد اویل کالیفرنی واگذاشت . این واگذاری امتیاز بالطبع موجب تجدید طرح ادعای ایران نسبت بمالکیت بحرین گردید .

۱۶ ژوئن ـ ۲ ژوئیه (خرداد ـ تیر ۱۳۱۳)ـ مسافرت اعلیحضرت رضا شاه بترکیه : برحسب دعوت آتاتورك (مصطفی کمال) رئیس جمهور ترکیه که در نتیجه روابط دولتین ایران و ترکیه بهبود یافت .

۱۹۳۵ **۱۳۱۴ـ۱۳۱۳ تأسیس دانشگاه تهران :** این دانشگاه طبق قانونی خاص که از مجلس گذشت بدین طریق تأسیس یافت که مدرسهٔ عالی طب و مدرسهٔ عالی علوم سیاسی و تجارت و چندآموزشگاه عالی راکه در زمان ناصرالدین شاه تأسیس شده و دائر بود یکجا تحت نام دانشگاه تهران گردآورد واراضی مشخصی در شمال غربی تهران برای ایجاد ساختمان‌های تازهٔ دانشکده‌ها در نظر گرفته شد و پس از اتمام ساختمانها مدارس مزبور بنام دانشکده‌های پزشکی و حقوق و غیره بدانجا انتقال یافته و روبتوسعه گذاشت .

گشایش کارخانه‌های قند شاهی و ورامین ، نیز انجام گرفت .

انعقاد جشن هزار سالهٔ فردوسی : در این جشن عدهٔ زیادی از مستشرقین باختری دعوت شده و شرکت کردند .

گشایش کارخانهٔ حریربافی چالوس نیز انجام شد .

۱ خرداد ۱۳۱۴ ـ دورهٔ دوم پیش‌آهنگی ایران وتأسیس اداره‌تربیت بدنی ایران : سازمان دومین دورهٔ مؤسسهٔ تربیتی پیش‌آهنگی ایران در این سال آغاز گشته و اداره‌ای نیز در وزارت فرهنگ بنام ادارهٔ پیش‌آهنگی و تربیت بدنی ایران تشکیل یافت و انجمنی بنام انجمن پیش‌آهنگی و تربیت بدنی ایران تأسیس شدکه بردو مؤسسه بالا نظارت نماید .

باغ منظریهٔ تهران نیز برای مرکز تعلیمات واردوهای پیشاهنگی از وزارت‌دارائی خریداری شده واولین کلاس تربیت معلمین و رهبران پیش‌آهنگی درمنظریه تشکیل یافت.

تأسیس مؤسسهٔ پیشآهنگی دختران ایران تحت نظرانجمن پیشآهنگی وتربیت بدنی ایران نیز انجام شد .

۱۹۳۶- (۱۳۱۴-۱۳۱۵)

۲۱ مارس - (اول فروردین ۱۳۱۵) اعلام رسمی نام **ایران** بکشورهای جهان بجای **پرس و پرشیا** .

تأسیس فرهنگستان بمنظور وضع لغات تازهٔ مورد احتیاج در فارسی وتبدیل بعضی لغات بیگانه بواژه‌های فارسی .

۱۹۳۷- (۱۳۱۵-۱۳۱۶)

ژانویه ۱۹۳۷ - (۱۷دی۱۳۱۶) - آزادی بانوان و رفع حجاب : در این مراسم که در عمارت دانشسرای مقدماتی عصر ۱۷ دی انجام شد اعلیحضرت شاه با ملکه و شاهزاده خانمها بدون حجاب اولین مرتبه دراجتماع ظاهر شده ودراین مراسم نیز شرکت کردند .

گشایش کارخانهٔ چیت سازی در اشرف مازندران

رفع اختلافات مرزی بین ایران و عراق .

۹ ژوئیه - (تیرماه ۱۳۱۶) عقد پیمان سعدآباد . این پیمان اتحادودوستی، بابتکار و پیشقدمی دولت ایران بین چهار دولت ایران و ترکیه و عراق و افغانستان منعقد گردیده و در قصر سلطنتی سعدآباد تجریش به امضاء رسید و بنام سعدآباد نامیده شد .

۵ مهر - ۱۳۱۶ - گشایش کارخانهٔ دخانیات انحصاری دولت .

۱۹۳۸- (۱۳۱۶-۱۳۱۷)

ژوئن - (۱۷ خرداد) - گشایش کارخانهٔ برق تهران .

۱۵ ژوئن - (۲۴ خرداد ۱۳۱۷) لغو امتیاز نفت شمال : شرکت امریکائی استاندارد اویل از استفادهٔ از امتیاز نفت شمال شرقی ایران که بدان واگذار شده بود صرفنظر کرده و مراتب به مجلس اعلام و امتیاز لغو گردید .

۲۱ ژوئیه - (۱ مرداد ۱۳۱۷) - گشایش کارخانهٔ هواپیماسازی شهباز .

۲۵ اوت - (۴ شهریور ۱۳۱۷) پایان ساختمان راه‌آهن سرتاسری‌ایران (از خلیج‌فارس تا دریای خزر) که ساختمان‌آن در سال ۱۹۲۸ آغاز گشته و تنها با پول ملت ایران (از درآمد مالیات قند و شکر) ساخته شده بود .

۳آذر ۱۳۱۷- گشایش کارخانهٔ ریسندگی قم .

۲۹ دسامبر- (۸ دی ۱۳۱۷) قطع روابط سیاسی با دولت فرانسه بمناسبت

مندرجات مطبوعات فرانسه راجع به ایران .

۱۹۳۹ـ (۱۳۱۷-۱۳۱۸)

ژانویه (۲۵ دی ۱۳۱۷) تأسیس بانك رهنی

فوریه ـ (۱۶ بهمن ۱۳۱۷) اعزام هیئتی به مسکو : این هیئت به ریاست کفیل وزارت بازرگانی و بمنظور مذاکره برای ایجاد روابط بازرگانی اعزام گردید .

فوریه ـ (۳۰ بهمن ۱۳۱۷) تجدید روابط سیاسی با فرانسه .

فوریه ـ (۵ اسفند ۱۳۱۷) عزیمت ولایتعهد به مصر : والاحضرت همایون محمد رضا پهلـوی ولایتعهد برای انجام تشریفات مقدمات عروسی با والاحضرت فـوزیه خواهر ملك فاروق پادشاه مصر عازم مصر گردیدند .

ژوئن ـ (۲۵ خرداد ۱۳۱۸) گشایش راه‌آهن گرمسار تا سمنان که جزئی ازراه آهن تهران ـ مشهد بود انجام یافت .

اول سپتامبر ـ (۹ شهریور ۱۳۱۸) حملهٔ آلمان به‌لهستان و آغاز جنگ جهانی دوم .

اکتبر ـ (۲۵ مهر ۱۳۱۸) عقد پیمان دوستی بین ایران و ژاپن .

نوامبر ـ (۱۰ آبان ۱۳۱۸) گشایش راه‌آهن شاهرود ـ گرگان

دسامبر ـ (۱۹ آذر ۱۳۱۸) به‌آب انداختن کشتی حفاری مازندران در مـرداب بندرپهلوی

۱۹۴۰ـ (۱۳۱۸-۱۳۱۹)

فوریه (بهمن) ـ عقد پیمان سری بین شوروی و آلمان که بخشی از مواد سری آن راجع بایران بود که جزء منطقهٔ نفوذ روسیه شناخته شود .

مارس ـ (۱۰ اسفند ۱۳۱۸) روز سرشماری تهران که تعطیل عمومی بوده و جمعیت را بالغ بر ۵۴۰۰۸۷ نفر نشان داد .

مارس ـ (۱۷ اسفند) گشایش راه‌آهن تهران ـ قزوین که جزئی‌ازراه‌آهن تهران ـ تبریز بود .

مارس ـ (۲۱ اسفند) عقد پیمان بازرگانی با دولت شوروی .

آوریل ـ (۵ اردیبهشت ۱۳۱۹) گشایش فرستندهٔ رادیو :

اولین دستگاه فرستندهٔ رادیوئی در ایران بنام رادیو تهران درپایتخت گشایش‌یافت.

ژوئیه ـ (۳ امرداد ۱۳۱۹) اعزام دوهیئت بازرگانی ودریاپیمائی بمسکو برای مذاکره در طرز اجرای پیمان ۲۱ اسفند ۱۳۱۸ .

اوت ـ (۳ شهریور ۱۳۱۹) حل اختلاف با شرکت نفت‌ایران‌وانگلیس: شرکت نفت تعهدکردکه برای دو سال ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱ مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰ لیره بعنوان تفاوت در ارزش لیره نسبت بسال ۱۹۳۷ تأدیه نماید بعلاوه سالی سه میلیون و نیم لیره بعنوان حق الامتیاز برطبق درآمد سال ۱۹۳۷ بپردازد.

اکتبر ـ (مهر ۱۳۱۹) سرشماری شهر تبریز که جمعیت‌آن رابالغ بر ۲۱۳۵۴۲ نفر نشان داد انجام شد .

اکتبر ـ (۱۲ مهر ۱۳۱۹) گشایش راه‌آهن قزوین ـ زنجان که جزئی از راه‌آهن تهران ـ تبریز بود .

نوامبر ـ (آبان ۱۳۱۹) سرشماری شهرمشهدکه جمعیت آنرا بالغ بر ۱۷۶۴۷۱ نفر نشان داد .

نوامبر ـ (آبان ۱۳۱۹) بمباران بحرین : نیروی هوائی ایتالیا متحدآلمان بحرین‌را بمنظور ازبین‌بردن منبع سوخت کشتی‌های‌انگلیسی بمباران کردوپالایشگاه‌آبادان نیز در خطر بمباران متحدین قرار گرفت .

دسامبر ـ (۱۹ آذر) عقد پیمان بازرگانی بین ایران و آلمان .

دسامبر ـ (۲۳ آذر) ورود هیئت نمایندگی شوروی به تهران برای شرکت درکنفرانس دفع آفات گیاهی .

۱۹۴۱ـ (۱۳۱۹ـ۱۳۲۰)

۲۵ اوت ـ (۳ شهریور ۱۳۲۰) حمله و تجاوز قوای متفقین بایران و اشغال کشور : سحرگاه این روز نیروهای مسلح انگلیس از جنوب و باختر (آبادان و خرمشهر وکرمانشاه) و نیروی مسلح روسیهٔ شوروی از شمال (آذربایجان) بخاك ایران تجاوز و شروع به پیشروی بطرف پایتخت نموده ضمناً شهرهای بیدفاع را بمباران کردند که در نتیجه عده‌ای از سربازان و مردم بقتل رسیدند . انگلیسها کشتی نظامی ایران رادر آبادان نیز آتش زدند .

۲۷ اوت ـ (۵ شهریور ۱۳۲۰) استعفای پادشاه وتغییر کابینه : کابینهٔ‌منصور استعفا کرده فروغی (ذکاءالملك) مأمور تشکیل کابینه گردید . چند روزبعد اعلیحضرت رضا شاه بنفع فرزند ارشد خود ولایتعهد از سلطنت استعفا کرده ایران را ترك گفتند و چندی در جزیرهٔ موریس و سپس در ژوهانسبورگ در افریقای جنوبی مقیم گشتند و پس از ۲ سال

و ۱۱ مـاه در ۲۵ ژوئیه ۱۹۴۴ (۴ امرداد ۱۳۲۳) درآنجا درگـذشتند و جسد ایشان بعدها به تهران انتقال یافت و درآرامگاه مخصوص در شهرری مدفون گردید .

سپتامبر ـ (۱۸ شهریور ۱۳۲۰) عقد قرارداد بین ایران ودولتین انگلیس و روس : مواد اصلی این پیمان که البته در تحت فشار اشغال نیروهای متفقین به ایـران تحمیل شد و در مجلس از طرف فروغی اعلام گردید بشرح زیر بود :

۱ـ عدم مقاومت و عقب‌نشینی ارتش ایران در شمال و غرب و جنوب ایران و اشغال این مناطق از طرف ارتش‌های روس و انگلیس .

۲ـ دستگیری تمام اتباع آلمان از طـرف دولت ایران و تسلیم آنها بـه نمایندگان سیاسی انگلیس و روس در تهران .

۳ـ واگذاری راه‌آهن وتمام راههای شوسهٔ ایران بمتفقین برای حمل‌مهمات جنگی بروسیه .

۴ـ حفظ بیطرفی ازطرف ایران وعدم انجام عملی که برخلاف منافع دولتین باشد.

۵ـ تعهد انگلیس و روس در شناسائی حقوق ایران نسبت به نفت و ایجاد تسهیلات اقتصادی و خارج کردن قوای خود ازخاك ایران درهرموقع که وضعیت نظامی اجازه دهد.

۱۹۴۲ـ (۱۳۲۰ـ۱۳۲۱)

فوریه ـ (بهمن) تشکیل اولین کابینهٔ علی سهیلی .

آوریل ـ (فروردین ۱۳۲۱) قطع رابطهٔ با ژاپن : بسبب اعلام‌جنگ ژاپون بامریکا و انگلیس ، دولت ایران نیز برای ابراز همدردی با متفقین با ژاپن قطـع رابطه نمود و وزیرمختار خود را ازآن کشور احضار کرد .

مه ـ (اردیبهشت ۱۳۲۱) ورود دوك اف گلوستر برادرپادشاه انگلیس به‌ایران.

ژوئن ـ (خرداد ۱۳۲۱) ایجاد اولین رابطهٔ سیاسی بین ایران و چین در زمان حکومت چیان‌کای‌چك .

اوت ـ (امرداد ۱۳۲۱) تشکیل اولین‌کابینهٔ **قوام‌السلطنه** (احمدقوام) پس از شهریور ۱۳۲۰ .

سپتامبر و اکتبر ـ (شهریور و مهر ۱۳۲۱) تصویب قانون چاپ و نشر هشتصد میلیون ریال اسکناس از طرف مجلس بسبب رفع احتیاجات نیروهای‌متفقین درایران .

طرح لایحهٔ **استخدام دکتر میلسپو** برای اصلاح امور دارائی ایران در مجلس.

ورود نیروی امریکائی بایران و سکونت در امیرآباد نزدیك تهـران و در چند

نقطهٔ دیگر در راه بین بندر شاهپور و تهران برای تسهیل ارسال مهمات جنگی امریکائی بروسیهٔ شوروی .

دسامبر ـ (۱۷ آذر ۱۳۲۱) وقوع بلوا در تهران : مردم تهران بـه عنوان مضیقهٔ نان بلوا کرده و در مجلس اجتماع نمودند . بلافاصله حکومت نظامی از طرف دولت اعلام گردید و کلیهٔ جرائد توقیف شد .

۱۹۴۳ـ (۱۳۲۱ـ۱۳۲۲)

ژانویه (دیماه ۱۳۲۱) ورود دکتر میلیسپو : وی برای اصلاح وزارت‌دارائی و امور مالی ایران از طرف مجلس استخدام شده و برای انجام دومین مأموریت خود بـه ایران وارد شد .

فوریه ـ (۲۴ بهمن ۱۳۲۱) استعفای قوام‌السلطنه : در اثر استعفای قوام‌ـ السلطنه کابینهٔ او ساقط و علی سهیلی دومین کابینهٔ خود را تشکیل داد .

آوریل ـ (فروردین ۱۳۲۲) واگذاری اختیارات بدکتر میلیسپو: مجلس برای صدور و ورودکالا و اصلاحات مالی و امور دارائی اختیار تام بـدکتر میلیسپو داده و استخدام ۹ نفر مستشار امریکائی را برای کمك بوی اجازه داد .

اوت ـ (مرداد ۱۳۲۲) تصویب قانون تعلیمات اجباری از طرف مجلس سیزدهم .

نوامبر ـ (۷ آذر ۱۳۲۲) ورود چرچیل و استالین و روزولت بتهـران برای تشکیل کنفرانس تهران و مذاکره راجع به اوضاع جنگ جهانی و شرایـط صلح با آلمان و متحدین وی . این کنفرانس به‌کنفرانس تهران معروف شد .

اول دسامبر ـ (۲۸ آذر) نشر اعلامیهٔ کنفرانس تهران : اعلامیه‌ای بامضای چرچیل و استالین نخست‌وزیران انگلیس و روسیه و روزولت رئیس جمهور امریکا در مورد شناختن استقلال ایران شامل مواد اصلی زیر منتشر گردید :

۱ـ محترم شمردن تمامیت و استقلال ایران .

۲ـ قدرشناسی‌ازکمك ایران درپیشرفت متفقین بسبب استفادهٔ ایشان ازراههای‌ایران برای حمل مهمات جنگی بروسیهٔ شوروی .

۳ـ تعهد تخلیهٔ خاك ایران پس از پایان جنگ .

۴ـ مورد مطالعه قراردادن زیانهای اقتصادی‌که در زمان تصرف خاك ایران متوجه این‌کشور گردیده است .

۱۹۴۴ـ(۱۳۲۲ـ۱۳۲۳)

۲۶ فوریه ۱۹۴۴ ـ (۶ اسفند ۱۳۲۲) گشایش چهاردهمین دورهٔ تقنینیهٔ مجلس شورای‌ملی : این مجلس با شرکت دکتر مصدق کـه مدت بیست و چند سال در انزوا و خارج از سیاست بسرمیبرد و سید ضیاءالدین طباطبائی که پس از ۲۲ سال درهفتم مهر به ایران مراجعت کرده بود و هم با شرکت شش نفر نمایندگان حزب توده (حزب کمونیست ایـران) تشکیل یافت و انتخابات این دوره در همه جا توأم باکشمکش و تشنج شدید بود.

آوریل ـ (فروردین۱۳۲۳) تشکیل اولین کابینهٔ محمد ساعد مراغه‌ئی .

وقوع زمین لرزهٔ شدید درگرگان و ویرانی یکسوم شهر .

هجوم کردهای مسلح برضائیه و دهات اطراف و قتل و غارت مردم .

۲۵ ژوئیه ـ (۴ مرداد ۱۳۲۳) درگـذشت اعلیحضرت رضا شاه‌کبیر در شهر ژوهانسبورگ افریقای جنوبی و حمل جنازه بقاهره که درآنجا امانت گذاشته شد .

۲۵ اوت ـ (۴ شهریور۱۳۲۳) تشکیل‌دومین کابینهٔ محمد ساعد مراغه‌ئی

اکتبر ـ (مهـر ۱۳۲۳) ورودکافتارادزه معاون کمیسر امـور خارجـهٔ شوروی بتهران : وی بنمایندگـی دولت روسیه دولت ساعد را بـرای واگذاری امتیاز نفت شمال بـروسیهٔ شوروی تحت فشار قرارداد بدین طریق کـه مدت شش روز همه روزه حزب توده جمعیتی را در جلو مجلس گـردآورده در تحت حمایت سربازان مسلح شوروی کـه درکامیونها مجلس را در محاصره داشتند به متینگ و دمـونستراسیون برضد ساعـد پرداختند و از طرف دیگر نمایندگان حزب توده در مجلس تمام شش روز را پی‌درپی به سخنرانی از تریبون مجلس در حمله بدولت و حمایت از لزوم واگذاری امتیاز نفت شمال بروسیهٔ شوروی پرداخته و چون ساعد مقاومت نشان میداد سقوط او را خواستار بودنـد و رعب و وحشت مجلس و پایتخت را فراگرفته بود بالاخره مقاومت ساعد وحملات ناگهانی دو هفته‌نامه در تهـران بسیاست حزب توده و دولت شوروی به مجلس و سایـر مطبوعات جرئت مقاومت داد و با وضع قانونی از مجلس مبنی برمنع دولتها از واگـذاری و حتی مذاکره راجع بواگذاری امتیاز نفت بهردولت خارجی باین غائلهٔ خاتمهٔ داد .

حملهٔ محمد رشید به بانه :

این شخص که از رؤسای قبایل کرد بود هم زمان با تشنج پایتخت و مجلس بـه شهر بانه حمله کرد وآن شهر راآتش زده سپس بعراق فرارکرد .

۲۱ نوامبر ـ (۱۹ آبان ۱۳۲۳) استعفای کابینهٔ ساعد اتفاق افتاد.

۲۵ نوامبر ـ (۴آذر ۱۳۲۳) تشکیل کابینهٔ مرتضی قلی‌بیات .

۹ دسامبر ـ (۸آذر ۱۳۲۳) خروج کافتارادزه : این نمایندهٔ مخصوص دولت شوروی پس از شکست مسئلهٔ امتیاز نفت شمال با تعرض ایران را ترك گفت .

ورود ژنرال دوگل بتهران در راه مسافرت به مسکو .

۱۹۴۵ـ (۱۳۲۳ـ۱۳۲۴)

۹ ژانویه ـ (۱۸ دی ۱۳۲۳) لغو اختیارات دکترمیلیسپو درموردصادرات و واردات.

۶ مارس ـ (۱۵ اسفند ۱۳۲۳) تظاهرات دانشجویان و اعلام حکومت نظامی : عده‌ای از دانشجویان حقوق در منزل دکتر مصدق اجتماع کرده او را به مجلس آورده و عده‌ای هم از مردم دیگر به‌آنها پیوسته تظاهراتی کردندکه منجر به‌کشمکش بین قوای پلیس و نظامی با تظاهرکنندگان و خونریزی و زخمی‌شدن چند دانشجووقتل‌یکنفر گردید ودر نتیجه حکومت نظامی اعلام شد .

۲۰آوریل ـ (۲۹ فروردین ۱۳۲۴) استعفای‌کابینهٔ بیات .

۷ مه ـ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۴) تسلیم آلمان به متفقین و پایان جنگ اروپا .

۹ مه ـ (۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۴) تشکیل کابینهٔ ابراهیم حکیمی .

ژوئن ـ (۱۳ خرداد ۱۳۲۴) سقوط دولت حکیمی بسبب ندادن رأی اعتماد از طرف مجلس بایشان .

ژوئن ـ (۲۲ خرداد) تشکیل کابینهٔ محسن صدر (صدرالاشراف)

ژوئن ـ (۲۶ خرداد) حرکت ملکهٔ فوزیه بمصر .

۳ اوت ـ (۱۳ مرداد) تصمیم کنفرانس پوتسدام راجع بایران : این کنفرانس‌که از استالین و چرچیل نخست‌وزیران شوروی و انگلیس و ترومن رئیس‌جمهور امریکا درمورد جنگ اروپا تشکیل شده بود تصمیم گرفت‌که ایران هرچه زودتر ازنیروهای متفقین تخلیه گردد و تصمیم خود را اعلام نمود .

۶ اوت ـ (۱۵ مرداد) سقوط اولین بمب اتمی برهیروشیما : اولین بمب اتم در تاریخ بشر از طرف نیروی هوائی امریکا برشهر ژاپونی هیروشیما انداخته شده‌آن شهر را ویران و زیرو زبرکرد . جمعیت این شهر ۳۴۳۹۶۹ نفرتعدادکشتگان ۷۸۱۵۰ زخمی ۳۷۴۲۵ مفقود ۱۳۰۸۳ نفر.

۹ اوت ـ (۱۸ مرداد) سقوط دومین بمب اتمی برناگازاکی : دومین‌بمب اتمی از طرف امریکائیان برشهرژاپونی ناگازاکی‌که ۲۵۲۶۳۰ نفرجمعیت داشت انداخته

شد و ۷۳۸۸۴ نفر آناً تلف شدند .

اعلام جنگ دولت شوروی بژاپن بوقوع پیوست .

۱۴ اوت ـ (۲۰ مرداد) تسلیم ژاپن و پایان کامل جنگ جهانی دوم

۲ سپتامبر ـ (۱۲ شهریور) مراسم تسلیم رسمی ژاپون در کشتی میسوری در نزدیکی توکیو انجام گرفت .

۱۱ سپتامبر ـ (۲۱ شهریور) تقاضای تخلیهٔ نیروهای بیگانه : دولت ایران یادداشتی بدولت‌های انگلیس و امریکا و روسیهٔ شوروی تسلیم کرده تقاضا کرد که طبق تعهدو پیمان فیمابین در ظرف شش ماه ایران را از نیروهای خود تخلیه نمایند .

اکتبر ـ (۱۹ مهر) قانون تعویق انتخابات : مجلس شورای ملی ماده واحده‌ای را تصویب کرد مبنی براینکه تا نیروهای متفقین در ایران هستند انتخابات نباید انجام شود و بدین طریق دورهٔ فترت پیش آمد .

اکتبر ـ (۲۹ مهر) استعفای کابینهٔ صدرالاشراف .

نوامبر ـ (۱۲ آبان) تشکیل کابینهٔ دوم حکیمی .

خروج نیروهای امریکائی از ایران .

دسامبر ـ (آذر ماه) ظهور غائلهٔ آذربایجان بدست پیشه‌وری : پیشه‌وری که در انتخابات دورهٔ چهاردهم مجلس به نمایندگی انتخاب شده و اعتبارنامهٔ او از طرف مجلس رد شده بود از چندی پیش به‌آذربایجان رفته باکمك نیروهای دولت شوروی که‌هنوز درآذربایجان بودند نیروئی بنام نیروی فرقهٔ دموکرات تشکیل داده شهر تبریز و بیشتر شهرهای آذربایجان را تصرف کرد و مأمورین دولت مرکزی را توقیف نمود و عده‌ای را درآذربایجان بقتل رسانید .

دولت مرکزی نیروئی بطرف آذربایجان اعزام داشت .

سربازان روسیهٔ شوروی درشریف‌آباد جلوآنها را گرفته‌مانع پیشروی ایشان بطرف تبریز گشتند . و پیشه‌وری استقلال آذربایجان را اعلام کرد .

ظهور غائلهٔ کردستان : درهمین ایام قاضی محمد ازسران قبایل کرد در کردستان شورش کرده کردستان را متصرف و استقلال کردستان را اعلام نمود .

۱۹۴۶ـ(۱۳۲۴ـ۱۳۲۵)

ژانویه ـ (دیماه ۱۳۲۴) شکایت ایران بسازمان ملل متحد : دولت ایران هیئتی را بسازمان ملل متحد که اولین مرتبه در لندن تشکیل و گشایش یافته بود اعزام داشته و از دولت شوروی راجع بعدم تخلیهٔ ایران ازنیروهای آن دولت شکایت نمود. دستگاه

سازمان ملل پس‌ازدوماه به نیویورك انتقال یافت وهیئت مزبور هم‌عازم نیویورك شده‌شکایت را دنبال نمود .

۲۱ ژانویه- (۱ بهمن) استعفای کابینه حکیمی .

۲۸ ژانویه - (۷بهمن) تشکیل کابینهٔ دوم احمد قوام (قوام‌السلطنه) .

فوریه - (۲۹ بهمن)- مسافرت نخست وزیر به‌مسکو: قوام‌السلطنه بریاست یك هیئت نمایندگی سیاسی وبازرگانی ایران برای مذاکره با استالین وسران‌دولت‌شوروی به مسکو رفت ودربرابروعدهٔ دولت شوروی به تخلیهٔ آذربایجان ازنیروی خود، طبق مقاوله نامه قول‌داد که پیشنهاد واگذاری‌امتیاز نفت شمال راپس ازگشایش مجلس‌تقدیم مجلس کند.

۲ مارس- (۱۱ اسفند) - خروج آخرین نفرات نیروی انگلیس ازایران.

۱۰ مارس - (۱۹ اسفند) مراجعت قوام‌السلطنه از مسکو به تهران .

۲۵ مارس -(۵ فروردین ۱۳۲۵) تشکیل جلسهٔ شورای امنیت در نیویورك‌برای مذاکره راجع بشکایت ایران از دولت شوروی در مورد تخلیهٔ ایران از نیروی شوروی . در نتیجه شورا توصیه کردکه طرفین با مذاکرهٔ مستقیم اختلاف را رفع نمایند .

۸ مه - (۱۸ اردیبهشت) - ورود جعفر پیشه‌وری بتهران : وی در رأس هیئتی از دولت خودکه بنام دولت مستقل آذربایجان تشکیل داده بود بنا بدعوت قوام‌برای مذاکره با رولت بتهران‌آمد .

۱۳ مه - (۲۳ اردیبهشت) - مراجعت پیشه‌وری به تبریز

۳۱ مه - (۱ خرداد) -آغاز تخلیهٔ آذربایجان از نیروهای شوروی و صدور اعلامیهٔ سفیرکبیر شوروی در تهران در اینمورد .

۱۶ ژوئیه - (۲۵ تیر)- بلوا و اعتصاب‌در نفت جنوب : درتمام‌مراکز نفتی خوزستان‌کارکنان شرکت نفت اعتصاب کردندکه منجر به خونریزی و اغتشاش گردید.

۱۳ اوت - (۱۲ مرداد) - شرکت حزب توده در هیئت دولت : احمد قوام سه نفر از رهبران حزب توده را به کابینهٔ خود واردکرده و به ایشان پست‌های مهم وزارت داد

۲۲ سپتامبر - (۳ مهر) - غائلهٔ قشقائی در فارس : ایل قشقائی در فارس بسرکردگی ناصر قشقائی و برادرانش یاغی شده ناصر قشقائی استقلال فارس رااعلام نمود و با نیروی دولتی بجنگ پرداخته بندربوشهر را متصرف شد و قند و شکر دولت و اجناس موجود درگمرك بوشهر را بغارت برد .

اکتبر - (۱۳ مهر) - پایان غائلهٔ جنوب : دولت قوام با ناصر قشقائی وارد مذاکره شده غائلهٔ جنوب را بنحو مسالمت‌آمیز پایان داد .

خروج وزرای توده‌ئی از کابینه : کابینهٔ قوام بمنظور اخراج سه وزیر توده‌ئی ازکابینهٔ از ریاست هیئت دولت استعفا کرد و باردیگر مأمور تشکیل کابینه شده کابینه رابدون وزرای توده‌ئی تشکیل داد.

۱۱ دسامبر ـ (۲۱ آذر) ـ روز نجات آذربایجان : دراین روز نیروی اعزامی از مرکز کـه در زنجان نیروی روسیهٔ شوروی مانع پیشروی آنها شده بود بطـرف تبریز پیشروی کرد و این روز ازآن پس بنام روز نجات آذربایجان خوانده شد. تعطیل رسمی و عمومی در کشور اعلام گردید .

۱۳ دسامبر ـ (۲۳ آذر) ـ انحلال حکومت پیشه‌وری : نیروی اعزامی از مرکز به تبریز وارد شده و سایر نقاط آذربایجان را نیز بتصرف آورد . حکومت پیشه‌وری در ظرف چند روز منحل شده پیشه‌وری و سران حکومت وی به شوروی فرار کردند وغائلهٔ آذربایجان وهم کردستان پایان یافت .

۱۹۴۷ـ (۱۳۲۵ـ۱۳۲۶)

۳۰ مارس ـ (۱۰ فـروردین ۱۳۲۶) اعدام سران شورشی کـردستان : قاضی محمد کـه خود را رئیس جمهوری کردستان مستقل اعلام کرده بـود ، و صدر قاضی برادرش وسیف قاضی وزیرجنگ وی که از طرف ارتش دستگیرشده بودند در مهاباد اعدام گردیدند .

۱۶ ژوئیه ـ (۲۵ تیر) ـ گشایش پانزدهمین دورهٔ مجلس شورای ملی : این مجلس نیز بیشتر اوقات عمر خود را در تشنج و بحران گذرانید و در ۶مرداد۱۳۲۸ پایان یافت . مهمترین کارآن رد مقاوله‌نامهٔ بین قوام و سادچیکف بود راجـع بامتیاز نفت شمال و تحریم و غیرقانونی ساختن حزب توده که منجر بانحلال موقتی آن گردید .

۲۱ ژوئیه ـ (۳۰ تیر) آغاز لوله‌کشی آب تهران .

اکتبر ـ (۲۹ مهر) ـ رد مقاوله‌نامهٔ شرکت مختلط نفت ایران وشوروی از طرف مجلس : این مقاوله‌نامه چون بین قوام و سادچیکف سفیر کبیر شوروی درتهران مبادله شده و بامضای ایشان رسیده بود بدین نام معروف شد .

نوامبر ـ (۲۳ آبان) پایان ساختمان جادهٔ اسفالتی تهران ـ قم (۱۴۱ کیلومتر)

دسامبر ـ (۱۸ آذر) ـ سقوط کابینهٔ احمد قوام بسبب نیاوردن رأی اعتماد در مجلس.

دسامبر ـ (۶ دیماه) ـ تشکیل کابینهٔ سوم حکیمی

۱۹۴۸ ـ (۱۳۲۶ ـ ۱۳۲۷)

ژوئن ـ (۱۸ خرداد) سقوط کابینهٔ حکیمی

ژوئن ـ (۲۳ خرداد) ـ تشکیل کابینهٔ عبدالحسین هژیر

ژوئن ـ (۲۷ خرداد) تظاهرات برضدکابینهٔ هژیر در جلو مجلس وزد وخورد با قوای انتظامی .

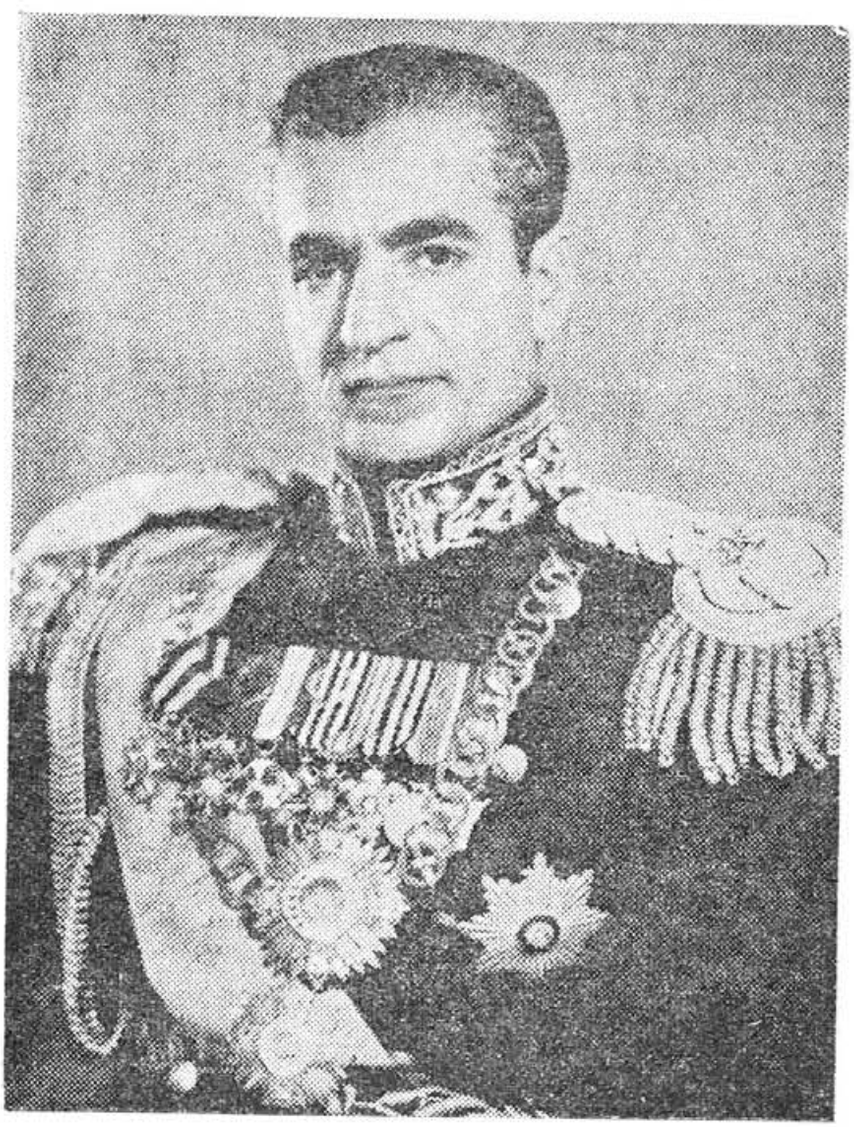
ژوئیه ـ (۲۷ تیر) ـ مسافـرت اعلیحضرت همایونی بـه انگلستان بـه دعوت ژرژ ششم .

۲۱ ژوئیه ـ (۱ مرداد) ـ گشایش تلفن بیسیم لندن ـ تهران .

۲۶ اوت ـ (۵ شهریور) ـ مـراجعت اعلیحضرت ازسفرانگلیس واروپا بهایران.

۲۸ سپتامبر ـ (۸ مهر) آغاز حفرتونل کوهرنگ اصفهان .

۵ نوامبر ـ (۱۵ آبان) سقوط کابینهٔ هژیر بسبب نیاوردن رأی اعتماد .



اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی ـ آریامهر ـ شاهنشاه ایران

۱۵ نوامبر ـ (۲۵ آبان) تشکیل کابینهٔ محمد ساعد .

۱۷ نوامبر ـ (۲۷ آبان) اعلام طلاق ملکهٔ فوزیه .

۱۹۴۹ـ (۱۳۲۷ـ۱۳۲۸)

۴ فوریه ـ (۱۵ بهمن ۱۳۲۷) سوء قصد بشاهنشاه : شخصی بـه نام ناصر فخرآرائی در هنگام ورود اعلیحضرت همایونی بدانشگاه بطرف ایشان تیراندازی نموده‌و جراحت واردآورد .

۵ فوریه ـ (۱۶ بهمن) اعلام حکومت نظامی در تهران .

تحریم حزب توده : مجلس حزب توده‌را غیرقانونی شناخت وانحلال آن ازطرف دولت اعلام شد .

۲۱ آوریل (۱ اردیبهشت ۱۳۲۸) گشایش سومین مجلس مؤسسان .

این مجلس برای تجدید نظر در مواد ۴۸ و ۴۴ قانون اساسی و تأسیس مجلس سنا گشایش یافت و تأسیس مجلس سنا را تصویب‌کرده تجدید نظر در مواد مزبور را بـه نظر مجلسین و تصویب اعلیحضرت همایونی واگذاشت .

۲۷ مه ـ (۶ خرداد) ـ ورود امیرعبدالاله نایب‌السلطنهٔ عراق بایران‌بدعوت شاهنشاه .

۲۷ ژوئیه ـ (۶ مرداد) ـ پایان پانزدهمین دورهٔ مجلس شورایملی .

۱۲ اوت ـ (۱۶ مرداد) الغای حکومت نظامی در تهران .

۸ اکتبر ـ (۱۷ مهر) ورود پادشاه افغانستان ـ اعلیحضرت‌محمدظاهرشاه به تهران در راه مسافرت بفرانسه .

۱۳ اکتبر ـ (۲۲ مهر) ـ تحصن دکتر مصدق در دربار شاهنشاهـی .

باتفاق۱۹ نفرازمدیران جراید واعتصاب غذا تاچهارروزبعنوان اعتراض بجریان‌انتخابات دورهٔ شانزدهم .

۱۳ اکتبر ـ (۲۲ مهر) آغاز انتخابات اولین مجلس سنا در ایران .

۳ نوامبر ـ (۱۳ آبان) ترور هژیر وزیر دربار شاهنشاهی در مسجد سپهسالار بدست امامی قاتل‌کسروی .

ورود جرج مک‌کی معاون وزارت خارجهٔ امریکا بتهران .

نوامبر ـ (۱۴ آبان) اعلام حکومت نظامی در تهران .

نوامبر ـ (۱۸ آبان) ـ اعلام ابطال انتخابات تهران از طرف انجمن نظارت .

نوامبر ـ (۲۴ آبان) مسافرت شاهنشاه بامریکا بدعوت پرزیدنت تـرومن رئیس جمهوری امریکا .

۲۵ دسامبر ـ (۴ دی) عقدقرارداد ترانزیت بین ایران و ترکیه .

۱۹۵۰ـ (۱۳۲۸ـ۱۳۲۹)

۲ ژانویه ـ (۱۲ دی ۱۳۲۸) بازگشت شاهنشاه از امریکا بایران .

۱۰ فوریه ـ (۲۰ بهمن) ـ گشایش مجلس شوری و سنا با هم در یك جلسه (دوره شانزدهم مجلس شورای ملی و **دوره اول** سنا)

مارس (۱۰ اسفند) سفر شاهنشاه به پاکستان بدعوت دولت پاکستان

مارس (۲۵ اسفند) پایان انتخابات نمایندگان تهران و انتخاب دکتر مصدق به نمایندگی تهران .

مارس ـ (۲۷ اسفند) استعفای کابینهٔ ساعد .

۲۷ مارس ـ (فروردین ۱۳۲۹) ورود اعلیحضرت محمدظاهرشاه پادشاه افغانستان بتهران در مراجعت از اروپا بافغانستان .

آوریل ـ (۱۴ فروردین) ـ تشکیل کابینهٔ علی منصور .

آوریل ـ (۱۷ اردیبهشت) حمل جنازهٔ شاهنشاه فقید از مصر بتهران و بخاك سپردن درآرامگاه در شهر ری

۲۵ ژوئن (۵ تیر) استعفای کابینهٔ منصور .

۳ژوئیه (۱۳ تیر) تشکیل کابینهٔ **سپهبد علی رزم‌آراء.**

۱ اکتبر (۱۱ مهر) تشکیل کنفرانس اقتصادی کشورهای اسلامی در تهران .

۵ اکتبر (۱۵ مهر) گشایش مجلس سنا بطور جداگانه .

اکتبر (۲۰ مهر) استیضاح دولت در مجلس در مورد نفت .

اکتبر (۲۷ مهر) عقد قرارداد بین دولت ایران وامریکا برای استفاده ازکمك‌مالی امریکا زیر عنوان اصل چهار ترومن .

نوامبر (۱۳ آبان) امضای موافقتنامهٔ بازرگانی ایران و شوروی

۱۹۵۱ـ (۱۳۲۹ـ۱۳۳۰)

فوریه ـ (۲۲ بهمن ۱۳۲۹) ورودآقاخانی‌محلاتی پیشوای‌فرقهٔ اسمعیلیه باهمسر خود بیگم بتهران .

فوریه ـ (۲۳ بهمن) اعلام ازدواج شاهنشاه با دوشیزهٔ ثریا اسفندیاری .

فوریه ـ (۳ اسفند) ـ پیشنهاد **ملی شدن صنعت نفت** در ایران به مجلس.

مارس ـ (۱۶ اسفند) ـ ترور رزم‌آراء نخست وزیر در مسجد شاه بدست خلیل طهماسبی .

مارس ـ (۲۰ اسفند) ـ تشکیل کابینهٔ حسین علاء .

مارس ـ (۲۸ اسفند) ترور دکتر عبدالحمید زنگنه رئیس دانشکدهٔ حقوق بدست نصرت‌اله قمی دانشجو .

مارس ـ (۲۹ اسفند) ـ اعلام حکومت نظامی در تهران بمدت دوماه .

آوریل ـ (۳۱ فروردین) درگذشت ملك‌الشعراء بهار.

آوریل ـ (۶ اردیبهشت) استعفای کابینه علاء .

آوریل ـ (۷ اردیبهشت) ـ تشکیل کابینهٔ دکتر مصدق نمایندهٔ مجلس.

آوریل ـ (۷ اردیبهشت) اعتصاب کارگران نفت‌خوزستان واغتشاش وخونریزی درآبادان و اعلام حکومت نظامی درآن منطقه .

ورود رزمناوهای انگلیس به خلیج فارس به عنوان حفظ جان و مال اتباع انگلیس درآبادان.

آوریل ـ (۸ اردیبهشت) تصویب گزارش کمیسیون نفت از طرف مجلس راجع به طرز **اجرای ملی شدن نفت** و خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس .

مه ـ (۱۰ اردیبهشت) ـ تصویب طرح خلع ید وملی شدن نفت ازطرف مجلس سنا و توشیح آن از طرف اعلیحضرت همایونی .

اعزام هیئت مدیرهٔ موقت نفت بخوزستان و اجرای خلع ید .

مه ـ (۴ خرداد) شکایت دولت انگلیس و شرکت نفت ایران و انگلیس از دولت ایران بدیوان داوری لاهه‌بسبب رد تقاضای داوری انگلیس‌ازطرف ایران درمورداختلافات مربوط به امتیاز نفت .

ژوئیه ـ (۲۳ تیر) ورود **آورل هریمن** مشاور مخصوص ترومن رئیس جمهور آمریکا و تظاهرات و زد و خورد خونین در تهران بعنوان مخالفت با ورود هریمن .

ژوئیه ـ (تیر ماه) ورود ابوالکلام‌آزاد وزیر فرهنگ هندوستان به تهران .

اوت ـ (مرداد) تصویب صرف ۱۴ میلیون لیرهٔ ذخیره از عایدی نفت ازطرف‌دولت برای مخارج جاری .

برسمیت شناختن ملی شدن صنعت نفت ایران از طرف دولت انگلیس و اعزام **استوکس** مهردار سلطنتی برای مذاکره با دولت ایران و رد پیشنهادهای وی از طرف دولت .

سپتامبر ـ (شهریور) شایعهٔ کودتا برای سقوط دولت وتوقیف عده‌ای ازاشخاص‌از طرف‌دولت

اکتبر ـ (مهر) شکایت انگلیس از ایران بشورای امنیت راجع بملی‌کردن نفت بعنوان ایجاد مخاطره‌ای برای صلح جهان.

حرکت دکتر مصدق در رأس هیئتی به نیویورك و دفاع در برابر شکایت انگلستان.
صدور رأی شورای امنیت مبنی بر مسکوت گذاشتن شکایت انگلستان تا صدور رأی دیوان داوری لاهه .

دسامبر ـ (۱۴ آذر) ـ بروز اغتشاش در تهران بسبب تظاهرات دانشجویان ودانش‌آموزان و احزاب مختلف وزدوخورد خونین بین تظاهرکنندگان ونیروهای انتظامی و غارت وآتش زدن ادارهٔ چند روزنامه ازجانب طرفداران دکتر مصدق

۱۹۵۲ـ (۱۳۳۰ـ۱۳۳۱)

ژانویه ـ (دیماه ۱۳۳۰) ـ بسته شدن تمام کنسولگریهای انگلیس در ایران بنا به دستور دولت ایران به عنوان مداخلهٔ کنسولگریها درامور داخلی کشور .

فوریه ـ (بهمن) وقوع اغتشاش در زابل برسر مسئلهٔ انتخابات و قتل فرماندار و عده‌ای دیگر .

مارس ـ (اسفند) کشف مرکز مخفی چاپ ونشر روزنامهٔ مردم ارگان حزب توده.

آوریل ـ (۲۵ فروردین ۱۳۳۱) حمل شصت تن طلای پشتوانهٔ اسکناس ایران امانتی در بانکهای انگلیسی افریقا وکانادا بامریکا بدستور دولت .

آوریل ـ (۷ اردیبهشت) ـ گشایش هفدهمین دورهٔ مجلس شورایملی.

مه ـ (۷ خرداد) مسافرت دکترمصدق در رأس هیئتی به لاهه برای دفاع دربرابر شکایت انگلیس راجع بملی شدن صنعت نفت دردیوان داوری لاهه .

ژوئن ـ (خرداد) حرکت اولین کشتی نفتکش (ایتالیائی) حامل ۹۰۰ تن نفت (پس از ملی شدن نفت دولت انگلیس مانع حمل نفت شده بود) و توقیف آن در سواحل عدن از طرف کشتیهای انگلیسی و تصرف محمولات آن .

ژوئیه ـ (۲۵ تیر) ـ استعفای دکتر مصدق از نخست‌وزیری بسبب رد تقاضای واگذاری اختیارات کامل وپست وزارت جنگ بوی .



قوام السلطنه

۲۶ ژوئیه ـ (۳۰ تیر) ـ اعلام نخست وزیری احمد قوام (قوام السلطنه)

ظهوراغتشاشات دامنه‌دار وتظاهرات درتهران وشهرستانها از طرف جبههٔ ملی و طرفداران دکتر مصدق وزدو خوردهای خونین کهٔ منجر بقتل عدهٔ زیادی گردید .

۲۷ ژوئیه ـ (۳۱ تیر) ـ استعفای قوام السلطنه

و تشکیل کابینهٔ دوم دکتر محمد مصدق با سمت نخست‌وزیری و وزارت جنگ .

اوت ـ (مرداد) صدور رأی دیوان داوری لاهه مبنی بـرعدم صلاحیت آن دادگاه در مورد شکایت انگلیس از ایران .

اوت ـ (مرداد) ـ تصویب قانون واگذاری اختیارات از طرف مجلس به دکتر مصدق مبنی براجرای هرقانونی که طرح نماید تا ششماه بعنوان آزمایش و تقدیم آن برای تصویب نهائی به مجلس پس از ششماه .

وقوع اغتشاش و زد و خوردهای خونین بین حزب توده و احـزاب مخالف آن در طهران .

ورود دکتر شاخت آلمانی کارشناس اقتصادی بایران بدعوت دکتر مصدق .

اکتبر ـ (مهر ماه) ـ قطع روابط سیاسی بین دولت ایران و انگلستان و احضار سفرای طرفین ـ رد پیشنهاد چرچیل ـ ترومن از طرف دولت ایران راجع بـه مسئلهٔ نفت.

انحلال مجلس سنا از طرف دکترمصدق طبق تصویب طرحی درمجلس شورایملی‌مبنی براینکه آغاز و پایان دورهٔ سنا و مجلس باید همزمان باشد .

۱۹۵۳ـ(۱۳۳۱ـ۱۳۳۲)

ژانویه ـ (دیماه ۱۳۳۱) ـ تمدید اختیارات دکتر مصدق تا یکسال اضافه برششماه اول از طرف مجلس .

فوریه ـ (بهمن) ـ پایان قرارداد ایران وشوروی راجع به شیلات منعقددر سال ۱۳۰۶ و ملی شدن شیلات ازاین تاریخ ببعد .

فوریه ـ (بهمن ماه) وقوع زلزلهٔ‌سهمگین طرووددرجنوب شاهرود ودامغان واعلام عزای ملی.

۳۰ فوریه ـ (۹ اسفند) ـ تصمیم شاهنشاه به خروج ازکشور و اجتماع مردم در جلو دربار و تقاضای توقف و انصراف اعلیحضرت همایونی از مسافرت .

۱۴ مارس ـ (۱۶ اسفند) ـ توقیف ۱۷۰ نفر از رجال از طرف دولت‌دکتر مصدق بعنوان مخالفت یاتحریك علیه دولت ازجمله سرلشکرفضل‌اله‌زاهدی که‌پس‌ازچندروز آزاد شد .

آوریل ـ (فروردین ۱۳۳۲) ـ اغتشاش در شیراز بسبب زد و خـورد بیـن طرفداران مصدق و سایر احزاب و غارت وآتش‌زدن ادارات اصل ۴ در شیراز .

اغتشاش و زدوخورد خونین بین‌عشایرواحزاب دردزفول وقتل‌چندنفرواعلام حکومت

نظامی .

مه ـ (اردیبهشت) ـ ربودن و کشتن سرتیپ افشار طوس رئیس شهربانی و دفن وی در تپه‌های نزدیك لشکرك .

اعدام نصرت‌اله قمی قاتل دکتر زنگنه .

تحصن سرلشگر زاهدی در مجلس شورایملی و قیام آیت‌اله‌کاشانی به‌مخالفت بادکتر مصدق .

ژوئیه ـ (تیر ماه) ـ استعفای دسته جمعی نمایندگان فراکسیون نهضت‌ملی وابسته بدکتر مصدق بمنظور انحلال مجلس .

ژوئیه ـ (۲۹ تیر ماه) خروج سرلشگرزاهدی از تحصن مجلس بسبب اخذتأمین از رئیس مجلس و اختفای وی در خارج مجلس .

ژوئیه ـ (۳۰ تیر) تظاهرات در تهران بمناسبت قتل عده‌ای ازمردم‌در ۳۰ تیر ماه سال پیش .

تغییر سادچیکف سفیر کبیر شوروی پس‌ازهفت‌سال وحرکت وی بمسکو .

اوت ـ (۱۳ و ۱۹ مرداد) رفراندم از طرف دولت در تهران و شهرستان‌ها راجع بپیشنهاد دکتر مصدق دائربه‌انحلال مجلس‌شورایملی ووقوع زدوخوردهای خونین‌در آنروزها .

اوت ـ (۲۵ مرداد) ـ اعلام انحلال مجلس از طرف دکتر مصدق و وعدهٔ انتخابات دوره هیجدهم پس از اصلاح قانون انتخابات .

اوت ـ (۲۵مرداد) ابلاغ فرمان‌اعلیحضرت همایونی‌دائر **به‌عزل‌دکترمصدق و انتصاب سرلشگرزاهدی بسمت‌نخست‌وزیری.** توقیف سرهنگ نصیری حامل‌فرمان وعدهٔ دیگری از افسران ارتش از طرف دکتر مصدق بعنوان قصد ایشان به‌کودتا .

خروج اعلیحضرت همایونی باتفاق ملکهٔ ثریا با هواپیما ازرامسر به بغداد و ایتالیا .

اوت ـ (۲۷ مرداد) اعلام فرمانداری نظامی تهران وتعیین صدهزار ریال جایزه برای دستگیری سرلشکرزاهدی ازطرف‌دولت دکترمصدق .

اوت ـ (۲۸ مرداد) هجوم عده‌ای از مردم بطرف منزل دکترمصدق که مقر دفتر دولت‌او بودووقوع جنگ وزدوخوردتا عصر بین‌نیروی‌نظامی گاردمنزل‌وی وتظاهرکنندگان **و فرار دکتر مصدق و معاونین وی** بخارج منزل .

بیرون‌آمدن **سرلشکر زاهدی** از اختفا و تسلط بر اوضاع و **تصدی ریاست دولت .**

اوت ـ (۲۹ مرداد) ـ دستگیری دکتر مصدق وهمکاران وی ازطرف‌سرلشگر زاهدی و معرفی‌کابینهٔ زاهدی .

اوت ـ (۳۰ مرداد) ـ مراجعت اعلیحضرت همایونـی بتهران و گشایش مجلس سنا از طرف سرلشگر زاهدی .

سپتامبر ـ (۹ مهر) کشف شبکهٔ حزب منحلهٔ توده و اسلحه و وسائل نشرروزنامه وکتاب .

نوامبر ـ (آبان) ـ محاکمهٔ دکتر مصدق و سرتیپ ریاحی رئیس ستاد سابق دردادگاه نظامی ارتش .

دسامبر ـ (۱۴ آذرماه) ـ اعلام‌برقراری روابط‌سیاسی بین‌دولتین ایران‌و انگلیس.

دسامبر ـ (۱۸ آذر) ـ ورود ریچارد نیکسون معاون رئیس جمهور امریکا به تهران .

دسامبر ـ (۲۸ آذر) ـ صدور فرمان انحلال مجلسین از طرف شاهنشاه .

۱۹۵۴ـ(۱۳۳۳ـ۱۳۳۲)

ژانویه ـ (دیماه ۱۳۳۲) ـ ورود استیونسن نمایندهٔ سیاسی وسفیرکبیرانگلیس بتهران .

مارس ـ (اسفند) پایان انتخابات مجلس سنا.

آوریل ـ (فروردین ۱۳۳۳) ـ تشکیل کنفرانس کاخ ابیض از نمایندگان دولت ایران وکنسرسیوم بین‌المللی نفت برای حل مسئلهٔ نفت جنوب .

آوریل ـ (۲۷ فروردین) ـ گشایش‌هیجدهمین‌دورهٔ مجلس‌شورای‌ملی و دومین دورهٔ مجلس سنا .

مه ـ (اردیبهشت) تشکیل کنگرهٔ هزارمین سال ابوعلی‌سینا وگشایش‌آرامگاه‌اودر همدان .

محکومیت دکتر مصدق به سه سال زندان و تأئید رأی دادگاه از طرف‌دادگاه تجدید نظر

ژوئن ـ (خرداد) تأسیس صندوق مشترك ایران و امریکا برای ادامـهٔ عملیات عمرانی .

وقوع سیل شدید در خرمشهر وغرق ۲۴ دهکده ووقوع تلفات جانی‌وخسارت مالی زیاد.

وقوع حریق بزرگی در انبار گمرك تهران که خسارت واردهٔ ازآن بالغ برسی‌میلیون ریال بود.

وقوع سیل شدید درنقاط شمالی تهران و نیز در امامزاده داود تهران که باعث قتل یکهزار نفر و خسارت بسیار گردید.

ژوئیه ـ (۹ تیر) وقوع کسوف کلی بمدت یکساعت و نیم در سراسر ایران.

ژوئیه ـ (۲۸ تیر) اعلام پایان مذاکرات باکنسرسیوم و وعدهٔ آغاز اجرای آن پس از دوماه.

ژوئیه ـ (تیر ماه) ـ امضای پروتکل تحویل زندانیان ایران درشوروی وآغاز تحویل زندانیان در مرز باجگیران.

کشف بقایای **کشتی‌های جنگی خشایارشا** ازطرف امریکائیان درسواحل **سالامیس یونان**.

سپتامبر ـ (شهریور) عقد قرارداد استخراج نفت جنوب باکنسرسیوم بین‌المللی نفت و بکار افتادن مجدد پالایشگاه آبادان.

کشف سازمان نظامی حزب تودهٔ.

اکتبر ـ (مهر ماه) محاکمهٔ دکترفاطمی و دکترشایگان ومهندس رضوی دستیاران دکتر مصدق و محکومیت اولی باعدام و دونفر دیگر به زندان ابد.

اکتبر ـ (۲۷ مهر) ـ اعدام ۹ نفر افسران ارتش که درسازمان نظامی حزب توده شرکت داشته و در دادگاه محکوم باعدام شده بودند.

اکتبر ـ (۸ آبان) سقوط هواپیمای شخصی والاحضرت شاهپورعلیرضا درنزدیکی لار تهران و درگذشت ایشان.

نوامبر ـ (آبان) کشف انبار مهمات جنگی حزب توده وچاپخانهٔ دیگری ازحزب توده در داودیه جنوب قلهك تهران.

نوامبر ـ (۱۷ آبان) ـ اعدام ۵ نفر دیگر از افسران ارتش که درسازمان نظامی حزب توده شرکت داشتند.

نوامبر ـ (۱۹ آبان) ـ اعدام دکتر حسین فاطمی وزیر خارجهٔ دکتر مصدق.

دسامبر ـ (آذر ماه) ـ مسافرت شاهنشاه به‌کشورهای متحدهٔ امریکا ودیدار رسمی ازکشورهای انگلستان وآلمان وایتالیا در مراجعت از امریکا.

دسامبر ـ (۱۰ آذر ماه) ـ ورود جرج آلن معاون وزارت خارجهٔ امریکا و سفیرکبیر سابق امریکا در ایران باتفاق هیئتی ازکنگرهٔ امریکا بتهران.

۱۹۵۵ـ (۱۳۳۳ـ۱۳۳۴)

ژانویه ـ (دیماه ۱۳۳۳) کشف سازمان جوانان حزب توده و بازداشت ۶۸ نفر اعضاء آن .

ژانویه ـ (۳ بهمن) کشف انبار اسلحه و مهمات دیگری از حزب توده درداودیه شامل ۱۲ هزار نارنجك

کشف سازمان اطلاعات و جاسوسی حزب توده و مدارك آن سازمان .

فوریه ـ (بهمن) آغاز بهره‌برداری از نفت ایران بوسیلهٔ کنسرسیوم بین‌المللی نفت ایران

مارس ـ (۲۱ اسفند) ـ بازگشت شاهنشاه وعلیاحضرت ملکهٔثریا ازمسافرت امریکا و اروپا .

مارس ـ (۲۸ اسفند) دستگیری دکتر مرتضی یزدی و مهندس شرمینی از سران حزب توده

آوریل ـ (۱۷ فروردین ۱۳۳۴) ـ استعفای کابینهٔ سپهبد زاهدی .

آوریل ـ (۱۹ فروردین) ـ تشکیل کابینهٔ حسین علاء .

مه ـ (۲ اردیبهشت) اشغال حظیرةالقدس مرکز تبلیغات فرقهٔ بهائی درتهران از طرف فرمانداری نظامی و تخریب گنبد آن .

اول مه ـ (خرداد) آغاز ساختمان مسجد دانشگاه .

مه ـ (۴خرداد) شوروی‌ها یازده تن‌طلای امانتی‌ایران‌را درمرز جلفاتحویل‌دادند

ژوئن ـ (۱۸ تیر) تغییر سفیر کبیر امریکا در ایران و ورود **سلدون چی‌پین** سفیر تازه .

وقوع حریق بزرگی در انبار دخانیات و انبار غله در تهران که منجر به مرگ و جرح ۵۷ نفر و ۳۰۰ میلیون ریال خسارات مالی گردید .

ژوئن ـ (۲۳ تیر) پایان تعیین حدود و علامت گذاری مرز ایران و شوروی .

ژوئن ـ (۲۶ تیر) اعلام مسافرت رسمی شاهنشاه وملکه به مسکودردهم‌مهر برحسب دعوت دولت شوروی .

ژوئن ـ (۳۱ تیر) درگذشت احمد قوام (قوام‌السلطنه) در سن ۷۷ سالگی .

اوت ـ (۱۷ مرداد) ـ ورود ملك‌سعود پادشاه عربستان‌سعودی بتهران‌بعنوان میهمان رسمی شاهنشاه .

اوت ـ (۲۶ مرداد) ـ اعدام شش نفر دیگراز افسران ارتش عضوسازمان

نظامی حزب توده .

سپتامبر – (۲۷ شهریور) – ورود جلال بایار رئیس جمهوری ترکیه باتفاق ۲۵ نفر از همراهان بتهران بعنوان میهمان رسمی شاهنشاه .

سپتامبر – (۳ مهر) مراجعت جلال بایار و همراهان بترکیه .

اکتبر – (۱۹ مهر) – الحاق ایران به پیمان دفاعی بغداد بین عراق و ترکیه وتسلیم یادداشت **اعتراض دولت شوروی** بالحاق مزبور وپاسخ ایران درردا عتراض شوروی .

اکتبر – (۵ آبان) – گشایش تصفیه خانهٔ آب تهران وآغاز بهره برداری از آب لوله کشی .

نوامبر – (۲۵ آبان) – سوء قصد و تیراندازی بطرف حسین علاء نخست‌وزیر در مسجدشاه از طرف مظفرذوالقدر و عدم اصابت گلوله .

نوامبر – (۲۶ آبان) حرکت حسین علاء نخست‌وزیر ببغداد برای شرکت در کنفرانس پیمان بغداد

نوامبر – (۲۹ آبان) – گشایش کنفرانس بغداد با حضور نخست‌وزیران انگلستان ایران ، ترکیه عراق و پاکستان .

نوامبر – (۱ آذر) بازداشت نواب صفوی رهبر جمعیت فدائیان اسلام و دو تن از یارانش .

نوامبر – (۶ آذر) بازداشت خلیل طهماسبی قاتل رزم آراء وکلیهٔ اعضاء جمعیت فدائیان اسلام .

دسامبر – (۲۳ آذر) گشایش کشتارگاه تازه در تهران .

دسامبر – (۲۷ آذر) حرکت ۱۲ نفر نمایندگان مجلس شورای ملی و مجلس سنا بنام هیئت پارلمانی ایران به **مسکو** بنا بدعوت وروشیلوف رئیس جمهوری روسیهٔ شوروی .

۱۹۵۶–(۱۳۳۴–۱۳۳۵)

ژانویه – (دیماه ۱۳۳۴) تجدید سازمان سومین دورهٔ پیشآهنگی ایران که بعد ازشهریور ۲۰ واشغال ایران بوسیلهٔ قوای متفقین تعطیل شده بود بنام سازمان ملی پیشآهنگی ایران بنحو مستقل خارج ازوزارت فرهنگ وتحت نظر انجمن جداگانه بنام انجمن ملی پیشآهنگی ایران .

ژانویه – (۱۱ دیماه) تخفیف مجازات اعدام دکتر یزدی به زندان ابد ،

ژانویه ـ (۲۱ دی) تصمیم هیئت وزراء باخراج کارمندان معتاد بافیون از ادارات دولتی .

اعدام نواب صفوی و خلیل طهماسبی و ذوالقدر و واحدی رهبران جمعیت فدائیان اسلام .

ژانویه ـ (۵ بهمن) ـ ورود داگ‌هامرشولد دبیرکل‌سازمان‌ملل متحدبتهران و توقف یکروزهٔ وی .

فوریه ـ (۲۵بهمن)ـ مسافرت شاهنشاه وملکهٔ ثریابه‌هندوستان برحسب‌دعوت دولت هند.

فوریه ـ (۸ اسفند) درگذشت علی اکبر دهخدا مؤلف فرهنگ دهخدا درسن۷۸ سالگی .

مارس ـ (۱۰ اسفند) ـ باز داشت کوزنتسف معاون وابستهٔ نظامی شوروی در تهران به جرم جاسوسی و تحویل وی به وازرت امور خارجه برای اخراج او از ایران .

مارس ـ (۱۸ اسفند) بازگشت شاهنشاه و ملکه از هند و پاکستان .

مارس ـ (۱۹ اسفند)ـورود سلوین‌لوید وزیرخارجهٔ انگلیس بتهران‌وحرکت وی در روز بعد .

آوریل ـ (۱۸ فروردین ۱۳۳۵) انتشار رسمی اسناد حاکمیت ایران بر**جزائر بحرین** از طرف وزیر خارجهٔ ایران و طرح موضوع در مجلس.

آوریل ـ(۲۴ فروردین) ـورود نخست‌وزیرعراق، وزیردفاع انگلیس، معاون وزارت خارجهٔ امریکا و فرمانده نیروهای امریکا در مدیترانهٔ شرقی بتهران .

آوریل ـ (۲۶ فروردین) ـ ورود عدنان مندرس نخست وزیر ترکیه و **چودری محمد علی** نخست‌وزیر پاکستان به تهران برای تشکیل دومین شورای پیمان بغداد .

آوریل ـ (۲۶ فروردین)ـپایان هیجدهمین دورهٔ قانون‌گزاری مجلس شورایملی .

آوریل ـ (۲۷ فروردین)ـ تشکیل دومین شورای پیمان بغداد در تهران بریاست نخست‌وزیر .

آوریل ـ (۲۹ فروردین) الحاق امریکا به‌کمیتهٔ اقتصادی پیمان بغداد .

آوریل ـ (۲ اردیبهشت) آغاز انتخابات دورهٔ نوزدهم مجلس در تهران .

مه ـ (۲۵ اردیبهشت) مسافرت شاهنشاه و ملکه به‌ترکیه طبق‌دعوت رسمی دولت ترکیه .

مه ـ (۸ خرداد) بازگشت شاهنشاه و ملکه از ترکیه .

ژوئن ـ (۲۰ خرداد)ـ گشایش مجلس نوزدهم وتمدیددورهٔ آن‌تا۴سال‌بجای ۲سال قانونی سابق ازطرف همان مجلس .

ژوئن ـ (۴تیر)ـ مسافرت شاهنشاه وملکهٔ ثریابروسیهٔ شوروی طبق‌دعوت رسمی دولت شوروی .

ژوئیه ـ (۲۲ تیر) بازگشت شاهنشاه و ملکه از شوروی .

ژوئیه ـ (۲۴ تیر)ـ ورود ژنرال اسکندرمیرزا رئیس‌جمهوری‌پاکستان‌وهمسر بتهران .

اوت ـ (۲۲ مرداد) ـ تغییر لاورنتیف سفیرکبیر شوروی در ایران و مأموریت **پکوف** بجای ایشان .

اوت ـ (۳ شهریور) ـ رسیدن چاه قم به نفت و فوران شدید نفت و عدم امکان بستن‌آن و فوران دویست هزار بشکه نفت به ارزش سی میلیون ریال و اتلاف‌آن.

سپتامبر ـ (۱۷ شهریور) ـ ورود پکوف سفیرکبیر تازهٔ شوروی در ایران‌به تهران .

سپتامبر ـ (۲۳ شهریور) مهارکردن چاه نفت قم و بستن سرچاه بوسیلهٔ **کینلی** کارشناس امریکائی .

اکتبر ـ (۲۵ مهر) ـ ورودکامیل شمعون رئیس جمهوری لبنان بتهران .

اکتبر ـ (۷آبان) ـگرفتن جشن مرگ تریاك ازطرف نخست‌وزیر و وزیر بهداری .

اول نوامبر ـ (۱۰آبان) ـ روز سرشماری عمومی درتمام‌کشور بافعالیت‌سی هزار مأمورین سرشماری .

نوامبر ـ (۲۲آبان) اعلام نامزدی والاحضرت شهناز پهلوی فرزند شاهنشاه با مهندس اردشیر زاهدی .

۱۹۵۷ـ(۱۳۳۶ـ۱۳۳۵)

ژانویه ـ (۱۷ دیماه) پایان ریل‌گذاری راه‌آهن تهران ـ مشهد .

۲۱ ژانویه ـ (۳۰ دیماه) ورود یازده نفر **هیئت پارلمانی شوروی** به اتفاق

معاون رئیس جمهوری شوروی و رئیس جمهوری ارمنستان به تهران بـه دعوت مجلسین ایران .

فوریه ـ (۱۵ بهمن) ـ اعلام رسمی دولت امریکا مبنی براینکه حمله بخاك ایران بمنزلهٔ حمله بخاك امریکاست .

مارس ـ (۱۵ اسفند) گشایش نمایشگاه اتم برای صلح در دانشگاه تهران وهدیه ۳۵۰ هزار دلار برای خرید رآکتور اتمی دانشگاه بایران از طرف دولت امریکا .

مارس ـ (۲۱ اسفند) ـ مسافرت شاهنشاه بـه عربستان سعودی بـه دعوت ملك‌سعود .

۲۶ مارس ـ (۵ فروردین ۱۳۳۶) قتل دونفرامریکائی رئیس اصل‌چهارکرمان و رئیس امور عمرانی بلوچستان در تنگ‌سرخهٔ بلوچستان .

۴آوریل ـ (۱۵ فروردین) ـ گشایش راه‌آهن تهران ـ مشهد .

۴ آوریل ـ (۱۵ فروردین) استعفای کابینهٔ علاء و تشکیل کابینهٔ دکتر منوچهـر اقبال .

اعلام پایان حکومت نظامی درتهران .

۱۹ مه ـ (۲۹ اردیبهشت) ـ مسافرت شاهنشاه و ملکهٔثریا بهاسپانیا بدعوت دولت اسپانیا.

۱ ژوئیه ـ (۱۱ تیر) ـ وقوع زلزله شدید درمناطق شمالی ایران که باعث‌قتل وجرح هزاران نفرو گمشدن چندهزار نفر وموجب خرابی‌دهکده‌هاوخسارات زیادگردیدو اعلام عزای ملی .

۵ ژوئیه ـ (۱۵ تیر) دستگیری خسرو روزبه از رهبران فعال حزب توده .

۱۰ ژوئیه ـ (۲۰ تیر) درگذشت آقاخان‌محلاتی رهبر فرقهٔ اسمعیلیه درژنو درسن هشتادسالگی .

۱۱ ژوئیه ـ (۲۱ تیر) بازگشت شاهنشاه و ملکهٔ ثـریا پس از ۵۱ روز اقامت در اروپا .

۱۷ ژوئیه ـ (۲۷ تیر) رسیدن نفت استخراج شدهٔ ایران به متجاوزازسه‌میلیون‌تن در ماه .

۵سپتامبر ـ (۱۶شهریور)ـ ورود گرونکی رئیس‌جمهور ایتالیابتهران‌بدعوت شاهنشاه .

۸ سپتامبر ـ (۱۹شهریور) ازدواج والاحضرت شهناز‌پهلوی‌با آقای مهندس‌اردشیر زاهدی .

۱۷ اکتبر ـ (۲۶ مهر) ـ ورود ملك فیصل دوم پادشاه عراق وامیر عبدالاله ولیعهد عراق بتهران بدعوت شاهنشاه.

۲۸ اکتبر ـ (۸آبان) انعقاد مجلس جشن یادبود هفتصدمین سال درگذشت مولانا جلال‌الدین معروف به مولوی ، صاحب‌کتاب مثنوی در دانشگاه تهران .

۱۲ دسامبر ـ (۲۲آذر) ـ وقوع زلزلهٔ شدید درکردستان و واردآوردن تلفات جانی و مالی بسیار .

۱۸ دسامبر ـ (۲۸ آذر) درگذشت ابوالحسن صبا استاد موسیقی در سن ۵۷ سالگی .

۱۹۵۸ـ(۱۳۳۶ـ۱۳۳۷)

ژانویه ـ (۲۱ دی ۱۳۳۶) قتل دادشاه و برادرش قاتلین دونفر امریکائی درزدو خورد با ژاندارم‌ها درکوه‌های بلوچستان .

۲۴ ژانویه ـ (۴ بهمن) ـ ورود جان فوستردالس وزیر خارجهٔ امریکا و همسر بتهران و توقف دو روزهٔ ایشان .

۱۰ مارس ـ (۱۹ اسفند) انعقاد مجلس جشن پنجاهمین سال بهره‌برداری‌ازنفت ایران .

۱۴ مارس ـ (۲۳ اسفند) اعلام جدائی بین شاهنشاه و علیاحضرت ملکهٔ ثریا از طرف دربار شاهنشاهی .

۱۱ آوریل ـ (۲۲ فروردین ۱۳۳۷) آتش‌گرفتن بخشی ازمخزنهای‌نفت‌آبادان و اتلاف ۹ میلیون‌گالن نفت .

۱۹ آوریل ـ (۳۰ فروردین) آتش‌گرفتن چاه شماره۶ نفت اهواز ودعوت مرتبهٔ دوم از **کینلی** کارشناس امریکائی برای خاموش‌کردن‌آتش .

۲۴آوریل ـ (۴ اردیبهشت) ـ گشایش راه‌آهن تهران ـ تبریز .

۱۱ مه ـ (۲۱ اردیبهشت) اعدام خسرو روزبه از سران حزب توده .

۱۲ مه ـ (۲۲ اردیبهشت) ـ مسافرت شاهنشاه به فرمز بـه دعوت دولت چین ملی .

۲۸ مه ـ (۷ خرداد) پیروزی ورزش‌کاران ایرانی در مسابقات جهانی ورزشی توکیو .

۱۱ ژوئن ـ (۲۱ خرداد) پایان محاکمات سرلشگر قرنی رئیس سابق رکـن ۲ ستاد ارتش باتهام سوءِ استفاده از اختیارات قانونی ومحکومیت وی‌بدوسال زندان واخراج

از ارتش .

ژوئیه ـ (تیر ماه) ـ مسافرت شاهنشاه از چین به ژاپن و امریکا .

ژوئیه ـ (مرداد ماه) بازگشت شاهنشاه بایران .

۳۱ ژوئیه ـ (۹ مرداد) برسمیت شناختن دولت جدید عراق (پس ازکودتا وقتل ملك فیصل و ولیعهد و نخست‌وزیر) از طرف دولت ایران .

۲ اوت ـ (۱۱ مرداد) ورود شیخ سالم الصباح **امیر کویت** بتهران بعنوان میهمان دولت .

۲۷ اوت ـ (۵ شهریور) ابلاغ تصمیم هیئت وزیران مبنی بر بازنشسته کردن تمام مأمورینی که سابقهٔ سی‌سال خدمت داشتند یا بسن شصت‌سالگی رسیده بودند وآغاز اجرای آن قانون .

۲۷ نوامبر ـ (۶ آذر) سفر شاهنشاه به ایتالیا بدعوت رئیس جمهور ایتالیا .

۱۲ دسامبر ـ (۲۱ آذر) بازگشت شاهنشاه از سفر ایتالیا .

۱۹۵۹ـ(۱۳۳۷ـ۱۳۳۸)

۱۲ فوریه ـ (۲۳ بهمن) تصویب لایحهٔ سلب اختیارات سازمان برنامهٔ ازطرف مجلس و انتقال آن برئیس دولت وکناره گیری ابتهاج رئیس سازمان برنامهٔ .

۱۲ مارس ـ (۲۱ اسفند) آتش گرفتن بخش پالایشگاه آبادان و واردآمدن خسارات زیاد .

آوریل ـ (فروردین ۱۳۳۸) اعتراض رسمی وزارت امورخارجه بدولت رومانی راجع به تبلیغات ضد ایران از رادیو بخارست .

ارسال پاسخ تذکاریهٔ دولت شوروی .

۵ آوریل ـ (۱۶ فروردین) ـ اعطای ۹٫۳ میلیون دولار وام از طرف بانك صادرات امریکا برای خرید چهل دستگاه لکوموتیو برقی دیزل و سایر لوازم راه آهن .

آوریل ـ (فروردین) توشیح **قانون «از کجا آورده‌ای ؟»** مصوب مجلسین ازطرف شاهنشاه مبنی بر الزام وزراء و سایرکارمندان لشکری وکشوری دولت ومؤسسات ملی وابستهٔ به دولت به تسلیم صورت دارائی و درآمد خود در فروردین و اردیبهشت هرسال .

اعتراض به حملات رادیو مسکو بایران در مجلس سنا .

نصب بلندگوها درمرز شمالی و پخش اخبار و مدافعات رادیوایران برای مرزنشینان

شوروی .

اعتراض وزارت خارجه بسفارت لهستان درمورد نشراخبار نادرست راجع بایران در روزنامهٔ رسمی آن کشور.

وقوع سیل در شهریار و ویرانی کرشته .

۲۰ آوریل ـ (۳۱ فروردین) برقراری مجلس یادبود پنجاهمین سال قتل **هوارد پاسکرویل** امریکائی در تبریز در راه انقلاب مشروطیت ایران .

آوریل ـ (اردیبهشت) عبورملك حسین پادشاه اردن ازتهران بعزم اردن وتوقف سه‌ساعت ونیم درتهران ،

اعتراض وزارت خارجه بسفارت شوروی درمورد پرواز غیرمجازشش فروندهواپیمای جت شوروی برفراز مناطق شمال غربی ایران .

۲۹ آوریل ـ (۹ اردیبهشت) اعلام دبیرکل پیمان بغداد مبنی بر **تغییر مرکز پیمان بغداد به آنکارا** ومطالعه درمسئلهٔ خروج عراق ازپیمان بغداد .

۲ مه ـ (۱۲ اردیبهشت) ـ عزیمت شاهنشاه به انگلستان و دانمارك و هلند بنابدعوت دولت‌های بالا.

ورود **لودویك ارهارد** وزیر اقتصادی آلمان غربی به تهران برای اقامت پنج‌روزه و مطالعهٔ مسئله سرمایه‌گذاری آلمان در ایران و اعطای اعتبار برای تأسیس کارخانهٔ ذوب آهن .

گشایش خط انتقال برق از آبادان به اهواز در سه رشته هر یك ۱۳۳ هزار ولت برق.

مه ـ (اردیبهشت) ـ پناهندگی پنج هزار عراقی بسر کردگی شیخ رشید بایران پس از یك جنگ خونین با ژاندارمهای عراقی واکراد بارزانی .

ورود **گس** (سفر دوم) رئیس هیئت مدیرهٔ کمپانی نفت انگلیس وکارشناس نفت به تهران .

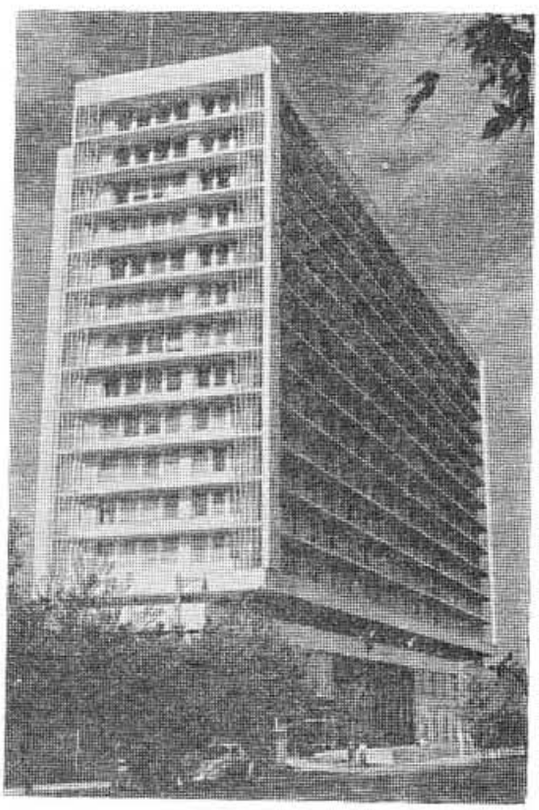
تمدید موافقت نامهٔ بازرگانی بین **ایران و چکسلواکی** به مدت یك سال که طبق آن طرفین مجاز به خرید پنجاه میلیون فرانك سویسی کالا از یکدیگر گردیدند.

پایان مأموریت **دکتر گیلرهامر** سفیر آلمان غربی (و مشاور سابق بانك ملی) در ایران.

۱۶ مه ـ (۲۶ اردیبهشت) توقیف سرنشینان جیپ متعلق بسفارت شوروی هنگام پخش اوراق تبلیغاتی بین کسبه و عابرین خیابان درتهران .

مه ـ (خرداد) گشایش زایشگاه بنگاه حمایت مادران و نوزادان در باغ فردوس جنوب تهران .

۲۸ مه ـ (۷ خرداد) ـ تصویب اعطای ۷۲ میلیون دولار وام از طرف بانك بین‌المللی توسعه و عمران در واشنگتن به‌ایران برای راهسازی به مدت ۱۷ سال با بهرهٔ ۰/۰۶



ساختمان تازهٔ شرکت ملی نفت ایران در خیابان تخت‌جمشید تهران

نشر گزارش سالیانهٔ بانکملی مبنی‌بر **بالا رفتن هزینهٔ زندگی در سال ۱۳۳۷** نسبت بسال‌ماقبل بشرح‌زیر:

هزینهٔ مسکن ۰/۰۲۸ ـ خوراك ۰/۰۱۴ ـ سوخت و روشنائی ۰/۰۸ ـ پوشاك و متفرقه۰/۰۳ .

ورود **هارولدلمب** مستشرق و مورخ مشهور امریکائی بتهران .

۱۵ ژوئن ـ (۲۵ خرداد) ـ اعدام مهندس محمد علوی عضو کمیتهٔ حزب منحلهٔ تودهٔ

۲۲ ژوئن ـ (۱ تیر ماه) ـ گشایش مرکز اتمی پیمان بغداد در دانشگاه تهران .

ژوئن ـ (تیر ماه) دیدار والاحضرت شهناز پهلوی از مادر خود والاحضرت فوزیه در ژنو پس از ۱۵ سال جدائی .

۳۰ ژوئن ـ (۹ تیر) اجتماع اهالی جنوب تهران و ابراز تنفر نسبت بـه حملات رادیوهای بیگانه .

ورود **سرویلیام‌مك‌دونالد** فرمانده نیروی هوائی انگلستان درخاورمیانه بتهران‌و توقف سه‌روزه .

اعطای جایزهٔ اول کنسرواتوار پاریس وجوایز کنکور بین‌المللی ژنوومونیخ بدوشیزه **تانیاآشوت پیانیست ایرانی .**

لغو قرارداد شهرسازی (۴۵۰ شهر) باکمپانی کوکس‌آلمانی ازطرف سازمان‌برنامه بسبب عدم انجام تعهدات قرار داد .

۲۶ ژوئیه‌ـ(۴ مرداد)صدوراعلامیهٔ وزارت دربار راجع‌بجدائی والاحضرت‌فاطمهٔ پهلوی از همسر خود علی هیلر امریکائی .

تشکیل کنگرهٔ فرهنگی کشور از ۱۵۰۰ نفر فرهنگیان در تهران برای تجدید نظردربرنامهٔ دبیرستانها. **(که تااین تاریخ‌یعنی‌سال ۱۳۴۵ هنوز به‌نتیجه‌نرسیده است) .**

اوت ـ (مرداد) تشکیل جمعیت دفاع ملی برهبری چند نفر از نمایندگان‌مجلسین بمنظور دفاع در برابر حملات رادیو مسکو برضد ایران .

ورود **سعادت علیخان** معاون پارلمانی نهرو نخست وزیر هند بتهران .

اختلاف بین ایران و ژاپن و ایران و آلمان در مورد روابط اقتصادی .

ساختن جزیرهٔ مصنوعی برای اکتشاف نفت درخلیج‌فارس .

ورود هیئت نظامی اعزامی از پاکستان بتهران و مراجعت ایشان بکراچی .

اطمینان دادن دولت امریکا بوسیلهٔ سفیرکبیر خود بدولت ایران کـه‌آیزنهاور رئیس جمهوردرملاقات با خروشچف نخست‌وزیرروسیهٔ‌شوروی امریکا توافقی بضررایران‌باشوروی نخواهدکرد .

اعزام هیئتی بافغانستان برای شرکت در جشن ملی‌آن‌کشور .

سپتامبر ـ (شهریور) تبدیل نام پیمان بغداد بـه نام **سنتو (سازمان پیمان مرکزی)**

اعدام ۴ نفراز همدستان غلام رزمی یاغی دشتستان درشیرازو محکومیت وی بزندان ابد بسبب پیری .

ورودآدمیرال **جیمزلی** فرمانده نیروی دریائی امریکا در خاورمیانه بـه تهران و مراجعت وی .

قطع معاملات بازرگانی با ژاپن .

مذاکرات بین ایران و پاکستان و ترکیه برای تسریع در اتصال **راههای ایران به پاکستان و ترکیه .**

ورود شیخ راشد حاکم شیخ نشین دوبی به تهران بعنوان میهمان دولت ایران بمدت ۱۵ روز .

حرکت نمایندگی ایران به نیویورك برای شرکت در چهاردهمین دورهٔ اجلاسیه مجمع عمومی سازمان ملل به ریاست وزیر خارجه .

وضع کارنامه برای کارمندان دولت و نمره دادن برای ترفیعات. (که تا سال ۱۳۴۵ هنوز اجرا نشده)

اعزام ۲۵ دوشیزهٔ ایرانی از طرف پست و تلگراف به آلمان برای اخذ تعلیمات در رشته‌های پست و تلگراف.

آغاز حفاری چاه نفت در آبهای خلیج فارس از طرف شرکت نفت ایران و ایتالیا .

ورود منظور قادر وزیر خارجهٔ پاکستان بتهران .

اجتماع و تظاهرات در مسجد شاه بر علیه گفتارهای رادیو مسکو .

ورود شیخ سلطان شخبوط از سران عشایر عرب حاکم ابوظبی و جزیره داس در خلیج فارس باتفاق یکصد نفر بتهران و مراجعت وی .

۱۸ سپتامبر (۲۷ شهریور) ـ ورود جواهرلعل نهرو نخست‌وزیر هندوستان بتهران بدعوت دولت ایران بمدت چهار روز .

سپتامبر ـ (شهریور) قطع تبلیغات رادیوئی مسکو و تهران بر علیه یکدیگر.

گشایش کارخانهٔ سیمان درود .

ورود **هیئت پارلمانی آلمان** باختری بایران و مراجعت ایشان .

توقیف و تعقیب **اتکین منکمن** تبعهٔ انگلیس رئیس کشتیرانی و بازرگانی شرکت ملی نفت در آبادان از طرف دادستان باتهام سوء استفاده و سرقت .

وقوع زلزلهٔ در گرگان و مشهد.

حریق کشتی نفتکش نروژ در بندرمعشور .

اکتبر ـ (مهر ماه) عزیمت هیئتی بریاست نخست‌وزیر به نیویورك برای شرکت در کنفرانس سنتو بمدت سه هفته .

موافقت هیئت دولت با تأسیس دانشگاه دررشت .

ورود ده نفر روزنامه نگاران ترکیه و پاکستان بتهران بدعوت ادارهٔ کل انتشارات و رادیو .

ورود شیخ حاکم شیخ‌نشین عجمان بتهران و مراجعت ایشان .

۱۴ اکتبر ـ (۱۱ مهر) گشایش کنگرهٔ پزشکی در رامسر .

رسیدن **بانوی دکتر مرضیه ارفعی** اولین بانوی ایرانی در ارتش به درجهٔ سرتیپی .

۱۷ اکتبر ـ (۱۴ مهر) ـ گشایش دومین دورهٔ اجلاسیه سنا درساختمان تازهٔ مخصوص مجلس سنا که ۴۵ میلیون تومان تمام شد .

ورود شیخ‌صغر حاکم شیخ‌نشین رأس‌الخیمه بتهران و مراجعت ایشان .

گشایش مؤسسهٔ استانداردها در تهران .

اعلام امریکا راجع بعدم‌الحاق آنکشور به پیمان سنتو .

کشف آثار تاریخی دوره‌های ماد و اشکانی در تخت‌سلیمان در فارس .

کشف توپی که در چهارقرن پیش **شرلی اولین** بایران هدیه کرده بود دراصفهان از زیرخاك .

اعلام سنتو راجع بتصویب اتصال راه‌آهن ایران و ترکیه از طرف ترکیه وتعیین دو بندر درترکیه برای ترانزیت ایران .

صدور تصویبنامهٔ دولت مبنی برمحدودیت معاملات با ژاپن .

گشایش سرویس تله فتو بین ایران و ایتالیا .

۱۸ اکتبر ـ (۲۵ مهر) ـ ورود بن‌صبی رئیس جمهوردولت‌اسرائیل بفرودگاه مهرآباد درراه مسافرت برنگون .



فرودگاه مهرآباد تهران

۲۰ اکتبر ـ (۲۷ مهر) درگذشت حکیم‌الملك نخست‌وزیراسبق وسناتوردرسن ۹۱ سالگی .

۲۳ اکتبر ـ (۳۱ آبان) ورود کریم آقاخان چهارم رهبر فرقهٔ اسمعیلیه بتهران برای اقامت ده‌روزه واهداء پنجاه هزارلیره بدانشگاه تهران .

۳۰ اکتبر ـ (۸ آبان) گشایش نمایشگاه علم وصنعت فرانسه در تهران.

عقد قرارداد سد لتیان درشمال شرقی تهران بین سازمان آب تهران وشرکت الکساندر گیپ .

وقوع سیل در مازندران .

ورود آنتوان پینه وزیردارائی فرانسه بتهران .

ورود شیخ علی بن عبداله حاکم شیخ نشین قطر بتهران و مراجعت ایشان .

۱ نوامبر ـ (۱۰ آبانماه) عزیمت شاهنشاه بکشورهاشمی اردن بدعوت ملك حسین بمدت ۵ روز .

گشایش خانهٔ فرهنگی ایران در پاریس .

کشف یك مجسمهٔ مفرغی قدیمی از دورهٔ مادها در کرمانشاه به بهای یك میلیون ریال .

شایعهٔ نامزدی شاهنشاه با دوشیزهٔ فرح دیبا .

ورود شش نفر هیئت مطبوعاتی اردن بتهران بدعوت ادارهٔ انتشارات .

۸ نوامبر ـ (۱۷ آبان) ـ ورود مارشال ایوبخان رئیس جمهور پاکستان بتهران بدعوت دولت ایران .

ورود جیمز هاگرتی مشاور مطبوعاتی پرزیدنت آیزنهاور رئیس جمهور امریکا به تهران .

۱۵ نوامبر ـ (۲۴ آبان) ـ ورود عدنان مندرس نخست وزیر وزورلو وزیر خارجهٔ ترکیه بتهران .

۱۶ نوامبر ـ (۲۵ آبان) ـ تشکیل کنفرانس سران کشورهای اسلامی پیمان سنتو بریاست شاهنشاه در تهران .

۱۹ نوامبر ـ (۲۸ آبان) آغاز بتونریزی سد شهناز در همدان .

۲۱ نوامبر ـ (۳۰ آبان) صدور اعلامیهٔ وزارت دربارراجع به‌ازدواج والاحضرت فاطمهٔ پهلوی با سرلشگر محمد خاتمی .

۲۲ نوامبر ـ (۱ آذر ماه) اعلام رسمی نامزدی شاهنشاه با دوشیزه فرح دیبا از طرف وزیر دربار .

۲ دسامبر ـ (۱۱ آذر ماه) تیرگی روابط ایران وعراق بسبب اظهارات عبدالکریم قاسم و ادعای نسبت بقسمتی از اراضی ایران .

۱۳ دسامبر ـ (۲۲ آذر ماه) ـ **ورود پرزیدنت آیزنهاور** رئیس‌جمهور امریکا و توقف وی بمدت ۵ ساعت در تهران .

۲۱ دسامبر ـ (۲۹ آذر ماه) ـ **مراسم عقد ازدواج شاهنشاه آریامهر با دوشیزه فرح دیبا.**

۱۹۶۰ ـ (۱۳۳۸ ـ ۱۳۳۹)

۶ ژانویه ـ (۱۴ دیماه ۱۳۳۸) ـ **ورود ا. لاندر** نخست‌وزیر سوئد و بانو برای اقامت ۱۴ روزه بتهران.

ورود میسیون نظامی امریکائی بریاست چارلز پالمر معاون فرماندهی کل نیروهای امریکا بتهران .



مجلس عقد ازدواج شاهنشاه آریامهر با دوشیزه فرح دیبا

۱۰ ژانویه ـ (۱۸ دیماه) صدور فرمان **انتخابات دورهٔ بیستم قانون‌گذاری .**

تجدید و تشدید تبلیغات رادیوئی شوروی وچین کمونیست و افغانستان وعراق ورادیو

مخفی برضد ایران و دفاع رادیو ایران .

۱۷ ژانویه ـ (۲۵ دیماه) انتصاب مهندس اردشیر زاهدی بسمت سفیر کبیر ایران در امریکا.

فوریه ـ (بهمن ماه) تشکیل کنفرانس عالی قضائی داخلی در ایران .

افزودن یك وکیل برای بحرین در جدول جدید انتخابات .

۱۹ فوریه ـ (۳۰ بهمن) ـ عزیمت شاهنشاه و ملکهٔ فرح بکراچی برای شرکت در **کنفرانس پیمان سنتو** و مراجعت بایران . (۷ ـ اسفند)

مارس ـ (اسفند) ـ تصویب اعطای ۴۲ میلیون دولار وام از طرف بانك جهانی به ایران برای ایجاد کارخانهٔ برق و ساختمان سد دز بمنظور آبیاری خوزستان.

صدور احکام محکومیت ۳۷۰۰ نفر از کارمندان دولت از وزارتخانه‌های مختلف به انفصال از خدمت با پرداخت جرائم و یا انتظار خدمت به سبب اختلاس و ارتشاء .

ادامهٔ حملات رادیو مسکو بدولت ایران .

مذاکرات با دولت اسرائیل برای ایجاد روابط اقتصادی .

۲۸ مارس ـ (۸ فروردین ۱۳۳۹) تشکیل جلسات **کمیتهٔ نظامی پیمان سنتو** در تهران از رؤسای ستاد ارتش کشورهای عضو با شرکت رؤسای ستادهای امریکا و انگلیس.

قطع حملات تبلیغاتی رادیوئی بین تهران و بغداد و تعیین سفرای جدید از طرفین.

۴ آوریل ـ (۱۵ فروردین) ـ ورود ملك حسین پادشاه اردن بتهران بعنوان میهمان شاهنشاه و حضور در جلسهٔ مشترك مجلسین .

۴ مه ـ (۱۴ اردیبهشت) ـ وقوع دو زلزلهٔ شدید بفاصلهٔ ۴ ساعت در شهر لارودهکدهٔ گراش درفارس وویرانی کامل آن دونقطه وتلف شدن نفوس وواردآمدن خسارات بسیار .

۴ مه ـ (۱۴ اردیبهشت) ـ اعدام ۵ نفر از کمونیست‌های آذربایجان در تبریز و محکومیت هفت تن بزندان .

۸ مه ـ (۱۸ اردیبهشت) تشکیل شورای وزیران **پیمان سنتو** در تهران با شرکت وزرای خارجهٔ کشورهای عضو وامریکا وانگلیس برای مطالعه دروضع سیاسی حساس خاورمیانه.

۱۴ مه ـ(۲۴ اردیبهشت)ـ عزیمت شاهنشاه بکشورهای سوئدو بلژیك‌واطریش بنا بدعوت دولت‌های بالا.

ورود ژنرال هیدن رئیس تازهٔ گروه مستشاری نظامی امریکا بتهران .

تقسیم اراضی چهار دهکدهٔ خالصه بکشاورزان گرمسار .

۴۶مه ـ (۵ خرداد) ـ تشکیل کنفرانس سی‌تن از دیپلماتهای ایران دراروپا و خاورمیانه در ژنو در حضور شاهنشاه و وزیر خارجهٔ ایران .

۳۰ مه ـ (۹ خرداد) ـ برسمیت شناختن دولت جدید ترکیه از طرف دولت ایران پس‌ازکودتای ژنرال گورسل ودستگیری رئیس جمهور و نخست‌وزیر و وزراء و رئیس مجلس سابق .

امضای موافقتنامهٔ بازرگانی ایران وشوروی وتعیین‌حجم‌مبادلات‌کالابمیزان ۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۳۹ .

۹ ژوئن ـ (۱۹ خرداد) ـ پایان نوزدهمین دورهٔ مجلس شورای ملی که مدت آن نیز برای اولین مرتبه در تاریخ مشروطیت ایران چهار سال قرار داده شده بود .

اعلامیهٔ وزارت دربار راجع بجدائی والاحضرت اشرف پهلوی ازآقای احمدشفیق و ازدواج باآقای دکتر مهدی بوشهری در پاریس .

بهبود روابط ایران و عراق وآغاز مذاکرات برای تجدید روابطدرتهران‌بین سفرای دوکشور ووزیر خارجه .

۲۰ ژوئن ـ(۳۰ خرداد) ـ تشکیل اولین جلسهٔ اتحادیه بین‌المللی‌زنان باشرکت یازده‌کشور اروپائی وآسیائی و امریکائی و استرالیائی درتهران‌ومذاکره راجع‌به حقوق اجتماعی زنان .

۲۷ ژوئن ـ (۶ تیر ماه) آتش سوزی در بازارخوی و سوختن شصت مغازه و وارد آمدن ۱۲۰۰۰۰۰ تومان خسارت .

۷ ژوئیه ـ(۱۶ تیرماه) عقد قرارداداصلی ذوب‌آهن‌بین سازمان‌برنامه وشرکتهای دماك‌کروپ‌آلمانی و مسکو انگلیسی .

۲۱ ژوئیه ـ (۳۰ تیر) صدور دستور شروع انتخابات دورهٔ بیستم از طرف‌وزارت کشور بفرمانداریها .

اوت ـ (مرداد ماه) حملهٔ جمال عبدالناصر در نطق اهانت‌آمیز خود بایران در مورد شناسائی‌کشور اسرائیل از طرف ایران .

قطع روابط سیاسی‌ایران ومصر وتعطیل سفارتخانه‌های طرفین درقاهره‌وتهران و احضار سفرا .

پاسخ شاهنشاه به تلگرام شیخ شلتوت رئیس دانشگاه اسلامی الازهر در قاهره مبنی براینکه **ایران در سال ۱۹۵۰ دولت اسرائیل را بعنوان دوفاکتو شناخته** واین روزها اقدام تازه‌ای نکرده است .

۱۷ اوت ـ (۲۶ مرداد) حرکت قهرمانان ایران برم برای شرکت در مسابقات المپیك .

اوت و سپتامبر ـ (شهریور) اعلام لغو قرارداد بازرگانی ایران و امریکا در واشنگتن از طرف رئیس جمهور طبق تقاضای دولت ایران بمنظور تجدید نظر در آن وعقد قرارداد جدید .

۲۷ اوت ـ (۵ شهریور) ـ پایان انتخابات تهران و اعلام جرم ازطرف چند نفر ازکاندیداها بدادستان مبنی برفساد و تقلب در انتخابات .

استعفای کابینهٔ دکتر اقبال.

تشکیل کابینهٔ مهندس شریف امامی.

شکایات مردم شهرستانها ازجریان انتخابات و تقاضای ابطال آن .

صدور دستور مبنی بر متوقف داشتن انتخابات در سراسر کشور از طرف وزارت کشور .

استعفای کلیهٔ نمایندگان مجلس از نمایندگان دراثر پیام ومصلحت‌بینی شاهنشاه‌وابطال انتخابات.

مبادلهٔ پیام بین‌شاهنشاه ونیکیتاخروشچف نخست‌وزیرشوروی وآغازمذاکره بین تهران ومسکو برای بهبود روابط ایران و شوروی ومراجعت پکوف سفیرکبیرشوروی بتهران پس از ۹ ماه غیبت ازتهران .

۵ اکتبر ـ (۱۳ مهرماه) ـ گشایش نمایشگاه آلمان درتهران با هزینهٔ ۳۰ میلیون مارك و ورود ارهارد وزیر اقتصادآلمان غربی بتهران .

۷ اکتبر ـ (۱۴ مهر ماه) ـ گشایش دورهٔ جدید مجلس سنا .

۳۱ اکتبر ـ (۹ آبان ماه) ـ ولادت ولیعهد ایران والاحضرت رضا پهلوی .

۱۵ نوامبر ـ (۲۳ آبان) ـ ورود آکی‌هیتو ولیعهد ژاپن و همسر ایشان بتهران بعنوان میهمانان شاهنشاه .

دسامبر ـ (آذر ماه) ـ مسافرت نخست‌وزیر بکابل برای بازدید از سردار محمد داودخان صدراعظم افغانستان .

خرید ۲۰۰ هزار تن گندم از امریکا .

تصویب اعطای ۲۶ میلیون دولار وام از طرف صندوق وامهای‌عمرانی‌امریکا بایران بمنظور ساختن جاده‌های تازه زیر نظر کامپساکس و سازمان برنامه .

۱۹۶۱-(۱۳۳۹-۱۳۴۰)

ژانویه - (دیماه ۱۳۳۹) انفجار معدن زغال‌سنگ شمشك ومرگ ۲۱ نفر کارگر در تونل .

۱۱ ژانویه - (۱۹ دیماه) صدور دستور **تجدید انتخابات تهران** و انتخابات نمایندگان جدید .

۴ فوریه - (۱۵ بهمن ماه) - تظاهرات دانشجویان در دانشگاه‌ودانشسرای عالی در هنگام جریان انتخابات تهران و **اعلام تعطیل دانشگاه** از طرف رئیس دانشگاه .

دعوت خروشچف نخست‌وزیر شوروی از نخست‌وزیر ایران برای‌مسافرت به مسکوو مذاکره دربهبود روابط.

۲۱ فوریه - (۲ اسفند) - گشایش بیستمین دورهٔ قانون‌گذاری مجلس شورای ملی :

عمر این مجلس جمعاً ۵۹ روز بطول انجامید که ۲۸ روزآن در سال ۱۳۳۹ (از۲ تاآخراسفند) و۳۱ روزآن در سال ۱۳۴۰ (از ۲۰ فروردین‌تا۲۰اردیبهشت) قرار داشت) .

انتخابات اولیهٔ این‌مجلس درتابستان سال ۱۳۳۹پایان یافت . واکثریت نمایندگان انتخابی را اعضاء حزب میلیون منسوب بدکتر اقبال نخست‌وزیر تشکیل میداد . وبلافاصله بسبب شکایات مردم از سوء جریان و تقلب در انتخابات‌که منجر بصلاح اندیشی شاهنشاه در استعفای دسته جمعی نمایندگان گردید ابطال شد و همراه‌آن‌کابینهٔ دکتر اقبال ساقط و مهندس شریف امامی‌کابینه را تشکیل داده انتخابات را تجدیدکرد و مجلس بیستم در دوم اسفندگشایش یافت و نمایندگان ماه اسفند را بگذراندن اعتبارنامه‌های یکدیگر و مسائل داخلی مجلس گذرانیدند . در ۲۰ فروردین ۱۳۴۰ که جلسات‌آن‌آغاز شد لایحهٔ بودجه مطرح گردید و این لایحه بتصویب رسیده به مجلس سنا رفت .

ضمناً لایحه‌ای نیز در مورد ترمیم حقوق معلمین در دهم اردیبهشت تقدیم مجلس شد. روز ۱۲ اردیبهشت **اعتصاب معلمین** بسبب کمی حقوق در تهران و تمام شهرستانها آغاز

گردیده در اجتماع ایشان در جلو بهارستان افسر پلیس رئیس کلانتری ۲ **دکتر خانعلی** یکی ازمعلمین را به ضرب گلوله به قتل رسانید ودو معلم دیگرو یك دانش‌آموزهم مجروح شدند .

دامنهٔ اعتصاب روز بعد همراه تشییع جنازهٔ دکتر خانعلی بالا گرفت .

دو نفـر ازنمایندگان، دولت را در روز ۴ اردیبهشت در مجلس راجع بایـن واقعه استیضاح کردند .

مهندس شریف امامـی در پایان جلسه استعفای خود را تقدیم کـرد وکابینهٔ وی ساقط شد .

تا این هنگام ۱۷۶ نمایندهٔ انتخاب شده در مجلس حاضـر شده روز ۱۶ اردیبهشت دکتر علی امینی که از رهبران معترض بانتخابات بـود مأمور تشکیل کابینه شده و عصر روز ۱۹ اردیبهشت فـرمان انحلال هردو مجلس شورا و سنا راکه بامضای شاهنشاه رسیده بـود انتشار داد و این است متن فرمان شاهنشاه :

«با تأئیدات خداوند متعال ما پهلوی شاهنشاه ایران نظر بوظیفهٔ خطیری کـه قانون اساسی درحفظ مشروطیت و رفاه وسعادت ملت ایران برعهدهٔ ما محول داشته و نظر بلـزوم اتخاذ تصمیم و اقدام بیك سلسلهٔ اصلاحات عمیق و قاطـع در تمام شئون کشور بمنظور رفـع مشکلات روز افزونی که باآن مواجه است و نظر بعلاقهٔ تامی که در رعایت حقوق ملت‌عزیز خود داریم و نظر بسابقهٔ تصمیمی که برعایت افکار عموم داشتیم و منجر به تجدید انتخابات دورهٔ بیستم مجلس شورای‌ملی گردید در این موقع که دولت مقتدر و اصلاح‌طلبی را بـرای نجات مملکت از مشکلات موجود ، مأمور نمود،ایم عتقید، داریم که هیچگونه مانعی نبایـد سد راه اقدامات اساسی و اصلاحی دولت گـردد و معتقد بودیم که **بدون اصلاح قانون انتخابات انجام انتخاباتی که روح قانون اساسی را در برداشته باشد مشکل بلکه ممتنع و محال است** و متأسفانـه با قانون فعلی انتخاباتی کـه خالی از نقض و لغزش باشد مقدور نیست علیهذا بنام سعادت ملت ایران و **بموجب اصل ۴۸ اصلاحی اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ قانون اساسی، انحلال مجلسین‌شورای‌ملی وسنارااعلام ومقرر میداریم که دولت با اصلاح قانون انتخابات اقدام به‌تجدید انتخابات مجلسین شورای ملی و سنا بنماید .»**

پس‌از انحلال دومجلس، دولت دکترامینی اعلام کردکه چون‌قانون اصلاح‌انتخابات را بایـد یا مجلس تغییر دهد یا بوسیلهٔ رفرانـدوم تغییر نماید و رفراندوم را هـم صلاح نمی‌داند یك‌آئین‌نامـهٔ اجرائی انتخابات وضع کـرده و مقررداشت که در انتخابات‌کارت‌شناسائی برای رأی دهندگان صادر شود بعداً آنرا هم عملی ندانسته مسکوت گذاشت و سپس اظهار داشت که در هرحال با هرنوع قانون وآئین‌نامه و مقرراتی که برای انتخابات وضع

شود تا هنگامی که دستگاه ارباب ورعیتی‌درکشور برقرار است ورعایای دهات مانند غلامان و بردگان مالك در اختیار ایشان هستند انجام انتخابات صحیح محال است و نمایندگان هرگز نمایندگی واقعی ملت ایران را نداشته منتخب مالکین بزرگ و متنفذین خواهند بود بنابراین باید ابتدا **قانون اصلاحات ارضی** که ازمجلس نوزدهم گذشته است اجراء شود و املاك و اراضی اضافی بین زارعین و دهقانان تقسیم شود و به ملکیت ایشان درآید و نفوذ مالکین قطع گرددآنوقت انتخابات انجام شود.

این تز روزبروز قوت گرفت و شاهنشاه نیز قویا ازآن پشتیبانی مؤثروجدی فرموده بعداز سقوط کابینهٔ امینی درکابینهٔ علم در سال ۱۳۴۱ بوسیلهٔ دکترارسنجانی وزیر کشاورزی کابینهٔ امینی وکابینهٔ علم شروع باجرا گردید و تااکنون (۱۳۴۵) درتمام‌نقاط‌ایران مرحلهٔ اول و در بعضی استانها مرحلهٔ دوم اصلاحات ارضی نیز طبق قانون اصلاحات ارضی پایان یافته است.

۷ مارس ـ (۶ اسفند) ـ ورود الیزابت ملکهٔ انگلستان باتفاق همسرخود پرنس فیلیپ بتهران بدعوت شاهنشاه و اقامت چهار روزه در ایران و دیدن‌آثار تاریخی تخت جمشید و اصفهان .

۲۸ مارس ـ (۸ فروردین ۱۳۴۰) ـ اولین چاه نفت اهواز : در منطقه اهواز اولین چاه به نفت رسید و این دومین چاه‌بود در منطقهٔ تازهٔ نفتی‌جنوب **که به نفت رسید .**

۳۰ مارس ـ (۱۰ فروردین ۱۳۴۰) ـ درگذشت آیت‌الله حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی در شهر قم بسبب سکتهٔ قلبی و اعلام ۳ روز عزا از طرف دربار شاهنشاهی و تعطیل عمومی .

۳ آوریل ـ (۱۴ فروردین) ـ گشایش دانشگاه : دانشگاه‌که از روز ۱۵ بهمن ۳۹ بسبب تظاهرات دانشجویان تعطیل شده بود پس‌از ۶۶ روزتعطیل باردیگرشروع بکارکرد .

۷ آوریل ـ (۱۸ فروردین) ـ گشایش کنگرهٔ موسیقی ازطرف شهبانو فرح: شرکت‌کنندگان گروهی از موسیقی شناسان‌کشورهای مختلف بودند (پایان‌کنگره ۲۲ فروردین).

۸ آوریل ـ (۱۹ فروردین) ـ تقسیم املاك گنبد قابوس ـ شاهنشاه اسناد مالکیت ۴۲ دهکدهٔ سلطنتی را بنمایندگان ۲۷۱۱ کشاورز گنبدکاوس ، گرگان ، شاهی و شهسوار اعطاء نمودند .

۱۷ آوریل ـ (۲۸ فروردین) ـ گشایش کنفرانس کشاورزی ازکشورهای

خاور نزدیك و آسیای جنوب شرقی در تهران برای مذاکره راجع به همکاری های بین‌المللی.

پایان ساختمان سد ساحلی بندرعباس .

۱۹ آوریل ـ (۳۰ فروردین) ـ ورود پرنسس موراجاوانك شاهزاده‌خانم سیامی دبیر جمعیت زنان سیام بتهران .

۲۰ آوریل ـ (۳۱ فروردین) ـ گشایش نمایشگاه آثار هنری ایران در شهر بمبئی .

احمد آرامش وزیر مشاور وسرپرست سازمان برنامه در جلسهٔ علنی مجلس در پاسخ یکی از نمایندگان وضع سازمان برنامه را اسفناك وابوالحسن ابتهاج رئیس سابق آنرا متهم بخرابکاری و اتلاف و سوء استفاده نمود . ابتهاج در مطبوعات پاسخ داد .

۲۲ آوریل ـ (۲ اردیبهشت) ـ پروتکل بازرگانی ایران وایتالیا بامضاء رسید و طبق آن هریك از دوکشور مجاز به صدور معادل ۳۰ میلیارد لیرهٔ کالا بکشور دیگر گردیدند.

انفجاردر معدن زغال شمشك دریکی ازتوتلها منجر بقتل ۱۱ نفروجرح ۲ نفرکارگر گردید .



بانك کار از ساختمانهای تازهٔ تهران

۲۳ آوریل ـ (۳ اردیبهشت) ـ توافق ایران و عراق در مورد شط ـ العرب : در نتیجهٔ مذاکره بین سفیر ایران و عبدالکریم قاسم نخست وزیر عراق قرار شد هیئتی از طرف دولت عراق برای حل اختلاف راجع به کشتیرانی درشط‌العرب به‌ایران عزیمت کند

۴ مه ـ (۱۳ اردیبهشت) ـ عقد پیمان بازرگانی ایران وهند برای‌صدور خشکبار و کتیرا و گیاهان و سنگهای معدنی و نفت بهند ووارد کردن چای و شکر و ماشین آلات سبك و لوازم الکتریکی و داروهای شیمیائی ازهند .

اعتصاب بزرگ معلمین : تمام دبیران وآموزگاران کشور بسبب اعتراض بکمی حقوق در سراسر کشور اعتصاب کرده از حضور در کلاس‌ها خودداری نمودند ـ معلمین تهران در میدان بهارستان جلو مجلس در هنگامی که مجلس جلسه داشت اجتماع کردند . دراین اجتماع دکترخانعلی دبیردبیرستان جامی بضرب گلوله یکی‌ازافسران شهربانی‌ازپای درآمد ودونفر دیگراز معلمین و یکنفر دانشجو مجروح شدند. دانشجویان ودانش‌آموزان نیز به معلمین پیوستند .

این‌اعتصاب تا۲۴ اردیبهشت ادامه داشت وکلیهٔ وقایع اردیبهشت ماه راتحت‌الشعاع قرار داد .

۴ مه ـ(۱۳ اردیبهشت)ـ گشایش نمایشگاه بین‌المللی نیویورك که ایران نیز درآن غرفه داشت .

۴ مه ـ (۱۴ اردیبهشت) ـ موافقتنامهٔ بازرگانی ایران و شوروی بامضاء رسید . طبق این موافقتنامه هریك از طرفین مجاز بصدور معادل ۲/۵ میلیارد ریال‌کالا در یکسال خواهند بود (۵۰ میلیون ریال بیش ازسال۱۳۳۹) صادرات ایران: سنگ‌سرب، پوست، ماهی، فرش، برنج، وواردات‌ازشوروی ـ قند، شکر، آهن، فولاد، چدن، تراکتورو ماشین‌آلات کشاورزی، مواد غذائی، اتومبیل باری وسواری، چرخ خیاطی، ظروف چینی‌و شیشهٔ .

استعفای کابینهٔ مهندس شریف امامی در اثراستیضاح دونفرازنمایندگان‌راجع باعتصاب معلمین وقتل دکتر خانعلی .

۶ مه ـ (۱۶ اردیبهشت) ـ کابینهٔ دکتر علی امینی : دکتر علی امینی که از جملهٔ رهبران معترضین به انتخابات بود وتقاضای انحلال مجلس‌راداشت‌مأمورتشکیل کابینهٔ گردید .

۹ مه ـ(۱۹ اردیبهشت) ـ انحلال مجلسین : فرمان انحلال مجلسین‌ازطرف شاهنشاه طبق مادهٔ ۴۸ اصلاحی قانون اساسی صادر گشته و از روز بیستم اردیبهشت هردو

مجلس تعطیل گردید و تجدید گشایش آنها موکول شد به تغییر و اصلاح قانون انتخابات.

۱۳ مه ـ (۲۳ اردیبهشت) ـ توقیف ۵ نفر از امـرای ارتش : در تعقیب اعلام برنامهٔ دولت و نطق رادیوئی دکتر امینی و مصاحبهٔ وزیر جدید دادگستری مبنی بر تعقیب و محاکمهٔ خائنین دراین‌روزچهارنفر ازامرای ارتش بشرح زیر :

سپهبد حاجی علی‌کیا رئیس سابق رکن ۲ ستاد ارتش ، سپهبد مهدیقلی علوی مقدم وزیر سابق کشور و رئیس سابق شهربانی و رئیس سابق شرکت واحد اتوبوسرانی تهران ، سرلشگر علی‌اکبر ضرغام وزیر سابـق دارائی و انحصارات و گمرکات ، سرتیپ فرج‌الله ـ نویسی رئیس سابق شیلات باتهام سوء استفاده از اموال عمومی و خزانـهٔ دولت بازداشت شدند و روز۲۵ اردیبهشت سرتیپ بازنشسته اجودانی مدیر کل سابق بنگاه برق نیزازطرف بازپرس دادسرای دیوان کیفر احضار گردید .

۱۵ مه ـ (۲۵ اردیبهشت) ـ پایان اعتصاب معلمین : دکتر امینی دو روز پس از انتصاب خود بـه باشگاه مهرگان مـرکز اجتماع معلمین آمـده سخنرانی کـرد و تقاضای پایان دادن بـه اعتصاب نمود و پذیرفته نگردید سپس محمد درخشش کـه رهبری اعتصاب را در دست داشت بـه سمت وزارت فرهنگ معرفی گردید و دکتر امینی قـول تـرمیم حقوق معلمین را داد و بدین طریق اعتصاب پایان پذیـرفت و چندی بعد حقوق آموزگاران و دبیران طبق تصویب‌نامهٔ هیئت وزیران بدو برابر افزایش یافت .

۱۷ مه ـ (۲۷ اردیبهشت) ـ مسافرت شاهنشاه و شهبانو بـه نروژ طبق دعوت پادشاه نروژ بعنوان بازدید رسمی .

۱۸ مه ـ (۲۸ اردیبهشت)ـ متینگ جبههٔ ملی درمیدان‌جلالیه وتقاضای‌انجام فوری انتخابات .

۲۷ مه ـ (۶ خرداد) اعضاء سابق هیئت مدیرهٔ شیلات باتهام سوء استفاده ازاموال دولتی و همکاری با سرتیپ نویسی بازداشت شدند .

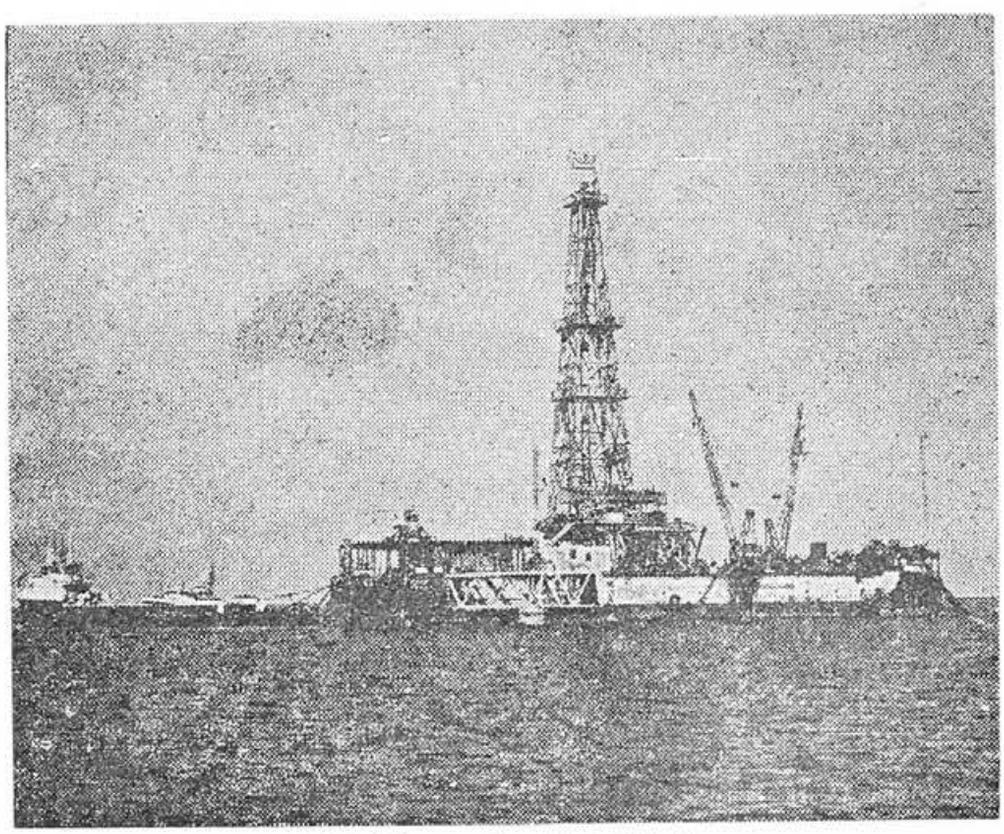
۲۸ مه ـ (۷ خرداد) نفتکش ۵۳ هزار تنی موسوم به رضا پهلوی کـه چهارمین نفتکش ایران است بارگیری خود راآغازکرد (سه نفتکش دیگـر عبارتند از : نفتکشهای ۳۳ هزار تنی رضا شاه‌کبیر ، ۳۳ هزار تنی محمد رضا شاه پهلوی و ۵۳ هزار تنی فرح پهلوی) .

۲۹ مه ـ (۸ خرداد) ـ مذاکرات ایران و شوروی : مذاکـره برای رفع اختلافات بین دو دولت بین نخست‌وزیر و پکوف سفیر کبیر شوروی‌آغاز شد .

۳۰ مه ـ (۹ خرداد) مراجعت شاهنشاه و شهبانو ازسفر نروژ بتهران.

۲ ژوئن ـ (۱۳ خرداد) ـ آتش سوزی : ۴ بعد از نیمه شب حریقی در بازار تهران تیمچهٔ حاجب‌الدوله و دالان امین‌الملك بوقوع پیوست و ۴۰ مغازه طعمهٔ حریق‌شده در حدود ۲۰ میلیون ریال خسارت واردآورد .

مسابقات کشتی آزاد جهانی در ژاپن انجام گـرفت و روز ۱۴ خـرداد پایان یافت تیم ایران ۵ مدال طلا و یك مدال نقره ویك مدال برنز بدست‌آورده‌قهرمان‌جهان شناخته‌شد.



اسکلهٔ شرکت نفت در آبادان

۳ ژوئن ـ (۱۳ خرداد) اتحادیـهٔ زنان حقوقدان در تهران موجودیت خـود و برنامهٔ خود و تقاضای اجرای مواد زیر را اعلام‌کرد :

حق انتخاب‌کردن و انتخاب شدن در مجلس شورا وسنا، تساوی حقوق زنان‌بامردان درکلیهٔ مشاغل‌کشوری ، ارجاع طلاق به محاکم ، الغاء تعدد زوجات ، الغاء نکاح منقطع و بعضی اصلاحات دیگرراجع بحقوق زنان .

۴ ژوئن ـ (۱۴ خرداد) ـ اعلام محدودیت واردات و منع فـروش ارز در موردکالاهای لوکس و غیر ضروری از جمله مشروبات الکلی ، لوازم‌آرایش ، قماش نخی ، لوستر ، کریستال ، یخچال ، کولر ، تلویزیون و انواع اتومبیل سواری و شکاری .

قطع ارز تحصیلی : وزارت فرهنگ ارز تحصیلی ۴۰۰ دانشجوی ایرانی را در خارجه که اولیای ایشان از متنفذین بوده و تمکن داشتند قطع نمود .

۵ ژوئن ـ (۱۵ خرداد) محاکمهٔ دکتر بقائی باتهام انتشار اعلامیهٔ مبنی بر تحریك افسران آغاز شد وازطرف دادگاه بدوی نظامی بدو سال زندان محکوم ودردادگاه تجدیدنظر تبرئه شد .

۷ ژوئن ـ (۱۷ خرداد) اعلام محدودیت مسافرت بخارج : دولت اعلام کرد که بسبب مضیقهٔ ارزی از این پس تنها بـه بیماران و بازرگانان و مسافـرین سیاسی و اتباع خارجه اجازهٔ مسافرت بـه خارج داده خواهد شد و از مسافرت‌های تفریحی جلـوگیری می‌شود . (قبلاً سالی در حدود یك صد هزار نفر به خارج کشور ایـران مسافرت میکردند).

۸ ژوئن ـ (۱۸ خرداد) دولت اعلامیه‌ای راجع بانتخابات نشر داده وعـده داد که بزودی آئین‌نامهٔ اجرائی قانون قدیم انتخابات را اصلاح میکند و انتخابات راازطریق صدورکارت آغاز خواهدکرد .

۹ ژوئن ـ (۱۹ خرداد) ـ آتش سوزی : صبح حریقی سخت در انبار لاستیك و اتومبیل نمایندگـی اوپل روی دادکـه هفت صد حلقه لاستیك و تعدادی اتـومبیل سوخت .

۱۱ ژوئن ـ (۲۱ خرداد) ـ زلزله در لار : زلزلهٔ شدیدی درشهرقدیم لاررخ دادکه تلفات آن به ۱۵۰ نفر و مجروح ۱۸۰ نفر رسید .

اعطای اسناد مالکیت : اسناد مالکیت بیست دهکده از املاك پهلوی دربابلسر به نمایندگان ۲۳۰۰ خانوادهٔ روستائی از طرف شاهنشاه اعطاء گردید .

۱۳ ژوئن ـ (۲۳ خرداد) ـ گانتر رئیس قسمت خاورمیانهٔ صندوق بین‌المللی پول درراس یك هیئت ۴ نفری برای مذاکره راجع ببرنامهٔ جدید تثبیت اقتصادی ایران بتهران وارد شد .

۱۴ ژوئن ـ (۲۴ خرداد) ـ منافـع استخراج نفت : کنسرسیوم نفت اعـلام کردکه اصل دریافت ۵۰ درصد منافع استخراج نفت از طرف دولت ایران در مورد بهای نفت تصفیه شده نیز ازاین پس رعایت خواهد شد .

۱۵ ژوئن ـ (۲۵ خرداد) ـ اعطای اسناد مالکیت : شاهنشاه اسناد مالکیت اراضی پیله سوار دشت مغان و اراضی خالصهٔ جلفا را بکشاورزان اعطاء کردند.

۱۷ ژوئن ـ (۲۷ خرداد) ـ توقیف آزموده : سپهبد آزموده رئیس سابق دادرسی ارتش که بازنشسته شده و علیه دولت دکتر امینی بعنوان مخالفت با اساس حکـومت ملی و

آزادی اعلام جرم کرده بود باتهام تحریك علیه دولت بازداشت شد .

۲۰ ژوئن ـ (۳۰ خرداد) ـ سقوط هواپیما : یك هواپیمای ارتشی در حال تمرین فرود چتربازان سقوط کرده ۴ افسر و ۴ گروهبان کشته شدند .

۲۲ ژوئن ـ (۱ تیر) ـ بمناسبت استقلال کویت شاهنشاه تلگراف تبریکی به شیخ کویت مخابره نمودند .

ورود دکتر میشل ایفنو کاراوکارا نخست‌وزیر ناحیهٔ شرقی نیجریه با هیئتی‌از آنکشور بتهران درراه سفر به پاکستان .

۲۵ ژوئن ـ (۴ تیر) ـ ۲۰۸ نفر از دانشجویان ایرانی مقیم امـریکا بـرای استفاده از تعطیلات تابستانی بصورت دسته‌جمعی بایران آمـده بحضور شاهنشاه شرفیاب شدند و روز ۱۲ تیر در منظریه با نخست‌وزیر نهار صرف کردند . نخست‌وزیر اظهار داشت «سازمان سرپـرستیها منحل میشود ، بعضی از دانشجویان در امـریکا در رشته‌هائـی درس میخوانند که اصلا بدرد مملکت نمیخورد . **ما با موقعیت خاص و مرزمشترك طویل حتماً باید زبان روسی هم بدانیم .»**

قرارداد با لهستان: هیئت‌بازرگانی ایران که بمناسبت گشایش سی‌امین‌بازارمکاره پزنان بورشورفته بودقرارداد بازرگانی بادولت لهستان امضاءکرده حجم‌معاملات‌فیمابین‌را افزایش‌داد

۲۷ ژوئن ـ (۶ تیر) بهره برداری از **لولهٔ نفتی** شهر ری به شاهـرود آغاز گشت .

۲۷ ژوئن ـ (۷ تیر) ـ بازداشت احمدآرامش : احمدآرامش وزیر مشاورو سرپرست سابـق سازمان برنامه درکابینهٔ شریف امامی بـه اتهام اظهار مطالبی در مصاحبهٔ مطبوعاتی که بعقیدهٔ دولت باعث تشویش افکار عمومی گشته است از طرف دولت دکتر امینی بازداشت گردید .

۳۰ ژوئن ـ (۹ تیر ماه) ـ ورود حاج احمد بلو نخست‌وزیر نیجریه‌غربی‌با چهار وزیر کابینهٔ خود بتهران برای دیدار رسمی .

۳ ژوئیه ـ (۱۲ تیر ماه) ـ انحـلال هفت اداره در وزارت فـرهنگ : ادارات کودکستانها، تعلیمات ابتدائی، تعلیمات متوسطه، تعلیمات اکابر، تعلیمات اساسی، تعلیمات اداری ، امتحانات ، مرکز تحقیق منحل وبجای‌آنها ادارات تربیت معلم ، تهیه کتابهای درسی، تنظیم برنامه‌های تعلیماتی و فعالیتهای فرهنگی تأسیس شد .

۵ ژوئیه ـ (۱۴ تیر ماه) ـ انحلال وزارت گمـرکات : وزارت گمـرکات و انحصارات منحل گردید و ادارات قند وشکر و غله و نان، سازمان چای وانحصاردخانیات وادارهٔ کل باربری بوزارت دارائی ملحق شده وادارهٔ کل گمرکات وسازمان بنادروکشتیرانی

ضمیمهٔ وزارت بازرگانی گردید .

۶ ژوئیه ـ (۱۵ تیر ماه) امضای موافقتنامهٔ هوائی بین ایران و آلمان .

۷ ژوئیه ـ (۱۶ تیر ماه) ـ ورود مارشال ایوبخان رئیس جمهوری پاکستان بتهران در راه مسافرت بامریکا و ملاقات با شاهنشاه در فرودگاه مهرآباد .

۸ ژوئیه ـ (۱۷ تیر ماه)ـ ورود هیئت حسن نیت ایران به‌کویت بریاست صدرالاشراف حامل پیام شاهنشاه و توقف سه روزه .

۹ ژوئیه ـ (۱۸ تیر ماه) ـ ورود هیئت فرهنگی ۵ نفری ژاپنی بتهران برای مذاکره دربارهٔ توسعهٔ روابط فرهنگی و مبادلهٔ دانشجو .

سقوط هواپیما : یك هواپیمای تعلیماتی باشگاه نیروی هوائی در دوشان‌تپه‌سقوط کرد و دونفر از سر نشینان آن کشته شدند .

۱۰ ژوئیه ـ (۱۹ تیر ماه) ـ ورود کنت دوپاری مدعی تخت و تاج فرانسه به تهران بعنوان میهمان دربار شاهنشاهی ـ وی روز ۲۷ تیر ماه تهران را ترك گفت .

۱۵ ژوئیه ـ (۲۴ تیر ماه) ـ آتش سوزی : در اثرانفجار یك واگن کاربیت در محوطهٔ بنگاه راه‌آهن دولتی در تهران شش واگن حامل کالاآتش گرفت و در حدود ۲۰ میلیون ریال خسارت واردآمد .

۲۳ ژوئیه ـ (۱ مرداد) ـ اعتراض بدولت شوروی : دولت ایران رسماً در مورد اظهارات رادیو مسکو علیه ایران بدولت شوروی اعتراض کرد .

ورود روحانیان پاکستان : سه نفرازروحانیان درجهٔ اول پاکستان برای‌توقف ده روزه و جلب اتحاد ملل اسلامی بایران‌آمدند .

توقیف سران جبههٔ ملی : سران جبههٔ ملی بسبب تظاهرات دوروز قبل دستگیرو بازداشت شدند .

۲۵ ژوئیه ـ (۳ مرداد) ـ وام‌آمریکا : بانك صادرات و واردات‌آمریکا هفت میلیون دلار بمدت هفت سال برای خرید ۱۶ دیزل برقی و وسائل راه‌سازی به‌ایران وام داد .

سمپوزیوم علوم فضائی برای تحقیقات فضائی با حضور دکتر ژوزف کاپلان رئیس کمیتهٔ ملی امریکا در تحقیقات سال ژئوفیزیکی بین‌المللی در باشگاه دانشگاه تهران تشکیل شد.

۲۷ ژوئیه ـ (۵ مرداد) ـ اعزام هیئت اقتصادی به‌آلمان : این هیئت به ریاست مهندس فریور وزیر صنایع برای تقاضای هفتصد میلیون مارك کمك و اعتبار و مذاکره در مورد جلب مساعدت در صنایع نفت وکشاورزی و آبیاری و صنایع عازم

آلمان شدند .

۲۷ ژوئیه ـ (۵ مرداد) درگذشت بانو صدیقهٔ دولت‌آبادی از بانیان نهضت زنان ایران در سن ۸۰ سالگی .

۲۸ ژوئیه ـ (۶ مرداد) ـ تقاضای وام : هیئت اقتصادی ایران که به‌واشنگتن اعزام شده بود از امریکا و بانك بین‌المللی تقاضای ۷۳۲ میلیون دولار وام برای امور عمرانی و صنعتی کردن کشور نمود . امریکا با توسل باینکه هزینهٔ برنامهٔ عمرانی ایران خارج از قدرت منابع محلی برای استرداد وام است تقاضا را رد نمود .

۳۰ ژوئیه ـ (۹ مرداد) شش‌نفر ازاستادان دانشگاه تهران بریاست دکتر گاگیك بمنظور شرکت درکنگرهٔ بین‌المللی بیوشیمی عازم مسکو شدند .

ورود حبیب شطی نمایندهٔ فوق‌العاده رئیس جمهورتونس‌حامل پیام رئیس‌جمهور بتهران و تقاضای کمك کشورهای مسلمان عضو سنتو در منطقهٔ بیزرت .

۲ اوت ـ (۱۱ مرداد) ـ تولید نفت : طبق گزارش رسمی ، ایران در شش ماه‌اول‌سال ۱۹۶۱ میلادی ۱۶/۲٪ بتولیدنفت خود افزوده وتولیدمدت‌مزبور ۲۸/۴۸۷/۰۰۰ تن نفت بوده که در خاورمیانه مقام سوم را داشته است .

۸ اوت ـ (۱۷ مرداد) ـ چارلی چاپلین نابغهٔ معروف سینما در سفر خود هنگام بازگشت از ژاپن بفرانسه باتفاق همسر و سه فرزندش سه ربع ساعت در فرودگاه مهرآباد توقف کرد .

۹ اوت ـ (۱۸ مرداد) ـ حریق گمرك جلفا : گمرك جلفا هشت‌ساعت‌ونیم در آتش سوخت .

۱۰ اوت ـ (۱۹ مرداد) ـ وام ازآلمان : دولت‌آلمان باپرداخت ۲۰۰میلیون مارك وام بایران موافقت کرد و قرارداد بامضاء رسید .

ورود چستر باولز : معاون وزارت خارجهٔ امریکا و یکساعت‌ونیم توقف درتهران و مذاکره باسفیرکبیر امریکا .

۱۳ اوت ـ (۲۲ مرداد) ـ قرارمجرمیت سرتیپ نویسی مدیرعامل سابق‌شرکت شیلات و عده‌ای از اعضاء هیئت مدیره شیلات و عاملین فروش‌آن صادر شد .

۱۴ اوت ـ (۲۳ مرداد) ـ تعقیب متهمین : دادستان دیوان‌کیفر اعلام کرد که ۴۰۰ نفر مأمورین دولتی تحت تعقیب میباشند .

۱۵ اوت ـ (۲۴ مرداد) ـ افزایش بودجهٔ فرهنگ : ۷۵ میلیون تومان برای پرداخت ترمیم و اضافات و ترفیعات حقوق معلمین به بودجهٔ فرهنگ افزوده‌شد.

۱۶ اوت ـ (۲۵ مرداد) ـ تصویب بودجهٔ کل کشور در جلسهٔ هیئت دولت: رقم کل بودجه ۵۷ میلیارد ریال ، درآمد پیش‌بینی شده ۵۵/۵ میلیارد ریال، ولذا ۲۶۰ میلیون ریال کسر بودجه بود .

۱۹ اوت ـ (۲۸ مرداد) ـ میتینگ ۲۸ مرداد در حضور شاهنشاه : این میتینگ بمناسبت قیام روز ۲۸ مرداد با حضور نیم میلیون نفر از مردم تهران در میدان دوشان تپه در حضور شاهنشاه تشکیل شد و شاهنشاه بیاناتی ایراد فرمودند .

۲۰ اوت ـ (۲۹ مرداد) ـ ورود نخست‌وزیر کامبوج درسرراه خود به بلگراد و توقف دوساعت در تهران .

اعلام وزیرخارجه بدولت شوروی : وزیر خارجه در مصاحبهٔ مطبوعاتی اعلام کرد بدولت شوروی اطمینان میدهیم که **ایران پایگاه اتمی ضد شوروی نخواهد شد .** وزیر خارجه ادعای خبرگزاری تاس را مبنی بر اینکه «مناطق وسیعی از ایران و پاکستان و ترکیه بوسیلهٔ پیمان سنتو بابمبهای اتمی مجهزوبصورت نواحی مرگباردرمیآید» تکذیب کرد .

۲۱ اوت ـ (۳۰ مرداد) ـ حریق در بندر شاهپور : ۳۰۰۰ خانه سوخت و ۳۰۰ نفر مجروح شدند و ۲۰۰۰ نفر آواره گردیدند. خسارت حریق ۵میلیون ریال تخمین زده شد .

۲۳ اوت ـ (۱ شهریور) ـ ورود تالبوت معاون وزارت خارجهٔ آمریکا : وی یکهفته درایران توقف کرده ازتأسیسات نفتی ایران بازدید کرد وبا نخست‌وزیر بمذاکره پرداخته روز ۶ شهریور تهران را ترک گفت .

نرخ پست و تلگراف افزایش یافت (در ظرف ده‌سال این مرتبه‌سوم بود که نرخ پست و تلگراف افزایش یافت) .

۲۸ اوت ـ (۶ شهریور) ـ هیئت نمایندگی ایران : در شانزدهمین دورهٔ اجلاسیهٔ مجمع عمومی سازمان ملل بریاست وزیرخارجه عازم نیویورک گردید .

۳۰ اوت ـ (۸ شهریور) ـ ورود صدراعظم افغانستان : سردار محمدداود خان‌در سرراه‌خود به یوگسلاوی برای شرکت درکنفرانس سران دول بیطرف ۴۵ دقیقه و روز ۱۶ در مراجعت ازکنفرانس مدت دو ساعت در تهران توقف کرده با نخست‌وزیر صرف ناهارکرد . وی اظهار داشت که تشکیل کنفرانس دول بیطرف برای رفع تشنجات بین‌المللی است .

۲ سپتامبر ـ (۱۰ شهریور) ـ ورود روشینیسکی رئیس قسمت بانک بین‌المللی بتهران برای مطالعه در برنامه‌هائی که برای اجرای آنها از بانک بین‌المللی وام

گرفته شده

۴ سپتامبر ـ (۱۱ شهریور) ـ اخذ وام از آلمان : طبق اعلام وزیر صنایع و معادن ، دولت ایران ۹۰۰ میلیون مارك از دولت آلمان و صاحبان صنایع آلمان بشرح زیروام گرفته: هفتصد میلیون آن هشت ساله با بهرهٔ ۵/۵ درصد وسیصد میلیون بقیه۱۵ساله بابهرهٔ ۳ تا۳/۷۵ درصد

آتش سوزی در کارخانهٔ برق آلستوم که یکساعت و نیم طول کشید و باعث قطع برق تهران شد . خسارات وارده بالغ برسه میلیون ریال تخمین گردید و بیست هزار کیلو وات از برق شهر کم شد .

۶ سپتامبر ـ (۱۴ شهریور) ـ ورود فرانسیس گونیو قائمقام مدیر عامل سازمان کاره (سازمان کمك‌های آمریکائی برای همهٔ کشورها) بتهران وتوقف یکهفته ومذاکره با مقامات ایران درباب طرح عمرانی بنادرجنوب و جزایر خلیج‌فارس .

۱۰ سپتامبر ـ (۱۸ شهریور) ـ افزایش رادیو آکتیویته در هوای ایران : مرکز اتمی دانشگاه تهران اعلام کردکه بر اثر انفجار بمب‌های اتمی شوروی درآسیای مرکزی مقدار رادیو آکتیویته هوای ایران به میزان زیادی بالا رفته است .

۱۱ سپتامبر ـ (۱۹ شهریور) ورود ده نفر از شمشیر بازان ژاپنی به تهران برای مسابقه .

۱۲ سپتامبر ـ (۲۰ شهریور)ـمحدودیت اعزام محصل بخارج نخست‌وزیر ووزیر فرهنگ اعلام داشتندکه اعزام محصل بخارج محدود شده و گذرنامهٔ عده‌ای‌ازمحصلین ایرانی در خارجه لغو و ارز تحصیلی آنها قطع وبتهران احضارشده‌اندوازسرپرستی صورت محصلینی که درس نمیخوانند خواسته شده .

۱۵ سپتامبر ـ (۲۳ شهریور) ـ ورود هیئت ژاپنی بتهران برای تجدید قرارداد بازرگانی ایران و ژاپن . در عرض یکسال ژاپن ۴۵ میلیون دلارکالابایران‌صادر کرده ولی تنها سه میلیون دولارکالا از ایران به ژاپن صادر شده است .

۱۷ سپتامبر ـ (۲۵ شهریور) ـ آغازهفتهٔ مبارزه بابیسوادی باپیام‌شاهنشاه: کلاسهای مبارزهٔ با بیسوادی شروع بکارکردند .

۲۴ سپتامبر ـ (۱ مهر) ـ اظهارات وزیرخارجهٔ ایران در مجمع عمومی سازمان ملل : وی موضوع تبلیغات خصمانهٔ رادیوئی و حملات مطبوعات شوروی را برعلیه ایران مطرح ساخت و با طرح شوروی نیز راجع به تقسیم وظائف دبیرکلی سازمان ملل به یك هیئت سه نفری مخالفت کرد .

۲۴ سپتامبر ـ (۲ مهر) ـ ایجاد روابط سیاسی با دولت کویت و موافقت ایران و کویت در مبادلهٔ سفیر کبیر .

۲۶ سپتامبر ـ (۴ مهر) ورود ۶۳ نفر هنرمندان سیرك مسکو بتهران ـ ۵۰ حیوان در این سیرك شرکت داشتند و در استادیوم ثریا نمایش دادند .

۲۸ سپتامبر ـ (۶ مهر) ـ بنیاد پهلوی از املاك پهلوی مجزا و با سرمایهٔ ۱۰ میلیارد ریال بریاست اسداله علم آغاز بکار کرد .

۱ اکتبر ـ (۸ مهر) ـ آغاز محاکمات بزرگ دادگستری و محاکمهٔ متهمین شیلات و تأسیس شعبهٔ مخصوصی در دیوان کیفر برای محاکمهٔ وزراء در دیوان کیفر .

۳ اکتبر ـ (۱۰ مهر) ـ ورود شیخ راشد حکمران دوبی برای دیدار رسمی به تهران.

شناسائی دولت جدید سوریه از طرف ایران پس از کودتای سوریه و جداشدن آنکشور از مصر (جمهوری متحد عربی) و اعلام استقلال .

۴ اکتبر ـ (۱۱ مهر) ـ حرکت سفیر کبیر ایران به مسکو بقصد مذاکره درمورد قطع حملات رادیوئی .

۵ اکتبر ـ (۱۲ مهر) ـ ورود نمایندگان نیجریه بتهران ضمن بازدید از کشورهای خاورمیانه .

۵ اکتبر ـ (۱۲ مهر) ـ لولهٔ گاز گچساران بطول ۳۵۰ کیلومتر تحت نظر وزارت صنایع و معادن بشیراز رسید .

۶ اکتبر ـ (۱۳ مهر) ـ وقف املاك و سرمایهٔ بنیاد پهلوی از طرف شاهنشاه برای انجام خدمات فرهنگی ، بهداشتی ، مذهبی و اجتماعی .

۸ اکتبر ـ (۱۵ مهر) ـ اعطای اسناد مالکیت : شاهنشاه اسناد مالکیت آخرین قسمت املاك پهلوی را در بجنورد و شاهی بنمایندگان ۴۳۰۰ نفر کشاورزان اعطا فرمودند .

۹ اکتبر ـ (۱۶ مهر) ـ جشن مهرگان در حضورشاهنشاه وشهبانودراستادیوم محمدرضا شاه برگزار شد و جوائز شاگردان اول اعطاء گردید .

دهمین کنگره پزشکی در رامسر با حضور ۵۰۰ نفر پزشکان ایرانی وخارجی گشایش یافت .

۱۱ اکتبر ـ (۱۸ مهر) ـ کارخانهٔ قند نیشکر هفت تپه در خوزستان ازطرف شاهنشاه گشایش یافت .

شرکت ملی نفت اعلام کـرد کـه در نتیجهٔ مذاکـرات هیئت اعـزامی در لندن ، کنسرسیوم پذیرفت که سطح تولید نفت ایران را بالا ببرد .



گشایش سدکرج

عزیمت شاهنشاه و شهبانو بفرانسه برای دیدار رسمی که سه روز میهمان رسمی دولت فرانسه بـودند . در این سفر نمایشگاه بزرگ آثار هفتهزار سالـهٔ هنری و تاریخی ایران در «پتی بالهٔ» پاریس ازطرف شاهنشاه گشایش یافت و نخستین سنگ بنای خانهٔ ایران در کوی دانشگاه پاریس نصب گردید .

۱۳ اکتبر ـ (۱۹ مهر) ـ شورای عالی فرهنگ تصویب کرد کـه بهر دانش آموز مردود ۲ تا ۴ نمـره ارفاق شود . (عالی ترین نمره در امتحانات مدارس ایـران ۲۰ است)

ورود اوریل هریمن وزیر کشاورزی امریکا بتهران در رأس یك هیئت ۱۲ نفری برای مطالعه در امور کشاورزی ایران ودو روز توقف درایران .

ورود وان زیلند نخست وزیر سابق بلژیك ووزیر مشاور کابینهٔ روز برای دیدار چهارروزه به تهران .

۱۵ اکتبر ـ (۲۳ مهر) ـ محدودیت کالاهای واردهٔ از ژاپن بدنبال شکست

موقت مذاکرات بازرگانی بین دودولت .

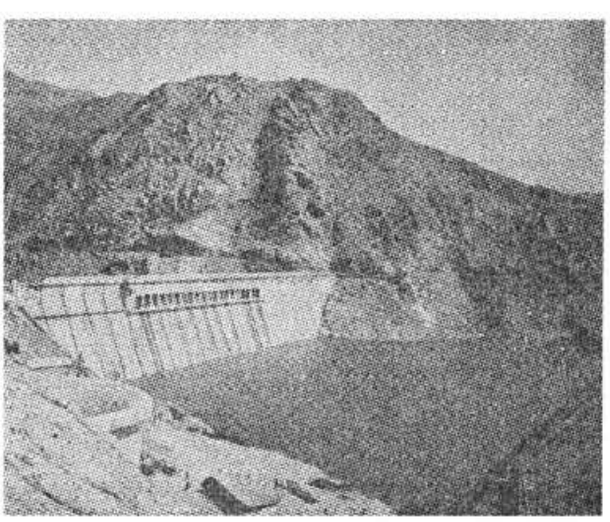
آئین‌نامهٔ تکمیلی انتخابات در هیئت دولت بتصویب رسید . طبق این آئین نامه رأی دهندگان باید در موعد مقرر نام خود را در دفاتر معینی ثبت کنند تا حق رأی دادن داشته باشند .

۱۳ اکتبر ـ (۳۰ مهر) جلسات هیئت عاملهٔ سازمان کشورهای صادرکنندهٔ نفت (اوپك) با حضور نمایندگان ایران ، عربستان‌سعودی ، ونزوئلا، کویت وقطردرتهران آغاز گردیدوسومین کنفرانس رسمی‌درششم آبان در تهران گشایش یافت. نمایندگان عراق حضور نیافتند .

پیوستن‌ایران به‌قطعنامهٔ شش‌دولت برای جلوگیری ازآزمایشهای‌اتمی‌شوروی. این قطعنامه بسازمان ملل تقدیم شد .

اکتبر ـ (مهر ماه) ـ کشف گنجینهٔ پادشاهان و آثار تاریخی در تپه‌های رحمت‌آباد رودبار رشت متعلق به پنجهزار سال پیش که حاوی جامهای متعدد طلا و نقره و زینت‌آلات و مجسمه و جواهرات بود و بمبلغ چهل میلیون ریال تخمین شد و نمایشگاه موقتی ازآنها در موزهٔ ایران باستان در تهران برای ملاحظهٔ مردم ترتیب داده شد .

۲۳ اکتبر ـ (۱ آبان) ـ بازگشت شاهنشاه و شهبانو بتهران پس‌ازسفر۱۳ روزه بفرانسه .



سدکرج ـ تهران

۲۵ اکتبر ـ (۳ آبان) ـ گشایش سدکرج از طرف شاهنشاه : این سد سالانه ۱۱۵ میلیون متر مکعب‌آب و ۷۵ هزارکیلو وات برق خواهد داد وگنجایش افزایش برق را تا ۱۱۰ هزارکیلو وات دارد ـ هزینهٔ ساختمان سد درمدت پنجسال ۴۵۰۰ میلیون‌ریال شده است .

۳۰ اکتبر ـ (۸ آبان) ـ آغاز بتن‌ریزی سد دز در خوزستان که ارتفاع آن به ۲۰۳ متر میرسد . ساختمان این سد ۶/۵ میلیون دولار هزینه خواهد داشت و برق تمام خوزستان را تأمین میکند و اراضی خوزستان را آبیاری خواهد کرد .

۳۱ اکتبر ـ (۹ آبان) ـ روز کودک: این روز بمناسبت تصادف با روز تولد ولیعهد ایران روز کودک اعلام شد .

۱ نوامبر ـ (۱۰ آبان) تیم فوتبال ارمنستان شوروی موسوم به اسپارتاک برای انجام چند مسابقه بتهران وارد شد و در مسابقات پیروز گردید .

۳ نوامبر ـ (۱۲ آبان) ـ روز سازمان ملل : بمناسبت شانزدهمین سال تأسیس و گشایش سازمان ملل مراسم جشنی در دانشگاه تهران برگزار شد .

ورود نمایندگان صندوق طرحهای عمرانی امریکا بریاست استوکس بتهران برای مطالعه در پرداخت وام تازه‌ای بسازمان برنامه ـ سازمان برنامه تقاضای ۴۵ میلیون دولار وام برای اجرا و اتمام طرحهای خود نمود .

۵ نوامبر ـ (۱۴ آبان) ـ اجتماع دانشجویان در دانشگاه و تظاهر بعنوان همدردی با مبارزان الجزایر .

۶ نوامبر ـ (۱۵ آبان) ـ کمك مالی امریکا : سفیر کبیر امریکا اعلام کرد که دولت وی با پرداخت مبلغی کمك بلاعوض باضافه مبلغی وام موافقت کرده که محتاج به تصویب کنگرهٔ امریکاست . نخست‌وزیر ۵۰ میلیون دلار کمك تقاضا کرده بود . دولت امریکا قبلا در اوایل کابینهٔ دکتر امینی ۱۵ میلیون دلار کمك بلاعوض داده بود .

۷ نوامبر ـ (۱۶ آبان ماه) ـ گشایش کنفرانس نفت اوپك در تهران در کاخ وزارت دارائی با نطق نخست‌وزیر. غالب جلسات این کنفرانس سری بود و ۱۲ قطعنامه بتصویب آن رسید.

۸ نوامبر ـ (۱۷ آبان) ـ بازداشت ابتهاج مدیر عامل اسبق سازمان برنامه طبق قرار بازپرس دیوانکیفر باتهام حیف و میل در ۶۹ میلیون دلار و تخلف از قانون سازمان برنامه ، و احضار آرامش و چند تن از مأموران عالی رتبهٔ سازمان برنامه برای ادای توضیح ـ طبق اظهار وزیر دادگستری در ۲۳ آبان، ۱۴ پرونده مربوط باتهامات ابتهاج به بازپرسی فرستاده شده . ابتهاج تا سال بعد در زندان بسر برد و بعداً باسپردن وجه الضمان آزاد گردید .

کشف شبکهٔ حزب توده در اصفهان .

کشف آثار باستانی گرانبها در تپهٔ چراغعلی رودبار گیلان متعلق بسه هزار سال پیش (قبل از دورهٔ مادها) .

۱۴ نوامبر ـ (۲۳آبان) ورود چند تن از بوکسورهای آلمانی به تهران برای انجام مسابقه .

۱۵ نوامبر ـ (۲۴آبان) ـ صدور فرمان شش ماده‌ئی شاهنشاه : خطاب به نخست‌وزیر مبنی برتأکید به هیئت وزراء که تا تشکیل مجلس قوانین لازم را در مورد انجمن‌های ده و شهر و ایالتی و ولایتی و استخدام کشوری و اصلاح قانون تحدید مالکیت و اصلاحات ارضی و مکانیزه کردن کشاورزی و وصول مالیاتها و اصلاح فرهنگ و اصلاح برنامه‌های درسی وضع نموده بموقع اجراء گذارند .

بازداشت شهردار سابق تهران فتح‌الله فرود باتهام سوءاستفاده از مقام .

۱۶ نوامبر ـ (۲۵آبان) ـ اعطاء اسناد مالکیت ۱۴ هزار هکتار از املاك پهلوی بنمایندگان ۲۴۶۴ خانوار ازکشاورزان در شاه‌آباد غرب .

چاه شماره ۴ نفت شرکت ایپاك (نفت ایران و پان‌امریکن) در ۵ کیلومتری جزیرهٔ خارك بنفت رسید و محصول چاه شمارهٔ یك بنام چاه داریوش طبق اعلام هامیلتون مدیر عامل شرکت مزبور بزودی بارگیری خواهد شد .

۱۵ نوامبر ـ (۲۶آبان) دستهٔ فوتبالیست‌های سوئدی برای انجام مسابقه وارد تهران شدند .

۱۹ نوامبر ـ (۲۸آبان) ـ تصادف قطار با اتومبیل وانت درراه‌آهن تهران. کرج و قتل ۱۰ دختر و پسر و مجروح گشتن ۲۳ نفر .

۲۰ نوامبر ـ (۲۹آبان) ـ گشایش کارخانجات قند اصفهان و سیمان فارس با استفاده ازگازو گشایش بیمارستان خلیلی درشیرازو کارخانهٔ قند پارس (دربخش کوارفارس) از طرف شاهنشاه .

۲۲ نوامبر ـ (۱آذر) ـ جشن درختکاری درپارك ولیعهد (دربیسیم نجف‌آباد) با غرس یك سرو نقره‌ای بدست شاهنشاه آغاز شد .

حقوق فرهنگیان : ۵۰ درصد اشل تازهٔ حقوق فرهنگیان پرداخت شد. طبق‌این اشل حداکثرحقوق کمك آموزگاران ۱۰۵۰ تومان، حداکثرحقوق آموزگاران ۱۴۸۰ تومان و حقوق رتبهٔ ۹ دبیران لیسانسیه ۲۲۲۰ تومان گردید .

۲۳نوامبر ـ (۲آذر) ـ پرچم ایران برفراز قطب شمال بوسیلهٔ شرکت هواپیمائی اس.آ.اس. هنگام پرواز رکورد سرعت بدور جهان رها گردید .

لغو مالیات اراضی : مالیات یك درصد اراضی از طرف دولت لغو شد .

حمل نفت : اولین قسمت نفت استخراجی شرکت پان‌امریکن از زیرآبهای خلیج فارس بوسیلهٔ کشتی ۲۰ هزار تنی حمل شد .

۲۴ نوامبر ـ (۱۳ آذر) ـ بیانات نخست‌وزیر : دکتر امینی در اجتماع فضات دادگستری گفت «من بهم طبقه‌های خودم اعلان جنگ میدهم ـ اگر یك سلسله اصلاحات تند درکشور ما نشود دچار تشنجات خیلی خطرناك و ریشه‌دار و عمیق خواهیم شد . »

۲۷ نوامبر ـ (۶ آذر) هشتاد نفر مسافرین ایرانی یك موتورلنچ که ازبندر گناوه عازم کویت بود غرق شدند .

۳۰ نوامبر ـ (۹ آذر) ـ متن طرح پیشنهادی لایحهٔ استخدام منتشر شدکه طبق آن حداقل حقوق کارمندان ۴۰۰۰ ریال و حداکثر آن ۳۰/۰۰۰ ریال خواهد بود .

۲ دسامبر ـ (۱۱ آذر) گشایش کارخانهٔ لوله‌سازی سازمان آب از طرف شاهنشاه در قریهٔ کن ۱۲ کیلومتری تهران .

۲ دسامبر ـ (۱۱ آذر) یك کلاهبردار بین‌المللی موسوم به **مك‌روی** انگلیسی در تهران دستگیر شد .

۳ دسامبر ـ (۱۲ آذر) ـ هفته پیشآهنگی در این روز با پیام شاهنشاه وشهبانو آغاز گردید .

بازداشت مهام شهردار اسبق تهران طبق قرار بازپرس وآزادی وی پس‌از چند ساعت باکفالت مهدی باتمانقلیچ بمبلغ ۶۱۰ میلیون ریال وجه‌الضمان .

ممنوعیت ورود طلا به‌کشور از این تاریخ بنا بدستور دولت اعلام شد .

۴ دسامبر ـ (۱۳ آذر) ـ ورود پرزیدنت فروندیزی رئیس جمهور آرژانتین باتفاق‌همسرش و ۴۹ نفرروزنامه‌نگاروصاحبان مقامات‌دولتی آرژانتین به‌تهران‌درسرراه‌سفر به ژاپن .

صدور اعلامیهٔ شورای دانشگاه خطاب بدانشجویان وتأکیددرحفظ نظم‌وانضباط در دانشگاه .

۵ دسامبر ـ (۱۴ آذر) ـ لغو عوارض شهرداری : شهرداری اعلام کرد که هفت قلم عوارض مزاحم فعلی لغو شده و از این پس تنها یك نوع عوارض آن هم‌ازمستغلات و اراضی بمآخذهای ۵۰ و ۲۵ و ۱۰ دینار در ماه نسبت بهرمتر مربع وصول خواهد شد .

۶ دسامبر ـ (۱۵ آذر) ـ ورود شیخ صقربن سلطان القاسمی حاکم‌شارجه برای دیدار چند روزه بتهران .

بیانات نخست‌وزیر : دکتر امینی در اجتماع فرهنگیان اظهار داشت «کاری که‌ما کرده‌ایم شبیه انقلاب است .»

ورود گروه هنری بالهٔ پاکستان موسوم به بلبل بتهران برای انجام نمایش .

۷ دسامبر ـ (۱۶ آذر) ـ وضع عوارض فرودگاه : دولت مقرر کرد که ازهر مسافر ایرانی عازم خارج ۱۵۰ تومان بنام عوارض فرودگاه دریافت شود .

۹ دسامبر ـ (۱۸ آذر) ـ گشایش کارخانهٔ قند نیشکر خوزستان به دست شاهنشاه .

۱۲ دسامبر ـ (۲۱ آذر) ورود یك **هیئت نظامی عراقی** برای شرکت در جشن ۲۸ آذر که از جمله اقدامات در بهبود روابط ایران و عراق تلقی گردید .

۱۶ دسامبر ـ (۲۵ آذر) ـ روز مادر نامیده شد و مراسمی در حضور شاهنشاه و شهبانو انجام شده و سه نفر از مادرانی که بیش از دیگران فرزند داشتند جایزه گرفتند .



مراسم روز مادر در حضور اعلیحضرتین

۱۹ دسامبر ـ (۲۸ آذر)ـ بیانات نخست‌وزیر : دکتر امینی در یك مصاحبهٔ مطبوعاتی اظهار داشت که «اصلاح روابط مالك و زارع مقدم برهر مسئله‌ایست .»

ورود تیم کشتی ژاپن بتهران برای انجام مسابقهٔ .

۲۰ دسامبر ـ (۲۹ آذر) ـ انحلال فرهنگ استان : وزارت فرهنگ ادارهٔ

فرهنگ استان را با ۵۰۰ کارمند منحل کرد وکارمندان آنرا در اختیارکار گزینی فرهنگ قرار داد .

محاکمهٔ متهمین شیلات پایان یافت . سرتیپ نویسی مدیر عامل سابق بسه‌سال‌و نیم زندان و سه‌نفر اعضاء هیئت مدیره به یکسال‌ونیم و ششماه زندان محکوم شدند.

۲۱ دسامبر ـ (۳۰آذر) ـ موافقتنامه اقتصادی و فنی بین‌ایران وامریکابه امضاءرسید

دسامبر ـ (آذر ماه) در این ماه وقایع زیرنیز بوقوع پیوست :

✿ نشر لیست اسامی یك باند توزیع هروئین ازطرف ژاندارمری .

✿ **نشر آمار تهران** از طرف ادارهٔ آمار تهران بشرح زیر :

جمعیت تهران ۱۷۲۱۵۷۸ نفر ـ تهران دارای ۲۴۲ دبیرستان ـ ۴۲۸ مسجد ـ ۱۸۶۶۸۶ خانه مسکونی ـ ۴۹۹۳آپارتمان مسکونی ـ ۸۸۰آپارتمان خالی ـ ۱۹۷۸ آرایشگاه ـ ۱۵ استودیوی فیلمبرداری ـ ۱۱۹۶۸ باب خانهٔ خالی ـ ۳۲ دفتر روزنامه‌ـ ۲۲کلیسا و معابد مختلف ـ ۱۵۴۷ نانوائی ـ ۲٬۵۱۲ خیاطی ـ ۲۰۸۴۰ دکان خالی‌ـ۱۹ کارخانهٔ پلاستیك سازی ـ ۹کارخانهٔ نوشابهٔ الکلی است .

✿ هیئت مدیرهٔ صندوق وام‌های عمرانی پرداخت وام امریکا ، پرداخت **بیست میلیون دولار وام را به ایران** برای راهسازی و اجرای برنامهٔ دوم سازمان برنامه تصویب کرد

✿ اعلام شدکه **پروژهٔ اتصال راه‌آهن ایران باروپا** اجراء میشود و۱۵۰کیلو متر از شرفخانه تا مرز ترکیه ادامه مییابد ـ از طرف دیگرراه‌آهن ترکیه تاسه‌سال‌دیگر بمرز ایران میرسد .

✿ شاهنشاه ایران در یکی ازکلاسهای **مبارزهٔ با بیسوادی** درجنوب شهر تهران حضور یافته ساعتی تدریس فرمودند .

✿ نمایندگان ۷۵کشور درکمیتهٔ سیاسی مجمع عمومی سازمان ملل اعتراض ایران را بشوروی راجع به‌آزمایش‌های اتمی و تقاضای عدم اجرای‌آزمایش بمب ۵۰ مگاتنی تصویب کردند .

۲۲ دسامبر ـ (۱دیماه) بمناسبت یکصدمین سال تولد **رابیندرانات تاگور**شاعر وفیلسوف هندی جشنی در دانشگاه‌تهران برپاشد وبا پیام شاهنشاه ومعاون رئیس جمهررهند گشایش یافت .

۲۳ دسامبر ـ (۲ دیماه) ـ گشایش دانشکدهٔ عالی فرماندهی وستادمشترك‌از طرف شاهنشاه .

ورود بولینگ رئیس ادارهٔ امور ایران در وزارت خارجهٔ امریکا بتهران و چند روز توقف.

۲۴ دسامبر ـ (۳ دیماه) مبلغ پنجمیلیون‌ریال برای اجرای‌لایحهٔتمام‌وقت‌استادان درسه ماههٔآخر سال دراختیار دانشگاه تهران گذاشته شد .

درگذشت طباطبائی : سید محمد صادق طباطبائی ازرهبران دورهٔ اول‌مشروطیت و نمایندهٔ سابق مجلس شورا و سنا در سن هشتاد و یك سالگی درگذشت .

۲۷ دسامبر ـ (۶ دیماه) ـ طرح اصلاحات ارضی و تحدید مالکیت : پس‌از هشت ماه طرح اصلاحی‌تحدید مالکیت مشتمل بر۳۸ماده بتصویب هیئت‌وزراءوبامضای شاهنشاه رسید ودستوراجرای‌آن بدولت صادر شدوانتشار یافت .

طبق این طرح هیچ مالکی نمیتواند بیش از یك ده ششدانگ داشته باشد وبقیهٔاملاك مالکان براساس مالیات پرداخت شدهٔ ایشان از طرف وزارت‌کشاورزی خریداری شده وبین زارعین هرملك تقسیم میشود . طبق اظهار وزیر کشاورزی هفده هزارقریه درایران‌مشمول این قانون میشوند و مقرر گردید از روز ۲۵ دی اجرای‌آن از بخش مراغهٔآذربایجان آغاز گردد

۲۸ دسامبر ـ (۷ دیماه) دادگاه تجدید نظرشمارهٔ ۳ نظامی پس‌از۱۳جلسه‌دکتر بقائی را از اتهام منتسبه تبرئهٔکرد .

تیم‌های ملی کشتی ترکیه و بلغارستان برای انجام مسابقات سه جانبه وارد تهران شدند .

۱۹۶۲ـ(۱۳۴۰ـ۱۳۴۱)

۱ ژانویه ۱۹۶۲ ـ (۱۹ دی ماه ۱۳۴۰) تیم والیبال و بسکتبال ملی دختران ترکیه برای انجام مسابقه به تهران وارد شدند این مسابقات با پیروزی تیم ایران پایان‌یافت.

۵ ژانویه ـ (۱۴ دی ماه) ـ برنامه سوم عمرانی وآبادانی ایران درسازمان برنامه با حضور شاهنشاه و نخست‌وزیر و وزرای مربوط بررسی شده بتصویب رسید .

۷ ژانویه ـ (۱۵ دی ماه) ـ ورود یك هیئت پاکستانی بریاست معاون وزارت سوخت و برق ومنابع طبیعی پاکستان بتهران برای مذاکره درمورد مسائل مربوط به نفت .

دانشجویان سال‌اول دانشسرایعالی بعنوان اعتراض بقطع‌کمك هزینهٔ تحصیلی‌اعتصاب کرده از حضور درکلاسها خودداری‌کردند .

۹ ژانویه ـ (۱۷ دیماه) ـ اظهارات وزیر دادگستری : وزیر دادگستری گفت : «سوء استفاده کنندگان پس‌ازجنگ درتمام ایران ۳۰۰ نفرهستندکه عدالت‌اجتماعی را در اذهان متزلزل کرده‌اند مسئلهٔ تعقیب وزراء هم بزودی حل خواهد شد .»

۱۰ ژانویه ـ (۱۸ دی ماه) ـ احضار وزیر اسبق فرهنگ به بازپرسی: **دکتر مهران** وزیر اسبق فرهنگ باتهام سوء استفاده از ساختمانهای وزارت فرهنگ به بازپرسی احضاروپس‌ازاوتحقیقات بعمل‌آمد وقرارمجرمیت‌متهمان‌فرهنگ استان‌نیز صادر شد .

۱۱ ژانویه ـ (۱۹ دی ماه) ـ تب‌آبله در ایران : بدنبال خبر شیوع‌آبله در پاکستان، وزارت بهداری مردم رابه‌آبله‌کوبی دعوت‌کرد وآبله‌کوبی درمؤسسات ومدارس اجباری شد ودر قریه‌های مرزی پاکستان مبارزهٔ با بیماری‌آبله‌آغاز گردید .

۱۳ ژانویه ـ (۲۱ دیماه) ـ ورود پادشاه و ملکهٔ دانمارك بتهران درسر راه سفرخود به تایلند و سه‌ربع ساعت توقف در تهران .

۱۵ ژانویه ـ (۲۳ دی ماه) ـ فرهنگستان ایران : اعلام شدکه طبق تصمیم هیئت وزراء فرهنگستان ایران‌که سالها پیش تعطیل شده بود با ۲۹ نفر اعضاء تازه‌بانضمام هفده نفر اعضاء سابق مجدداً بکار خواهد پرداخت . (ولی این تصمیم عملی نشد)

استعفای وزیر دارائی : بهنیا وزیردارائی بسبب مخالفت بالایحهٔاصلاحات‌ارضی استعفا کرد

۱۹ ژانویه ـ (۲۷ دی ماه) ـ ورود کامپ‌من نخست‌وزیر دانمارك در راه سفر به هندوستان و توقف ۲۴ ساعت در تهران و مذاکره با نخست‌وزیر .

ورود پاتریارك شمعون پیشوای کلیسای خاوری بتهران .

۲۱ ژانویه ـ (۱ بهمن) ـ قرارداد ترانزیتی ایران و افغان : به امضاء رسید. طبق این‌قرارداد مقداری ازکالاهای وارداتی افغان ازراه خرمشهر ویا راه‌آهن‌حمل میشود و ایران در نرخ راه‌آهن مبلغی بدولت افغان تخفیف میدهد .

اظهارات وزیر دادگستری : الموتی وزیر دادگستری در مصاحبهٔ مطبوعاتی اظهار داشت : «بازداشت ابتهاج سیاسی نیست و سازمان برنامه در زمان وی به خارجیان اختیارات فوق‌العاده داده بود بطوریکه مهندسین مشاور خارجی هم فروشندهٔ ماشینها بودند وهم مشاور خرید ؛ و برنامه‌های اجرا شده نیز در بهبود وضع اقتصادی کشورتأثیری نداشته و ازکارمندان ایرانی هم استفاده نشده است .»

تظاهرات دانشجویان و تعطیل دانشگاه : بدنبال تظاهرات دانش‌آموزان و تعطیل چند دبیرستان‌که به بهانهٔ اخراج چند تن دانش‌آموز ازدبیرستان دارالفنون صورت

گرفته بود دانشجویان دانشگاه نیز دست به تظاهر زده بین ایشان و نیروهای انتظامی زدو خورد شدیدی در گرفته بطرف پلیسها سنگ پرتاب کردند، ودرحدود ۲۰۰ نفرازدانشجویان و پلیسها مجروح شدند . طی این زدوخورد به تأسیسات دانشگاه و مراکز اتمی متجاوز از سه میلیون ریال خسارت واردآمد وکلیهٔ آزمایشگاهها ازکارافتاد. در نتیجه دانشگاه به دستور دولت تا اطلاع ثانوی تعطیل گردید ـ درتظاهرات روز ۳ بهمن یکنفراز شاگردان دبیرستان علمیه نیز بقتل رسید . دولت اعلام کرد که «تظاهرات اول بهمن به تحریك مالکان و متنفذین بوده است و عمال کمونیسم نیز درآن دست داشته‌اند . »

بازداشت سران جبهه ملی: بدنبال حادثهٔ دانشگاه، همکاران سابق دکترمصدق بشرح زیر: دکترصدیقی ، دکترسنجابی، دکترآذر، مهندس حسیبی ، مهندس زیرك‌زاده، شمس‌الدین امیر علائی که از سران جبهه ملی نیز بودند و جعفر بهبهانی ، فرود و رشیدیان و صادق بهداد نیز بازداشت شدند .

۲۴ ژانویه ـ (۴ بهمن) ـ کمك امریکا : دولت امریکا ۱۸ میلیون دولار به عنوان کمك برای اجرای **برنامهٔ اصلاح ارضی و تشکیل صندوق‌های تعاونی روستائی** بدولت ایران پرداخت .

۲۵ ژانویه ـ (۵ بهمن) ـ عزیمت سپهبد بختیار : سپهبد بختیار تهران را بقصد رم ترك گفت و در رم به خبرنگاران اظهارداشت که با قانون اصلاحات ارضی مخالف است. سخنگویان دولت اعلام کردند که‌وقایع دانشگاه ودسته‌بندی ملاکین بزرگ براهنمائی سپهبد بختیار انجام شده است .

۲۷ ژانویه ـ (۷ بهمن) از طرف شهربانی دکتر شاپور بختیار ، مهندس خنجی و مسعود حجازی باز داشت شدند .

۲۸ ژانویه ـ (۸ بهمن) ـ فریمن وزیر کشاورزی امریکا کتباً اجرای اصلاحات ارضی را بوزیر کشاورزی ایران تبریك گفت .

۲۹ ژانویه ـ (۹ بهمن) ـ اعتراض بدولت شوروی : دولت ایران بمناسبت وقایع دانشگاه بدولت شوروی اعتراض کرد و نخست‌وزیر در مصاحبهٔ مطبوعاتی اعلام‌داشت «در روز حادثهٔ دانشگاه اتومبیلها و مأمورین سفارت شوروی در اطراف دانشگاه دیده شده‌اند و سپهبد بختیار به اتهام تحریك و توطئهٔ علیه دولت احضار و محاکمه خواهدشد»

ورود پل‌هوفمن : معاون دبیرکل سازمان ملل متحدبتهران برای مذاکره‌درباب کمکهای سازمان ملل متحد بایران .

۵ فوریه ـ (۱۶ بهمن) ـ تأمین اعتبار کارخانهٔ ذوب‌آهن : طبق اظهار وزیر صنایع ۱۵۰ میلیون دولار اعتباردوب‌آهن تأمین شده وبرای استخراج معادن زغال

وآهن منطقهٔ کرمان نیز ۶۰۰ میلیون ریال اعتبار در نظر گرفته شده است .

نمایشگاه آثار گرانبهای سه‌هزارسال‌پیش‌ایران ازآثارمکشوفه‌درتپهٔ‌چراغعلی‌درحضور شاهنشاه و شهبانو در موزهٔ ایران باستان گشایش یافت .

۶ فوریه ـ (۱۷ بهمن) ـ اسناد موافقتنامهٔ فرهنگی ایـران و ایتالیا بین وزیر خارجهٔ ایران و سفیر کبیر ایتالیا مبادله شد .

۷ فوریه ـ (۱۸ بهمن) تصویب‌نامـهٔ هیئت وزیران دربارهٔ بـرنامهٔ عمرانی سوم انتشار یافت : برای اجرای این برنامه ۵ درصد افزایش سالانهٔ درآمد نفت ، عواید گمرك و ۱۰درصد افزایش سالیانهٔ مالیات مستقیم در نظر گرفته شد .

کشف تریاك و سکهٔ طلا : مأمورین ژاندارمری در یکی از قرأء تـربت جام ۱۱۶ کیلوگرم تریاك ـ و ۲۲۹۷ سکهٔ طلای پهلوی کشف کـرده قاچاقچیان را دستگیر کردند .

اصلاحات ارضی در مراغه : وزیر کشاورزی اعلام کرد که‌اجرای‌اصلاحات‌ارضی در مراغه‌آغاز گردیده است .

۹ فوریه ـ (۲۰ بهمن) ـ ورود چستر باولز مشاورمخصوص کندی‌رئیس‌جمهور امریکا درافریقا وآسیا وآمریکای لاتین بتهران و ملاقات باشاهنشاه. وی‌ازبرنامهٔ‌اصلاحات ارضی تمجید کرد .

۱۰ فوریه ـ (۲۱بهمن) مذاکرات هیئت ده‌نفری‌نمایندگان‌بانك‌جهانی‌درتهران بامقامات ایران و سازمان برنامه در مورد اجرای برنامهٔ سوم‌آغاز گردید .

انقلاب سفید : دکتر امینی در اجتماع مالکین ، اصلاحات ارضی را **«انقلاب سفید»** نام نهاد و بایشان توصیه‌کردکه از طومارسازی و تحریکات‌دست بردارند.

۱۲ فوریه ـ (۲۳بهمن) وزیر کشاورزی درمصاحبهٔ مطبوعاتی گفت «وضع‌رعایای ایران مانند دوران ایلخانان مغول است و مشروطیت و انتخابات‌آزاد تنها باسرنگون‌شدن فئودالیسم امکان‌پذیر است.»

وزیر کشاورزی اعلام کرد : «محاضری‌که برخلاف قانون اصلاحات ارضی معاملاتی انجام داده‌اند سخت تحت تعقیب قرار میگیرند» .

۱۴ فوریه ـ (۲۵ بهمن) ۳تونل‌کهرود شمارهٔ ۷ جادهٔ هرازدر پنجاه‌کیلومتری آمل‌که دردست ساختمان بود فروریخت و ۱۳کارگر کشته شدند .

۱۵ فوریه ـ (۲۶ بهمن) ـ درگذشت سید علی نصر: ازبنیان‌گذاران‌تئاتر ایران و مؤسس اولین هنرستان‌هنرپیشگی‌که چندی‌نیزسمت وزارت وسفارت داشت‌درسن۶۶ سالگی .

۱۸ فوریه ـ (۲۹ بهمن) ـ ورود هانری‌فور فرستادهٔ مخصوص ژنرال دوگل و توقف دو هفته در تهران و ملاقات شاهنشاه و نخست‌وزیر و مطالعه در مورد امکانات اقتصادی ومادی .

فوریه ـ (بهمن ماه) گشایش اولین دبستان ایرانیان در دوبی از طرف وزیر فرهنگ ایران .

صدور رأی محکومیت متهمین راه‌آهن به زندان از طرف دادگاه دیوان‌کیفر . این اشخاص متهم به اختلاس و جعل در لیستها و حوالجات بودند .

۲۰ فوریه ـ (۱ اسفند) ـ ارنست لانگه مهندس جوان‌آلمانی‌کارمند شرکت زیمنس مأمور علامتگذاری راه‌آهن جنوب‌که حامل ۲۰۰ هزار تومان پول بود وبااتومبیل عازم‌آلمان بود مفقود گردید و اتومبیل او در حوالی تهران پیدا شد . (سال بعد جسد او در یکی از چاههای نزدیك تهران‌کشف گردید) .

۲۱ فوریه ـ (۲ اسفند) ـ وام از امریکا : قرار داد وام ۲۰ میلیون دولار از امریکا در سازمان برنامه بین رئیس سازمان برنامه مهندس اصفیاء و جولیوس هولمز سفیر امریکا به امضاء رسید و قرار شد ۱۴ میلیون‌آن به مصرف هزینه‌های جاری برنامهٔ هفت ساله برسد و ۶ میلیون صرف شاهراه‌های‌کشور شود .

۲۱ فوریه ـ (۲ اسفند) ـ سفر نخست‌وزیر باروپا : دکترامینی نخست‌وزیر سفر خود را به‌کشورهای اروپائی‌آغازکرد ـ درآلمان روز ۵ اسفند دکتر ادنائر نخست وزیرآلمان در ملاقات با دکتر امینی‌گفت :

«آلمان‌آمادهٔ‌کمك به ایران است» دکتر امینی سپس به بلژیك و روز ۱۱ اسفند به فرانسه رفت و با دوگل ملاقات نمود و روز ۱۵ به لندن رفته با مکمیلان ملاقات‌کرد و روز ۱۷ اسفند به ژنو رفت ـ در مصاحبهٔ مطبوعاتی ۸ اسفند در برلن‌گفت : «اگر دولت ایران در اجرای برنامهٔ اصلاحات ارضی شکست بخوردکمونیست‌ها در ایران نیرومند خواهند شد» .

۲۲ فوریه ـ (۳ اسفند) ـ سیل درکرمان ۳۰ خانه راخراب‌کردو۵۰۰نفررا آواره نمود .

وزیرکشاورزی در مصاحبه‌ای‌گفت : «یك روحانی‌نما پول هنگفتی ازمالکین‌گرفته میخواست علیه اصلاحات ارضی از علمای قم و نجف فتوا بگیرد .»

۲۶ فوریه ـ (۷ اسفند) ـ کمیتهٔ اقتصادی سنتو در واشنگتن گشایش یافت ـ اعلام شدکه دولت امریکا تصمیم به تقویت سنتو گرفته وکشورهای ایران، پاکستان،وترکیه در فشار عوامل چپ وهم سازمانهای دست‌راستی‌که مخالف بارفرم واصلاحات‌اقتصادی‌هستند

قرار گرفته‌اند .

۱ مارس ـ (۱۰ اسفند) ـ ربرت‌میسی رئیس‌تازهٔ عمران بین‌المللی امریکا گفت: «امریکا برای هر گونه کمك به ایران حاضر است ، **مهمترین قسمت برنامهٔ سوم‌ایران اجرای اصلاحات ارضی است .»**

۴ مارس ـ (۱۳ اسفند) در اثر انفجار مقدار زیادی فشفشه و باروت مربوط به آتش‌بازی شب چهارشنبه سوری در خیابان حسن‌خانی واقع درحوالی امامزاده معصوم ۱۸ نفر کشته و ۱۳ نفر بشدت مجروح شدند .

۶ مارس ـ (۱۵ اسفند) نصرتعلی صدری متهم بقتل دکتر صفدری به زندان ابد با اعمال شاقه محکوم گردید .

۷ مارس ـ (۱۶ اسفند) دانشسرای عالی که ازآغاز تعطیل دانشگاه (دوماه‌پیش) تعطیل شده بود گشایش یافت .

ورود تیم کشتی شوروی برای انجام مسابقه با قهرمانان ایران. مسابقه‌های‌اول وسوم بنفع تیم شوروی و مسابقهٔ دوم بنفع تیم ایران پایان یافت .

۱۳ مارس ـ (۲۲ اسفند) ـ اولین مرحلهٔ اجـرای اصلاحات ارضی در مراغه پایان یافت وروز۲۲ اسفند شاهنشاه درقریهٔ ورجوی ۶کیلومتری مراغه اسنادمالکیت زارعین را تقسیم فرمودند .

مارس ـ (اسفند) ـ درگذشت آیت‌الله کاشانی : آیت‌الله حاج سید ابـوالقاسم کاشانی صاحب شخصیت مذهبی و سیاسی به بیماری ذات‌الریه درگذشت .

نمایشگاه هفت هزار سالهٔ هنر ایران که قبلادرپاریس گشایش یافته بود درشهر «اسن» آلمان گشایش یافت .

۲۶ مارس ـ (۶ فروردین ۱۳۴۱) ـ ورود ژاکلین کندی به تهران : بانو کندی همسر رئیس جمهوری امریکاکه از سفر حسن‌نیت سه‌هفته‌ئی خود به هند و پاکستان باز می‌گشت یك ساعت در تهران توقف‌کرد و دکتر امینی نخست‌وزیر در مهرآباد از او استقبال کرد .

آزادی امرای ارتش : خبرآزادی پنج نفر امرای زیرکه سابقاً دارای مشاغـل مهم بوده وباتهام سوءِ استفاده در۲۳ اردیبهشت ۱۳۴۰ زندانی شده وروز ۲۹ اسفند۱۳۴۰ آزادگشته بودند در این روز انتشار یافت .

۲۷ مارس ـ (۷ فروردین) ـ کاظم‌زادهٔ ایرانشهر عارف ونویسندهٔ ایرانی و صاحب مجلهٔ ایرانشهر در سوئیس درگذشت .

شرکت هواپیمائی ملی ایران تشکیل و شرکت هواپیمائی ایران تعطیل شد .

۴آوریل ـ (۱۵ فروردین) ـ گشایش دانشگاه : دانشگاه تهران که بسبب تظاهرات دانشجویان علیه دولت دکتر امینی از بهمن سال ۱۳۴۰ از طرف دولت تعطیل شده بود پس از ۷۲ روز تعطیل گشایش یافت .

۱۰آوریل ـ (۲۱ فروردین) ـ مسافرت اعلیحضرتین به امریکا : بدعوت پرزیدنت کندی رئیس جمهور امریکا .

۱۲آوریل ـ (۲۳ فروردین) ـ بازداشت افسران: طبق اعلامیهٔ رئیس‌دادرسی ارتش ، افسران زیر به اتهام سوء استفاده و تقلب در خریدهای ارتش توقیف شدند .

سرلشکردفتری رئیس سابق‌تسلیحات ارتش ـ سرلشکر خزاعی رئیس اردنانس‌ارتش ـ سرهنگ شب‌پره ـ سرهنك نیاکان .

۱۴آوریل ـ (۲۵ فروردین) ـ اعلامیهٔ مشترك شاهنشاه و پرزیدنت کندی مبنی بر تأیید پیمان دفاعی دو جانبه بین ایران و امریکا منعقد در سال ۱۹۵۹ انتشار یافت .

وضع مالیات دولت : دکتر امینی تصویب نامه‌ئی صادر کرد مبنی براینکه از هر فرد عازم زیارت اماکن متبرکه خارج ایران ۲۰۰ و از هرمسافر خارجه ۳۰۰ ریال به عنوان کمك بزندانیان بحساب انجمن حمایت زندانیان اخذ شود .

وزیر خارجه جدید : عباس‌آرام سفیر کبیر ایران در عراق به سمت وزیر خارجه و حسین قدس نخعی وزیر خارجه به سمت سفیر کبیر ایران در واشنگتن تعیین شد .

۱۷آوریل ـ (۲۸ فروردین) طوفان هولناکی در تهران روی داد ـ ۹ کیلومتر از جادهٔ چالوس براثر ریزش کوه بسته شد ـ دو قریه را سیل ویران کرد .

۲۱آوریل ـ (۱اردیبهشت)ـ اسناد اولین منطقهٔ اصلاحات ارضی (مراغه) و قراء مرزی رضائیه توزیع گردید .

۲۲ تا ۲۸ آوریل ـ (۲ تا ۸ اردیبهشت) ـ سیل در تهران بیش از ۷۰۰ خانه را ویران کرد و خساراتی ببارآورد ۳۰۰۰ گوسفند تلف گردید و ۷ نفر بقتل‌رسیدند طبق گزارش ادارهٔ هواشناسی در ۱۲ ساعت بقدر شش ماه سال قبل باران‌آمد. خسارات‌سیل در تهران در حدود ۶۰ میلیون تومان برآورد شد .

در سایر نقاط کشور نیز سیل جاری شده خساراتی ببارآورد و بعضی از قریه‌ها را ویران کرد .

۲۳آوریل ـ (۳ اردی‌بهشت) ـ پروندهٔ غصب مسیل‌های تهران به جریان گذاشته شد .

مسافرت وزیر خارجه : عباس‌آرام وزیرخارجه برای شرکت درشورای وزیران

سنتو از امریکا عازم لندن گردید .

۳۰ آوریل ـ (۱۰ اردیبهشت) فهرست اسامی متهمین بـه غصب مسیل تهران و متن گزارش شهرداری در مورد غاصبین اراضی مسیل انتشار یافت ـ طبق این گـزارش از ۵۰۰ نفر از متنفذین تهران اراضی مسیل از ده میلیون و پانصد هزار متر مربع گرفته تا ۵۰۰ و ۲۰۰ متر را غصب کرده بعلاوه یك سوم از اراضی شهر تهران نیز به‌عنوان مسیل غصب شده بود . بزرگترین رقم تجاوز به مسیل ۱۰ میلیون متر مربع از طرف یك مقاطعه کار صورت گرفته و شهرداری از دولت خواسته بود که پروندهٔ غصب مسیل‌ها را مورد توجه قراردهند.

۱ مه ـ (۱۱ اردیبهشت) ـ هیئت حسن‌نیت نیجریه بـه تهران وارد شده با نخست‌وزیر ملاقات کردند .

۱۴ مـه ـ (۲۴ اردیبهشت) ـ اتـومبیل‌هـای دولتی : طبق دستـوردولت، شهربانی از حـرکت اتومبیل‌های دولتی جلوگیری کرد . (ولـی چند روزی بیشتر دوام نیافت .)

۱۸ مه ـ (۲۸ اردیبهشت) چهاربانوی مالك زیراملاك خود را در قزوین بطور داوطلب در اختیار دولت گذاشتند تابین کشاورزان تقسیم شود .

(بانو اعتمادی ـ اتحادی ـ انورالملوك ـ و عفت ـ مالکان قریهٔاسفرـ ودین) .

۱۹ مـه ـ (۲۹ اردیبهشت) ـ گشایش سد سفید رود : بزرگترین سدکشور بـه دست شاهنشاه در گیلان گشایش یافت . هـزینهٔ سد ۴ میلیارد و پانصد میلیون ریـال و گنجایش دریاچهٔ پشت سد ۵۶ کیلومتر مربع و نیروی برق حاصله از فشارآب درآن۱۳۲ هزار ولت اعلام شد .

۲۳ مه ـ (۲ خرداد) ـ ایران و لهستان : موافقت‌نامهٔ بازرگانی بین‌دودولت بامضاء رسید و مقدار صادرات ایران به لهستان افزایش یافت .

۲۴ مه ـ (۳ خرداد) ـ دکتر امینی کابینهٔ خود را ترمیم کـرد و **دکتر نصر** شهردار تهران را بسمت وزیر مشاور تعیین نمود .

شهردار تهران : احمد نفیسی بسمت شهردار تهران منصوب شد .

۲۷ مه ـ (۶ خرداد) ـ قانون تمام وقت کار استادان دانشگاه بتصویب شورای دانشگاه رسید .

۲۸ مه ـ (۷خرداد) ـ اعطای اسناد مالکیت: اولین قسمت اراضی تقسیم‌شده گیلان بدست شاهنشاه .

۱ ژوئن ـ (۱۱ خرداد) ـ دعوت به شوروی : بـه دعوت کمیتهٔ ملی المپیك شوروی ، والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی برای شرکت در پنجاه و نهمین جلسهٔ مجمع عمومی کمیته بین‌المللی رهسپار مسکو گردیدند .

۵ ژوئن ـ (۱۵خرداد) ـ دستگیری قاچاقچیان : قاچاقچیانی که درفرودگاه مهرآباد سند جعل کرده بنام سفارت انگلیس اجناس قاچاق وارد میکردند دستگیر شدند . یك عضو ایرانی سفارت انگلیس و سه ارزیاب گمرك که باآنان شرکت داشتند نیز دستگیر گردیدند.

۱۱ژوئن ـ (۲۱ خرداد) ـ ایران وشوروی : موافقت‌نامهٔ بازرگانی‌دودولت بامضا رسیده برحجم مبادلات بین دودولت افزوده گشت .

۱۶ ژوئن ـ (۲۶ خرداد) ـ آزادی ابتهاج : ابـوالحسن ابتهاج مـدیـر عامل سابق سازمان برنامه‌که در۲۰ آبان ۴۰ به عنوان تصرف غیرقانونی دراموال سازمان‌برنامه توقیف شده بـود پس از قریب هشت ماه بسربردن در زندان با قـرار ۷۲۰ میلیون ریال ضمانت و تبدیل بکفالت و تعهد عدم خروج از حوزهٔ قضائی ایران‌آزاد گردید .

۱۸ ژوئن ـ (۲۸ خرداد) ـ وزارت فرهنگ گزارشی به نخست وزیـر داد (که انتشار یافت) مبنی براینکه عده‌ئی با اخذ گواهی‌نامه‌هائی‌که در خارج فاقد هر گونه ارزش است بنام دکتر و مهندس بایران باز می‌گردند. درگزارش‌اشاره شده بودکه شایـع است بعضی از دانشجویان ایرانی در خارجه به‌گورکنی وکفن دزدی اموات اشتغال‌دارند. صدور چکهای بی‌محل وکلاهبرداری و دزدی و قتل و جنایت وخودکشی نمونه‌ئی‌ازوقایعی است‌که در پروندهٔ محرمانهٔ ادارهٔ اعزام دانشجو وجود دارد !

۲۰ ژوئن ـ (۳۰ خرداد) ـ ۳ دانشجوی ایرانی در دادگاه‌کلن‌آلمان‌باتهام توطئه علیه دولت‌آلمان محکوم به زندان گردیدند .

افزایش نرخ‌آب در تهران بهر متر مکعب ۷/۵ ریال .

۲۲ ژوئن ـ (۱ تیر) ـ حریق درانبار بانك‌کارگشائی تهران درخیابان فردوسی بوقوع پیوست‌که ۵۶ساعت طول کشیده و ۳۰۰۰ تختهٔ قالی‌امانتی مردم سوخته ۱۲۰میلیون ریال خسارت واردکرد .

ورود نمایندهٔ حکومت الجزایر دکتر مسعود شعلال پس‌از استقلال‌الجزایر

۲۴ ژوئن ـ (۳ تیر) ـ درمسابقات کشتی جهانی، ایران‌عنوان قهرمانی‌خود را از دست داده در رتبهٔ سوم قرار گرفت .

۳۰ ژوئن ـ (۹ تیر) ـ مسافرت شاهنشاه بـه پاکستان بـه دعوت پـرزیدنت ایوبخان رئیس جمهوری پاکستان : در پایان این مسافرت اعلامیهٔ مشترکی درمورد امور خاور میانه و سنتو وسیتو و اختلافات پاکستان و افغانستان انتشاریافت .

۲ ژوئیه ـ (۱۱ تیر) ـ قطعنامهٔ اوپك (سازمان کشورهـای صادرکنندهٔ نفت) در تهران منتشر گردید و طبق نظر اتحادیه شرکت‌های نفتی اخطار شدکه باید بهای نفت خام افزایش یابد .

۳ ژوئیه ـ (۱۲ تیر ماه) ـ استقلال الجزایر از طرف دولت ایران بـرسمیت شناخته شد و اعلام شدکه مردم ایران ۷۱۱ هزار ریال کمك نقدی و جنسی‌بمردم‌الجزایر داده‌اند .

۹ ژوئیه ـ (۱۸ تیرماه) ـ تصادف یك اتوبوس با قطارراه‌آهن درگرمساریاعث قتل ۴۸ نفر و زخمی شدن ۳۰ نفر گردید .

۱۰ ژوئیه ـ (۱۹ تیرماه) ـ دکترعلی‌امینی نخست‌وزیر تهدید کرد که اخلالگران را به بندرعباس تبعید میکند .

۱۴ ژوئیه ـ (۲۳ تیر ماه) ـ سیل درآذربایجان ۱۷ قریه را ویران‌کـرد ۶ نفر و هزار رأس احشام تلف شدند .

۱۵ ژوئیه ـ (۲۴ تیر ماه) ـ دکتر امینی نخست‌وزیر اعلام کرد که اگـرکار بودجه (که در مورد قسمت بودجهٔ ارتش مورد بحث بود) درست نشود استعفا خواهـدکرد ضمناً دولت امریکا را متهم بقطع کمك و انجام وعده‌های مساعدت نمود .

۱۶ ژوئیه ـ (۲۵ تیر ماه) ـ بودجه : از طرف دولت اعلام شدکه‌کار بودجـهٔ کشور با بن‌بست روبرو شده است .

ایران و شوروی : دولت شوروی حاضر شد ۲۵۰ تراکتور به بهای ۶۳۵۰۰۰ دولار را به شرکت های تعاونی روستائی مراغه بفروشد و به ازاء آن خشکبار تحویل گیرد .

۱۷ ژوئیه ـ (۲۶ تیر ماه) ـ اختلاس در راه‌آهن : کشف شدکه درراه‌آهن مدت‌چند سال حقوقهائی بنام ۳۰۰۰ نفرکارمند جعلی‌که وجودخارجی نداشتند گرفته شده در نتیجه ۲۲ نفر از رؤسای راه‌آهن بازداشت گردیدند .

۱۸ ژوئیه ـ (۲۷ تیر ماه) ـ استعفای دکتر امینی نخست وزیر پس از یکسال و دو ماه که نخست وزیر بود مورد قبول واقع شد.

۱۹ ژوئیه ـ (۲۸ تیر) دولت امریکا به کلیهٔ انتقادهای دکتر امینی پاسخ داده اعلام کرد که طی ۱۴ ماه زمامداری دکتر امینی ۶۷/۳۰۰/۰۰۰ دولار بایران کمك کرده و این رقم بیش از کمك‌های امریکا درسالهای گذشته بوده است.

۲۱ ژوئیه ـ (۳۰ تیر) ـ کابینهٔ تازه بریاست اسدالله علم که روز ۲۸ تیر مأمور تشکیل کابینه شده بود معرفی گردید.

۲۶ ژوئیه ـ (۴ امرداد) ـ مسافرت شاهنشاه بافغانستان بدعوت پادشاه آن کشور برای میانجیگری بین افغانستان و پاکستان. سخنرانی درمجلس افغانستان و اظهار اینکه تعداد نفرات ارتش ایران ۱۵ درصد تقلیل خواهد یافت.

۱ اوت ـ (۱۰ امرداد) مسافرت شاهنشاه از افغانستان به پاکستان و تجدید مذاکرات با مارشال ایوب خان و اعلام اینکه به بحران ناشی از اختلافات پاکستان و وافغانستان پایان داده شد.

۲ اوت ـ (۱۱ امرداد) ـ ورود ۳۴ نفر استادان دانشگاه‌های امریکا به‌تهران بعنوان جهانگردی.

نفت : دولت ایران تصمیمات اوپك را درمورد بهای نفت و بهرهٔ مالکانه وهزینهٔ فروش انتشار داد.

حادثهٔ وخیم : سقوط اتوبوسی در «درهٔ مرگ» کاشان که منجر به قتل ۱۳ نفر و زخمی شدن ۳۵ نفر گردید.

۴ اوت ـ (۱۳ امرداد) ـ ایران و چك‌اسلواکی : قرار داد بازرگانی بین دولتین تا ۵ ماه تمدید یافت.

۷ اوت ـ (۱۶ امرداد) ـ دکترعلی امینی باتفاق همسر ایران راترك کرد و عازم سویس گردید ـ عده‌ئی از مخالفان وی توقیف و محاکمهٔ او را باتهام نقض قانون اساسی خواستار شده بودند.

نیابت تولیت موقوفات خاندان پهلوی به مهندس شریف امامی نخست وزیر اسبق واگذار گردید.

۸ اوت ـ (۱۷ امرداد) سیل وطوفان در آذربایجان به ده‌قریه آسیب رسانید و یکصد خانه ویران گشت.

۹ اوت ـ (۱۸ امرداد) ـ ایران و شوروی : موافقت نامهٔ بازرگانی بین دو دولت بامضا رسید.

۱۱ اوت ـ (۲۰ امرداد) ـ محاکمهٔ ۳۷ نفر متهمان انتخابات تابستانی مجلس شورای ملی از رؤسا و اعضای انجمن‌های فرعی آغاز شد.

۱۳ اوت ـ (۲۱ امرداد) ـ چهار سازمان زیر بعنوان صرفه جوئی در بودجه و تمرکز امور بـازرسی منحل گردید : شورای عالی اقتصادی ـ بازرسی نخست وزیری ـ سازمان تهیهٔ مسکن ـ وبازرسی شاهنشاهی.

۱۴ اوت ـ (۲۳ امرداد) ـ بودجهٔ کل کشور برای سال ۱۳۴۱ ازطرف‌هیئت دولت بشرح زیر بتصویب رسید:

در آمد ۳۹ میلیارد ریال ـ هزینه ۴۱/۳ میلیارد ریال کسر بودجه ۲۳۰ میلیون تومان از ۶۰۰ میلیون تومان کسر بودجه دولت‌سابق ۳۴۰ میلیون تومان آن حوالهٔسازمان برنامه شد وبقیه بعنوان کسربودجه باقی ماند.

۲۴ اوت ـ (۲ شهریور) ـ کنکور دانشگاه تهران: عدهٔ داوطلـب امتحان ورودی ۱۲۹۴۷ نفر وطبق اعلام، دانشگاه تنها برای ۳۰۰۰ نفر جاداشت.

۲۵ اوت ـ (۳ شهریور) ـ ورود لیندن جانسون معاون رئیس جمهوری امریکا به‌تهران باتفاق همسر و دخترش وسه روز توقف درتهران ـ وی اظهارکردکه‌امنیت ایران برای امریکا اهمیت حیاتی داشته و امریکا پشتیبانی‌از ایران را تعهدکرده است.

۲۵ اوت ـ (۳ شهریور) ـ محکومیت متهمان انتخاباتی: ۲۵ نفرمحکوم شدند. ۵ نفر از رؤسا و ۱۲ نفر اعضای انجمن‌های فرعی به ۲ ماه زندان وبقیه بمدت ۳ سال محرومیت ازحق انتخاب.

۲۷ اوت ـ (۵ شهریور) ـ محاکمهٔ افسران زیرباتهام سوء استفاده‌درداد گاه ارتش آغاز شد.

سرلشکرخزاعی رئیس سابق ادارهٔ اردنانس‌ـ سرهنگ ۲ مـوتمنی آذرـ سرهنگ ۲ مشهور ـ سرهنگ نیاکیان‌ـ سرهنگ شب‌پره‌ـ سروان آصف نیا وفریدونی.

۲۸ اوت (۶ شهریور) ـ بازداشت ارتشبد هدایت بدنبال بیانـات شاهنشاه درمورد محاکمات ارتش، ارتشبد هدایت بدادرسی دعوت شد وبعداً بازداشت گردید واعلام شد که دادرسی ارتش مقدمات بازپرسی ومحاکمهٔ مقامات درجهٔ اول ارتش رافراهم‌میکند.

۲۹ اوت ـ (۷ شهریور) ـ رحیم علی‌خرم مقاطعه‌کـار و رئیس شرکت اسفالت راه باتهام صدور چك بی‌محل و تبانی درکار اسفالت خیابان‌های تهـران و غصب اراضی شهرآرا و طرشت و سوء استفاده بازداشت گردید.

۳۰ اوت ـ (۸ شهریور)ـ امریکا و ایران: پرزیدنت کندی رئیس‌جمهورامریکا

اعلام کرد که « ایران، پاکستان وترکیه تحت فشار مستقیم شوروی قرار دارند وعدم کمك بایران اشتباه محض است. نهایت نادانی است که ما میلیونها دولار بودجهٔ دفاعی برای خود تصویب کنیم ولی کمك بسایر کشورها را قطع کنیم و بگذاریم بدامن کمونیست بروند.»

ورود وزیر خارجهٔ افغانستان سردار محمد نیم خان به‌تهران وتوقف دوروز.

۳۱ اوت ـ (۹ شهریور) ـ ورود پرنس صدرالدین فرزند آقاخان رهبر فقید فرقهٔ اسمعیلیه و معاون کمیسر عالی سازمان ملل متحد در امور آوارگان درکشورهای خاورمیانه.

۱ سپتامبر ـ (۱۰ شهریور) ـ سمپوزیم بین‌المللی نفت درتهران درباشگاه افسران از ۲۰۰ نفرنمایندگان نفتی جهان وکارشناسان صنعت نفت گشایش یافت و۲۴شهریور بپایان رسید.

۲ سپتامبر ـ (۱۱ شهریور) ـ فاجعهٔ سال ـ زلزله : در ساعت ۱۱ بعدازظهر زلزلهٔ بزرگی درتهران تا مناطق قزوین و باختر ایران بوقوع پیوست که بیش از بیست هزارنفر ازمناطق مرکزی راکه ۹۸ درصد آنان از دهقانان بودند بهلاکت رسانیدومتجاوز ازیکصد دهکده را باخاك یکسان کرد و ده‌ها هزار نفر را بی‌خانمان نمود و درسر زمینی بوسعت چهل‌هزار کیلومتر مربع‌همه چیز را درهم کوبید. مطبوعات خارجی اثر آن رابیش از انفجار ۲۰۰۰ بمب ئیدرژنی که یکجا منفجر شود دانستند.

۵ سپتامبر ـ (۱۴ شهریور) ـ دبیرکل سازمان ملل از تمام مردم جهان برای کمك بزلزله زدگان ایران استمداد کرد ـ از کلیهٔ روسای کشورهای جهان تلگراف های تسلیت بدولت ایران مخابره شد.

۷ سپتامبر ـ (۱۶ شهریور) ـ زلزله: مردم تهران با هزاران اتومبیل‌باری و سواری وتاکسی وکامیون مملو از مواد غذائی ولباس برای کمك‌بزلزله زدگان بنقاط‌زلزله زده شتافتند.

۱۵ سپتامبر ـ (۲۴ شهریور) ـ ایران و شوروی: بین دولتین ایران‌وشوروی یادداشتهائی مبنی‌برعدم واگذاری‌پایگاههای موشکی در ایران بدول دیگر ورفع‌اختلافات دوکشور مبادله شد .

۱۶ سپتامبر ـ (۲۵ شهریور) ـ تصادف یك هواپیما با یك اتومبیل جیپ در روی باند فرودگاه مهرآباد منجربقطع سر دونفر سرنشینان جیپ گردید.

۲۲ سپتامبر ـ (۳۱شهریور) ـ شورای دانشگاه پرداخت ۴۵۰۰ ریال‌شهریه ورود به‌دانشگاه را ازطرف هردانشجو مقرر داشت.

۲۳ سپتامبر ـ (اول‌مهر) بازنشستگی امرای ارتش سپهبدتیموربختیارمعاون

سابق نخست وزیر ورئیس سابق سازمان اطلاعات وامنیت کشور که در این زمان مقیم اروپا بود و چهار سپهبد دیگر بازنشسته شدند.

۲۵ سپتامبر ـ (۳ مهر) ـ سهیم کردن کارگران: وزیر کار اعلام کرد که کارگران بزودی در منافع کارخانه‌ها سهیم خواهند شد.

۲۹ سپتامبر ـ (۷ مهر) ـ قتل دروزارت دادگستری: حسین نام کندی بازداشتی، طلبکار خود علی اکبر ابوطالبی مأمور ابلاغ را بسبب مطالبهٔ طلب در کریدور وزارت دادگستری بضرب کارد ازپای درآورد.

۳۰ سپتامبر ـ (۸ مهر) دادگستری شعب ۴ و ۵ و۶ دادگاه دیوان کیفر وشعبه ۱۳ دادگاه استان تهران بدستور و وزیر دادگستری منحل گردید.

اول اکتبر (۹ مهر) ـ کنفرانس وزرای خارجهٔ ایران و پاکستان و افغانستان در نیویورك آغاز گردید و در پایان اعلام شدکه مذاکرات نهائی در مورد اختلافات دنبال خواهد شد.

محکومیت افسران: دادگاه ویژهٔ نظامی، افسران سابق اردنانس‌ارتش را باتهام تقلب وتدلیس درخریدهای ادارهٔ اردنانس، جعل اسناد رسمی، استفاده ازسند مجعول،غصب عناوین ومشاغل وکلاهبرداری بشرح زیر محکوم نمود: سرلشکرمحمد علی خزاعی و دو نفر سرهنگ ویك غیرنظامی به ۵ سال زندان مجرد و تأدیهٔ ۱۰۸۵۹۵ ریال ودو سرهنگ دیگر و یك سروان هریك به ۶ ماه زندان تأدیبی.

۱۷ اکتبر ـ (۱۵ مهر) ـ حق رأی زنان: هیئت دولت طبق تصویب‌نامه، لایحه جدید تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی‌را تصویب کرد و درآن قسمتهای مربوط بممنوعیت زنان ازشرکت درانتخابات حذف گردید و بدنبال آن جنجال و مخالفت‌های بیسابقه‌ئی از طرف مرتجعین آغاز گردید.

۱ اکتبر ـ (اواسط مهر) ـ ورود نمایندگان صلح هیروشیما به‌تهران،این عده که آثار داغ زخمهای اتمی هیروشیما را پس از ۲۰ سال هنوز در تن داشتند بکشور های جهان مسافرت نموده برای جلوگیری از یك جنك جهانی دیگرصحبت میکردند وپس از توقف کوتاه درایران عازم سایر کشورهای جهان گشتند.

سیل در تهران جاری گشت و در جوادیه ونازی‌آباد خساراتی وارد ساخت.

تیم فوتبال نیویورك به‌تهران آمده با تیم‌های مختلف باشگاههای تهران بمسابقه پرداخت ودر عموم مسابقات برنده شد.

۹ اکتبر ـ (۱۷ مهر) ـ حریق بزرگی درمنطقهٔ نفتی البرز بوقوع پیوست که شعله‌های آن‌از ۷۰ کیلومتری دیده میشد.

۱۰ اکتبر ـ (۱۸ مهر) ـ تصادف: احمد حسین عدل وزیر اسبق کشاورزی و

استاد دانشگاه تهران با پسر ۲۳ ساله‌اش دریك حادثهٔ رانندگی درجادهٔ قم درگذشتند.

۱۳ اکتبر ـ (۲۱ مهر) ـ محکومیت قاتل دکتر خانعلی یعنی سرگرد شهرستانی ازطرف دادگاه نظامی به ۲ سال زندان اعلام شد.

۱۴ اکتبر ـ (۲۲ مهر) ـ دکتر عبده نمایندهٔ ایران در ملل متحد بسمت حکمران گینهٔ‌نو غربی منصوب گردید.

۱۷ اکتبر ـ (۲۵ مهر) ـ ورود هوارد پیج عاقد قراردادکنسرسیوم دررأس هیئت شش نفری ازکارشناسان نفت به‌تهران برای مذاکره درمورد نفت.

۱۹ اکتبر ـ (۲۷ مهر) ـ درگذشتن محسن صدر (صدرالاشرف) رئیس‌سابق مجلس سنا و نخست وزیر اسبق و رئیس هیئت مدیرهٔ موقت مجلس در ایام فترت در سن ۹۱ سالگی.

۲۰ اکتبر ـ(۲۸ مهر) ـ ورود والاحضرت پرنسس بئاتریس ولیعهد هلند به‌تهران که میهمان شاهنشاه و شهبانو بود. وی ازمناطق زلزله زدهٔ قزوین دیدن کرد.

۲۶ اکتبر ـ (۴ آبان) ایران‌وشوروی: اسنادموافقت‌نامهٔ ترانزیتی‌بین دولتین درمسکو مبادله شد.

۲۷ اکتبر ـ (۵ آبان) ـ مسافرت شاهنشاه به ترکیه به‌دعوت ژنرال گورسل رئیس جمهوری آن‌کشور.

۳۰ اکتبر ـ (۸ آبان) ـ ورود پریج‌من رئیس شرکت نفت انگلیس (شرکت سابق نفت‌ایران وانگلیس) به‌تهران که تا روز ۱۰ آبان افشا نشدوانجام مذاکرات‌محرمانه راجع به‌نفت.

۳۱ اکتبر ـ (۹ آبان) ـ محکومیت سارقین مسلح بانك صادرات و معادن ایران : ۳ نفر کیومرث امیرثانی، محمود خسروی‌ـومنصور بخیرنیا به‌زندان‌ابد (این سه نفرنگهبان بانك را بقتل رسانیده ولی موفق به‌سرقت پول نشده بودند.)

۷ نوامبر ـ (۱۶ آبان) ـ اعتصاب اهالی اصفهان در مصرف برق به‌سبب گرانی بهای برق که به‌پیروزی ایشان منتهی شد و شهرهای دیگر مانند زنجان ، تربت حیدریه ومشهدنیز از آن پیروی کردند.

نوامبر ـ (اواسط آبان) ـ سیل در تهران بسبب بارندگی‌های مداوم بوقوع پیوست و درجنوب شهر بعضی خانه‌ها راویران‌کرده خساراتی ببارآورد.

۸ نوامبر ـ (۱۷ آبان) ـ درگذشت صبحی مهتدی (فضل‌الله) داستان گوی بخش‌کودکان در رادیو ایران بسبب بیماری سرطان و اهداء نشان سپاس از طرف وزارت فرهنگ به وی دربستر مرگ در بیمارستان.

۱۱ نوامبر ـ (۲۰ آبان) ـ انتخابات مجلسین: نخست وزیر اعلام کـرد کـه فرمان انتخابات در اسفندماه پس ازپایان اصلاحات ارضی انجام خواهد شد.

۱۳ نوامبر ـ (۲۲ آبان) ـ قتل مهندس ملك عابدی رئیس اصلاحات‌ارضی فیروزآباد فارس در راه شیراز به‌فیروز آباد از طرف سران اشرار و فئودالهای فـارس به تحریك مالکین.

۱۴ نوامبر ـ (۲۳ آبان) ـ اعلام حکومت نظامی درفارس ـ اعلام عزای ملی‌در سراسر ایران بسبب قتل مهندس ملك عابدی و قطع موسیقی رادیو واعلام تصمیم دولت مبنی برتسریع دراجرای اصلاحات ارضی‌درسراسر استان فارس.

۱۵ نوامبر ـ (۲۴ آبان) ـ دکتر ارسنجانی‌وزیر کشاورزی اعلام کرد که‌فئودالها درظرف ۴۵ روز درفارس‌نابود خواهند شد.

قوای مسلح ارتش و ژانـدارم درکوه‌های فـارس بجستجوی قاتلین مهندس عابدی برخاستند.

۱۷ نوامبر ـ (۲۶آبان) ـ ورود هیئت سناتورهای امـریکائی به ریاست سناتور **مـانسفیلد** رئیس گروه حزب دموکرات امریکا درکنگره‌آن‌کشور بـه تهران و مذاکره با نخست‌وزیر در مورد روابط ایران و امریکا. این هیئت روز بعد ایران‌را ترك گفتند.

۲۲ نوامبر ـ (۱آذر) ـ اصلاحات ارضی : چند نفـر از شرکت‌کنندگان در قتل مهندس ملك‌عابدی از سران طایفهٔ قشقائی در فارس دستگیر شدند و اعلام شدکـه برای محاکمهٔ‌آنها دادگاه نظامی تشکیل می‌شود.

نشر اسکناس‌تازه یك هـزار ریالی از طرف بانك مرکزی پس از ده سال کـه اسکناس‌های سابق یك هزار ریالی و پانصد ریالی بانك ملی جمع‌آوری شده بود بـه وقوع پیوست.

۲۴ نوامبر ـ (۳آذر) ـ اصلاحات ارضی: محمود مهدوی مالك قریهٔ‌آزادمون آمل‌که به منظور مخالفت با اصلاحات ارضی در ملك مزبورتیراندازی و ایجاد حریق‌کرده و در عملیات مأمورین اخلال می‌نمود بازداشت وباراك تبعید شد.

۲۶ نوامبر ـ (۵آذر) ـ بازداشت ارتشبد عبدالله هدایت بازنشسته رئیس سابق ستاد بزرگ ارتشتاران وسناتورانتصابی‌سابق باتهام سوءاستفاده ازمخارج‌ساختمانهای ارتش.

درمسابقهٔ فوتبال بین تیم‌ایران‌وشوروی تیم‌ایران(دارائی‌قهرمان‌باشگاه‌های‌کشور)

برتیم شوروی ۲ بر ۱ پیروز شد ـ تیم توریدوی شوروی درسایرمسابقات خود در ایران پیروز شده بود .

منع رقص تویست از طرف پلیس تهران در یکی از سینماهای تهران .

۱ دسامبر ـ (۱۰ آذر) ـ مسکوت گذاشتن قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی : نخست‌وزیر براثر فشار روحانیان به دولت و تقاضای گنجانیدن منع شرکت زنان در قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی شرح زیر را خطاب به علماء و روحانیان صادر کرد:

بعدالعنوان : «عطف به مرقومه (تلگرام) جنابعالی و سایر آقایان روحانیون و مراجع محترم موضوع انتخابات انجمن‌های ولایتی و ایالتی در جلسه هیئت دولت مطرح و تصویب شدکه تصویب نامه مورخ ۴۱/۷/۱۴ قابل اجراء نخواهد بود . نخست وزیر اسدالله‌علم»

۶ دسامبر ـ (۱۵ آذر) شورای فرهنگی سلطنتی: فرمان‌شاهنشاه مبنی بر تشکیل این شورا برای نظارت وراهنمائی درامور مربوط بادبیات و زبان فارسی صادر گردید .

۱۲ دسامبر ـ (۲۱ آذر) ـ سقوط هواپیمای نظامی در نزدیکی از گل‌حومهٔ تهران و قتل ۴ نفر سرنشینان آن : یك سرهنگ ، یك سروان ، یك استوار ، و یك گروهبان.

۱۳ دسامبر ـ (۲۲ آذر) ـ ایران و شوروی : نیکیتا خروشچف نخست وزیر شوروی درجلسهٔ شورای‌عالی اتحادجماهیرشوروی اعلام کرد که روابط شوروی وایران عمیقاً بهبود یافته است .

۱۹ دسامبر ـ (۲۸ آذر) ـ ورود سرگی لاپین معاون وزارت‌خارجهٔ شوروی به اتفاق **پکوف** سفیر کبیر شوروی بتهران وآغاز مذاکرات بین دولتین .

۲۲ دسامبر ـ (۱ دی ماه) ـ سپاه‌دانش : اجرای طرح تازهٔ تشکیل‌سپاه‌دانش برای مبارزه با بی‌سوادی آغاز گشت . از ۲۷۵۸ نفر مشمولین لیسانسیه و دیپلمه‌که در قرعه‌کشی نظام وظیفه شرکت کردند ۱۰۵۶ نفر برای تعلیم بمردم بیسواد انتخاب شده لباس معلمی پوشیدند و برای گذراندن دورهٔ چهارماههٔ تعلیمات بپادگانهای نظامی فرستاده شدند . ضمناً ۷۲۰ نفر بخدمت نظام‌معمولی اعزام شدندو به ۹۹۱ نفر قرعهٔ پوچ اصابت کرده ازخدمت نظام معاف گشتند .

۲۵ دسامبر ـ (۴ دی ماه) ـ اصلاحات ارضی و خلع سلاح : شاهنشاه

برای اعطای اسناد مالکیت کشاورزان فارس به شیراز عزیمت نموده و ازآنجا به‌فیروزآباد نزدیك محل قتل مهندس ملك‌عابدی مسافرت کرده اسناد مالکیت را اعطاء و در شیراز برمزار ملك عابدی تاج گل نثار کرده فرمودند : «بنارتگران مجال خودسری‌داده‌نخواهد شد .... قبل از اعلام دولت برای خلع سلاح در جنوب کسانی که اسلحه غیر مجاز دارند باید سلاح خود را تحویل دهند. کسانی که تفنگداران را برای مقاصد شوم خودشان‌تشویق میکردند دیگر نیستند و نخواهند بود و نامشان و اعمالشان ازصفحهٔ این‌مملکت‌محوونابود خواهد شد .»

۳۰ دسامبر ـ (۹ دی ماه) ـ تقسیمات شهر تهران : طرح تازهٔ تقسیم‌بندی شهر بده منطقه و تأسیس ده‌شهرداری اجرا گردید .

۱۹۶۳ ـ (تا پایان سال ۱۳۴۱ مطابق با ۲۰ مارس ۱۹۶۳)

۲ ژانویه ۱۹۶۳ ـ (۱۲ دی ماه) ـ ریزش تونل شماره ۱۴ درجادهٔ آمل-تهران منجر به قتل ۸ نفر کارگر گردید .

این سومین حادثهٔ این تونل در این سال بود . در دو حادثهٔ قبل ۴ نفر تلف شده بودند .

۷ ژانویه ـ (۱۷ دی ماه) ـ تظاهرات بانوان : زنان تهران بمناسبت روز ۱۷ دی و اعلام روزآزادی زنان و رفع حجاب در ۲۵ سال پیش به تظاهرات پرداخته در کاخ‌نخست‌وزیری دست باعتصاب نشسته‌زده به‌لغوتصویبنامهٔ انجمن‌های ایالتی‌وولایتی‌اعتراض داشتند و باقبول مساعدت نخست‌وزیر متفرق گشتند .

۸ ژانویه ـ (۱۸ دی ماه) ـ سهیم شدن کارگران در سود کارخانه‌ها : طبق تصویب‌نامهٔ دولت اگر کارفرما با سهیم‌شدن کارگران مخالف باشد مکلف است ۲۰درصد از سود ویژه را بکارگران بپردازد .

۹ ژانویه ـ (۱۹ دی ماه) ـ اولین کنگرهٔ عظیم دهقانان باشرکت ۳۵۰۰۰ نفر نمایندگان شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی روستائی کشور در تالار محمد رضاشاه‌پهلوی بریاست یك دهقان ۹۳ ساله بنام منانلو و بریاست افتخاری شاهنشاه از طرف شاهنشاه گشایش یافت و شاهنشاه ادارهٔ اولین جلسه را شخصاً عهده‌دار شده وآغاز انقلاب اجتماعی و سفید ایران را اعلام و پس از نطق تاریخی مهمی که ایرادکردند مواد شش‌گانهٔ زیر را بنام اصلاحات اجتماعی بتصویب ملی به‌رفراندوم گذاشتند :

۱ـ الغاءرژیم ارباب ورعیتی با تصویب اصلاحات ارضی‌ایران براساس لایحهٔ‌اصلاحی قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۹ دی ماه ۱۳۴۰ و ملحقات‌آن .

۲ـ تصویب لایحهٔ قانون ملی کردن جنگلهای سراسر کشور .

۳ـ تصویب لایحهٔ فروش سهام کارخانجات دولتی به عنوان پشتوانهٔ اصلاحات ارضی.

۴ـ تصویب لایحهٔ قانونی سهیم کردن کارگران در سود منافع کارگاههای تولیدی و صنعتی .

۵ـ لایحهٔ اصلاحی قانون انتخابات .

۶ـ لایحهٔ ایجاد سپاه دانش بمنظور تسهیل اجرای قانون تعلیمات عمومی واجباری .

در این کنگره بانوئی از قبیلهٔ کرد اولین مرتبه در اجتماعات ایران بنام ماه‌سلطان شرکت داشت .

کلیهٔ مواد بالا باتفاق آراء مورد تصویب کنگره قرار گرفته وقرارشد رفراندوم عمومی سراسر کشور نیز برای تحکیم آن انجام گیرد .

شاهنشاه فرمودند : «... نه فقط ما رعیت وکلمهٔ رعیت را از بین بردیم بلکه او را یکنفر دهقان آزاد و حاکم برسر نوشت خود کرده‌ایم» .

۱۰ ژانویه ـ (۲۰ دی ماه) ـ قانون ملی شدن جنگل‌ها طبق تصویب نامه دولت اعلام گردید .

۱۲ ژانویه ـ (۲۲ دیماه) ـ شاهنشاه شام‌را درسلطنت آباد بادهقانان نمایندگان کنگره صرف نمودند .

۱۳ ژانویه ـ (۲۳ دی ماه) ـ اعلام رفراندوم : نخست وزیر روز ۶ بهمن همین سال را روز رفراندوم اعلام کرده و گفت که لوایح شش گانهٔ شاهنشاه بآراء عمومی در سراسر کشور گذاشته خواهد شد ومبلغ ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال اعتبار برای اجرای رفراندوم مقرر گردید .

محکومیت قاتل دکتر محمد صفدری : نصرت علی صدری متهم به قتل دکتر صفدری که محکوم بزندان ابد گردیده بود رأی محکومیت وی مورد تأیید دیوانعالی کشور قرار گرفت .

۱۴ ژانویه ـ (۲۴ دی ماه) ـ انتخابات : قانون جدید انتخابات از طرف دولت اعلام شد و مقرر گردید که انتخابات اولین مرتبه در ایران با کارت الکترال انجام‌شود.

درآئین‌نامهٔ جدید نام اعیان ومالکان ازهیئت نظار حذف وبجای آن نام‌طبقات کارگر و دهقان در طبقات ششگانه قرار داده شده بود .

۱۵ ژانویه ـ (۲۵ دی ماه) ـ رفراندوم : آئین‌نامهٔ رفراندوم انتشار یافت و ۵ میلیون ورقهٔ تعرفه در سراسر کشور انتشار یافت .

۱۶ ژانویه ـ (۲۶ دی ماه) ـ شش جت جنگی ایران عازم کنگو شد : بنا بدعوت اوتانت دبیر کل ملل متحد ۶ جت جنگی ایران با خلبانان ایرانی عازم کنگو شدند تا بجای نیروهای هندی که کنگورا ترك گفته بودند در زیر پرچم سازمان ملل متحد به فعالیت ملل متحد در حفظ نظم در کنگو کمك کنند با این گردان ۵۰ نفر از خلبانان و سایر افراد فنی به کنگو رفتند و پس از طی ۶۳۰۰ کیلومتر در ده ساعت پرواز به کنگو رسیدند .

۲۰ ژانویه ـ (۳۰ دی ماه) ـ محاکمهٔ افسران اردنانس ارتش پایان یافت: سرلشکر خزاعی وسرهنگ نیاکیان هریك به ۵ سال زندان محکوم شدند وغیر نظامی فریدونی ناظر مالی به ۹ ماه زندان محکوم گردید .

۲۲ ژانویه ـ (۲ بهمن) ـ اجارهٔ املاك موقوفه بدهقانان: نامهٔ نخست‌وزیر در پاسخ آیت‌الله بهبهانی راجع باملاك موقوفه انتشار یافت .

آیت‌الله بهبهانی نوشته بودند که اکنون که در مورد تقسیم اراضی که باآن مخالف بوده‌اند کار ازکار گذشته در مورد املاك موقوفه از هر نوع اقدام دولت درتقسیم ودخالت‌در آن خودداری شود .

نخست‌وزیر نامهٔ مبسوطی در پاسخ نگاشت مبنی براینکه اقدام دولت در مورد اجاره دادن املاك موقوفهٔ به مدت‌های طویل بدهقانان برای حفظ شرایط وقف و تأمین نظرواقف و تبعیت ازدستور واحکام شرع و اسلام است زیرا در وضع حاضرمتولیان بانواع‌واقسام‌سوء استفاده میکنند و بمصارف خصوصی اشخاص میرسد و دولت طبق دفاتر عوائد موقوفات را تعیین و پرداخت‌آنرا بوسیلهٔ دستگاه‌های دولتی تضمین میکند .

حکومت نظامی در فارس لغو گردید .

تظاهرات تهران : عدهٔ‌ئی ناگهان به بازار ریخته دکانها را بسته بعدرو بخیابانها گذاشتند و شیشه‌های مغازه‌ها و پنجره‌ها را شکسته و چند محل راآتش زده و اتوبوسها و اتومبیل‌ها را واژگون کرده و جلو بازار بزنان‌آزار رسانیدند و به تخریب و سابوتاژ پرداختند ولی پس از چند ساعت قوای انتظامی جمعیت‌آنها را در هم شکستند وآرامش را برقرار ساختند در چند شهرستان دیگر نیز در همان زمان تظاهراتی انجام گرفت . هدف تظاهرات جلوگیری از رفراندوم ۶ بهمن و مخالفت با اصلاحات ارضی و مخالفت با آزادی بانوان و مخالفت با تقسیم و اجاره دادن املاك موقوفه به مدت طویل بود .

۲۳ ژانویه ـ (۳ بهمن) ـ اعلامیهٔ دولت : دولت اعلامیه‌ئی مبنی‌بر تظاهرات روز پیش انتشار داده و اعلام کرد که جلو بی‌نظمی را خواهد گرفت و نخست‌وزیردرانجمن مطبوعات اعلام کرد که قوای مخرب‌را سرکوب خواهد کرد ـ دکتر ارسنجانی وزیر کشاورزی

گفت که ۱۵۰۰۰ دهقان به تهران آمده‌اند تا علیه مخالفین اصلاحات ارضی دست به تظاهر بزنند وجلو مخالفین را بگیرند ولی باکمال نظم وآرامی تظاهر کرده واز طرف دولت به آنها تذکر داده شدکه بمحل‌های خود برگردند .

خبرگزاری‌های خارجی از جملهٔ آسوشیتدپرس اخبار روزپیش را بنحو زیر بجهان مخابره کردند :

پلیس تهران اجتماع عده‌ئی از دکان‌داران و برخی از رهبران مذهبی و مالکان‌را که‌برای‌تحریك برضد تصویب‌ملی پادشاه ایران‌برای اصلاحات ارضی‌وسایراصلاحات تشکیل داده بودند متفرق کرد .

نخست‌وزیر ایران گفت: «مالکان بزرگ میکوشند تا در بازارتحریك کنند.

این اشخاص باتفاق رهبران مذهبی باصلاحات ارضی اعتراض دارند . در ایران مساجد و اماکن مقدسه دارای موقوفات فراوانی هستندکه درآمدآن باید مصرف هدفهای خیریه و فرهنگی شود و به موجب فرامین اصلاحی این زمین‌ها به دهقانان واگذار میشود و درآمدآن توسط دولت صرف‌کارهای خیریه میگردد . دو نفر از علمای مذهبی از مردم درخواست کردندکه مراجعه بآراء عمومی را تحریم کنند ولی بسیاری از دکانداران از اجرای درخواست ایشان مبنی برسه‌روز تعطیل عمومی و اعتصاب سرباز زدند.»

اعتصاب بانوان : بانوان‌آموزگار و دبیر وکارمند بعنوان اعتراض بعدم شرکت زنان در مراجعهٔ بآراء عمومی دست ازکارکشیدند و اعلامیه‌ها و تراکتهائی با شعارهای «زنان ایران بپاخیزید»ـ«ما را درردیف ورشکستگان وجنایتکاران وبیگانگان قرارندهید» درمدارس پخش کردند .

۲۴ ژانویه ـ (۴ بهمن) ـ تقسیم املاك قم : شاهنشاه شخصاً بقم عزیمت کرده طی مراسمی املاك شهرستان قم را تقسیم و اسناد مالکیت را به‌کشاورزان اعطاکرده و در صحن حرم حضرت معصومه نطقی با حضور دهقانان ایراد نموده اظهار داشتند :

«ما بساط مفت‌خوری را در ایران برچیده‌ایم .

از ارتجاع سیاه بیش از مخربین سرخ کینه دارم ... امروز ماسکها برداشته شد و قیافه‌های حقیقی نشان داده شد ... سرمشق ایدآلی طرفداران ارتجاع سیاه حکومت عبدالناصر است‌که ۱۵ هزار زندانی در زندان دارد و مجلس هم ندارد ...»

بازداشت سران جبههٔ ملی : طبق خبر خبرگزاریهای خارجی ۲۲ نفر از اعضای جبههٔ ملی و ۳ نفر روحانی وچندتن از دانشجویان از طرف دولت باتهام تظاهرات علیه دولت و اغتشاش در شهر تهران بازداشت شدند . ودر قم‌کشاورزان با طلاب زدوخورد کردندـ پلیس در نزدیك بازار تهران‌ودانشگاه‌عده‌ئی راکه با تظاهرات پراکنده موجبات

بی‌نظمی و ناراحتی را فراهم کرده بودند متفرق کرد .

فتوای علمای تسنن : علمای تسنن از کردستان نامه‌ئی صادر نموده فتوا دادند که تقسیم اراضی با شرع اسلام مطابقت داشته و باتفاق آراء اجرای آن را تأیید مینمایند .

۲۶ ژانویه ـ (۶بهمن) ـ رفراندوم در ایران : از صبح این روز در پایتخت و تمام شهرستان‌ها و بخش‌های ایران مراجعه به‌آراء عمومی شروع شده و شب پایان یافت در تهران ۵۲۱٫۹۰۸ هزار نفر آراء مثبت خود را به صندوق ریخته به لوایح ششگانهٔ شاهنشاه رأی موافق دادند و جمع نتیجهٔ آراء بشرح زیر بود :

۵٫۵۹۸٫۷۱۱ نفر از مردان و ۲۷۱٫۱۷۹ نفر بانوان باصلاحات مزبور رأی موافق دادند . این اولین مرتبه بود در تاریخ ایران که زنان درکار اجتماعی و امر حکومت کشور شرکت کرده رأی دادند . از مجموع آراء بانوان ۱۶۴۳۳ رأی بزبان پایتخت تعلق داشت . جمع آراء مخالف در تمام ایران ۴۱۱۵ بود .

۲۸ ژانویه ـ (۸ بهمن) ـ پیام شاهنشاه: شاهنشاه پس از اعلام نتیجهٔ رفراندوم و تصویب ملی مواد ششگانه خطاب به ملت ایران فرمودند : «.. درآینده ایران را کشور آزاد مردان و آزاد زنان میسازیم . زن و مرد ایرانی با استفاده از شرایط جدید اجتماعی دوشادوش یکدیگر برای ساختن ایران آباد خواهند کوشید . آنچه روی‌داد انقلابی بزرگ، قانونی ومقدس است که شما بر آن صحه نهادید وما بهمت شما مملکتی خواهیم ساخت که با پیشرفته‌ترین ممالك برابری کند .»

۲۹ ژانویه ـ (۹ بهمن) ـ زنان در سپاه‌دانش : وزیر فرهنگ اعلام کرد که زنان نیز میتوانند مانند مردان برای مبارزه با بیسوادی بانوان کشور در سپاه‌دانش طبق طرحی که دردست تهیه است شرکت کنند .

۳۱ ژانویه ـ (۱۱ بهمن) ـ اعلامیهٔ خلع سلاح عمومی درخوزستان پس از فارس انتشار یافت .

۲ فوریه ـ (۱۳ بهمن) ـ رئیس جمهوری امریکا پرزیدنت کندی طی پیامی که به تهران فرستاد پیروزی شاهنشاه را در رفراندوم ۶ بهمن تبریك گفت .

۳ فوریه ـ (۱۴ بهمن) ـ ابلاغ فرمان شاهنشاه که به تاریخ ۹ بهمن به امضاء رسیده بود به دولت مبنی براجرای قوانین ششگانه : دولت بلافاصله جلسه تشکیل داده تصویب این قوانین را یك درجه‌ئی ومعتبرتر از قوانین سابق که دودرجه‌ئی بود اعلام کرد وآنها را قوانین قاطع دانست .

۴ فوریه ـ (۱۵ بهمن) ـ عفو زندانیان : وزارت دادگستری اعلام کرد که به‌دستور شاهنشاه بمناسبت نزدیکی موعد تولد دومین فرزند شهبانو، زندانیان از یکدرجه عفو استفاده

خواهند کرد .

۵ فوریه ـ (۱۶ بهمن) ـ درگذشت سپهبد محمد شاه‌بختی سناتور سابق و رئیس کانون افسران بازنشسته .

۷ فوریه ـ (۱۸ بهمن) ـ افتتاح کتابخانهٔ جدید مجلس شورای ملی از طرف شاهنشاه که از آنجا نیز به مسجد سپهسالار رفته مدتی با روحانیون نیز گفتگو نمودند .

۹ فوریه ـ (۲۰ بهمن) ـ انتشار آئین‌نامهٔ جدید خرده‌مالکان از طرف وزارت کشاورزی و اعلام اینکه وضع خرده‌مالکان با این آئین‌نامه تثبیت میشود .

۱۱ فوریه ـ (۲۲ بهمن) ـ برسمیت شناختن دولت جدید عراق : وزیر خارجهٔ ایران اعلام کرد که رژیم تازهٔ عراق را (بریاست عبدالسلام عارف که حکومت عبدالکریم قاسم را روز ۱۹ بهمن برانداخته بود و قاسم کشته شده بود) دولت ایران برسمیت شناخته و بارگیری کشتیهای نفتکش در آبادان نیز که بسبب کودتای عراق متوقف شده بود آغاز گشته است.

۱۸ فوریه ـ (۲۹ بهمن) ـ استعفای کابینهٔ علم : آقای علم استعفا داد و مجدداً مأمور تشکیل کابینهٔ گردید .

۱۹ فوریه ـ (۳۰ بهمن) ـ معرفی دولت جدید : آقای علم هیئت دولت جدید را بحضور شاهنشاه معرفی کرد .

۲۰ فوریه ـ (اول اسفند) ـ برنامهٔ جدید دولت اعلام شده نخست وزیر اظهار کرد که افسانهٔ ورشکستگی دولت که مخلوق دولت سابق (دکتر امینی) بوده بی‌اساس است ـ در نحوهٔ تقسیم اعتبارات سازمان برنامه تجدید نظر شده و اعتبارات زیادی به کشاورزان و خرده مالکان داده خواهد شد ـ انتخابات باکارت الکترال بعمل خواهد آمد و تجدید نظر در قوانین دادگستری نیز جزء برنامهٔ دولت است .

۲۸ فوریه ـ (۹ اسفند) ـ تظاهرات زنان : عده‌ئی از زنان پایتخت در کاخ مرمر برای سپاسگزاری از تصمیم شاهنشاه در مورد اعطای حقوق زنان اجتماع کردند و شاهنشاه بیاناتی در این مورد ایراد کرده و گفتند : «انقلاب ما بدون آزادی زنان کامل نبود و با این انقلاب ما از عقب‌افتادگی وحشتناك باسرعت عجیبی درصفوف اولیهٔ اجتماع متمدن قرن بیستم پرتاب شدیم و بادادن حق رأی به بانوان ایرانی آخرین ننگ اجتماعی ما برداشته شد و آخرین زنجیر را پاره کردیم .»

۲ مارس ـ (۱۱ اسفند) ـ قانون اساسی جدید : نخست‌وزیر طی بخشنامه رسماً بفرمانداریها و استانداریهای سراسر کشور اعلام کرد که مواد ششگانه که روز ششم

بهمن به تصویب ملی رسیده است قانون اساسی جدید ایران است واولین وظیفهٔ استانداران و فرمانداران اجرای دقیق مواد ششگانه است .

۳ مارس ـ (۱۲ اسفند) ـ اعطاء حق نمایندگی زنان : هیئت دولت تصویب نامهٔئی صادر کرد که طبق آن حق انتخاب شدن و نمایندگی زنان در مجلسین سنا و شورا بایشان داده شده و بند اول از ماده دهم و بند دوم از ماده سیزدهم قانون انتخابات مبنی برمنع زنان از انتخاب کردن و انتخاب شدن لغو گردیده وکلمهٔ **«ذکور»** نیز از مواد ۶ و ۹ قانون انتخابات حذف شد و دولت باستناد قانون اساسی حق رأی دادن وانتخاب شدن برای بانوان ایران را برسمیت شناخت .

۱۰ مارس ـ (۱۹ اسفند) ـ ورود جان مك کلـوی : جان مك کلـوی مشاور مخصوص کندی بـه تهران وارد شده در خلال ۴۸ ساعت توقف خود با مقامات دولتی بـه مذاکره پرداخت وطرح توسعه و مسئلهٔ سرمایه گذاری خارجی را درایران نیز مورد بحث قرار داد .

۱۱ مارس ـ (۲۰ اسفند) ـ استعفای وزیر کشاورزی : دکتر ارسنجانی از پست خود استعفا کرده و مورد قبول واقع شد و وی چند روز بعد عازم اروپا گردید. نخست وزیر در مصاحبهٔ مطبوعاتی اظهار کرد که بادکتر ارسنجانی دربارهٔ مسائل اقتصادی توافق نظر نداشتیم .

۱۱ مارس ـ (۲۰ اسفند) ایران حکومت جدید سوریه را برسمیت شناخت .

۱۱ مارس ـ (۲۰ اسفند) ـ کشته شدن یاغیان جنوب : استاندارفارس اعلام کرد که عده‌ئی از یاغیان و اخلال گران جنوب که درکوهها به کشت تریاك مشغول شده و بتحریك مخالفین اصلاحات ارضی به زدوخورد دربرابر نیروهای دولتی پرداخته بودند در جنگ با نیروهای دولتی کشته شده‌اند .

۱۲ مارس ـ (۲۱ اسفند) ـ دومین نوزاد سلطنتی پا بعرصهٔ وجود گذاشت و طبق اعلامیهٔ دربار در روز۲۶ اسفند درمراسم نامگذاری بنام شاهدخت معصومهٔ فرحناز پهلوی نامگذاری شد .

۱۲ مارس ـ (۲۱ اسفند) ـ یاغیان جنوب : نظارت درعملیات نظامی درفارس دربرابر اشرار و رفع غائله جنوب به سپهبد آریانا واگذاشته شد .

وزیر کشاورزی : سپهبد ریاحی بسمت وزیر کشاورزی منصوب گردید.

۱۳ مارس ـ (۲۲ اسفند) ـ گشایش سد محمد رضا شاه پهلوی از طرف شاهنشاه : این سد که ششمین سد بزرگ جهان محسوب گردید با تشکیل دریاچه‌ئی بطول ۶۰ کیلومتر ۱۴۵۰۰۰ هکتار اراضی خوزستان راآبیاری میکند ونیروی برقی معادل ۵۲۰

هزار کیلووات یعنی برابر برق سراسر کشور تولید مینماید. نوع سدقوسی بتونی ارتفاع ۲۰۳ متر (مرتفع ترین سد خاورمیانه) و ۲/۵ میلیون متر مکعب ظرفیت دارد. سطح مخزن ۳۶۰۰ هکتار طول تونل فرعی آن ۶۵۰۰ متر و طول تونل انحرافی آن ۶۷۰ متر است.

۱۳ مارس ـ (۲۲ اسفند) ـ اعتبار کشاورزی : ۲۰۰ میلیون تومان به بانك اعتبارات کشاورزی اعتبار داده شد.

نمایشگاه خوراك و پوشاك ایران پایان یافت.

۱۴ مارس ـ (۲۳ اسفند) ـ سفر پادشاه وملکهٔ دانمارك به ایران : دربار شاهنشاهی اعلام کرد که اعلیحضرتین پادشاه و ملکهٔ دانمارك روز ۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۲ به ایران وارد میشوند و سه روز میهمان شاهنشاه خواهند بود.

دین راسك ـ اعلام شد که دین راسك وزیر خارجهٔ امریکا در بهارسال بعدبایران میآید.

۲۳ اسفند ـ طرح حل اختلاف خانوادگی : اعلام شد که طرحی در ۵ ماده در وزارت دادگستری برای حل اختلاف خانوادگی از طرف کمیسیون مربوط تهیه شده است.

۱۶ مارس ـ (۲۵ اسفند) ـ سقوط هواپیمای لبنانی حامل ۶ تن فرش در ۲۵ کیلومتری فرودگاه مهرآباد که دونفرسرنشینان آن تلف شده وقسمت زیادی از فرش‌ها سوخت.

۲۵ اسفند ـ بانوان : وزیر کشاورزی اعلام کرد که بانوان میتوانند خرده مالك باشند وحقوق آنها مثل مردها محترم است.

وزیر دادگستری اعلام کرد که حق طلاق همچنان دردست مردها خواهد بود.

۱۷ مارس ـ (۲۶ اسفند) ـ کشف منطقهٔ نفتی : طبق اعلام کنسرسیوم نفت ایران یك منطقه بزرگ نفتی درجنوب کشف شده چاه شمارهٔ ۳ منطقه **بی بی حکیمه** به نفت رسید.

ایران و شوروی : سفیر کبیر ایران در مسکو اعلام کرد که به مذاکرات ایران و مسکو خوشبین است و باهمکاری شوروی برروی رودخانهٔ ارس سدبسته میشود واز آب وبرق آن استفاده خواهد شد.

توفان در خلیج فارس : توفان شدید سواحل خلیج فارس تا مصروسواحل خاوری مدیترانه کلیهٔ ارتباطات هوائی و زمینی ودریائی را قطع کرد ودرکویت تمام مدارس بحال تعطیل درآمد.

۱۸ مارس ـ (۲۷ اسفند) مسافرت وزیر خارجهٔ انگلیس بایران : اعلام

شدکه لردهیوم روزهای ۱۲ و ۱۳ اردیبهشت درتهران با مقامات ایرانی بهمذاکره خواهد پرداخت .

۲۷ اسفند ـ وام به خرده مالك: اعلام شدکه طبق تصمیم هیئت بانك اعتبارات کشاورزی بهرخرده مالك در فارس یکصد هزار ریال وام داده میشود .

ورزش ـ وزنه‌برداران ایرانی درمسابقات وزنه‌برداری درمسکو مقام چهارم را بدست آوردند .

۴۵ نفر ورزشکاران ایرانی با قطار بطرف مسکو حرکت کردند .

۱۹ مارس ـ (۲۸ اسفند) ـ اشرارفارس : ۱۰۹ نفر از اشرار فارس درزدوخورد با نیروی دولتی بقتل رسیده و مجروح شدند .

عفو زندانیان : ۲۰۰ نفرزندانیان عادی ومحکومان دادرسی ارتش به مناسبت سال جدید مشمول عفوو بخشودگی گردیدند .

۲۰ مارس ـ (۲۹ اسفند) ـ تقسیم املاك اشرارفارس: املاك حبیب‌الله شهبازی یکی از سردستگان غائلهٔ فارس بین رعایا تقسیم گردید .

وزیر کشور اعلام کردکه کسانیکه ازراه نهضت ملت ایران منحرف شوندبعنوان خائن مجازات میشوند.

مسافرت رئیس شورایعالی شوروی به ایران : سفیر کبیر ایران اعلام کرد که **برژنف** رئیس شورایعالی شوروی از ایران و شاهنشاه دیدن خواهندکرد وبزودی موقع مسافرت ایشان اعلام خواهد شد ✍

برای سهولت مراجعه

جدول خلاصهٔ ادوار تاریخی ایران و تعداد سالهای سلطنت هر سلسله

(شامل ۳ دورهٔ تاریخی و ۲۴ سلسلهٔ اصلی)

(الف) دورهٔ باستانی (پیش از اسلام)

۳۴۹۰ سال : (از ۲۸۵۰ ق‌م تا ۶۳۶ ب‌م)

سلسلهٔ ۱ـ سلطنت ایلام	(از ۲۸۵۰ ق‌م تا ۷۰۵ ق‌م)	۲۱۴۵ سال
سلسلهٔ ۲ـ سلطنت مدها	(از ۷۰۵ ق‌م تا ۵۵۰ ق‌م)	۱۵۵ سال
سلسلهٔ ۳ـ سلطنت پارسها (هخامنشی)	(از ۵۵۰ ق‌م تا ۳۳۰ ق‌م)	۲۲۰ سال
سلسلهٔ ۴ـ سلطنت اسکندر	(از ۳۳۱ ق‌م تا ۳۲۳ ق‌م)	۹ سال
سلسلهٔ ۵ـ دورهٔ هرج‌ومرج وسلطنت سلوکیان	(از ۳۲۴ ق‌م تا ۲۴۹ ق‌م)	۷۶ سال
سلسلهٔ ۶ـ سلطنت پارتها (اشکانیان)	(از ۲۴۹ ق‌م تا ۲۲۶ ب‌م)	۴۷۵ سال
سلسلهٔ ۷ـ سلطنت ساسانیان	(از ۲۲۶ ب‌م تا ۶۳۶ ب‌م)	۴۱۰ سال
جمع سالهای تاریخ پیش از اسلام		۳۴۹۰ سال

(ب) دورهٔ حکومت اعراب

۱۸۴ سال : (از ۶۳۶ تا ۸۲۰ ب‌م)

سلسلهٔ ۸ـ خلافت ۳ نفر ازجمله ۴ نفر خلفای بعداز حضرت رسول اکرم (عمر ـ عثمان ـ علی علیه‌السلام)
(از ۶۳۶ ب‌م یعنی تاریخ غلبهٔ عرب برایران تا ۶۶۱ ب‌م) ۲۵ سال

سلسلهٔ ۹ـ خلافت خلفای اموی (بنی‌امیه) (از ۶۶۱ ب‌م تا ۷۴۹ ب‌م) ۸۸ سال

سلسلهٔ ۱۰ـ خلافت اولین ۷ خلیفه از خلفای عباسی ـ تا تجدید استقلال ایران بوسیلهٔ سلسلهٔ طاهریان درسال ۸۲۰ ب‌م
(از ۷۴۹ ب‌م ـ تا ـ ۸۲۰ ب‌م) ۷۱ سال

جمع سالهای حکومت عرب برایران ۱۸۴ سال

(ج) دورهٔ پس از اعراب

شامل ۷ عصر : ۱۱۵۸ سال (تا سال ۱۹۶۶ میلادی)

(عصر اول) عصر فئودالیسم و سلسله‌های کوتاه مدت ایرانی

(۸۲۰ – ۱۰۳۷ ب‌م یعنی تا ظهور سلاجقه) ۲۱۷ سال

(که غالباً معاصر یکدیگر بوده و هریك در قسمتی از ایران حکومت داشتند بشرح زیر :)

نام سلسله	سالهای حکومت (ب‌م)	حوزهٔ حکومت	مدت حکومت
سلسلهٔ ۱۱ـ طاهریان (نیمه‌مستقل) شامل دورهٔ هرج و مرج و شورش در تمام ایالات ایران غیر از مرو و خراسان ۸۶۱-۸۷۰ ب‌م (۱۰ سال)	۸۲۰–۸۷۲ ب‌م (محاصرهٔ بغداد بوسیلهٔ ترکها و قتل و عزل و نصب خلفا)	خراسان ـ مرو ـ سیستان ـ بلوچستان	۵۲ سال
سلسلهٔ ۱۲ـ صفاریان (اولین سلسلهٔ مستقل پس از عرب)	۸۷۰–۸۹۲ ب‌م	سیستان ـ افغانستان ـ فارس ـ کرمان	۲۲ سال
سلسلهٔ ۱۳ـ سامانیان (اعقاب ایشان تا یك قرن بعد نیز در نواحی بخارا حکومت داشتند)	۸۷۴–۹۰۳ ب‌م	بلخ ـ سمرقند ـ فرغانه هرات ـ بخارا خراسان ـ سیستان	۳۰ سال
سلسلهٔ ۱۴ـ آل زیار	۹۲۰–۱۰۴۲ ب‌م	مازندران (طبرستان) اصفهان ـ همدان تا حلوان	۱۱۵ سال
سلسلهٔ ۱۵ـ دیلمیان (آل بویه) (خلفای بغداد در این دوره ضعیف و بیشتر آلت دست سلاطین این سلسله بودند)	۹۳۲–۱۰۵۵ ب‌م	ری ـ گیلان ـ همدان ـ فارس ـ گرگان ـ خوزستان	۱۲۳ سال
سلسلهٔ ۱۶ـ غزنویان	۹۶۲–۱۱۸۶ ب‌م	خراسان ـ سیستان افغانستان ـ کرمان هندوستان	۲۲۴ سال

(عصر دوم) عصر ترکان سلجوقی

سلسلهٔ (۱۷)

(۱۰۳۷ - ۱۲۲۰ ب‌م)

حوزهٔ حکومت از مدیترانه تا ترکستان شامل تمام خاك ایران ۱۸۳ سال

ترکان سلجوقی حکومت ایالات قلمرو خود را بین اقوام و کسان خود تقسیم نموده تشکیل سلسله‌های کوچك مستقل دادند بشرح زیر :

	نام سلسله	سالهای حکومت ب‌م	حوزهٔ حکومت	مدت حکومت
۱	**سلاجقهٔ کرمان**	۱۰۴۱-۱۱۸۷ ب‌م	کرمان	۱۴۶ سال
۲	**سلاجقهٔ غور**	« ۱۱۴۸-۱۲۱۵	افغانستان-هرات-غزنه	۶۷ «
۳	**سلاجقهٔ خوارزم** (خوارزمشاهیان)	« ۱۱۳۸-۱۲۱۶	خیوه-بخارا-	۷۸ «
۴	**قراختائیان**	« ۱۱۲۳-۱۲۱۸	خوارزم تا حدود سیبری شامل آسیای مرکزی	۹۵ «
۵	**ترکان غز**	« ۱۱۵۳-۱۲۰۴	ترکستان-بلخ-مرو-خراسان-سمرقند-کرمان	۵۱ «
۶	**اتابکان فارس** (سلغریان)	« ۱۱۴۸-۱۲۸۷	فارس	۱۴۰ «
۷	**اتابکان آذربایجان**	« ۱۱۳۶-۱۲۲۵	آذربایجان	۸۹ «
۸	**اتابکان لرستان**	« ۱۱۴۸-۱۳۳۹	لرستان	۱۹۱ «

(عصر سوم) عصر سلطنت مغول و فئودالیسم

(۱۲۲۱-۱۴۹۹ ب‌م) شامل دوسلسله بشرح زیر : ۲۷۸ سال

سلسلهٔ (۱۸) سلسلهٔ چنگیزخان و فئودالیسم : بشرح زیر :

	نام سلسله	سالهای حکومت ب‌م	حوزهٔ حکومت	مدت حکومت
۱	**حکومت چنگیزخان**	۱۲۲۱-۱۲۲۷ ب‌م	شامل تمام سرزمین ایران	۷ سال
۲	**جانشینان چنگیز** (هلاکو و ایلخانیان)	« ۱۲۲۷-۱۳۳۸	« « « «	« ۱۱۱
۳	**ایلخانیان دست نشانده**	« ۱۳۳۵-۱۳۴۹		« ۱۵
۴	**سلسلهٔ جلایر**	« ۱۳۳۶-۱۴۱۱	آذربایجان-موصل-دیاربکر-عراق	« ۷۵
۵	**سلسلهٔ مظفریان**	« ۱۳۱۳-۱۳۹۳	فارس-کرمان-اصفهان (وچندی نیز در تبریز و بغداد)	« ۸۰
۶	**کردان هرات** (از نژاد عورها)	« ۱۲۴۵-۱۳۸۹	هرات-سیستان	« ۱۴۴
۷	**سربداران** (فرقه‌ئی از دراویش ایرانی)	« ۱۳۳۷-۱۳۸۱	سبزوار-سمنان-دامغان	« ۴۵

سلسلهٔ (۱۹) سلسلهٔ تیموریان و فئودالیسم بشرح زیر :

	نام سلسله	سالهای حکومت ب‌م	حوزهٔ حکومت	مدت حکومت
۱	**سلسلهٔ تیمور** (ازهنگام فتح خوارزم ببعد)	۱۳۶۹--۱۴۹۹ ب‌م	شامل تمام سرزمین ایران	۱۳۰ سال
۲	**سلسله قراقوینلو**	« ۱۳۷۸--۱۴۶۹	ارمنستان و آذربایجان	۹۰ «
۳	**سلسله آق‌قوینلو**	« ۱۳۷۸--۱۵۰۲	بین‌النهرین-دیاربکر و باختر ایران	۱۲۴ «
۴	**سلسله شیبانی** (بنام سلطنت ازبك)	از ۱۵۰۸ تاهنگام تصرف دولت روسیهٔ تزاری	خوارزم-ترکستان-سمرقند-بخارا	حدود ۴۰۰ سال

(عصر چهارم) سلسلهٔ صفوی

سلسلهٔ (۲۰)

(از ۱۴۹۹ تا ۱۷۳۶ ب‌م) ۲۳۸ سال

حملهٔ افغانها در ۱۷۲۲ و حکومت آنها تا سال ۱۷۳۰ ب‌م و جنگ‌های نادر تا قبل از سلطنت ۸ سال

(عصر پنجم) عصر سلسله‌های افشاریه و زندیه و فئودالیسم

سلسله های (۲۱ و ۲۲)

(از ۱۷۳۶ تا ۱۷۹۴ ب‌م) بشرح زیر : ۶۱ سال

۱ـ **سلسلهٔ افشاری** (۱۷۳۶-۱۷۴۷ ب‌م) ۱۲ سال

(تا پایان سلطنت فتحعلیشاه نوه‌های نادر در خراسان امارت داشتند)

۲ـ **دورهٔ هرج و مرج پس از نادر** ۴ سال

۳ـ **سلسلهٔ زندیه** (۱۷۵۰-۱۷۹۴ ب‌م) ۴۵ سال

(عصر ششم) عصر سلسلهٔ قاجاریه

سلسلهٔ (۲۳)

(۱۷۹۴ - ۱۹۲۵ ب‌م) ۱۳۲ سال

(عصر هفتم) عصر سلسله پهلوی

سلسلهٔ (۲۴)

(از اول سال ۱۹۲۶ تا سال ۱۹۶۶ ب‌م هنگام نشر این کتاب) ۴۱ سال

جمع سالهای تاریخ بعد از اسلام بشرح زیر :

(دورهٔ عرب ۱۸۴ سال ـ دورهٔ پس از عرب تا امروز ۱۱۵۸ سال) ۱۳۴۲ سال

جمع سالهای تاریخ پیش از اسلام ۳۴۹۰ «

جمع کل سالهای تاریخ ایران تا سال ۱۹۶۶ میلادی ۴۸۳۲ سال

پایان

تصحیح کنید

صفحه ۷۷ ـ سطر ۹ کلمهٔ **خدیجه** غلط و **حفصه** صحیح است

صفحه	سطر	صحیح
۱۴۱	۴	۱۶۲۹-۱۵۸۷
۳	۱۶	سودمند
۷	۱	تغییر

توضیح

سبب اینکه درصفحات ۷۷ تا ۷۹ و صفحه ۳۱۹ نامی از ابوبکر برده نشده و تنها نام ۳ نفر از خلفای راشدین آمده این است که ایران در زمان خلافت عمر بتصرف اعراب درآمده و ابوبکر برایران حکومت نداشته و ذکرشرح خلافت وی درکرونولوژی «**تاریخ ایران**» موردی نداشته‌است

بها : ۲۰۰ ریال

اسفندماه ۱۳۴۵

CHRONOLOGY

of the

HISTORY OF IRAN

2850 B. C – to – 1963 A. D.

A Comprehensive Chronology of the History of Iran and the History of the Iranian Constitution

by

Dr. Bahaeddin Pazargad

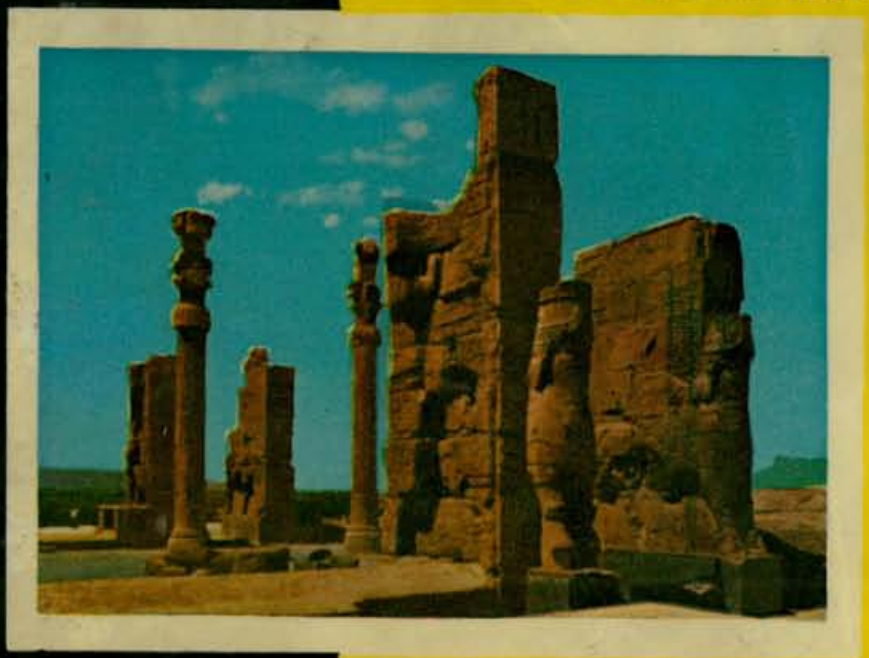
Published by :
ESHRAAGHI Bookshop,
Shah Abad Ave.
Tehran.

CHRONOLOGY OF THE HISTORY OF IRAN

2850 B. C - to - 1963 A. D.

by

Dr. Bahaeddin Pazargad







بها : ۲۰۰ ریال